



محاكمه و دفاعیات
سید مصطفی تاج زاده

داکیومنت

به روایت بابک داد

XXXXXX

طرح نو

فہرست
مجموعی



رأی مردم

محاکمه و دفاعیات سیدمصطفی تاجزاده

به روایت بابک داد



انتشارات طرح نو

خیابان خرمشهر (آبادانا) - خیابان نوبخت
کوچه دوازدهم - شماره ۱۰ تلفن: ۸۷۶۵۶۳۴

رأی مردم (محاكمه و دفاعیات سیدمصطفی تاجزاده) • به روایت: بابک داد • مدیر هنری و طراح
جلد: بیژن صیفوری • حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۸۰ • شمارگان: ۳۳۰۰ جلد • قیمت: ۲۴۰۰ تومان
همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۶۴-۷۱۳۴-۱۸-۵ ISBN: 964-7134-18-5

تاجزاده، سیدمصطفی
رأی مردم: محاكمه و دفاعیات سیدمصطفی تاجزاده / به روایت بابک داد. - تهران:
طرح نو، ۱۳۸۰.
۳۵۸ ص. - (فرهنگ عمومی)
۱. تاجزاده، سیدمصطفی - محاكمه‌ها. ۲. محاكمه‌های سیاسی - ایران - تهران.
الف. داد، بابک. ب. عنوان. ج. عنوان: محاكمه و دفاعیات سیدمصطفی تاجزاده.
۹۵۵۰۸۲۰۹۲ DSR ۱۶۷۰ / ۲ ر ۲
۱۳۸۰

فهرست

□ دیباچه

۹

فصل اول: محاکمه

۱۹	زمستان اصلاحات
۲۳	دو حضاریه در یک هفته
۲۵	«افتضاح بزرگ سیاسی»
۲۷	تأیید انتخابات تهران؛ ابطال ۷۲۶ هزار رأی
۲۹	آغاز پیگرد قانونی ستاد انتخابات کشور
۳۰	حادثه غیرمترقبه آستانه انتخابات
۳۲	درباره قاضی دقیقی
۳۳	تفهیم اتهام اولیه
۳۷	درباره گزارش سازمان بازرسی کل کشور
۳۹	نشست غیرعلنی مجلس
۴۰	«حتماً باید یکی دراز شود؟»
۴۳	«سنگ و کلوخ دعوای سیاسی...»
۴۴	الزامات شرعی و اخلاقی مسؤولان انتخابات
۴۶	توصیه به «دوستان جناح دولتی!»
۴۸	«برای خود ذهنیت درست نکنید آقای تاجزاده!»
۴۹	نگاه «گل آقایی» به تقلب انتخاباتی تاجزاده
۵۱	ملاقاتی، پشت درهای بسته
۵۲	جلسه چهارم؛ اعتراض و ترک دادگاه

۵۵	درگیری لفظی «مطلع» با «متهم»
۵۷	«او، این جایگاه را رفعت داد...»
۵۹	«به نام خدای منتقم متجاوزین به حقوق مردم»
۵۹	«آفرین بر دوستان قضایی مان...»
۶۰	تحلیل دادگاه و مسائل روز توسط تاجزاده
۶۳	«از این نمد، کلاهی نخواهند ساخت»
۶۳	«خداحافظی» به بهانه سفر
۶۴	انتقاد خاتمی از «مصونیتهای آهنین»
۶۷	جلسه پنجم، علنی و باز
۸۳	«نماینده آیت الله جنتی را بشناسید!»
۸۴	«شورای نگهبان، حق ابطال ندارد»
۹۱	تحلیل تاجزاده از دادگاه پنجم
۹۲	جلسه ششم، اظهارات مهم نماینده مدعی العموم
۹۷	متهم اصلی آقای جنتی است
۱۰۶	یک سند جدید؛ گواهی سه وزیر
۱۰۷	ادامه ششمین جلسه دادگاه، بعدازظهر
۱۱۳	توضیح رئیس هیأت بازرسی انتخابات
۱۱۳	شگفتی یک اظهار نظر
۱۱۴	جلسه هفتم دادگاه، توجه اتهام به سوی شورای نگهبان
۱۱۹	«درود بر قاضی شجاع، قاضی خوب»
۱۲۰	«همه چیز این دادگاه زیبا بود...»
۱۲۱	دفاعیه کتبی تکمیلی
۱۲۴	بیانیه تحلیلی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
۱۲۶	نامه سرگشاده تاجزاده به هاشمی شاهرودی
۱۲۷	آخرین دفاعیات در دادگاه هشتم
۱۳۰	دفاعیات حقوقی وکیل
۱۳۴	«صریح تر از این نمی شد»
۱۳۵	اظهار نظر یک کارشناس قضایی
۱۳۶	منتقدان و نقد تاجزاده

۱۳۸	گزارش وزیر کشور به مجلس
۱۴۱	تاج‌زاده: «تبرئه می‌شوم»
۱۴۲	واکنش شورای نگهبان به وزیر کشور
۱۴۴	پاسخ وزارت کشور به شورای نگهبان
۱۴۴	گواهی هیأت اجرایی انتخابات
۱۴۵	یک احضاریه مبهم
۱۴۷	بالاخره، حکم صادر شد
۱۴۹	درباره سرعت کم نظیر دادرسی
۱۵۱	«در دادگاه ملت، تبرئه شدم»
۱۵۲	شوک عمومی، حتی منتقدان!
۱۵۳	بیانیه دادگستری تهران
۱۵۴	در کمیسیون اصل ۹۰ چه گذشت؟
۱۵۶	گمانه‌زنیها درباره تجدید نظرخواهی
۱۵۸	تحلیل بهزاد نبوی از محاکمه
۱۵۹	دفاع «نوری‌زاد» از فرماندار تهران
۱۶۲	عصر ما و تحلیلی از دادگاه
۱۶۵	واکنش دو حزب سیاسی
۱۶۶	ادامه موج اظهار نظرها
۱۶۷	امین‌زاده: نگاهی به بیرون
۱۷۰	و اما پیش‌بینی آینده تاج‌زاده توسط بادامچیان
۱۷۳	تردیدهایی برای تجدید نظرخواهی
۱۷۵	نامه اعتراض آمیز به آیت‌الله شاهرودی

فصل دوم: گفت‌وگو

۱۸۷	مقدمه یک گفت‌وگو
۱۸۷	«زیر باران ایستاده‌ام»
۱۹۰	گفت‌وگو با سیدمصطفی تاج‌زاده
۲۳۲	عضوی از آن «ایران کوچک»

فصل سوم: ضمانت و پیوستها

- ۲۳۹ ۱. روزشمار «وقایع یک محاکمه»
- ۲۴۷ ۲. بخشی از گزارش سازمان بازرسی کل کشور
- ۲۴۷ ۱. راجع به صندوقهای دارای ایراد شکلی
- ۲۴۸ ۲. در خصوص صندوقهای دارای ایراد ماهوی
- ۲۴۹ ۳. سوء جریانات و نارساییها
- ۲۵۳ ۳. نامه منتشرنشده به آیت الله جنتی
- ۲۸۷ ۴. متن لایحه تجدید نظرخواهی
- ۳۱۳ ۵. نامه دیگر به آیت الله شاهرودی
- ۳۳۱ پاسخ آیت الله شاهرودی
- ۳۳۳ ۶. نامه به رئیس سازمان بازرسی کل کشور
- ۳۴۵ □ پی گفتار
- ۳۵۳ □ نمایه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیباچه

تلاش برای صیدِ «گوهر حقیقت»

داستان ورود من به ماجرای محاکمه آقای تاجزاده در یکی از روزهای میانی بهمن ماه ۱۳۷۹ شروع شد. از همان روزی که به ایشان تلفن کردم تا درباره یکی از دستگاههای فرهنگی کشور گلایه ای کنم و بخواهم به آن دستگاه فرهنگی توصیه ای کند. آن روز، از آقای تاجزاده، که هنوز جزو معدود مسئولان است که گوش شنوایی برای شنیدن گلایه و انتقاد دارد، خواستم که به مسئولان آن دستگاه فرهنگی تذکر دهد؛ نسبت به سوء استفاده هایی که از دوم خرداد در زیرمجموعه آن می کنند، با حساسیت شایسته ای مواظبت کنند تا بیش از این مرتکب خطاهای بیشتری نشوند؛ آن اندازه که دستاوردهای دوم خرداد را به حراج بگذارند. تقدیر این بود که آن هشدار دردمندانه، که در قالب یک تماس تلفنی کوتاه و پس از ماهها صورت می گرفت، به ورود من به ماجرای محاکمه آقای تاجزاده منتهی شود. بابت صفای وجودش، که بی ریا و مسئولانه، هنوز قوه شنوایی خود را حفظ کرده است.

این چنین بود که من، به عنوان یک گزارشگر، به دادگاه رفتم تا از نزدیک بتوانم همه چیز را ببینم. و با خود قرار گذاشتم که اگر شرایط اقتضا کرد، مشاهداتم را از روند محاکمه او منتشر کنم. اما درست از همان لحظه ای که این مسئولیت را پذیرفتم، باورم این بود که ضرورت است، بی طرفانه و بدون هیچ جهت گیری خاصی، به ثبت و ضبط جریان محاکمه آقای تاجزاده مشغول شوم. و از همان روز، تردید و وسواسی کم سابقه، مرا دربر گرفت: «آیا آقای تاجزاده مرتکب خیانت و خدشه و تخلف در رأی مردم شده است یا نه؟»

پاسخ به این سؤال دو گزینه مقدّر دارد: «بله» و «نه»، بی آن که شکل سومی داشته باشد. این سؤال روزها و شبهای متوالی، تا مدتها ذهنم را به خود مشغول کرده بود. و بعد از ماهها کشمکش نهادهای مسؤول برگزاری انتخابات، تا نیمه بهمن ماه ۱۳۷۹، این سؤال همچون یک معادله مشکل چند مجهولی، ذهنم را با انبوهی از پرسشهای جدید درگیر می کرد. خیانت و مخدوش کردن آرای مردمی که روز ۲۹ بهمن سال ۱۳۷۸، بعد از کلی تحقیق و وسواس، نام سی نفر از نامزدهای مورد نظرشان را به صندوقهای رأی ریختند و بعد از سپری شدن هفته های پراضطراب دریافتند که قریب ۷۲۶ هزار رأی آنان باطل شده است، راستی که خیانت کمی نیست. چشاندن مزه تلخ ناکامی به ذائقه مردمی که تازه در ایستگاههای اولیه اعمال مردمسالاری خود به سر می برند، کاری بس ناجوانمردانه است. به تأخیر انداختن تجربه های یک ملت در مسیر مردمسالاری.

کسی نمی داند، شاید آرای من و شما و نزدیکانمان هم جزو همان باطله ها باشد. پس قضاوت اولیه و بی پایه درباره این که آیا سیدمصطفی تاجزاده به رأی مردم، خیانت کرده یا نه، کار آسانی نیست. باید تا پایان دادگاهی که برای رسیدگی به این اتهام بزرگ، و برای محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور تشکیل شده بود، انتظار می کشیدیم و هم زمان با روند دادگاه، از نزدیک به ادله دادستان و قاضی و دفاعیات متهم و محتویات پرونده دقت می کردیم، تا همه چیز روشن شود؛ همه چیز.



هرگز راضی نشده ام که به همین راحتیها درباره مردان عرصه سیاست قضاوتی کنم و بخصوص، پیشاپیش درباره افراد حکمی قاطع بدهم. پذیرفته ام که آدم، آدم است. و «سیاست»، عرصه ای است که غالباً نسبتی متضاد با «اخلاق» دارد. آن گونه که غالباً آدمهای متفاوت، در برابر رخدادهای عرصه سیاست، واکنشهای متفاوتی نشان می دهند که گاهی بسیار تعجب انگیز و حیرت آور است و به سیاسی کاری مبتلا می شوند که عارضه شایعی است. گرچه حداقل در دوران و عصری که ما در آن زندگی می کنیم، چند نمونه نادر را به چشم خود دیده ایم و باور کرده ایم که مردانی هم بوده و هستند که از دریچه «اخلاق» و «فرهنگ» به عالم سیاست وارد شده و در

آن فعالیت کرده‌اند و هرگز به «سیاسی‌کاری» مبتلا نشده‌اند. بلکه برعکس، به «سیاستمداران بااخلاقی» تبدیل شده‌اند که به لطف متانت روان و طبع بلند خود، زمختیهای سیاست را لطیف ساخته و به آن آبرو بخشیده‌اند. گرچه، سرنوشت محتوم این گروه قلیل چنان رقم خورده که غالباً مجال زیادی برای باقی ماندن در عرصه بی‌رحم سیاست نداشته‌اند.

اینک آیا باید تنها به صرف آشنایی و ارادت پیشین، بی‌آنکه از مفاد پرونده اتهامات او چیزی بدانم و پیش از پایان محاکمه‌اش رأساً حکم به برائت او می‌دادم؟ آن هم فقط به این علت که تاج‌زاده، مرد بسیار بااخلاقی است و سالهاست به عنوان یک «مسئول متواضع و مردمی» و دردآشنا و امثال اینها اعتبار خاصی یافته است؟ با چنین وسواسی، از آغاز قرار گذاشتم که بی‌طرفانه و منصفانه، روند این محاکمه را روایت و گزارش کنم و هرگز با پیشداوری خوب یا بد، ذهن خوانندگان این سطور و ذهن تاریخ را له یا علیه موضوع و پرونده جهت ندهم. پس بیش از هر زمان دیگری لازم بود که تأمل و تفکر کنم. مگر نه این‌که هرکسی از مجریان و ناظران انتخابات در همه دوره‌ها، به جناحی و گروهی و چپی و راستی، وابستگی فکری داشته‌اند؟ و مگر نه این‌که هیچ انسانی در عصر ما معصوم و مصون از تخلف و اشتباه و گناه نیست؟ شخصاً آقای تاج‌زاده را مدت کمی است که از نزدیک می‌شناختم. و از همان مختصر هم، ماهها می‌شد که او را از نزدیک ندیده بودم. پس چرا باید به خود بقبولانم که او در بهمن‌ماه سال ۱۳۷۹، همان آدمی است که در سال ۱۳۷۶ (در جریان انتخابات دوم خرداد) یا قبل از آن می‌شناختم؟ فرض می‌کردم جداً دادگاه بتواند ثابت کند که در گذر این ایام، او تغییرات اساسی کرده و حالا به آدم دیگری با درجه تغییر ۱۸۰ تبدیل شده است. می‌اندیشیدم شاید ادله و مستندات دادگاه آنچنان باشد که بتواند بر همگان ثابت کند که آقای تاج‌زاده در رأی مردم دست برده است! کسی چه می‌داند؟ شاید براساس استدلال و مدارک محکمی، توسط دادگاه ثابت شود که او به زیردستانش واقعاً دستوری داده، و در تخلفی معاونت کرده و خدای ناکرده رأی مردم را جابه‌جا کرده باشد. مگر نه این‌که تاج‌زاده هم یک انسان است و انسان، جایز الخطاست؟

سیل سؤالات گوناگون هر لحظه بر مجهولات این ماجرا می‌افزود. می‌اندیشیدم مگر او هم مثل بسیاری دیگر، نمی‌تواند تخلفی و خیانتی بکند و در عین حال، رندانه لبخند بزند و خود را «حق به جانب» هم نشان بدهد؟ مگر او هم مانند بسیاری دیگر نمی‌تواند حرفهای قشنگ و فریبنده‌ای بگوید و در همان حال، مرتکب خیانت شود و رأی مردم را به سمت و سویی که به آن تعلق خاطر دارد، منحرف کند؟ مگر او قدیس و معصوم است که از گناهانی معمولی از این قبیل مبرا باشد؟ پس اگر «انسان جایز الخطاست»، باید از هرگونه قضاوت و پیشداوری درباره‌ی این که آیا آقای تاج‌زاده در رأی مردم خیانت کرده یا نه، خودداری می‌کردم و بسیار بیش از اینها در ماجرای محاکمه و پرونده‌ی او تحقیق و تأمل می‌کردم.

شبهای پرتردیدی با این «اگرها و مگرها» سپری شدند تا از پنجمین جلسه‌ی محاکمه‌ی آقای تاج‌زاده، که اولین جلسه‌ی اختصاصی محاکمه‌ی او و ضمناً نخستین جلسه‌ی کاملاً علنی دادگاهش بود، توانستم در جلسات دادگاه حضور یابم. و از آن زمان توانستم وقت زیادی را صرف کنم تا همه‌چیز را درباره‌ی پرونده و سابقه‌ی انتخابات و ماجرای شمارش آرا و سایر مستندات دریابم و ثبت کنم؛ همه‌چیز را. آنچنان که حتی از قلم نیندازم که تاج‌زاده هر بار، پیش از حضور در دادگاه، وضو می‌سازد. و خاطرم باشد که «رأی مردم» برای او مقوله‌ای اعتقادی-حیثیتی است. نیز فراموش نکنم که نزد دوست محترمی سوگند جلاله یاد کرد که هرگز به مردم «دروغ» نگفته است: «چه رسد به آن که با اطلاع من در رأی مردم دستی برده باشند...» و اشکهای ناگزیرش را، که به هنگام گفتن این حرفها بی‌اختیار فرومی‌ریختند. باید یادم بماند که او، چگونه تعصبی دارد.



نگارش تاریخ، کاری سخت و دشوار است. حتی اگر این تاریخ، محدود به موضوع مشخصی مانند محاکمه‌ی رئیس ستاد انتخابات کشور باشد و در ظرف زمانی محدودی هم رخ داده باشد. مانند ۴۲ روزی که آقای تاج‌زاده، از سوم بهمن ۷۹ به دادگاه احضار شد و سپس در خلال ده جلسه که به دادگاه شعبه ۱۴۰۳ در خیابان میرعماد تهران آمد و رفت، بالاخره در ۱۴ اسفندماه، حکم محکومیت خود را

دریافت کرد. با همه جمع و جور بودن ظاهری این موضوع است که معتقدم نگارش تاریخ، سخت و طاقت فرساست. برای برآمدن از وظیفه خطیر واقعه نگاری این ماجرا، با وسواسی عجیب، اجباراً، آن قدر به خلاصه گویی و ایجاز و اختصار متوسل شده‌ام، تا مگر محصول نهایی چیزی بشود که مطالعه و قضاوت درباره آن، در حوصله تنگ تاریخ بماند. زیرا در حوصله کم ظرفیت تاریخ نمی گنجد که درباره همه رخدادها و جزئیات وقایع، به تفصیل سخن گفته شود. چه؛ وقتی خود ما، که معاصر با اتفاقات مهمی مثل محاکمه تاج زاده و حتی در متن آن بوده ایم، حوصله پرداختن به جزئیات کم اهمیتی مثل برخورد این، یا سخن آن، یا چشم غره این به آن و تبعیض و تحقیر و بی عدالتی را نداریم، و با آن که می دانیم نقل بعضی اتفاقات، داوری را برای خوانندگان کامل می کند، اما باز به ناچار از ذکر آنها چشم می پوشیم، پس تاریخ چگونه به مسائل امروز ما خواهد نگریست؟ تاریخ کم حوصله ای که از همه افسانه «امیرکبیر» به خط کوتاهی بسنده می کند و حداکثر درباره فرجام او می نگارد: «در حمامی در فین کاشان به قتل رسید». یا درباره فلان شاه یا فلان وزیر یا فلان قاضی القضاات و حاکم، اشاره اش حتی به جمله ای کوتاه یا طعنه ای تلخ هم نمی رسد. راستی برای این تاریخ کم حوصله و پرشتاب، چگونه باید سخن گفت، وقتی نقل برخی مسائل، صبوری و حوصله ای وسیع را طلب می کند؟

جالب است کمی به این مهم بیندیشیم که جای ما در تاریخی که نگاشته خواهد شد، کجاست و سهم ما در آن چقدر است؟ در تاریخی که نسبت به امیرکبیر تا آن اندازه کم طاقت است، به وضوح می شود تصور کرد که از همه این محاکمه جنجالی، چند خط کوتاه در صفحات آن خواهد ماند. و پس از مطالعه این کتاب، خواننده به راحتی می تواند تجسم کند که همان چند خط هم به نقل چه چیزی از این ماجرا خواهد گذشت. باید دید تاریخ درباره دفاعیات تاج زاده از سلامت انتخابات مجلس ششم چگونه قضاوتی خواهد کرد؟ باید دید قضاوت تاریخ چگونه خواهد بود درباره شیوه محاکمه تاج زاده، عیار اتهامات منتسب به او، برخورد های قوه قضائیه، نحوه قضاوت قاضی، مبانی حقوقی حکم صادره و دهها مسأله دیگر. و درباره داعیه همگان درباره جهدی که برای حراست از رأی مردم می کنند. و درباره بسیاری ظرایف دیگر.

تردیدها و دغدغه‌ها، همواره باعث می‌شود تا از دل یک شک منطقی، فرزندی به نام «یقین» به بار آید. «شک» منطقی می‌تواند مادر «یقین» استوار و محکمی باشد، مشروط به این‌که خوانندگان این کتاب، فرصتی را که حاضران در دادگاه، در خلال محاکمه تاج‌زاده، از آن استفاده کردند، بیابند. و موفق شوند که همه اطلاعات لازم درباره این ماجرا را کسب کنند.

در این کتاب نهایت تلاش بر این بوده تا چنان فرصتی برای خوانندگان فراهم گردد. یعنی تا آن اندازه «امانتدارانه» به گزارش رخدادها و واقع‌نگاری روند محاکمه آقای سیدمصطفی تاج‌زاده پرداخته‌ایم که خوانندگان، خود را روی یکی از صندلیهای دادگاه و ناظر بر آن مجسم نمایند. و همه اطلاعات لازم را کسب کنند؛ آن‌قدر که چیزی از قلم نیفتد و خواننده بر زوایای پرونده و فضای سیاسی کشور در آن ایام تسلط یابد. به همین سبب، بارها متن این کتاب کاوش و جست‌وجو شده تا مطلقاً مستند و دقیق باشد. ضمن آنکه از هرگونه جانبداری و پیشداوری پالوده باشد، تا خواننده بعد از پایان مطالعه، آن‌قدر از اطلاعات مفید برخوردار شده باشد، و آن‌قدر بر زوایای موضوع پرونده مسلط شده باشد که بتواند «گوهر حقیقت» را صید کند و قضاوت و داوری شایسته‌ای به عمل آورد.

نویسنده این سطور در مقام گزارشگر، فقط به روایت بخشی از تاریخ معاصر کشورمان پرداخته است، تا بتواند در نهایت، گزارشی به دست دهد که برای خوانندگان امروز و مورخان نسلهای بعد، احتمالاً در حد یک «رفرنس» مورد استفاده قرار بگیرد. و تازه این وقتی رخ می‌دهد که خوانندگان در این واقع‌نگاری، عنصر صداقت و راستی را بیابند و بتوانند با طیب خاطر به آن اعتماد و استناد کنند.

نکته‌ای هم درباره نحوه نگارش کتاب لازم به توضیح است؛ اگر کل ماجرای محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور را مانند هر رخداد دیگری در قالب یک «داستان» ببینیم، باید بگوییم نویسنده این کتاب کوشیده تا براساس قواعدی که «ارسطو» برای «روایتگری» بنیان نهاده، به واقع‌نگاری محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور بپردازد. در حقیقت با شیوه سستی روایتگری، از یک محاکمه و مسائل جانبی آن، نوعی گزارش متنوع تنظیم شده که خواننده را به صورت فعال برای قضاوت

درباره حوادث مرتبط با این محاکمه تشویق و ترغیب کند. همچنین نویسنده در حد بضاعت اندکش کوشیده تا از لحن خشک و خسته کننده‌ای که گزارشهای مستندگونه از این نوع، غالباً بدان دچار می‌شوند، فاصله بگیرد.

خواننده این کتاب با مطالعه بخشهای گوناگون آن همچنین، اشراف دوچندانی نسبت به فضای عمومی کشور یافته و مانند یک هواپیمای نقشه‌برداری، می‌تواند از فراز، به جغرافیای سیاسی کشور در زمان برپایی دادگاه نظر افکند. این‌گونه روایت به نویسنده امکان داده تا با فراغت بیشتری و البته در حد امکان، به حواشی و جزئیات تعیین‌کننده و مؤثر بپردازد و به مرور، آن را به مثابه قطعات یک پازل تکمیل کند. امید است خواننده، ضمن مطالعه کتاب و تکمیل پازل پرونده اتهامی آقای تاج‌زاده، با نگاه به همه دلایل و مدارک موجود، امکان قضاوت همه‌جانبه‌ای نسبت به کلیت موضوع آن بیابد.



اینک انبوهی از اطلاعات درباره پرونده اتهامی آقای تاج‌زاده و سیر محاکمه او در اختیار ما و شما و تاریخ است. خوانندگان، با مطالعه پرونده‌ای که به نوعی ملّی است و با «رأی مردم» عجین و همداستان شده است، می‌توانند درباره آن قضاوت کنند. پیداست که مقوله قضاوت، نه آن‌گونه که «قاضی شارح» افسانه‌ای شهر باشتین می‌گفت، «بسی آسان است» که بتوان گردن «مسگر شوشتی» را بابت «گناه آهنگری» در «بلخ» زد، و نه آن‌طور سخت و دشوار است که «گوهر حقیقت» را از پس مدارک و مستندات چنین پرونده‌ای نتوان کشف کرد.

آنچه مسلم است این که، محاکمه آقای تاج‌زاده سرشار است از عبرتها و درسها و پندها و نکته‌های آموزنده. و آنچنان در نوع خود بی‌نظیر است که شک ندارم برگ مهمی از وقایع این سالها را در دفتر تاریخ رقم خواهد زد؛ حتی اگر تاریخ، چنان‌که گفته شد کم‌طاقت و کم‌حوصله باشد.

بابک داد

اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰

فصل اول



محاكمه

زمستان اصلاحات

هنگامی که در اولین روزهای بهمن ماه ۱۳۷۹، برف کم سابقه‌ای در تهران و حتی بسیاری شهرهای گرمسیری ایران به زمین نشست، چند صبحی از موج جدید احضارها و دستگیریهای فعالان سیاسی کشور می‌گذشت. در همان روزهای سرد، واژه پرایهام «زمستان اصلاحات» نیز به فرهنگ سیاسی کشور پا نهاد و در برخی مطالب مطبوعات رایج شد. بدین ترتیب، برفی که در چهارمین سال «دولت اصلاحات» بر سینه ایران نشست، به اندازه واژه «زمستان اصلاحات» پرمعنا و تأمل‌انگیز بود. اما هم آن برف پس از چند روز به سرعت آب شد و هم گرمی اخباری که در راه بود پروژه «زمستان اصلاحات» را به همان سرعت از یادها برد.

روز سوم بهمن ماه ۱۳۷۹، تیر اول و دوم بسیاری از مطبوعات به جنجالی‌ترین محاکمه در طول سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص یافت. این موضوع آنچنان داغ و جنجالی بود که سرمای زمستانی را به سرعت به بوته فراموشی سپرد و چشمها و ذهنها را متوجه دادگاهی در خیابان میرعماد تهران کرد: «مجتمع قضایی ویژه جرائم کارکنان دولت»؛ جایی که محاکمات جنجالی دیگری در آن روی داده و در این سالها، غالباً، مرکز توجه مطبوعات و افکار عمومی بوده است. این مرتبه اما، جنس توجه و تأملها کمی متفاوت بود. شاید جمله‌ای که در جلسات بعدی دادگاه از سوی سیدمصطفی تاج‌زاده بیان شد، تا حدودی بتواند علت تفاوت و تمایز این دادگاه را شرح دهد: «در این دادگاه، من به عنوان متهم از سلامت انتخابات نظام دفاع می‌کنم» و این، پارادوکس کم‌اهمیتی نبود.

ماجرای محاکمه سیدمصطفی تاج‌زاده، معاون سیاسی وزیر کشور، که از آغاز

تشکیل دولت آقای سید محمد خاتمی به این سِمَت برگزیده شده و در طول مسؤولیتش، انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان رهبری، اولین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و ششمین دوره مجلس شورای اسلامی را با عنوان «رئیس ستاد انتخابات کشور» برگزار کرده، خیلی زود به جنجال تبدیل شد. آن گونه که یک روزنامه صبح از عبارت دوپهلویی استفاده کرد و در صفحه اول خود تیر زد: «نوبت به تاجزاده رسید».



اولین بار گزارشگر فرانسوی مجله فیگارو از عبارت «زمستان اصلاحات» بهره برد. او در گزارشی از اوضاع سیاسی ایران نوشت: «وضعیت سیاسی ایران با فشار قوه قضائیه روز به روز تغییر می کند». گزارشگر فیگارو با اشاره به احکام دادگاه کنفرانس برلین، دستگیری دو روزنامه نگار، بازداشت موقت نماینده همدان و محاکمه تاجزاده معاون وزیر کشور، اوضاع را در ایران به «زمستان اصلاحات» تعبیر کرد.

اما برخلاف تعبیر فیگارو، زمستان اصلاحات، مانند هر فصل سردی، زودگذر بود و چندان دوام نیاورد و با پایان سفر رئیس جمهور خاتمی به شیراز، حتی رو به گرمی نهاد و محاکمه سید مصطفی تاجزاده گرمای آن را افزایش داد. در پایان سفر آقای خاتمی به شیراز، محافظه کاران به نتیجه ای کاملاً برعکس آنچه که قبلاً پیش بینی کرده بودند دست یافتند. پیش از سفر شیراز، و در پایان همایش «انتخابی دیگر»، که جمعیت مؤتلفه اسلامی به عنوان مهمترین تشکل منتقد دولت آن را برگزار کرده بود، مهندس سید محسن یحیوی، نماینده سابق مردم تهران در مجلس و از منتقدان دولت سید محمد خاتمی، پیش بینی کرد که در سفر شیراز، رئیس جمهور خاتمی انصراف خود را از نامزدی برای تجدید دوره ریاست جمهوری اش اعلام خواهد کرد. سفر به شیراز کمترین نشانه ای از تحقق آن پیش بینی به همراه نداشت و، بنا به گزارشهای گوناگون، از قضا مردم استان فارس برای بار دیگر، با حضوری کم سابقه به استقبال سید محمد خاتمی رفتند. و بار دیگر خاطره استقبال غیرمنتظره ۴ سال پیش از وی را زنده کردند؛ آن ایام که آقای خاتمی، با اتوبوسی سفیدرنگ، اولین سفر دور کشور

خود را با سفر به شیراز آغاز کرد و مردم شیراز با استقبالی کم سابقه اعجاب همگان را برانگیختند.

با بازگشت رئیس جمهور خاتمی از شیراز، منتقدان او سوغاتی مورد نظرشان را دریافت نکردند. اما همزمانی احضار سیدمصطفی تاجزاده به دادگاه حادثه خرم آباد و بلافاصله پس از آن، احضار او برای رسیدگی به «تخلفات انتخاباتی» اذهان را به سوی دیگری متوجه کرد؛ به جایی که یک «حادثه غیر مترقبه انتخاباتی» در شرف وقوع بود.

نام «سیدمصطفی تاجزاده» از همان روزهای پیروزی سیدمحمد خاتمی در خرداد ۱۳۷۶ بر سر زبانها افتاد. اما در بهمن ۱۳۷۹ گزارشگران و خبرنگاران داخلی و خارجی به یاد همگان آوردند که «تاجزاده یکی از چهره‌های مهم اصلاحات در کابینه خاتمی است».

گزارشگران از تاجزاده جمله‌ای نقل کردند: «من یک جرم بیشتر ندارم و آن دفاع از آرای مردم است». و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که آقای تاجزاده یکی از اعضای ارشد آن محسوب می‌شود، محاکمه او را هجوم دیگری علیه دولت سیدمحمد خاتمی تفسیر نمود. و اضافه کرد که «مشکل محافظه کاران، نه چند روشنفکر و اصلاح طلب، بلکه ۲۲ میلیون انسانی است که ۴ سال پیش، در خرداد ۱۳۷۶، سمت‌گیری خود را بیان کردند».

این اشاره مستقیم سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به انتخابات، بار دیگر این سؤال را مطرح می‌ساخت که «محاکمه آقای تاجزاده، آیا مقدمه‌چینی برای پیروزی در انتخابات آینده ریاست جمهوری است؟» و اگر چنین است، مخالفان سیدمحمد خاتمی چه افرادی را برای جانشینی خاتمی در نظر گرفته‌اند؟



می‌توان گفت تقریباً همه چیز از بیست و پنجم آبان ۱۳۷۹ شروع شد. روزی که با حکمی از سوی حجت‌الاسلام موسوی لاری وزیر کشور، سیدمصطفی تاجزاده به ریاست ستاد انتخابات کشور منصوب شد تا تدارک برگزاری هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۰ را فراهم نماید. دور جدید حملات علیه تاجزاده، در حقیقت از فردای همان روز آغاز شد.

تا بهمن ماه به نیمه برسد، چندان حرف و حدیث جدی دربارهٔ گزینه‌های مورد نظر محافظه کاران برای انتخابات خرداد ۱۳۸۰ نبود. اما در اواخر بهمن ماه نامهای متعددی به عنوان احتمالات نامزدی در هشتمین انتخابات ریاست جمهوری بر سر زبانها افتاد. در میان نامهای افرادی که برای شرکت در ماراتن ۱۳۸۰ خود را گرم می کردند، ابتدا نام حجت الاسلام علی فلاحیان جلب توجه کرد. آقای فلاحیان وزیر اطلاعات در کابینهٔ آقای هاشمی رفسنجانی بود که به دنبال ماجرای «قتلهای زنجیره‌ای» سؤالات زیادی دربارهٔ نقش وی و روابطش با متهم اصلی آن قضیه (سعید اسلامی) طرح شد. بهمن که به پایان رسید، روزنامهٔ جمهوری اسلامی در تحلیلی نوشت: «صاحب نظران سیاسی، ورود آقای فلاحیان به عرصهٔ رقابت انتخاباتی را به نفع جبههٔ دوم خرداد ارزیابی می کنند». همچنین آقای محمدرضا باهنر، که از قضا کمی بعد شایعهٔ نامزدی خود او نیز در انتخابات بهار ۱۳۸۰ بر سر زبانها افتاد، ورود فلاحیان به این عرصه را «به خاطر دامن زدن به سؤالاتی دربارهٔ مسائل قتلهای زنجیره‌ای» به صلاح ندانست. در همان ایام نامهای دیگری از جمله نام آقایان عبدالله جاسبی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی)، محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام)، و حبیب الله عسگرآلادی (دبیرکل جمعیت مؤتلفهٔ اسلامی) و دیگران نیز به فهرست نامزدهای احتمالی برای جانشینی رئیس جمهور افزوده شد.



اولین روزهای بهمن ماه ۱۳۷۹ در حالی سپری می شد که به نظر می رسید بحث دربارهٔ انتخابات آینده، دیگر در لایه‌های نامرئی و درون جلسات گروههای سیاسی محصور نیست. بلکه افکار عمومی نیز در تلاش است تا از فرآیند مواضع افراد و گروهها، سمت و سوی حرکت آتی خود را تعیین نماید. آن گونه که روزنامهٔ الحیات، در تحلیلی، اوضاع سیاسی ایران را مانند جزر و مدّ دریایی تشبیه کرد که پیش بینی اوضاع آینده را سخت می کند. این روزنامهٔ عرب زبان به یک ضرب المثل مشهور اشاره کرد و نوشت: «درخت، به امید بهار، در برابر کولاک زمستان مقاومت می کند». بدین ترتیب، «زمستان اصلاحات» به بایگانی واژه‌های سیاسی این سالها پیوست.

دو احضاریه در یک هفته

سیدمصطفی تاجزاده در هفته اول بهمن ماه، به فاصله‌ای کوتاه، دو احضاریه از سوی مجتمع قضایی رسیدگی به جرائم کارکنان دولت دریافت کرد. اما وقتی شنید که همزمان، احضاریه‌ای برای عبدالله رمضانزاده، استاندار کردستان، نیز ارسال شده است، افکار عمومی را به تأمل در این باره دعوت کرد. زیرا در همان روزها شنیده می‌شد که در صورت انفصال تاجزاده و عدم امکان ادامه همراهی‌اش با کابینه خاتمی، احتمال جایگزینی رمضانزاده به جای تاجزاده در ستاد انتخابات کشور می‌رود و همین، اشاره‌گذاری تاجزاده را تأمل‌انگیز کرد. تاجزاده در اولین احضاریه به دادگاهی فراخوانده شد که به حادثه شهریور ۱۳۷۹ در خرم‌آباد رسیدگی می‌کرد؛ حادثه‌ای که در اعتراض به نشست عمومی «دفتر تحکیم وحدت» روی داد و کار را به جایی کشاند که معاون سیاسی وزیر کشور و چند شخصیت سیاسی و فرهنگی دیگر از همان فرودگاه خرم‌آباد مجبور به بازگشت به تهران شدند. براساس احضاریه اول، تاجزاده روز دوم بهمن ماه به عنوان متهم حوادث خرم‌آباد به سؤالات قاضی نظری مفرد (قاضی ویژه حوادث خرم‌آباد) پاسخ گفت و پس از دو ساعت بازجویی، با قرار «التزام» آزاد شد. پیش از این، سیدمصطفی تاجزاده یک بار دیگر نیز در مقابل علی نظری مفرد، قاضی ویژه حوادث خرم‌آباد قرار گرفته و به سؤالات او در طول یک جلسه بازجویی سه ساعته پاسخ گفته بود. دادگاهی که روز سه‌شنبه ۱۷ آبان‌ماه ۱۳۷۹، به صورت غیرعلنی تشکیل شد.



وقتی سیدمصطفی تاجزاده از محل دادگاه خارج شد، انبوهی از خبرنگاران او را در میان گرفتند تا بدانند بعد از احضارهای قبلی که تحت عنوان «مطلع» به دادگاه فراخوانده می‌شد، علت احضار جدید وی، آن هم به عنوان «متهم»، چیست؟ او به خبرنگاران گفت که به دو دلیل احضار شده است: «اول، شکایت عده‌ای که اظهار کرده‌اند در حادثه خرم‌آباد به آنها توهین شده و دومین اتهام من، تحریک مردم به اخلال در نظم عمومی عنوان شده است». او به یادها آورد که احضار قبلی‌اش به دادگاه، درست سه روز پس از انتصاب مجدد به ریاست ستاد انتخابات کشور

(برای برگزاری انتخابات خرداد ۱۳۸۰) صورت گرفت؛ انتصابی که با موج وسیع انتقادات و حتی ایراد اتهام به وی همراه بود.

معاون سیاسی وزارت کشور در پاسخ به این پرسش که «موارد اتهامی شما مشخص شده است یا خیر؟»، گفت: «متأسفانه تا این لحظه موارد اتهام نه به وزیر کشور و نه حتی به رئیس جمهوری و طبیعتاً به خود بنده اعلام نشده است. ضمناً اطلاع داده شده که اتهامات اینجانب ظاهراً به رئیس قوه قضائیه نیز اعلام نشده است».

او آنگاه در پاسخ به این پرسش که «حتی حدس هم نمی‌زنید موارد اتهامی شما چیست؟» اظهار داشت: «واقعاً نمی‌دانم اتهاماتم چیست! در هر حال روشن خواهد شد و من آنرا در اولین فرصت به اطلاع مردم خواهم رساند. من به شعور مردم ایمان دارم و معتقدم که حق آنان است که از حقایق امر و عملکرد همه ما مطلع شوند».

تاج‌زاده در نحوه ارزیابی خود از برخورد قوه قضائیه گفت: «من به این که چرا به عنوان متهم به دادگاه احضار شده‌ام، اعتراضی ندارم. آنچه محل انتقاد است، دو مسأله است؛ یکی برخورد یکسویه قاضی است که بر اساس گزارشهای شورای امنیت کشور و هیأت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی، اشغالگران فرودگاه خرم‌آباد و متعرضان به معاون سیاسی، امنیتی استانداری لرستان و مهاجمان به دانشجویان در الشتر و بروجرد و پل زال و ضاربان استاندار را بازداشت و مجازات نکرده است. اما در مقابل، تعدادی از دانشجویان را دستگیر و بیش از یک ماه و نیم بازداشت کرد. چنین اقدامی می‌تواند شائبه سوگیری قاضی را به نفع افراد خاصی دامن بزند».

معاون سیاسی وزارت کشور اضافه کرد: «گله دوم از دادگستری تهران است. به این معنا که من در دو ماه گذشته برای حفظ آرامش جامعه و سالم‌سازی فضای سیاسی در مقابل بدترین اتهامات و افتراات سکوت کردم. همچنین وزارت کشور بیش از بیست مورد شکایت علیه کسانی که اقدام به ایراد تهمت و افترا نسبت به اینجانب به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور کرده بودند در مراجع قضایی اقامه

کرده است. اما تاکنون نه تنها مدعی‌العموم کمترین پیگرد قضایی را نسبت به اتهام‌زندگان صورت نداده است، بلکه تا آنجا که من مطلعم حتی یکی از این شکایتها هم به جریان نیفتاده است».



سیدمصطفی تاج‌زاده، که بعد از این گفتگوی مطبوعاتی به سمت محل کار خود در وزارت کشور رفت، بلافاصله سوژه یک کاریکاتور شد که در روزنامه دوران امروز سوم بهمن ۷۹ منتشر شد. در آن کاریکاتور، پیرزنی با ظاهری مانند عجوزه‌ها به تاج‌زاده می‌گفت: «نه جون! نمی‌دونم چرا تا وقتی که رئیس ستاد انتخابات هستی، قیافهات عین متهم‌هاس!»

بدین ترتیب، ماجرای دو احضاریه‌ای که در هفته اول بهمن‌ماه به دست سیدمصطفی تاج‌زاده رسید، آن‌گونه که خود او نیز تحلیل کرده بود، رابطه خود را با انتخابات حساس ریاست جمهوری در ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰ روشن‌تر کرد؛ انتخاباتی که به عقیده حبیب‌الله عسکراولادی، دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی؛ «تاج‌زاده نمی‌تواند امین مردم و حماسه‌ساز آن باشد».

«افتضاح بزرگ سیاسی»

دکتر محمدجواد لاریجانی، نماینده سابق مجلس، که هنوز برخی مطبوعات ماجرای مواضع‌اش با «نیک براون» انگلیسی را در آستانه انتخابات دوم خرداد به یادها می‌آورند، طی یادداشتی در روزنامه رسالت مورخ اردیبهشت‌ماه ۷۹ برای اولین بار انتخابات تهران را یک «افتضاح بزرگ سیاسی» دانست که «برای وزارت کشور و تا حدی شورای نگهبان که مسئول نظارت بوده، می‌باشد».

لاریجانی نوشت: «این انتخابات (تهران) با بازشماری همه صندوقها و همه رأیها هم درست نمی‌شود. فقط ابطال انتخابات است که می‌تواند لکه ننگ را از دامان مسؤولان انتخابات پاک کند. البته اگر در جعبه آرای تهران باز نمی‌شد، از باب مصلحت... می‌توانستیم بپذیریم که اگر از مسأله عبور کنیم، بهتر است. اما حالا که باز شده، هرگونه مصلحت‌اندیشی، خلاف مصلحت است».

نکته قابل تأمل این نوشته، حملاتی بود که این تنورسین جناح محافظه کار نسبت به نهادهای ناظر شورای نگهبان و حتی نیروهای انتظامی ترتیب داد و هرگز به عواقب انتقادات پرهجمه و سنگین خود دچار نشد: «نیروهای ناظر خود حاضر بودند، اما ظاهراً در حالتی "نعاس" آلود فقط نگاه می کردند و نیروهای انتظامی هم مانع کسی نمی شدند، زیرا ناظران احتمالاً شکایتی نمی کردند».

دکتر لاریجانی این انتقادات را بابت اغماض ناظران از تخلفاتی دانست که در «پروسة رأی گیری» رخ داده بود:

«اولاً، مطابق قانون، هرگونه تبلیغات از ۲۴ ساعت قبل از آغاز پروسة رأی گیری ممنوع است و به ویژه در اطراف محلهای اخذ رأی هرگونه عملی که به نحوی تبلیغ به حساب آید، خلاف شمرده شده است. اما همه شاهد بوده اند که در انتخابات اخیر مجلس در حوزه تهران، دقیقاً در تمام طول اخذ رأی، افرادی می آمدند و مجموعه وسیعی از نامهای نمایندگان حزب حاکم را که بدون هیچ «آرمی» روی رشته ای باریک از کاغذ چاپ شده بود، بین مردم در داخل محل رأی گیری و بیرون آن آزادانه پخش می کردند! به جرأت می توان گفت میلیونها از این لیست «جمع و جور» و «بی نام و نشان تکثیرکننده» درست در ساعات رأی گیری و در محلهای رأی گیری پخش شده است!

ثانیاً، محلهای اخذ رأی همواره دارای ازدحام بود، ابتدا فکر کردم که تعداد شرکت کنندگان چندبرابر گذشته شده و این شلوغی از آن جهت است، اما وقتی تعداد شرکت کنندگان اعلام شد، روشن گشت که این شلوغی و ازدحام طبیعی نبود! و ضمناً در این شرایط شلوغ، آشکارا و بی محابا افراد مربوط به جناح حاکم تبلیغ می کردند و به دیگران می گفتند «مبادا به فلانی و فلانی رأی بدهی! فقط به لیست!!»

□

یادداشت محمدجواد لاریجانی، به طور معناداری، با تعیین هیأت سه نفره بازشماری آرا توسط شورای نگهبان همزمان بود که (غفوری، مصطفوی و شیخ عطار) در آن عضویت یافتند و کمی بعد ۵۳۴ صندوق حوزه تهران را ابطال نمودند. دکتر لاریجانی در بخشی از این یادداشت، ضمن توصیه «بازشماری کل صندوقهای رأی»، خواهان «باطل شدن صندوقهای شبهه دار و خارج شدن آنها از گردونه» شد.

تأیید انتخابات تهران؛ ابطال ۷۲۶ هزار رأی

روز ۳۱ اردیبهشت ۷۹ نامه دبیر شورای نگهبان و دستور مقام رهبری در خصوص اعلام نتایج انتخابات تهران بزرگ در مطبوعات انتشار یافت. نظر به این که این نامه و بخصوص دستور رهبر انقلاب نقش تعیین کننده ای در پیگیری ماجرای انتخابات تهران دارد، متن کامل آن دو نامه در زیر می آید:

[محضر مبارک مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی
با سلام

احتراماً، همان طور که مستحضرنند، پس از بررسی ۵۲۸ صندوق توسط هیأت اجرایی و هیأت نظارت در اواخر سال ۱۳۷۸، پرونده انتخابات حوزه انتخابیه تهران در اواخر اسفند ۱۳۷۸ به شورای نگهبان ارسال شد. در این پرونده شکایت چند تن از داوطلبان نمایندگی وجود داشت که مطابق قانون، شورای نگهبان باید به آنها رسیدگی می کرد.

شورای نگهبان به منظور رسیدگی به شکایت یادشده و همچنین رفع و دفع برخی شبهات علاوه بر موارد شکایت، تعداد دیگری از صندوقها را مورد بررسی قرار داد و مجموعاً ۸۶۷ صندوق مورد بازشماری قرار گرفت و متأسفانه با برخی از اشکالات و تخلفات شکلی و ماهوی برخورد شد، از جمله:

مغایرت تعداد تعرفه ها و برگهای رأی، وجود آرایسی که دارای مهر نظارت نیستند، آرای با دو خط، مغایرت تعداد آرای مردم داخل صندوق با بازشماری مجدد، فقدان فرم که باید داخل صندوق باشد، پارگی لفاف صندوقها، نبودن لاک و مهر بر روی برخی از صندوقها و تخلفات دیگر....

در این شرایط شورای نگهبان در برابر این امر دشوار قرار گرفته است که چنانچه بخواهد به همین ترتیب بازشماری را ادامه دهد، با توجه به تجربه بازشماری تا این مرحله و با توجه به موانع و مشکلات ناشی از بررسیهای صندوقها و طول مدت بازشماری تا این مرحله، بازشماری کامل به مدت طولانی دیگری نیاز دارد که شاید در شرایط کنونی امکان اقدام به آن وجود نداشته باشد و علاوه بر این به مصلحت مردم و مجلس نیست و با توجه به نتایج کنونی، شورای نگهبان نمی تواند صحت انتخابات را تأیید کند.

با عنایت به آنچه گذشت، شورای نگهبان مصلحت دید که موضوع و مسائل مربوط به آن را به استحضار حضر تعالی برساند و از آن مقام معظم تقاضای راهنمایی کند.

شرح و تفصیل تخلفات مزبور در ضمائم پیوست تقدیم می شود.

دیر شورای نگهبان - احمد جنتی]



پاسخ مقام رهبری به شورای نگهبان بدین شرح است:

[بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات اعضای محترم شورای نگهبان دامت توفیقاتهم

با سلام و تحیت، در پاسخ به نامه آقایان محترم در مورد انتخابات تهران ابتدائاً لازم می دانم از تلاش مسئولان آن شورا در پاسداری از آرای انتخاباتی ملت شریف ایران و از دقتی که در عمل به وظیفه بزرگ امانتداری به کار برده اید صمیمانه تشکر کنم. بی شک خدمات مرارت بار و پررنجی از این قبیل، پاسخ شایسته مسئولان به این ملت بزرگ و وظیفه شناس و لازمه شکرگزاری نعمت نظام اسلامی در برابر خداوند متعال است.

اینجانب پس از قدردانی و تشکر از تلاشهای آقایان محترم و دیگر دست اندرکاران انتخابات، نکات زیر را اعلام می دارم:

۱. صندوقهایی که مخدوش بودن آن از نظر شورای نگهبان به اثبات رسیده است و با معیارهای آن شورا قابل تأیید نیست، باید ابطال گردد.

۲. به نظر می رسد که بازشماری بقیه صندوقها که طبق آنچه در نامه خود مرقوم داشته اید جز در مدتی طولانی، ناممکن و برخلاف مصلحت است، وظیفه ای شرعی و قانونی را متوجه آن شورا نمی سازد. زیرا وجود تخلف در آنها محرز نیست.

۳. وضعیت منتخبان تهران با توجه به کلیه صندوقها بجز آنچه در بند ۱ آمده است، ملاحظه و نتایج آن به عنوان نتایج قطعی انتخابات تهران اعلام شود.

۴. دستگاه قضایی و بازرسی موظفند عاملان تخلف در صندوقهای مخدوش را شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار دهند.

در پایان از خداوند متعال توفیق و کمک به آقایان محترم و همه خدمتگزاران به کشور و نظام مقدس اسلامی را مسئلت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای

[۱۳۷۹/۲/۲۹]



بلافاصله پس از انتشار این دو نامه، شورای نگهبان اعلام کرد: «پس از رهنمودهای مقام معظم رهبری دستور داده شد هیأت منتخب، صندوقهای مخدوش را سریعاً بررسی و نتایج ابطال آنها را اعلام کنند».

در اطلاعیه شورای نگهبان همچنین تأکید شده بود: «سعی می‌کنیم در اولین فرصت که خیلی هم طولانی نخواهد بود، نتایج را اعلام کنیم».

آغاز پیگرد قانونی ستاد انتخابات کشور

پس از ابطال بیش از ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی و اعلام نتایج نهایی انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه تهران بزرگ، که شورای نگهبان بالاخره با مراجعه به نظر مقام رهبری به آن رضایت داد، جنتی در نامه‌ای به آیت‌الله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، خواستار رسیدگی هر چه سریعتر این قوه به تخلفات انتخاباتی در حوزه انتخابیه تهران شد. و در عین حال، انگشت اتهام را متوجه ستاد انتخابات و رئیس آن کرد.

متن کامل نامه آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، به رئیس قوه قضائیه به این شرح است:

[چنان‌که مستحضری، انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران، دارای اشکالات و تخلفات کلان بی‌سابقه‌ای در تاریخ انتخابات بود که رسیدگی به شکایات وارده و تخلفات گوناگون حدود سه ماه به طول انجامید و در سه مرحله تعداد ۱۳۶۴ صندوق از ۳۰۷۷ صندوق بازشماری شد و بقیه طبق رهنمود مقام معظم رهبری بازشماری نشد.

در صورتی که قطعاً تخلفات در آنها هم تفاوت چندانی با این تعداد نداشته^۱، بازشماری صندوقها در این مدت طولانی، افکار مسؤولان محترم، مردم شریف، نامزدها و رأی‌دهندگان را به خود مشغول ساخت و موجب ناراحتیها، ایراد تهمت‌ها، سوء ظن‌ها و تفسیرهای گوناگون گردید و عواقب ناخوشایند فراوان دیگری را نیز به همراه داشت. با این وضعیت، برحسب نظر مبارک مقام معظم رهبری که از قوه قضائیه خواستند عوامل خلاف را شناسایی و تحت تعقیب قرار دهند شورای نگهبان عمده تقصیر را متوجه ستاد انتخابات وزارت کشور می‌داند و از حضرت تعالی می‌خواهد دستور فرماید هر چه سریعتر، تا آثار و ادله و قرائن و شواهد محو نشده، به تخلفات رسیدگی کرده، متهمان را تحت پیگرد قانونی قرار داده و حکم قانون را هر آنچه هست، عادلانه و قاطعانه در حق آنها اعمال نمایند].

حادثه غیر مترقبه آستانه انتخابات

اولین بار محسن آرمین، نماینده مردم تهران در مجلس، احضار سیدمصطفی تاج‌زاده به دادگاه را جزو «حوادث غیر مترقبه در آستانه انتخابات ۸۰» تفسیر کرد. آرمین که سوم بهمن ماه به جمع خبرنگاران پارلمانی رفته بود، در عین حال اضافه کرد که «از قبل، پیش‌بینی چنین حوادثی را کرده و خود را برای مقابله با آن آماده کرده‌ایم». آرمین که از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سردبیر عصر ما است به کسانی که «با این کارها قصد دارند به خاتمی فشار وارد کنند» توصیه کرد: «بهتر است به جای آن‌که این قدر روی آمدن یا نیامدن خاتمی حساسیت نشان دهند و مانع تراشی کنند، قابلیت‌ها و توانمندیهای خود را تقویت کرده، نامزد معرفی کنند و قواعد رقابت آزاد را بپذیرند».

مدتی بعد دیگران هم از احضار و محاکمه معاون وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات به عنوان امری بدیع و بی سابقه، اظهار شگفتی کردند. از جمله حجت‌الاسلام ذاکری، نماینده مردم قوچان، برخورد با تاج‌زاده را «شگفت‌آورترین»

۱. قابل توجه است که در این نامه، دبیر شورای نگهبان، قاطعانه درباره بروز تخلفات در صندوقهای دیگر که هرگز بازشماری نشدند، اظهار نظر کرد. /ن.

برخوردی دانست که تاکنون با نیروهای دوم خرداد شده است. وی با برشمردن دلایلی، انتخابات دوره ششم را به عنوان سالم‌ترین انتخابات قلمداد کرد و از جمله به «نظارت و مراقبت دائمی هیأت‌های اجرایی و نظارت» در طول برگزاری این انتخابات اشاره کرد و برگزاری آن را مایه افتخار نظام دانست. ذاکری سپس پرسید: «اگر با این همه مراقبت مجریان و ناظران، در انتخابات مجلس ششم آن‌چنان اشکالاتی که می‌گویند پیش آمده، پس در انتخابات دوره‌های گذشته چه اتفاقی رخ داده است؟»

همان روز (هشتم اسفندماه) داود سلیمانی، نماینده مردم تهران نیز از روند محاکمه تاج‌زاده (که در واقع دیگر پایان پذیرفته بود) «بوی سیاسی» احساس کرده و از آن به عنوان «گامی برای تضعیف حرکت اصلاحی» نام برد.

الیاس حضرتی نیز که به گفته آمیخته به طنز حجت‌الاسلام مهدی کروبی، رئیس مجلس، «با زرنگی توانست به مجلس راه یابد!»^۱ در همان روزهای آغازین محاکمه تاج‌زاده، احضار او را «نشانه رفتن به سوی تشنج» تعبیر کرد. حضرتی در میزگرد مطبوعاتی «ایسنا» به دلسوزان نظام پیشنهاد کرد تا «برای دوام و قوام نظام کاری کنند که فضای مشارکت در جامعه بیشتر شود». او در عین حال از علانمی خبر داد که «فضا را به سوی تشنج می‌برد» و احضار تاج‌زاده را یکی از نشانه‌های آن معرفی کرد.



گمانه‌زنی‌ها درباره احضار، محاکمه و محکومیت سیدمصطفی تاج‌زاده تمامی نداشت. و با پیش رفتن جریان محاکمه او، هر روز دامنه‌های جدیدی به آن افزوده می‌شد. از جمله این گمانه‌زنی‌ها، اظهارات بهیار سلیمانی، نماینده مردم فسا در مجلس بود که با خوش‌بینی تمام «اساساً احتمال محکومیت یا برکناری تاج‌زاده را منتفی» اعلام کرد. او، به عنوان عضو فراکسیون سازندگی مجلس، مسئولان قوه قضائیه را هوشیارتر از آن می‌دانست که «به طرح و ترفند مخالفان جبهه دوم خرداد تن دهند».

سلیمانی همچنین به انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۲ اشاره کرد و

۱. جلسه علنی مجلس مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۴، تفصیل این ماجرا در ادامه این کتاب آمده است. /ن.

به ویژه حذف جمیله کدیور، نامزد منتخب مجلس دوره پنجم از شیراز، را به خاطر آورد «که از جمله تخلفات بارز انتخاباتی در دوره‌های پیشین بود» و گفت: «آقایان وقتی به سوابق خود می‌نگرند، نمی‌توانند انتخابات سالم را باور کنند». او تأکید کرد: «به گواه تاریخ، تاج‌زاده بهترین انتخابات پس از انقلاب را برگزار کرده است».

علی ظفرزاده، نماینده مشهد نیز از محاکمه تاج‌زاده به عنوان «اقدامی که تحت فشار گروه‌های منتقد دولت صورت گرفته» نام برد. او مسئولیت را متوجه افرادی دانست که «بیش از ۷۰۰ هزار رأی مردم تهران را مخدوش اعلام کرده و حتی پاسخی منطقی هم به این مسأله ندادند».

در میانه بهمن‌ماه، تاجرنیا، دیگر نماینده مردم مشهد نیز گفت: «محافظه‌کاران با محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور، قصد تست زدن جامعه را دارند و اگر در این کار موفق شوند، برخوردهای بعدی خود را نیز بر همین اساس برنامه‌ریزی خواهند کرد».



اظهار نظرها و گمانه‌زنیها، تا نیمه اسفندماه، گسترده‌گی و ابعاد تازه‌ای یافت. آنچنان که در روزهای پایانی سال ۷۹، اخبار محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور به صدر خبرها رفته و در محافل گوناگون نقل می‌شد. گرچه هیچ‌کس تا پایان نتوانست به درستی حدس بزند که پایان این «حادثه غیرمترقبه انتخاباتی»، احکام سنگینی است که بر صفحه اول روزنامه‌های دوشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۷۹ می‌نشیند.

درباره قاضی دقیقی

با شروع محاکمه تاج‌زاده و رسیدگی به اتهامات وی در رابطه با انتخابات مجلس ششم در تهران، نام قاضی محمدرضا دقیقی نیز بر سر زبانها افتاد؛ کسی که در نهم بهمن‌ماه، با ماجرای بازداشت موقت نماینده همدان، تا اندازه‌ای خبرساز شد.

صبح روز یکشنبه هشتم بهمن‌ماه، به نمایندگان مجلس خبری رسید که به اخطار و تذکر دو نماینده منتهی شد. بر اساس آن خبر، حسین لقمانیان، نماینده مردم همدان در مجلس، به هنگام خروج از منزل خود در حوالی میدان بهارستان، توسط مأموران

بازداشت شده بود. مأمورانی که حکم جلب وی را از قاضی محمدرضا دقیقی، رئیس شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران (ویژه کارکنان دولت) دریافت کرده بودند. پس از اخطار اعلی، نماینده تبریز، و محمدرضا علی حسینی، نماینده نهاوند، حجت الاسلام کربوبی وعده داد ماجرا را پیگیری کند و بلافاصله به رایزنی با مقامات قوه قضائیه پرداخت. کربوبی در جلسه بعد از ظهر مجلس اعلام کرد که پس از ۶ ساعت بازداشت، لقمانیان آزاد شده است. همان روز، ضرورت «ارائه طرح مصونیت نمایندگان مجلس» بین نمایندگان زمزمه شد.

با شروع محاکمه سیدمصطفی تاجزاده، قاضی دقیقی شهرت بیشتری یافت. شهرتی که نقطه عطف آن روز چهاردهم اسفندماه ۷۹ بود که رأی سنگین صادره توسط این قاضی دادگستری، حیرت همگان را برانگیخت. تاجزاده بعد از اولین جلسه محاکمه که غیرعلنی برگزار شد، نوع برخورد قاضی دقیقی را «سرد» توصیف و اعلام کرد: «از ایشان برخورد دوستانه‌ای ندیدم».

تفہیم اتهام اولیه

در اولین جلسه حضور سیدمصطفی تاجزاده در شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران، قاضی دقیقی دو اتهام در خصوص برگزاری انتخابات مجلس ششم در تهران و عدم همکاری با سازمان بازرسی کل کشور به وی تفہیم کرد و اظهارات مکتوب کوتاهی، به عنوان دفاع از سوی تاجزاده در پرونده اتهاماتش ثبت نمود.

اتهامات سیدمصطفی تاجزاده، رئیس ستاد انتخابات کشور، بدین شرح به وی تفہیم شد:^۱

۱. هیأت بازرسی سازمان بازرسی کل کشور در تحقیقاتی که از ۲۸۰ نفر از مسئولان برگزاری انتخابات حوزه انتخاباتی تهران با مطلعین و ناظرین، بازرسان وزارت کشور و شورای نگهبان و ملاحظه اسناد و مدارک و جلب نظر کارشناسان و بررسی صندوقهای ابطال شده مربوط به ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نموده است، در خصوص موارد زیر جرائمی کشف نموده است.

۱. متن اتهامات تفہیم شده که توسط دادگاه تحریر شده، عیناً و بدون هرگونه ویرایش منعکس می شود. /ن.

الف. ۱۴ صندوق به لحاظ «باز شدن صندوقها» و «پارگی لفاف» مخدوش اعلام و آرای آن ابطال گردیده است. علت این مورد را سازمان بازرسی، بدین شرح اعلام کرده است:

۱. عدم دقت و توجه دست‌اندرکاران نقل و انتقال صندوقها.
 ۲. «نامناسب بودن روش نگهداری» صندوقهای رأی در فرمانداری تهران و انباشته شدن صندوقها تا ۶ طبقه بر روی یکدیگر که با توجه به سنگین بودن صندوقهای مقوایی به جهت محتویات آن و وجود شکاف عریض در پهلوی صندوق، باعث لمیدگی صندوق و باز شدن لفاف و پارگی گردیده است.

۳. «جابجایی مکرر صندوقها» که موارد فوق، منجر به مخدوش شدن رأی مردم گردیده است.

ب. آرای تعداد ۱۸۷ صندوق اخذ رأی به لحاظ این‌که فاقد «مهر نظارت صندوق» اعلام شده، ابطال گردیده و این مسأله باعث مخدوش شدن رأی مردم شده است. یکی از علت‌هایی که بازرسی کل کشور در گزارش خود ذکر کرده، در خصوص صندوق‌هایی که فاقد مهر دریچه بود، «عدم آموزش اعضا» بوده است.

ج. تعداد ۳۱۸ صندوق اخذ رأی به جهت دارا بودن «تغییرات ماهوی» نسبت به شمارش اولیه، مخدوش اعلام و نتیجتاً ابطال شده است.

هیأت بازرسی کل کشور پیرامون کشف تخلفات با ۲۸۰ نفر از اعضای صندوقهای مذکور و دست‌اندرکاران امر برگزاری جهت مقایسه آمارها، تطبیق فرمهای ۴۹ شورای نگهبان با فرم ۴۹ وزارت کشور و فرمهای ۴۹ داخل صندوق، مصاحبه کرده و این‌طور نتیجه‌گیری نموده است: آقای آزر می فرماندار تهران، می‌گوید: «از این ۳۱۸ صندوق، ۱ صندوقها اختلاف فاحش دارد... که می‌دانیم این اختلاف هست و هیچ رد نمی‌توانیم بکنیم». آقای تاج‌زاده به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور می‌گوید «اختلافات آرا کاملاً طبیعی است».

هیأت بازرسی کل کشور در تحقیقاتی که از مطلعین کرده است، علت تخلف را خستگی ناشی از برگزاری انتخابات و طولانی شدن مدت زمان شمارش آرا،

استفاده از افرادی غیر از اعضای صندوق در شمارش آرا، عدم وجود محلی مناسب برای شمارش آرا، کثرت تعداد کاندیداها، بی تجربگی و کم سوادى اعضاى صندوقها و عدم دقت در علامت زدن و جمع بندی و شمارش آرا برای هر فرد، عدم احساس مسؤولیت در شمارش آرا، عدم اعمال هدایت و کنترل صحیح در نحوه شمارش و جمع بندی آرا می باشد. در بررسی انجام شده در تطبیق فرمهای ۴۹ داخل صندوق، آرا با فرمهای هیأت نظارت و فرمانداری و تطبیق فرم صندوق با آرای موجود صندوق علت اختلاف را:

۱. درج آرای کاندیداها با ارقام کمتر یا بیشتر و جابجایی در ثبت آرای کاندیداها در فرم ۴۹.

۲. عده ای برای سرعت بخشیدن به کار خود، مبادرت به شمارش تعدادی از آرا نموده و بعد حسب مورد، آرای شمارش شده را چندبرابر نموده و در فرم ۴۹ وارد نموده اند. در خصوص اختلاف در شمارش آرای صندوقها، تعداد ۲۹۰ صندوق مورد بررسی هیأت بازرسی کل کشور قرار گرفته است.

نتایج حاصله حاکی است اختلاف بین شمارش اولیه و شمارشهای بعدی وجود دارد که در تعداد ۲۳۷ صندوق این اختلاف تا ۵۰٪ بوده و در تعداد ۵۳ صندوق بیش از ۵۰٪ اختلاف بین شمارش اولیه و شمارش هیأت بازرسی وجود دارد که هیأت بازرسی علت این امر را خطای انسانی ناشی از خستگی مفرط عوامل اجرایی و نظارتی و طولانی شدن مدت زمان شمارش آرا که باعث کاهش میزان دقت و کارایی مؤثر و مطلوب آنان گردیده و استفاده از افراد متفرقه در شمارش آرا و در مورد تعداد ۵۳ صندوق اخذ رأی که اختلاف آن بیش از ۵۰٪ بوده، توضیحات مسؤولین از جمله فرمانداری را مسموع ندانسته است و در نتیجه آرای مردم به لحاظ خدشه باطل شده است. علی هذا چون مطابق ماده ۲۵ قانون انتخابات، وزارت کشور مسؤول حسن جریان انتخابات می باشد و تفویض اختیارات قانونی به ستاد انتخابات کشور برای این ستاد، ایجاد تکلیف می نماید، از طرف دیگر فرمانداران نیز با توجه به وظایف قانونی در مقابل نارساییها مسؤول می باشند، لذا فرمانداری تهران و ستاد انتخابات کشور در خصوص سوء جریانات و نارساییهای راجع به برگزاری

انتخابات مسؤول می‌باشند و به لحاظ عدم آموزش کافی اعضای برخی صندوقها، تعیین برخی مجریان و بازرسان بدون توجه به میزان تحصیلات و استفاده از ابزار و وسایل نامناسب از به کارگیری کارتن فاقد استحکام (مقوایی) برای تهیه صندوقهای اخذ رأی و نیز عدم رعایت اصول متعارف و فنی در نگهداری و نقل و انتقال که موجب واقع شدن جرایم فوق شده است، مستند به اقدامات وزارت کشور به ستاد انتخابات کشور و فرمانداری تهران می‌باشد و سبب ابطال صندوقهای اخذ رأی شده است و با توجه به مطالبی که قبلاً توضیح داده شد، لذا (آقای تاج‌زاده، شما) متهم هستید به معاونت در مخدوش نمودن رأی مردم در ۵۳۴ صندوق اخذ رأی حوزه انتخاباتی تهران.

۲. ستاد انتخابات کشور در جریان برگزاری انتخابات حوزه انتخابیه تهران، دخالت مستقیم داشته و از اقدامات هیأت بازرسی کل کشور با هدایت فرماندار و معاون سیاسی-انتظامی فرمانداری تهران ممانعت نموده است که موارد زیر شامل آنهاست:

الف. تأکید بر امضای فهرست ۵۳۴ صندوق قبل از تحویل آنها به هیأت بازرسی و تعیین پیش شرطهای غیرقانونی و منوط نمودن ارائه صندوقها به اعلام دلایل ابطال هر صندوق.

ب. عدم تحویل صندوقها در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۱۰ توسط فرماندار تهران به استناد به دستور رئیس ستاد انتخابات کشور (به این بهانه که هیأت بازرسی باید ابتدا لیست صندوقهای باطل شده را در اختیار وزارت کشور قرار دهد).

ج. توقف بازرسی در تاریخهای ۱۳۷۹/۳/۲۲ و ۱۳۷۹/۳/۲۴ به جهت عدم همکاری فرمانداری تهران و ستاد انتخابات کشور، به جهت اصرار به ارائه فهرست شماره کلیه صندوقهای دارای ایراد ماهوی و بیان علت ابطال هر صندوق.

د. عدم تحویل ۳۲ صندوق مورد درخواست جهت بررسی شکلی در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱ که رئیس ستاد انتخابات کشور طی نامه شماره ۱۵۰/۴/۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱ بررسی شکلی صندوق مازاد بر ۲۱۶ صندوق را بی‌معنی خوانده است.

ه. وزیر کشور در نامه شماره ۱۵۵۹/۱/۴/۴۴ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۳ صراحتاً اعلام نموده، «فرمانداری تهران به دستور اینجانب بعد از این، صندوقهای درخواستی آن سازمان را پس از اعلام دلایل ابطال هر صندوق، برای بررسی در اختیار هیأت اعزامی قرار خواهد داد».

ی. عدم تحویل تعدادی از صندوقها (خارج از ۵۳۴ صندوق ابطال شده) به این توضیح که هیأت بازرسی برای احراز واقعیت و چگونگی وضعیت سایر صندوقها از فرمانداری تهران خواست با قید قرعه تعدادی از صندوقهای ابطال شده را انتخاب و با حضور ۷ نفر از نمایندگان وزارت کشور و شورای نگهبان مورد بررسی قرار دهد تا حقیقت امر راجع به صندوقهای مخدوش بهتر مشخص شود که مورد مخالفت وزارت کشور قرار گرفت].



اولین جلسه که قرار بود تاجزاده برای «ادای پاره‌ای توضیحات» در آن شرکت کند، توسط قاضی دادگاه «رسمی» اعلام شد و سیدمصطفی تاجزاده دریافت که محاکمه او در دادگاه، (به صورت غیرعلنی) از همان لحظه آغاز شده است. این محاکمه آن قدر غیرمنتظره بود که دکتر امیر حسین آبادی وکیل مدافع تاجزاده، با همه عجله‌ای که صرف کرد توانست از نیمه آن، خود را به دادگاه برساند. در هر حال، بعد از پاسخگویی کتبی به دو سؤال قاضی دقیقی، قرار کفالتی به مبلغ ده میلیون تومان برای آزادی سیدمصطفی تاجزاده صادر شد و به او ده روز مهلت داده شد تا آخرین دفاع خود را تقدیم دادگاه نماید.

درباره گزارش سازمان بازرسی کل کشور

آنچه از آغاز احضار و محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور، مبنای عمل دادگاه قرار گرفت، گزارشی بود که سازمان بازرسی کل کشور، از روند جریان برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تهیه کرده بود. دادگاه تا آن اندازه به مفاد این گزارش پایبند بود که حتی در حکم نهایی نیز محکومیت سیدمصطفی تاجزاده را براساس مستندات آن تدوین و صادر کرد. اما عجیب آن که متهم پرونده،

یعنی سیدمصطفی تاجزاده نیز مصرّانه خواستار انتشار گزارش سازمان بازرسی کل کشور بود. او در مصاحبه‌ای با «ایرنا» در تاریخ سوم بهمن‌ماه، از استناد قاضی دادگاه به «اعلام جرم سازمان بازرسی کل کشور، که در صدر احضاریه دادگاه به آن اشاره و استناد شده» ابراز تعجب نمود و تأکید کرد: «به رغم سوگیری خاص گزارش سازمان بازرسی، گزارش مذکور ابداً جرمی را متوجه اینجانب نکرده و صرفاً در یک مورد، "سوء جریاناتی" را به من منتسب کرده است». و بلافاصله با اشاره به نقدی که از سوی وزارت کشور در مورد این گزارش تهیه شده بود، گفت: «در آن نقد، وزارت کشور مفصلاً عدم صحت ادعای «سوء جریان» را به اثبات رسانده است».

با این حال، در خلال همین مصاحبه، تاجزاده از سازمان بازرسی کل کشور درخواست کرد متن کامل گزارش مذکور درباره انتخابات حوزه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر را منتشر کند «تا به همراه انتشار عمومی نقد آن توسط وزارت کشور، زمینه قضاوت مناسب برای شهروندان فراهم شود»^۱. در خلال همین گفتگو با ایرنا، تاجزاده به «برخوردهای ویژه‌ای» اشاره کرد که «باعث انتقاد بی‌پاسخ دو سه سال اخیر اینجانب شده است». و افزود: «والا گله‌ای از قضات برای احضارم به دادگاه ندارم».

تاجزاده در عین حال پرسید: «وقتی پس از سه سال به پرونده (فیلم کارناوال) عصر عاشورای ۱۳۷۶ رسیدگی نمی‌شود... وقتی در آستانه انتخابات ۱۳۸۰، عده‌ای مجدداً به فکر سوء استفاده می‌افتند و مدعی‌العموم محترم، فقط در حمایت از افراد و جناح خاصی فعال می‌شود و اعلام جرم می‌کند، آیا نباید نسبت به برخوردهای یک‌جانبه دادگستری محترم تهران معترض باشیم؟»

در روزهای بعد، گزارش سازمان بازرسی کل کشور به صحن مجلس نیز رفت و با توضیحات رئیس ستاد انتخابات کشور و مسؤولان سازمان بازرسی کل کشور، در

۱. شایان ذکر است انتشار گزارشهایی که سازمان بازرسی کل کشور در خصوص تخلفات دستگاههای اجرایی تهیه می‌کند، مرسوم نیست. اما به گفته آقای تاجزاده، صدا و سیما و مطبوعات بخشهایی از گزارش این سازمان را علیه وزارت کشور منتشر نمودند. در فصل سوم کتاب، «استنتاجات» بازرسان سازمان بازرسی کل کشور در خصوص تخلفات انتخاباتی در حوزه انتخابیه تهران درج شده است. /ن.

معرض قضاوت نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. گرچه به دلیل غیرعلنی و غیررسمی بودن جلسه مذکور، امکان انتشار گزارش آن در مطبوعات فراهم نشد، لیکن از خلال مصاحبه‌ها و اظهار نظر نمایندگان مجلس از نشست غیرعلنی چهارساعته در پارلمان، به راحتی می‌شد مفاد آن را گمانه زد.

نشست غیرعلنی مجلس

اصرار فراوان سیدمصطفی تاجزاده برای انتشار واقعیات مربوط به انتخابات مجلس ششم، یکصد و پنجاه نماینده مجلس را به صرافت انداخت تا پای درخواستی را امضا کنند که به موجب آن رئیس ستاد انتخابات کشور، در جلسه‌ای غیرعلنی و غیررسمی، به سؤالات نمایندگان مجلس درباره انتخابات تهران (و نیز حادثه خرم‌آباد) پاسخ دهد.

گزارشها همچنین حکایت از دعوت هیأت رئیسه مجلس از حجت‌الاسلام رئیسی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور داشت که همچون تاجزاده در جلسه مذکور حضور یابد. گرچه این خبر با یک قید کوتاه همراه شد: «در خصوص شرکت کردن یا نکردن آقای رئیسی هنوز اطلاعی در دست نیست». روز چهارشنبه ۱۲ بهمن ماه، در حالی که احضاریه دیگری به دست رئیس ستاد انتخابات کشور رسید تا روز شنبه ۱۵ بهمن ماه برای دومین مرتبه در دادگاه حضور یابد، در مجلس نیز تاجزاده مرکز توجهات نمایندگان ملت بود.

رئیس ستاد انتخابات کشور در حضور نمایندگان مجلس، در یک جلسه چهارساعته حضور یافت و به ابهامات بسیاری در خصوص ابطال ۷۲۶ هزار رأی شهروندان تهران پاسخ گفت. حجت‌الاسلام موسوی لاری وزیر کشور، «خبره» معاون سازمان بازرسی کل کشور، «شوشتری» وزیر دادگستری و همچنین دومین مقام قضایی کشور، یعنی حجت‌الاسلام «هادی مروی» معاون اول رئیس قوه قضائیه نیز در آن جلسه حضور یافته بودند.

از مفاد مذاکرات این جلسه غیرعلنی چیز زیادی به بیرون درز نکرد. آنچه نصیب خبرنگاران پارلمانی شد، بیشتر مطالبی بود که بعداً از سوی نمایندگان مجلس و

سایر حاضران در آن جلسه عنوان شد و می‌توانست فضای عمومی مجلس را برای خبرنگاران شرح دهد.

حجت‌الاسلام موسوی لاری در جمع خبرنگاران پارلمانی به دیدار هفته گذشته‌اش با آیت‌الله هاشمی شاهرودی اشاره کرد و به نقل از وی گفت: «ایشان هم این مطلب را تأیید کرده‌اند که گزارش سازمان بازرسی کل کشور در مورد انتخابات نشان نمی‌دهد که ستاد یا مسؤول ستاد انتخابات کشور تخلفی کرده باشد».

وزیر کشور اضافه کرد: «آیت‌الله شاهرودی از آقای رئیسی - رئیس سازمان بازرسی کل کشور - نقل کردند که در گزارش این سازمان از انتخابات تهران تخلفی وجود ندارد». کمی بعد «محمدرضا علی‌حسینی» نماینده مردم نهاوند، به نکته جالبی اشاره کرد: «مسئولان سازمان بازرسی کل کشور سرسختانه می‌گویند ما تاج‌زاده را متهم نکرده‌ایم. اما متأسفانه، گویی بدون دلیل، مشکلی برای معاون سیاسی وزیر کشور در حال شکل‌گیری است».

«جلیل سازگارنژاد» سخنگوی هیأت رئیسه مجلس، به هنگام خروج از صحن پارلمان با قاطعیت گفت: «در این جلسه، محرز شد که هیچ جرمی متوجه آقای تاج‌زاده نیست... مهم‌ترین دستاورد این جلسه، افزایش ایمان و باورِ دوستان نسبت به کارایی، امانتداری، صداقت و توانمندی آقای تاج‌زاده بود». گفتن همین یک کلمه «دوستان» از جانب جلیل سازگارنژاد که به جبهه دوم خرداد وابسته است، خبرنگاران را برای کشف اصل مذاکرات به فعالیت بیشتری وادار کرد. تا آن‌که روحانی میانسال فراکسیون اقلیت مجلس، حجت‌الاسلام «موسی قربانی»، از صحن پارلمان بیرون آمد.

«حتماً باید یکی دراز شود؟»

«موسی قربانی» از یک‌سو عضو فراکسیون ائتلاف خط امام و رهبری مجلس است، که کاملاً موضع منتقدی نسبت به دولت دارند و از طرفی، عضوی از کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس است و ضمناً سالها نیز سابقه قضاوت دارد. آنچه از خلال سابقه ذهنی درباره او یافت می‌شد، حداقل این نکته بود که دست کم او، مانند

سازگارنژاد، دوستی یا نزدیکی فکری با تاج‌زاده ندارد. همین بود که خبرنگاران روزنامه‌های منتقد دولت، بلافاصله، قربانی را دوره کردند و نظرش را دربارهٔ مفاد مذاکرات جلسهٔ چهارساعتهٔ مجلس پرسیدند.

بی‌آن‌که بدانند، آن روز باید حتی از این قاضی باسابقه نیز، منتظر شنیدن سخنانی شگفت‌آور باشند. قربانی با صراحت به خبرنگاران گفت: «اگر من قاضی باشم و مدارک مربوط به اتهام آقای تاج‌زاده مبنی بر تخلف در انتخابات تهران، همان‌چیزی باشد که در این جلسه ارائه شد، تاج‌زاده را مجرم نمی‌شناسم. از نظر قضایی باید رابطه‌ای مستقیم میان جرم و مجرم وجود داشته و به نوعی ثابت شده باشد که متهم یا خود مرتکب تخلف شده، یا دستور آن‌را صادر کرده و یا در وقوع آن شریک بوده است. اما در مورد آقای تاج‌زاده چنین رابطه‌ای به چشم نمی‌خورد و انتساب جرم به او محرز نیست... این درست است که در انتخابات تهران جرمی اتفاق افتاده، اما از نظر قضایی، برخلاف روال اداری نمی‌توان مدیری را به دلیل ارتکاب تخلف از سوی رده‌های پایین‌دست وی محکوم کرد... حتی اگر فرد مشخصی هم در زمینهٔ ارتکاب تخلف شناسایی نشود، از آنجا که بر اساس یک اصل مسلم فقهی و قضایی، اصل بر برائت افراد است، نمی‌توان کسی را مجرم شناخت و گفت چون جرمی اتفاق افتاده، پس حتماً باید یکی دراز شود».



رسالت که مهمترین روزنامهٔ ارگان جناح منتقد دولت است، گزارشی خواندنی از اظهارات نمایندگان مجلس دربارهٔ آن جلسهٔ چهارساعته ارائه نمود. این روزنامه نوشت:

[نمایندگان مجلس نیز گرچه به دلیل توصیهٔ بهزاد نبوی، نایب‌رئیس اول مجلس که ریاست جلسهٔ غیرعلنی غیررسمی دیروز را بر عهده داشت، از گفتگو با خبرنگاران دربارهٔ جزئیات این نشست خودداری می‌کردند، اما هریک با گفتن جملاتی ارزیابی خود را از آن عنوان می‌کردند.

در این راستا، علی یاری، نمایندهٔ ایلام و عضو فراکسیون جناح اقلیت مجلس، اظهارات تاج‌زاده را «طبق معمول علیه شورای نگهبان» توصیف کرد. پیرمؤذن،

نماینده اردبیل، آن را «نبش قبر» خواند. قوامی، نماینده قزوین، اظهارات رئیس ستاد انتخابات کشور را «تکان دهنده» دانست... و بهروز افخمی، نماینده ای که کارگردان سینماست با خنده اظهار داشت: «بگذارید تا فیلمش را بسازم».

رسالت سپس پیرامون سخنان صریح حجت الاسلام موسی قربانی چنین نتیجه گیری کرد:

[گرچه دفاع «سازگار نژاد» نماینده فراکسیون دوم خرداد از تاجزاده امری قابل انتظار و طبیعی به نظر می رسد، اما دیروز حتی برخی اعضای سرشناس فراکسیون پیروان خط امام و رهبری - جناح اقلیت مجلس - هم در پایان نشست غیرعلنی، نظری مشابه داشتند. موسی قربانی، نماینده قاننات و عضو فراکسیون یادشده که سابقه چندین سال قضاوت و نیز حضور در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس را دارد، از جمله چنین افرادی است].

این روزنامه، در ادامه، با نقل سخنان قربانی نوشت:

[اظهارات قربانی موجب شد خبرنگاری از وی بپرسد: آیا نشست غیرعلنی مجلس «جلسه آشتی کنان جناحها» بود؟]

□

از میان شخصیت هایی که از صحن پارلمان بیرون می آمدند و در حلقه خبرنگاران متوقف می شدند، یکی هم حجت الاسلام هادی مروی، معاون اول قوه قضائیه بود که تنها به گفتن همین مقدار بسنده کرد که هنوز به جمع بندی مشخصی در مورد مذاکرات نشست چهار ساعته مجلس دست نیافته و تنها برای گزارش کردن موضوع مذاکرات به رئیس قوه قضائیه در آن نشست حضور یافته است.

شاید موسوی لاری، وزیر کشور هم، جزو شخصیت هایی بود که آن روز بیشترین توجه خبرنگاران را برانگیخت، چون حتی تاجزاده نیز با عجله از صحن پارلمان خارج شده و به محل هیأت رئیسه رفته بود و تنها با گفتن «شنبه دادگاه دارم» از حلقه خبرنگاران بیرون رفته بود. حجت الاسلام موسوی لاری در پاسخ به این سؤال که «اگر تاجزاده محکوم شود، چه خواهد شد؟» با قاطعیت گفت: «تاجزاده هست و جانشینی برای ایشان وجود ندارد».

«سنگ و کلوخ دعوای سیاسی...»

سخنان حجت‌الاسلام موسوی لاری، وزیر کشور، در همایش معاونان سیاسی استانداران، که در بندرعباس برگزار شد، باعث شد گرمای سیاسی روزهای نخستین بهمن‌ماه رو به فزونی بیشتری گذارد. در این همایش، موسوی لاری دو جمله کلیدی بر زبان آورد که منشأ اظهار نظرها و رخدادهای بعدی شد. او ابتدا به دعوای جناحهای سیاسی اشاره کرد و گفت: «دعواها بین احزاب است ولی سنگ و کلوخ آن بر سر ما وزارت کشوریها می‌خورد». و سپس پرده از یک درد کهنه برداشت: «در انتخابات سال ۱۳۷۶ شاهد پدیده نوظهوری در فرهنگ سیاسی و مذهبی، تحت عنوان "کارناوال عصر عاشورا" بودیم و بیم آن می‌رود که آثار عمل همان دستها در انتخابات ۱۳۸۰ نیز وارد عمل شود».

همین اشاره گذرا به ماجرای عصر عاشورا کافی بود تا بار دیگر خاطره آن در ذهنها بیدار شود و واکنشهایی را برانگیزد. آن‌گونه که برخی نشریات مخالف دولت، اساساً ساختن فیلمی به همین عنوان را نیز انکار کردند. روزنامه قدس از مسؤولان خواست اگر «مستنداتی» درباره فیلم عصر عاشورا ندارند، از القای شبهه و اتهامات بی‌اساس جلوگیری کنند: «اما اگر سران جبهه دوم خرداد و از جمله وزیر کشور و معاون سیاسی وی، افراد و مراکز خاصی را در واقعه عصر عاشورا متهم می‌دانند، بدون برخورد ابهام‌آمیز، متهمان را معرفی کنند». رسالت نیز در ششمین روز بهمن‌ماه با نقل سخنان وزیر کشور درباره خطر تکرار واقعه عاشورای سال ۷۶، به جناح منتقد دولت و همفکران سیاسی خود توصیه کرد «خیلی حواس خود را جمع کنید، زیرا جناح دولتی به خودزنی سیاسی روی آورده و اگر دقت نکنید، به روی خود تیغ می‌کشند و تقصیر (آن‌را به گردن) شما می‌اندازند».

کمی بعد نشریه جام نیز مدعی شد که «حتی تاکنون یک نفر نتوانسته آن فیلم خیالی را ببیند». روزنامه دوران امروز با چیدن اظهارات گذشته و حال منتقدان دولت درباره همین موضوع، به تناقضهای آشکاری دست یافت و بدانها اشاره کرد. این روزنامه به یادها آورد که کیهان در تاریخ ۷۹/۶/۲۳ درباره فیلم عصر عاشورا نوشته بود: «این فیلم که مدتهاست گروهی برای آن معرکه می‌گیرند، صحنه‌هایی مستند را نشان می‌داد... فیلمهای این واقعه نیز در برخی محافل نمایش داده شد».

همچنین اظهارات حسین الله کرم در نشریه دانشجویان حزب الله مورخ آبان ۷۹ نیز خواندنی است: «نوار ویدئویی عصر عاشورا، با هدف زیر سؤال بردن "صلاحیت" کاندیداتوری جناب آقای خاتمی، قبل از انتخابات ریاست جمهوری تهیه و توزیع گردید».

دوران امروز با ذکر این مطالب، پرسید: «آیا همکارانی که قضیه کارناوال عصر عاشورا را "اتهام" و "خودزنی" و "خیالی" دانسته و "وجود" آن را انکار می کنند، آیا اعتراف امثال روزنامه کیهان یا حسین الله کرم را نیز قبول ندارند؟»^۱

الزامات شرعی و اخلاقی مسؤولان انتخابات

دومین جمله حساسی که موسوی لاری در بندرعباس به زبان آورد، بیشتر یک هشدار شرعی و اخلاقی بود. وی گفت: «من اعتقاد دارم کسی مسؤولیت کار انتخابات را به عهده می گیرد که تمام ذهن خود را متوجه برگزاری سالم انتخابات کند و اگر به احزاب وابستگی دارد و نمی تواند سلايق خود را کنار بگذارد، تکلیف شرعی دارد که از مسؤولیت خود کناره گیری نماید. چون اعمال سلیقه های شخصی در انتخابات، خلاف مصالح ملی و شرع است و مردم باید احساس کنند که رأی آنها تعیین کننده است».

گفتن این جملات باعث شد تا کاریکاتوریست روزنامه قدس دست به کار کشیدن طرحی کنایه دار از چهره تاج زاده شود که در محضر دادگاه ایستاده و می گوید: «من وابسته به هیچ جناحی نیستم». آن هم در حالتی که بینی او مانند شخصیت کارتونی «پینوکیو» به هنگام دروغ گویی در حال دراز شدن است.

همین روزنامه در دهم بهمن ماه از احتمال برکناری تاج زاده از مسؤولیت هایش در وزارت کشور و ستاد انتخابات کشور خبر داد و به نقل از یک عضو ائتلاف خط امام و رهبری مجلس - که نخواست نامش فاش شود - نوشت: «به منظور برکناری تاج زاده، نامه ای خطاب به وزیر کشور ارسال شده است».

۱. گفتنی است روز ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۹، روزنامه دوران امروز نیز به حکم دادگستری تهران، به محاق توقیف رفت. /ن.

قدس در این باره اضافه کرد: [در این نامه که به امضای برخی روحانیون برجسته و چند تن از اعضای جبهه دوم خرداد و ائتلاف پیروان خط امام و رهبری رسیده است، با اشاره به عدم شایستگی تاج‌زاده در مدیریت انتخابات مجلس ششم و تخلفات فراوانی که در زیرمجموعه مدیریتی وی در آن زمان رخ داده است، از وزیر کشور خواسته شده تا نسبت به بازنگری در مدیریت ستاد انتخابات کشور در آستانه انتخابات حساس ریاست جمهوری در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ اقدام لازم صورت دهد.

در این نامه «احضار تاج‌زاده به دادگاه»، به دلیل بروز تخلف در انتخابات مجلس ششم، به عنوان «دلیلی محکم و غیرقابل انکار» بر عدم توانایی وی در مدیریت این امر مهم یاد شده و به وزیر کشور پیشنهاد شده تا اشتباهات گذشته را تکرار نکند.

امضاکنندگان این نامه^۱ نسبت به خدشه دار شدن آرای مردم در انتخابات ریاست جمهوری آینده ابراز نگرانی کرده‌اند و آن را مایه رویگردانی و بی‌اعتماد شدن مردم نسبت به نظام ارزیابی نموده‌اند. این افراد ادعا کرده‌اند تاج‌زاده تمایلات حزبی و سیاسی خود را در انجام مسؤولیتهای دولتی دخالت می‌دهد و این دخالت تا بدانجا ادامه پیدا می‌کند که وی آشکارا به جناحی که مخالف یا منتقد وی نامیده می‌شوند، حمله می‌کند و آنان را صریحاً مورد نکوهش قرار می‌دهد. نویسندگان نامه خطاب به وزیر کشور اظهار داشته‌اند: «نوشتن این چند نکته خطاب به جنابعالی از سر دلسوزی برای سرنوشت نظام اسلامی و آرای مردم است و نمی‌توان هیچ‌گونه رنگ و بوی سیاسی و خدای ناکرده جناحی به آن نسبت داد». این منبع نزدیک به ائتلاف پیروان خط امام و رهبری، از افشای نام امضاکنندگان نامه مذکور نیز خودداری کرد، اما تصریح نمود: «تعداد امضاکنندگان و یا حمایت‌کنندگان از ارسال نامه به وزیر کشور حداقل ۳۰ نفر از شخصیتها و چهره‌های سیاسی کشور را در بر می‌گیرد». این منبع گفت: «اگر تاج‌زاده در دادگاهی که اخیراً به آن احضار شده، به جرم تخلف در برگزاری انتخابات مجلس ششم و یا مخدوش کردن آرای مردم محکوم شود، دلیلی برای باقی ماندن وی در ریاست ستاد انتخابات کشور وجود نخواهد داشت».^۲

۱. نه‌تنها نام فرد گوینده سخنان بالا، بلکه نام هیچ‌کدام از امضاکنندگان نامه مورد ادعای او هرگز معلوم نشد. / ن.

۲. روزنامه قدس، ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۷۹.

در همان شماره قدس، همچنین مطلب دیگری در نقد سخنان وزیر کشور به چاپ رسید. در بخشی از مطلب قدس آمده بود: «آقای لاری تأکید کرده است: «اگر کسی وابستگی به احزاب دارد و نمی‌تواند سلايق خود را کنار بگذارد، تکلیف شرعی است که از مسؤولیت انتخاباتی کناره‌گیری کند». ایشان تأکید کرده‌اند «وابستگان جناحها نباید مسؤولیت داشته باشند». با توجه به این گفتار، باید پرسید: آیا نظر به عملکرد آقای تاج‌زاده و سابقه ایشان در وزارت کشور و مسؤولیتهای مربوطه، این بزرگوار انصافاً «وابستگی به حزبی ندارد»، آیا او «به جناحها وابستگی ندارد» و «می‌تواند سلايق خود را کنار بگذارد»؟ چگونه چنین چهره‌ای با آن سوابق تابناک! به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور برگزیده می‌شود؟ آیا این به معنی تلاش جناح حاکم برای ماندن در قدرت به هر قیمت ممکن نیست؟^۱

توصیه به «دوستان جناح دولتی»!

در روزهای آغازین بهمن، وقتی اخبار احضار رئیس ستاد انتخابات کشور به دادگاه منتشر شد، اظهار نظرهای مختلفی از سوی اشخاص و احزاب سیاسی در مطبوعات انعکاس یافت.

از جمله آنها اظهارات امیر محبیان، عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت، بود که خطاب به تاج‌زاده گفت: «توصیه می‌کنم در مقابل قانون تمکین کنید».

این عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت در گفتگو با «ایرنا» تصریح کرد: «خرد حکم می‌کند تا پیش از هرگونه قضاوت مبتنی بر پیش‌فرضهای سیاسی، منتظر باشیم و مشاهده کنیم که نتیجه این احضار و اتهامهای مطرح‌شده چیست؟»

محبیان به سیدمصطفی تاج‌زاده و کسانی که از آنها به عنوان «دوستان جناح دولتی» نام برد، توصیه کرد از قضاوتهای پیشینی خودداری کرده و با تمکین به قانون و حکم قانونی، حتی اگر برخلاف منافع یک جناح باشد، التزام خود را به مبانی جامعه مدنی ثابت کنند.

۱. بعدها آقای تاج‌زاده خبر داد که چنین نامه‌ای به وزارت کشور نرسیده و خلاف ادعای قدس اثبات شد. رجوع شود به فصل دوم، گفتگو با تاج‌زاده. /ن.

عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت با بیان این که «هیچ‌گاه از محکوم شدن احتمالی یک مقام حکومتی آن هم در نظام اسلامی شاد نخواهیم شد»، گفت: «هنوز مشخص نیست که حکم قاضی له و یا علیه آقای تاج‌زاده باشد... اگر احتمالاً دوستانی شبهه به اعمال قوه قضائیه را تا بدانجا پیش می‌برند که همه قضات و مسؤولان قوه قضائیه در کشور را عضو یک جناح سیاسی و صرفاً بازیگر سیاسی می‌پندارند، آیا با این ادعای خود مشروعیت نظام را زیر سؤال نبرده‌اند؟... اگر چنین است و نظام از عدالت تهی است، چرا در مقام یک مسؤول قرار می‌گیرند و به آن خدمت می‌کنند؟»



از طرف دیگر، حبیب‌الله عسکراولادی، دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی، در یک کنفرانس خبری به نقد عملکرد ستاد انتخابات کشور و در رأس آن سیدمصطفی تاج‌زاده پرداخت. عسکراولادی گفت: «من با آقای تاج‌زاده هیچ درگیری و دشمنی ندارم. اما عملکرد ایشان در انتخابات مجلس ششم به گونه‌ای بود که ۸۰۰ صندوق اخذ رأی در تهران باطل اعلام شد^۱».

دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی در ادامه اظهاراتش که در مطبوعات سه‌شنبه ۱۱ بهمن‌ماه منتشر شد، با لحنی دلسوزانه اضافه کرد: «کسی که چنین سابقه‌ای دارد، نمی‌تواند امین مردم باشد و از سوی دیگر قادر نخواهد بود انتخابات ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰ را به یک حماسه، همانند انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ تبدیل کند».

کمی بعد یکی از خوانندگان روزنامه همبستگی در پیامی تلفنی به کنایه گفت: «به نظر من باید آقای تاج‌زاده از مسؤولیت ریاست ستاد انتخابات ۱۳۸۰ کناره‌گیری کند. چون فردا که باز آقای خاتمی رأی بالایی آورد، نگویند تاج‌زاده در رأی مردم دست برده است».

این پیام تلفنی فردای روزی چاپ شد که دومین جلسه محاکمه سیدمصطفی تاج‌زاده و آیت‌الله آذر می، فرماندار تهران، در دادگاه برگزار شده بود؛ جلسه‌ای که روزنامه رسالت در لید خبر آن نوشت: «دومین و آخرین جلسه...».

۱. احتمالاً منظور آقای عسکراولادی ۵۳۴ صندوق بود. /

«برای خود ذهنیت درست نکنید آقای تاجزاده!»

در آغاز جلسه دهم دادگاه، که روز شنبه ۱۵ بهمن ماه برگزار شد، سیدمصطفی تاجزاده به خبری اشاره کرد که نشریه یالشارات، ارگان انصار حزب الله، منتشر کرده بود و گفت: «براساس این خبر، من به ۵ تا ۸ سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می شوم». قاضی دقیقی بلافاصله گفت: «خدا را شاهد می گیرم که حکمی از قبل صادر نشده است». و از تاجزاده خواست برای خود «ذهنیت» درست نکند. این بار نوبت تاجزاده بود که از قاضی بپرسد: «شما چرا جواب این گونه مطالب روزنامه ها را نمی دهید». و قاضی بلافاصله پاسخ داد: «چرا باید در برابر مطالب روزنامه ها موضعگیری کنیم؟»

به نوشته رسالت، همین جا بود که قاضی دقیقی متوجه ضبط صوت خبرنگاران شد و از آنان خواست از ضبط صوت استفاده نکنند. اما سیدمصطفی تاجزاده تأکید کرد: «می خواهم که اگر دادگاه علنی است، اظهارات در آن ضبط شود».

رئیس ستاد انتخابات کشور سپس به نشست چهارساعته مجلس در چهارشنبه قبل اشاره کرد و به نقل از «خبره»، معاون سازمان بازرسی کل کشور، گفت: «ایشان در آن نشست گفتند که جرمی را به شما منتسب نکرده ایم و ظاهراً آقای هاشمی شاهرودی نیز به وزیر کشور گفته اند که در گزارش سازمان بازرسی هیچ جرمی متوجه آقای تاجزاده نیست».

بعد از این گفتگو، قاضی دقیقی پرونده اتهامی فرماندار تهران را پیش کشید و شش ساعت جلسه دادگاه در صبح و بعد از ظهر، به دفاعیات فرماندار تهران گذشت و قاضی دقیقی جلسه بعد را به فردای آن روز، یعنی یکشنبه ۱۶ بهمن ماه، موکول کرد. «طولانی شدن دفاعیات آزر می و مشغله های کاری متهمان و وکلای آنان» دلیل این امر اعلام شد.



بیرون از دادگاه، موج سؤالات خبرنگاران به سوی تاجزاده و آزر می سرازیر شد. تاجزاده در شروع گفتگویش با خبرنگاران از عزم جدی خود خبر داد: «بنا دارم مسیبان واقعی ابطال غیرموجه و — در بسیاری موارد غیرقانونی — ۷۲۶ هزار رأی

شهروندان تهرانی در انتخابات مجلس ششم را معرفی و دلایل آنرا روشن سازم». معاون سیاسی وزیر کشور تأکید کرد: «چنانچه دادگاه رسیدگی به شکایات ما از آیت‌الله جنتی تشکیل شود، من ناگفته‌های انتخابات مجلس ششم را به استحضار ملت ایران خواهم رساند». او همچنین از دادگستری استان تهران خواست در صورتی که حکمی علیه وی صادر نشده است، اخبار منتشرشده در برخی نشریات را تکذیب کند و فرد یا افرادی را که نشر اکاذیب می‌کنند، تحت تعقیب قرار دهد. به گفته معاون وزیر کشور، اتهام وی و آزر می، فرماندار تهران، معاونت در مخدوش کردن آرای مردم است، در حالی که دادگاه هنوز مباشرین را معرفی نکرده است. معاون سیاسی وزیر کشور با ابراز تعجب از سرعت برگزاری جلسات دادگاه گفت: «دادگاه رسیدگی‌کننده ظاهراً عجله دارد، چرا که پس از شش ساعت جلسه امروز، ادامه آنرا به روز بعد (فردا) موکول کرده است».

نگاه «گل آقایی» به تقلب انتخاباتی تاج‌زاده

هفته‌نامه گل آقا در دو مطلب پیوسته، سیدمصطفی تاج‌زاده را به خوانندگان خود معرفی کرد و شرح داد که «پروژه تقلب در انتخابات ۱۳۸۰ چگونه به آن اندازه (!) شکل گرفت».

نگاه طنز گل آقایی به ماجرای محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور، آن‌قدر جذاب هست که لابلای انبوهی از مطالب جدی این محاکمه، جای خود را باز کند و همچنین باعث اندکی فراغت از تلخیهای محاکمه‌ای شود که حتی برخی منتقدان دولت هم، عاقبت با صدور رأی نهایی آن دچار شوک شدند.



[سیدمصطفی تاج‌زاده کیست؟]

این فرد موسوم به سیدمصطفی تاج‌زاده است که با توجه به نام خانوادگی نامبرده، احتمالاً اصل و نسب وی به پادشاهانی می‌رسد که زدند در طول تاریخ چشم برادرشان را کور کردند! این عنصر معلوم‌الحال، که به سمت ریاست ستاد انتخابات

کشور منصوب شده، از گردانندگان پشت پرده وزارت کشور بوده، رد پای وی در کلیه آشوبها، غائله‌ها و درگیریها به همراه اثر انگشت وی شناسایی شده یا می‌شود! یکی از همکلاسان دوران دبستان وی به نام «قنبر راستگوی ملات آبادی»، که نخواست نامش فاش شود، به خبرنگار یکی از روزنامه‌های ارزشی گفت: «من تعجب می‌کنم. مصطفی اصلاً آدم امانتداری نبود. یک‌بار به او گفتم: مصطفی، من می‌خواهم بروم بیرون، این پفک را بگیر تا من برگردم». وقتی برگشتم احساس کردم که می‌خواسته پفکهای مرا بخورد. آن وقت برمی‌دارند همین آدم را به ریاست ستاد انتخابات کشور منصوب می‌کنند. یک‌بار هم سر امتحان برگشت به من گفت: «قنبر... قنبر!... بیست و یک میلیون چند برابر هفت میلیون است؟» که معلم شنید و گوشش را گرفت کشید. یعنی می‌خواهم بگویم اهل تقلب هم بود. در فوتبال هم، همیشه در «جناح چپ» بازی می‌کرد. وقتی می‌گفتم: «چرا؟» می‌گفت: «من جناحی هستم!»]



[در جلسه ستاد بحران، راهکارهای تقلب در انتخابات ۱۳۸۰ چه بود؟]

... پس از پیشنهاد فرد مذکور، جنب و جوش عجیبی در جلسه برپا شد، راهکارهای مختلفی برای تقلب در انتخابات مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نهایتاً راهکارهای زیر با اکثریت قاطع آرا به تصویب رسید و متعاقباً برای اجرا به ستاد انتخابات کشور ابلاغ شد:

۱. مقرر شد فرد موسوم به سیدمصطفی تاج‌زاده با لباسهای مبدل در حوزه‌های مختلف حاضر و با شناسنامه‌های جعلی، که توسط وزارت کشور برای وی تهیه می‌شود، به نفع خاتمی رأی بدهد.

۲. مقرر شد فرد موسوم به سیدمصطفی تاج‌زاده پس از برگزاری انتخابات از تاریکی شب استفاده کرده، صندوقهای مملو از آرای نامزد جناح مقابل را سریعاً با صندوقهای از قبل پر شده تعویض کند و زود برود خانه بخوابد که کسی شک نکند.

۳. مقرر شد برای آن‌که بعداً سند و مدرکی دست کسی نیفتد، فرد موسوم به سیدمصطفی تاج‌زاده، صندوقهای مملو از آرای نامزد جناح مقابل را در کشوی میزش مخفی کرده، کلید آن را قورت دهد.

۴. مقرر شد اگر هیچ‌کدام از راهکارهای فوق نتیجه نداد، موقع خواندن آرای نهایی از تلویزیون، وی نام نامزد آنها را به جای نامزد جناح مقابل اعلام کند. بعدش هم همکارانش شلوغ کنند و هورا بکشند به طوری که معلوم نشود چی به چی هست!

با توجه به لو رفتن پروژه فوق و روشن شدن کلیه قضایا، تعلل و تأخیر آقای موسوی لاری، وزیر محترم کشور، نسبت به عزل سریع نامبرده و عدم تسریع در نصب یکی دیگر به سمت ریاست ستاد انتخابات کشور، موضوعی نیست که بشود از آن به آسانی گذشت.]

ملاقاتی، پشت درهای بسته

شانزدهم بهمن ماه، سیدمصطفی تاج‌زاده، پیش از حضور در شعبه ۱۴۰۳، با راهنمایی کارکنان مجتمع در اتاق سرپرستی اجرای احکام حضور یافت و با حجت‌الاسلام عباسعلی علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران، دیدار و گفتگو کرد. این دیدار که پشت درهای بسته و بدون حضور وکلای مدافع انجام شد بیش از یک ساعت به طول انجامید.

شمس‌الدین عیسیایی، مدیر کل حقوقی وزارت کشور که از ابتدا به همراه تاج‌زاده، وارد اتاق اجرای احکام (محل ملاقات) شده بود، بعد از حدود نیم ساعت از آنجا خارج شد و به خبرنگاران گفت: «آقای علیزاده عذر مرا خواست و تاکنون از محتوای جلسه فوق خبری ندارم».

سیدمصطفی تاج‌زاده بعداً در گفتگو با خبرنگاران درباره محورهای مطرح شده در آن دیدار گفت: «آقای علیزاده در این جلسه تأکید داشت که قوه قضائیه با حفظ استقلال، می‌خواهد بر مبنای عدالت حکم بدهد. بنده نیز در این دیدار تصریح کردم این خواست من و همه ملت است که قوه قضائیه همواره چنین وضعیتی داشته باشد. در این زمینه رفتار برخی قضات محترم نباید به گونه‌ای باشد که هم عملکرد قاطبه قضات محترم زیر سؤال برود و هم دستگاه قضایی به نوعی به تبعیض متهم شود». رئیس کل دادگستری استان تهران، نکات مفصلی را در مورد خط مشی دادگستری

مطرح کردند و بنده هم توضیحاتی را درباره روند پرونده و گلایه‌هایی که در این زمینه مطرح است گفتم که امیدوارم مد نظر ایشان قرار بگیرد». تاج‌زاده در پاسخ به این پرسش که «آیا در این جلسه، موضوع شکایت شما از آیت‌الله جنتی هم مطرح شد؟» گفت: «ظاهراً آن شکایت به دادگاه ویژه روحانیت ارجاع شده است و چون دادگستری تهران در این باره مسئولیتی ندارد، صحبتی نشد و من منتظر هستم که جلسات دادگاه ویژه روحانیت درباره آن شکایت نیز تشکیل بشود».

تاج‌زاده در پایان سخنانش با خبرنگاران تأکید کرد: «قوة قضائیه می‌تواند و باید جوی را ایجاد کند که فقط متخلفان احساس ناامنی کنند و هر کس که خدمتگزار واقعی مردم است و جرمی مرتکب نشده، احساس امنیت کامل بکند».

همچنین معاون سیاسی وزیر کشور، پس از پایان سومین جلسه رسمی دادگاه، نزدیک به ۴۰ دقیقه با قاضی دقیقی در پشت درهای بسته گفتگو کرد. او در خصوص این جلسه نیز به خبرنگاران گفت: «صحبتهایم با قاضی، تنها حول پرونده بود، سؤالاتی را هم بنده و هم قاضی داشتیم که روند برگزاری جلسه آینده روز چهارشنبه ۱۹ بهمن‌ماه بتواند در فضای مناسب‌تری دنبال شود».



سومین جلسه محاکمه نیز که آن روز، یکشنبه ۱۶ بهمن‌ماه به مدت چهار ساعت برگزار شد، تماماً به دفاعیات آقای آزرمی، فرماندار تهران، گذشت.

جلسه چهارم: اعتراض و ترک دادگاه

روز چهارشنبه، ۱۹ بهمن‌ماه ۷۹، در چهارمین جلسه محاکمه مشترک تاج‌زاده-آزرمی، به دلیل عدم حضور خبرنگاران مطبوعات، سیدمصطفی تاج‌زاده با اعتراض، جلسه دادگاه را ترک کرد. در آغاز این جلسه، دکتر حامد توسلی، وکیل مدافع فرماندار تهران، با ارائه وکالتنامه جدیدی به قاضی دقیقی گفت: «من از طرف استانداری تهران نیز اعلام وکالت می‌کنم». خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) در شرح مسائلی که در این جلسه دادگاه روی داد، چنین نوشت:

[دقیقی، رئیس شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران، گفت: «فعلاً لازم نیست و بنشینید تا جلسه را شروع کنم».

توسلی گفت: «شما این وکالتنامه را بگیرید، چون استاندار می‌خواهد بداند که تنها فرماندار تهران در این پرونده مطرح است، یا سایر فرمانداران استان نیز متهم هستند». قاضی دقیقی این وکالتنامه را نپذیرفت، اما تاج‌زاده خطاب به قاضی از وی خواست آن را بپذیرد.

دقیقی در پاسخ به درخواست تاج‌زاده اعلام کرد: «پذیرش وکالتنامه ارتباطی به شما ندارد».

تاج‌زاده نیز در پاسخ گفت: «به شما ارتباطی ندارد. مگر فکر می‌کنید که هر کاری می‌توانید بکنید».

پس از لحظاتی گفتگو بین قاضی دادگاه و تاج‌زاده، معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «من (بیرون دادگاه) به خبرنگاران خواهم گفت که شما این وکالتنامه را نپذیرفتید».

آن‌گاه، قاضی دقیقی با اعلام شروع جلسه از تاج‌زاده پرسید: «با توجه به این که در بند چهار گزارش سازمان بازرسی خطاب به شما عنوان شده که ستاد انتخابات کشور در انتخابات تهران دخالت مستقیم داشته است، لذا در این مورد توضیح دهید».

تاج‌زاده گفت: «اگر صندلی نگذارید و خبرنگاران نیابند، دفاعیه‌ای ندارم و شما بنویسید که دفاعی ندارد و هر حکمی دارید، صادر کنید».

دقیقی به منشی دادگاه گفت: «این سخنان وی در صورت جلسه منعکس شود». سپس از دکتر حسین آبادی، وکیل مدافع تاج‌زاده، خواست از وی دفاع کند. دکتر امیر حسین آبادی گفت: «اول باید ببینم که حرفهای آقای توسلی (وکیل آزرمی) تمام شده یا نه!» در این لحظه قاضی گفت: «شما وکیل تاج‌زاده هستید و در مورد وی صحبت کنید». تاج‌زاده معترضانه گفت: «بنویسید که بجز در دادگاه علنی، صحبت نخواهم کرد». قاضی دقیقی به وی تذکر داد و گفت: «این دادگاه علنی است و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی حضور دارد و همین‌طور از صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز تشریف دارند و واحد خبر قوه قضائیه نیز حاضرند. لذا مؤکداً و مجدداً بیان می‌شود که در خصوص سؤال فوق، چنانچه توضیحاتی دارید، بیان

کنید». تاج‌زاده گفت: «افرادی که هستند گزینش شده‌اند و صندلیها به نسبت دادگاه گذشته، کاهش یافته و چنانچه خبرنگارانی که با من آمده‌اند و بقیه خبرنگاران، حاضر نباشند، صحبت نمی‌کنم». دقیقی از خبرنگار «ایرنا» پرسید: «مگر شما خبرنگار خبرگزاری نیستید؟» تاج‌زاده خطاب به قاضی گفت: «اجازه دهید من صحبت کنم و سپس شما پرسید». وی افزود: «اگر خبرنگاران در جلسه نباشند، من توضیحی ندارم و اگر می‌خواهید، ختم دادگاه را اعلام کنید». قاضی دقیقی بار دیگر، حضور خبرنگاران «ایرنا» و واحد مرکزی خبر را دلیل بر علنی بودن دادگاه دانست. اما تاج‌زاده گفت: «این دادگاه از نظر من علنی نیست و بنا به گفته رئیس قوه قضائیه، این دادگاه باید علنی برگزار شود».

رئیس ستاد انتخابات کشور سپس جلسه محاکمه را به همراه وکیل مدافع خود ترک کرد. قاضی دقیقی خطاب به منشی جلسه گفت: «بنویسید که تاج‌زاده، بدون اذن رئیس دادگاه و بدون این که به اتهاماتش پاسخ دهد جلسه را ترک کرد».



سیدمصطفی تاج‌زاده پس از ترک دادگاه به خبرنگاران گفت: «بنده در هر دادگاهی که برایم تعیین کنند به شرط علنی بودن شرکت می‌کنم و به یاری خدا، دادگاهها را به محلی برای دفاع از حقانیت حرکت اصلاح طلبان و حقوق ملت تبدیل می‌کنم و کسانی را که در مسیر پیروزی این ملت کارشکنی می‌کنند، افشا خواهم کرد». تاج‌زاده درباره اصرار قاضی دادگاه بر عدم حضور خبرنگاران روزنامه‌ها تصریح کرد: «نمی‌دانم به چه علت نگران رسیدن پیام من به مردم هستند. در هر صورت، فقط در دادگاه علنی با حضور خبرنگاران همه رسانه‌ها شرکت خواهم کرد و هر وقت چنین دادگاهی تشکیل شود، بنده در آنجا دفاعیات خود را مطرح خواهم کرد». او همچنین از یک فشار فزاینده خبر داد و گفت: «در برخی نشریات نوشته‌اند که شکایتهای جدیدی علیه من مطرح شده و حتی یکسری از نشریات نوشته‌اند که سردار نظری^۱ از بنده درباره حادثه کوی دانشگاه شکایت کرده است. البته تاکنون من

۱. سردار فرهاد نظری، فرمانده سابق ناحیه انتظامی تهران بزرگ که پس از ماجرای کوی دانشگاه تهران عزل شد. /ن.

خبری ندارم و به بنده اساساً چیزی گفته نشده است». معاون سیاسی وزیر کشور با اشاره به اظهارات منتقدان دولت مبنی بر نگرانی از انتصاب وی به ریاست ستاد انتخابات کشور، به اشاره گفت: «نمی‌توان یک مرجع را کاملاً در اختیار عناصر جناحی قرار داد و اعلام کرد که مرجعی دیگر باید بی‌طرف باشد».



ساعاتی بعد از ترک جلسه چهارم دادگاه، قاضی دقیقی احضاریه جدیدی برای سیدمصطفی تاج‌زاده صادر کرد که به جای دعوت از وی برای ارائه آخرین دفاعیه، اتهام جدیدی تحت عنوان «دخاله غیرقانونی در امر انتخابات» در صدر آن به چشم می‌خورد. در آن احضاریه، زمان برگزاری جلسه پنجم دادگاه رسیدگی به اتهامات رئیس ستاد انتخابات کشور روز دوشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۷۹ قید شده بود. روزی که آستان حوادثی بود که به نوعی، آن‌را به تاریخ معاصر سیاسی کشور سنجاق کرد.

درگیری لفظی «مطلع» با «متهم»

بعد از ترک جلسه چهارم دادگاه توسط رئیس ستاد انتخابات کشور، برای اولین بار شیخ جوانی که چفیه‌ای نیز دور گردن خود انداخته بود، به عنوان «مطلع» پرونده در محضر دادگاه سخن گفت و کمی بعد، به دنبال مشاجره لفظی که میان او و فرماندار تهران رخ داد، نزد خبرنگاران معروف شد. به درخواست قاضی، حجت‌الاسلام منصور غفوری، به عنوان «مطلع»، برخاست و در معرفی خود گفت: «بنده عضو هیأت شمارش آرا از شورای نگهبان هستم که در آخر فروردین (۷۹) با حکم دبیر شورای محترم نگهبان، به عضویت گروه بازشماری و بررسی انتخابات تهران منصوب شدم و تا پایان انتخابات تهران و حتی در هیأت نهایی سه نفره به اتفاق مهندس شیخ عطار و دکتر مصطفوی، گزارش نهایی تخلفات انتخابات تهران را به استحضار شورای نگهبان رساندیم».

این «مطلع» همچنین اظهار داشت: «گزارش سازمان بازرسی کل کشور، مورد تأیید من است و پیشگیری از بازرسیها و ممانعتها، بخشی به دستور شخص وزیر کشور و بخشی با دستور تاج‌زاده بود که در گزارش سازمان بازرسی و هیأت

بازشماری مکتوب است. دخالتها جنبه‌های مختلفی دارد که من آمادگی آن را دارم که آنها را نزد آقای تاج‌زاده و وزیر کشور و خبرنگاران بیان کنم». حجت‌الاسلام غفوری نیز تأکید کرد، «حضور خبرنگار خبرگزاری در این جلسه نیز به منزله حضور تمام خبرنگاران است».



بعد از اظهارات «مطلع»، جلسه دادگاه با محاکمه آیت‌الله آزر می، فرماندار تهران، ادامه یافت. اما اتفاقاتی در راه بود که این «مطلع» را مرکز توجه بیشتری قرار داد. وقتی در پایان جلسه، فرماندار تهران، قصد داشت اتاق دادگاه را ترک کند، منصور غفوری با صدای گرفته‌اش یک «خدا حافظ» بلند گفت و دستش را به طرف آزر می دراز کرد. لحظه‌ای که غفوری دستش را به سوی فرماندار دراز کرد، آن قدر به موقع — و حساب شده — بود که دیدن عاقبت برخورد او با فرماندار تهران، از نظر افراد حاضر دور نماند. آزر می دستانش را پس کشید و با عصبانیت به غفوری گفت: «عامل اصلی ارسال گزارشهای غلط (به شورای نگهبان)، که باعث ابطال صندوقهای رأی مردم تهران شد، تو بودی و من با چنین افراد متقلبی، دست دوستی نمی‌دهم». غفوری بلافاصله در جواب گفت: «تو و رئیس ستاد انتخابات کشور، برخورد طاغوتی دارید و هیچ کدامتان لیاقت فرمانداری تهران و ریاست ستاد انتخابات کشور را ندارید. من امیدوارم که در جهنم شما را ملاقات کنم». زودتر از آنچه تصور می‌رفت، مشاجره بالا گرفته بود. آزر می برافروخته پاسخ داد: «من در بهشت (خواهم بود) و بر تو جهنمی اشراف دارم». غفوری هم متقابلاً گفت: «من از تخلفات تو و تاج‌زاده نمایشگاهی برپا می‌کنم». آزر می پاسخ داد: «ان شاء الله که بر سر حرفتان بمانید و نمایشگاه را برگزار کنید. چون در آن صورت، ما ناگفته‌های انتخابات تهران را برای مردم بازگو خواهیم کرد».



بعد از این مشاجره، منصور غفوری، ناظر شورای نگهبان در هیأت بازشماری آرا، در جمع خبرنگاران خارج از دادگاه حضور یافت و به آنها گفت: «تاج‌زاده لیاقت ندارد، چون یک دیکتاتور است و در کار دیگران صددرد دخالت می‌کند. ستاد

انتخابات کشور حق ندارد در انتخابات تهران دخالت کند. تاجزاده طبق نامه‌ها و اسناد، فرماندار تهران را مسلوب‌الاختیار کرده بود.

غفوری در پاسخ به این سؤال که «در گزارش سازمان بازرسی کل کشور، اتهامی متوجه آقای تاجزاده نیست»، در اظهار نظری قابل تأمل گفت: «اتفاقاً گزارش سازمان بازرسی کل کشور، شخص وزیر کشور و سیدمصطفی تاجزاده را به عنوان متهم معرفی کرده است».

بلافاصله خبرنگاری پرسید: «اما "خبره" معاون بازرسی کل کشور در جلسه غیرعلنی اخیر در مجلس عنوان کرده که در گزارش این سازمان هیچ جرمی متوجه آقای تاجزاده نیست». غفوری کمی مکث کرد و بدون توجه به سخنان چند لحظه قبل خود پاسخ داد: «کار سازمان بازرسی کل کشور تعیین جرم نیست و تعیین جرم با قاضی است». او در پاسخ به این سؤال که «شما معتقدید چند صندوق تخلف داشته است؟» گفت: «۱۳۶۴ صندوق بازشماری شده، که از این ۱۳۶۴ صندوق، هیچ کدام سالم نبوده‌اند و از جهت ماهوی، همه این صندوقها از ده درصد به بالا تخلف داشته‌اند».

خبرنگار دیگری پرسید: «از نظر شکلی، تخلفات از ۱۷۸ صندوق به ۱۱ صندوق رسیده است؟» غفوری پاسخ داد: «۱۳۶۴ صندوق بررسی شده بود و شورای نگهبان ۵۳۴ صندوق را ابطال کرد».

«او، این جایگاه را رفعت داد»

بیش از ۱۵۰ تن از ایثارگران شاغل در وزارت کشور، طی نامه سرگشاده‌ای به رئیس قوه قضائیه، که در مطبوعات ۱۶ بهمن ماه منعکس شد، نسبت به برخوردهای بخشی از دادگستری تهران با سیدمصطفی تاجزاده انتقاد کردند. در این نامه که با لحنی دردمندانه نگاشته شده، آنان به سلوک کاری سیدمصطفی تاجزاده اشاره کرده و نوشته بودند: «آقای تاجزاده از معدود مدیرانی هستند که اکثریت قاطع پرسنل از نحوه سلوک و عطوفت او کمال رضایت را دارند و از سوی دیگر کارکنان وزارت کشور و به ویژه همکاران مرتبط با ایشان بر صداقت و سلامت این مدیر مهربان گواهی می‌نمایند».

حضور مقتدرانه جناب آقای تاجزاده در این مسئولیت خطیر در طول سه سال و نیم گذشته منشأ برکات و اثرات مفیدی برای کل نظام و انقلاب اسلامی بوده است که در قضاوت هر انسان منصف و مطلعی رأی به تأیید این واقعیت صادر می‌شود. تلاش خستگی‌ناپذیر جهت احیای اصل فراموش‌شده شورا و برگزاری موفقیت‌آمیز انتخابات آن پس از گذشت ۲۰ سال از پیروزی انقلاب قطعاً یکی از برگهای زرین کارنامه تاجزاده است که آیندگان همواره خود را مرهون شجاعت و عزم راسخ وی خواهند دانست.

از دیگر خصایص بسیار خوب جناب آقای تاجزاده، عنایت و توجه وافر به قشر ایثارگر خصوصاً خانواده‌های شهدا و جانبازان و آزادگان است. مراحم فراوان توأم با عطوفت ایشان نسبت به ایثارگران شاغل در وزارت کشور فراموش‌شدنی نیست و این خاطرات خوش است که اجازه نمی‌دهد در خصوص محاکمه ایشان سکوت کنیم.

ما ایثارگران وزارت کشور (خانواده شهدا، جانبازان، آزادگان و رزمندگان) ضمن حمایت مجدد از جناب آقای تاجزاده، مراتب اعتراض خود را از برخوردهای بخشی از دادگستری تهران با ایشان اعلام می‌داریم و تأکید می‌نماییم که برخورد با تاجزاده به مفهوم برخورد با یک مدیر ارزشی است که در طول مسئولیت خود جز فداکاری و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه انجام وظیفه چیزی از او دیده نشده و البته مایه تأثر و تأسف بسیار است که پاسخ آن‌همه جانفشانی و خدمت صادقانه و خالصانه این‌گونه داده می‌شود.

امیدواریم با دقت و عنایت شما (ریاست محترم قوه قضائیه) عاقبت این پرونده سرنوشت نافرجامی نداشته باشد زیرا از دست دادن تاجزاده خسران عظیمی است که گمان نکنیم به این زودیه‌ها جایگزینی برای او یافت شود. چون او این جایگاه را آنچنان رفعت داد که آیندگان به خدمات وی پی خواهند برد.»



آنچه در نامه ایثارگران وزارت کشور قابل تأمل می‌نمود، این‌که به قرار اطلاع، آنان با گرایشهای گوناگون (از منتقدان و حامیان دولت)، آن نامه را امضاء کرده بودند؛

نکته‌ای که تاکنون سابقه نداشته است. آنان در پایان از ریش قوه قضائیه، خواستار «برائت تاج‌زاده از کلیه اتهامات» شدند.

«به نام خدای منتقم متجاوزین به حقوق مردم»

قطعاً عبارت «به نام خدای منتقم متجاوزین به حقوق مردم» که رئیس‌جمهور خاتمی، در آغاز سخنانش در اجتماع هزاران نفری راهپیمایان ۲۲ بهمن در میدان آزادی تهران به کار برد، با مجموعه وقایعی که در ماههای زمستانی سال ۱۳۷۹ روی داده بودند، بی‌ارتباط نبود. در فاصله جلسات چهارم و پنجم دادگاه رسیدگی به اتهامات رئیس ستاد انتخابات کشور، یعنی بین روزهای ۱۹ و ۲۴ بهمن‌ماه، رئیس‌جمهور خاتمی در سخنان مهمی که در میدان آزادی تهران بر زبان آورد، به نکاتی اشاره کرد که برای هر ناظر سیاسی تأمل‌برانگیز می‌نمود. توجه عمومی به سخنان خاتمی، از همان «به نام خدای...» خود به خود جلب شده بود. در آن سخنان، سیدمحمد خاتمی از جمله به یکی از اهداف اساسی انقلاب اشاره کرد و گفت: «انقلاب اسلامی آمد تا اساس رابطه میان قدرت حاکم و مردم را که قبلاً رابطه «خدایگان و بردگان» بود به نفع مردم تغییر دهد». و در بخشی دیگر، بر این مفهوم چنین افزود: «چرخ این کشور، بر مدار حضور مردم می‌چرخد و انتخابات، تعیین‌کننده سرنوشت مدیریت سیاسی کشور است».

«آفرین بر دوستان قضایی‌مان...»

در حالی که سیدمصطفی تاج‌زاده در جلسات محاکمه خود از عدم پیگیری دستگاه قضایی، درباره شکایت وزارت کشور از آیت‌الله جنتی گلایه می‌کرد و منتقدان این محاکمه هم، خواستار توجه دستگاه قضایی به سوی دیگر ماجرا بودند، بیرون از محکمه نیز اخبار داغی در جریان وقوع بود.

یکی از خبرها، دفاع جدی دبیر شورای نگهبان از قوه قضائیه بود. آیت‌الله احمد جنتی، خطیب نماز جمعه تهران، روز جمعه ۲۱ بهمن‌ماه از کسانی که به قوه قضائیه حمله می‌کنند، شدیداً انتقاد کرد و گفت: «از دوستان قضایی خودمان تقدیر می‌کنم.

آفرین بر شما. شما دارید جایگاه رفیع دستگاه قضایی را حفظ می‌کنید و روز به روز قدرت این دستگاه را بیشتر می‌کنید».

آیت‌الله جنتی سپس به دست‌اندرکاران قوه قضائیه توصیه کرد: «خواهش می‌کنم این موضع خود را حفظ کنید. اگر می‌خواهید عادل باشید این موضع را حفظ کنید. وگرنه طوری می‌شود که انسان ضعیف، کیفر می‌بیند و آنها که قدرت یا تریبونی دارند، معاف می‌شوند».^۱

تحلیل دادگاه و مسائل روز توسط تاج‌زاده

بلافاصله پس از ترک چهارمین جلسه دادگاه توسط تاج‌زاده، وی در گفت‌وگو با «ایرنا» گفت: «مطابق قانون، تشخیص علنی یا غیرعلنی بودن دادگاه با قاضی است. اما تا آنجا که من مطلع هستم، تصمیم قاضی این پرونده برگزاری علنی جلسات دادگاه بوده است. البته من اعلام کرده‌ام چنانچه دادگاه غیرعلنی برگزار شود، دفاعیه‌ای ارائه نخواهم داد و قاضی هر حکمی بخواهد، می‌تواند صادر کند. اما اگر بناست دادگاه علنی باشد، طبق قانون نباید از ورود افراد، بخصوص خبرنگاران مطبوعات که رکن چهارم مردم‌سالاری هستند، به جلسه دادگاه ممانعت شود. متأسفانه در جلسه قبلی مانع ورود نمایندگان مطبوعات و حتی خبرنگار خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) به دادگاه شدند که باید معلوم شود این تصمیم توسط چه کسی اتخاذ شده است. من از مسؤولان دادگستری تهران درخواست می‌کنم ارتباط نزدیک‌تری با مطبوعات برقرار کنند، زیرا مطبوعات در مجموع نماینده افکار عمومی هستند و حضور آنان در دادگاه به مثابه حضور مردم است. باید معلوم شود که چرا صندلیهای موجود در دادگاه، که تعدادشان بسیار محدود بود، کاهش یافت و چرا قبل از این که اینجانب و حتی رئیس دادگاه وارد اتاق شویم، تعدادی از صندلیها توسط افرادی معین اشغال شده بود».

۱. تا اواسط اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰، تقریباً در همه نوبتهایی که آیت‌الله جنتی خطبه‌های نماز جمعه تهران را ایراد کرد، بخشی از سخنان خود را به دفاع و حمایت از قوه قضائیه اختصاص داد. حمایت‌هایی شبیه به سخنان فوق./ن.

سیدمصطفی تاجزاده با اشاره به این خبر که «آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران گفتند نباید موجب تضعیف قوه قضائیه شویم»، گفت: «اقتدار قوه قضائیه همچون سایر قوا و نهادها در درجه اول به عملکرد خود آن بستگی دارد. برای مثال عدم رسیدگی به پرونده فیلم کارناوال عصر عاشورا و نیز عدم طرح شکایت وزارت کشور علیه آقای جنتی و تشکیل نشدن دادگاه ایشان، اقتدار قوه قضائیه را زیر سؤال می‌برد. من پیشنهاد می‌کنم برای اثبات استقلال و اقتدار آن قوه ممتاز، آقای جنتی خود پیشقدم شوند و برای حضورشان در دادگاه روزی را با هماهنگی مسؤولان قضایی اعلام کنند تا مردم از عدالت‌خواهی نهاد قضایی کشور مطمئن شوند».

رئیس ستاد انتخابات کشور در زمینه دلیل تأکیدش بر ورود خبرنگاران مطبوعات به دادگاه گفت: «من از رفتار قاضی محترم تعجب می‌کنم، چرا که دلیل اصرار من بر تشکیل علنی دادگاه این است که مردم دفاعیه مرا، که در حقیقت دفاع از صحت انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی است، یعنی انتخاباتی که موجب عزت و سربلندی ایران اسلامی شد، بشنوند و امانتداری برگزارکنندگان انتخابات را بهتر دریابند. اما ظاهراً عده‌ای ترجیح می‌دهند اعتماد عمومی مردم به نظام و سلامت انتخابات لطمه بخورد، اما معلوم نشود که مسؤول خاصی مرتکب اشتباه شده است. از آنجا که در ایام رسیدگی به وضعیت انتخابات، به شکل گسترده‌ای ادعا می‌شد که در انتخابات تهران تخلفات وسیع صورت گرفته و حتی آیت‌الله جنتی در اخبار سراسری صدا و سیما به ایراد اتهام به ستاد انتخابات کشور پرداخت، طبیعی است که دفاع از سلامت انتخابات و حسن عملکرد مجریان و حتی ناظران انتخابات نیز باید به اطلاع عموم رسانده شود. تنها از این طریق است که اعتماد مردم به نظام افزایش می‌یابد».

تاجزاده تأکید کرد: «عجیب این است که مسببان ابطال غیرقابل توجیه و، در اکثر قریب به اتفاق موارد، ابطال غیرقانونی بیش از ۷۲۰ هزار رأی شهروندان تهرانی، به جای عذرخواهی از ملت، دولت و وزارت کشور را که پاسدار رأی مردم و مدافع حقوق آنان است، به قلب در انتخابات متهم می‌کنند و عجیب‌تر آن که عده‌ای تلاش

می‌کنند دفاعیات مجریان در مورد سلامت انتخابات و امانتداری بیش از ۴۰ هزار نفر در جریان برگزاری انتخابات تهران در معرض افکار عمومی قرار نگیرد. من به یاری خدا در دادگاه اثبات خواهم کرد روش کسانی که قریب ۷۰ روز پس از بازشماری اولیه و تأیید صحت انتخابات تهران توسط هیأت مرکزی نظارت کشور را در التهاب نگه داشتند، اشتباه بود. ابطال ۷۲۰ هزار رأی شهروندان تهرانی نیز خطا بود. بازبینی و بررسی صندوقهای ابطالی از سوی سازمان بازرسی کل کشور نتوانسته است حتی یک مورد تقلب را اثبات کند. با وجود این، اصرار به متهم نمودن ستاد انتخابات کشور به چه معناست؟ معلوم نیست انتخابات مجلس ششم را که به گفته آقایان واجد کمترین ابطال در مقایسه با انتخابات چند دوره قبل بود و بنابراین آن را باید سالم‌ترین انتخابات نامید، چرا "پرمسأله‌ترین" انتخابات می‌خوانند؟ آیا بهتر نیست آقایان به اشتباه خود اذعان کنند و از مردم عذر بخواهند؟



معاون سیاسی وزیر کشور در خصوص اظهارات آقای عبدالله شریفی، معاون دادگستری تهران، مبنی بر این که «شما به دلیل عدم حضور خبرنگار روزنامه‌ای خاص، جلسه دادگاه را ترک کردید»، گفت: «بسیار متأسفم که معاون محترم دادگستری تهران چنین سخن می‌گوید. آیا ایشان برای اثبات ادعای خویش می‌تواند اعلام کند به خبرنگار کدام یک از ۳۰ روزنامه کشور اجازه ورود به دادگاه داده شد؟ در هر حال، همه خبرنگارانی که در آن روز در مجتمع قضایی [بیرون دادگاه] حضور داشتند، می‌توانند در این زمینه شهادت دهند».

رئیس ستاد انتخابات کشور در خصوص پیامدهای تشکیل این دادگاه اظهار داشت: «به نظر من، با تشکیل این دادگاه، ملت بیش از پیش به موانع موجود بر سر راه آقای خاتمی پی خواهند برد و بیش از گذشته درک خواهند کرد که دولت در سه سال و نیم گذشته با وجود چه موانع و کارشکنی‌هایی توانسته است این همه توفیقات را در عرصه داخلی و بین‌المللی کسب کند. آنچه مهم و امیدوارکننده است این است که دست بدخواهان ملت برای مردم آگاه و وفادار ایران اسلامی رو شده است و مردم نسبت به هرگونه کارشکنی و بحران‌آفرینی عکس‌العمل مناسب نشان می‌دهند».

مردم ما اهل اندیشه‌اند و می‌دانند که چرا چند پرونده همزمان علیه اینجانب به جریان افتاده و هدف از آنها چیست»^۱.

تاج‌زاده در پایان با گله از روزنامه کیهان اعلام کرد: «این روزنامه در روز پنج‌شنبه ۲۰ بهمن ۷۹ به نقل از یکی از خوانندگان خود اینجانب را از مشرکین خواند. من نمی‌دانم چه ارتباطی بین اتهام تخلف در انتخابات و مشرک بودن وجود دارد؟ نمی‌دانم آیا مدعی‌العموم محترم در این زمینه از خود حساسیت نشان خواهد داد؟»

«از این نمد، کلاهی نخواهند ساخت»

دکتر «محمد رضا خاتمی» دبیر کل جبهه مشارکت ایران اسلامی و نایب رئیس دوم مجلس، با ابراز اطمینانی قاطعانه به خبرنگار «ایسنا» گفت: «حقایق انتخابات چنان روشن است که اگر دادگاه تاج‌زاده، روال منطقی خود را داشته باشد، آنهایی که می‌خواستند از این نمد، کلاهی بسازند، سخت پشیمان خواهند شد».

محمد رضا خاتمی همچنین تأکید کرد که «گرچه بنا نداشتیم در این باره اظهار نظری بکنیم، اما سکوت ما باعث نخواهد شد تا با دقت، قضایا را پیگیری نکنیم». نایب رئیس دوم مجلس، این حق را برای نمایندگان مردم در پارلمان محفوظ دانست که «در یک جلسه رسمی و علنی، تمام اظهارات تاج‌زاده را بشنوند و مردم نیز مستقیماً در جریان آنچه در انتخابات تهران گذشت، قرار گیرند». خاتمی به دادگاه توصیه کرد روند قانونی محاکمه را به صورت طبیعی به پیش برده و به تاج‌زاده، فرصت کافی برای دفاع بدهد.

«خدا حافظی» به بهانه سفر

صبح دوشنبه ۲۴ بهمن ماه، پیش از ترک ساختمان وزارت کشور، سید مصطفی تاج‌زاده کمی تأمل کرد تا با دوستان و همکاران دولتی‌اش دیداری تازه کند. برگ

۱. اشاره آقای تاج‌زاده به پرونده‌های حادثه خرم‌آباد و (خبر روزنامه قدس) بود مبنی بر این‌که سردار نظری پیرامون واقعه کوی دانشگاه تهران شکایتی علیه وی تسلیم مراجع قضایی کرده است. /ن.

احضاریه‌ای که بعد از ترک جلسه چهارم دادگاه برای همان روز صادر شده بود، قید «حضور، رأس ساعت ۹» را داشت و تاج‌زاده ترجیح داد، سر وقت، به سوی دادگاه حرکت کند. برای همین به موسوی لاری، وزیر کشور، گفت که در همایش شورای تأمین استانها (امنیت عمومی-وحدت ملی) حضور نخواهد یافت، با وجود آن‌که می‌دانست تا لحظاتی بعد، رئیس‌جمهور سیدمحمد خاتمی برای افتتاح آن همایش، به ساختمان وزارت کشور خواهد آمد و سخنرانی افتتاحیه همایش را ایراد خواهد کرد.

با این حال، تا او با چند مقام دولتی و انتظامی که در انتظار ورود رئیس‌جمهور بودند، کمی احوالپرسی بکند، از طریق بی‌سیم محافظان اعلام شد که لحظاتی دیگر، اتومبیل حامل رئیس‌جمهور خاتمی وارد خواهد شد. وقتی اتومبیلها وارد ساختمان شدند، رئیس‌جمهور با دیدن سیدمصطفی تاج‌زاده در میان سایر مقامات، متعجبانه پرسید: «شما که هنوز اینجا هستید! مگر نباید به دادگاه بروید؟»

تاج‌زاده گفت: «داشتم می‌رفتم». و دقایقی بعد، پس از ورود رئیس‌جمهور به داخل سالن همایش، به سوی پیکانی که بیرون از ساختمان وزارت کشور به انتظارش ایستاده بود، رفت.

در آن دوشنبه، دو اتفاق، نظر همگان را به خود جلب کرد: یکی، سخنان مهم رئیس‌جمهور در همایش «شورای تأمین استانهای کشور» و دیگری، جلسه پنجم محاکمه رئیس‌ستاد انتخابات کشور.



هوا رو به سردی نهاده بود و در اکثر مناطق کشور - حتی مناطق گرمسیری نظیر کرمان - برف بسیاری باریده بود. در آن شرایط، هنوز مشخص نبود که سفر روز بعد رئیس‌جمهوری به کرمان انجام خواهد شد یا نه؛ سفری که به بهانه انجام آن، سیدمصطفی تاج‌زاده و رئیس‌جمهور خاتمی، فرصت یافتند با یکدیگر «خداحافظی» کنند. گرچه آن خداحافظی، در آن لحظات، برای بسیاری از اطرافیان معنای دیگری یافت.

انتقاد خاتمی از «مصونیت‌های آهنین»

سخنان رئیس‌جمهور خاتمی در همایش «امنیت عمومی-وحدت ملی» آن‌قدر

به صراحت و انتقاد آمیخته بود که سیاستمدار کم‌گویی راستگرایی مثل علی‌اکبر پرورش را نیز، به نوشتن نقدی در روزنامه رسالت وادار کرد. او «برادر بزرگتر» خود (خاتمی) را، نصیحت نمود که «این ابهام‌گوییها یعنی چه؟ مگر سخنرانی عمومی، کلاس تعلیم شعر است؟ مگر در امور مملکت‌داری می‌توان از صناعات ادبی نظیر تشبیه، ابهام، اعجاز و استعاره استفاده کرد؟»

به رغم این، رئیس‌جمهور خاتمی نه در یک سخنرانی «عمومی» بلکه در جمع اعضای شورای تأمین استانهای سراسر کشور و در همایش «امنیت عمومی-وحدت ملی» موضوع امنیت در کشور را برای سخنان خود برگزیده بود. آنچه محل ابهام بود، نقد پرورش بود که معلوم نشد مشخصاً معطوف به کدام قسمت از سخنان رئیس‌جمهور خاتمی بوده است؟

سیدمحمد خاتمی، نگرانی خود را به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی کشور از این‌که «خدای ناکرده روزی این مردم احساس کنند مسؤولان، تأمین‌کننده خواستها و مطالبات واقعی آنان نیستند» ابراز کرد. او هشدار داد: «دستهای پلیدی برای مایوس کردن مردم در کار است که اگر کارگر افتد، مردم از صحنه خارج می‌شوند. در چنان وضعیتی برای حفظ کشور هیچ نیروی نظامی، امنیتی و قضایی توانا نخواهد بود». آقای خاتمی سپس دامنه مفاهیم به کارگرفته در سخنان خود را گسترش داد: «در عرصه امنیت، این تفکر که امنیت یعنی امنیت حکومت و حکومت‌مردان باید از بین برود. زیرا در جامعه‌ای که در سایه انقلاب متحول شده است، حیثیت حکومت‌مردان به حیثیت مردم بستگی دارد. حکومت نباید تضعیف شود اما بیش و پیش از آن، امنیت مردم مهم است و باید نسبت به آن دغدغه داشت». رئیس‌جمهور خاتمی سپس گفت: «جامعه ما امروز از دو سو مورد حمله و تهدید است: نخست از جانب کسانی که نظام را نمی‌پسندند و با دین سازگاری ندارند و دیگری، دیدها و گرایشهای تاریک‌اندیشی که با هرگونه تحول مخالفند».

در خلال همین سخنرانی بود که رئیس‌جمهور اظهار امیدواری کرد روزی بتواند آنچه را بر دولت چهارساله وی گذشته است، چنانچه مصالح اقتضا کند، با مردم بازگوید. «اگر بحرانهای مهم را در دوران این دولت در نظر بگیریم، به طور متوسط هر نه روز، دولت با یک بحران روبرو بوده است».

«من به جرأت می‌گویم و با آمار و اطلاعات خدمت مردم سرافراز ایران خواهم گفت که مسیری را که دولت و جامعه طی می‌کند به سوی یک اقتصاد پویاست و آثار پویایی آن در حرکات امروز جامعه به چشم می‌خورد... این بدان معنی نیست که در جامعه مشکل اقتصادی، تورم و گرانی وجود ندارد. اما دولت افتخار می‌کند که از بحرانهای متعددی چون سقوط قیمت نفت، خشکسالی و دیگر بحرانهای رخ داده، عبور و آنها را مهار کرده و اکنون به سوی یک اقتصاد و جامعه پویا در حرکت است. روشن است که رئیس‌جمهور از این اشاره، قصد نتیجه‌گیری دیگری هم داشت، بخصوص که در پایان سخنان خود به طور مستقیم‌تری به همدردی با نیروهای وزارت کشور پرداخت. «اگر مسأله، مسأله انتخاباتی بود، می‌بایست کسانی را که چنین روشهایی را به کار می‌برند، به طور غیرمستقیم تشویق می‌کردیم تا بیشتر این روشها را به کار ببرند. چون مردم، رفتار و عادت و اخلاق انتخاباتی خود را بارها نشان داده‌اند... بهترین تبلیغ برای این که رأی کسی بالا برود، این است که با این روشها روبرو شود. اما می‌باید ببینیم مصالح کشور کجا رفته است؟ دشمنیهایی که از ناحیه این روشها ایجاد می‌شود، به آسانی قابل جبران نیست... مگر می‌شود در جامعه‌ای که قانون و نظام حاکم است، کسانی اسلام و نظام را زیر سؤال ببرند و کسانی باشند که مصونیت آهنین داشته باشند و هر جا هر اجتماع قانونی هست، با هر روش و شیوه غلط و توهین آمیزی، برهم زنند؟»

خاتمی از همگان خواست با چنین روشهایی برخورد کنند، آن‌گاه با نیروهای وزارت کشور که به گفته وی «در سه چهار ماه منتهی به انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری، فشارهای زیادی را تحمل خواهند کرد» پیشاپیش ابراز همدردی کرد.



این سخنان رئیس‌جمهوری با واکنش سریع منتقدان وی و دولتش مواجه شد. چنانچه گفته شد، یکی از این واکنشها نقدی بود به قلم علی‌اکبر پرورش که در سرمقاله روزنامه رسالت با عنوان «سخنی با رئیس‌جمهور محترم» منتشر شد. پرورش پرسید: «مگر شما در آن همایش درس اخلاق می‌گفتید که برمبنای "ایاک عنی و

اسمعی یا جاره^۲ به در بگوئید که دیوار بشنود؟ برادرم! با این ابهام‌گوییها، دهها سؤال دیگر ایجاد می‌شود که آیا این قانون‌شکنان خودخواه، کیانند؟ ... و چرا رئیس‌جمهوری با این اقتدارش، آنها را به محکمه نکشانده؟»

جلسه پنجم، علنی و باز

همان روز، در گوشه دیگری از تهران، یک خبر دیگر در شرف اتفاق بود. در جلسه پنجم دادگاه، قاضی دقیقی با مدارای بیشتری، به عکاسان و فیلمبرداران اجازه داد تا پیش از شروع جلسه دادگاه، تصاویر مورد نظرشان را از سیدمصطفی تاج‌زاده تهیه کنند. نسبت به جلسه چهارم دادگاه، قاضی دقیقی در جلسه پنجم و جلسات بعد از آن، ممانعتی از فعالیت عکاسان و خبرنگاران به عمل نیاورد و در واقع از ۲۴ بهمن ماه، «علنی بودن دادگاه» آن‌گونه شد که توانست نظر ناظران و شخص سیدمصطفی تاج‌زاده را تأمین کند.

از جلسه پنجم، همچنین برای اولین بار میز کوچکی برای «نماینده مدعی‌العموم» در نظر گرفته شد که عبدالله شریفی معاون دادگستری تهران، پشت آن جای گرفت و در شروع جلسه، با قرائت سخنانی، سه اتهام جدید را نیز به اتهامات پیشین تاج‌زاده افزود. و باز، از همین جلسه دادگاه بود که محاکمه تاج‌زاده (به طور اختصاصی)^۱ در نوبتهای متوالی صبح و عصر و با فواصل زمانی کوتاه و فشرده انجام شد و به پایان خود نزدیک و نزدیک‌تر شد.

عبدالله شریفی، نماینده مدعی‌العموم، قبلاً در جریان محاکمات دیگری نظیر دادگاه کنفرانس برلین و محاکمه اکبر گنجی - روزنامه‌نگار - به اندازه کافی مشهور و شناخته شده بود. از جمله در همان روزهای اولیه بهمن ماه، روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از وی نوشت: «معاون دادگستری کل تهران، درباره نقش افکار عمومی در صدور رأی متهمان قتل‌های زنجیره‌ای گفت: "این که گفته می‌شود رأی قاضی باید

۱. از این جلسه، به علت بیماری آیت‌الله آزرمی فرماندار تهران که منجر به بستری شدن وی در بیمارستان شد، محاکمه آقایان تاج‌زاده و آزرمی از یکدیگر منفک شد و دادگاه به طور اختصاصی به اتهامات تاج‌زاده پرداخت. /ن.

افکار عمومی را قانع بکند، این حرف نه پایه قانونی دارد و نه مطلوب و صحیح است. رأی دادگاه باید مستند به قانون باشد. اگر قاضی دنبال این باشد که با رأی خودش، افکار عمومی را تأمین بکند، در واقع خارج از موازین خواهد بود».

در آغاز پنجمین جلسه دادگاه، قاضی دقیقی، رئیس شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران، گفت: «اتهامات جدیدی علیه تاجزاده مطرح شده که نماینده مدعی العموم اتهامات را بیان خواهد کرد».

سپس عبدالله شریفی کیفرخواستی را با ۳ اتهام جدید قرائت کرد و گفت: «در جریان نظارت بر انتخابات مجلس ششم در حوزه تهران، شورای نگهبان ۵۳۴ صندوق را ابطال کرد و بیش از ۷۲۰ هزار رأی مردم تهران باطل شد. سازمان بازرسی کل کشور نیز در مقام بازرسی از عملکرد اجرایی انتخابات، ایرادات و تخلفات اعلامی شورای نگهبان را تأیید کرد».

نماینده مدعی العموم در توضیح موارد تخلف ادامه داد: «ایرادات و اشکالات دو جنبه شکلی و ماهوی دارد. از جمله این که ۱۵ صندوق فاقد ته چک بوده، ۱۴ صندوق فاقد لفاف و ۱۸۷ صندوق فاقد مهر نظارت بوده است. آزر می، فرماندار تهران، ۱۱ صندوق را قبول کرده و مازاد آن را رد کرده است. آزر می قبول کرده است که یک سوم صندوقها اختلاف دارد و اختلاف آرا در این صندوقها بیش از ۱۰ درصد است ولی سازمان بازرسی بیش از ۵۰ درصد تخلف را متذکر شده است. بر اساس گزارش سازمان بازرسی، افرادی غیر از اعضای شعب اخذ رأی در شمارش آرا دخالت کرده اند که طبق قانون انتخابات (ماده ۶۶) جرم تلقی می شود. حسن اسماعیلی، رئیس بازرسی وزارت کشور، نیز گفته است که برای هر صندوق دو بازرس گمارده شده است و شاید به لحاظ خستگی عوامل اجرایی، از بازرسان برای شمارش آرا کمک گرفته شده است».

شریفی در مورد اتهام جدید معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی گفت: «دخالت غیرقانونی در امر انتخابات و "بر عهده گرفتن وظایف فرمانداری تهران از سوی وزارت کشور" که طبق قانون انتخابات جرم است. طبق قانون، برگزاری انتخابات با فرماندار تهران است و

فرماندار، برای شمارش آرا با شرکت "مدیر سامانه" قرارداد منعقد کرده، ولی بنا به گفته حمیدرضا اردشیری و محمود احمدنژاد، از مسؤولان شرکت «مدیر سامانه»، آزر می، فرماندار تهران، گفته است که بنا به دستور وزارت کشور سایت رایانه را جمع آوری کرده، و این قرارداد را ملغی اعلام کرده است. بر عهده گرفتن وظایف فرمانداری تهران در امر انتخابات از سوی وزارت کشور، که فرماندار تهران آنرا بیان کرده، طبق قانون خلاف است.

نماینده مدعی العموم تصریح نمود: «بر اساس ماده ۶۶ قانون انتخابات، مخدوش شدن بیش از ۷۰۰ هزار رأی مردم تهران بر عهده وزارت کشور است.

آزر می گفته است که به لحاظ عدم پیش‌بینی تمهیدات لازم برای شمارش دستی آرا و عدم توجیه و آموزش اعضای شعب اخذ رأی از افرادی که دارای مشاغل آزاد هستند، استفاده شده است. یک صندوق به شماره ۱۹۴۱ اصلاً تشکیل نشده و این صندوق فقط دارای فرم ۴۹ بوده و صورت جلسه موجود است که این امر نیز تخلف از ماده ۶۶ قانون انتخابات است و جرم آن متوجه رئیس ستاد انتخابات و فرماندار است».

عبدالله شریفی در پایان سخنانش، خواستار مجازات عاملان مخدوش شدن آرای مردم تهران شد.



سپس قاضی دقیقی از سید مصطفی تاجزاده خواست دفاع خود را آغاز کند. او در ابتدای دفاعیات خود گفت: «من آغازگر باز شدن مجدد پرونده انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران نبودم. اما دادگستری تهران فرصتی فراهم کرد تا من بتوانم به یاری حق در وهله اول از سلامت انتخابات دفاع کنم و نقش خدمتگزاران مردم در پاسداری از تک‌تک آرای آنان را روشن کنم. به یاری خدا از این فرصت استفاده کرده و امانتداری دولت در جریان انتخابات را اثبات خواهم کرد؛ دولتی که تکیه‌گاه اصلی آن مردم هستند و برآمده از رأی همین مردم شریف است».

معاون سیاسی وزارت کشور از «خدمات بیش از ۴۰۰ هزار انسان شریف در

سراسر کشور که اکثر آنان برگزارکنندگان انتخابات در همه ادوار هستند و عمدتاً هم با هیأت امنا و معتمدین مردم در مساجدند و یا از پرسنل شریف آموزش و پرورش هستند»، قدردانی کرد و گفت: «دادگاه محترم مستحضر است که بار عمده انتخابات کشور بر دوش مساجد و مدارس است و من به سهم خودم از خدمات همه آن عزیزان و نیز از پرسنل نیروی انتظامی و فرمانداران تشکر می‌کنم».

«هدف سوم دفاع من بیان اشتباهات و تخلفاتی است که باعث شد بدون دلایل منطقی و در اکثر موارد به طور غیرقانونی بیش از ۷۲۰ هزار رأی مردم در شهر تهران ابطال شود و متأسفانه به حقوق مردم، چه انتخاب‌کنندگان و چه انتخاب‌شوندگان، تجاوز شود. امیدوارم دفاعیات من باعث شود که این روشهای غیرقانونی در انتخابات کشور تکرار نشود و مرجع نظارتی، خود را مسؤول و پاسخگو در برابر مردم و قانون احساس کند».

بر این باورم که دفاع من از سلامت انتخابات پرشکوهی که مقام رهبری ۴۸ ساعت پس از برگزاری، آنرا جلوه‌ای از پیروزی مردم و نصرت الهی یاد کردند، باعث افزایش اعتماد عمومی مردم که بزرگترین سرمایه نظام جمهوری اسلامی ایران هستند، می‌شود و به این دلیل، همین‌جا از صدا و سیما درخواست می‌کنم مشروح این دادگاه را به سمع و نظر مردم، که صاحبان اصلی کشور هستند، برساند».



تاج‌زاده سپس در توضیح نحوه احضار و دادرسی پرونده خود گفت: «من بار اول در پی اعلام جرم سازمان بازرسی کل کشور، برای "ادای پاره‌ای توضیحات" احضار شدم و قاضی محترم دو سؤال از من کردند که اولین اتهام، تحت عنوان "معاونت در مخدوش کردن آرای مردم" به من تفهیم شد و دومی "ممانعت از همکاری با هیأت اعزامی سازمان بازرسی کل کشور" بود. پس از این‌که من به طور خلاصه به دو سؤال فوق پاسخ دادم، قاضی محترم از من سؤال کردند که آیا مایل هستم آخرین دفاع خود را مطرح کنم یا نه؟ که طبیعتاً من فرصت خواستم و ایشان نیز با ۱۰ روز فرصت موافقت کردند تا پرونده را مطالعه کنم و آخرین دفاع ارائه شود. احضاریه بعدی که برای من ارسال شد، برای اخذ آخرین دفاعیه بود. اما در

احضاریه اخیر، اتهام جدیدی با عنوان "دخالت غیرقانونی در انتخابات" مطرح شده بود که نماینده مدعی العموم آن را امروز بیان کرد».

معاون سیاسی وزارت کشور افزود: «برای این که مستندات اتهامات جدید ارائه شود، مهلت می خواهم و تعجب خود را اعلام می کنم از نحوه دادرسی، که اگر برای آخرین دفاع احضار شده ام، چرا در این جلسه آخر، اتهامات جدیدی مطرح می شود؟»

قاضی دقیقی گفت: «شما جلسه گذشته را ترک کردید و اگر می بودید این امور به شما گفته می شد».

تاج زاده گفت: «من برای آخرین دفاع احضار شده بودم و اظهارات نماینده مدعی العموم هم، مبتنی بر مدارکی است که قبل از اولین دادگاه نیز مطرح بود و نکته جدیدی نیست که لازم به تفهیم اتهام جدیدی باشد. به هر حال، من در زمینه همه اتهامات پاسخگو خواهم بود و ان شاء الله دادگاه محترم قانع خواهد شد و این نکته را اعلام می کنم که در این دادگاه، من از سلامت انتخاباتی دفاع می کنم که خار چشم دشمنان است و این بیگانگان و بدخواهان مردم بودند که اصرار داشتند انتخابات را در نظام جمهوری اسلامی ایران غیرقانونی، ناسالم، مخدوش و غیرآزاد جلوه دهند. لذا امیدوارم دفاعیات من باعث دلگرمی همه علاقه مندان انقلاب، نظام و ایران اسلامی شود و امکان سوء استفاده را از بیگانگان سلب کند».

تاج زاده در ادامه دفاعیات خود با اشاره به حضور قانونی نماینده مدعی العموم در جلسه دادگاه گفت: «روش جدید به نظر من مطلوبتر از گذشته است. ای کاش نماینده مدعی العموم از ابتدا در جلسات دادگاه حاضر می شد. «ضمناً بر من پوشیده است که چرا اول به همراه فرماندار تهران احضار شدم و چهار جلسه مشترکاً در خدمت دادگاه بودیم و امروز و جلسه دیروز [محاکمه فرماندار تهران] به صورت جداگانه برگزار شد، با این که نوع اتهامات مطرح شده ارتباط تنگاتنگی از نظر مدعی العموم با هر دو نفر دارد».

قاضی دقیقی گفت: «شما جلسه گذشته را غیرقانونی ترک کردید و فرماندار نیز کسالت دارد. شما در خصوص موضوع اتهام دفاع کنید».

تاج‌زاده گفت: «خواهش می‌کنم سخنان مرا قطع نکنید». و در حالی که شمرده‌شمرده سخن می‌گفت ادامه داد: «این دادگاه تا این جلسه براساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور تشکیل شده و این سازمان براساس دستور مقام معظم رهبری موظف شده بود که عاملان تخلف در صندوقهای مخدوش را شناسایی کند و تحت تعقیب قانونی قرار دهد، بنابراین از دو جهت تعجب می‌کنم. اول در مورد مباشران احتمالی جرم. حق این بود که عاملان احتمالی تخلف در صندوقهای مخدوش شناسایی می‌شدند و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و اگر حین شناسایی و تحت تعقیب، نسبتی مجرمانه بین آنان با من برقرار می‌شد مرا احضار می‌کردند. محتویات پرونده حاکی از این است که در ۵۳ صندوق که سازمان بازرسی کل کشور احتمال وقوع جرم داده، از تعدادی از اعضای ۲۲ صندوق بیشتر تحقیق نشده ضمن آن‌که به تصریح گزارش سازمان بازرسی (از مجموع حدود ۳۰۸۰ صندوق تهران) تنها در ۵۳ صندوق احتمال وقوع جرم می‌رود یعنی کمتر از دو درصد صندوقها احتمال وقوع جرم دارد. حال این کمتر از دو درصد را مقایسه کنید با آن اطلاعیه‌های کذایی که دل مردم ایران را خالی می‌کرد که ۸۰ درصد صندوقها مخدوش است و انتخابات تهران ابطال می‌شود و...».

«بنابراین حداکثر که دادگاه بتواند ثابت کند - که البته تاکنون ثابت نشده - تخلف در کمتر از دو درصد صندوقهاست. گزارش سازمان بازرسی صراحت دارد که: «طبق قرائن موجود که دلالت بر سوء عملکرد اعضای این صندوقها اعم از رئیس شعبه، نایب‌رئیس شعبه، منشیها، نماینده فرماندار، بازررس یا بازرسان وزارت کشور، نماینده و یا نمایندگان هیأت نظارت دارد، نمی‌توان این اختلاف را ناشی از عوامل مذکور در بند فوق دانست و موضوع قابل طرح در مرجع قضایی است». در مجموعه گزارش ۲۳ صفحه‌ای سازمان بازرسی کل کشور تنها جایی که سازمان احتمال وقوع جرم داده و بنابراین پرونده را برای رسیدگی قضایی به دادگستری محترم تهران ارجاع داده، همین پاراگراف آخر است که من قرائت کردم. بنابراین در ۵۳ صندوقی که احتمال وقوع جرم می‌رود باید نمایندگان اعضای این شعبه‌ها و نمایندگان هیأت نظارت احضار شوند و تحقیقات به عمل آید و معلوم شود که در بین این ۵۳

صندوق در چه صندوقی تقلب و جرم رخ داده است. نکته دیگر این است که طبق قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس، نظارت بر حسن اجرای انتخابات وظیفه مرجع نظارتی است بر اساس ماده ۳ این قانون، «هیأت مرکزی نظارت بر کلیه مراحل و جریان و اقدامات وزارت کشور در امر انتخابات و هیأت‌های اجرایی و تشخیص صلاحیت نامزدهای نمایندگان و حسن جریان برگزاری انتخابات نظارت خواهد داشت». دادگاه محترم توجه دارد که یکی از اتهامات من این است که چون وزارت کشوراً وظیفه نظارت بر حسن اجرای انتخابات را داشت، چرا کوتاهی کرده که در این زمینه سه نکته قابل بیان است. نکته اول این که برخلاف نظر مدعی العموم، مسؤول صحت انتخابات، طبق قانون، هیأت‌های اجرایی هستند، نه وزارت کشور. طبق ماده ۴۲ قانون انتخابات، «هیأت‌های اجرایی انتخابات مسؤول صحت جریان انتخابات در حوزه انتخابیه خود هستند». بنابراین، در زمینه صحت انتخابات، قانون، مسؤولیت را به طور کامل و صریح و بدون ابهام بر عهده هیأت‌های اجرایی قرار داده است که این هیأت‌ها متشکل از معتمدین مردم در هر شهرستان هستند که بنا به پیشنهاد فرماندار و تأیید هیأت نظارت بر انتخابات تعیین می‌شوند و فرماندار، به عنوان رئیس هیأت اجرایی در جلسات آن شرکت می‌کند. ولی ۹ نفر از ۱۱ عضو هیأت اجرایی، از معتمدین مردمی هستند».

معاون سیاسی وزیر کشور درباره نکته دوم گفت: «واحد بازرسی وزارت کشور در امر انتخابات مجلس ششم و انتخابات ریاست جمهوری که در آستانه برگزاری آن هستیم، از سوی وزیر کشور، مستقلاً به عهده معاونت امور مجلس وزارت کشور محول شده است. بنابراین ستاد انتخابات کشور و رئیس آن، هیچ‌گونه مسؤولیتی در زمینه بازرسی بر عهده ندارد و این عرفی است که پیش از من در وزارت کشور جاری بوده و چون امری عقلانی و پسندیده است، در این دوره نیز ادامه یافته است. نکته سوم این است که طبق ماده ۳ قانون نظارت شورای نگهبان، هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مسؤول حسن جریان انتخابات است و طبق ماده هشت این قانون، «در تمام مدتی که انتخابات برگزار می‌شود، هیأت‌های مرکزی نظارت در تمام کشور و هیأت پنج نفره استانها و هیأت‌های سه نفره حوزه‌های انتخابیه، بر کیفیت

انتخابات نظارت کامل دارند و در هر مورد که سوء جریان یا تخلف مشاهده کنند، به فرمانداران و بخشداران اعلام می‌کنند. فرمانداران و بخشداران نیز موظف هستند بنا به نظر هیأت‌های نظارت و طبق قانون انتخابات در رفع نواقص اقدام کنند.

بر اساس استدلال مدعی العموم محترم که در مورد مجموعه عواملی که باعث مخدوش شدن آرای بیش از ۷۲۰ هزار نفر از مردم تهران شدند، وزارت کشور را متهم کردند، چون مسؤول انتخابات بود، چرا تمهیداتی نیندیشیده است؟ بر اساس این استدلال، هیأت مرکزی نظارت متهم اصلی این پرونده است. چون موظف به نظارت بر حسن جریان انتخابات بوده است و همچنین موظف بوده در هر مورد که سوء جریان یا تخلف مشاهده می‌نماید، به فرماندار یا بخشدار اعلام کند. جالب اینجاست که هیأت مرکزی نظارت و هیأت‌های نظارت استانها و شهرستانها و ناظران شورای نگهبان تنها به این دلیل حقوق می‌گیرند و مأمور به خدمت در شورای نگهبان می‌شوند و وظیفه‌ای به جز این ندارند.

تاج‌زاده در ادامه دفاعیات خود گفت: «طبق قانون سؤال من این است که کدام تذکر هیأت مرکزی نظارت به صورت خاص و هیأت‌های نظارت استانها و شهرستانها داده شده و مجریان در صدد رفع آن برنیامده‌اند؟ بخصوص در روز برگزاری انتخابات در این دوره که امکانات و اختیارات فراوانی طبق مصوبات مجلس پنجم در اختیار هیأت‌های نظارت قرار گرفت و در هر صندوق بین دو تا هفت نفر ناظر بر جریان برگزاری انتخابات نظارت می‌کردند، چگونه این همه تخلف عظیم ادعایی رخ داد؟ و نه تنها این عزیزان اشکال، اعتراض و تذکری به مجریان اعلام نکردند بلکه تمام صندوق‌های مورد اشاره دادگاه، بلااستثنا دارای امضا و تأیید نمایندگان شورای نگهبان است. علاوه بر این چون ارتباط هیأت مرکزی نظارت بر هیأت استانها و شهرستانها برخلاف ستاد انتخابات کشور یک ارتباط طولی و سلسله‌مراتبی است، به این معنا که ناظران در مناطق کوچکتر مستقیماً توسط ناظران مافوق انتخابات می‌شوند، بنابراین هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات بیشتر از ستاد انتخابات کشور واجد اختیار است و در نتیجه در مظان اتهام قرار دارد».

قاضی دقیقی گفت: «طبق ماده ۱۰ قانون انتخابات، هیأت نظارت حق ابطال انتخابات و یا جلوگیری از آن را ندارد».

تاج‌زاده گفت: «در ماده هشت که من گفتم، به هیأت‌های نظارت این اختیار و وظیفه داده شده که در جریان برگزاری انتخابات اشکال یا تخلف را تذکر دهند».

قاضی دقیقی گفت: «گزارش‌های تخلف انتخاباتی، مکتوب است».

تاج‌زاده گفت: «این گزارش‌ها باید مکتوب باشد و شورای نگهبان باید به مجریان تذکر می‌داد. چون وظیفه قانونی «ناظر» این است که سوء جریان و تخلف را به فرماندار یا هیأت اجرایی گزارش کند نه این که آنها را پرونده کند و به دستگاه قضایی بفرستد. وظیفه اول این عزیزان اعلام تخلف به مسؤولان اجرایی است که در صورت عدم اقدام مجریان، وظیفه بعدی آنان گزارش به شورای نگهبان یا دستگاه قضایی بود». تاج‌زاده در ادامه درباره صحت انتخابات تهران گفت: «اگر شکایاتی از نحوه برگزاری انتخابات وجود داشته باشد بعد از برگزاری انتخابات و اعلام نتیجه در فرصت یک هفته به این شکایات در جلسات مشترک هیأت اجرایی و نظارت رسیدگی می‌شود».

هیأت نظارت بر انتخابات شهرستان تهران صحت انتخابات تهران را در دو مرحله به صورت مکتوب تأیید کرد و هیأت نظارت استان تهران نیز در دو مرحله (شمارش اولیه و بعد از بازشماری) انتخابات این شهر را تأیید کرد. هیأت مرکزی نظارت که اعضای آن عبارتند از آقایان رضوانی، جنتی و علیزاده، که هر سه عضو شورای نگهبان هستند و آقایان دری نجف‌آبادی و شریعتی، انتخابات تهران را تأیید کردند».

سیدمصطفی تاج‌زاده سپس نامه صدیقی، رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات استان تهران، خطاب به استاندار تهران را قرائت کرد. صدیقی در این نامه آورده است «نظر به این که بازشماری تعداد اعلامی صندوقها در روند انتخابات و جابه جایی کاندیداها تأثیری نداشته و اطمینان لازم بر صحت انتخابات با همین تعداد بازشماری حاصل شده است، لذا به نظر هیأت مرکزی نظارت نیازی به ادامه بازشماری نیست».

اگر هیأت‌های نظارت تخلف یا سوء جریانی مشاهده می‌کردند و گزارش می‌کردند تا ۱۸ اسفند ۱۳۷۸، پنج بار انتخابات تهران را تأیید نمی‌کردند و دستور

متوقف کردن بازشماری آرا را به دلیل کسب اطمینان لازم از صحت برگزاری انتخابات تهران، صادر نمی‌کردند.

در این هنگام قاضی دقیقی گفت: «گزارش سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر وجود جرم است و در این زمینه تحقیق کرده، نه این‌که تخلفی صورت گرفته باشد، بلکه جرم صورت گرفته، و افراد مطلعی از هیأت بازشماری به این جلسه دعوت شده‌اند تا در خصوص بازشماری آرا نظر بدهند و تخلفاتی را که مشاهده کرده‌اند و تذکر داده‌اند، اعلام کنند». وی سپس از حجت‌الاسلام منصور غفوری خواست به عنوان «مطلع» صحبت کند.

غفوری گفت: «گزارش رئیس ستاد انتخابات کشور مغایر اسناد ارائه شده است و متأسفم از این‌که گزارشهای خلاف در این جلسه می‌شنوم. هیأت بازشماری با ۳۰۰ نفر در سه مرحله، ۱۳۶۴ صندوق را بازشماری کرد و ملاک انتخاب صندوق برای بازشماری نیز شکایت مردم، کاندیداها و شورای نگهبان بود. در این بازشماری، آرای شش نفر از کاندیداها از ردیف ۲۸ تا ۳۳ مورد مقایسه قرار گرفت».

غفوری، اختلاف فاحش در شمارش آرا، دوخطی نوشته شدن برگه‌های اخذ رأی، فقدان مهر و ته‌چک، پاره بودن لفاف یا دوخت لفاف صندوقهایی بر روی لاک و مهر را از جمله تخلفات مشاهده شده توسط این هیأت ذکر کرد و اضافه نمود: «این هیأت، انحراف بین شمارش اولیه و بازشماری اعلام شده در گزارش سازمان بازرسی کل کشور را تأیید کرد».

مراحل سوء جریان شامل مرحله قبل از انتخابات با فضا سازی تبلیغی، مرحله اخذ رأی، مرحله شمارش آرا، مرحله ثبت آرا و مغایرت برگه‌ها با فرم ۴۹ و نبود ۴ صندوق از جمله تخلفات انتخاباتی ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران است، مثلاً آقای کروی شکایت کرده بود که از ۱۰۲ صندوق برای وی، صفر منظور شده است که با بازشماری مجدد مشخص شد که وی در برخی از این صندوقها بین ۳۶۰ تا ۱۲۰۰ رأی داشته است. در صندوق شماره ۳۳ آرای آقای علیرضا رجایی یک‌هزار و ۱۶۴ رأی بود، در حالی که در این صندوق برای وی ۹۶۱ رأی ثبت شده بود. در مرحله نگهداری صندوقها نیز تخلف صورت گرفته است، از جمله در

شهری و یا در بعضی از صندوقها لفاف به اندازه‌ای باز بود که به راحتی می‌شد دست را داخل صندوق کرد و آرا را جابجا کرد و یا برخی از صندوقها به جای فرم اصلی ۴۹، فتوکپی آن بود و ته‌چک برخی صندوقها گم شده بود و لفاف برخی صندوقها بر روی لاک و مهر دوخته شده بود».

غفوری برخوردهای فرماندار تهران با هیأت بازشماری را در مراحل بازشماری مجدد آرا توهین‌آمیز خواند و گفت: «آقای آذر می‌اول از وزارت کشور کسب تکلیف می‌کرد و ما را پشت در نگه می‌داشت و با این هیأت همکاری نمی‌کرد. ۱۳۶۴ صندوق را بازشماری کردیم که موجب ابطال انتخابات تهران می‌شد و سیاستمداران می‌دانند بازشماری سه‌هزار صندوق، با شیب ملایمی تغییر می‌کند و ۱۰ درصد آرا در این بازشماری تغییر داشت. ایرادات شکلی در ۳۵۰ صندوق وجود داشت و در ۵۸ درصد صندوقها "مشکل" وجود داشت و ریختن آرا با دست به داخل صندوقها، صورت جلسه شده و موجود است. ۱۰۷۶ رأی در ۳۰۰ صندوق کمتر از سن قانونی بودند و حدود ۵ هزار رأی بالای ۱۰۰ سال سن داشتند که احتمالاً از اموات بودند و همچنین فرم ۴۹ با صورت جلسه‌های شمارش آرا متفاوت بود. آقای اسماعیلی، مسؤول بازرسی وزارت کشور، نیز قبول دارد که تخلف شده است و دنبال دلیل برای توجیه هستند. در بازشماری آرا سه نفر از هیأت در بازشماری و دو نفر از نمایندگان فرمانداری تهران حضور داشتند». غفوری در پایان سخنانش، خواستار احقاق حق شد.



پس از اظهارات غفوری، دکتر امیر حسین آبادی، وکیل مدافع معاون سیاسی وزیر کشور، از قاضی دادگاه تقاضای وقتی برای تذکر قانونی کرد.

دکتر حسین آبادی گفت: «ایرادی نسبت به مطلع محترم (غفوری) دارم. وی به عنوان مطلع احضار شده است و در خصوص اطلاعات و تحقیق از ایشان دو نکته مورد توجه است. اول این که مطابق ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری "شهود تحقیق و مطلعین باید قبل از اظهار اطلاعات خود به نام خداوند متعال و برای بیان تمام حقایق سوگند یاد کنند" ولی ایشان سوگندی بیان نکرد و اظهار اطلاع، بدون

سوگند طبق نص صریح قانون، منشأ اثر حقوقی و قضایی ندارد. نکته دوم این که آقای غفوری روز چهارشنبه ۱۹ بهمن در دادگاه، به عنوان مطلع حاضر شده بود. در دادگاه، یا بعد از جلسه دادگاه (به طوری که در مطبوعات روز پنجشنبه، از جمله روزنامه کیهان منعکس است)، مطالبی را در مورد موکل من (تاجزاده) بیان کرده است که از جمله، از ایشان به عنوان فردی «مستبد» نام برده و عباراتی از این قبیل، در مورد ایشان به کار برده است. ریاست محترم دادگاه تصدیق می کند، مطلعی که ذهنیت قبلی او در خصوص یکی از طرفین پرونده، (و در اینجا آقای تاجزاده) به این نحو باشد، اطلاعات و شهادت او نمی تواند با بی طرفی کامل و بدون خدشه باشد.

این وکیل مدافع از رئیس دادگاه خواست با توجه به این تذکر قانونی، در خصوص اطلاعات مطلع، توجه خاص داشته باشد. در همین هنگام، حجت الاسلام غفوری مجدداً برخاست و با اجازه رئیس دادگاه در مقام توضیح برآمد و گفت: «من از مسائل حقوقی، اطلاعی ندارم و بخش اول را من نمی دانم و باید قاضی بگوید و هر کجا لازم باشد، در خدمتیم و قسم یاد می کنم.

اما درباره مورد دوم، من در جلسه اول سه بار به آقای تاجزاده سلام کردم، ولی وی جواب نداد و سپس سه بار به آزر می فرماندار تهران سلام کردم، ولی وی به جای جواب به من گفت، تو متقلبی و چی و چی و من نیز به وی گفتم تو لیاقت نداری. همین».

بعد از این توضیح، قاضی دقیقی از تاجزاده خواست از خود دفاع کند. تاجزاده با اشاره به اظهارات غفوری درباره انتخابات تهران، گفت: «این مسائل در گزارش سازمان بازرسی کل کشور منعکس نشده است و این حرفها، من را به یاد صدور اطلاعیه های التهاب آفرین اردیبهشت ماه می اندازد و خوشبختم که امروز، منشأ صدور آن اطلاعیه ها معلوم شد و هیأت منصوب آیت الله جنتی به مردم معرفی شد. از دادگاه محترم می خواهم که به اتفاق آیت الله جنتی، مشترکاً تقاضا کنیم تا مشروح این جلسات از صدا و سیما منعکس شود تا مردم، متخلفین و متجاوزین به حقوق خود را بهتر بشناسند».

سیدمصطفی تاجزاده همچنین از رئیس دادگاه خواست، هیأت های نظارت بر

شهرستان و استان تهران، به ویژه نماینده آن (تولایی) و اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به دادگاه دعوت شوند و به عنوان شاهد و مطلع اعلام کنند که «چرا به رغم این همه تخلف ادعایی، صحت انتخابات را تأیید کرده‌اند؟»^۱

رئیس ستاد انتخابات کشور تصریح کرد: «خوشبختانه مطلع محترم نیز اطلاعیه هیأت مرکزی نظارت را تکذیب نکرد و نامه هیأت نظارت استان تهران را نیز تکذیب نکرد که تکذیب کردنی هم نیست. توجه دادگاه را به مصاحبه آقای دری نجف آبادی، یکی از اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات که بلافاصله پس از صدور اطلاعیه تأیید صحت انتخابات تهران آ مصاحبه کرد و گفت که "با بازشماری ۵۰۰ صندوق اخذ رأی، تغییر ویژه‌ای در سرنوشت انتخابات تهران حاصل نشده است و به این دلیل، ادامه بازشماری ضروری نیست"، جلب می‌کنم. آقای نجف آبادی گفته بود که با بررسیهایی که تاکنون صورت گرفته، به صحت انتخابات تهران اعتماد حاصل شده و توافق هیأت نظارت استان تهران با فرمانداری تهران، مجدداً مورد تأیید قرار گرفت».^۲

علاوه بر هیأت نظارت شهرستان و استان تهران و مرکزی از دادگاه تقاضا دارم از آقای طاهری، استاندار اسبق تهران و نماینده شورای نگهبان و آقای آیت‌اللهی، استاندار تهران، به عنوان شهود دعوت به عمل آورد تا در دادگاه شهادت دهند به چه دلیل بعد از بازشماری بیش از هزار صندوق تهران در دو مرحله، به دیدار مقام رهبری و رئیس جمهوری (به صورت جداگانه) رفتند و با توجه به سابقه و تجربه طولانی مدت این دو نفر، به ویژه آقای طاهری، گزارشی را که به استحضار آن دو بزرگوار رساندند، به اطلاع دادگاه برسانند.

همچنین از دادگاه محترم تقاضا دارم گزارش مکتوب هیأت بازشماری اول (مربوط به ۵۲۷ صندوق قبل از پایان سال ۱۳۷۸) و مهمتر از آن، گزارش بازشماری نزدیک به ۵۰۰ صندوق در مرحله دوم، برای استحضار دادگاه محترم به این جلسه

۱. مزید توضیح اینکه هیأت‌های «نظارت» از سوی شورای نگهبان منصوب می‌شوند. /ن.

۲. تاج‌زاده منبع مصاحبه آقای دری نجف آبادی را روزنامه رسالت (مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۹)، ذکر کرد.

ارائه شود. در آن صورت معلوم خواهد شد چرا بعد از بازشماری هزار صندوق، نمایندگان محترم شورای نگهبان تأکید و اصرار بر تأیید صحت انتخابات داشتند.

علاوه بر این تقاضا می‌کنم که رئیس سازمان بازرسی کل کشور را برای ادای توضیحاتی درباره مفاد گزارش آن سازمان به دادگاه دعوت کنند، بخصوص که اتهام اولیه من، بر اساس این گزارش در ۲/۵ صفحه به بنده تفهیم شده است.

از محضر دادگاه تقاضا دارم مباشران احتمالی جرم من را در ۵۳ صندوقی که ادعا شده؛ بیش از ۵۰ درصد اختلاف آرا داشته‌اند، به دادگاه دعوت کنند و همین‌طور ناظران این صندوقها را به دادگاه فرابخوانند، تا معلوم شود که آیا چنین اتفاقی در صندوقها رخ داده است یا نه؟ و اگر جواب آری است، نقش نمایندگان محترم شورای نگهبان در آنها چه بوده است؟

همچنین از آقای بنی‌هاشمی، مسؤول سایت هیأت نظارت بر انتخابات، نیز دعوت شود تا در زمینه همکاری بین دو سایت اطلاعات هیأت‌های نظارت و اجرایی، مطالبی را به استحضار دادگاه برساند.

رئیس ستاد انتخابات کشور در ادامه مدافعات خود گفت: «جالب این است که هیأت مرکزی نظارت و شورای نگهبان با صدور اطلاعیه غیرقانونی، بلافاصله بعد از اعلام نتایج انتخابات، از مجریان خواستند به جای رسیدگی به شکایات، در فرصت زمانی مقرر، که یک هفته پس از اعلام نتایج انتخابات است، یک‌سوم صندوقها بازشماری شود و عملاً وقت هیأت اجرایی و هیأت نظارت، مصروف بازشماری این صندوقها شد و در نتیجه نتوانستند به همه شکایات رسیدگی کنند. هرچند بخشی از شکایات، به‌طور طبیعی در بین یک‌هزار صندوقی قرار داشت که مورد بازشماری قرار گرفت.

در این بازشماری هم برخلاف عرف معمول، مسؤولیت قرائت و شمارش آرا بر عهده نمایندگان شورای نگهبان قرار گرفت. در حقیقت در پنج بار شمارش آراء، بجز بار اول که این کار توسط مجریان انجام گرفت و نمایندگان شورای نگهبان بر آنها نظارت داشتند، در چهار مرتبه بعدی، بازشماری آرا توسط نمایندگان شورای نگهبان صورت گرفت.

قبل از این که نتیجه بازشماری ۵۲۷ صندوق را برای دادگاه قرائت کنم، لازم می دانم از یک اقدام خلاف قانون و خلاف اخلاق هیأت نظارت شهرستان تهران پرده بردارم و آن نامه ای است... [در این لحظه سخنان تاجزاده توسط قاضی دقیقی قطع شد. در عین حال او ادامه داد:] این نامه که مربوط به دستور (هیأت نظارت شهرستان تهران، مبنی بر) قرائت آرای آقای «رجایی» به نفع آقای «سعید رجایی خراسانی» بود که می خواستم بخوانم، اما به دلیل ممانعت قاضی از قرائت آن خودداری می کنم».

قاضی دقیقی در پاسخ گفت: «ممانعت نکرده ایم. شما در مورد موضوع اتهام صحبت کنید».

سپس جلسه دادگاه، با ادامه دفاعیات معاون سیاسی وزارت کشور دنبال شد. تاجزاده گفت: «از بازشماری ۵۲۷ صندوق، اختلاف آرای که مشاهده شد حدود ۱/۵ درصد بود». او مسئولیت همین مقدار اختلاف را نیز، متوجه شورای نگهبان دانست و گفت: «به رغم همه هماهنگیهایی که با مراجع نظارتی به عمل آمده بود، سه روز قبل از برگزاری انتخابات، با صدور اطلاعیه ای (از سوی شورای نگهبان) از صدا و سیما اعلام شد که شمارش آرا باید به صورت دستی صورت گیرد. این در حالی بود که هیأت اجرایی و - حتی - هیأت نظارت، هر دو با این تصمیم مخالف بودند و آمادگی برای شمارش دستی آرا نداشتند. با این همه، این ۱/۵ درصد اختلاف، هیچ تغییری در سرنوشت انتخابات (جز کاهش فاصله نفر سی و یکم با نفر سی ام) به همراه نداشت».

در این هنگام قاضی دقیقی پرسید: «چرا ۵۲۷ صندوق بازشماری شد. آیا پیشنهاد شما بود؟»

تاجزاده گفت: «خیر! نظر شورای نگهبان، بازشماری یک سوم کل صندوقها بود. من پیشنهاد کردم که صندوقها به طور تصادفی (راندام) انتخاب شوند، بدین صورت که شورای نگهبان از عدد یک تا سه، یکی را انتخاب کنند و براساس آن، هزار صندوق انتخاب شوند، تا از همه جای تهران، صندوقها انتخاب و بازشماری شوند».

به نظرم می‌آید که هیأت نظارت، عدد دو را انتخاب کرده باشد. این امر مربوط به مرحله اول بازشماری است و تا ۱۸ اسفند که بازشماری متوقف شد، پنج بار انتخابات توسط هیأت‌های نظارت تأیید شد.

قاضی دقیقی سؤال کرد: «آیا اساس بازشماری اول، شکایت افراد بود یا خیر؟» تاج‌زاده گفت: «طبق قانون، باید مبنای بازشماری شکایت افراد باشد. اما به محض این که انتخابات تمام شد، هیأت نظارت اطلاعیه‌ای صادر کرد که به دلیل تخلف عدیده و... تا بازشماری یک‌سوم صندوقها، نمی‌توان در مورد صحت انتخابات نظر داد».

قاضی گفت: «آیا شکایت نامزدها مطرح بود؟ یا نظر شورای نگهبان چنین بود؟» تاج‌زاده توضیح داد: «عرف انتخابات گذشته این بود که شکایات نامزدها و شهروندان، ابتدا توسط هیأت اجرایی و نظارت رسیدگی شود و ظرف یک هفته گزارش کار دهند و پس از آن، شورای نگهبان مخیر به تأیید، رد، ابطال و بازشماری است و می‌تواند هر تعداد صندوق را که خواست بازشماری کند».



سیدمصطفی تاج‌زاده در ادامه سخنان خود نتیجه‌گیری کرد: تا این لحظه، به فرض که همه ادعاها، چه مدعی‌العموم، چه مطلع و حتی گزارش سازمان بازرسی کل کشور درست باشد، هیچ اتهامی متوجه من نخواهد بود و برای اولین بار است که در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد انتخابات کشور به دلیل بروز تخلف احتمالی در یکی از حوزه‌های انتخاباتی، مسؤول قلمداد و محاکمه می‌شود که امری بدیع و بی‌سابقه است. در هر حال با توضیحات نماینده مدعی‌العموم، من کاملاً توجیه نشدم که اتهامات من به دلیل گزارش بازرسی است یا خیر؟ چرا که مسؤولین سازمان بازرسی معتقدند در این پرونده، اتهامی را متوجه من نکرده‌اند و در این زمینه، من یکشنبه گذشته نامه‌ای به رئیس دادگاه ارائه و براساس آن درخواست کردم از جناب آقای رئیسی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، استعلام کند که در گفتگو با سه تن از مسؤولان نظام (یعنی رئیس قوه قضائیه، وزیر اطلاعات و وزیر بازرگانی) سؤال کنند که مطالبی که از قول ایشان (رئیسی) نقل شده، چیست؟

به مصلحت دادگاه و کشور می‌دانم که اتهامات اخیر را، که ظاهراً عمده آن براساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور است، از رئیس و سایر مسئولان آن سازمان استعلام کنند. که آیا از نظر هیأت اعزامی سازمان بازرسی، جرمی و اتهامی (و مطالب مطرح شده توسط مدعی‌العموم) به اینجانب منتسب شده است یا خیر؟»

تاج‌زاده سپس از دادگاه، برای بررسی موارد اتهامی جدید، ده روز مهلت خواست تا پرونده را مطالعه و آخرین دفاعیات خود را تنظیم کند. این، مصادف با ساعت ۱۲/۳۰ ظهر بود، هنگامی که دقایقی از اذان ظهر می‌گذشت. اما علی‌رغم درخواست تاج‌زاده، قاضی دادگاه، تنها ساعتی را «تنفس» اعلام کرد که مورد مخالفت وکیل تاج‌زاده قرار گرفت. ادامه دادرسی به ساعت ۱۴ همان روز موکول شد.

«نماینده آیت‌الله جنتی را بشناسید!»

لحظاتی بعد، تاج‌زاده هنگام خروج از دادگاه در گفت‌وگو با خبرنگاران، فضای دادگاه را نسبت به جلسه گذشته، «بهتر» توصیف کرد، اما در انتقاد از نحوه رسیدگی به پرونده گفت: «تعجب می‌کنم که قاضی برای شهادت دادن در مورد انتخابات، از هیأت نظارت شهرستان تهران و هیأت نظارت استان تهران و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات کسی را دعوت نکرده بود. اتهامات جدیدی را در این جلسه به من تفهیم کردند که منتظر هستم دادگاه، شهودی را که تقاضا کردم به جلسات دادگاه دعوت کند. پیش از این گفته بودم که ابطال‌کنندگان ۷۲۰ هزار رأی مردم تهران را معرفی خواهم کرد. خوشبختانه با حضور دو نفر آنان در جلسه امروز دادگاه، کار من راحت شد.»

رئیس ستاد انتخابات کشور با اشاره به حضور حجت‌الاسلام منصور غفوری، عضو هیأت بازشماری شورای نگهبان، به عنوان مطلع در جلسه دادگاه، گفت: «من خدمت مردم شریف عرض می‌کنم، فردی که امروز به عنوان سخنگوی هیأت منتخب آیت‌الله جنتی در دادگاه حاضر شده بود، همان کسی است که گزارش ابطال انتخابات تهران را تهیه کرد و در اراک، ۲۵ صندوق را مورد بازشماری قرار داد و ۳۱ صندوق را باطل کرد.»

تاج‌زاده بعداً یادآوری کرد که ابطال انتخابات دماوند و فیروزکوه نیز براساس گزارش غفوری صورت گرفت.

«شورای نگهبان، حق ابطال ندارد»

بروز برخی مجادلات لفظی بین قاضی دقیقی و سیدمصطفی تاج‌زاده، گاهی تا دقایقی در کار دادگاه، وقفه ایجاد می‌کرد. گرچه غالباً به روشن‌تر شدن مسائلی در حواشی پرونده منتهی می‌شد. این مجادلات همچنین از نگاه خبرنگاران حاضر در دادگاه پنهان نمی‌ماند و خود، دستمایه‌ای برای نگارش ستونهای «در حاشیه دادگاه» در مطبوعات می‌شد.

بعد از مجادله جلسه چهارم که به ترک دادگاه توسط سیدمصطفی تاج‌زاده انجامید، خبرنگاران، برای نگارش ستونهای «در حاشیه دادگاه»، توجه و دقت ویژه‌ای به تذکرات و اعتراضات و بحثهای جنبی دادگاه نمودند.

در آغاز جلسه پنجم دادگاه (نوبت بعد از ظهر) که از ساعت ۱۴/۲۵ پی گرفته شد، یکی از همین صحنه‌ها به وقوع پیوست. در شروع جلسه، قاضی دقیقی به ارائه آمار برخی صندوقها پرداخت که در آنها، بین شمارش اولیه و بازشماری، آرای نامزدها دچار اختلاف شده بودند. وی گفت: «این موارد و اختلاف آرا هست، یعنی این ۱/۵ درصد (اختلاف آراء) که جنابعالی اشاره کردید، اگر واقعاً، ۱/۵ درصد باشد که معفو و قابل گذشت است، کما این که گفته‌اند اختلاف آرای بالای ۱۰ درصد را رفته‌اند دنبال کنند، اما آماري که اینجا هست، زیاد و فاحش است».

قاضی سپس از تاج‌زاده خواست به ادامه دفاعیات خود بپردازد. در این لحظه حجت‌الاسلام غفوری برخاست و با اشاره به تاج‌زاده گفت: «ببخشید آقای قاضی! قرار بود من توضیحاتی نسبت به حرفهای ایشان بدهم و شما چند دقیقه به من فرصت بدهید». قاضی با لحنی آرام در پاسخ گفت: «حالا اجازه بدهید، چون من دیگر شروع کردم». و سپس با ذکر اتهام تاج‌زاده (دخاله غیرقانونی در وظایف فرمانداری و تعطیل ماده ۲۴) از او خواست توضیح دهد.

سیدمصطفی تاج‌زاده، خواستار ارائه دلیل این اتهام و مهلت، جهت مطالعه

پرونده و تهیه دفاعیه آن شد. قاضی دقیقی گفت: «فرمانداری تهران نامه‌ای داده که وزارت کشور، مانع از اجرای وظایف فرمانداری شده...»

دکتر حسین آبادی با اعتراض اظهار داشت: «این اتهام جدید است و صبح امروز از سوی نماینده مدعی العموم قرائت شد. بنابراین باید فرصتی در اختیار آقای تاجزاده قرار گیرد که پرونده را مطالعه کند.»

تاجزاده نیز اظهار داشت: «جلسه گذشته حضاریه‌ای که به دست من رسید با عنوان آخرین دفاعیه بود، در حالی که نامه اخیر با ذکر اتهام جدید به من رسیده است، ضمن آنکه صبح امروز نیز نماینده مدعی العموم این موارد جدید را مطرح کرد. بنابراین باید وکیل بنده و خودم وقت داشته باشیم که پرونده را مطالعه کنیم. من باید هر سه اتهام مورد نظر مدعی العموم را بدانم که به خوبی از خود دفاع کنم.»

عبدالله شریفی، نماینده مدعی العموم، وارد بحث شد و گفت: «شما در مورد اتهام "دخالت غیرقانونی" از خودتان دفاع کنید.»

دکتر حسین آبادی در اعتراض به اظهارات شریفی گفت: «مطابق قانون، نماینده مدعی العموم حق ندارد تفهیم اتهام کند و هنوز قاضی نیز سه اتهام را ذکر نکرده است.»



لحظاتی بعد تاجزاده با شرح قضایای انتخابات، به دفاع از خود پرداخت: «مطابق قانون، در هر صندوق، مسئولیت شمارش آرا با اعضای صندوق و ۲ تا ۷ ناظر شورای نگهبان است. هر صندوقی که ایراد دارد، نه تنها به ریاست ستاد انتخابات، بلکه حتی به فرماندار تهران نیز مربوط نیست. بنابراین به هر صندوقی که ایراد دارید، اعضای شعبه را به همراه ناظرین آن احضار کنید. اگر احیاناً اعضای شعبه گفتند: "رئیس ستاد انتخابات کشور و فرماندار تهران دستور دادند که این مسائل ایجاد شود"، بنده را احضار کنید. در انتخابات ریاست جمهوری هفتم، در برخی شهرها ۱۸۰ درصد واجدین شرایط رأی دادند و تا ساعت ۹ صبح، همه تعرفه‌ها در آن شهرها تمام شد. اما هیچ‌گاه رئیس وقت ستاد انتخابات کشور احضار نشد، چرا که مسئول صحت انتخابات، هیأت اجرایی است و وزارت کشور در این زمینه مسئولیتی ندارد.»

دادگاه محترم اگر نسبت به صحت انتخابات تردید دارد، می‌تواند از دو مرجع یعنی هیأت‌های اجرایی و نظارت سؤال کند، که چرا صحت انتخابات تهران را تأیید کردند. ضمن آن‌که صحت انتخابات به تأیید هیأت مرکزی شورای نگهبان نیز رسیده است.

تاج‌زاده در رد ادعای اختلاف بالای ۵۰ درصد در صندوقها گفت: «۵۳۴ صندوق و بیش از ۷۲۰ هزار رأی باطل شده، در هر صندوق نیز به طور متوسط ۱۳۵۰ رأی وجود دارد، و هر شهروند تهرانی به طور متوسط نام ۲۰ نامزد را در برگه رأی نوشته. بنابراین اگر ۲۰ را در ۱۳۵۰ ضرب کنیم، چیزی معادل ۲۷ هزار نام در هر صندوق وجود داشته، که بی‌سابقه است و برخلاف آنچه می‌گویند «مشارکت کم شده»، در تهران ۵۰۰ هزار نفر بیشتر از مجلس پنجم در انتخابات شرکت کردند و در مجموع ۶۰ میلیون نام در برگه‌ها نوشته شده که بیش از دوبرابر انتخابات مجلس پنجم است. در نتیجه اگر ادعا کنیم ۵۰ درصد صندوقها اختلاف دارد، باید اثبات کنیم در هر صندوق ۱۴۰۰۰ اختلاف وجود داشته، حال آن‌که به هیچ وجه این‌گونه نیست. این مسأله دروغ آماری است که در چند ماه گذشته گفته‌اند.

وی افزود: در بازشماری ۱۰۰۰ صندوق، پیشنهاد هیأت اجرایی بازشماری آرای صد نفر اول بود اما هیأت نظارت شصت نفر را پذیرفت، و در بازشماریهای بعدی حداکثر رأی شش نفر مورد شمارش قرار گرفت، و بازرسان قضایی نیز صرفاً آرای یکی از نامزدها را در هر صندوق قرائت و شمارش کردند. در نتیجه هر تحولی که در آرای بعضی از شش نامزد مذکور به وجود آمده باشد، قابل تعمیم به کل نامزدها نیست. اگر می‌گویید صندوقی بیش از ۵۰ درصد اختلاف دارد در مورد یک یا دو نامزد بوده، در حالی که ادعا برای کل صندوقها مطرح می‌شود. از طرف دیگر حتی اگر ۵۰ درصد آرای صندوقها اختلاف رأی داشته باشد، طبق قانون کسی حق ابطال رأی مردم را ندارد. آرای مردم بازشماری می‌شود که آمار صحیح نوشته شود، بنابراین باید سؤال کرد چرا شورای نگهبان ۳۱۸ صندوق را کلاً ابطال کرده در حالی که حق ابطال ندارد، بلکه حق شکایت دارد».

قاضی دقیقی گفت: «نظر شورای نگهبان در این باره قطعی است».

شریفی نیز خطاب به تاج‌زاده گفت: «شما القا می‌کنید که شورای نگهبان، غیرقانونی عمل کرده است» که تاج‌زاده بلافاصله پاسخ داد: «القا نمی‌کنم. بلکه ادعا می‌کنم». و اضافه کرد: «اگر عمداً هم کسی آن را مخدوش کرده باشد، شورای نگهبان حق ابطال ندارد».

قاضی دقیقی تذکر داد: «خارج از موضوع صحبت نکنید».

تاج‌زاده گفت: «شما آماری خواندید و من در مورد آن توضیح می‌دهم. ادعا شد که در مسجد هدایت، خانواده آقای حداد عادل به وی رأی داده بودند و در شمارش اولیه، برای ایشان در این صندوق عدد صفر منظور شده بود. من سریعاً از فرماندار توضیح خواستم و روشن شد که آرای وی محسوب شده، ضمن آن‌که هنوز، بازشماری صورت نگرفته است، اما شورای نگهبان با این پیش‌زمینه، اطلاعیه صادر کرد».

تاج‌زاده درباره اتهام «دخالته غیرقانونی» درباره مستند ادعای این اتهام تصریح کرد: «ستاد انتخابات کشور، هیچ مسؤلیتی در مورد قرارداد فرمانداری تهران با شرکت کامپیوتری مدبر سامانه ندارد و من، هیچ دستوری مبنی بر لغو قرارداد فرمانداری و این شرکت نداده‌ام».

قاضی دقیقی خاطر نشان کرد: «اتهام دیگر شما "امتناع از انجام وظایف قانونی" است که در نتیجه، منجر به مخدوش شدن آرا شده است. در این باره توضیح دهید». رئیس ستاد انتخابات کشور پاسخ داد: «بر اساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور که مواردی نظیر عدم آموزش اعضای صندوقها متوجه بنده شده، باید توضیح دهم که عین این ایرادات و بلکه شدیدتر، در بند ۶ آن گزارش، به بخش نظارت شورای نگهبان وارد شده، اما تا آنجا که من مطلعم، دادگاه، جلسه‌ای برای محاکمه شورای نگهبان تشکیل نداده است. نکته دیگر این است که سبب اصلی به هم خوردن شمارش آرا، تصمیم نابهنگام شورای نگهبان است که بدون هماهنگی با مسؤولین اجرایی و نظارتی، اعلام کرد که شمارش آرا باید به صورت دستی انجام شود. اگر شمارش آرا، همچون انتخابات شوراهای اسلامی با ماشین صورت می‌گرفت، ما شاهد حتی یک تغییر و یک اختلاف در آرای مردم نبودیم. کما این‌که

در انتخابات شورای اسلامی شهر تهران بیش از ۴۰۰۰ نامزد داشتیم، در حالی که در انتخابات مجلس تنها ۸۵۰ کاندیدا تأیید صلاحیت شدند و به دلیل شمارش ماشینی نتایج انتخابات شوراها، هیچ گله و انتقادی به ستاد انتخابات کشور وارد نشد. اگر انتخابات طبق آنچه هیأت اجرایی و هیأت نظارت تهران توافق کرده بودند، پیش می‌رفت که همه امکانات برای آن پیش‌بینی شده بود، فرمانداری تهران، مثل انتخابات شوراها، با سربلندی از پس شمارش آرا برمی‌آمد. بنابراین اشکال از آنجا ناشی شد که در شرایط ویژه‌ای که دو سه روز پایان به انتخابات باقی مانده بود و تکالیف شاقی بر عهده ستاد انتخابات کشور قرار گرفته بود، شورای نگهبان اعلام کرد که به دلیل تغییر قانون انتخابات که ۷ بار در طول ۷۰ روز تغییر کرد، تعرفه جدیدی باید چاپ و در سراسر کشور توزیع شود و ما ظرف ۴۸ ساعت، بیست و شش میلیون تعرفه جدید در چاپخانه‌های اُفت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و توزیع کردیم.

تا سه روز مانده به انتخابات یعنی ۱۳۷۸/۱۱/۲۶، هیأت اجرایی و نظارت در مورد انتخابات ماشینی به توافق رسیده بودند، اما یک‌مرتبه شورای نگهبان اطلاعیه داد و تعجب هیأت اجرایی و نظارت را برانگیخت، در حالی که تنها دو شبانه‌روز فرصت باقی بود و باید همه امکانات بسیج می‌شد که انتخابات بدون وقفه و اشکال برگزار شود.

قاضی دقتی اظهار داشت: «یکی از موارد ایرادات این بوده که حق مأموریت اعضای شعبه پرداخت نشده است».

تاج‌زاده گفت: «وظایف ستاد انتخابات کشور معلوم است و این مطلبی که عنوان می‌کنید در حیطه وظایف ما نیست».

قاضی دقتی گفت: «با توجه به اظهارات شهرد شرکت مدیر سامانه و با توجه به آن‌که شمارش آرا، به ستاد انتخابات کشور و نه فرمانداری تهران محول شده، توضیح دهید که چرا در صندوق ۱۹۴۱ دخل و تصرف به وجود آمده است».

تاج‌زاده پاسخ داد: «ضمن آن‌که این موضوع هیچ ارتباطی به ستاد انتخابات کشور ندارد و اگر فرم وجود دارد کسانی که آن را امضا کرده‌اند، باید احضار شوند و

باید توضیحات فرماندار نیز شنیده شود، با توجه به این که تاکنون نه شورای نگهبان و نه دادگاه، این مسأله را مطرح نکرده بودند، ضمن تأکید بر عدم ارتباط موضوع با اینجانب، آن را قابل پیگیری می دانم.



در ادامه دادگاه مهدی مصطفوی، عضو دیگر هیأت بازشماری منتخب شورای نگهبان برخاست و گفت: «با توجه به آن که گزارش، توسط همه اعضای هیأت ۳ نفره امضا شده، حجت الاسلام منصور غفوری می توانند به نمایندگی از جانب ما توضیح دهند».

تاج زاده یادآوری کرد: «بعد از پخش کنفرانس برلین و بستن روزنامه ها، در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۹، آقای غفوری و ایشان (هیأت ۳ نفره بازشماری) وارد انتخابات تهران شده اند».

غفوری عضو هیأت بازشماری منتخب شورای نگهبان در پاسخ گفت: «شورای نگهبان هیچ مشکلی با رایانه ای کردن انتخابات نداشته، اما نرم افزارها ایراد داشته. بنابراین قیاس انتخابات مجلس ششم با انتخابات شوراها، مع الفارق است. در خود انتخابات شوراها نیز کار به اسلحه کشی کشید، بنابراین نظر نهایی با شورای نگهبان است».

سپس قاضی دقیقی اظهار داشت: «با توجه به این که اتهامات جدیدی متوجه تاج زاده شد، آقای حسین آبادی وکیل ایشان می تواند از موکلش دفاع کند».

دکتر حسین آبادی گفت: «در خصوص اتهام امتناع از وظایف قانونی که منجر به مخدوش شدن آرای مردم شده است، حق این بود که دادگاه محترم به صورت صریح مشخص می نمود ستاد انتخابات از کدام وظایف خود امتناع کرده که منجر به مخدوش شدن آرا شده است. آیا وزارت کشور و ستاد انتخابات در آقای تاج زاده خلاصه می شود؟ مورد اتهامی باید به صورت صریح مشخص شود و اینجانب انتظار دارم روشن گردد (تاج زاده) موکل اینجانب از کدام وظایف خود امتناع کرده که موجب خدشه دار شدن انتخابات شده است. آیا آموزش، جزو وظایف ستاد انتخابات و شخص رئیس آن است. لطفاً مستند قانونی آن را اعلام کنید. مضافاً آن که

در ماده ۶۶ و بند ۱۸ قانون انتخابات، قانون‌گذار تصریح کرده انجام هرگونه عملی که باعث مخدوش شدن رأی مردم از ناحیه اعضای شعبه اخذ رأی باشد، از قبیل خودداری کردن از ممهور کردن برگ تعرفه یا شناسنامه یا انتقال صندوق اخذ رأی به غیر از محل آگهی شده، نه تنها به ستاد انتخابات کشور که اصولاً به وزارت کشور مربوط نیست.

ممهور نکردن شناسنامه‌ها ارتباطی به ستاد انتخابات کشور ندارد. همچنین در مورد اتهام مربوط به برخی صندوقها از جمله ۱۹۴۱ موکل بنده توضیح کافی را داد که هیچ ارتباطی به ستاد انتخابات و وظایف قانونی آن ندارد و در عین حال دادگاه باید کسانی را که فرم مربوطه را امضا کرده‌اند، احضار و از آنان در خصوص این اتهام تحقیق نماید.

دکتر حسین آبادی همچنین اضافه کرد: «موکل بنده صبح امروز لایحه‌ای تقدیم دادگاه محترم نمود و تقاضا کرد افرادی به عنوان مطلع دعوت شوند و اظهارات آنان، که بدون تردید در روشن شدن موضوع مؤثر است، استماع گردد. بنابراین برای تدارک دفاع نیاز به مهلت مناسب است».

سپس قاضی دقیقی از رضایی بابادی، معاون استانداری تهران که در دادگاه حضور داشت، خواست به عنوان یک کارشناس، توضیحاتی درباره رایانه‌ای برگزار شدن انتخابات تهران بیان کند.

ابراهیم رضایی بابادی، رئیس ستاد انتخابات استان تهران، گفت: «بعد از برگزاری انتخابات شوراها که در آن، شمارش رایانه‌ای با موفقیت انجام شد و بلافاصله صحت انتخابات به تأیید هیأت نظارت رسید، با توافق دستگاه نظارتی، قرار شد انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز با ماشین (رایانه) انجام شود.

در ابتدای هر انتخابات، فرمانداری، مقدماتی را برای جمع‌بندی صورت جلسات اخذ آرا و بررسی ابتدایی مشخصات داوطلبان فراهم می‌کند و طی قراردادهایی، امر استخراج ماشینی مشخصات داوطلبان و جمع‌بندی نهایی را (به بخش خصوصی) واگذار می‌کند. در رابطه با قرارداد اشاره شده با شرکت

مدبر سامانه باید توضیح دهم با توجه به شمارش و جمع‌بندی آرا انجام شده، همه توافقات لازم بین هیأت اجرایی و نظارت صورت گرفته بود. بعد از اقدامات اولیه از سوی شرکت مزبور مبنی بر استخراج ثبت نام‌کنندگان، با تصمیم فرمانداری و هیأت اجرایی و هماهنگی با هیأت نظارت، بنا شد جمع‌بندی نهایی صورت جلسات در سایت منطقه ۴ با کمک نیروهایی که آموزش دیده بودند، انجام گیرد و این تصمیم، مشخصاً در هیأت اجرایی و نظارت گرفته شد و کلیه صورت جلسات شمارش آرا در سایت مزبور صرفاً جمع‌بندی شد، یعنی آراء اشخاص به تفکیک، شمارش و درج گردید.

در پایان جلسه، قاضی دقیقی، زمان جلسه بعدی دادگاه را ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه اعلام کرد، کمتر از ۴۰ ساعت بعد.

تحلیل تاج‌زاده از دادگاه پنجم

روز بعد، سید مصطفی تاج‌زاده معاون سیاسی وزارت کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور در گفت‌وگوی کوتاهی با «ایرنا»، به ارائه نظریات خود در خصوص جلسه پنجم دادگاه و احضاریه مربوط به روز بعد پرداخت:

«در جلسه روز دوشنبه دادگاه، سه اتهام جدید به من تفهیم شد و با وجود آن‌که جلسه دادگاه تا ساعت ۱۷/۳۰ طول کشید، قاضی مقرر کرد صبح روز چهارشنبه برای ارائه دفاعیات خویش در دادگاه حضور یابم. گرچه من نمی‌دانم براساس کدام منطق حقوقی، با طرح سه اتهام جدید به متهم، از وی می‌خواهند ۳۸ ساعت بعد دفاعیات خویش را ارائه نماید، چرا که فرصت کافی برای تهیه و ارائه دفاعیه وجود ندارد، اما با تمکین در مقابل تصمیم قاضی محترم رأس ساعت مقرر در دادگاه حاضر می‌شوم».

معاون سیاسی وزیر کشور در پاسخ به این سؤال که «به نظر شما هدف از طرح اتهامات جدید علیه شما چیست؟»، گفت:

«قاضی محترم ابتدا براساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور مرا احضار کرد، اما اکنون سمت و سوی دادگاه تغییر کرده و بنابر طرح اتهامات جدید علیه اینجانب

قرار گرفته است. جالب آن که پس از گذشت یک سال از برگزاری انتخابات، یکباره صحبت از صندوق اخذ رأیی می شود که فرماندار اعلام کرده تشکیل نشده، اما آرای آن در لیست ثبت شده است، در حالی که قبلاً هیچ مرجعی چنین ادعاهایی نکرده بود. البته این ادعا کذب است و دلایل آن را در دادگاه اعلام خواهم کرد. نکته قابل توجه این که در خصوص همین ادعا نیز تا روز دادگاه کسی از فرمانداری تهران سؤال نکرده بود و از امضاکنندگان صورت جلسه صندوق مذکور نیز توضیحی نخواستہ بود.

جلسه ششم، اظهارات مهم نماینده مدعی العموم

ششمین جلسه رسیدگی به اتهامات رئیس ستاد انتخابات تهران که روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه و مانند جلسه پنجم، در دو نوبت فشرده صبح و عصر به ریاست قاضی دقیقی برگزار شد، با سخنان شریفی، نماینده مدعی العموم، آغاز شد. سخنان عبدالله شریفی بلافاصله واکنشهایی را برانگیخت. به ویژه آن که بخشهایی از سخنان او، که سوگیری و جانبداری سیاسی آن به صراحت آمیخته بود و مورد اعتراض تاجزاده قرار گرفت، بحثهایی را در جامعه دامن زد و باعث شد نقشهای افراد و نهادها در جریان محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور، روشنی و وضوح بیشتری بیابند.

بخشهای مهم متن سخنان نماینده مدعی العموم در این جلسه در زیر می آید. جلسه ششم دادگاه، همزمان با سفر رئیس جمهور به کرمان تشکیل شد و فردای روزی بود که سخنان مهم رئیس جمهور، خاتمی، درباره مسائل امنیتی کشور در مطبوعات و صدا و سیما منعکس شده بود.

این جلسه نیز همچون جلسه پیش، با حضور خبرنگاران برگزار شد و علنی محسوب گردید، گرچه به لحاظ فضای بسیار محدود اتاق دادگاه، امکان حضور همه خبرنگاران فراهم نشد. و بسیاری از آنان، پشت در دادگاه باقی ماندند.



عبدالله شریفی، متنی را که آماده کرده بود پیش رو کشید و آغاز سخن کرد: در جلسه گذشته دادگاه، آقای تاجزاده اتهامات مطرح شده را یا متوجه فرماندار

تهران و هیأت اجرایی، که ریاست آن با فرماندار است، نمود و یا متوجه هیأت‌های نظارت و یا اعضای شعب اخذ رأی. حال آن‌که به صراحت ماده ۲۵ قانون انتخابات، مأمور اجرای انتخابات، وزارت کشور است، که این وظیفه وزارت کشور، هدایت و اعمال می‌شود و تخلفاتی که حاصل بازشماری و بازرسی‌های سازمان بازرسی کل کشور است، مربوط به مرحله اجرای انتخابات است و حوزه وظایف مجریان انتخابات. و در رأس مجریان انتخابات، رئیس ستاد انتخابات است. از طرفی براساس ماده ۲۵ قانون انتخابات، وزارت کشور علاوه بر مأموریت اجرای انتخابات، مسؤول حسن جریان انتخابات نیز می‌باشد. این مسؤولیت وزارت کشور، مقید و مشروط به نظارت شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت نیست.

ایشان در مدافعات خود از یک‌سو، به اعمال نظارت شورای نگهبان که منجر به ابطال صندوق‌های مخدوش گردیده، معترض است و به زعم خود، آن را غیر قانونی می‌داند و در عین حال حاضر نیست به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور، مسؤولیت تخلفات و تغییرات فاحش در آرای صندوق‌ها را که مستنداً قابل ارائه است بپذیرد و آن را متوجه اعضای شعب اخذ رأی و هیأت‌های اجرایی می‌نماید.

اگر آن‌طور که بر سر انتخابات مجلس ششم در حوزه انتخابیه تهران آمد و در مراحل بازشماری و بازرسی سازمان بازرسی کل کشور نیز تأیید و تطبیق شده است و با این وضع، آقای تاج‌زاده در عین رفع مسؤولیت از خود از آن دفاع می‌کند، باید قائل شد و منتظر بود که حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، یک حضور نمایشی و نقش صوری و سمبلیک است و آنچه از داخل صندوق‌ها بیرون می‌آید، آن است که مجریان انتخابات اراده کنند و فی الواقع این ستاد انتخابات است که حرف آخر را در نتایج انتخابات می‌زند و مجریان انتخابات هستند که تعیین می‌کنند، چه کسی وارد مجلس بشود و یا چه کسی باید رئیس جمهور شود و لابد این یعنی مردم‌سالاری و نقش مردم در تعیین سرنوشت، آن هم در وضعیتی که ستاد انتخابات حاضر نیست هیچ مسؤولیتی را بپذیرد.

ایشان در مدافعات خود، به طور مرتب از سلامت انتخابات می‌گوید و این‌که کمتر از ۲ درصد، تغییر آرا در انتخابات وجود دارد. اولاً موضوع تغییر در آرا، امری

نیست که اطلاع و تحقیق و بررسی آن، پیچیده و فنی و فقط در تخصص ستاد انتخابات باشد. ثانیاً گزارش اولین بازشماری که توسط هیأت اجرایی و نظارت استان که در جلسه گذشته دادگاه، آقای تاجزاده به آن استناد کرد و توسط آقای رئیس دادگاه قرائت شد، در بسیاری از صندوقها، تغییرات فاحش و عمده‌ای قرائت شد و وجود دارد.

ثالثاً گزارش سازمان بازرسی کل کشور، تخلف در انتخابات و تغییر در آرای بیش از ۵۰ درصد را تأیید کرده است. رابعاً گزارش هیأت منتخب بازشماری شورای نگهبان، از بازشماری ۱۳۶۴ صندوق، به قید شماره صندوقها، حکایت از تغییرات فاحش در آرای مردم در صندوقها می‌نماید. و این تغییرات مبنای ابطال انتخابات در صندوقهای مربوطه گردید. این زمانی است که در مقابل تحویل صندوقها، جهت بازشماری به این هیأتها از سوی فرماندار، مقاومت و ممانعت می‌شده و همچنین مقاومت آقای تاجزاده در قبال انجام وظیفه و ارائه صندوقها به بازرسی کل کشور، در این مورد قابل اشاره است.

همچنین آزر می، فرماندار تهران، در پاسخ به سازمان بازرسی کل کشور به صراحت اعلام داشته در ۱۰ صندوقها، اختلاف فاحش در آرا وجود دارد و عین عبارت این است: «ما که نمی‌دانیم اختلاف هست و هیچ رد نمی‌توانیم بکنیم. اختلاف بیش از ۱۰ درصد است».

آقای تاجزاده آنجا که اتهام متوجه ایشان می‌شود، می‌گوید آقای فرماندار باید پاسخگو باشد. قاعدتاً باید اظهارات آقای فرماندار در مورد نتیجه انتخابات و اختلاف فاحش در ۱۰ صندوقها و بیش از ۱۰ درصد هم مورد قبول ایشان باشد^۱.

ایشان همچنین هیأت مرکزی نظارت به انتخابات را گفته‌اند متهم اصلی است که باید سوء جریان و تخلفات را حین برگزاری، به فرمانداران و بخشداران طبق ماده ۸ قانون انتخابات تذکر می‌داده. در این مورد باید گفت تخلفاتی و تغییراتی که در آرا از سوی سازمان بازرسی کل کشور و بازشماریها شناسایی و مشخص شده، ناشی از

۱. بنا به اظهار آقای تاجزاده، آقای آزر می بارها این نقل قول را تکذیب کرده است. رجوع کنید به گفتگو با تاجزاده، فصل دوم کتاب. / ن.

فعل و عمل مجریان انتخابات است و به عبارتی، نوشتن آرای مردم و تغییراتی که در آن داده شده، حسب گزارش از سوی مجری انتخابات بوده و نه ناظر انتخابات. ثانیاً این سخن و مسؤولیتِ اتهام را متوجه هیأت مرکزی کردن، دفاع از خود نیست. معنای سخن (تاج‌زاده) این است که اگر هیأت‌های نظارت درست نظارت می‌کردند، مجریان انتخابات تخلف نمی‌نمودند. عدم نظارت هیأت‌های نظارت در انجام وظیفه نیز مطابق ماده ۲۵ قانون انتخابات، رافع مسؤولیت وزارت کشور در حسن جریان انتخابات نیست.

از گزارش واضح هیأت اجرایی استنباط می‌شود، استنباط که نه، اصلاً ظهور دارد که، ادامه بازشماری که به لحاظ انقضای مهلت ممکن نشده، نتیجه انتخابات را تغییر داد. این اشاره هیأت اجرایی، شورای نگهبان را برحسب وظیفه قانونی، مواجه با تکلیف می‌کند که نتیجه‌اش هم به ابطال صندوق‌های مخدوش منجر گردید. ایشان (تاج‌زاده) در دفاع گفتند هیأت نظارت تهران در دو مرحله انتخابات تهران را تأیید کرده پس گزارش‌های سازمان بازرسی و هیأت منتخب بازشماری مجدد، صحیح نیست و ایشان اتهامی ندارد و روند انتخابات صحیح است.

اولاً آنچه که مبنای اعتبار و صحت انتخابات است، نظر شورای نگهبان است به عبارت دیگر، نظر هیأت‌های نظارت برای شورای نگهبان فصل الخطاب نیست و اگر شورای نگهبان از مجاری و طرق دیگری اطمینان حاصل کند که تخلف و تقلب در انتخابات صورت گرفته، وظیفه دارد که اعمال قانون و نظارت بنماید.

کما این که در جریان انتخابات تهران پس از بازشماری وسیع و دقیق هیأت منتخب از ۱۳۶۴ صندوق شورای نگهبان مطمئن شده است که در انتخابات تهران تخلف صورت گرفته و آرای افراد از سوی مجریان جابجا شده است، و این تصمیم را گرفت.

ثالثاً اگر همان‌طور که آقای تاج‌زاده به تأیید هیأت نظارت تهران استناد می‌کند، واقعاً در انتخابات تهران تخلفی صورت نگرفته است، علی‌القاعده باید در گزارش سازمان بازرسی کل کشور که یک مرجع صالح و بی‌طرف است و نقشی در انتخابات نداشته، به این تخلفات نمی‌رسید و حال آن‌که گزارش مستند سازمان

بازرسی کل کشور، حکایت از مخدوش بودن بیش از ۵۰ درصد آرا دارد و اگر آقای تاج‌زاده به گزارش سازمان بازرسی کل کشور اعتراض داشته و دارد، با توجه به این که مستندات این گزارش که همان تعرفه‌ها و فرمهای مربوطه و ته‌چکهای آراست و این مستندات هم در اختیار وزارت کشور هست، باید از زمان اعلام گزارش سازمان بازرسی کل کشور تاکنون، مستندات مذکور را که عدم صحت گزارش سازمان را ثابت می‌کند، به سازمان بازرسی در مقام پاسخ و یا دفاع از عملکرد، ارائه می‌کرد که تاکنون چنین اقدامی نشده است.

رباعاً اگر ستاد انتخابات کشور و فرماندار تهران، اطمینان قاطعی به صحت برگزاری انتخابات و عدم تخلف در آن دارند، همان‌طور که ذکر شد، علی‌القاعده باید کمال همکاری را با هیأت بازشماری شورای نگهبان و بازرسان وزارت کشور معمول می‌نمود. حال آن‌که ایشان به همین اتهام، تحت تعقیب واقع شده و مقاومت آقای تاج‌زاده در مقابل سازمان بازرسی کل کشور، به نوعی مکث داشتن ادله تخلف و ادله جرم است. توجه دادگاه محترم را به مشروح و جزئیات تخلفات صورت گرفته در جریان انتخابات، که مستندات آن هم در اختیار خود وزارت کشور است، و در گزارش تکمیلی و مستند هیأت بازشماری شورای نگهبان آمده است جلب می‌کنم و علی‌رغم این‌که، این گزارش در جلسات قبل از سوی یکی از اعضای آن هیأت قرائت شد، متهم پاسخ مستدل و قانع‌کننده‌ای تاکنون نداده است. در نتیجه در مخدوش بودن انتخابات تردیدی نیست و این مخدوش بودن با توجه به ماده ۲۵ قانون انتخابات، متوجه رئیس ستاد انتخابات، فرماندار تهران و دیگر مباشرین جرم است.

یک نکته هم در آخر این‌که، آقای تاج‌زاده در مدافعات جلسه قبل، مطلبی را گفتند به این عبارت که [مصلحت دادگاه و مصلحت کشور را در این می‌دانند که اتهامات اخیر، از جناب آقای رئیسی و یا از مسئولین آن سازمان، استعلام شود.]
ظاهراً آقای تاج‌زاده، اینجا مصلحت کشور را با مسئله خود گره زده و سرنوشت این پرونده و مصلحت کشور را توأم می‌داند. چه ملازمه‌ای بین مصلحت کشور (آقای تاج‌زاده!) و سرنوشت پرونده جنابعالی وجود دارد؟

به عبارت دیگر چه مخاطراتی برای مصلحت کشور وجود دارد که دادگاه باید در مسیری حرکت کند که لزوماً به برانت شما منتهی شود؟ و آیا مصالح این کشور در خطر می افتد!

متهم اصلی آقای جنتی است

بعد از اظهارات نماینده مدعی العموم، فرصت بیان دفاعیات نصیب سیدمصطفی تاج زاده شد که از خلال سخنان شریفی، یادداشت برداریهای بسیار کرده بود. او با شمردگی و آرام، آن گونه که منشی دادگاه و خبرنگاران بتوانند همه اظهاراتش را بنویسند، به ایراد سخن پرداخت. تاج زاده این رویه را در همه جلسات دادگاه رعایت کرد. حتی هنگامی که کار به مجادلات می کشید، او آن گونه سخن می گفت که نوشتن و ثبت آن، سخت نباشد.

بعد از مشورتی کوتاه با وکیل خود، تاج زاده اظهارات نماینده مدعی العموم را دارای ایرادات حقوقی دانست و البته اعلام آن را به حسین آبادی وکیل مدافعش واگذار کرد.

رئیس ستاد انتخابات کشور سپس در دفاع از خود و رد اتهامات مطرح شده، گفت: «تأکید می کنم که انتخابات مجلس ششم سالمترین انتخابات کشور بوده است. بنابراین هیچ اتهامی را متوجه فرماندار تهران، هیأت اجرایی و هیأت نظارت تهران و استان تهران که همکاری صمیمانه ای با مجریان انتخابات داشتند، نمی کنم».

معاون سیاسی وزیر کشور از مجریان و ناظران انتخابات تقدیر کرد و گفت: «در صورتی که دادگاه شبهه ای نسبت به صحت انتخابات دارد، آنان را دعوت کند تا شهادت خود را در مورد سلامت انتخابات به استحضار دادگاه محترم برسانند.

از نظر من مسبب ابطال غیرقابل توجیه و در اکثر قریب به اتفاق موارد، ابطال غیرقانونی بیش از ۷۲۰ هزار رأی شهروندان تهرانی، هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات و شخص آقای جنتی است و این موضوع را به یاری حق در دفاعیاتم توضیح خواهم داد.

برای این که مستندات مدعی العموم در مورد گزارش سازمان بازرسی بررسی

شود، دو درخواست دارم که یکی قبلاً اعلام شد و آن این که قاضی محترم از هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، نوار سخنان مسؤولان محترم سازمان بازرسی کل کشور را در مورد انتخابات مجلس ششم در مورد تهران و عدم انتساب هرگونه اتهامی به من را پس از چند ماه بررسی، دریافت دارند و بخشهای مربوطه را در اختیار من بگذارند تا در اختیار دادگاه و مردم قرار دهم.

علاوه بر این در نامه‌ای که من تقدیم رئیس دادگاه می‌کنم، شش سؤال از سازمان بازرسی کل کشور مطرح کرده‌ام تا برای روشن شدن موضوع، منظور هیأت اعزامی سازمان بازرسی در زمینه رسیدگی به تخلفات انتخاباتی را اعلام کنند.

تأسف خود را از بیان برخی مطالب کلی و بدون ارائه آمار دقیق و نیز برخی عبارات و نتیجه‌گیریهای سیاسی و اتهامات سیاسی که بیانگر ادبیات جناحی خاص است، توسط نماینده مدعی العموم ابراز می‌دارم.

قاضی دقیقی گفت: «وی نماینده مدعی العموم است. بگویید که منظور شما کدام جناح خاص است؟»

تاج‌زاده گفت: «نماینده مدعی العموم بیان می‌کند که روش کار من (تاج‌زاده) به گونه‌ای بوده است که در حقیقت «رئیس ستاد انتخابات کشور می‌تواند تعیین کند که چه کسانی به مجلس شورای اسلامی راه یابند و یا چه کسی رئیس جمهور شود». این اظهارات توهین به مردم و نیز به ۴۰۰ هزار انسان شریفی است که در هر دوره انتخاباتی، در سراسر کشور امر برگزاری انتخابات را بر عهده دارند».

رئیس ستاد انتخابات کشور تصریح کرد: «دوم این که این اظهارات زیر سؤال بردن سلامت انتخابات گوناگون گذشته است، چرا که اگر رئیس ستاد انتخابات کشور چنین اختیاراتی از نظر ایشان دارد چه تضمینی است که در دوره‌های گذشته، نه نمایندگان منتخب مردم، بلکه کسانی که مورد نظر وی بوده‌اند به مجلس راه پیدا کرده‌اند».

معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «سوم این که این توهین و تضعیف شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت بر انتخابات است که یک فرد (رئیس ستاد انتخابات کشور) به تنهایی می‌تواند به رغم وجود نظارت استصوابی که عام است و در تمام

مراحل برگزاری انتخابات جاری و ساری است هرگونه اقدام غیرقانونی را انجام دهد. آن هم نظارتی که با مصوبات مجلس پنجم، اختیارات بی نظیری کسب کرده است که نه در گذشته در کشور ما وجود داشته و نه با کشور دیگری قابل قیاس است. یک نمونه از این اختیارات بی حد و حصر، ابطال غیرقانونی آرای مردم تهران و ابطال غیرقانونی ده حوزه انتخاباتی در این دوره از انتخابات است که مرجع نظارتی تاکنون حتی شماره صندوقهای ابطالی تهران را به وزارت کشور ارائه نکرده است. این اختیارات به گونه ای است که نماینده شورای نگهبان، ۲۵ صندوق را در اراک بازرسی می کند و سپس ۳۱ صندوق را باطل می کند و به این ترتیب جای نامزدهای منتخب مردم عوض می شود. به صراحت می گویم که از مشکلات قوانین موجود در امر برگزاری انتخابات، عدم پاسخگویی شورای نگهبان در قبال تصمیماتی است که اتخاذ می کند و این امر در صورت تداوم می تواند به تضعیف نهاد ممتاز شورای نگهبان و هم تضعیف نظام اسلامی منجر شود. نماینده مدعی العموم القا کرد که من به گونه ای سخن گفته ام که در صورت عدم تبرئه اینجانب، قرار است اتفاقی بیفتد و یا تهدید کرده ام که اتفاقی می افتد. از سوء برداشت ایشان از مطالب جلسه گذشته خویش متأسفم. من امروز در این دادگاه یا هر محکمه دیگری از سلامت انتخاباتی دفاع می کنم که بدخواهان میهن اسلامی، و در رأس آنها منافقان، در طول زمان تبلیغات گسترده ای در زمینه آزاد و سالم و قانونی نبودن آن انتخابات به عمل آورده اند».

رئیس ستاد انتخابات کشور در ادامه گفت: «رفتار و گفتار ما باید به گونه ای باشد که امکان سوء استفاده بدخواهان را فراهم نکند، ضمن آن که اگر کسی جرمی را مرتکب شد در هر لباس و پست و مقامی، قاطعانه مجازات قانونی شود».

تاج زاده گفت: «تلاش برای مخدوش جلوه دادن این انتخابات به دلیل تصمیم غیرقانونی جمعی از مسؤولان، مرضی خداوند و مردم نیست و به مصلحت کشور و انتخابات و مشارکت مردم در انتخابات آینده نمی باشد».

من انتظار دارم که تلاش دادگاه محترم، اثبات تصمیم اکثر اعضای محترم شورای نگهبان نباشد بلکه وظیفه اصلی دادگاه به نظر من همچنان که در دستور مقام رهبری

اعلام شد، این باشد که دستگاه قضایی و بازرسی موظفند عاملان تخلف در صندوقهای مخدوش را شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار دهند.

بسیار شایسته بود که اول به جای این که نماینده مدعی العموم در هر جلسه آماري ارائه کند، به اعضای صندوقهایی که احتمال وقوع جرم در آنها می رود، اعم از مجریان یا ناظران، مراجعه می کردند و به جای این که دائم اعلام کنند که تعداد بسیاری صندوق این میزان اختلاف رأی داشته، به گزارش سازمان بازرسی کشور که زیر مجموعه قوه قضائیه است مراجعه و این آمار را برای مردم قرائت می کردند.

شورای نگهبان پس از بازشماری نزدیک به نیمی از صندوقهای تهران اعلام کرده است که ۳۱۸ صندوق به دلیل آن که دارای اختلاف فاحش است ابطال شده است، یعنی ۱۰ درصد کل صندوقهای تهران را دارای اختلاف فاحش اعلام کرده اند. سازمان بازرسی کل پس از بازشماری این صندوقها و بازبینی و بازرسی آنها و تحقیقات گسترده، تنها ۵۳ صندوق را دارای اختلاف فاحش یا به تعبیری دارای بیش از ۵۰ درصد اختلاف بین شمارش اولیه و شمارش هیأت بازرسی اعلام کرده است. به عبارت دیگر کمتر از ۲ درصد کل صندوقهای تهران دارای اختلاف شمارش آرای بالای ۵۰ درصد بوده است و اگر این ادعا را بپذیریم - که البته من قبول ندارم - باید از نماینده مدعی العموم پرسید که کدام نظام سیاسی را در جهان سراغ دارید که کمتر از ۲ درصد صندوقهایش دارای اختلاف رأی فاحش باشد و دستگاه قضایی آن با ارائه آمار و مطالب پراکنده در صدد زیر سؤال بردن صحت انتخابات باشد.

سازمان بازرسی با تحقیقات مفصل و چندین ماهه خود تا این لحظه حتی یک مورد تقلب را اعلام نکرده است و این امر باید باعث غرور هر ایرانی مسلمان و سه قوه باشد».

تاجزاده سپس به بازشماری ۷۰۲۱۲ رأی از ۵۳ صندوق دارای بیشترین اختلاف رأی در مورد شش نفر از کاندیداها اشاره کرد و آماری به شرح زیر ارائه کرد:

«تعداد آرای علیرضا رجایی ۲۴۴۷ رأی در بازشماری نسبت به شمارش اولیه افزایش یافت. تعداد آرای الیاس حضرتی ۱۵۸۴ رأی در بازشماری افزایش یافت. تعداد آرای اکبر هاشمی رفسنجانی ۱۸۷ رأی نسبت به شمارش اولیه کاهش یافت.

تعداد آرای علی اکبر رحمانی ۲۰۳۴ رأی نسبت به شمارش اولیه افزایش یافت. تعداد آرای محتشمی پور ۵۸۸ رأی افزایش یافت. تعداد آرای حداد عادل ۱۷۵ رأی افزایش یافت».

ناج زاده در توضیح آمار فوق گفت: «مجموع رأی این شش نفر در بازشماری آرا به طور متوسط کمتر از ۱/۵ درصد با آرای آنان در هر صندوق تفاوت داشته است». او در حقیقت این سؤال را مطرح کرد که این همه جنجال بر سر ۱/۵ درصد اختلاف رأی به چه منظور صورت گرفت؟ به ویژه آنکه اگر هم احیاناً تخلف کوچکی صورت گرفته باشد، به ضرر منتخبین مردم بوده که در بازشماری آرایشانشان افزایش یافت. پس احتمال تبانی من علیه آنان منتفی است.

همچنین در مورد گزارش سازمان بازرسی در مورد صندوقهای دارای ایراد شکلی گفت: «این هیأت در مورد صندوقهای فاقد ته چک، وقوع بزه‌ی (جرمی) را احراز نکرده و در مورد صندوقهایی که ادعا شده پارگی لفاف داشته یا باز بوده یا فاقد مهر نظارتی بوده، نظر سازمان بازرسی این است که هیأت بازرسی دلایل کافی بر وقوع جرم تحصیل نکرده است.

سازمان بازرسی همچنین در مورد صندوقهایی که به دلیل ایرادات شکلی باطل شده هیچ اتهامی متوجه هیچ کسی نکرده است و من تعجب می‌کنم با وجود صراحتی که در گزارش سازمان بازرسی است چرا در این زمینه به اینجانب تفهیم اتهام شده است».

رئیس ستاد انتخابات کشور اضافه کرد: «از ۱۸۷ صندوق ابطالی به عنوان صندوقهای فاقد مهر نظارت، به استناد صورت جلسات تحویل و تحول صندوقها، ۱۷۶ صندوق به صورت سالم و دارای لاک و مهر با دوختگی کامل لفاف و ممهور به مهر نظارت برای بازشماری تحویل نمایندگان شورای نگهبان شده است. این صورت جلسات به امضای نمایندگان فرماندار تهران، هیأت نظارت ناظر بر مخزن نگهداری صندوقها، شورای نگهبان و مأمور نیروی انتظامی به عنوان محافظ مخزن رسیده است. شماره صندوقها از شماره ۲ تا ۲۹۳۵ تقدیم دادگاه می‌شود. در یک کلمه ۱۷۶ صندوق که طبق این صورت جلسات تحویل نمایندگان شورای نگهبان شده است، بدون دلیل باطل اعلام شد».

قاضی دقیقی با اشاره به گزارش و اظهارات فرماندار تهران مبنی بر تحویل ۱۷۶ صندوق دارای مهر نظارتی، از تاجزاده خواست در خصوص موضوع اتهام از خود دفاع کند.

تاجزاده گفت: «امروز وکیل فرمانداری تهران صورت جلسات تحویل و تحول این صندوقها را به دادگاه تحویل خواهد داد و این بزرگترین دلیل بر سالم بودن صندوقهای تحویلی است. قاضی محترم نیز در جلسه گذشته از فرماندار از مجموع ۱۸۷ صندوق، تقاضای ارائه توضیحات برای ۱۱ صندوق را کرده است».

قاضی دقیقی گفت: «این درخواست فرماندار بوده است، ملاک دادگاه گزارش سازمان بازرسی است و ادله رد آن ارائه نشده است و تاکنون جوابیه رسمی به سازمان بازرسی داده نشده است».

تاجزاده گفت: «ما نقد گزارش سازمان بازرسی را دو ماه پیش برای معاون حقوقی رئیس جمهور ارسال کردیم و بعد از این که آقای رئیسی (رئیس سازمان بازرسی کل کشور) گفت این نقد به دست ما نرسیده است، هفته گذشته در جلسه ای در دفتر آقای صدوقی، معاون حقوقی رئیس جمهور، این نقد (پاسخ) تقدیم ایشان شد و دادگاه می تواند از سازمان بازرسی استعلام کند. بر اساس گزارش فرمانداری تهران از ۱۸۷ صندوق اعلامی به عنوان فاقد مهر نظارتی، هفت صندوق به شماره های ۴۹، ۶۴، ۳۲۵، ۴۸۰، ۴۹۸، ۱۶۶۷ و ۱۵۶۳ در هیچ یک از مراحل سه گانه بازشماری نشد و معلوم نیست چگونه شورای نگهبان به فقدان مهر نظارت در آنها پی برده است».

تاجزاده همچنین در خصوص ۱۴ صندوق که به دلیل پارگی لفاف ابطال شد گفت: «۸ صندوق به شماره های ۸، ۲۰، ۵۰، ۷۷، ۸۰، ۸۳، ۸۹ و ۱۰۲۰ طبق صورت جلسات تحویل و تحول صندوقها صحیح و سالم و دارای لاک و مهر با لفاف دوخته شده و مهوور به مهر نظارت برای بازشماری تحویل نماینده شورای نگهبان شده است».

معاون سیاسی وزیر کشور در مورد صندوقهای فاقد ته چک نیز گفت: «در بازرسی ای که هیأت اعزامی سازمان بازرسی صورت داد از ۱۵، صندوق ۴ صندوق به شماره های ۹، ۹۲، ۵۰۲ و ۲۴۲۸ دارای ته چک بوده اند».

رئیس ستاد انتخابات کشور تصریح کرد: «پس معلوم می‌شود که اکثر قریب به اتفاق صندوقهایی که به دلایل شکلی باطل شده‌اند طبق این صورت جلسات سالم بوده‌اند و بنابراین ابطال آرای آنها فاقد وجهت قانونی است.

از طرف دیگر طبق قانون انتخابات هیچ مرجعی حق ندارد صندوقی را به دلیل اختلاف شمارش آرا باطل کند، چون اگر صندوق سالم باشد، پس از بازشماری، آرای صحیح متعلق به مردم به جای آرای مخدوش قرار می‌گیرد تا حق شهروندان ضایع نشود و اساساً به همین دلیل بازشماری می‌شود تا آرای نامزدی کم یا زیاد محسوب نشود.

حتی اگر در صندوقی کسانی به عمد به آرای مردم خیانت کنند یا به سهو آرا را کم یا زیاد در فرمهای ۴۹ بنویسند، دادگاه و قوه قضائیه می‌تواند نسبت به پیگرد مجرمان اقدام کند، ولی آرای مردم نباید باطل شود».

رئیس ستاد انتخابات کشور گفت: «به این ترتیب با ارائه آن صورت جلسات معلوم می‌شود که بیش از ۵۰۰ صندوق از ۵۳۴ صندوقی در انتخابات تهران به دلایل غیرقانونی ابطال شد».

قاضی دقیقی با ارائه تذکری به تاج‌زاده از وی خواست در مورد اتهام دفاع کند. تاج‌زاده نیز اظهارات خود را درباره اتهامات وارده از سوی مدعی‌العموم عنوان کرد و گفت: «من معتقدم که انتخابات تهران سالمترین انتخابات بوده و بی‌دلیل این صندوقها ابطال شد و نباید به دنبال متهمانی در دولت و وزارت کشور بود، زیرا شورای نگهبان اکثر صندوقها را به صورت غیرقانونی ابطال کرده است».

قاضی مجدداً تذکر داد و صراحتاً از آقای تاج‌زاده خواست در مورد وظایف شورای نگهبان وارد نشود بلکه فقط از اتهامات خود دفاع کند.

تاج‌زاده گفت: «من باید بگویم که من این آرا را مخدوش نکرده‌ام، بلکه آقای جنتی این صندوقها را ابطال کرده است».

قاضی دقیقی گفت: «همه موارد تخلف در گزارش سازمان بازرسی به احراز رسیده است».

دکتر حسین آبادی وکیل مدافع تاج‌زاده در اعتراض گفت: «در کجا به احراز رسیده است؟ و اگر به احراز رسیده است این دادگاه معنی ندارد».

قاضی پاسخ داد: «در گزارش سازمان بازرسی کل کشور». حسین آبادی گفت: «موکل من در مورد مخدوش بودن آرا توضیح می‌دهد». در این هنگام قاضی از آقای شریفی خواست در خصوص اتهام تاج‌زاده توضیح دهد.

آقای شریفی، نماینده مدعی‌العموم، گفت: «قانون انتخابات، شورای نگهبان را فیلتر قرار داده است و شما (تاج‌زاده) می‌گویید که «اقدام» وزارت کشور حجت است و اقدام شورای نگهبان غیرقانونی است». اقدام شورای نگهبان از مبانی قانون است و شما این مبانی قانونی را غیرقانونی اعلام می‌کنید و به نظر من باید روی مستندات صحبت کنید».

آقای تاج‌زاده گفت: «از نماینده محترم مدعی‌العموم می‌خواهم شأن افراد را رعایت کند و عزیزانی که در قوه قضائیه مشغول خدمتگزاری هستند باید این نکته را رعایت و در حین ارائه توضیحات مشخص کنند که کدام بخش اتهام جدید است و کدام در راستای جلسه گذشته بوده است».

تاج‌زاده افزود: «ایشان در سخنان خود به وزارت کشور اتهام زدند و اگر نتوانند ثابت کنند و آن‌را پس بگیرند من ایشان را تحت پیگرد قانونی قرار خواهم داد». قاضی قاطعانه گفت: «بیرون از این دادگاه شما شکایت کنید».

معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «از ریاست محترم دادگاه می‌خواهم برای اجرای عدالت هر وقت نماینده مدعی‌العموم نیز خارج از موضوع صحبت می‌کند به این عزیز نیز با همین قاطعیت تذکر دهد».

وی یکی از محورهای عدالت را «عدالت در لحن صدای قاضی» عنوان کرد و گفت: «اصل بر برائت است و برای این‌که من ثابت کنم این ابطالها غیرقانونی بوده، به ماده ۱۹ قانون انتخابات استناد می‌کنم که موارد موجب ابطال آرا را مشخص کرده است».

قاضی گفت: «پس شما ابطال قانونی انتخابات را قبول دارید؟» تاج‌زاده گفت: «ابطال ۱۱ صندوق را، نه ۵۳۴ صندوق را. اکثر صندوقهایی که ابطال شدند از مناطق یک تا هشت تهران بودند و عمده آنها در مساجد یا مدارس

تشکیل شده بود و اعضای تشکیل دهنده آنها هیأت امنای مساجد یا معتمدان محل بودند و برخی از آنها به هیأت بازرسی گفته‌اند که از بدو انقلاب عضو برگزارکننده انتخابات بوده‌اند.

در منطقه شمیرانات ۶۰ درصد، در منطقه دو ۸۹ درصد، در منطقه سه ۹۲ درصد، در منطقه چهار ۷۰ درصد، در منطقه پنج ۷۶ درصد، در منطقه شش ۶۷ درصد و در منطقه هفت ۷۸ درصد و در منطقه هشت ۵۱ درصد کل صندوقها از سوی شورای نگهبان بازشماری شد.

در ادامه جلسه دادگاه، قاضی دقیقی گفت: «در نامه‌های متعددی نوشته شده است به دستور وزیر کشور از دادن صندوقهای منطقه یک تا هشت معذوریم، هر کسی که استنکاف کرده است، هر که باشد، وزیر کشور، تاجزاده و یا فرماندار باید پاسخ دهد».

تاجزاده معترضانه گفت: «این اتهام که صندوقی به نمایندگان شورای نگهبان تحویل نشده بود، تاکنون تفهیم نشده بود».

قاضی دقیقی با اصلاح سخن خود گفت: «من نمی‌گویم شما از تحویل این صندوق خودداری کرده‌اید، بلکه می‌گویم نداده‌اند و هنوز این اتهام را به شما تفهیم نکرده‌ایم».

در این هنگام حجت‌الاسلام منصور غفوری، عضو هیأت بازشماری آرای شورای نگهبان، در سخنانی به عنوان مطلع گفت: «مبنای رسیدگی ما گزارش بازرسان، نظارت عام استصوابی شورای نگهبان و گزارش شاکیان بوده است».

تاجزاده گفت: «از رئیس دادگاه تقاضا دارم که از آقای غفوری بخواهند تا اسامی ناظرین و این که در کدام شعبه مستقر بودند و چرا به رغم شکایت، صحت انتخابات را تأیید کردند، به دادگاه ارائه کنند».

قاضی دقیقی گفت: «مطالبی به حجم دو زونکن در اختیار دادگاه قرار داده شده است».

تاجزاده با اشاره به این که نماینده مدعی‌العموم تأکید کرد که «اجرا و مسئولیت حسن برگزاری انتخابات بر عهده ستاد انتخابات کشور است»، گفت: «شورای

نگهبان اعلام کرده بود که انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی کمترین ابطال را در میان چند انتخابات اخیر داشته است. نتیجه می‌گیریم که به اعتراف شورای نگهبان، انتخابات ششمین دوره مجلس از انتخابات گذشته سالمتر برگزار شده است و به همین خاطر باید از طرف شورای نگهبان تقدیرنامه دریافت کنم.

شریفی، نماینده مدعی‌العموم، به سخنان تاج‌زاده اعتراض کرد و گفت: «انتساب این اتهام به شورای نگهبان غیرواقعی است».

وی افزود: «دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه خاطر نشان کرد: ششمین دوره انتخابات مجلس دارای تخلفات بی‌سابقه‌ای بوده است».

تاج‌زاده نیز در ادامه جلسه دادگاه اظهار امیدواری کرد دادگاه مربوط به شکایت ستاد انتخابات کشور از دبیر شورای نگهبان هر چه سریعتر تشکیل شود تا معلوم شود این ادعا چه میزان صحیح است.

با اعلام قاضی، ادامه جلسه به بعد از ظهر موکول شد و حضار برای تنفس از دادگاه خارج شدند.

یک سند جدید؛ گواهی سه وزیر

سیدمصطفی تاج‌زاده، معاون سیاسی وزیر کشور، در نامه‌ای خطاب به رئیس دادگاه، مطالبی به نقل از رئیس سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر تبرئه خود در خصوص اتهام «معاونت در مخدوش شدن آرای تهران» ارائه کرد و خواستار تحقیق دادگاه در این زمینه شد.

تاج‌زاده که متن این نامه را در فاصله جلسات صبح و عصر روز ۲۶ بهمن در اختیار خبرنگاران حاضر در دادگاه قرار داد، خطاب به قاضی پرونده آورده است: «رئیس قوه قضائیه در دیدار با وزیر کشور اعلام کرد که آقای رئیسی (رئیس سازمان بازرسی کل کشور) به آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) گفته است که ما در بررسی‌هایمان به هیچ موردی که ستاد انتخابات کشور یا رئیس آن در جریان انتخابات مجلس ششم عمل مجرمانه‌ای انجام داده است، نرسیده‌ایم و هیچ جرمی در این زمینه متوجه آقای تاج‌زاده، رئیس ستاد انتخابات کشور، نیست (قریب به مضمون)».

در این نامه همچنین آمده است: «آیت‌الله شاهرودی همچنین در تماس تلفنی بعدی با وزیر کشور تأکید کرد که آقای رئیسی چند بار این جمله را به من گفته است».

این نامه می‌افزاید: «آقای یونسی، وزیر اطلاعات، در جلسه هیأت دولت در تاریخ نهم بهمن ماه ۱۳۷۹ اعلام کرد که آقای رئیسی به ایشان گفته است که در جریان انتخابات مجلس ششم آقای تاج‌زاده جرمی مرتکب نشده است. (قریب به مضمون)».

در نامه تاج‌زاده خطاب به دادگاه آمده است: «آقای شریعتمداری، وزیر بازرگانی، نیز به اینجانب گفته است که آقای رئیسی شفاهاً به وی اعلام کرده است که تحقیقات سازمان بازرسی نشان می‌دهد که در جریان انتخابات مجلس ششم، جرمی متوجه آقای تاج‌زاده نیست». هر سه مقام دولتی در ذیل این نامه، به تصدیق مفاد آن پرداخته بودند.

وزیر کشور در پی‌نوشت این نامه اعلام کرد: «همان‌طور که نوشته شده است حضرت آیت‌الله شاهرودی در ملاقات حضوری در محل دفتر خودشان و همچنین پس از جلسه شورای عالی امنیت ملی، نه در تماس تلفنی، بر این موضوع تأکید کردند».

حجت‌الاسلام یونسی، وزیر اطلاعات، نیز در پی‌نوشت این نامه اعلام کرده بود: «بند دو کاملاً مورد تأیید است و صحت آن را گواهی می‌دهم».

شریعتمداری، وزیر بازرگانی، نیز در پی‌نوشت نامه آورده بود: «بیان همین مضامین، مندرج در بند سوم این نامه مورد تأیید و گواهی اینجانب است».

(۱۳۷۹/۱۱/۲۵)

ادامه ششمین جلسه دادگاه، بعدازظهر

قاضی دقیقی در جلسه بعدازظهر روز چهارشنبه پس از تنفس از آقای تاج‌زاده خواست به مدافعات خود ادامه دهد.

تاج‌زاده صورت جلسه تحویل و تحویل صندوقهای انتخابات ششمین دوره

مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه تهران، شهر ری، شمیرانات و اسلامشهر را که برای بازشماری در محل فرمانداری تشکیل می‌شد، به رئیس دادگاه تحویل داد.

در این صورت جلسه‌ها آمده است: «صندوقهای مربوط به این حوزه انتخابیه با لاک و مهر صحیح و سالم تحویل نماینده شورای نگهبان می‌شود تا بعد از بازشماری مجدداً لاک و مهر و تحویل فرمانداری نمایند».

همچنین این صورت جلسات را نمایندگان فرمانداری تهران، نیروی انتظامی، هیأت نظارت شهرستان و نماینده شورای نگهبان امضا کرده‌اند که «صندوقها را سالم تحویل گرفتند».

قاضی از تاج‌زاده تعداد صندوقها را سؤال کرد. تاج‌زاده این تعداد را حدود هزار صندوق اعلام کرد.

منصور غفوری، عضو هیأت بازشماری، در این خصوص به دادگاه گفت: «این صورت جلسات که ادعا می‌شود نماینده شورای نگهبان هم آن را امضا کرد، صحیح نیست».

این نماینده شورای نگهبان افزود: «صورت جلسات مربوط به پایان بازشماری را که در مخزن قرار می‌گرفتند نشان می‌دهند که امضای نماینده شورای نگهبان در آن صورت جلسات نیست».

قاضی با ملاحظه امضای سعید وکیلی در صورت جلسات تحویلی از غفوری سؤال کرد که «این شخص کیست؟»

غفوری پاسخ داد: «ایشان جزو آن ۳۰۰ نفر بودند که به ستاد انتخابات کشور معرفی شده بودند که وظیفه‌شان این بود که ملاحظه کنند فرم نظارت موجود است یا خیر؟»

قاضی خطاب به غفوری سؤال کرد: «آیا صورت جلسه دیگری بین شما و فرمانداری تهیه و تنظیم شده بود؟»

نماینده شورای نگهبان با نشان دادن فرم دیگری، پاسخ داد: «بله، این فرم است نه صورت جلسه‌ای که آقای تاج‌زاده تحویل داده است».

قاضی سؤال کرد: «آیا فرماندار ذیل این صورت جلسه‌ای را که شما دارید امضا کرد؟»

غفوری گفت: «بله، این فرم است و هر چه در این فرم ثبت شده درست است». مصطفوی، نماینده دیگر شورای نگهبان، هم در این باره گفت: «قبل از این که صندوقها بازشماری شود، تعداد صندوقها پس از موافقت فرماندار با ذکر شماره به مخزن تحویل می‌شد».

تاج‌زاده در این موقع خطاب به قاضی گفت: «اگر کسانی را که از ابتدا در بازشماری حضور می‌داشتند احضار می‌کردید بسیاری از مشکلات حل می‌شد، ولی شما هیأتی از شورای نگهبان را دعوت کردید که از هشتم اردیبهشت سال جاری یعنی هفتاد روز بعد از انتخابات وارد عمل شدند».

غفوری اعلام کرد که از بیست و نهم فروردین و مصطفوی نیز چند روز بعد از وی وارد امر بازشماری شدند.

تاج‌زاده تأکید کرد: «دادگاه نماینده قبلی شورای نگهبان یعنی آقای طاهری استاندار اسبق تهران را احضار کند تا ابهامات برطرف شود و ایشان توضیح دهد که به چه دلیل به همکاری خود با شورای نگهبان ادامه نداد».

تاج‌زاده در ادامه اظهار داشت: «در امر بازشماری گزارش مکتوبی از سلامت انتخابات، پس از بازشماری بیش از یک‌هزار صندوق به شورای نگهبان ارائه شد و درخواست من این است که نسخه‌ای از این گزارش تهیه و در دادگاه قرائت شود، چون این گزارش که توسط نمایندگان شورای نگهبان تهیه شده رافع خیلی از ابهامات خواهد بود».

صورت جلسه‌ای که تقدیم دادگاه شد نشان می‌دهد صندوقهایی که شورای نگهبان تحویل می‌گرفت سالم بود و متن صورت جلسه هم به اندازه کافی گویاست. شماره‌های ۱۷۶ صندوق مخدوش اعلام شده نیز جزو همین صورت جلسه است که نمایندگان شورای نگهبان و هیأت نظارت به صورت مکتوب تأیید کردند که این صندوقها را برای بازشماری صحیح و سالم تحویل گرفتند».

نکته مهم این که فرمهای ارائه شده آقای غفوری، به هیچ وجه امضای نماینده فرماندار را نداشت و توسط خود آنان و صرفاً در مرحله سوم بازشماری تهیه شده بود. جالب‌تر آن که آقای «وکیلی» طبق نامه‌ای که تاج‌زاده در دادگاه قرائت کرد،

نماینده هیأت سه نفره جدید (آقایان غفوری، شیخ عطار، مصطفوی) نیز برای دریافت صندوقها بود!

تاجزاده همچنین اعلام داشت: «اظهارات نماینده مدعی العموم در جلسه صبح این بود که چون من مسؤولیت ستاد انتخابات کشور را به عهده داشتم، بنابراین عملاً اگر سوء جریانی در انتخابات پیش بیاید مسؤولیت آن به عهده اینجانب است. گفتم اگر این استدلال نماینده مدعی العموم صحیح باشد علی القاعده نقاط مثبت انتخابات هم به پای رئیس ستاد انتخابات نوشته می شود و چون انتخابات مجلس ششم به نسبت چند دوره قبل از خود کمترین ابطال را داشته است (ابطال ۱۰ حوزه انتخابیه در این دوره به طور متوسط به نسبت ۱۵ حوزه ابطالی در ادوار پیشین) علی القاعده اینجانب باید به عنوان کسی که توانسته است نسبت به انتخابات گذشته عملاً سالم ترین انتخابات را برگزار کند، شایسته تقدیر باشم».

نماینده مدعی العموم در پاسخ او اظهار داشت: «این یک استنباط است». تاجزاده: «بله. دقیقاً» و ادامه داد: «تاکنون رویه قوه قضائیه چنین نبود که رئیس ستاد انتخابات کشور را به دلیل ابطال انتخابات یا ابطال تعدادی از صندوقها در یک حوزه انتخابیه به عنوان متهم در دادگاه احضار کند».

قاضی گفت: «ما به هیچ کس تاکنون اتهام نزده ایم». نماینده مدعی العموم نیز خطاب به تاجزاده گفت: «شما که مکرر می پرسید که چرا رئیس ستاد انتخابات به اینجا آمده است، موضوع شکایت شورای نگهبان به قوه قضائیه، رئیس ستاد انتخابات کشور می باشد».

تاجزاده از تذکر شریفی تشکر کرد و گفت: «اولین جلسه دادگاه من برای ادای توضیحات در مورد گزارش بازرسی کل کشور بود نه چنین شکایتی و تا این لحظه صحبت از این نبود که دادگاه به خاطر چنین شکایتی علیه اینجانب تشکیل شده است». وی در راستی ادعایش افزود: «دو مورد اتهام تفهیم شده در جلسه گذشته که نزدیک به سه صفحه بود کلاً از متن گزارش بازرسی کل کشور بود، حتی یک کلمه خارج از آن گزارش نبود».

تاجزاده آن گاه از رئیس دادگاه خواست چنانچه جمله اخیر نماینده مدعی العموم

مبنی بر این که «دادگاه بر اساس شکایت دبیر شورای نگهبان تشکیل شده است» درست است، صراحتاً اعلام کند تا وی دفاعیات نهایی خود را بر آن اساس تنظیم کند.

در عین حال قاضی دقیقی گفت: «موارد اتهام همان پنج مورد تفهیم شده قبلی است و مورد کاملاً مشخص و پیرامون تخلفات انتخابات است که در دستگاه قضایی شکایت آن مطرح است و دلایل و مستندات نیز داخل پرونده و ادله نیز گفته شده است». قاضی دقیقی در ادامه از تاجزاده خواست در خصوص موضوع اتهام صحبت کند.

با این حال، تاجزاده ادامه داد: «من گله خود را از نماینده مدعی العموم اعلام می‌کنم که مستندات خود را برای مسأله دار و مخدوش بودن انتخابات، شکایت دبیر شورای نگهبان قرار داد، در حالی که رهبری نظام این انتخابات را جلوه‌ای از نصرت الهی و پیروزی ملت ایران نام برد».

قاضی خطاب به تاجزاده تذکر داد: «خارج از موضوع صحبت نکنید». تاجزاده با آرامش گفت: «علت دفاع من از سلامت انتخابات این است که اتهام من معاونت در مخدوش نمودن آرای مردم می‌باشد. اگر ثابت کنم انتخابات سالم برگزار شده است خود به خود اتهام مذکور منتفی می‌شود».

قاضی گفت: «شما متهم هستید که در انتخابات تهران در شمارش آرا که توسط فرمانداری باید انجام شود، دخالت کردید و قراردادی که فرمانداری تهران در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۱۰ به مبلغ حدود ۷ میلیون تومان با شرکت مدیر سامانه منعقد کرده بود قبل از شمارش آرا در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۳۰ لغو و قرار دیگری توسط وزارت کشور با شرکت پتسا جهت شمارش آرا به مبلغ ۱۹۵ میلیون تومان منعقد کردید. ۴۹ درصد از سهام شرکت پتسا متعلق به اتباع خارجی و ۵۱ درصد نیز متعلق به اتباع داخلی است و این شرکت در سایت رایانه‌ای که وزارت کشور تعیین کرده بود حضور داشت که به گفته مسؤول این شرکت اپراتورها را نیز خود وزارت کشور فرستاد».

قاضی با بیان این مطلب که کلیه مستندات موجود است، از تاجزاده خواست که «فقط در خصوص موضوع اتهام» دفاع کند.

تاج‌زاده با اصرار بر اقرار نماینده مدعی‌العموم اظهار داشت: «از ۵ اتهام تفهیم شده، دو اتهام مربوط به مخدوش کردن آراست، ولی شکایت دبیر شورای نگهبان امروز مطرح شد و در طرح اتهامات نماینده محترم مدعی‌العموم در جلسه امروز نیز موضوع «شرکت مدبر سامانه» و «شرکت پتسا» مطرح نشد».

قاضی تأکید کرد: «آنچه مطرح است مربوط به جرائم انتخاباتی است که گزارش نهایی نیز تهیه شده و مستندات آن نیز موجود است و غیر از این چیز دیگری نیست». تاج‌زاده سؤال کرد: «مخدوش کردن آرا است؟» و ادامه داد: «ولی نماینده مدعی‌العموم به پرونده شرکت پتسا اشاره‌ای نکرده بود و جوهره مطالب و اتهامات وی در جلسه امروز مخدوش کردن آرا بود که اگر در انتخابات آتی ریاست جمهوری...»

نماینده مدعی‌العموم در این موقع خطاب به تاج‌زاده گفت: «این تصور شماست».

تاج‌زاده تأکید کرد: «حساسیت قضیه اینجاست».

قاضی گفت: «اتهام به شما تفهیم شده است».

شریفی ادامه داد: «پتسا» اتهام نیست، بلکه مستندات پرونده است».

قاضی برای آرامش جلسه دادگاه از تاج‌زاده خواست که در مورد مخدوش کردن آرا دفاع کند.

تاج‌زاده گفت: «آنچه باعث شد که یک‌چهارم آرای مردم تهران باطل شود، اولاً، اطلاعیه شورای نگهبان بود که بدون هماهنگی با اعضای هیأت‌های نظارت بر انتخابات تهران به طور یکجانبه تمام توافقات را لغو و با اعلام شمارش آرا به صورت دستی مشکلات عدیده‌ای به وجود آورد و بعد هم مدعی شدند».

دومین اقدام غیرقانونی هیأت نظارت این بود که به جای این که طبق روال ۲۱ انتخابات گذشته اجازه دهند هیأت‌های اجرایی و نظارت به شکایات وارده رسیدگی کنند، اعلام کردند که باید بلافاصله یک سوم صندوقها بازشماری شود. باز هم جالب این است که سپس مدعی شدند که چرا به شکایات وارده در موعد مقرر رسیدگی نشد! اعضای هیأت‌های اجرایی و نظارت در زمینه دستور غیرقانونی هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات می‌توانند شهادت دهند».

تاج‌زاده با تأکید بر این که موارد اتهام بر اساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد به تشریح دفاعیات خود پرداخت.

قاضی گفت: «شما منکر اتهام هستید؟»

تاج‌زاده پاسخ داد: «اگر مواردی را که ذکر می‌کنم روشن نیست، استعلام کنید».

قاضی گفت: «شما دفاع کنید و ما هم به شما زمان دادیم».

تاج‌زاده تصریح کرد: «تفهیم اتهامی که به من شد صرفاً بر اساس گزارش بازرسی کل کشور است».

قاضی با توجه به خاتمه اظهارات تاج‌زاده در مورد مخدوش نبودن صندوق آرا ادامه جلسه را به ساعت ۹ صبح روز یکشنبه سی‌ام بهمن ماه موکول کرد.

توضیح رئیس هیأت بازرسی انتخابات

از سوی دیگر، آقای حسن اسماعیلی رئیس هیأت بازرسی انتخابات ششمین دوره مجلس در تهران با ارسال نامه‌ای به قاضی دقیقی اعلام کرد: «در مورد اظهارات نماینده مدعی‌العموم در جلسه پنجم دادگاه ضمن تکذیب اخبار انتسابی به اینجانب از سوی نماینده مدعی‌العموم و حجت‌الاسلام منصور غفوری، صراحتاً اظهار می‌دارم که این بازرسی در جریان برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تأکید و اصرار بر رعایت ضوابط و مقررات لازم‌الاجرا داشته و مدارکی دال بر دخالت بازرسین در شمارش آرا به هیأت بازرسی انتخابات شهر تهران واصل نگردیده است».

شگفتی یک اظهار نظر

همان روزها بهمن اخوان، نماینده تفرش و آشتیان در مجلس، در اظهار نظری در مورد دادگاه سیدمصطفی تاج‌زاده، حیرت همگان را برانگیخت.

روز پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۷۹، مطبوعات به نقل از این نماینده راست‌گرای مجلس که عضو فراکسیون ائتلاف خط امام و رهبری مجلس است، نوشتند: «تاج‌زاده نقشی در مشکلات انتخابات ندارد هرچند سیستم اجرایی انتخابات کشور

دارای اشکالات متعددی است، اما رئیس ستاد انتخابات کشور دخالتی در آن ندارد». نماینده تفرش و آشتیان در گفت‌وگو با ایرنا اظهار داشت: «از جمله این مشکلات این است که در شهر بزرگ و پرجمعیتی مثل تهران، با وجود تعداد قابل توجهی بی‌سواد، انتخاب‌سی نفر از میان بیش از ۴۰۰ نفر کاندیدا، شمارش دستی یا نیمه‌مکانیزه این تعداد آرا مشکلات زیادی دارد^۱.

طولانی شدن زمان شمارش، اعمال گرایشهای افراد حواشی صندوقها و دهها عامل دیگر کار انتخابات را بسیار سخت می‌کند. این اشکالات همواره تا حدودی در انتخابات تهران وجود داشته و فرمانداران و بخشداران که مجریان اصلی انتخابات هستند، اغلب با چنین مسائلی روبرو بوده‌اند.

این عضو فراکسیون ائتلاف خط امام و رهبری در مجلس همچنین تأکید کرد: «رئیس ستاد انتخابات نمی‌تواند دخالتی در این کار داشته باشد».

جلسه هفتم دادگاه، توجه اتهام به سوی شورای نگهبان

در خلال هفتمین جلسه محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور، سیدمصطفی تاج‌زاده با صراحت بیشتری، اتهامات را متوجه آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان دانست. جلسه هفتم، صبح روز یکشنبه ۳۰ بهمن برگزار شد و در آغاز آن، تاج‌زاده ارائه دفاعیات را به وکیل خود، دکتر حسین آبادی، محول نمود.

حسین آبادی با ایراد به نحوه رسیدگی دادگاه در مورد اتهام معاونت تاج‌زاده در مخدوش کردن آرای مردم تهران در ۵۳۴ صندوق گفت: «طبق ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری، شرکا و معاونین جرم باید در دادگاهی محاکمه شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد. مطابق ماده ۲۰۸ همین قانون در صورتی که پرونده‌ای دارای متهم اصلی، معاون و یا شریک باشد و همگی در دادگاه حضور داشته باشند، تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود و طبق ماده ۲۰۹ همین قانون، اگر به چند نفر از آنان دسترسی نباشد، دادگاه نسبت به متهمان حاضر، پرونده را

۱. تعداد نامزدهای نمایندگی در حوزه انتخابیه تهران بزرگ، در دوره ششم مجلس حدود ۸۵۰ نفر بوده‌اند. ن. /

تفکیک و دستور رسیدگی و تعیین تکلیف صادر خواهد کرد و نسبت به غایبان پرونده را مفتوح نگه می‌دارد.

اکنون سؤال این است که آیا در این پرونده امکان دسترسی به متهمان اصلی و مباشران وجود ندارد؟

طبق تبصره یک ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، برای تحقق معاونت در جرم وجود «وحدت قصد» و «تقدم زمانی» بین عمل معاون و مباشر جرم، شرط است و اکنون این پرسش مطرح است که آیا برای احراز این وحدت قصد، لازم نیست از مباشر یا مباشران تحقیق شود؟ و آیا ضرورت ندارد که مباشر با معاون در یک جا محاکمه شوند؟

تفکیک پرونده آیت‌الله آزرمی، فرماندار تهران، از پرونده تاج‌زاده یکی دیگر از ایرادات وارد بر این پرونده است و با توجه به این که سه جلسه محاکمه توأماً رسیدگی شد، علت این تفکیک چیست؟

در پاسخ به این سؤال قاضی دقیقی گفت: «پرونده تفکیک نشده، بلکه آزرمی فرماندار تهران با ارائه گواهی پزشکی به دادگاه، از حضور در جلسات دادرسی معذور است و ضمناً تاج‌زاده در برخی از اتهامات، مباشر است».

حسین‌آبادی ادامه داد: «ایراد دیگر این نکته است که تاکنون چندین بار به اطلاع مطلعان، استناد شده است، از جمله موکل من طی دو لایحه که در پرونده ثبت شده است، به طور کتبی (و چندین بار به طور شفاهی) تقاضا کرده است که در مورد اظهارات رئیس سازمان بازرسی کل کشور، مبنی بر عدم ارتکاب هرگونه جرمی از طرف آقای تاج‌زاده در جریان برگزاری انتخابات مجلس ششم، از رئیس قوه قضائیه و وزیر اطلاعات و بازرگانی استعلام شود. تاکنون دادگاه محترم هیچ اقدامی در این خصوص به عمل نیاورده و موکل من مؤکداً بر این درخواست خود پافشاری می‌کند».

در پاسخ به ایرادات وکیل تاج‌زاده قاضی دقیقی گفت: «بیشترین موضوعات سؤال بود نه ایراد، که ایرادات به نظر من وارد نیست».

حسین‌آبادی در پاسخ به دقیقی گفت: «ما طبق قانون، این درخواست را ارائه کردیم».

شریفی، نماینده مدعی العموم، نیز در اظهار نظری که خیلی زود محل مناقشات جدی و قانونی در خصوص دادگاه شد، گفت: «متهم اگر دلیلی برای صحت انتخابات دارد، باید شورای نگهبان را قانع و دلایل را به این شورا ارائه کند. شورای نگهبان مرجع تأیید انتخابات است و تشخیص شورای نگهبان طبق قانون، فصل الخطاب است و متهم باید بگوید که انتخابات مخدوش است ولی این مخدوش بودن بر عهده من نیست و من جرمی مرتکب نشده‌ام».

شریفی افزود: «دادگاه صلاحیت ورود به ایرادات حسین آبادی را ندارد و رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز نظر خودشان را در این گزارش اعلام کرده‌اند». در ادامه دقیقی نیز گفت: «ما بر اساس توضیحات آقای حسین آبادی و آقای تاج‌زاده از سازمان بازرسی کل کشور استعلام کردیم که در پاسخ استعلام ما پاسخ داده: [عدم انتساب جرم به آقای تاج‌زاده مربوط به زمان تحقیق است و به هر حال تشخیص مجرمیت و یا عدم مجرمیت متهم، بر عهده دادگاه است].



پس از این اظهارات، دقیقی از تاج‌زاده خواست اگر دفاعی باقی مانده است، بیان کند.

تاج‌زاده گفت: «من را مخیر کرده‌اند به این که بپذیرم انتخابات مخدوش بوده است، اما بگویم من شخصاً در آن نقشی نداشته‌ام، یا این که انتخابات مخدوش بوده است و من در برخی زمینه‌ها یا مباشر یا معاون جرم بودم».

تاج‌زاده بعدها نیز به این نکته اشاره کرد که در صورت دفاع از صحت انتخابات، حتماً محکوم خواهد شد اما اگر مخدوش بودن را بپذیرد، ممکن است تبرئه شود. رئیس ستاد انتخابات کشور اظهار داشت: «استدلال عجیبی که نماینده مدعی العموم مطرح کرد، این است که هیچ‌کس نمی‌تواند در مورد رأی مرجعی که فصل الخطاب است، انتقاد و یا اعتراضی داشته باشد».

من به صراحت اعلام می‌کنم که هر کس با الفبای حقوق و علم سیاست آشنا باشد، می‌داند که فصل الخطاب بودن احکام، تصمیمات و قوانین که توسط مراجع ذیصلاح اتخاذ می‌شود در اجرا و عمل است و بس، نه در عالم نظر.

به عبارت دیگر یکی از وجوه ممیزه نظامهای مردمسالار و آزاد که جمهوری اسلامی ایران نیز در آن زمره محسوب می شود با نظامهای استبدادی و دیکتاتوری در این است که امکان نقد همه نوع تصمیمات و اقدامات قانونی در چارچوب موازین وجود دارد.

اساساً آزادی و مردمسالاری و جمهوریت و بخصوص حقوق اقلیت صرفاً زمانی می تواند تحقق خارجی یابد که امکان نقد و حتی اعتراض به تصمیمات قانونی اکثریت وجود داشته باشد.

آنچه به قانون انتخابات برمی گردد آن است که تصمیم شورای نگهبان در زمینه ابطال انتخابات فصل الخطاب در عمل و قطعی و لازم الاجرا است و به همین دلیل اعتبارنامه ها بر اساس تصمیم نهایی شورای نگهبان صادر شده است و کسانی از راهیابی به مجلس بازماندند و نامزدهایی از زیر فهرست ۳۰ نفره وارد مجلس شدند. معنی فصل الخطاب و قطعی بودن تصمیم شورای نگهبان نیز همین است. اما هیچ کس و به هیچ بهانه و دلیلی نمی تواند حق انتقاد شهروندان را از این تصمیم سلب کند، چرا که چنین کاری عین دیکتاتوری است.

از طرف دیگر طبق ماده ۷۲ قانون انتخابات، توقف و ابطال انتخابات در هر حوزه انتخابیه باید مستند به قانون و همراه با اسناد و مدارک معتبر و با رأی اکثریت مطلق اعضای شورای نگهبان باشد، بنابراین به رغم این که شورای نگهبان اختیار ابطال انتخابات در حوزه ای را به طور کامل یا ابطال تعدادی از صندوقها در یک حوزه را داراست، اما به صراحت قانون، هر نوع ابطالی باید مستند به قانون و بر اساس اسناد و مدارک معتبر صورت گیرد.

قاضی به تاجزاده درباره دفاع در مورد موارد اتهامی طرح شده، تذکر داد و گفت: «طبق تذکر نماینده مدعی العموم، در ماهیت اتهامات دفاع کنید».

تاجزاده گفت: «این تذکر را وارد نمی دانم».

قاضی با اعتراض پاسخ داد: «دیکتاتوری و نقد نظر و اختیارات شورای نگهبان ارتباطی با پرونده شما ندارد».

معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «من در جلسه گذشته نیز گفتم که هر موردی که

نماینده مدعی العموم مطرح کند، من حق پاسخگویی را برای خودم محفوظ می‌دانم و چنانچه قاضی مصلحت نمی‌داند که من وارد چنین مباحثی شوم، علی‌الاصول باید قاطعانه از طرح مباحثی که به اتهامات من به (طور مستقیم) مربوط نیست، از سوی نماینده مدعی العموم جلوگیری کند.

در مورد مخدوش بودن انتخابات که باز هم در این جلسه مطرح شد، من این فرض را قبول ندارم که دادگاه صرفاً به این دلیل که شورای نگهبان ۵۳۴ صندوق را باطل کرده اصل را بر مخدوش بودن انتخابات قرار دهد و سپس به دنبال معاونان و یا مباشران جرم بگردد.

قاضی تذکر داد: «ادله جرم با توجه به گزارش سازمان بازرسی در پرونده منعکس است. لذا در مورد ماهیت اتهامات دفاع کنید».

تاج‌زاده گفت: «متهم از قاضی می‌خواهد که اگر این دادگاه براساس شکایت آقای جنتی از اینجانب تشکیل شده است، اجازه دهد که من دلایل مخدوش بودن تصمیمات ایشان را برای دادگاه روشن کنم».

قاضی گفت: «شما در خصوص مخدوش بودن آراء، از خود دفاع کرده‌اید. لذا در ادامه دفاعیات گذشته اگر مطلبی دارید بیان کنید».

تاج‌زاده گفت: «من مطالب زیادی در این زمینه دارم، چون نماینده مدعی العموم مجدداً مسأله مخدوش بودن انتخابات را مطرح کرد که این واژه در اعلامیه شورای نگهبان وجود ندارد و من نمی‌دانم که وی چه منظوری از به کار بردن این واژه دارد تا انتخابات تهران را مخدوش جلوه دهد، باید توضیحاتی را به دادگاه ارائه کنم».

شریفی در واکنش گفت: «این کذب محض است».

تاج‌زاده گفت: «من مطالب آقای شریفی در جلسه گذشته را از روی نوار پیاده کرده‌ام و امروز جملات وی را بیان نمودم».

دقیقی از منشی دادگاه خواست بنگارد: «آقای تاج‌زاده به تذکرات متوالی دادگاه ترتیب اثر نمی‌دهد و در جلسات گذشته از اتهامات خود دفاع کرده است و لذا خطاب به آقای حسین‌آبادی که وکالت وی را دارد، اعلام می‌کنم که چنانچه در خصوص اتهامات متسببه به موکل خود دفاعی دارد، بیان کند».

تاج‌زاده پرسید: «یعنی من حق صحبت کردن را ندارم».

قاضی گفت: «اجازه دهید آقای حسین آبادی توضیح دهد».

حسین آبادی در پاسخ به وی گفت: «با توجه به این که موکل من اصرار دارد شخصاً تا زمانی که مدافعان را بیان نکرده من مطلبی بیان نکنم، مجدداً از دادگاه تقاضا دارم اجازه دهد تا موکل من در مورد اتهامات داخل در موضوع خود توضیح دهد. با توجه به این که دفاع موکل از چهار اتهام تفهیم شده، هنوز به عمل نیامده است و آخرین دفاع قانوناً موردی ندارد، از دادگاه تقاضا دارم تا اجازه دهد موکل من بتواند در خصوص این اتهام خود مبنی بر ایجاد اختلال در امر هیأت بازرسی دفاع کند».

قاضی با تأکید گفت: «مجدداً سؤال می‌کنم اگر به عنوان آخرین دفاع مطلبی دارید، بیان کنید و آیا آمادگی بیان آخرین دفاع را دارید؟»

تاج‌زاده در این باره گفت: «به دلیل آن که اتهامات جدید به من تفهیم شده است که در جلسات اولیه دادگاه مطرح نبود، اینجانب هنوز اصل دفاعیات خود را درباره این اتهامات به استحضار دادگاه نرسانده‌ام. ضمناً اگر دادگاه تصمیم دارد به هر دلیلی مانع طرح دفاعیات اینجانب در مورد اتهامات تفهیم شده شود و بنا هم ندارد که از مطلعین دعوت کند یا اسناد و مدارکی که اینجانب رسماً از دادگاه درخواست قرائت آنها را کردم، تهیه کند. به دلیل اصرار دادگاه برای ارائه آخرین دفاع، لایحه آخرین دفاعیاتم را برای سه هفته آینده تهیه می‌کنم و در دادگاه قرائت خواهم کرد».

به رغم این تقاضا، ۶ روز بعد یعنی روز شنبه ششم اسفندماه برای ارائه آخرین دفاعیات آقای تاج‌زاده، رئیس ستاد انتخابات کشور، تعیین و از سوی قاضی دقیقی به وی ابلاغ شد. جلسه هفتم محاکمه آقای تاج‌زاده ساعت ۱۱ صبح به کار خود پایان داد.

«دروود بر قاضی شجاع، قاضی خوب»

حجت‌الاسلام غفوری، عضو هیأت بازشماری شورای نگهبان که به عنوان «مطلع» و بعداً به عنوان سخنگوی هیأت سه نفره بازشماری، در جلسات دادگاه حضور می‌یافت، از همان چهارمین جلسه دادگاه که درگیری لفظی شدیدی با آزمی

فرماندار تهران داشت، نزد خبرنگاران شهرت یافت. با آن که او تنها به عنوان مطلع در جلسات دادگاه سخن می گفت، اما به اندازه متهم پرونده مورد توجه خبرنگاران مطبوعات قرار گرفته بود. به گونه ای که بعد از پایان هر جلسه دادگاه، حلقه ای از خبرنگاران پیرامون وی جمع می شدند تا نظراتش را بشنوند.

او در پایان هفتمین جلسه، سخنانی گفت که تقریباً در اکثر مطبوعات با یک تیتیر واحد منتشر شد: «درود بر قاضی دادگاه تاجزاده، قاضی شجاع، قاضی خوب». غفوری روز ۳۰ بهمن ماه در ارزیابی هفتمین جلسه به خبرنگاران گفت: «بسیار عالی! درود بر قاضی شجاع، قاضی خوب. نه تأمینی دارد، نه ماشینی دارد. نه نگهبان و مراقب و محافظی دارد. خودش می رود. خودش برمی گردد و می آید. مرد و مردانه هم به این پرونده رسیدگی کرد».



پیش از ترک جلسه دادگاه هفتم، وقتی تاجزاده صورت جلسات را امضا کرد و خداحافظی نمود، حجت الاسلام غفوری در حالی که روی صندلی خود در انتهای اتاق دادگاه نشسته و دستش را روی صندلی خود در انتهای اتاق دادگاه نشسته و دستش را روی صندلی بغل گذاشته بود، به تاجزاده سلام کرد.

گرچه این سلام بی موقع در پایان وقت دادگاه، به نظر معنادار می رسید، با این همه تاجزاده با گرمی پاسخ او را داد. غفوری نیم خیز شد و دستش را دراز کرد. اما تاجزاده پرونده هایش را دست به دست کرد و با همان عجله ای که موقع گفتن خداحافظی داشت، عذر خواست و اتاق دادگاه را ترک کرد.

«همه چیز این دادگاه زیبا بود...»

پس از پایان جلسه هفتم، سیدمصطفی تاجزاده در جمع خبرنگاران از احساس خود مبنی بر این که «قاضی دادگاه مایل نیست توضیحات مرا بشنود و بپذیرد» سخن گفت و اضافه کرد: «من اعلام کرده ام اگر دادگاه برای صدور حکم عجله دارد یا علنی بودن دادگاه را مصلحت نمی داند، هر حکمی می خواهد صادر کند».

به اعتقاد وی «نکته جالب این است که نماینده مدعی العموم رسماً به من

می‌گوید شما مخدوش بودن آرای مردم تهران را بپذیرید، اما نقش خود را در این مورد انکار کنید».

تاج‌زاده تأکید کرد: «اما من به دلایل عدیده و گواهی مردم، انتخابات مجلس ششم را سالم‌ترین انتخابات تاریخ انقلاب می‌دانم و اگر تخلفی شده — که شده — متخلف اصلی آن، آقای احمد جنتی و هیأت سه‌نفره بازشماری شورای نگهبان هستند که با مقاصد روشن و به صورت غیرقانونی، حدود ۷۰۰ هزار رأی مردم را باطل کردند».

از نگاه تاج‌زاده «همه چیز این دادگاه زیبا بود و من هم دفاعیه زیبایی ارائه خواهم کرد. اما سالی که نکوست از بهارش پیداست».



کمی بعد وقتی معاون سیاسی وزیر کشور در دفتر کارش حاضر شد و شنید که حجت‌الاسلام غفوری نماینده شورای نگهبان در جمع خبرنگاران تقاضا کرده تا با وی پیرامون انتخابات تهران مناظره کند، سریعاً موافقت خود را اعلام کرد.

روابط عمومی وزارت کشور بلافاصله در اطلاعیه کوتاهی اعلام کرد به محض معرفی فردی از سوی شورای نگهبان در اولین فرصت (مثلاً هفته آینده) آماده اجرا و انجام چنان مناظره‌ای میان سیدمصطفی تاج‌زاده و نماینده شورای نگهبان خواهد بود.

این مناظره هرگز برگزار نشد. خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) و چند تشکل دانشجویی آمادگی خود را برای میزبانی چنان مناظره‌ای اعلام کردند و به رغم اعلام آمادگیها، برگزاری آن مناظره هرگز محقق نشد و حجت‌الاسلام غفوری دیگر چنین تقاضایی را هرگز مطرح نکرد.

دفاعیه کتبی تکمیلی

متن زیر بخشی از دفاعیه سیدمصطفی تاج‌زاده نسبت به اظهارات نماینده مدعی‌العموم در هفتمین جلسه دادگاه به تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۷۹ است که البته اجازه قرائت آن را در دادگاه نیافت. از آنجا که حاوی نکات روشنگری است برای اطلاع خوانندگان محترم درج می‌شود.

«آقای شریفی، نماینده محترم مدعی‌العموم، در جلسه هفتم دادگاه به مطلبی اشاره کردند که «اگر متهم دلیلی بر صحت انتخابات دارد باید شورای نگهبان را قانع کند و دلایلی را به این شورا ارائه نماید». این اظهارات نماینده محترم مدعی‌العموم تعجب‌آور است زیرا بر اساس روایات متعدد اصل بر صحت قول مسلمان است و همه این ترتیبات و امکانات و نیروها در سراسر کشور و تهران به کار گرفته می‌شود که انتخابات صحیح برگزار گردد و اگر در مورد یا مواردی در صحت انتخابات اشکالی وجود داشته باشد، طبق تبصره ماده ۷۲ قانون انتخابات باید با دلایل و مدارک و مستندات خلاف این اصل ثابت گردد. اکنون به نظر ایشان اصل عدم صحت بوده و ما باید به شورای نگهبان ثابت کنیم که در انتخابات تخلفی صورت نگرفته است. یعنی به قول ایشان اصل عدم صحت است و اصاله‌الصحه جای خود را به عدم آن داده است. در حالی که طبق قاعده البینه علی المدعی، چون دبیر محترم شورای نگهبان شاکی و مدعی است، باید دلایل ابطال صندوقهای رأی مردم را ارائه کند. علی‌القاعده این دلایل هم می‌بایست قبل از تأیید انتخابات تهران توسط هیأت‌های نظارت ارائه می‌شد. و آلا وقتی هیأت‌های نظارت شش بار صحت انتخابات را تأیید کردند دبیر محترم شورای نگهبان نمی‌تواند بدون هیچ‌گونه دلیلی بیش از ۵۰۰ صندوق با حدود ۷۰۰ هزار رأی را باطل کند و بعد به جای این‌که او دلیل وقوع تخلف یا جرم را ارائه دهد و ثابت کند، من به عنوان متهم باید ثابت کنم که مرتکب جرم نشده‌ام! اقامه دلیل به عهده شاکی، مدعی خصوصی یا مدعی‌العموم است. علاوه بر قاعده حقوق اصاله‌الصحه، بر اساس روایات و قواعد مسلم فقهی نماینده محترم مدعی‌العموم باید اصل برائت (اصالة البرائة) و اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را رعایت کند و به جای این‌که وی دلیل وقوع تخلف یا بزه را ارائه دهد و ثابت کند من بزه‌کارم، مدعی است که من باید وقوع جرم را قبول کنم و ثابت نمایم در آن نقش نداشته‌ام. به اعتقاد اینجانب، حتی اگر در ضمیر قاضی محترم چنین موضوعی مطرح گردد شایسته نیست بر زبان آورد چه رسد به این‌که آن‌را در دادگاهی که علنی است، مطرح نماید. جالب آن‌که مرا تشویق می‌کنند که شورای نگهبان را قانع کنم! آیا متهم باید دادگاه محترم را قانع کند که مجرم نیست یا

شاکی را؟ چه این به آن معناست که نظر شورای نگهبان در مورد مسائل اداری و وقوع یا عدم وقوع بزه قطعی است و کسی حق چون و چرا در آن ندارد. که این خود قطع نظر از خلاف قوانین و مقررات بودن آن ایجاد یک موقعیت ویژه است. در حقیقت در مورد صحت یا اشکالات خاصی در انتخابات تهران اختلافی حاصل شده است. جمع کثیری از مردم مسلمان تهران، چهل هزار نفر عضو صندوقهای اخذ رأی، اعضای هیأتهای اجرایی و نظارت، ناظران شورای نگهبان و... مدعی هستند انتخابات سالم برگزار شده است و کثیری از مسؤولان هم صحت انتخابات را تأیید کرده‌اند اما دبیر محترم شورای نگهبان مدعی است انتخابات درست برگزار نشده است و از این لحاظ شاکی می‌باشد.

اگر قرار بود لزوماً من یا هر کس دیگر نظر شورای نگهبان را بپذیرد و صلاحیت و اقتدار دستگاه قضایی را که وظیفه اصلی آن طبق اصل ۱۵۶ احقاق حق و فصل خصومت است، برنتابد دیگر چه لزومی به طرح شکایت دبیر محترم شورای نگهبان و تحقیقات سازمان بازرسی است و اساساً فلسفه وجودی تشکیل این دادگاه چیست؟ نماینده مدعی العموم همچنین اعلام کرد دادگاه صلاحیت ورود به ایرادات آقای دکتر حسین آبادی، وکیل اینجانب، را ندارد. نمی‌دانم وی طبق کدام قانون این حکم را صادر کرده است و از دادگاهی که برای آن اقتدار و استقلال انتظار می‌رود، سلب صلاحیت می‌کند؟ آیا وی صلاحیت ذاتی دادگاه محترم را منکر است؟ یا ایرادات متوجه شخص یا اشخاصی است که مصون از ایراد هستند؟ مگر نه این است که به موجب مواد مختلف قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب این دادگاه جز در مواردی که در آن قانون در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته است صلاحیت رسیدگی به همه مسائل جزایی-مدنی و امور حسبی را دارد. اگر نظر نماینده محترم مدعی العموم این است که چون آرای بیش از ۷۲۰ هزار نفر از مردم تهران توسط دبیر شورای نگهبان باطل شده است، او مسؤولیت پاسخگویی ندارد و قول و فعل او مصون از ایراد است، این استدلال خلاف بند ۸ اصل سوم و روح اصل ششم و اصل بیستم قانون اساسی است. مضافاً طبق ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی علاوه بر این که عنوان شده است رهبر منتخب خبرگان ولایت امر و همه مسؤولیتهای ناشی از آن را بر عهده دارد. بر این امر هم تأکید شده است که رهبر در

برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است. وقتی رهبر انقلاب در مقابل قانون با آحاد ملت مساوی باشد، ما نمی‌توانیم شأنی بالاتر برای کسی دیگر یا هر مقامی جز آنچه قانون اعطا کرده است قائل شویم. مضافاً اصل ۵۷ قانون اساسی بر تفکیک قوای سه‌گانه و استقلال هر یک از این قوا تأکید دارد و در همین قانون در اصل ۶۰ برای نشان دادن استقلال دادگاهها و قضات بر این امر تأکید دارد که اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد که خود مبین تجسم استقلال قوه قضائیه و استقلال مورد انتظار مردم از محاکم و قضات و مسئولیت آنان در حفظ حقوق عمومی می‌باشد. یکی از حقوق عمومی مردم به رسمیت شناختن و احترام به حق انتخاب مردم است. نمی‌دانم چرا من باید پاسخگوی تصمیم غیرقانونی دبیر محترم شورای نگهبان در زمینه ابطال حدود ۷۰۰ هزار رأی باشم و اگر تصمیم قاطع مقام رهبری نبود فاجعه ابطال آرای بیش از سه میلیون نفر مردم تهران پیش می‌آمد. علاوه بر این، مگر نه این که طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است، پس در مقابل اختلاف بین دبیر شورای نگهبان و وزارت کشور اگر محاکم دادگستری و به تبع آن متصدی محکمه (قاضی) صالح نباشد، پس چه مرجع و مقامی صلاحیت دارد؟ و چه کسی به نمایندگی محترم مدعی‌العموم این اختیار را داده است که صریحاً از محکمه‌ای سلب صلاحیت ورود در قبول یا رد ایرادات متهم و وکیل او را بنماید؟ آیا قاضی محترم که می‌خواهد رأی صادر کند نباید طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیافت به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر مراجعه و حکم قضیه را صادر کند؟ قطعاً قرار نیست محکمه بدوی بدون توجه به ایرادات و پاسخ به وجدان عمومی جامعه حکمی صادر کند و لازم است برای همه اقوال و افعال خود در مقام قضا مستند شرعی و قانونی ارائه کند».

بیانیه تحلیلی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی روز یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۷۹ با صدور بیانیه‌ای

درباره محاکمه معاون سیاسی-اجتماعی وزارت کشور از این اقدام انتقاد کرد. در بخشهایی از این بیانیه تحلیلی آمده بود: «موج جدید حملات علیه اصلاح طلبان هنگامی آغاز شد که برخلاف انتظار راست محافظه کار، آقای خاتمی در جریان سفر به استان فارس انصراف خویش را برای انتخابات هشتاد اعلام نکرد و بدین وسیله موجبات خشم و استیصال بیشتر آنان را فراهم ساخت. به دنبال این سفر بود که حملات سیاسی-تبلیغی سران گروه مؤتلفه علیه تاجزاده اوج تازه‌ای به خود گرفت و اظهارات تهدیدآمیز علیه رئیس ستاد انتخابات کشور گسترش یافت. آنان بدون پرده‌پوشی اعلام کردند که در صورت حضور تاجزاده در جایگاه ریاست ستاد انتخابات کشور، در انتخابات هشتاد شرکت نخواهند کرد و بهانه اتخاذ چنین موضعی هم تعلق تاجزاده به جبهه دوم خرداد اعلام شد. در همان سال گروههای فشار مجدداً به کار افتاد و مرحله جدید هجوم به مجامع و جلسات سخنرانیها در شهرهای قم، همدان و قزوین شروع گردید».

«جناح راست که به بهانه دفاع از نظام در برابر کوچک‌ترین انتقادات به رفتار برخی قضات برآشفته می‌شود و منتقدان را متهم به تعقیب خط تضعیف نظام می‌کند، آنچنان دو قوه نظام یعنی قوه مجریه و قوه مقننه را به گونه‌ای همه‌جانبه هدف حمله قرار می‌دهد که گویی مجلس و دولت جزو نظام نیست و دو قوه بیگانه محسوب می‌شود.

متأسفانه این حملات اکنون از سطح حملات جناحی سیاسی فراتر رفته است. این همسویی می‌رود که حتی نهادهایی را که در جایگاه داور نشسته، به ابزار کشمکشهای سیاسی تبدیل کند».

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با اشاره به «اظهارات آقایان جنتی و محمد یزدی، دو عضو برجسته شورای نگهبان، پس از موضعگیریهای مؤتلفه و همسوییهای موجود در آنها» آورده است: «آقای جنتی نه تنها وزارت کشور و به ویژه معاون سیاسی آن را متهم می‌کند، بلکه اقتدار و مشروعیت قوه مقننه کشور را نیز تخریب می‌کند».

«چنین اظهاراتی که به شدت آلوده منازعات جناحی-سیاسی است، علاوه بر

متهم ساختن نمایندگان و دولتمردان، یکی از افتخارات اخیر ملت ایران یعنی برگزاری آزادترین و سالم‌ترین انتخابات پارلمانی در بیست و نهم بهمن ۷۸ را نیز مخدوش می‌کند. انتخابات مجلس ششم که پس از دوم خرداد در سطح منطقه و جهان نمود دیگری از تجربه دموکراسی ایرانی و اسلامی تلقی شد، اکنون در موضعگیرها تا حد یک اقدام مجرمانه تنزل کرده است که به سبب آن آقای تاج‌زاده باید به محاکمه کشیده شود. آیا ابطال بیش از ۷۰۰ هزار رأی از آرای شهروندان تهرانی به وسیله شورای نگهبان کافی نبود که اکنون تاج‌زاده باید زیر فشار قرار گیرد؟ آیا شورای نگهبان مسؤول نظارت بر حسن اجرای انتخابات نبوده است؟

اگر "جناحی بودن" یک مسؤول - بدون اعمال نظر در انجام وظیفه قانونی - مذموم و جرم است، چرا این امر دامن آقای جنتی و برخی دیگر از اعضای شورای نگهبان یا مسؤولان هیأت نظارت مرکزی را که آشکارا وابسته به جناحی خاص هستند، نمی‌گیرد؟ اگر قوه قضائیه خود را موظف به رسیدگی به شکایت شورای نگهبان علیه وزارت کشور می‌داند، چرا به شکایت وزارت کشور رسیدگی نمی‌کند و از آقای جنتی و همفکران او در دستگاه نظارتی انتخابات نمی‌خواهد که در برابر محکمه عدالت پاسخگوی اعمال و گفتار خود باشند؟ آیا این‌گونه رفتارها نیست که بیش از هر انتقاد منتقدی عامل تضعیف دستگاه قضایی می‌شود؟

نامه سرگشاده تاج‌زاده به هاشمی شاهرودی

روز چهارشنبه سوم اسفندماه ۱۳۷۹، نامه سرگشاده سیدمصطفی تاج‌زاده خطاب به آیت‌الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه کشور در مطبوعات منتشر شد.

تاج‌زاده در این نامه به شرح کاستیهای دادگاه رسیدگی‌کننده به اتهامات خود پرداخت و ضمن بازگویی روند انتخابات مجلس ششم در حوزه انتخابیه تهران بزرگ و ابطال ۷۲۶ هزار رأی مردم تهران، اصرار کرد که برای تبرئه خود، هرگز زیر بار تأیید ابطال آرای شهروندان تهرانی توسط شورای نگهبان نخواهد رفت. در بخشی از این نامه سرگشاده آمده بود:

«... به جنابعالی اطمینان می‌دهم اینجانب تن به سکوت خواهم داد، اما هیچ‌گاه

در هم‌نوایی با دشمنان اسلام و انقلاب و بدخواهان ملت و کشور، انتخاباتی را که موجب اعتلا و سرافرازی ایران اسلامی شد و چشم جهانیان را خیره ساخت و شادی ملت را به همراه داشت و منجر به تشکیل مجلس ایثارگران شد، مخدوش نخواهم خواند. هرچند مقدمه امری خوانده شود که با قبول آن و احتمالاً با اثبات عدم ایفای نقش در این زمینه، تبرئه شوم... هیچ‌کس نمی‌تواند اینجانب را به منظور توجیه اقدام غیرمنطقی و در اکثر قریب به اتفاق موارد تصمیم غیرقانونی ابطال ۵۳۴ صندوق و بیش از ۷۲۶ هزار رأی، مجاب به پذیرش گزاره ناحق، غیرواقعی و منافق‌پسند مخدوش بودن انتخابات تهران کند که همه مجریان و ناظران آن یک‌صدا معتقد به صحت آن هستند...»

آخرین دفاعیات در دادگاه هشتم

هشتمین جلسه محاکمه سیدمصطفی تاج‌زاده معاون سیاسی وزیر کشور روز شنبه ۶ اسفند ۱۳۷۹ به صورت علنی در شعبه ۱۴۰۳ مجتمع قضایی ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت به ریاست قاضی دقیقی آغاز شد.

در این جلسه که به عنوان آخرین جلسه برای رسیدگی به پرونده اتهامی تاج‌زاده تلقی شد، وی در آخرین دفاع خود مطالبی مطرح کرد که چون به صورت مفصل و دقیق در نامه‌ای به تاریخ ۷۹/۱۲/۲۸ برای دبیر شورای نگهبان شرح داده و در فصل سوم این کتاب عین نامه درج شده است، از درج بخش اصلی دفاعیه آخر وی خودداری می‌گردد.

سیدمصطفی تاج‌زاده در ادامه اظهاراتش، دفاعیات تعدادی از مسئولان و اعضای شعب اخذ رأی ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه تهران را قرائت کرد که طبق آن، افراد مزبور، وجود تقلب و تخلف و خدشه در انتخابات را رد کرده بودند. رئیس ستاد انتخابات کشور افزود: «امروز که خدمت دادگاه محترم هستم و نامه دبیر شورای نگهبان، از جمله موارد اتهامی من است، هنوز ایشان شماره ۵۳۴ صندوق ابطالی را به وزارت کشور اعلام نکرده است. از دادگاه محترم تقاضا دارم در صورتی که پس از تحقیقات مکفی، به این نتیجه رسید

که هیچ تقلبی در ۵۳ صندوق مورد ادعا، رخ نداده است برای شادی ملت سرافراز ایران و مایوس کردن بدخواهان بخصوص منافقان که سالیان سال است انتخابات ما را مخدوش می خوانند، رسماً اعلام کند که پس از تحقیقات مکفی هیچ تقلبی کشف یا اثبات نشد و این خود بزرگترین تقدیر از ۴۰ هزار همکار من در انتخابات است.

قاضی پرسید: «شما برای بازشماری آرا گفته بودید که پیشقدم بودید؟»
 تاجزاده گفت: «نخیر ما پیشقدم نبودیم، البته هیچ انتخاباتی نیست که پس از برگزاری آن انبوه شکایات مطرح نشود».

قاضی دقیقی گفت: «در صورت جلسات برای بازشماری آرا، نظر هیأت اجرایی این بود که احتمالاً در بازشماری تغییراتی در میزان آرا ایجاد خواهد شد».

تاجزاده گفت: «احتمال با واقعیت فرق دارد. صحت انتخابات تهران، در جلسه مشترک هیأت‌های اجرایی و نظارت مجدداً در ۱۸ اسفند ۱۳۷۸ تأیید شد. شورای نگهبان در خصوص انتخابات تهران از ۱۸ اسفند ۱۳۷۸ تا ۲۸ فروردین ۷۹ سکوت کرد. نتایج بازشماری ۴۹۶ صندوق در مرحله دوم توسط نمایندگان شورای نگهبان نیز صورت گرفت و اثبات کرد که تغییرات ایجادشده در آرای نامزدها، در فهرست حائزین اکثریت آرا، تغییر ایجاد نمی کند و هیأت جدیدی از ۱۲ اردیبهشت ۷۹ عملاً به بازشماری مجدداً آرا پرداخت».

قاضی دقیقی گفت: «مقام معظم رهبری، نامه ای برای پیگیری متخلفان داده است و این سخنان به بعد از این نامه مربوط می شود. شما متهم هستید و باید در مورد اتهامات خود دفاع کنید».

تاجزاده گفت: «من، متهمی سربلند هستم و مهمترین اتهام من مخدوش بودن آرا است، که آنرا قبول ندارم و دادگاه تا به حال کاری که نکرده است، اجرای همان دستور مقام رهبری است». وی پس از قرائت مصاحبه تعدادی از اعضای شورای نگهبان با مطبوعات در مورد صحت انتخابات افزود: «نتایج بازشماری آرای ۵۳ صندوق که ادعا شده دارای اختلاف آرای بیش از ۵۰ درصد است، مؤید صحت انتخابات تهران است». رئیس ستاد انتخابات کشور سپس مجدداً به نتایج بازشماری آرای علیرضا رجایی، الیاس حضرتی، علی اکبر هاشمی بهرمانی، علی اکبر رحمانی،

علی اکبر محتشمی پور و غلامعلی حداد عادل پرداخت و گفت: «چنان که ملاحظه می شود، متوسط درصد اختلاف آرای هر نامزد در ۵۳ صندوق نسبت به کل آرا حدود ۱/۵ درصد است. اختلاف آرای در این حد در روش شمارش دستی آرا طبیعی و اجتناب ناپذیر است، در عین حال اگر در این زمینه مسئولیت متوجه کسی باشد، آیت الله جنتی باید پاسخگو باشد که به رغم تمهیدات انجام گرفته، به منظور شمارش ماشینی آرا، سه روز مانده به برگزاری انتخابات اعلام کرد که شمارش آرا به روش دستی انجام خواهد گرفت».

قاضی دقیقی گفت: «آیت الله جنتی کی موافقت کرده است؟»
تاج زاده گفت: «آیت الله جنتی نباید موافقت کند. بلکه هیأت نظارت استان باید موافقت کند که صورت جلسه آن موجود است».

تاج زاده در ادامه دفاعیات خود گفت: «اگر به صورت جلسات مشترک و مکاتباتی که در این زمینه صورت گرفته توجه شود، تردیدی باقی نمی ماند که اطلاعیه ای که در ۲۶ بهمن ۱۳۷۸ یعنی سه روز مانده به برگزاری انتخابات (از سوی شورای نگهبان) صادر شد، برخلاف توافقات صورت گرفته بود».

قاضی دقیقی با اشاره به نامه ۱۶ بهمن ۷۸ فرماندار تهران به مسؤولان اجرایی، مبنی بر «دستی شدن شمارش» گفت: «۱۰ روز قبل از این تاریخ که شما می گوید، فرماندارا اعلام رسمی کرده است که به خاطر مخالفت با شمارش ماشینی آرا، شمارش دستی خواهد بود».

تاج زاده صورت جلسه امضا شده توسط نمایندگان شورای نگهبان در این زمینه را یادآور شد.

معاون سیاسی وزارت کشور همچنین گفت: «هیأت جدید سه نفره بازشماری آرای شورای نگهبان از ابتدا، با نظر منفی نسبت به مجریان و حتی نسبت به عملکرد هیأت های نظارت شهرستان و استان تهران مأموریت خود را آغاز نمود، گرچه بررسی های سازمان بازرسی و نیز تحقیقات دادگاه محترم خلاف واقع بودن اکثر موارد فوق را به اثبات رسانده است».

قاضی دقیقی سپس با اعلام تنفس، ادامه جلسه هشتم را به بعد از ظهر ساعت ۱۴:۳۰ موکول کرد.

دفاعیات حقوقی وکیل

قاضی دقیقی در جلسه بعد از ظهر دادگاه، از تاج زاده خواست به دفاعیات خود ادامه دهد.

دکتر امیر حسین آبادی وکیل مدافع تاج زاده، از رئیس دادگاه خواست که با توجه به این که در جلسه صبح دادگاه از یک مورد از پنج مورد اتهام تفهیم شده، دفاع شده است، لذا اجازه دهد از چهار مورد اتهام باقی مانده، دفاع حقوقی کند.

حسین آبادی گفت: «دومین اتهامی که متعاقب تفهیم اتهام اولین جلسه دادگاه به موکلم تفهیم شد، "ممانعت از انجام امر بازرسی توسط هیأت سازمان بازرسی کل کشور" بود که این اتهام، بر مبنای گزارش هیأت بازرسی در صفحه ۲۲ گزارش این هیأت، به موکلم تفهیم شده است. ادامه امکان کار هیأت بازرسی یا حسن تدبیر فراهم شد، مع الوصف "سوء جریان مربوط به تحویل صندوقها" می باشد که مورد توجه مسؤولان ذی ربط قرار دارد و بر اساس آن، موکل اینجانب به عنوان رئیس ستاد انتخابات، متهم به ایجاد اختلال و اشکال در امر بازرسی شد». از جمله ای که هیأت بازرسی مرقوم کردند، چند نکته استنباط می شود که یکی از آنها این است که هیأت تصریح دارد، برخی از اقدامات، از مصادیق ماده ۸ قانون سازمان بازرسی کل کشور بوده نه تمام موارد. مضافاً این که همان طوری که در گزارش تصریح شده است، انجام کار بازرسی با توافق و تفاهم برگزار شده است و بنابراین اختلال به معنای این که از انجام بازرسی هیأت بازرسی ممانعت به عمل آمده، صورت نگرفته است.

به طوری که در نامه ریاست سازمان بازرسی کل کشور به تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ که به معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری منعکس شده است هیأت بازرسی به صراحت اعلام داشته است که عدم تحویل تعدادی از صندوقها خارج از ۵۳۴ صندوق ابطال شده است. در اینجا لازم به توضیح است که برابر توافقی که قبلاً بین رئیس سازمان بازرسی با وزیر کشور به عمل آمده، قرار بوده است هیأت بازرسی صرفاً و بنا به دستور مقام معظم رهبری و ریاست قوه قضائیه منحصرأ به همین صندوقهای ابطال شده رسیدگی نمایند و اصولاً بررسی صندوق و یا صندوقهای خارج از صندوقهای ابطال شده از حیطه مأموریت سازمان بازرسی کل کشور که این مأموریت فوق العاده را یافتند خارج بوده است».

وکیل مدافع تاج‌زاده در ادامه تأکید کرد: «بر طبق توافق انجام‌شده، هیأت بازرسی حق ورود و بررسی صندوقهای دارای ایراد شکلی را داشت نه به صورت ماهیتی. صندوقهایی که دارای ایراد ماهوی بوده نمی‌توانسته از نظر شکلی مورد بررسی قرار گیرد و این توافق و تفاهمی بوده که بر مبنای مأموریت محوله بین ریاست سازمان بازرسی و وزیر کشور به عمل آمده بود». حسین آبادی با ارائه این توضیحات خطاب به قاضی گفت: «حال اگر هیأت بازرسی صندوق و یا صندوقهایی خارج از ۵۳۴ صندوق ابطال‌شده را برای بررسی مطالبه کرده است و فرماندار تهران نیز بنا به دستور صریح وزیر کشور از تحویل آنها به هیأت بازرسی خودداری کرده است، چه ارتباطی به ستاد انتخابات کشور و شخص تاج‌زاده موکل اینجانب دارد؟ تنها موردی که احتمالاً دادگاه و نماینده قوه قضائیه به موکل اینجانب در مورد دستور عدم تحویل صندوقها می‌تواند متسبب نماید نامه‌ای است که در آن نامه جمله‌ای به این عبارت آمده است، «بررسی شکلی صندوقی، مازاد بر ۲۱۶ صندوق مذکور معنا ندارد».

به نظر می‌رسد که از این جمله استنباط دستور عدم تحویل صندوقها از طرف ریاست ستاد انتخابات کشور یعنی تاج‌زاده به هیأت بازرسی شده است. همان‌طور که قانون انتخابات و آیین‌نامه آن دلالت دارد ستاد انتخابات کشور به هیچ‌وجه در اجرای انتخابات دخالت ندارد و همان‌طور که از اسم آن هم پیداست کارهای ستادی و پشتیبانی و تنظیم و تدوین امور مربوط به انتخابات را انجام می‌دهد».

حسین آبادی با قرائت قسمتهایی از نامه مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۳ وزیر کشور در این خصوص اعلام داشت که در این نامه صراحتاً آمده است که اقدام فرمانداری به دستور شخص وزیر کشور بوده است. وکیل مدافع با ارائه این توضیحات با اشاره به این‌که هیأت بازرسی قبلاً تصریح کرده است که با حسن تدبیر و همکاری لازم امکان ادامه کار هیأت بازرسی فراهم گردید، گفت: «حال با توجه به مطالب و دلایل گفته‌شده چه دلیلی بر توجه اتهام اختلال در امر بازرسی به موکل اینجانب وجود دارد؟»

این وکیل مدافع سپس در خصوص اتهام موکلش، یعنی «دخالت غیرقانونی در

امر انتخابات» توضیح داد: «در اتهام تاج‌زاده آمده است که فرمانداری تهران، ابتدا قراردادی را برای شمارش آرا با شرکت "مدیر سامانه" منعقد کرد. اما وزارت کشور، مسئولیت این امر را به عهده گرفت و فرمانداری را وادار به فسخ آن قرارداد کرد و درخواست نمود که قرارداد دیگری با شرکت "پتسا" منعقد کند.

به فرض این‌که چنین امری توسط وزارت کشور صورت گرفته باشد، چه ارتباطی به ستاد انتخابات و موکل اینجانب می‌تواند داشته باشد؟ دلیل این امر نیز، اظهارات دو نفر از مسؤولان شرکت مدیر سامانه به نقل از آزر می فرماندار تهران و مصلحی مسؤول ستاد انتخابات تهران می‌باشد.

حسین آبادی در اینجا سؤال کرد «آیا از این دو نفر، در دادگاه و در حضور موکل من تحقیق شده است و از آقایان آزر می و مصلحی، در مورد تأیید و یا عدم تأیید اظهارات این دو شخص، تحقیق به عمل آمده است یا خیر؟ قراردادی که فرمانداری تهران با شرکت مدیر سامانه منعقد کرده برای شمارش آرا نبوده، بلکه جمع‌بندی صورت جلسه‌های صندوق رأی‌گیری به منظور ثبت کلیه اطلاعات حوزه رأی‌گیری، از جمله ثبت آدرس حوزه‌های رأی‌گیری و ثبت اطلاعات فردی کلیه کاندیداهای شهر تهران، موضوع قرارداد بوده است. بنابراین به فرض که قرارداد شرکت مدیر سامانه به اعتبار خود باقی می‌بود، این شرکت تنها وظیفه ثبت برخی از اطلاعات را داشت و نه شمارش آراء را، بنابراین برداشت نادرستی که در این زمینه و از این قرارداد شده است، به هیچ وجه با واقعیت امر انطباق ندارد».

حسین آبادی سپس در خصوص آخرین اتهام تاج‌زاده، مبنی بر «انجام و عدم انجام کاری که منجر به مخدوش شدن آرا شود»، گفت: «در خصوص این جرم، باید ستاد انتخابات کشور و رئیس این ستاد، از انجام وظیفه‌ای که بر عهده این ستاد بوده است، خودداری کرده باشد و یا عملی را که جزء وظایف ستاد نبوده انجام داده باشد و انجام این عمل، به قصد مخدوش کردن آرای مردم باشد. مواردی که به عنوان عدم انجام وظیفه به موکلم تفهیم شده، عدم آموزش کافی به مسؤولان صندوقها بوده است.

اولاً در کجای قانون و یا آیین نامه انتخابات مجلس شورای اسلامی، وظیفه ستاد

انتخابات، آموزش اعضای صندوقها است و ثانیاً باید ثابت شود که عدم آموزش، به قصد مخدوش کردن آرای مردم صورت گرفته است. معلوم نیست با توجه به صراحت بند ۱۸ ماده ۶۶ قانون انتخابات کشور، نماینده حوزه قضایی تهران چگونه و بر مبنای کدام منطق حقوقی، ارتکاب این عمل یعنی ممهور نکردن تعرفه و یا شناسنامه را به موکل اینجانب که به هیچ وجه در اجرای انتخابات دخالتی نمی تواند داشته باشد، منتسب کرده است؟»

دکتر حسین آبادی با بیان این مطلب که «این اتهام هم مانند سایر اتهامات عنوان شده، با هیچ وسیله و هیچ استدلالی نمی تواند به موکلم منتسب شود»، از ریاست دادگاه تقاضای رسیدگی و صدور حکم قانونی را درخواست کرد. حسین آبادی در پایان دفاعیات خود گفت: «موکل من در مورد اجرای انتخابات و مسائل اجرایی مربوط به این انتخابات توضیحاتی را به عرض دادگاه می رساند».

قاضی دقیقی در پاسخ گفت: «از نظر ما توضیحات کافی است».

تاج زاده در اعتراض به تصمیم قاضی اظهار داشت: «من در مورد ۴ اتهام خود صحبت نکرده ام که شنیدن آن را برای صدور حکم لازم می دانم».

قاضی گفت: «از نظر ما دفاع شده است. ولی در خصوص موارد، توضیحات ضروری و نکاتی که باقی مانده است توضیح دهید».

تاج زاده در مورد اتهام خود، یعنی «ممانعت از انجام فعالیتهای هیأت اعزامی سازمان بازرسی کل کشور» علاوه بر نکاتی که وکیل مدافع گفت، مواردی را یادآور شد و گفت: «در طول فعالیت هیأت بازرسی که ۵ ماه بعد از برگزاری انتخابات صورت گرفت. چگونه دخالت مستقیم اینجانب را در جریان برگزاری انتخابات نتیجه گرفته است و در تفهیم اتهام مجدداً بر آن تأکید شده است. برای این که وقت دادگاه را نگیرم، اعلام می کنم، مجموعه مکاتبات وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات و فرماندار تهران با سازمان بازرسی را در این زمینه تقدیم دادگاه نمودم، تا معلوم شود چه کسی در چارچوب ضوابط و تفاهمات گام برداشته است».

قاضی دقیقی گفت: «در ارتباط با اتهاماتی که به متهم تفهیم شد، به رغم آن که آخرین دفاع را بیان کرده و وکیل ایشان نیز مطلب حقوقی را در زمینه ۴ اتهام بیان کرد

و دادگاه نیز به صورت مکرر تذکر داده است که خارج از موضوع صحبت نکنند، با این حال، آخرین دفاع توسط ایشان و وکیل ایشان آقای حسین آبادی با اظهارات مبسوط بیان شده و همین‌طور در ابتدای جلسه، ایشان تقاضای مهلت در جهت ارائه لایحه را کرده است. لذا دادگاه با اعلام ختم جلسه به آقای تاج‌زاده و وکیلشان به مدت ۴ روز فرصت می‌دهد که لایحه (آخرین دفاع) خود را ارائه نمایند و همچنین توضیحاتی را که تاکنون در دادگاه بیان نشده و در اول بحث اظهار داشتند و نوشته آن موجود است، به دادگاه ارائه دهند.

«صریح‌تر از این نمی‌شد»

«مصلحت ندانستم لحن دفاعیات خود را صریح‌تر از این کنم و فکر می‌کنم به رغم آن‌که متأسفانه در این آخرین جلسه محاکمه خود نیز نتوانستم دفاعیات خود را کامل عرضه کنم، اما موفق شدم بسیاری از مسائل مورد نظر خود را بیان کنم».

سیدمصطفی تاج‌زاده در شامگاه شنبه ۶ اسفند ۷۹ پس از گذراندن دو جلسه فشرده صبح و عصر دادگاه که جمعاً هشت ساعت به طول انجامید، در جمع خبرنگاران حضور یافت و با اعلام مطلب بالا، به سؤالات آنان پاسخ گفت.

رئیس ستاد انتخابات کشور در آخرین جلسه محاکمه خود، جمله کوتاهی گفت که خیلی زود تیر مطبوعات شد: «من متهمی سربلند هستم». وی اما علت نگفتن صریح‌تر ناگفته‌هایش در دادگاه را مصلحتیایی ذکر کرد که حتی رئیس‌جمهور خاتمی هم برای پایبندی به آنها، غالباً سکوت اختیار می‌کند. تاج‌زاده گفت: «شاید گفتن خیلی از مسائل ابتدا ساده باشد و خیلیها را هم خوشحال کند، اما ممکن است پیامدها و بازتابهایی داشته باشد که معلوم نیست به مصلحت کشور آن هم در آستانه انتخابات باشد. اعتراف می‌کنم بخشی از ناگفته‌ها را نگفتم، نمی‌دانم هم کی بگویم. شاید هم هیچ‌وقت هم نگویم، البته مردم کلیات آن را می‌دانند».

خبرنگاری پرسید: «این نگفتنها اگر نهایتاً به ضرر شما هم تمام شود، باز هم نخواهید گفت؟» تاج‌زاده پاسخ داد: «ناگفته‌ها، ارتباطی به محکومیت یا تبرئه‌ام ندارد. اگر تحلیل من این باشد و مصلحت ایجاب کند که ناگفته‌ها را بگویم، حتی اگر تبرئه

هم بشوم می‌گویم. اما اگر مصلحت ایجاب کند که نگویم، حتی اگر محکوم شوم باز نخواهم گفت».

معاون سیاسی وزیر کشور در خاتمه گفت: «احساس من این بود که طی آن یکی دو ماه، بعد از انتخابات، کسانی انتخابات را به مسیر بدی سوق می‌دادند و می‌خواستند به این طریق، کشور را به بحران بکشانند. این حرکت آنها متأسفانه در جهت خواست بدخواهان بود که با دستور رهبری، این فتنه بزرگ در کشور ما خنثی شد و به این ترتیب، خیلی از این طراحیه‌ها با شکست مواجه شد و امروز هم تأسف می‌خورم که کسانی که در آن فتنه‌ساز فعال بودند، هنوز هم درس نگرفته‌اند».

اظهار نظر یک کارشناس قضایی

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس روز شنبه ۶ اسفندماه به خبرنگار ایرنا گفت: «اگر تخلفی در انتخابات صورت گرفته باشد، شورای نگهبان هم مقصر است». حجت‌الاسلام سیدناصر قوامی در این باره اضافه: «وقوع جرم، یا به صورت «بالمباشره» است، یعنی کسی جرمی مرتکب شود، یا این که معاونتی در انجام جرم باشد. دستگاه قضایی، آقای تاج‌زاده را به عنوان «معاونت در جرم» محاکمه می‌کند».

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، شرط اول انجام محاکمه را اثبات وقوع جرم و تقلب در انتخابات دانست و گفت: «تقلبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی صورت نگرفته است، چه رسد به این که بر اساس آن، بخواهند کسی را محاکمه کنند. بر فرض این که تقلبی صورت گرفته باشد، به آقای تاج‌زاده چه ارتباطی دارد؟ وقتی می‌توان تاج‌زاده را محاکمه کرد که نامه‌ای کتبی از او در دست باشد، دال بر این که وی، دستور تقلب داده است، یا این که شهودی بی‌غرض، سوگند بخورند که تاج‌زاده به آنها دستور تقلب داده است. البته اگر شهود نیز بیایند و چنین سوگندی یاد کنند، به دلیل این که خودشان مجرمند، حرفشان از نظر قضایی مسموع نیست و چنین اظهاراتی و جاهت قضایی ندارد. بر فرض همه اینها، آقای تاج‌زاده مسؤول اجرا بوده است. نمایندگان شورای نگهبان بر صندوقها نظارت داشتند. اگر نمایندگان قوه مجریه تقلب کرده‌اند، چرا نمایندگان شورای نگهبان از آن جلوگیری نکردند؟» با

منطقی که آقایان دارند، اگر نمایندگان شورای نگهبان همدست متخلفان بودند، باید (دبیر) شورای نگهبان نیز متخلف شمرده شود، حال آن‌که با تخلف زیردستان، نه رئیس ستاد انتخابات کشور را می‌توان مجرم دانست و نه دبیر شورای نگهبان را». قوامی در پایان صراحت بیشتری به خرج داد و گفت: «اگر تخلفی صورت گرفته، به همان اندازه که وزارت کشور مقصر است، شورای نگهبان هم مقصر است».

منتقدان و نقد تاج‌زاده

تیر اول روزنامه رسالت دوشنبه ۸ اسفند ۷۹، به ماجرای محاکمات سیدمصطفی تاج‌زاده، مفهوم و معنای خاصی داد که نمی‌شد نسبت به آن بی‌توجه بود. تیر رسالت به قدر کافی گویا بود: «تاج‌زاده؛ ناگفته‌ها و فرار از پاسخگویی». ذیل آن نیز، ۷ سوتیر از سخنان و مواضع افرادی از جریانهای «راست» قرار داشت که از جمله از قول «امانی» دبیر جمعیت مؤتلفه استان تهران آمده بود: «دادگاه در برابر یک سیاستمدار مسؤول قرار نداشت، دادگاه در برابر یک هنرپیشه بسیار ماهر بود». سایر تیرها نیز به گونه‌ای بود که بیشتر به نظر می‌رسید حاکی از عصبیتی است که از نوع حضور تاج‌زاده در دادگاه و دفاعیات وی در تشکلهای جریان موسوم به «راست» به وجود آمده است.

رسالت با اشاره به سخنان قبلی تاج‌زاده که «ناگفته‌ها را خواهم گفت» نوشت: «برگزاری هشت جلسه محاکمه تاج‌زاده، ظاهراً دستاوردی از یک دفاع خوب، منطقی، منصفانه و عادلانه به دست نداد. سخنان (وی) تکراری، ملال‌آور و خارج از ماهیت جرم و عمدتاً فرافکنی بود. آخرین جلسه دادگاه نیز همین‌گونه گذشت و حرف تازه‌ای برای نگاههای جست‌وجوگر مردم درباره این تخلف بزرگ نداشت. تاج‌زاده به وعده‌ای که در آغاز محاکمات داده بود عمل نکرد. او وعده داده بود ناگفته‌ها را می‌گوید. اما در پایان محاکمات گفت: هر چه فکر کردم، بیان ناگفته‌ها را به مصلحت ندیدم! آقای تاج‌زاده در جریان محاکمه و پیش از آن از هیچ کوششی برای حمله به شورای نگهبان و دستگاه قضایی فروگذار نکرده بود.

او روز اول عزم واقعی گویی داشت، اما روز آخر را به مصلحت گذراند. آیا مردم آن جسارت اولیه و این تواضع آخری را باور دارند؟»

محمدعلی امانی دبیر جمعیت مؤتلفه اسلامی استان تهران درباره دفاعیات آقای تاجزاده به رسالت گفت: «به عنوان یک شهروند که از روزنامه‌ها مسائل دادگاه را تعقیب می‌کردم می‌خواهم بگویم: دادگاه در برابر یک سیاستمدار مسؤول قرار نداشت. دادگاه در برابر یک هنرپیشه بود که در ایفای نقش خود بسیار مهارت داشت و این مهارت را در بیان حرفهای طراحی شده خوب نشان داد. حرفهایی که ناظر به ماهیت جرم او نبود. او در بیان دفاع از خود صادق نبود».

همچنین مریم بهروزی دبیر جامعه زینب گفت: «اگر تاجزاده حرفی برای گفتن داشت، در آخرین روز دادگاه نمی‌گفت بیان ناگفته‌ها به مصلحت نیست».

در همین گزارش، رسالت، نظر قائم مقام جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی را منعکس ساخت که بهترین مصلحت‌اندیشی را برای تاجزاده «که در اندیشه رعایت مصالح است؛ سپردن مسؤولیت و جایگاه انتخاباتی خود به فردی دانست که «نگاه تردیدآمیز مردم» متوجه او نباشد.

در عین حال رسالت نظر محمد کیانوش راد نماینده مردم اهواز در مجلس را بازتاب داد که «برخورد قوه قضائیه با تاجزاده را سیاسی می‌دانست». کیانوش راد با اشاره به توضیحات تاجزاده و خبره (معاون سازمان بازرسی کل کشور) به مجلس، متذکر شد که قصد مجرمانه‌ای در گزارش سازمان بازرسی کل کشور دیده نشده است. وی گفت: «نکته دیگری که درباره دادگاه تاجزاده وجود دارد این است که تمامی حقوقی که یک متهم در دادگاه دارد مورد توجه واقع نمی‌شود و این ظلمی به متهم محسوب می‌شود که برای اثبات ادعاهای خود تقاضا دارد برخی افراد به عنوان شاهد و یا مطلع در دادگاه حضور یابند». این عضو فراکسیون جبهه دوم خرداد، برخی مخالفتها از سوی گردهمایی مانند مؤتلفه در انتصاب تاجزاده به سمت رئیس ستاد انتخابات را نوعی هیاهوی بی‌مورد دانست و افزود: «در سنوات گذشته هم، معاونت سیاسی وزارت کشور، این سمت را بر عهده داشته است».

علی امامی راد نماینده کوه‌دشت در مجلس نیز به رسالت گفت: «صداقت ایجاب می‌کرد، تاجزاده به اشکالات وارده اقرار نموده و در صدد پیدا کردن راه حلی برای جبران نابسامانیها برمی‌آمد. سخنانی که تاجزاده در دادگاه بیان می‌کرد ناظر

به اتهاماتی که به وی وارد می‌شد نبود و قاضی چندین بار مجبور شد به تاج‌زاده تذکر دهد که فقط به اتهامات خود پاسخ دهد. تاج‌زاده قبل از برگزاری دادگاه در مصاحبه‌ها می‌گفت که ناگفته‌های انتخابات را در دادگاه بیان خواهد کرد و کسانی که به شگردهای تبلیغاتی وی آگاهی دارند، می‌دانند که این حرف، تنها یک بلوف سیاسی و با هدف تحت تأثیر قرار دادن قاضی و دادگاه بود.



گرچه اظهار نظرهای مخالفان جناح دولتی در روزنامه رسالت نسبت به دفاعیات سیدمصطفی تاج‌زاده، بعد از ختم دادرسی صورت گرفت، اما هنوز تا صدور حکم از سوی قاضی دادگاه فرصت باقی بود. چندی قبل، امیر محبیان عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت با توصیه به تاج‌زاده و دوستانش، آنها را به تمکین نسبت به قانون فراخوانده و هشدار دوستانه‌ای داده بود که «پیش از نظر قاضی دادگاه، با پیشداوری، مسیر رسیدگی قضایی را منحرف نکنند».

گزارش وزیر کشور به مجلس

حجت‌الاسلام موسوی لاری وزیر کشور، بالاخره بابت پافشاری و اصرار کم سابقه‌ای که بر سلامت انتخابات مجلس ششم صورت داد، خود نیز به ورطه محاکمه غلتید و چنانچه در حکم قاضی دقیقی اشاره شد و بعداً نیز در بیانیه تند دادگستری تهران بر آن تأکید شد، پرونده اتهامی علیه وی نیز به مرجع صالح قضایی، یعنی دادسرای ویژه روحانیت رفت.

موسوی لاری در بهمن و اسفندماه ۱۳۷۹، بیش از ماههای قبل بر دامنه فعالیت و رایزنیهای خود افزود تا برای مسؤولان نظام، علما و مراجع و نیروهای سیاسی کشور شرح دهد که علل سلامت انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ چیست، تا مگر آن دلایل، برای همگان روشن و واضح گردد.

وزیر کشور دوم دولت سیدمحمد خاتمی، چندین بار به مناسبتهای مختلف از سخنرانی در جمع معاونان سیاسی استانداران گرفته، تا دیدارش با علما و مراجع تقلید در قم و حضور در جمع زندانیان سیاسی قبل از انقلاب، هر جا فرصتی برای

سخن گفتن یافت، نهایت بهره را از آن برد تا دلایل و مستندات خود را درباره صحت انتخابات و امانتداری مسؤولان اجرایی آن و بخصوص بی‌گناهی سیدمصطفی تاج‌زاده ارائه نماید.

یکی از بهترین این فرصتها، لبیک به دعوت نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود که از او خواستند در اجرای ماده ۶۴ آیین‌نامه داخلی مجلس، روز نهم اسفندماه گزارشی از برگزاری انتخابات و مسائل ابطال آن به نمایندگان ملت ارائه نماید. فرصتی که برای اولین بار در قالب عمل به این ماده آیین‌نامه داخلی مجلس، نصیب یکی از مسؤولان اجرایی شده بود و حجت‌الاسلام موسوی لاری در آن، خاطرات شخصی خود از لحظات حساس انتخابات و پس از آن‌را، به همراه مستنداتی که داشت بیان کرد، تا در طول ساعتی که سخن می‌گوید، همه نمایندگان با علاقه و دقت به سخنانش گوش سپارند.



موسوی لاری در بخشی از سخنانش به ۷ بار اصلاح قانون انتخابات در مجلس پنجم اشاره کرد که در طول ۷۰ روز در قانون اعمال شد و همه به منظور اعمال نظارت بیشتر شورای نگهبان بر انتخابات بود. او سپس با ارائه آماری از شرکت‌کنندگان در انتخابات گفت:

«در تهران، ما قریب به ۳ میلیون شرکت‌کننده در انتخابات داشتیم که ۵۰۰ هزار نفر بیشتر از انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی بود. از ویژگی دیگر انتخابات تهران این بود که میانگین اسامی کاندیداهایی که توسط مردم در برگه‌های رأی نوشته شد، حدود ۲۰ نفر بود که یکی از رکوردهای بسیار خوب بود. یعنی مردم تلاش کردند که برگه‌های رأی را حتماً پر کنند و از ۳۰ نفر نامزد مورد نیاز، حداقل ۲۰ نفر را نوشته بودند و این با توجه به انتخابات مجلس پنجم که قریب به ۱۲ نفر بوده، رکورد بالایی است».

موسوی لاری با اشاره به حذف حق رأی ۱۵ ساله‌ها در طلاعیه قانون انتخابات در مجلس پنجم افزود: «بدون شک اگر شرط رأی دادن، مثل گذشته همان ۱۵ سال بود، ما قطعاً بیش از ۲۹ میلیون شرکت‌کننده داشتیم».

با این حال، وزیر کشور با افتخار تأکید کرد: «گرچه ۲۷ میلیون نفری که در انتخابات مجلس ششم در سراسر کشور شرکت کردند، ناشی از حضور حماسی مردم و باعث سربلندی کشور است».

در بخش دیگری از سخنان خود، موسوی لاری به ذکر واقعه‌ای از مرحله اول بازشماری آرای انتخابات تهران اشاره کرد:

«هیأت مرکزی نظارت در تاریخ هفدهم اسفندماه سال ۱۳۷۸ با صدور اطلاعیه‌ای بازشماری را متوقف کرد. روش کار هم این طوری بود که وقتی شورای نگهبان تقاضای بازشماری صندوقها را کرد ما استقبال کردیم، روز هفدهم اسفندماه بود حدود ساعت یک و نیم بعدازظهر، حضرت آیت الله جنتی دبیر محترم شورای نگهبان به بنده تلفن زدند و گفتند که [ما امروز بررسی کردیم از مجموعه کارهایی که هیأت بازشماری صندوقها انجام داده‌اند، به نظر ما روند انتخابات همان بوده که اعلام شده و مشکلی در انتخابات وجود ندارد. اگر شما موافق باشید ما بازشماری را متوقف کنیم]. این را هم که مطرح کردم به دلیل این که خود آنها گفته بودند می‌خواهیم (۱۰۰۰) صندوق را بازشماری کنیم، (۵۲۷) صندوق شمارش شده بود، هیأت مرکزی نظارت و شخص آیت الله جنتی جمع‌بندی‌شان این بود که همین (۵۲۷) صندوق که شمارش کردند، نشان می‌دهد که انتخابات از صحت و سلامت برخوردار است و نیازی به بازشماری بیشتر نیست.

بنده خدمت آقای جنتی عرض کردم که ما در دروس حوزه‌ایمان، وقتی که می‌خواستیم از «مدعی» تعریف کنیم و بگوییم که مدعی کیست، به ما می‌گفتند «مدعی، کسی است که اگر دست از ادعا برداشت، دعوا تمام می‌شود». ما مدعی نبودیم، ما همیشه مدعی صحت و سلامت انتخابات بودیم، شما مدعی بودید که مشکلاتی هست. اگر با بازشماری آن (۵۲۷) صندوق به این نتیجه رسیدید که انتخابات مشکل ندارد، خوب، اعلام بکنید مشکل ندارد، دعوا تمام می‌شود. ما مدعی نیستیم. حدود ساعت ۳ بعدازظهر از سایتهای مختلف بازشماری به ما اطلاع دادند که ناظرین شورای نگهبان، کار بازشماری را متوقف کرده‌اند و اعلام کرده‌اند که انتخابات تمام شده و صحت انتخابات اعلام می‌شود که بعدازظهر همان روز هم

هیأت مرکزی (نظارت) اعلام کرد و فردا هم هیأت اجرایی و هیأت نظارت تهران صحت انتخابات را اعلام کردند».

وزیر کشور در پایان سخنانش در «حد یک گلایه» به نقد دادگاه پرداخت: «در حد یک گلایه عرض می‌کنم، در دادگاهی که تشکیل شد و رئیس ستاد انتخابات را به محاکمه کشیدند، آنجا تقاضا شد که آقا! هیأت نظارت و مسؤولین مراحل مختلف بازشماری صندوقها را به عنوان شاهد، به عنوان مطلع دعوت کنید، اینها بیایند، بگویند که مردم مسلمان ایران با اراده خود، با آزادی کامل و با دقت نظر حماسه آفریدند، انتخابات اشکالی نداشت، حالا اگر آقایان اشکال را در جای دیگری می‌بینند، آن اشکال را به شکل دیگری مرتفع کنند، نیایند انتخابات را این‌طور زیر سؤال ببرند».

حجت‌الاسلام موسوی لاری در پایان، از مجلس خواست همان‌طور که مجمع تشخیص مصلحت و مجلس پنجم، قدمهایی را در جهت اصلاح قانون انتخابات برداشتند، قانون انتخابات که «در حقیقت، مبنای کار نظارت و اجرا است، به وجهی نگاشته شود که هیچ مشکلی پیش نیاید و خدشه‌ای به انتخابات وارد نشود».

تاج‌زاده: «تبرئه می‌شوم»

در پایان جلسه علنی مجلس که وزیر کشور، سخنانی در دفاع از رئیس ستاد انتخابات کشور در آن ایراد کرد، سیدمصطفی تاج‌زاده در میان خبرنگاران پارلمانی پیش‌بینی کرد که «قطعاً تبرئه خواهم شد».

اما کمتر از ۵ روز بعد، با صدور حکم محکومیت وی، پیش‌بینی او نادرست از آب درآمد. تاج‌زاده در جمع خبرنگاران پارلمانی یادآور شد: «عملکرد قوه قضائیه به ویژه دادگستری استان تهران، باید به گونه‌ای باشد که مردم احساس نکنند احکام صادره، ارتباطی با دفاعیات ارائه شده را ندارد».

تاج‌زاده این گفته را در پاسخ به شایعاتی، مبنی بر تعیین حکم وی قبل از برگزاری دادگاه اظهار کرد و افزود: «اگر چیزی به دروغ (به عنوان حکم) به دادگاه نسبت داده شود، روابط عمومی دادگستری باید سریعاً آن را تکذیب کرده و کسانی را

که نشر اکاذیب می‌کنند، تحت تعقیب قرار دهد». او به یادها آورد که پس از اولین جلسه برگزاری دادگاه، چند نشریه متسوب به جناح راست پیشاپیش حکم وی را اعلام کردند. تاج‌زاده در ادامه گفت: «اگر کسانی که نشر اکاذیب می‌کنند، یکی دو بار تحت تعقیب قرار بگیرند، قطعاً فضا آرام می‌شود و کسی بدون دلیل حرفی نمی‌زند».

بعد از رد و بدل شدن یکی دو سؤال دیگر، وقتی خبرنگار صدا و سیما، میکروفن خود را پیش کشید تا سؤالی طرح کند، تاج‌زاده از پاسخگویی طفره رفت و گفت: «یک سال و نیم است صدا و سیما مرا تحریم کرده است. شما اگر مشتاق هستید حرفهای مرا بشنوید، فقط یک برنامه زنده ترتیب دهید که بشود مستقیماً حرف زد. بعد بهترین خبرنگاران را انتخاب کنید تا آن وقت سؤال کنند. قطعاً من در آن صورت، پاسخ همه سؤالات شما را خواهم داد».

با این حال، اولین سؤال این گفت‌وگو را خبرنگار واحد مرکزی خبر (وابسته به صدا و سیما) پرسیده بود: «آیا چنانچه به هر علتی، شما از وزارت کشور خارج شوید، حقیقت دارد که آقای آرمین به جای شما خواهد آمد؟» تاج‌زاده پاسخ داد: «مگر قرار است من از وزارت کشور بروم؟ اگر هم بروم بعد از ۱۲۰ سال، خواهم رفت!»

خبرنگار دوباره با سماجت پرسید: «بعد از ۱۲۰ سال چطور؟» و تاج‌زاده با سماجتی بیشتر گفت: «بعد از همان ۱۲۰ سال پاسخ سؤالت را خواهم داد!»

واکنش شورای نگهبان به وزیر کشور

بعد از سخنرانی حجت‌الاسلام موسوی لاری در مجلس، که به درخواست نمایندگان صورت پذیرفت، شورای نگهبان طی نامه‌ای به مجلس، توضیحاتی در رد سخنان وزیر کشور ارائه کرد.

حجت‌الاسلام کروبی رئیس مجلس، در توضیح چگونگی ماجرا به نمایندگان گفت بعد از سخنرانی موسوی لاری، دبیر شورای نگهبان با وی تماس گرفته و گفته است «ما می‌خواهیم در جامعه سر و صدا نشود و به توصیه مقام معظم رهبری عمل

کنیم. به همین خاطر نامه‌ای نوشتیم و توضیحاتی درباره سخنان وزیر کشور داده‌ایم تا در مجلس خوانده شود».

کروبی خواندن این نامه را به نفع مجلس و دور از اشکال دانست و با این حال در مقابل تذکرات نمایندگان مخالف قرائت نامه شورای نگهبان، خطاب به نمایندگان گفت «اگر تخلفی بوده عذر می‌خواهم. گرچه معتمد افرادی که در جریان انتخابات، آرای مردم را باطل کردند و زمینه را به گونه‌ای فراهم ساختند که نام سه نفر (حضرتی، رجایی و منتجب‌نیا) از لیست سی نفره اولی حذف شود، مسؤولند و باید بیایند و درباره این کار خود توضیح دهند و ما استقبال می‌کنیم».

رئیس مجلس در لابلای سخنان خود که روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه ایراد می‌شد، با کنایه به الیاس حضرتی که اینک، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است گفت: «البته آقای حضرتی با زرنگی این که به ترکها گفت ترکم و به شمالیها گفت شمالی هستم و به ورزشکاران گفت ورزشکارم، توانست خود را نفر بیست و نهم بکند. اما حق افرادی چون علیرضا رجایی مظلوم و منتجب‌نیا ضایع شد».

نامه شورای نگهبان که باعث این تذکرات نمایندگان و توضیحات رئیس مجلس شد، در جلسه روز سه‌شنبه ۱۶ اسفندماه از تریبون مجلس قرائت شد. آن روز مهدی کروبی به هنگام خروج از جلسه علنی، به نایب رئیس مجلس، بهزاد نبوی، سپرد تا نامه مذکور و نامه دیگری متعلق به دادگاه انقلاب اسلامی درباره اظهارات یک نماینده مجلس را قرائت کنند.

بهزاد نبوی نیز به هنگام قرائت نامه‌ها از تریبون مجلس، با آن که مخالفت و تذکرات نمایندگان را وارد تشخیص داد، اما دستور رئیس را اجابت کرد و کار قرائت نامه‌ها ادامه یافت.

شورای نگهبان در نامه‌اش به مجلس، ضمن شرح گذرای از روند انتخابات، وزیر کشور را هدف چند انتقاد قرار داده بود، از جمله این که «چرا وزیر کشور با وجود تفویض اختیارات خود به رئیس ستاد انتخابات کشور، اینک از محاکمه او برآشفته است؟»



نکته مهم اطلاعیه شورای نگهبان، در چهارمین بند آن نهفته بود. آنجا که از نظر

شورای نگهبان مبنی بر «ابطال حوزه انتخاباتی تهران» خبر می‌داد. در حقیقت این اولین اظهار نظر رسمی این شورا در خصوص «ابطال حوزه» به شمار می‌رود:

«۴. پس از محرز بودن تخلفات در حوزه انتخاباتی تهران و با توجه به اهمیت بازگشایی مجلس ششم، این شورا علی‌رغم نظر بر ابطال حوزه انتخاباتی مذکور، تصمیم خود را منوط به فرمان مقام معظم رهبری گذاشت».

این اطلاعیه سپس با اشاره به دستور مقام رهبری در ۲۹ اردیبهشت ۷۹ که «تکلیف انتخابات تهران را روشن» ساخت، افزود: «شورای نگهبان فقط بر این اساس، ضمن ابطال ۵۳۴ صندوق حوزه انتخاباتی تهران، نظر خود را نسبت به انتخابات این حوزه اعلام نمود».

شورای نگهبان سپس با اشاره‌های متعدد، مقامات اجرایی انتخابات را به «کارشکنی» متهم و مسؤولان را به تسلیم و فروتنی در مقابل قانون و دستگاه قضایی توصیه کرد.

پاسخ وزارت کشور به شورای نگهبان

بلافاصله پس از قرائت نامه دبیر شورای نگهبان از تریبون مجلس، وزارت کشور در بیانیه‌ای ضمن توضیحاتی در خصوص مدعیات مطرح شده در نامه شورای نگهبان، مطالبی در پاسخ به آن نامه نگاشت. این بیانیه روز ۱۴ اسفند ۷۹ و هم‌زمان با صدور حکم محکومیت آقایان تاج‌زاده و آزر می منتشر شد. اما در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفت.

گواهی هیأت اجرایی انتخابات

اعضای هیأت اجرایی انتخابات مجلس ششم در تهران، با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله هاشمی شاهرودی، واگذاری هرگونه مسؤولیتهای قانونی خود به فرماندار تهران را تکذیب نموده و از صحت انجام وظایف محوله قانونی خویش دفاع کردند.

متن این نامه که امضای افرادی همچون خانم «زهرا شجاعی» و آقایان «کاظم موسوی بجنوردی»، «نصرت‌الله جواهری‌پور»، «افتخار جهرمی»، «رحمت‌الله

خسروی»، «مرتضی لطفی»، «عبادی»، «موسوی»، «فاضلی» و «ازهری» ذیل آن به چشم می خورد، به شرح زیر است:
[حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی
ریاست معظم قوه قضائیه

احتراماً با توجه به مسؤولیتی که از نظر عضویت در هیأت اجرایی انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی تهران بر عهده داشتیم مطالب منعکسه در رسانه های گروهی در خصوص جلسات دادرسی مسؤول ستاد انتخابات کشور و فرماندار تهران را مورد پیگیری قرار می دهیم.

همان طوری که در طول مدت انجام وظیفه وفق مفاد قانون انتخابات و اصلاحیه های آن به صورت جمعی وظایف محوله قانونی را در حد توان و مقدرات انجام داده و متعهدانه با مسائل برخورد نموده ایم، اینک نیز سکوت را جایز ندانسته و ناگزیر به بیان این حقیقت می باشیم که نه تنها مسؤولیت خود را در طول انجام وظیفه به فرماندار محترم تهران آقای آزرمی واگذار ننموده بلکه خود را مأذون به چنین امری نیز نمی دانستیم لذا هرگونه نقل قول از ناحیه اعضای هیأت اجرایی انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی مغایر موارد مذکور را قویاً تکذیب نموده و مدافع صحت انجام وظایف محوله قانونی می باشیم. امیدواریم تا در محکمه عدل الهی سرافراز بوده و این خدمات مورد رضایت خداوند تعالی قرار گیرد.]

اعضای هیأت اجرایی انتخابات ششمین

دوره مجلس شورای اسلامی تهران

یک حضاریه مبهم

معنای حضاریه سیدمصطفی تاج زاده، برای روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۷۹ نه برای او و نه برای وکیل مدافعش دکتر حسین آبادی روشن و واضح نبود. زیرا بلافاصله بعد از ارائه آخرین مدافعات صادر شده بود.

با این حال آنها ساعت ۹ صبح وارد مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت شدند و

بکراست به شعبه ۱۴۰۳ رفتند. اما هنوز قاضی دقیقی نیامده بود. از آن ساعت تا ساعت ۱۱، دو ساعت طول کشید تا بالاخره قاضی وارد شد. طول این دو ساعت، سیدمصطفی تاجزاده در جمع خبرنگاران منتظر به صورت «ایستاده» به گفت‌وگوهای خودمانی گذشت. تاجزاده از هر دری سخن گفت و گپ دوستانه‌اش با خبرنگاران، گاهی در میان مسائل مهمی همچون اصلاحات و ضروریات آن گذشت و گاهی با مطایبات معمولی که همواره در لحن و سخن او بروز دارد.

از نگاه تاجزاده پرونده محاکمه او «در قبال پروسه اصلاحات امر ناچیزی است. بلکه حرکت‌های بزرگ مثل مشارکت جدی مردم و پایمردی آنان در ایجاد دوم خرداد، فرازهای بالاتری است که نگاه به آنها می‌تواند تعریف از اصلاحات را جامع کند». او همچنان بر صحت انتخابات تهران ابرام داشت: «باور کنید نسبت به این امر ذره‌ای شک و تردید ندارم. انتخابات مجلس ششم یک افتخار بزرگ است که متعلق به مردم و شهروندان ایران است». و سهم خود را از این افتخار، حلاوت حضور مردمی دانست که با همه مشکلات، هنوز با دولت منتخب خود پایمردانه همراهی می‌کنند.

کسی از خبرنگاران به تاجزاده پیشنهاد داد چنانچه به هر دلیلی امکان ادامه خدمات دولتی و ریاست ستاد انتخابات کشور را از دست داد، مانند ۴ سال پیش در ستاد مردمی «به آفرین» حضور یابد. جایی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ و با انتخاب آقای سیدمحمد خاتمی، به عنوان ستاد مردمی انتخاباتی وی شهرت یافت و به سبیل مشارکت همه‌جانبه مردم تبدیل شد.



در حالی که آخرین دفاعیه مکتوب سیدمصطفی تاجزاده روز چهارشنبه و پنجشنبه ۱۰ و ۱۱ اسفندماه توسط وی و وکیل مدافعش دکتر حسین آبادی به دادگاه تسلیم شد، در ساعت ۱۵ روز پنجشنبه ۱۱ اسفندماه، احضاریه‌ای به دست تاجزاده رسید که از وی برای شرکت در دادگاه پیرامون لایحه دفاعیه‌اش برای روز یکشنبه بعد ۱۴ اسفندماه دعوت شده بود.

دکتر حسین آبادی وکیل تاجزاده گفت: «هر چیزی امکان پذیر است. ما نمی توانیم حدس بزنیم دادگاه برای چه حضاریه را فرستاده، شاید ایرادی در لایحه هست، شاید می خواهند حکمی صادر کنند و شاید های دیگر».

او تعجب خود را از این قضیه ابراز کرد که چهارشنبه لایحه دفاعیه را تقدیم دادگاه کرده و این حضاریه، روز پنجشنبه به آنها ابلاغ شده است: «چون نمی توان پیش بینی کرد که موضوع چیست باید صبر کرد تا ببینیم منظور قاضی از این حضاریه چه بوده است؟»

از نگاه دیگران نیز احتمال هر اتفاقی می رفت. مانند جلسه دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۷۹ که مقرر بود آخرین دفاعیه آقای تاجزاده در آن ایراد شود، اما با طرح ۳ اتهام تازه از سوی نماینده مدعی العموم جلسات دادگاه تمدید شدند. با این همه کمتر کسی انتظار داشت که قاضی پرونده توانسته باشد پس از مطالعه آخرین لایحه دفاعیه آقای تاجزاده و آزمی، حکم خود را در شصت و چند صفحه برای یکشنبه بعد آماده و به تاجزاده و آزمی و وکلایشان ابلاغ نماید. اما این اتفاق افتاد.

بالاخره، حکم صادر شد

روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه، قاضی دقیقی ۲ ساعت دیرتر از احضارشدگان، یعنی ساعت ۱۱ ظهر وارد دادگاه شد و سپس طی یک جلسه سه ساعته، حکم ۶۴ صفحه ای صادره توسط او، به وسیله منشی دادگاه قرائت گردید.

در حکم صادره که علاوه بر تاجزاده و آزمی، در خصوص ۴۲ نفر دیگر از اعضای صندوقهای اخذ رأی شهر تهران نیز انشاء شده بود، اشاره های متعددی به مفاد گزارش سازمان بازرسی کل کشور درباره تخلفات انتخاباتی در حوزه تهران بزرگ شده بود. حال آن که متن کامل آن گزارش، هرگز در اختیار افکار عمومی قرار نگرفت.



در حکم صادره توسط قاضی محمدرضا دقیقی چنین آمده:

«تاجزاده متهم است به:

۱. مداخله غیرقانونی در انتخابات حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر.

۲. ممانعت از اقدامات سازمان بازرسی کل کشور، در رسیدگی و شناسایی عاملین جرم در صندوقهای مبطل.

۳. سوء استفاده از موقعیت شغلی و ممانعت از اجرای قانون انتخابات و معاونت در مخدوش شدن آرای صندوقهای دارای ایراد ماهوی.

همچنین در این حکم در مورد آیت الله آزر می نیز آمده بود:
آزر می فرماندار تهران متهم است به:

۱. اخلال در امر انتخابات حوزه انتخابیه تهران، ری، اسلامشهر.

۲. معاونت در مخدوش شدن صندوقهای دارای ایرادات ماهوی.

۳. تخلف از ماده ۲۴ قانون انتخابات کشور.

۴. تهیه نامه ای مجعول جهت مکتوم داشتن حقیقت.

۵. ممانعت از اقدامات سازمان بازرسی کل کشور.

۶. سوء استفاده از موقعیت شغلی و ممانعت از نظارت شورای نگهبان توسط هیأت منتخب بازشماری.

با توجه به ادله و مستندات مطروحه، اتهام متهمان محرز است و مستنداً به مواد ۶۶ بندهای ۸، ۱۷، ۱۸، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹ قانون انتخابات و مواد ۵۳۴ و ۵۵۵ و ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی و با رعایت مواد ۴۳ و ۴۶ و ۴۷ و ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی، متهم سیدمصطفی تاجزاده را در مورد اتهام اول، به یک سال حبس و ۶ ماه انفصال از عضویت در هیأت های اجرایی و نظارت و شعب اخذ رأی و در خصوص اتهام دوم، به ۹ ماه انفصال از خدمات دولتی و در مورد اتهام سوم، به سی ماه انفصال از خدمات دولتی، محکوم می کنم.

«... متهم آیت الله آزر می، فرماندار تهران در مورد اتهام اول، پنج سال محرومیت از عضویت در هیأت های اجرایی و شعب اخذ رأی و ۶ ماه انفصال از خدمات دولتی و ۶ ماه حبس و در خصوص اتهام دوم، به پنج ماه انفصال از خدمات دولتی و در رابطه با اتهام سوم به یک سال حبس و در مورد اتهام چهارم و پنجم، به ترتیب، به ده ماه انفصال و ۲ سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می نمایم».

... در خصوص اتهام تاج‌زاده و آزرمی در مورد معاونت در مخدوش کردن صندوقهای رأی تهران، از لحاظ ایراد شکلی، با توجه به دفاعیات مطروحه و نقص دلیل کافی بر وقوع جرم، حکم برائت صادر می‌شود و در خصوص اتهام موسوی لاری وزیر کشور، دایر بر ممانعت و جلوگیری از اقدامات هیأت بازرسی سازمان بازرسی کل کشور، در خصوص شناسایی عاملان صندوقهای مخدوش و همچنین ممانعت و جلوگیری از وظیفه هیأت بازشماری آرای منتخب شورای نگهبان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، به لحاظ این‌که مشارالیه روحانی است، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه ویژه روحانیت صادر و اعلام می‌شود».

قاضی محمدرضا دقیقی، رئیس شعبه ۱۴۰۳، حکم برائت سیدمصطفی تاج‌زاده را از اتهام معدوم نمودن صندوق اخذ رأی شماره ۱۹۴۱ را با توجه به ادله ارائه شده و نبود دلیل بر وقوع بزه و با رعایت اصل ۳۷ قانون اساسی صادر کرد.

در پایان حکم ۶۴ صفحه‌ای قاضی دقیقی، رأی صادره را ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، بر اساس موازین قانون، قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان تهران اعلام کرد.

درباره سرعت کم نظیر دادرسی

جریان محاکمه سیدمصطفی تاج‌زاده و صدور حکم محکومیت او، یکی از سریع‌ترین رسیدگیهای قضایی سالهای گذشته بود. در حالی که حجم پرونده، دلایل وی، اسناد، جدولها و مستندات آن، در حدی بود که به صدها صفحه می‌رسید و به لحاظ اهمیت، پرونده مربوط به برگزاری انتخاباتی بود که در حوزه تهران بزرگ، بحث بر سر ابطال ۷۲۶ هزار رأی و ۵۳۴ صندوق اخذ رأی بود. با این‌همه با احتساب جلسات دادگاه و تعجیلی که در برگزاری نوبتهای صبح و عصر در فاصله‌های کم به چشم می‌خورد، به نظر می‌رسد محاکمه تاج‌زاده، اگر نگوئیم سریع‌ترین، «یکی از سریع‌ترین» محاکمات سالهای گذشته بود. آقای شریفی نماینده مدعی‌العموم و معاون دادگستری تهران، ساعتی بعد از ابلاغ حکم محکومیت آقایان تاج‌زاده و آزرمی، در مصاحبه‌ای با واحد مرکزی خبر توضیحاتی

در این خصوص داد که بسیار روشنگر این تعجیل بی سابقه دادگاه است. سرعت به گونه‌ای بود که وقتی حکم دادگاه توسط منشی قرائت می‌شد، یکی از دوستان سیدمصطفی تاج‌زاده یادداشتی به وی داد که در آن نوشته بود: «رادیو در بخش خبری خود، حکم محکومیت شما را خواند!» بدین ترتیب تاج‌زاده جزو معدود متهمانی قرار گرفت که پیش از پایان مقدمه ۶۰ صفحه‌ای حکم خود، از محتوای صفحات آخر آن دادنامه ۶۴ صفحه‌ای مطلع شده و پیشاپیش دانست که به چه سرانجامی محکوم شده است. عبدالله شریفی نماینده مدعی العموم، که شاکی آقایان تاج‌زاده و آزرمی محسوب می‌شد، نیز بود، در توضیحات خود به واحد مرکزی خبر، در خصوص چگونگی تهیه دادنامه ۶۴ صفحه‌ای در زمان محدود، گفت: «تایپ دادنامه با استفاده از رایانه صورت می‌گیرد و زمان زیادی برای اصلاح نیاز ندارد».

او اضافه کرد: «دادگاه از زمانی که رسیدگی تمام شده، نزدیک به ده روز وقت داشته تا حکم را صادر کند و مفهوم آخرین دفاع این نیست که دادگاه در گذشته دفاعیات متهمین را نشنیده فرض کند. بلکه بدین معنا است که اگر متهم مطلب ناگفته‌ای در اثبات برائت خود دارد، بیان کند و اساساً، محکومیت متهم فقط به استناد آخرین دفاع نیست و دفاع متهم نیز فقط، مبتنی بر لایحه آخرین دفاع نمی‌باشد. وکلا و متهمین، لایحه آخرین دفاع را سه روز قبل از صدور حکم به دادگاه تحویل دادند و در رأی دادگاه به مطالبی که وکلا و متهمین در لوایح ارائه کرده‌اند اشاره شده، پس حکم دادگاه پس از مطالعه آخرین دفاع، صادر شده است. تایپ دادنامه نیز با استفاده از رایانه صورت می‌گیرد و زمان زیادی برای اصلاح نیاز ندارد». ظاهراً برای اولین بار بود که به جای قاضی، صدا و سیما برای توجیه حکم با شاکی مصاحبه کرد!



قابل تأمل این که، تهیه حکم دادگاه که روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه قرائت و ابلاغ شد، نسبت به آخرین جلسه دادرسی که شنبه ۶ اسفندماه بود تنها ۸ روز فاصله داشت. و جالب تر این که متن آخرین دفاعیه فرماندار تهران روز پنجشنبه ۱۱ اسفند ساعت ۱۲ به دادگاه تقدیم شد. اما ساعت ۱۴/۳۰ همان روز، حضاریه‌ای برای صدور حکم برای تاج‌زاده و آزرمی ارسال شد. یعنی کمتر از سه ساعت پس از دریافت لایحه آخرین دفاعیه آیت‌الله آزرمی، رأی ۶۴ صفحه‌ای دادگاه نوشته شد و

بر اساس آن احضاریه‌ها ارسال گردید. نکته جالب توجه دیگر آن‌که بر اساس اظهارات وکیل تاج‌زاده، قاضی دقیقی روز پنجشنبه از قبول سایر اسناد و مدارک آنها خودداری کرد. همین است که به نظر می‌رسد این محاکمه، از سریع‌ترین محاکمات سالهای اخیر محسوب می‌شود.^۱

«در دادگاه ملت، تبرئه شدم»

پس از پایان جلسه ابلاغ حکم، سیدمصطفی تاج‌زاده در جمع خبرنگاران گفت: «در دادگاه ملت تبرئه شده‌ام». معاون سیاسی وزیر کشور با بیان این‌که هرگز مخدوش بودن انتخابات ششمین دوره مجلس را نپذیرفتم، گفت: «ابتدا تصمیم داشتم از انتخابات تحت هر شرایطی دفاع کنم، چون انتخابات سالم و باشکوه برگزار شد و به هیچ‌وجه مخدوش بودن آن را نپذیرفتم و تا صرفاً خودم را تبرئه کنم».

تاج‌زاده اضافه کرد: «بسیار خوشوقتم که در دادگاه ملت تبرئه شدم، سال گذشته پس از برگزاری انتخابات، تمام تلاشم این بود که برای جلوگیری از ابطال غیرقانونی انتخابات به عنوان یک فتنه جلوگیری کنم. اکنون نیز عمده تلاش من برای انتخابات، صحت برگزاری آن بود و نپذیرفتم که انتخابات تهران مخدوش بوده است، چرا که این امر می‌توانست مقدمه فتنه دیگری باشد».

معاون سیاسی وزیر کشور در ادامه گفت: «مطالبی را که در دادگاه و در رأی صادره قرائت شد، نقد خواهم کرد و به همراه دفاعیاتم در اختیار افکار عمومی قرار خواهم داد تا مردم شریف، آگاهی بسیار خوبی از مسائل مطرح شده در دادگاه داشته باشند». او اضافه کرد: «عده‌ای از رأی مردم، عصبانی شده‌اند، این مشکل من نیست». تاج‌زاده در پایان، با صراحت بیشتری نتیجه‌گیری کرد: «مردم با شور بیشتری در انتخابات آینده شرکت خواهند کرد و در ۱۸ خردادماه، نشان خواهند داد کدام فکر و برنامه را پذیرفته‌اند».



همان روز، روزنامه جام جم از سوی قاضی نظری مفرد، که به پرونده حوادث

۱. و بنا به اظهار آقای تاج‌زاده: «همه چیز آن، زیبا بود». /ن.

خرم آباد رسیدگی می کند نوشت: «پرونده خرم آباد، تنها برای سیدمصطفی تاجزاده و ۶ تن از مسؤولان دیگر مفتوح است».

شوک عمومی، حتی منتقدان!

شوک عمومی ناشی از حکم محکومیت سیدمصطفی تاجزاده، حتی عضو جناح اقلیت مجلس، یعنی سیدمحمد میرمحمدی نماینده مردم قم را نیز به واکنش واداشت.

روز دوشنبه ۱۵ اسفند، میرمحمدی گفت: حکم صادره برای تاجزاده، حکم سنگینی است و من فکر می کنم این رأی باید در دادگاه تجدید نظر، تعدیل شود. بحث ما جناحی نیست و انتخابات مربوط به همه جناحها است. میرمحمدی افزود: «حکم صادرشده بیشتر از آنچه بوده صادر شده و به نظر من، این رأی دادگاه تعجب آور است».

پیش از آن نیز شخصیت‌های دیگری که به جناح راست و منتقدان دولت منتسب هستند، به رغم مخالفت و انتقاد نسبت به مواضع سیاسی تاجزاده، نظرات قابل توجهی پیرامون عملکرد او ابراز داشته بودند.

از جمله آنها حجت الاسلام سیدطه هاشمی، مدیر مسؤول روزنامه انتخاب بود که بسیاری از آگاهان سیاسی معتقدند، حضور مجدد او در مجلس ششم می توانست فراکسیون اقلیت مجلس را از سواد و بینش او بهره مند کند. طه هاشمی نماینده دوره پنجم مجلس در گفت و گویی اختصاصی با روزنامه دوران امروز مورخه ۱۰ بهمن ماه ۷۹ (که مشروح آن بعداً به چاپ رسید) درباره تاجزاده گفت: «از سال ۱۳۵۸ در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی آقای تاجزاده را می شناسم... او نماینده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در آن شورا بود... ایشان فرد معتقد و موفقی در تمام کارها بوده اند. مسائل سیاسی را خوب می فهمند و از هوش سیاسی خوبی برخوردار هستند». طه هاشمی پرسید: «انتقاد من این بود که چرا "الآن" باید آقای تاجزاده را به دادگاه ببرند؟ مگر در دوره های قبلی رئیس ستاد انتخابات کشور فرد بی خط و جناحی بوده است؟»

به اعتقاد او دود این حرکات تند حذف جناحها توسط همدیگر، به چشم نظام و مردم می‌رود و فقط اعتماد مردم را کم می‌کند: «مردم هم تصور می‌کنند پس در همه چیز دولت، تقلب و تخلف وجود دارد و همه چیز دروغ است».



حکم محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور و با واکنشهای فراوانی مواجه شد. شخصیت‌های سیاسی نسبت به صدور این حکم ابراز نظر کرده و غالباً تأسف خود را بیان نمودند. در اولین واکنشها، وزارت کشور در اطلاعیه کوتاهی ضمن ابراز تأسف از محکومیت مسؤولان اجرایی انتخابات، «به مردم شریف و آگاه ایران سلامی» اطمینان داد که «برای تکریم و تمکین به رأی و انتخاب آنان و در اثبات امانتداری مجریان انتخابات، دفاع از صحت انتخابات سالم و پرشکوه مردم را وظیفه خود می‌داند و ذره‌ای از آن عدول نخواهد کرد».

بیانیه دادگستری تهران

صدور اطلاعیه وزارت کشور، بلافاصله با واکنش تند دادگستری کل استان تهران مواجه شد که در بیانیه‌ای صدور حکم دادگاه سیدمصطفی تاجزاده را «باعث خوشحالی مردم» توصیف نمود.

در این بیانیه با اشاره به این که تعقیب و محاکمه متهمان پرونده تخلفات انتخاباتی حوزه تهران بزرگ، طبق تکلیف قانونی دادگستری براساس موادی از قانون اساسی و قوانین کیفری صورت گرفته به وزیر کشور توصیه شده بود «اصول قانون اساسی و دیگر قوانین موضوعه را، به دقت مطالعه کرده و از دخالت غیرقانونی و اظهار نظر در کار قاضی خودداری نمایند».

در ادامه این بیانیه آمده بود: «این که دادگاهی براساس وظیفه قانونی، اقدام به رسیدگی به تخلفات و جرایم عاملان مخدوش شدن آرای مردم نموده است و تصمیم قانونی خود را مستدل و مستند به قانون اتخاذ کرده است، نه تنها جای تأسف ندارد، بلکه موجبات خوشحالی ملت شریف ایران بویژه شهروندان تهرانی را فراهم ساخته است».

نوک تیز بیانیۀ دادگستری کل تهران، در فراز پایانی آن بالحن مستقیم‌تری متوجه حجت‌الاسلام موسوی لاری شده بود: «وزیر محترم کشور نیز در این پرونده، خود در مظان اتهام است». دادگستری تهران در این بیانیه، از ارجاع پروندۀ وزیر کشور به دادسرای ویژه روحانیت خبر داد و اطلاعیه وزارت کشور را «حمل بر دفاع پیشاپیش وزیر محترم کشور از اتهامی دانست که در مرجع صالحه رسیدگی خواهد شد».

در کمیسیون اصل ۹۰ چه گذشت؟

بعد از ظهر روزی که تاج‌زاده حکم محکومیت خود را دریافت کرد، بلافاصله عازم مجلس شورای اسلامی شد تا در جلسۀ رسیدگی به شکایتش در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، حضور یابد. روز یکشنبه ۱۴ اسفندماه، کمیسیون اصل ۹۰ برای رسیدگی به شکایت تاج‌زاده از سازمان بازرسی کل کشور و صدا و سیما تشکیل جلسه داد. تاج‌زاده به دلیل انتشار گزارش سازمان بازرسی کل کشور از طریق صدا و سیما، آن هم پیش از ارسال آن به محکمه، از این دو سازمان به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شکایت کرده بود. محمد دادفر مخبر کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در توضیح مآوقع جلسۀ مذکور به خبرنگار ایرنا گفت: «در این جلسۀ تاج‌زاده از وزارت کشور، خبره از سازمان بازرسی کل کشور و گردان از صدا و سیما حضور داشتند. تاج‌زاده در این جلسۀ گفت که بسیار علاقه‌مند بود تا این مسأله را در محاکم دادگستری پیگیری کند، اما چون شکایات متعددی طی دو سال اخیر در دادگستری مطرح کرده که تاکنون رسیدگی نشده، تصمیم گرفته است که به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شکایت کند». تاج‌زاده به «طبقه‌بندی و محرمانه بودن» گزارشهای سازمان بازرسی کل کشور اشاره کرد و خاطرنشان ساخت که این گزارش باید صرفاً جهت اطلاع مسئولان ارسال می‌شد. وقتی این نکته را سؤال کردم، رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: خواندن گزارش سازمان بازرسی درباره حوادث خرم‌آباد در صدا و سیما به دستور رئیس قوه قضائیه بوده است.

سؤال تاج‌زاده این بود که آیا در صورت دستور آقای شاهرودی، سازمان

بازرسی می‌توانست دست به چنین کاری بزند یا نه؟ طبق قانون، کشف سوء جریان در امور دستگاهها و نهادهای کشور از وظایف سازمان بازرسی است. ولی در این مورد خاص، به اقرار مسؤولان سازمان، گزارش سازمان بازرسی متضمن تخلف یا تخلفاتی که متوجه افراد یا نهادهایی باشد، نیست. و به گفته تاجزاده: این در حالی است که در دادگاه وی، مسأله «سوء جریان» مطرح شده و به عنوان اتهام او مورد رسیدگی قرار گرفته است. کردان، معاون صدا و سیما با اعلام این که از قبل در جریان موضوع شکایت قرار نگرفته است، گفت که آماده پاسخگویی نیست و لذا از بیان هرگونه مطلبی خودداری ورزید و آن را منوط به اطلاع کامل از متن شکایت و تنظیم پاسخ در صدا و سیما کرد.

کردان در عین حال گفته است که صدا و سیما این گزارش را براساس «جریان آزاد اطلاع‌رسانی» منتشر کرده است.

«خبره» نماینده سازمان بازرسی کل کشور نیز در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ اظهار داشت: این سازمان بر اساس فرمایشات رهبری، مبنی بر شناسایی عاملان مخدوش شدن آرای تهران، این گزارش را تنظیم کرد، ولی بعد از تنظیم گزارش، از سوی رسانه‌ها و به ویژه صدا و سیما تحت فشار قرار گرفت که اطلاعاتی در اختیارشان قرار دهد. سازمان بازرسی کل کشور نیز، دستور انتشار گزارش را از رئیس قوه قضائیه دریافت کرد. آقای خبره گفت، وقتی از آقای شاهرودی استفسار شد، ایشان جواب داد که انتشار گزارش توسط بازرسان ممنوع است و نه خود سازمان.

تاجزاده نیز به ما گفت: در دادگاه نشسته بودم تا حکم به من داده شود ولی گفتند: رادیو حکمت را خواند و بعد حکم را به من دادند.

معاون وزیر کشور در جلسه کمیسیون حاضر نشان کرد که تنها به قرائت بخشی از گزارش سازمان بازرسی اکتفا شده و این، تأمین‌کننده نظرات رهبری نیست. تاجزاده گفت: گزارش خرم‌آباد و انتخابات تهران که در صدا و سیما خوانده شد، در موارد متعددی توسط قضات رد شد. در اینجا چه کسی پاسخگو است؟ در این جلسه سؤالاتی از طرفین پرسیده شد، از جمله این که کار سازمان تنظیم گزارش است. آیا به نظر این سازمان انتشار گزارش پیش از رسیدگی محاکم به حیثیت افراد لطمه

نمی‌زند؟ آیا متن اعلام شده توسط صدا و سیما نظر مقام رهبری را تأمین می‌کرد؟ انتشار گزارش به درخواست آقای شاهرودی بوده یا سازمان بازرسی؟ پس از دریافت پاسخهایی سازمان بازرسی و سازمان صدا و سیما در جلسات بعدی، کمیسیون اصل ۹۰ به بررسی شکایت می‌پردازد و نتیجه را اعلام می‌کند.

گمانه‌زنیها درباره تجدید نظرخواهی

تنها دو روز پس از اعلام حکم دادگاه، محسن آرمین نماینده مردم تهران در مجلس و سردبیر عصر ما خبر داد که «تاج‌زاده تقاضای تجدید نظر در حکم دادگاه نخواهد کرد».

آرمین دوشنبه ۱۵ اسفندماه، از تصمیم فعلی تاج‌زاده سخن گفت که قرار ندارد تقاضای تجدید نظر کند. زیرا احساس می‌کند این تقاضا مفید نخواهد بود.

همان روز وزیر کشور، نتیجه رفتارهایی نظیر حکم محکومیت تاج‌زاده را، در مشارکت بیشتر مردم در انتخابات آینده پیش‌بینی کرد. حجت‌الاسلام موسوی لاری همچنان صحبت از جانشین احتمالی تاج‌زاده را متفی دانست و گفت: «فعلاً آقای تاج‌زاده، حضور دارند و حرفی از جانشینی هیچ‌کس نیست. او تا تجدید نظر دادگاه وقت دارد اگر بررسی کارشناسانه‌ای صورت بگیرد، قطعاً تاج‌زاده تبرئه خواهد شد». وزیر کشور درباره پرونده اتهامی خود، که بنا به اعلام دادگستری تهران به مرجع صالح قضایی ارسال شده گفت: «هنوز در این باره به من چیزی ابلاغ نشده است». ابوالقاسم سرحدی‌زاده نماینده تهران و دبیر کل حزب کارگر نیز ضمن تأسف شدید از محکومیت تاج‌زاده، به ایسنا گفت: «باید برای آگاهی مردم، مکاتبات وزارت کشور و شورای نگهبان درباره انتخابات مجلس ششم منتشر شود، زیرا این کار برای انتخابات آینده نیز مفید و مؤثر خواهد بود».



سید محمد رضا خاتمی دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی نیز واکنش تندی نسبت به حکم تاج‌زاده نشان داد. او که قبلاً نیز هشدار داده بود مجلس در برابر محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور سکوت نخواهد کرد، روز هفدهم اسفندماه

گفت: «برای همه کسانی که در جریان مسائل سیاسی هستند، رأی دادگاه تاج‌زاده از قبل مشخص بود».

سید محمد رضا خاتمی در جمع خبرنگاران پارلمانی مطبوعات، این رأی را تعجب‌انگیز ندانست، زیرا: «از قبل به تاج‌زاده پیشنهاد شده بود یا خودت کنار برو، یا تو را کنار خواهیم گذاشت، اما او برای اصولش ایستاد».

به اعتقاد دبیرکل جبهه مشارکت، که تاج‌زاده نیز در عین حال عضو شورای مرکزی آن است، «روند اصلاحات ادامه می‌یابد و قرار نیست با زندان رفتن یک یا چند نفر، متوقف شود. جریان اصلاحات، روی کاکل یک یا چند نفر نمی‌چرخد. تنها نتیجه چنین احکامی، روشنگری هر چه بیشتر مردم است».



محمد رشیدیان عضو شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام، نیز در این مورد به ایسنا گفت: «تاج‌زاده از افراد مخلص و دلسوز جامعه است و علی‌رغم حکمی که برای ایشان صادر شده است، اصلاحات به کار خود ادامه خواهد داد. در گزارش بازرسی کل کشور، مبنی بر اتهامات تاج‌زاده، اصلاً کلمه تخلف نیامده است و با توجه به دفاع تاج‌زاده و جزئیاتی که شرح داد، اگر جایی نابسامانی نیز در گزارش آمده باشد، هیچ تخلفی متوجه تاج‌زاده نیست».



قلی‌زاده، نماینده سابق مجلس نیز در یادداشتی در همبستگی نوشت: «اگر بگوییم در حالی که هر رقیب سرسخت، که پلک به هم زدنی، از پاییدن یکدیگر غفلت نورزیده‌اند، تقلبی توسط رئیس ستاد انتخابات کشور رخ داده، در واقع مهر تأیید بر تقلب دوره‌های گذشته زده‌ایم که همه چیز در انحصار مطلق یک جناح خاص بوده است».

همچنین موسی قربانی نماینده قاننات - از جمله نمایندگان متسبب به جناح مخالف دولت در مجلس که در جریان حضور تاج‌زاده در جمع نمایندگان مجلس، عدم وقوع تخلف از سوی تاج‌زاده را تأیید کرده بود - در گفتگو با خبرنگار همشهری تأکید کرد: «اگر بخواهیم راجع به حکم اظهار نظر صحیح کنیم باید حکم صادره و استدلالهای مندرج در آن را مورد توجه و نظر قرار دهیم».

وی ضمن تأیید نظر پیشین خود دال بر بیگناهی تاج‌زاده اضافه کرد: «من همچنان معتقدم اگر دلایل و مستندات موجود در پرونده همان دلایل و مستنداتی باشد که در جلسه نمایندگان مجلس با تاج‌زاده مطرح شد، ایشان مقصر نیست».

تحلیل بهزاد نبوی از محاکمه

روزنامه دوران امروز^۱ چند روز پیش از آن‌که در محاق توقیف رود، مصاحبه‌ای با مهندس بهزاد نبوی نایب‌رئیس مجلس و عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ترتیب داد که در بخشی از آن، او به ارائه تحلیلی از محاکمه سیدمصطفی تاج‌زاده پرداخت که زاویه‌ای دیگر را پیش روی مردم گشود.

بهزاد نبوی در این مصاحبه، محاکمه تاج‌زاده را به مفهوم محاکمه انتخابات مجلس ششم دانست که به قصد نامشروع جلوه دادن آن انتخابات و نتایج آن صورت گرفت. او گفت: «اگر آقای تاج‌زاده پس از محاکمه تبرئه می‌شد، ابطال ۷۲۰ هزار رأی مردم تهران بی‌وجه تلقی می‌شد. پیش از پایان محاکمه هر کسی می‌توانست حدس بزند که آقای تاج‌زاده باید محکوم شود. تاج‌زاده باید محکوم می‌شد تا ابطال ۷۲۰ هزار رأی موجه جلوه کند. فعلاً در مورد تهران و بعداً نیز گفته خواهد شد در دیگر مناطق کشور نیز حتماً تخلفاتی صورت گرفته، اما کشف نشده است. در مجموع قصد این است که اساس مشروعیت مجلس ششم را زیر سؤال ببرند. البته شکل کار بسیار نامناسب بود. یعنی محاکمه کسانی برگزار شد که در انتخابات به شکل مستقیم دخالت نداشته‌اند. همان‌طور که ما در جلسه غیرعلنی مجلس از مسؤولان سازمان بازرسی کل کشور شنیدیم، در بررسی مجموعه انتخابات تهران به این نتیجه رسیده بودند که ۵۳ صندوق قابل بررسی است و به لحاظ قضایی ممکن است در آن تخلفاتی صورت گرفته باشد. هر عقل سلیمی متوجه می‌شود که وقتی ابهام و شبهه تخلفی بر روی صندوقی وجود دارد، اولین کسانی که باید مورد سؤال قرار گیرند، افرادی هستند که بر سر آن صندوقها کار می‌کردند. باید اعضای صندوق، ناظران و اعضای هیأت اجرایی صندوقها مورد سؤال قرار می‌گرفتند و اعتراف

می‌کردند که مثلاً آقای تاج‌زاده یا فرماندار تهران به ما هزار رأی را داد و گفت این آرا را به جای هزار رأی دیگر در صندوق بریزید! در این محاکمه ما اصلاً چنین چیزی را نمی‌بینیم. یعنی از اعضای صندوقها خبری نیست. از کسانی که باید بر اساس اعتراف آنها سراغ آقای تاج‌زاده بیایند خبری نیست. ناظر شورای محترم نگهبان در پای صندوق بوده است. باید بیاید، بگوید که مثلاً امضای مرا جعل کرده‌اند، یا مرا به زور بیهوش کرده و دستم را گرفته و امضایم را جعل کرده‌اند. یا بگوید من از طرف رئیس ستاد انتخابات تطمیع شده بودم که تخلف و تقلب کنم. در حالی که هیچ‌کدام از این گزارشها را نه دیدیم و نه شنیدیم».

دفاع «نوری‌زاد» از فرماندار تهران

نام «محمد نوری‌زاد» که بیشتر به عنوان یکی از نویسندگان روزنامه کیهان شهرت دارد، در سال ۷۹ با کارگردانی سریال تلویزیونی «پروانه‌ها می‌نویسند» بیشتر بر سر زبانها افتاد. سریالی که با نقل ماجراهایی از دوران امام علی (ع)، حاوی کنایه‌های معناداری نسبت به دوران حاضر بود و به هنگام پخش، اعتراضاتی را در گوشه و کنار ایران (و از جمله برخی مناطق اهل تسنن) موجب شد. با این همه، دفاع مفصلی که «نوری‌زاد» از آیت‌الله آزر می‌فرماندار تهران در روزنامه ایران مورخ ۱۴ اسفندماه ۷۹ به عمل آورد، از نگاه بسیاری از ناظران به این معنا بود که اتهامات وارده به انتخابات تهران، تا چه اندازه قابل طرح بوده که حتی نویسنده روزنامه کیهان را نیز به واکنش واداشته است.

نوری‌زاد در یادداشت کوتاه خود نوشت: «می‌خواهم از منظری دیگر به فرماندار تهران نگاه کنم. از منظر یک شخص، یک انسان و یک مسلمان معتقد. پس جنبه مسئولیتی او را به موضعی دیگر احاله می‌کنم. اما چرا نگوییم که "آیت‌الله آزر می" فرماندار مورد نظر ما، یک روستازاده سلیم‌النفس و پاک‌دست است؟ چرا نگوییم که او را در سخت‌ترین شرایط کاری و خانوادگی آزموده‌ام و یک نقطه ضعف و شوریدگی در او نیافته‌ام. "آزر می" را از سالهای دور، از سالهای پیروزی انقلاب اسلامی می‌شناسم. خانواده‌اش را نیز خوب می‌شناسم. از نمک سفره‌اش نیز با

اطمینان به حلّیتش، تناول کرده‌ام. آزر می، یک سرباز وظیفه‌شناس و بیدار انقلاب اسلامی بوده و هست. آزر می از آن سربازانی است که اگر هزار بار به کم‌لطفی و جفای اهل انقلاب دچار شود، دست از دامن انقلاب نخواهد کشید. گرایش سیاسی او به جامعه روحانیون مبارز و حضور او در سمت فرمانداری تهران، هرگز او را از مسیر درست و همیشگی‌اش دور نساخته است یا لااقل ندیده‌ام و نشنیده‌ام که از جاده حق اعراض کرده باشد. آزر می، همچنان یک روستازاده ساده‌زیست است. اشرافیت معمول یک‌چنین منصبهایی، هرگز به زندگی او و نحوه نگرش او راه نیافته است.

خوب به یاد دارم که آزر می، چندین سال، در یک دستگاه پرزحمت دولتی، مدیر بود. در یک کارخانه دوردست و خارج از شهر. آزر می، تمامی مسافت رفت و برگشت را در این چند سال با نوارهای تفسیر قرآن آیت‌الله جوادی آملی سر کرد. حداقل در هفته، دو روز، روزه می‌گرفت و در حد بضاعتش، به مستمندان مساعدت می‌کرد. با شناختی که از آزر می دارم، حالا او را، شخص او را، برفراز صندوقهای رأی مردم تجسم می‌کنم. من دستهای آزر می را، هرگز آلوده و ناپاک ندیده‌ام. به همین دلیل، هرگز نیز، نمی‌توانم دستهای او را در پردازش یک امر خلاف تجسم کنم».

همچنین دوم اردیبهشت‌ماه ۸۰، سید محمد کاظم بجنوردی رئیس کتابخانه ملی ایران که عضو هیأت اجرایی انتخابات مجلس ششم در حوزه تهران بزرگ بود، در مصاحبه‌ای با روزنامه همشهری، دو نکته را در خصوص انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸ گفت؛ که هر کدام اهمیتی داشتند. نکته اول درباره سلامت انتخابات بود. بجنوردی گفت: «در این انتخابات و شرکت چشمگیر مردم برای انتخاب چهره‌های اصلاح طلب و طرفدار اندیشه‌های خاتمی نشان داد که خواست اصلاحات در ایران در جان و دل مردم ریشه دوانده و از هیچ فرصتی برای نشان دادن این خواست و تلاش برای ایجاد ابزار و زمینه‌های تحقق آن نمی‌گذرند. این انتخابات به عقیده من پس از انقلاب اسلامی و پس از انتخابات ریاست جمهوری، چه از لحاظ سلامت و چه از لحاظ استقبال مردم بزرگترین و مهمترین منبع ملی محسوب می‌گردد که ملت

قطعنامه بزرگ خود یعنی طرفداری از اصلاحات را در آن صادر کرد. انتخابات آینده ریاست جمهوری نیز با حضور آقای خاتمی به جلوه گاه بزرگ دیگری از آرمان خواهی و اصلاح طلبی مردم تبدیل خواهد شد و فکر می کنم در صورتی که آقای خاتمی نامزد شوند حضور مردم حتی بیش از دوره قبل باشد».

سید محمد کاظم بجنوردی، سپس در خصوص نحوه مدیریت سید مصطفی تاج زاده در آن انتخابات به اظهار نظر پرداخت: «من به عنوان عضو هیأت اجرایی حوزه انتخابیه تهران، از نزدیک در جریان کلیه مراحل انتخابات حوزه های تهران بودم. طبق قانون همه مسؤولیت نیز با هیأت اجرایی است. من به جرأت می گویم که آقای تاج زاده چنان انتخابات را سازمان داد و اداره کرد که اگر نتوان گفت در ایران بی نظیر بود، بی گمان کم نظیر بود. من همان وقت می گفتم این مدیریت شایسته تقدیر است و وجود آقای تاج زاده در سلامت بی مانند انتخابات نقش عمده را داشت. اما این اواخر که او را به دادگاه خواندند و در مورد انتخابات محاکمه کردند، سخت موجب حیرتم شد. نمی دانم تا کی باید مدیران لایق و توانای خود را به صورتهایی که در این چهار ساله شاهد بودیم از دست بدهیم».



از سوی دیگر در اظهار نظری بی سابقه، یک منتقد دولت، حضور جناح خود در انتخابات را «بسته به این» دانست که «جانشین تاج زاده چه کسی خواهد شد؟» «وجود یک شخصیت امین و توانمند، برای اطمینان منتقدان دولت نسبت به صحت انتخابات ۸۰ کفایت می کند».

سید محسن یحیوی، قائم مقام جامعه اسلامی مهندسین توضیح داد: «سرنوشت انتخابات ۸۰ به این بستگی دارد که فرد مسؤول انتخابات، توانمندیهایش را در زمینه امانداری در حفظ آرای مردم در گذشته ثابت کرده باشد و یا انتخاب کنندگان او چنین ویژگیهایی داشته باشند».

علاوه بر محسن آرمین، دیگرانی نیز بودند که از تصمیم سید مصطفی تاج زاده برای خودداری از تقاضای تجدید نظر در حکم صادره دادگاه ۱۴۰۳ سخن گفتند. تردید جدی تاج زاده حتی تا واپسین لحظات مهلت قانونی ۲۰ روزه تجدید نظر خواهی نیز ادامه یافت. با این همه اتفاقات دیگری هنوز در راه بود.

عصر ما و تحلیلی از دادگاه

نشریه عصر ما، که در انتشار مقالات تحلیلی سیاسی به جایگاه خاصی دست یافته است، بعد از صدور حکم محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور، در مقاله‌ای^۱، کار قضاوت مردم میان وزارت کشور و شورای نگهبان را به انتخابات هشتاد موکول کرد. عصر ما، دادگاه تاج‌زاده را به «یک پروژه سیاسی تعریف شده از سوی جناح خاص» تشبیه کرد که «حتی نتوانست به ظواهر منطق قضا در تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی نیز، التزام خود را به اثبات برساند و از شائبه سیاسی بودن محاکمه تاج‌زاده در افکار عمومی، اندکی بکاهد». بابت اهمیتی که مقاله عصر ما، در نقد خود، به روند دادگاه و حکم صادره نشان داد، بخشهای آن مقاله، در زیر می‌آید:

۱. در طول بیست و دو سال پس از پیروزی انقلاب، در نظام جمهوری اسلامی، این نخستین بار است که امر اختلاف وزارت کشور با شورای نگهبان، به قوه قضائیه ارجاع شده و حداکثر، تخلفی انتخاباتی، جنبه قضایی پیدا می‌کند. اگر در ارتباط با برگزاری انتخابات، نحوه اخذ و شمارش آرا، تخلفاتی صورت گرفته باشد، بر شورای نگهبان است که به عنوان نهاد ناظر، از آن جلوگیری کرده و حافظ حقوق شهروندان انتخاب کننده و نامزدهای انتخاب شونده باشند. عدم ابطال انتخابات تهران، یا به معنای فقدان تخلفاتی است که به صحت و سلامت انتخابات آسیب رساند و در این صورت، تخلفات محتمل جزئی، نمی‌تواند عنوان مجرمانه پیدا کرده و موضوع دادگاه و محاکمه قرار گیرد و یا بدان معنا است که تخلفات ادعا شده، انتخابات تهران را مخدوش کرده و شورای نگهبان نیز چنان انتخاباتی را به تأیید رسانده که در آن صورت علاوه بر مجریان و مسؤولان دستگاه اجرایی، شورای نگهبان و مسؤولان نظارتی انتخابات نیز، باید در جایگاه متهم بنشینند و پاسخگوی افعال خود باشند.

۲. برای نخستین بار است که در دادگاهی، بدون تعیین مباشران جرم و صدور حکم علیه آنان، فردی به عنوان معاون جرم، معین و محکوم می‌شود. این رویه، صورت متضاد رویه‌ای است که در دادگاههایی از قبیل قتل‌های زنجیره‌ای یا ترور

سعید حجاریان، در مرئی و منظر افکار عمومی به نمایش درآمد. در آن دادگاهها مباشران دون پایه، مشمول صدور حکم و مجازات جدی واقع شدند و احکام صادره علیه معاونان، بسیار سبک تر از مباشران بود. در حالی که در این پرونده آقای تاج زاده، به عنوان مسؤول و رئیس ستاد انتخابات و بدون تعیین مباشران جرم، محکوم شده است.

۳. مبنای شکایت برای رسیدگی و تشکیل دادگاه چه بوده است؟ اگر گزارش سازمانی بازرسی کل کشور، بهانه تشکیل پرونده و دادگاه بود که در آن گزارش از هیچ جرمی سخن نرفته و هیچ فردی - چه رسد به آقای تاج زاده - به عنوان متهم به ارتکاب جرم، مشخص نشده است و اگر شکایت آقای جنتی، موجب رسیدگی است که در آن صورت نمی توان ادعاهای او یا نماینده ایشان را، معیار قضاوت قرار داد، به ویژه آن که خود آقای جنتی نیز از سوی وزارت کشور، متهم است و در هر حال شاکی یا متهم، نمی تواند در نقش قاضی ظاهر شود و اقوال و مدعاهای وی، ملاک صدور حکم علیه آقای تاج زاده تلقی گردد، کاری که متأسفانه قاضی شعبه رسیدگی کننده، عملاً و در جریان دادرسی، مرتکب شده است.

۴. با فرض وجود تخلفاتی جزئی در امر شمارش آرا، یا پاره ای نواقص ناگزیر و معمول در انتخابات، با کدام معیار قانونی، بالاترین مقام اجرایی یک دستگاه به محاکمه کشیده می شود؟ آیا می توان به عنوان مثال و در عالم فرض، تخلف یا جرم قاضی پرونده حاضر را مبنای محاکمه رئیس قوه قضائیه قرار داد؟ و با محکوم شدن قاضی در دادگاه انتظامی قضات، رئیس او را نیز محکوم دانست؟ آیا می توان هرگونه تخلف یا جرم احتمالی به وسیله کارمندان یک وزارتخانه را پایه محاکمه و مجازات بالاترین مقام، یعنی وزیر مربوطه قرار داد؟

۵. اگر قاضی پرونده، به واقع در صدد کشف حقیقت و تعیین متخلفان یا مجرمان احتمالی پرونده انتخابات بوده است، چرا، علی رغم درخواست مکرر آقای تاج زاده، از احضار اعضای هیأت نظارت استان تهران و شهرستان به دادگاه به عنوان مطلع استنکاف ورزید.

قطعاً شهادت چنین افرادی که خود منصوب شورای نگهبان بوده اند و شائبه

طرفداری جناحی از رئیس ستاد انتخابات درباره آنان متفی است، بهتر از کسانی که پیش از حضور در دادگاه، تاجزاده را محکوم و خصومت خود با وی را برملا کرده بودند، می توانست به رعایت عدالت و کشف حقیقت یاری رساند.

۶. چرا قاضی پرونده از شورای نگهبان نپرسید که، چرا علی رغم سه بار تأیید انتخابات تهران و اظهارات مکرر اعضای مختلف این شورا، مبنی بر صحت و سلامت انتخابات، چه شد که ناگهان بعد از حدود سه ماه از انتخابات، به صرافت ابطال صندوقها و وارد کردن خدشه بر انتخابات تهران افتاده است؟ چرا همه نظار شورای نگهبان بر صندوقهای اخذ رأی، با مهر و امضای خود، صحت انتخابات در حوزه های خود را تأیید کرده و چرا قاضی محترم نیازی ندید که گزارش هیأت نظارت شورای نگهبان را در زمینه تأیید صحت انتخابات، آن هم پس از دو مرحله بازشماری، بخواهد و مورد مطالعه و مذاقه قرار دهد تا بتواند حکم خود را به نحو بی طرفانه و عادلانه صادر کند.

۷. آیا قاضی محترم یکبار از خود پرسیده است که به راستی آقای تاجزاده و ستاد انتخابات کشور، چه نیازی به تخلف یا تقلب در انتخابات داشته است؟ مگر نه این است که شورای نگهبان، حتی پس از ورود سؤال برانگیز هیأت ناظران سوم و با وجود اعضای به غایت راست و وابسته به محافظه کاران، حداکثر، مدعی جابه جایی در آراء نامزدهایی است که همگی به جبهه اصلاح طلبان تعلق دارند؟ در این صورت تاجزاده و ستاد انتخابات چه نیازی داشته است که به سود این یا آن کاندیدای اصلاح طلب - و نه محافظه کار و راست - به اعمال نفوذ و ارتکاب تخلف بپردازد؟

۸. رسیدگی به شکایت وزارت کشور علیه آقای جنتی و شورای نگهبان، جزء لاینفک رسیدگی به دعاوی یا شکایات مطروحه علیه تاجزاده و ستاد انتخابات است. چگونه می توان در پرونده ای واحد، که همه ابعاد و اجزای آن به هم پیوسته است، موفق به کشف حقیقت شد، بدون این که یک بخش مهم از آن مورد غفلت، فراموشی یا تعویق قرار گیرد؟ چگونه می توان از ابطال بیش از ۷۰۰ هزار رأی مردم تهران به وسیله شورای نگهبان گذشت و به صدور حکم در باب تخلفات یا جرائم انتخاباتی پرداخت؟ آیا لازمه تعیین وقوع جرم و مجرم، رسیدگی به حقوق

پایمال شده نامزدهایی از قبیل آقای علیرضا رجایی که مورد اعتماد شهروندان تهرانی بوده، نیست؟ آیا نباید روشن شود که آقای حداد عادل با چه مکانیسمی، ناگهان و به طور باورنکردنی، از بیرون لیست سی نفره، به داخل لیست وارد می شود و سپس بر کرسی قرمز رنگ مجلس جلوس می کند؟ آیا دادگاهی مستقل و یک قاضی حقیقت طلب، شجاع و بی طرف می تواند به سادگی از کلیت یکپارچه روند انتخابات ششم و فراز و نشیبهای آن و فعل و انفعالاتی که حدود سه ماه انتظار را بر ملت تحمیل کرد، بگذرد و محکومیت از پیش اعلام شده تاجزاده، به وسیله محافل و مطبوعات جناح راست را به عنوان رأی دادگاه اعلام کند؟

داوری در باب دعاوی شورای نگهبان علیه تاجزاده و ستاد انتخابات کشور، آسان نیست. شورایی که متأسفانه امروز آنچنان سخن می گوید و عمل می کند که گویی، نه یک نهاد اجماعی و فراجناحی، بلکه هم پیمان گروهی خاص است و تا آنجا پیش می رود که برخی از اعضای آن حتی نمایندگان مجلس را تهدید می کنند و برای آنان خط و نشان می کشند. قضاوت میان وزارت کشور و شورای نگهبان، نیازمند دادگاهی مستقل و نیرومند با یک قاضی شجاع، باتجربه و دانش و عاری از هرگونه گرایش سیاسی و جناحی است. مردمی که در تهران و سراسر ایران حماسه های انتخاباتی دوم خرداد و بیست و نهم بهمن را آفریده اند، بیش از هر کس می دانند که در منازعه جنتی و تاجزاده، حق با کیست؟

محکومیت تاجزاده در قوه قضائیه، زمانی اعتبار دارد که دادگاه ملت، حکم به تبرئه شورای نگهبان و جنتی دهد. این را مردم در خرداد هشتاد، با آرای که در صندوقها می ریزند، خواهند گفت. بودن یا نبودن تاجزاده در رأس ستاد انتخابات کشور، هیچ چیز را عوض نخواهد کرد، جناح راست از این بابت مطمئن باشد.

واکنش دو حزب سیاسی

«حزب اسلامی کار» با صدور بیانیه ای که در واکنش به محکومیت سیدمصطفی تاجزاده و آیت الله آذر می، در روز هفدهم اسفندماه ۷۹ منتشر ساخت، این احکام را فاقد جاهت قانونی دانست و اظهار امیدواری کرد در دادگاه تجدید نظر، مسؤولان

قضایی کشور بر اصول قضاوت عادلانه تکیه کرده و رأی به برائت متهمان پرونده انتخابات تهران دهند.



در همان روز، همچنین «جبهه مشارکت ایران اسلامی» نامه سرگشاده‌ای به رئیس قوه قضائیه نگاشت و در آن، از فرجام محاکمه تاج‌زاده ابراز تأسف نمود. این حزب اصلاح طلب، از آیت‌الله هاشمی شاهرودی خواسته بود با مروری بر احکام صادره قضایی در ماههای اخیر مشاهده کند «بر کسانی که با سلیقه‌ها یا گرایشهای متفاوت (اما قانونی) سخن گفته یا مطلبی نوشته‌اند، چه رفته است؟» و سپس سؤال کرده بود: «آیا عواقب حذف و قلع و قمع مسؤولان و متفکران و خدمتگزاران انقلاب و نظام در آن قوه، ارزیابی شده است؟»

به اعتقاد جبهه مشارکت، تاج‌زاده فرزند سرافراز انقلاب و خدمتگزار صادق این نظام است و: «افتخار به زندان سپردن آنان که جز در راه عزت و اقتدار انقلاب و نظام نکوشیده‌اند، برای هیچ‌کس باقی نخواهد ماند. اگرچه مخالفان جنبش دوم خرداد و دولت، نه دغدغه‌ای در انجام این کار دارند و نه ملاحظه‌ای در اظهار آن».

در ادامه این بیانیه چنین آمده: «کافی است برای تأمل بیشتر در این باب به گزارشهای مراجع رسمی نظیر مجلس شورای اسلامی و دستگاههای ذیربط دیگر و نیز شکایت شاکیان توجه شود. از کنار این گزارشها نمی‌توان با بی‌تفاوتی گذشت، باید به دنبال تحقیق رفت و قدمهایی در جهت اصلاح عملی وضع برداشت...»

مردمی که انقلاب کرده‌اند، شهید داده‌اند و برای دین و نظام و این آب و خاک از همه هستی خود گذشته و می‌گذرند، صبور و بردبار هستند اما هشیاری و آگاهی آنان نیز زبانزد است و حق را از باطل به خوبی تشخیص می‌دهند و صداقت را از شعار باز می‌شناسند».

ادامه موج اظهار نظرها

حکم زندان و انفصال و محرومیت برای رئیس ستاد انتخابات کشور، تقریباً همه را شوکه کرد. حتی بدبین‌ترین افراد نتوانسته بودند چنین حکمی را پیش‌بینی کنند. روز

یکشنبه ۱۴ اسفند و روزهای پس از آن، از کثرت واکنشهای چهره‌های سیاسی، می‌شد به میزان حیرت آنها از حکم صادره پی برد.

حجت‌الاسلام محمد عبایی خراسانی نماینده مردم مشهد، تاج‌زاده را جزو هزینه‌های مردم برای رسیدن به توسعه سیاسی توصیف کرد. اما حیرت‌زده از متهم دانستن موسوی لاری گفت: «پناه بر خدا! برخوردهای جناحی در این روزها زیاد صورت می‌گیرد. باید دید اتهام به موسوی لاری، از همین دسته برخوردها است؟ یا واقعاً یک برخورد اسلامی است؟»

ابراهیم امینی نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس نیز، نحوه برخورد با پرونده تاج‌زاده را، از شیوه‌های جدید دادرسی دانست که قوه قضائیه آن را «ابتکار» کرده است. امینی گفت: «به فرض وقوع تخلف در برخی صندوقهای اخذ رأی، باید به اتهامات اعضای صندوق که مباشرتاً در وقوع تخلف احتمالی دست داشته‌اند، رسیدگی کرد. با توجه به این ابتکار قوه قضائیه، در صورت وقوع تخلف در یک دستگاه اجرایی، باید بالاترین مسئول دستگاه مجازات شود که این نه با اصول و قواعد حقوقی منطبق است و نه با عدل و انصاف. این عملکرد نشان‌دهنده بی‌توجهی دستگاه قضایی به افکار عمومی است، که قطعاً مردم در انتخابات سال آینده، با رأی خود، پاسخ مناسب و محکمی به این‌گونه برخوردها خواهند داد.»

میثم سعیدی نماینده تهران نیز، برخورد با تاج‌زاده را موجب «زخمی کردن روان جامعه» دانست.

میثم سعیدی به ایسنا گفت: «تاج‌زاده و امثال تاج‌زاده، در افکار عمومی محکوم نشده و نخواهند شد و نکته بسیار مهم این است که محکومیت وی و امثال او، اصلی‌ترین عامل فرار نخبگان از کشور است. مطالبی که تاج‌زاده در مجلس توضیح داد و در دادگاه مطرح کرد، جز دفاع از رأی و خواسته‌های ملت چیزی نبود و اکنون تاج‌زاده هزینه دفاع از آرای ملت را می‌پردازد.»

امین‌زاده: نگاهی به بیرون

از نیمه اسفند ۷۹ به بعد بازتاب داخلی و خارجی حکمی که قاضی شعبه ۱۴۰۳ در

محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور صادر کرد، دامنه وسیعی می یافت، آن گونه که «محسن امین زاده» معاون وزیر امور خارجه روز هشتم فروردین ماه سال نو، دست به قلم برد و با مطلبی که در یکی از نشریات منتشر کرد، نگاهها را به بازتاب این پرونده در افکار عمومی جهان متوجه ساخت. «امین زاده» که در عین حال یکی از چهره های اصلاح طلب به شمار می رود، در یادداشت خود یادآوری کرد که دو جریان عمده، توجه ویژه ای به تحولات کشور و بخصوص شیوه رسیدگی به محاکمات سیاسی و مطبوعاتی در ایران دارند.

به اعتقاد او، جریان اول شامل مخالفان و دشمنان جمهوری اسلامی ایران هستند، که هر نقطه ضعف و اشتباه و نارسایی را عمده می کنند تا نشان دهند که ادعای آنها که نظام اسلامی ما، یک نظام مردمسالار نیست، واقعیت دارد.

«دسته دوم، علاقه مندان و دوستان و یاران جمهوری اسلامی در سطح جهان هستند. آنها به موفقیت جمهوری اسلامی ایران دل بسته اند و بسیاری از آنان این نظام را نمونه ای مطلوب برای اداره جامعه تلقی می کنند».

محسن امین زاده در ادامه، ساده ترین بخش کار را پاسخگویی به شبهاتی می داند که مطرح می شود و تأکید می کند: «نمی توان هر نقد و مخالفت و یا هر تأیید و تمجیدی را از سوی مخالفان، ناشی از دشمنی و شیطنت آنان دانست».

او نوشت: «واقعیت این است که ما خواسته یا ناخواسته در معرض قضاوت افکار عمومی جهانی قرار داریم و همه موافقان و مخالفان ما درباره تحولات این جامعه و نقاط قوت و ضعف ما به داوری می نشینند. ماجرایی که دادگاه مثل دادگاه رسیدگی به انتخابات مجلس ششم در چارچوب یک اتاق بسته نمی شود، در چارچوب جامعه ما هم بسته نمی شود، بلکه در معرض افکار عمومی جهان قرار می گیرد. تمام آنان می خواهند ببینند و بدانند که ما در این کشور با چنین پدیده هایی چگونه برخورد می کنیم، با یکدیگر چه رفتاری داریم، چگونه قضاوت می کنیم، چگونه کشور را اداره می کنیم و تا چه حد به آنچه در قانون اساسی مان مطرح کرده ایم و یا به آنچه شعارش را می دهیم پایبند هستیم. ما می توانیم به هر شکل که تشخیص می دهیم و مصلحت حکومت خودمان می دانیم، عمل کنیم، اما نمی توانیم راه داوری

دیگران را نسبت به عملکرد خودمان ببندیم. صدها میلیون نفر از مسلمانان که امکان دسترسی به اخبار و تحولات ایران را دارند درباره مسائل ما به قضاوت می نشینند». شیوه عمل نهادهای قضایی اگر به شکلی باشد که حتی افکار عمومی کشور خودمان را قانع نکند، قطعاً نمی تواند دوستان ما را در سطح جهان توجیه نماید. وقتی متهم پرونده‌ای در پایان دادگاه اعلام می کند: که من در افکار عمومی کشورم تبرئه و پیروز شده‌ام. و به عقیده اینجانب به درستی هم چنین ادعایی می کند، چگونه انتظار داریم که میلیون‌ها علاقه‌مند به این نظام در سطح جهان درک مطلوبی از روشهای قضایی ما داشته باشند و حتی از آن الگو بگیرند.

نگاه «محسن امین‌زاده» که مسئولیتش در دولت سید محمد خاتمی، اقتضاء می کند به عنوان یک کارشناس مسائل بین‌المللی، وجهه همتش را صرف امور بین‌المللی کند، وقتی اهمیت بیشتری می یابد که او فارغ از گرایشهای سیاسی و اصلاح طلبانه‌ای که دارد، به افق دورتری می اندیشد.

او به صراحت می نویسد: «قطعاً منظور آن نیست که قوه قضائیه به وظایف خود عمل نکند و از خطایی چشم‌پوشی کند». اما در عین حال هشدار می دهد: «اگر دیگران این برداشت را از مجموعه عملکرد نظام قضایی ما بکنند که مسائل سیاسی و تسویه حسابهای سیاسی روی پرونده‌های قضایی ما و نتایج آن سایه افکنده و این مسائل بخشی از جنگ قدرت در کشور ما است طبعاً لطمه سنگینی به منزلت نظام ما در سطح جهان و از جمله در میان دوستان این نظام و انقلاب وارد خواهد شد.

وقتی نظام ما یک نظام مستقل، نمونه و مدعی ایجاد یک ساختار و حکومت مردمسالار دینی است خواهی نخواهی نه تنها باید پاسخگوی ملت ایران باشد بلکه باید پاسخگوی افکار عمومی جهان هم باشد و هیچ کدام از نهادهای جمهوری اسلامی ایران از جمله قوه قضائیه نمی توانند این جنبه را نادیده بگیرند. نه تنها به خاطر عزت و منزلت جمهوری اسلامی ایران بلکه به خاطر اسلام و ارزشهای اسلامی».

«محسن امین‌زاده» پرونده سید مصطفی تاج‌زاده را یک مسأله ملی می داند که در مورد یک مسأله مهم ملی یعنی انتخابات مجلس است. و آنرا جزئی از تاریخ

انقلاب و نظام اسلامی تلقی می‌کند که «نیازمند یک قضاوت تاریخی هم بوده است. قضاوتی که شفاف، جامع و در افکار عمومی، بدون خدشه و ابهام باشد».



معاون وزارت امور خارجه کشور، در پایان نوشته خود به یک اظهار نگرانی بسنده می‌کند: «من وقتی نگرانی دوستان انقلاب اسلامی را بخصوص در کشورهای اسلامی نسبت به تحولات کشورمان و این پدیده‌ها مشاهده می‌کنم بیشتر نسبت به آثار این تحولات روی عزت و جاهت نظام اسلامی نگران می‌شوم».

و اما پیش‌بینی آینده تاج‌زاده توسط بادامچیان

گفت‌وگوی اسدالله بادامچیان درباره سیدمصطفی تاج‌زاده، که به همراه سرمقاله نشریه هفتگی‌اش شما، به صورت یکجا در نشریه صدای عدالت مورخ ۲۰ اسفندماه ۷۹ نیز منتشر شد، نگاهها را متوجه خود ساخت. این مصاحبه و مطلب که شش روز بعد از صدور حکم محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور به چاپ رسید، تیتراژ تأمل‌انگیزی داشت: «بادامچیان: تاج‌زاده، تقصیر خودش بود. من دو سال پیش به او گفته بودم». بادامچیان با «اظهار تأسف در مورد» تاج‌زاده تأکید کرد که «از باب قانونگرایی، همه باید از حکمی که محکمه قضایی می‌دهد، تبعیت کنند».

عضو جمعیت مؤتلفه اسلامی به «دوستان دوم‌خردادی» انتقاد کرد که «با جود آن‌که شعار قانونگرایی می‌دهند، به آن عمل نمی‌کنند». و هشدار داد: «آنها می‌توانند بگویند آقای تاج‌زاده تخلفی نکرده، اما این‌که مقابل قوه قضائیه و رأی دادگاه بایستند و آنرا متهم کنند، قاضی می‌تواند آنها را احضار کند، ولی قوه قضائیه با آنها مدارا می‌کند».

بادامچیان درباره «تقصیر تاج‌زاده» گفت: «من دو سال پیش، پیش‌بینی کردم و در جلسه کمیسیون احزاب به صراحت به او گفتم راهی که می‌رود اشتباه است».

در حاشیه مطلب نشریه شما، طرحی از مجلس به چشم می‌خورد که دست تاج‌زاده، در حال بیرون آوردن برگه‌های آرایشی است که روی آنها نوشته شده: «اصلاح طلبان». بادامچیان نوشته «بنا به نامه رسمی شورای محترم نگهبان به رهبری

معظم انقلاب، برای مردم از قبل، مجریان انتخابات ششم مجرم به شمار می آمدند. زیرا مردم به ۶ فقیه عادل، خداترس، متعهد این شورا... کمترین شک و تردید را ندارند».



مطلبی که به قلم این عضو مؤتلفه در شما، نشریه‌ای که سردبیری اش می کند به چاپ رسید، درباره سابقه این ماجرا شرح بیشتری داده که بسیار خواندنی است: [... سخن دیگر ما درباره شخص تاج‌زاده است که شخصاً برای او متأسفم: حدود دو سال قبل روزی در کمیسیون احزاب دونفری نشسته بودیم و کسی دیگر نبود و من به او نگریستم. پرسید: «آقای بادامچیان، به چه می اندیشی؟» به او صریح گفتم: «به عاقبت نکبت‌بارت فکر می کنم». تکانی خورد و گفت: «چرا این طور می گویی؟» گفتم: «برای این که نزد خداوند متعال حجت داشته باشم به تو مراعات قانون را گفتم ولی توجه نکردی و نمی کنی و دوم آن که این طور صریح می گویم بلکه متوجه شوی و برگردی».

بعد گفتم: «جناب آقای تاج‌زاده، من این گونه نصیحت و تذکر را به دیگران هم کرده‌ام. غیر از برخی، آنها که تذکر خیرخواهانه را توجه نکردند عاقبت بدی یافتند». گفتم: «در زندان اوین در سال ۱۳۵۵ به موسی خیابانی (عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق آن زمان) گفتم شما با این وضع دچار سقوط آزاد شده‌اید و به دره هولناکی دارید سقوط می کنید».

با همان غرور سازمان، و تکبر تشکیلات آهنین خودش، گفت: «راه ما راه خلق است. خلق راه ما را انتخاب خواهد کرد نه شما».

به بازرگان تذکر دادم. توجهی نکرد و از پشت عینک نگاهی آنچنانی به من انداخت و گذشت و بعد دیدیم که چگونه گذشت!

به بنی صدر در منزل شهید باهنر پس از پایان جلسه میثاق با حزب جمهوری اسلامی، خصوصی گفتم: «این طور که رفتار می کنی حداقل مهمان ۶ ماه تا یک سال دیگر ملت هستی!!»

عصبانی شد. و گفت: «این که می گویم شما حزب بد اخلاق هستید همینه دیگه!!»

سپس با خنده و خیلی خونسرد به تاج‌زاده گفتم: «در هر حال من گفتم برای این‌که نزد خدا حجت داشته باشم و تو وقتی رفتی بدانی که به تو گفته شده است!» گفتم: «به مهدی هاشمی در خانه آقای منتظری نیز همین را تذکر دادم و او گوش نکرد».

سپس گفتم: «آقای تاج‌زاده! به خداوندی خدا، «شماره معکوس مردمی» برای شماها شروع شده ولی نمی‌توانید باور کنید. زیرا خدا در قرآن فرموده: ای پیامبر به جان تو سوگند که آنها در مستی خاصی که به آن دچارند غرقند، لعنك انهم لفی سكرتهم یعمهون. (حجر، آیه ۷۲)

تاج‌زاده در آن روز، موضع گرفت که ما هم از این تذکرها به مهدی هاشمی و به ... داده‌ایم.

گفتم: «من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم و الا تو خود می‌دانی که یاران ما مثل بهشتی هیچ‌گاه بر سر حکومت و قدرت با کسی درگیری نداشته و ندارند». آن روزها هنوز اغتشاشات تهران و کوی دانشگاه و غائله خرم‌آباد و قرآن‌سوزی در خلخال و انتخابات مجلس ششم، اتفاق نیفتاده بود. و ای کاش تاج‌زاده به آن تذکر دلسوزانه گوش داده بود و ای کاش جناح دوم خرداد به این تذکر خیرخواهانه گوش فرادهد. و ای کاش که این محکومیتها و جرائم اتفاق نیفتاده بود!!]



آقای بادامچیان در ادامه مطلب خود، «تقلب در انتخابات را تضییع حقوق ملت» دانسته که «جرم عادی نیست که مجازات عادی داشته باشد»^۱. وی با اظهار امیدواری نسبت به قاطعیت قوه قضائیه در عمل به وظایف قانونی خود، در «سخن آخری با آقای تاج‌زاده» و دوستانش نوشته است: «شما دیدید که عاقبت تخلف و جرم چیست؟ مگر این چندروزه دنیا، و نشستن بر صندلی قدرت چه ارزشی دارد که انسان این چنین خود را گرفتار نماید؟»

۱. چندی بعد از سوی مدیر کل حقوقی وزارت کشور، شکوائیه‌ای در خصوص این اظهارات آقای بادامچیان تنظیم و به مجتمع قضایی کارکنان دولت تسلیم شد. بخش حقوقی وزارت کشور بخصوص با اشاره به این جمله بادامچیان که: «به نظر من حکم آقای تاج‌زاده کم بود، چون ایشان در رأی مردم دست برده است». خواستار تعقیب کیفری وی شده است. /ن

بادامچیان در انتهای هشدارهای خود آورد: «شما بیایید از مردم حلالیت بطلبید. از همه آنها که حق آنها را تضییع کرده‌اید، حلالیت بطلبید. از خداوند متعال بخواهید شما را عفو نماید. از ولی امر مسلمین بخواهید که عواقب اجتماعی جرائم شما بر جامعه را از حق الهی خود استفاده کرده و ببخشاید و به طور جدی در صدد جبران برآیید».

تردیدهایی برای تجدید نظرخواهی

۲۰ روز فرصتی که برای تقاضای تجدید نظرخواهی نصیب محکوم دادگاه می‌شود، غالباً با تردید و تشکیک همراه است. این که آیا قضات دادگاه عالی، حکم صادره را نقض خواهند کرد یا آن را ابرام می‌کنند؟ سؤالی است که همیشه، ذهن یک محکوم را مشغول می‌سازد.

رئیس ستاد انتخابات کشور، با دیدن نتیجه دادگاهی که بالاخره او را به زندان و انفصال از خدمات دولتی و محرومیت‌های بعدی محکوم کرده بود، ابتدا تصمیم نداشت نسبت به آن حکم، تقاضای فرجام‌خواهی ارائه دهد. به اعتقاد تاج‌زاده، وقتی بنابر حذف او قرار گرفته است، امید داشتن به بی‌طرفی دادگاه عالی تجدید نظرخواهی نیز، چندان منطقی نیست. نشانه‌های زیادی وجود داشت که دادگاه بدوی، با سرعتی عجیب، کار دادرسی پرونده‌ی وی را به پایان برده و حکم سنگین را صادر کرده بود. دادگاه حتی در واپسین مهلت، اسناد و مدارک تکمیلی تاج‌زاده را دریافت نکرد و بلافاصله به انشای رأی خود پرداخت. این سرعت بی‌سابقه، به زعم او، حاوی نشانه‌هایی از اصرار بر حذف سیدمصطفی تاج‌زاده بود، که از نظر او، هرگونه امیدی برای تشکیل دادگاه عالی بی‌طرفی را، برای رسیدگی مجدد به شواهد و مدارک او، منتفی می‌کرد.

با این حال، به اعتقاد دوستان و همفکران او که از نظر تاج‌زاده «خرد جمعی» را تشکیل می‌دادند، او باید از همه ابزارهای باقیمانده قانونی برای رسیدن به نتیجه بهره‌برد و امکان بازنگری را از مسؤولان قوه قضایی، پیشاپیش سلب نکند. حجت‌الاسلام موسوی لاری وزیر کشور، که خود او نیز همه تلاش و همتش را،

همواره صرف مجاب کردن مسؤولان قضایی کرده بود، تا همه زوایای آن پرونده را ببینند، بیش از همه به سیدمصطفی تاجزاده اصرار کرد که با تقاضای تجدید نظرخواهی، این امکان را به آن دسته از مسؤولان قضایی، که در پی رسیدگی عادلانه - و غیرسیاسی - به این پرونده هستند، بدهد.



تاجزاده تا روزهای اولیه سال جدید نیز، هنوز بین آن سکوت اعتراض آمیز که خود در نظر داشت و این اصرار «خرد جمعی» دوستان و همفکرانش، به نتیجه روشنی دست نیافته بود. و بیشتر میل داشت در هر دو راه ممکن پیش روی خود، بالاخره حرف آخری را بشنود، که آنقدر حجت قوی و معتبری داشته باشد، که تردید پیش رویش را به یقین مبدل نماید.



با نامه اعتراضیه سیدمصطفی تاجزاده به رئیس قوه قضائیه که روز پنجم فروردین ماه ۱۳۸۰ ارسال شد، معلوم شد که «خرد جمعی» دوستان او، بالاخره توانسته وی را به تقاضای تجدید نظر مجاب کند. همان روز نیز تقاضای رسمی تجدید نظرخواهی در حکم صادره، از سوی وکیل مدافع او به دادگاه تجدید نظر استان تهران ارسال شد. متن لایحه تقاضای تجدید نظرخواهی به همراه چند سند مهم دیگر، در فصل سوم این کتاب به نظر خواننده خواهد رسید.

نامه اعتراض آمیز به آیت الله شاهرودی

نامه ۱۵ صفحه‌ای رئیس ستاد انتخابات کشور خطاب به آیت الله شاهرودی، در حقیقت ضمن شرح دلایل و مستندات خود مبنی بر صحت انتخابات حوزه تهران بزرگ، دلایل اعتراض خود نسبت به حکم صادره قاضی شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران را به تفصیل بیان نموده است.

در زیر بخشهایی از نامه آقای تاجزاده خطاب به آیت الله شاهرودی (با حذف بخشهای تکراری، که قبلاً در فصول دیگر کتاب آمده‌اند) درج می‌شود.

[اکنون این سؤال خود را برجسته‌تر نشان می‌دهد که چرا نماینده محترم مدعی العموم اصرار می‌کرد اینجانب مخدوش بودن انتخابات تهران را بپذیرم و چرا قاضی محترم انتخابات مجلس ششم را در تهران مخدوش خواند و چرا در اطلاعیه روابط عمومی دادگستری تهران، این موضوع که انتخابات مجلس ششم سالم‌ترین انتخابات بوده است، خلاف واقع اعلام گردید؟ آیا بهتر نبود به جای آن که حیثیت نظام مورد خدشه واقع شود، نتایج این تحقیقات که نشانه سلامت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران است، برای مردم شرح داده می‌شد تا اعتماد آنان به نظام بیش از پیش می‌گردید؟]

همچنین اگر دادگستری محترم تهران واقعاً قصد رسیدگی به تخلفات انتخابات را داشت و قاضی محترم لابد بر این اساس اقدام به محکوم کردن ۴۲ نفر به دلیل اختلاف ۱/۶۷ درصدی آرا در ۱۵ صندوق کرد، چرا کسانی را که بیش از ۵۰۰ صندوق و قریب ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی را به صورت غیرقانونی باطل

کردند و در نتیجه فهرست متتخبان مردم تغییر یافت، محاکمه نکرد؟
 به نظر می‌رسد نکته اصلی دادرسی در اصرار نماینده محترم مدعی العموم نهفته است به این معنا که اینجانب اصل مخدوش بودن انتخابات تهران را بپذیرم و سپس تلاش کنم در این چارچوب خود را از اتهامات انتسابی تبرئه نمایم. روشن است که اینجانب اقدام غیرقانونی ابطال حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهران را هرگز تأیید نکرده و نخواهم کرد، چرا که این کار را خیانت به رأی و گزینش مردم می‌دانم. در حقیقت اداره اصولی کشور ایجاب می‌کند هر دستگاه حکومتی فراتر از گرایشهای سیاسی، امین رأی مردم باشد. بر این اساس من هم بزرگترین افتخار خویش را پاسداری از رأی ملت می‌دانم، و در این چارچوب با پذیرش هر مجازاتی، از صحت انتخابات سالم و پرشکوه مردم تهران دفاع کرده و می‌کنم. در طول دادرسی نیز نوع تقاضاها و خواسته‌هایم در جهت دفاع از سلامت انتخابات بود، نه تبرئه خود، اما متأسفانه بنای دادگاه محترم مخدوش قلمداد کردن انتخابات و تلاش برای یافتن مجرمان احتمالی آن بود. در هر حال دادگاه در شرایطی خاتمه یافت و رأی در حالی صادر شد که نه تنها هیچ‌یک از مباشرین احتمالی جرم را ندیدم و بر من معلوم نشد که معاونت جرایم چه کسانی را عهده‌دار بودم و چه ارتباطی بین من و آنان وجود داشت، بلکه هیچ‌یک از مطلعین محترم مورد درخواست اینجانب هم که عمده‌تاً به لحاظ اداری و کاری وابسته به شورای نگهبان بودند و از نظر سیاسی نیز به گرایش و سلايق متفاوت با اینجانب شهرت دارند به دادگاه دعوت نشدند و اظهارات آنان در زمینه صحت انتخابات تهران استماع نگردید.

افزون بر ایرادات شکلی و ماهوی فراوان دادگاه محترم که مواردی از آن را برشمردم به آگاهی می‌رساند که رأی قاضی محترم از چند منظر مخدوش است، از جمله آن‌که:

قاضی محترم برای اثبات اتهامات اینجانب، انگشت بر اظهارات بعضی مجریان و ناظران انتخابات گذارد و با درج گزینشی و منقطع اظهارات آنان و سپس استناد به آنها، اینجانب را محکوم کرد. جدای از آنکه بسیاری از افراد مذکور به طور مکتوب اعلام نموده‌اند که چنین مطالبی نگفته‌اند، (برخی نامه‌های آنان به پیوست

تقدیم می‌گردد) نه وی و نه نمایندهٔ محترم مدعی‌العموم در جلسات دادرسی متعرض هیچ‌یک از این اظهارات نشدند تا در همان زمان پاسخ لازم را ارائه کنم، یا با مواجههٔ حضوری، صحت یا سقم ادعاها را روشن سازم. معلوم نیست چرا قاضی محترم در رأی نهایی به این اظهارات استناد کرد که اینجانب فرصت پاسخگویی را قبل از صدور حکم نداشته باشم و افراد مذکور بناچار پس از صدور حکم، اظهارات منتسب به خود را تکذیب نمایند.

رئیس محترم قوهٔ قضائیه!

جنابعالی به شرایط حساس کشور در آستانهٔ انتخابات هشتمین دورهٔ ریاست جمهوری واقف هستید و مستحضرید که در چنین فضایی پرهیز از خدشه‌دار شدن اعتماد مردم و ترغیب شهروندان به مشارکت هرچه بیشتر در انتخابات آینده وظیفهٔ همهٔ قوا و مسئولان است، اما متأسفم که دادگاه محترم در اقدامی غیرمعمول، رئیس ستاد انتخابات کشور را به دلایل موهوم احضار و وی را محکوم کرد، آن هم در حالی که گزارش سازمان بازرسی اتهام یا جرمی را به وی منتسب نکرده بود. آیا در بیست انتخابات گذشته سابقه داشته است که رئیس ستاد انتخابات کشور برای تخلفات انتخاباتی یک حوزهٔ انتخابیه به دادگاه احضار و محاکمه شود؟

اگر به جای دفاع از صحت انتخابات، با پذیرش مخدوش بودن انتخابات، از خود دفاع می‌کردم، آیا انتخابات شکوهمند ششمین دورهٔ مجلس که ایران اسلامی را در جهان سر بلند کرد و به حق از سوی مقام رهبری «پیروزی ملت» و تجلی «آیات نصرت الهی» نام گرفت، زیر سؤال نمی‌رفت و اعتماد مردم به نظام سیاسی کاهش نمی‌یافت و به وجههٔ جمهوری اسلامی در جهان لطمه وارد نمی‌آمد؟ ظاهراً طرح ادعای مذکور به این دلیل صورت پذیرفت که غیرقانونی بودن ابطال آرای مردم معلوم نشود؛ تصمیم خطایی که مسبوق به سابقه بود و در جریان انتخابات سومین دورهٔ مجلس شورای اسلامی در تهران نیز رخ داده بود، اما با واکنش قاطع امام راحل مواجه شد که خطاب به اعضای شورای نگهبان فرمودند: «کسانی که احتیاط و وسوسه در امر انتخابات می‌کنند، بهتر است کمال احتیاط را برای حفظ حیثیت

جمهوری اسلامی و اسلام نمایند». آیا دادگاه محترم، کمال احتیاط را برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام معمول داشت؟

مقام معظم رهبری همواره و از جمله در خطبه نماز جمعه آخر سال ۱۳۷۹ بر عدم همنوایی دوستان نظام اسلامی با دشمن تأکید کرده‌اند. جنابعالی مستحضرید که کینه‌توزترین دشمن خارجی اسلام و انقلاب و نظام، یعنی صهیونیسم بین‌الملل، و خشن‌ترین و ضد مردمی‌ترین گروه برانداز، یعنی منافقین، بیشترین ضدیت و مخالفت را علیه حرکت اصلاح طلبانه ملت ایران در طول بیست و دو سال گذشته به عمل آورده‌اند و بخصوص انتخابات آزاد و سالم را در ایران اسلامی برنتابیده و همیشه آن‌را مخدوش خوانده‌اند. آیا پایبندی به نظام اقتضا نمی‌کرد که دادگاه محترم عملاً در مسیر اثبات اتهامات واهی و در نتیجه کاهش اعتماد عمومی حرکت نکند؟ اینجانب به سهم خویش از این‌که در دو ماه گذشته عده‌ای سعی کردند انتخابات سالم و آزاد مجلس ششم را که تجلی جمهوریت و مردمسالاری نظام اسلامی و مجرای اعمال آزاده و حاکمیت ملت است، مخدوش جلوه دهند، شدیداً ابراز تأسف می‌کنم.

در همین زمینه روابط عمومی دادگستری محترم تهران با صدور اطلاعیه‌ای حکم قاضی دقیقی را «موجب خوشحالی ملت شریف ایران و به‌ویژه شهروندان تهرانی» خواند. من بر این باورم که صحت یا سقم این ادعا در انتخابات آتی روشن خواهد شد و امیدوارم جهانیان بار دیگر حضور پرشکوه ملت را در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ شاهد باشند که بهترین راه تحقق امنیت و وحدت و اقتدار ملی مشارکت وسیع مردم در انتخابات است.

اینجانب به رغم بیان برخی ناگفته‌ها درباره انتخابات مجلس ششم طرح بخش دیگری از آنها را به مصلحت ندانستم اما امیدوارم به دلیل افزایش آگاهی عمومی ناشی از تشکیل این دادگاه، اقدامات غیرقانونی در امر انتخابات تکرار نشود. مردم نیز توجه دارند که حرکت آنان با نگاه به آینده، بیش از آن‌که دنبال پرده‌داری و افشاگری باشد، در پی «اصلاح بینشها، روشها و منشها»ی غلط است که عدم اصلاح آنها تضعیف انقلاب و نظام و ایران اسلامی را به همراه دارد. اگر روند امور اصلاح

شود، مطمئن هستم که مردم، مرا به دلیل نگفتن برخی ناگفتنیها که بعضاً می‌توانست به وحدت و اعتماد عمومی خدشه وارد سازد و دستاویز بدخواهان میهن اسلامی قرار گیرد، سرزنش نخواهند کرد.

رئیس محترم قوه قضائیه!

نگاهی گذرا بر روند برگزاری انتخابات، همچنین کمترین عنایت به اسناد و مدارک موجود و براهین و ادلهٔ اینجانب، کفایت می‌کند تا هر قضاوت‌کنندهٔ صادقی، هم به سلامت انتخابات گواهی دهد و هم به امانتداری مجریان و ناظران خدوم آن در همهٔ سطوح و بخشها.

البته آنان که از آغاز، انتصاب اینجانب را به ریاست ستاد انتخابات کشور برنمی‌تابیدند و بعضاً با عصبانیت انتقاد خویش را ابراز می‌کردند، گمان می‌کنند که با حذف من، چند گام به مقاصد گروهی خود نزدیک شده‌اند. من از آنان گله‌ای ندارم. گلایه‌ای اگر هست - که هست - نه به آنان، که به دادگاه محترم است. راستی آیا قاضی محترم نمی‌توانست با تدبیر و با تکیه بر حداقلی از موازین قانونی، پروندهٔ تخلفات انتخابات تهران را سامان داده و به گونه‌ای عمل نماید که شائبهٔ جهت‌گیری جناحی، دامن دستگاه قضایی کشور را نگیرد؟ آیا محکومیت «تاج‌زاده» و برکناری او از مسؤولیت ستاد انتخابات کشور، که علناً و کراراً از سوی منتقدان دولت طی چند ماه گذشته توصیه و تجویز می‌شد، آن قدر فوری و فوری بود که چنین محاکمه‌ای با این شتاب و با کمترین ملاحظات حقوقی صورت پذیرد، آن چنان که نوع حقوقدانان و کارشناسان و مستقل و مسلط بر قانون و قضا، قادر به توجیه روند محاکمه و رأی صادره نباشند؟ با شیوه‌ای که قاضی محترم در پیش گرفت و حتی تلاش نکرد تا صورتی از قانونمندی و جلوه‌ای ظاهری از التزام به موازین حقوقی را در محاکمهٔ اینجانب به نمایش بگذارد، دیگر چه نیاز بود مرا بابت پروندهٔ حساس و عظیمی مثل «تخلفات انتخاباتی» محاکمه و به انفصال و زندان محکوم کنند؟ با این شیوه، سهل است که می‌شد با پرونده‌ای با موضوعی دیگر، به همین نتیجه، یعنی حذف من از وزارت کشور دست یافت. مگر نه این که در سه سال اخیر حکم «انفصال از خدمات

دولتی»، به ترجیع‌بند برخی احکام قضایی دادگستری محترم تهران تبدیل شده است؟

همچنین اگر هدف تشکیل دادگاه، تأیید تصمیم غیرقانونی ابطال حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی بود، اکنون که حکم محکومیت اینجانب صادر شده است، می‌توانید دستور فرمایید با نظرسنجی، به ارزیابی افکار عمومی بپردازند تا روشن گردد که این دادگاه و این حکم عملکرد مرجع نظارت بر انتخابات را بیش از پیش در مظان تردید و اتهام قرار داده است که این خود نیز خسارتی برای نظام محسوب می‌شود.

امیدوارم قصد کسانی این نبوده باشد که با طرح مخدوش بودن انتخابات تهران و اصرار بر پذیرش آن توسط اینجانب، انتخابات مجلس ششم را به طور کلی زیر سؤال ببرند و در نتیجه نهاد «مجلس» را که در رأس امور است، تضعیف کنند.

حضرت آیت‌الله شاهرودی!

برای هیچ فرد دلسوخته نظام جمهوری اسلامی، تضعیف میزان اعتماد و اتکای جامعه به مقام داور و سست شدن بنیانهای اعتقاد به انصاف و اعتدال و استقلال قضات خوشایند نیست. از این رو اینجانب نیز نمی‌توانم تأسف خود را از نحوه تشکیل پرونده، رسیدگی و صدور حکمی ابراز نکنم که پی‌آمد سوء آن در درجه اول متوجه قوه محترم قضائیه است. شاید ادعا شود هیچ متهم یا محکومی از نتیجه محکومیت خود راضی نخواهد بود، ولی کافی است با روشهای متعارف علمی، آثار و عوارض حقوقی و اجتماعی این دادگاه در جامعه سنجیده شود و بنای داور و قرار گیرد که چه روشها و چه کسانی موجبات تضعیف قضا و استقلال قضات را فراهم کرده‌اند و می‌کنند؟

اینجانب قصد داشتم در اعتراض به روند دادرسی دادگاه بدوی و محکومیت ۴۲ نفر به دلیل ۱/۵ درصد خطا در شمارش آرا در ۱۵ صندوق و نیز عدم تشکیل دادگاه آیت‌الله جنتی، از حق قانونی خویش برای درخواست تجدید نظر استفاده نکنم. زیرا با آن‌که به ادله و اسناد خویش در زمینه صحت انتخابات تهران و برائت خود و

همکارانم از اتهامات انتسابی مطمئن هستم اما با توجه به عملکرد دادگاه بدوی نسبت به احقاق حق خود و رأی مردم در دادگاه تجدید نظر خوشبین نیستم. بنابراین ترجیح می‌دادم از قوه محترم قضائیه خواسته‌ای نداشته باشم اما به احترام بسیاری از دلسوازان نظام و نیز طبق درخواست وزیر محترم کشور که بار اصلی فشارها بر دوش ایشان است، وکیل اینجانب امروز لایحه را تقدیم دادگاه تجدید نظر استان تهران کرد. بنابراین اینجانب ضمن اعتراض به رأی صادره اعلام می‌کنم که در هر دادگاه صالحی که تشکیل شود و برخلاف دادگاه بدوی، با التزام به قواعد حقوقی، رعایت بی‌طرفی و تلاش برای کشف حقیقت، صرفاً در پی محکوم کردن اینجانب به هر قیمت و با هر مستمسکی نباشد و به‌ویژه بنا را بر مخدوش بودن انتخابات تهران نگذارد و از مطلعین معرفی شده پاسخ به سؤالهای مورد نظر اینجانب را اخذ کند و از اعضای محترم هیأت‌های اجرایی و نظارت شهرستان و استان تهران و نیز هیأت مرکزی نظارت دلیل ۸ بار تأیید مکتوب صحت انتخابات تهران بزرگ را (هیأت اجرایی ۲ بار و هیأت‌های نظارت ۶ بار) جویا شود، همچنین به اسناد و مدارک مورد درخواست اینجانب در تأیید سلامت انتخابات و صحت عملکرد مجریان توجه کند و از سازمان بازرسی کل کشور پاسخ استعلامات مرا دریافت نماید و به طور خلاصه اگر دادگاه تجدید نظر نسبت به رفع ایرادات شکلی و ماهوی دادگاه بدوی اقدام کند و بنابر اقامه عدل و احقاق حق داشته باشد، در آن صورت اینجانب با کمال سربلندی آماده دفاع از سلامت انتخابات و رفع اتهامات خود و همکارانم هستم. در غیر این صورت با صرف نظر کردن از حق قانونی خویش از هم‌اکنون آماده اجرای حکم دادگاه بدوی می‌باشم و هیچ درخواستی از جنابعالی نخواهم داشت.

در این صورت، البته، امیدوارم رأی دادگاه تجدید نظر در رسیدگی به تقاضای فرماندار خدوم و باتجربه تهران که سابقه برگزاری ۱۲ انتخابات را داراست و نیز درخواست ۴۲ عضو محترم شعب اخذ رأی که از معتمدین مردم و افراد وجیه، باسابقه و متدین در مساجد و مدارس تهران هستند، به تبرئه آنان منتهی شود. در هر دو حال محاکمه باطل‌کنندگان غیرقانونی بیش از ۵۰۰ صندوق بر همگان معلوم خواهد کرد اجرای عدالت و ترجیح دادن حیثیت نظام به دفاع از تصمیم غلط و غیرقانونی چند نفر مشی قوه قضائیه در دوره ریاست جنابعالی است.

حضرت آیت الله شاهرودی!

فرصتهای تاریخی که در برابر ماست بیش از آن که با ادراک نادرست و اقدامهای نادرست تر از دست برود، نیازمند توجه، دلسوزی و اهتمام همگانی است و شرط بهره‌برداری صحیح از آن برخورد خلاق و شجاعانه با نارواییها و داوری از سردرد و درک و انصاف است. همگان باید توجه کنند که جوهر تحول خواهی و اصلاح طلبی مردم ما که برخاسته از ذات دینی این انقلاب است، واجد پیامها و رفتارهای معناداری است که انجام وظیفه اینجانب و امثال ما فقط جلوه‌هایی از آن را ترسیم کرده‌اند. حق آن است که آن را بشناسیم و بپذیریم وگرنه «آینه شکستن» سودی نخواهد داشت.

توجه جنابعالی را مجدداً به این نکته جلب می‌کنم که محکومیت اینجانب در مورد انتخابات مجلس ششم است؛ انتخاباتی که نتایج آن به برخی سلیقه‌های سیاسی خوش نیامد و به جای اذعان به واقعیتی آشکار، تردید و تشکیک در صحت آن را هدف قرار داد. حال آن که انتخابات مجلس ششم از افتخارات کشور و از جمله موجبات افزایش اعتبار نظام ماست و مناسب بود که دغدغه این مهم برای همه نهادهای اجرایی و نظارتی و قضایی مقدم بر هر چیز شمرده می‌شد.

رئیس محترم قوه قضائیه!

گفتن حقایق به جنابعالی، که اشتیاق عدالت خواهی خویش را همواره ابراز می‌فرمایید، این حسن را دارد که شخص اول قوه قضائیه کشور در جریان سرنوشت پرونده مهم انتخابات مجلس ششم قرار گیرد و ان شاء الله برخلاف تعجیل و جهت گیریهای آشکار دادگاه بدوی، به همه ابعاد و سوابق این پرونده بنگرد و مانع شود سلیقه‌های جناحی بیش از این در امر قضا رخنه کرده و مسیر دادگری را منحرف نماید. همچنین امیدوارم ایرادات فاحش دادگاه اینجانب باعث شود نقایص جدی موجود در روند رسیدگی قضایی و امر قضاوت شناسایی و افق امیدوارکننده‌ای برای آینده دستگاه قضایی کشور ترسیم گردد.

کمترین انتظار اینجانب از جنابعالی، عنایت و توجه به متن این نامه، به مثابه

اعتراض به روندی است که نه تنها حذف مرا، بلکه همچنین شیرینی حضور حماسه‌ای مردم در انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ را نشانه گرفته است.

این نامه بیش از آن که تقاضای یک «متهم» برای اعتراض به حکم یک دادگاه باشد، ابرام یک خدمتگزار کشور، بر سلامت و امانتداری رأی مردم در انتخاباتی است که دشمنان و بدخواهان نظام مردمی مان را مأیوس کرد. ضمناً دفاع من از سلامت انتخابات، توجیه عملکرد خویش به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور نیست. چرا که اسناد و مدارک موجود دربارهٔ انتخابات مجلس ششم، آن چنان گویا و شفاف و زنده هستند که نیاز به توجیه عملکرد خود نداشته باشم. بلکه دفاع اینجانب، صحنه نهادن بر شکوه انتخاباتی است که به گفتهٔ گزارشگران رسانه‌های جهان، چنان در سلامت و امنیت و آزادی برگزار شد که صرفاً با انتخابات کشورهایی که سابقهٔ چندقرنهٔ دموکراسی دارند، قابل مقایسه است.

با اعتنای فرصت، به جنابعالی و آحاد مردم شریف تهران اطمینان می‌دهم که نه تنها انتخابات مجلس ششم، بلکه همهٔ ۲۱ انتخابات سالهای انقلاب اسلامی، سالم و مبتنی بر موازین قانونی بوده است. این شهادت متکی بر اشرافم به قانون انتخابات و مسؤولیتم به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور در برگزاری انتخابات دورهٔ سوم مجلس خبرگان، اولین دورهٔ شوراهای اسلامی شهر و روستا و بالاخره انتخابات مجلس ششم است. در حقیقت قانون برگزاری انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاکنون به گونه‌ای تدوین شده و نیز ساختار و نوع برگزارکنندگان انتخابات که حدود پانصد هزار نفر را در مساجد و مدارس سراسر کشور شامل می‌شوند، به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که آرای ریخته‌شدهٔ مردم درون صندوقهای رأی، کمترین خدشه را ببیند و میزان خطاهای ناگزیر انتخاباتی، که در کشورهای مردم‌سالار نیز بعضاً روی می‌دهد، در کشور ما به حداقل ممکن برسد. لذا با ارائهٔ دلایل و شواهد متقن، اطمینان می‌دهم که انتخابات ششمین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، سالم‌ترین و شفاف‌ترین انتخابات در طول ۲۲ سال گذشته بوده است. زیرا به تناسب رشد فرهنگی و سیاسی شهروندان، قانون انتخابات کشور نیز طی این سالها، به تدریج اصلاح و تنقیح شده و بر قوت نهادهای اجرایی و نظارتی انتخابات

افزوده شده است، به ویژه آن‌که در این دوره مجریان و ناظران با گرایشهای گوناگون در جریان برگزاری انتخابات حضور فعال داشتند. به همین دلیل میزان خطاها کاهش یافت و به حداکثر ۱/۵ درصد «اختلاف شمارش آرا» در حوزه انتخابیه تهران رسید. بی‌شک این میزان خطای محاسباتی در جریان برگزاری انتخاباتی با وسعت انتخابات مجلس ششم، نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه این حد از خطا، برای مجریان و ناظران باعث سربلندی است.

حضرت آیت‌الله شاهرودی!

اینجانب زندانی شدن را در نظام جمهوری اسلامی افتخار نمی‌دانم و مشتاق محبوس شدن نیز نیستم، اما زندان رفتن را به خیانت به رأی ملت و مخدوش خواندن انتخابات سالم مردم تهران در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ ترجیح می‌دهم و آن را قابل تحمل‌تر از همنوایی با بدخواهان ایران اسلامی و به ویژه منافقان می‌دانم که همواره انتخابات آزاد و قانونی را در جمهوری اسلامی ایران مخدوش خوانده‌اند. پیشاپیش توفیق جنابعالی و آن دسته از همکاران دلسوز و متعهدان را برای تقویت و اصلاح دستگاه قضایی کشور مسئلت می‌نمایم. به پیوست نسخه‌ای از مدارک و اسنادی که مؤید اظهارات فوق است در ۳۴ بخش تقدیم می‌شود.

سیدمصطفی تاج‌زاده

۱۳۸۰/۱/۵

فصل دوم

گفت و گو

یک گفت و گو

«زیر باران ایستاده‌ام»

سیدمصطفی تاج‌زاده بالاخره به یک سال زندان، ۳۹ ماه انفصال از خدمات دولتی و ۵ سال محرومیت از عضویت در هیأت‌های اجرایی انتخابات محکوم شد.

مهلت او برای تقاضای تجدید نظر نسبت به این حکم، روز پنجم فروردین ۱۳۸۰ به پایان می‌رسید و او روزهای آغاز سال را به همراه همسر و دخترش در شیراز به تفرجی بهاری گذرانید. روزهای بهاری سال جدید، برای تاج‌زاده و خانواده‌اش به دیدار شاهچراغ و پاسارگاد و سعدی و حافظیه گذشت و شبها با نگارش و ویرایش چندباره نامه اعتراض‌آمیز او به رئیس قوه قضائیه سپری شد. ضمن آن‌که به دلیل هم‌زمانی سفر تاج‌زاده به شیراز با سفر نوروزی من به آن شهر، فرصت مغتنمی فراهم شد تا چندساعتی به مصاحبه و گفت‌وگو درباره متن و حاشیه محاکمه‌اش پردازیم.

نیمه شب سوم فروردین ماه، وقتی آخرین بخش مصاحبه‌اش پایان یافت، با امید به دیداری دوباره با همدیگر خداحافظی کردیم و تاج‌زاده با چشمانی خسته و پف کرده، رفت تا با انبوه نوشته‌های پیش رویش، کلنجار دوباره‌ای کند و متن درخوری در اعتراض به حکم دادگاه بنویسد. هنوز چندقدمی از یکدیگر دور نشده بودیم که برگشت و گفت: «یادم رفت تو رو ببوسم! شاید رفتم زندان و نشد که دیگر ببینمت!» و با همه خستگی‌اش، طنز تلخ لابلای کلماتش را در ذهن من به یادگار نهاد.



نیمه شب بود و شهر در خواب. من از بلندای محل اقامت سیدمصطفی تاج‌زاده

به سمت منزل محل اقامتم در شرق شیراز سرازیر شدم. چراغهای خورشیدی، خیابانهای خلوت شیراز را روشن کرده بود. - راستی که شبهای شیراز رؤیایی است - قطرات پراکنده باران شروع به بارش کردند و مسافران خفته در حاشیه بلوارها و میادین با عجله و دستپاچگی، بساط رختخواب خود را جمع و جور کردند. تصویر خسته تاجزاده و همان جمله کوتاهی که گفت، ذهنم را بد جوری مشغول ساخته بود. «شاید دیگه نبینمت!» راستی آن قدر «سربلند» می نماید، که تواضع طرف مقابل را برمی انگیزد.

حوالی «باغ دلگشا»، حتی مسافرانی که زیر چادر خوابیده بودند، با صدای رعد و برق نیمه شب بیدار شدند. خوش ذوقها، برای تماشا و لذت از پاکی باران، از چادرها بیرون زدند. آهسته رانندگی می کردم و حتی می توانستم صدای برخورد قطرات باران با شیشه اتومبیل را بشنوم.



حرفهای بسیاری زد و همه بر روی نوارهای مغناطیسی ثبت شدند. اما بعضی جمله ها هستند که حتی در ذهن نیز، از متن پررنگ تر می نمایند و انگاری با فونت درشت تری ثبت شده باشند و مثل یک تیتیر یا سوتیتر در ذهن حک می شوند. از جمله این یکی، که همان شب بارانی گفت: «آنچه مهم است این که این مردم باور دارند که برای پاسداری از رأی و نظرشان، تا پای این محاکمه رفته ام... شاید کمی کوتاه آمدن و... کار را به اینجا نمی کشانید... مهم این است که محبت این مردم، باران رحمت است و من اکنون مرهون آن باران رحمت و عاطفه ام... نمی دانی چه وسعتی دارد، اعتمادی که مردم به خدمتگزاری ابراز می کنند».

تاجزاده آن شب اعتراف کرد که «زیر باران ایستاده است» و هرگز مانند مسافران خواب زده، به زیر سقف و چادر پناه نخواهد برد: «دارم داغان می شوم. مثلاً بعضی از دوستان فکری ام که خودشان هم به رغم پست و مقامهایی که دارند، غالباً مشکلات مالی دارند، این روزها به صرافت افتاده اند تا چنانچه من به زندان رفتم، برای خانواده ام خانه ای اجاره کنند... مردم، هر کجا مرا می بینند ابراز همدلی می کنند و با یک "خسته نباشی"، و "کوتاه نیایی" خستگی را از جانم به در می کنند...»

بارانِ باطراوت بهاری، مسافرانِ نوروزی خوابیده در فضاهاى سبز و خیابانها را
اول کمی دستپاچه و حتى عصبانى کرد. اما کمی بعد، بعضى مسافران با لذت و
تحسین، برخاستند و به قدم زدن زیر باران پرداختند.

طبیعت، ذائقه‌هاى گوناگون و متفاوتى را تجربه کرده است. بعضى از این
مسافران، باران را به مثابه یک بلای آسمانى مى‌نگرند. که خوابشان را خراب مى‌کند
و نمى‌گذارد «سیر» دلشان بخوابند. و برای عده‌ای دیگر، «باران» نزول رحمتی است
که همه، زیبایی و طراوت و نعمت است. آنها «زیر باران» مى‌خوابند. زیر باران
مى‌خوانند. زیر باران عاشقى مى‌کنند و زیر باران مى‌مانند، تا ابد.



سیدمصطفی تاج‌زاده جزو همان عده معدودی است که تا باران شروع به باریدن
کرد، خود و هستی‌اش را برای خدمت به مردمی که دیوانه‌وار دوستشان دارد وقف
کرد و آنچه را که دغدغه مردم بود، به دغدغه اصلی خود تبدیل کرد.
از همان هنگام، او غالباً مزه باران لطف مردم را چشیده است. و این روزها،
همواره برای او، روزهای بارانی و باطراوتی بوده‌اند.

گفت و گو با سید مصطفی تاجزاده

سوم فروردین ماه ۱۳۸۰ - مشهد

• دیده‌ام که حافظ هم می‌خوانید. برای من جالب است که در این «هیر و ویر» محاکمه‌تان، ایام نوروز هم به شیراز آمده‌اید و به دیدن حافظیه و آرامگاه سعدی شیرازی می‌روید. این سفر را از قبل از محاکمه‌تان برنامه‌ریزی کرده بودید؟

○ مدتها بود دوست داشتم با خانواده به شیراز بیایم. علاقه به حافظ هم گفتن ندارد. عشق مشترک همه ما ایرانی‌ها است. غزلیاتش غالباً ترجمان لطیفی از حال و احوال ماست. همین است که همه ما ایرانی‌ها، حافظ را طور دیگری دوست داریم

• فال هم می‌گیرید؟ به فال حافظ هم اعتقاد دارید؟

○ چه سؤالهایی می‌کنی؟ فکر می‌کردم اولین سؤال‌هایت درباره دادگاه و حکم قاضی و اینها است. گرچه این قدر این روزها به چنان سؤالاتی پاسخ داده‌ام که سؤالات درباره حافظ و فال حافظ برایم جالب است. او آن قدر زیبا و عمیق شعر گفته که هر کس بسته به مافی‌الضمیرش و بسته به آنچه که در نهان دارد، تصویر خود و دلمشغولیهای خود را درون آن اشعار حافظ می‌بیند.

• اخیراً فال حافظ هم گرفته‌اید؟

○ راستش... نه! اما دوست عزیزم سراج‌الدین میردامادی فالی زده بود. همان غزل را برایم فرستاد که به این بیت ختم می‌شد «حافظ چه نالی، گر وصل خواهی... خون بایدت خورد درگاه و بیگاه»

• عجب! باید اعتراف کنم که حسودیم تحریک شد. حافظی که من شناختم، غالباً به این صراحت حرف نمی‌زند. خب: حالا اگر موافق باشید می‌روم سراغ همان سؤالات که این روزها زیاد از شما می‌شود.

آقای تاج‌زاده! در طول بودن مختصرم با شما و در خلال دفاعیاتتان در دادگاه، دیده‌ام که خیلی به رأی مردم و ابزار و لوازم حکومت مردمسالارانه تکیه می‌کنید. در حقیقت این اصرار شما بر رأی مردم و سلامت نظر آنان، حتی اگر نتایج غیرقابل پیش‌بینی هم داشته باشد، برای من یک مسأله جدی است. چرا این قدر به رأی مردم تکیه می‌کنید؟

○ تکیه‌ام روی مردم و نظری که دارند، از یک اعتقاد قلبی و نشأت می‌گیرد. من در این باور خود آن قدر صادق هستم که بتوانم ثابتش کنم. فکر می‌کنم اصلاً یکی از امتیازات انقلاب ما، همین نگاه و اعتقادی است که صادقانه به رأی مردم داشته است. به نظر من انقلاب موفق به همراه خود تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی فراوانی به ارمغان می‌آورد که یکی از مهم‌ترین آنها، «آزادی» است. در حقیقت خواسته اولیه هر انقلابی، رهایی از نظام سابق است و منبعث از اراده‌ای است که از آزادی ریشه گرفته و به آن معطوف است. بدون «اراده معطوف به آزادی» هیچ انقلابی محقق نمی‌شود. در انقلاب اسلامی نیز آزادی در بعد ملی و فردی در چارچوب یک نظام، یعنی جمهوری اسلامی مورد درخواست مردم مسلمان ایران قرار داشت که تجلی‌اش در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» دیده می‌شود.

• این آزادی مقدس، خواسته امروز و دیروز ملتها و مردم ما نیست. به نظر شما مردم ما پیش از آن که انقلاب کنند و خود، بنای جامعه مردمسالار دینی را بسازند، چه نسبتی با مقوله‌ای به نام تعیین سرنوشت خویش داشتند؟ چه نسبتی با انتخابات داشتند؟

○ ببینید! این امتیاز بزرگی است که انقلاب اسلامی در اولین روزهای پیروزی، همه‌پرسی ترتیب داد که ذهنیت مردم ایران نسبت به مقوله رأی‌گیری را تغییر داد. نگاهی به این رفراندوم که بیش از ۹۸ درصد مردم کشور به جمهوری اسلامی رأی سبز دادند، و بررسی ویژگیهایی که داشت، نشان می‌دهد که آن ویژگیها پیش از آن

وجود نداشت. رفراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، به صورت یک انتخابات آزاد، غیرفرمایشی و با نگاه احترام به رأی ملت و جدی بودن حضور و مشارکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی خود برگزار شد. از همان روز این سنگ بنا گذاشته شد که مردم خود انتخاب کنند و خود با امانتداری تمام، انتخابات را برگزار نمایند و آن خاطره‌های تلخ در خصوص انتخابات فرمایشی قبل از انقلاب خیلی زود از اذهان مردم مازدوده شد. طی ۲۱ انتخابات گذشته در جمهوری اسلامی، همه مردم به نتایج انتخابات صحنه گذاشته‌اند و به غیر از معاندان و مخالفان، هیچ‌کس در واقعیت این امتیاز انقلاب اسلامی، تردیدی به خود راه نداده است.

• همه انتخابات گذشته از نظر شما سالم برگزار شده‌اند؟

○ همه ۲۱ انتخابات گذشته، سالم برگزار شده‌اند.

• حتی انتخاباتی مثل مجلس چهارم، که با موج رد صلاحیتها، عده‌ای از همفکران شما از ورود به عرصه انتخابات محروم شدند و جناح چپ به کلی از ورود به مجلس بازماند!

○ بله. توضیح می‌دهم. چون در همان ایام هم من و بسیاری از دوستانم معتقد بودیم که «انتخابات» سالم برگزار شد. البته آن رد صلاحیت‌های غیرقانونی را می‌شود جزو پروسه کلان انتخابات دانست و نقد کرد، اما منظور من بیشتر به مقوله رأی‌گیری و اصل «انتخاب مردم» برمی‌گردد. در این پروسه، رأی مردم همان بود که دیدید. مردم در سال ۱۳۷۱ (مجلس چهارم) نخواستند که «چپ» به مجلس برود. اگرچه رد صلاحیت‌های گسترده، قبلاً امکان ورود نیروهای جناح چپ را خود به خود کم کرده بود. اما در پروسه رأی‌گیری، رأی مردم در مجموع دست نخورد و انتخابات سالم برگزار شد.

• عجب! نظر شما جالب است. شما واقعاً آن موقع، که در برگزاری انتخابات نقشی مثل رئیس ستاد انتخابات کشور نداشتید و حتی دوستانان هم رد صلاحیت می‌شدند، همین نظر را داشتید؟

○ بله و آنرا اعلام هم کردیم. حتی بعضی دوستان و همفکران به ما انتقاد می‌کردند. اما اعتقاد ما این بود که مردم نظر خود را با رأیی که می‌دهند می‌گویند. در

مجلس ششم، همان مردم به این نظر رسیدند که مجلس را با نمایندگان فعلی تشکیل دهند. همه حرف من این است که باید به رأی مردم احترام گذاشت و این بزرگترین خیانت است که چون دوستان من به مجلس نرفته‌اند، اصل انتخابات را مخدوش اعلام کنم و رأی مردم را به هیچ بگیرم.

• بعضی رد صلاحیتها هم به نظر شما به سالم بودن انتخابات گذشته خدشه وارد نکردند؟

○ عرض کردم. رد صلاحیت‌های غیرقانونی را من تأیید نمی‌کنم. اما آن مسأله، مربوط به مرحله پیش از رأی‌گیری است. در طول همه انتخابات گذشته، کار رأی‌گیری و شمارش آرا و تمهیداتی که برای دقت در آن اندیشیده شده، ضریب خطا را به حداقل ممکن رسانده. لذا است که می‌گویم انتخابات ۲۱ دوره گذشته سالم بوده‌اند و به دلایلی، انتخابات مجلس ششم سالم‌ترین انتخابات بوده است. تأکید می‌کنم که در مورد انتخابات مجلس ششم مهم‌ترین و شاید تنها وظیفه اسلامی و ملی خود را، پاسخگویی به شبهاتی می‌دانم که درباره سلامت و صحت برگزاری این انتخابات مطرح شده است. بالاخص در انتخاباتی که به علت مسؤولیت ستاد انتخابات کشور، از نزدیک در جریان برگزاری آن بوده‌ام و برگزارکنندگان آن صمیمانه به امانداری و پاسداری از آرای مردم کمر همت بسته بودند و اکنون به خاطر آن مجازات می‌شوم.

• همه به یاد می‌آورند این سخن معروف شما را که گفتید «من متهم سربلندی هستم». آن روزها زیاد می‌شنیدم که مردم با اشاره به عکسهای بشاش و پر خنده شما در مطبوعات، می‌گفتند او هرگز به متهمین و مجرمین واقعی شبیه نیست. معلوم است که خنده شما نه از روی رضایت از محاکمه، بلکه به نشانه دهن کجی به امثال منافقین است که رأی مردم را بر نمی‌تابند.

○ آنان که بناحق این انتخابات را مخدوش می‌خوانند، باید پاسخی شایسته در محضر خدا و جوابی قانع‌کننده برای ملت ارائه کنند و آنان که به صورت غیرقانونی حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی را ابطال و در نتیجه فهرست منتخبین مردم تغییر یافت، باید محاکمه شوند، نه من. در هر حال این من هستم که باید در محضر

خدا شاهد پاسخگویی کسانی باشم که حتی در بهترین شکل قضیه، یعنی تبرئه من از اتهامات ناروا، باز با آبروی نظامی بازی کرده‌اند که برگزاری انتخابات سالم، آزاد و قانونی در دو دهه، بزرگترین امتیاز بارز آن نزد دارندگان وجدان سالم بوده است؛ امتیازی که زیباترین شکل آن در انتخابات مجلس ششم تجلی یافت و خاطره آن در اذهان مردم ایران به شیرینی و بافتخار باقی خواهد ماند. این انتخابات برای همه مایه افتخار بود و هست. حتی کسانی که یکی از فرزندان انقلاب را که با انجام صحیح وظایفش در مقام رئیس ستاد همان انتخابات در این «پیروزی ملت» و این «آیات نصرت الهی» سهمی کوچک داشت، به اتهامات واهی محکوم کردند، چه بسا در آینده اعتراف کنند که انتخابات مجلس ششم، نقطه درخشانی در کارنامه انقلاب اسلامی بود. همچنان که اکثریت قاطع ملت ایران چنین می‌گویند و همان‌طور که امروز هم کسانی از آنان در خلوت خویش با خدای خود به این واقعیت اذعان دارند و بعضاً از بیان آن در محافل خود، همین امروز هم ابا و امتناعی ندارند. گرچه حکم نهایی با خدا است که او احکم الحاکمین است.

• با این حرفها که تا به حال گفته شد، باور شما به رأی مردم به باور ما هم نشست. می‌گویند بی آن که تلاش ویژه‌ای بطلبید، باور واقعی به باور مخاطبین منتقل می‌شود و بر دلها می‌نشیند. گمانم درباره حرفهای شما همین‌طور شد.

○ ببینید! من اگرچه به عنوان یکی از فرزندان انقلاب، در عرصه‌های سیاسی منتقدانی دارم. اما حتی سرسخت‌ترین مخالفان سیاسی من نیز که از مبانی عقیدتی و نسبت من با انقلاب اطلاع دارند، می‌دانند که احترام به انقلاب و امام و مردم و نیز هر آنچه قوام و دوام جمهوری اسلامی بدان وابسته است، چیزی نیست که من امروز به آن دست یافته باشم و زندگی شخصی من هم روشن‌تر از آن است که حتی یکی از آنان، شانه‌ای در این زمینه مطرح کرده باشد. من با این تفکر رشد کرده‌ام و منش من چنین بوده است و با همین تفکر، مخدوش کردن آرای مردم را خیانت به انقلاب و مردم کشورم دانسته‌ام و می‌دانم. اما دامن زدن به این توهم که انتخابات تهران مخدوش بوده است و یک انتخابات سالم و پرنشاط را به ناحق وارونه جلوه دادن، حمایت از مردم و نظام است؟ آری، به اعتقاد من هم مخدوش کردن آرای مردم جرم

بزرگی است، اما تهمت ناروا به یکی از فرندان انقلاب زدن و انتخاباتی سالم را مخدوش جلوه دادن و کام شهروندانی را که خود شاهد سلامت انتخابات بوده‌اند و هنوز هم، با اشتیاق و رضایت قلبی به صحت آن و به حفظ و پاسداری آرای خود توسط مسؤولان اجرایی گواهی می‌دهند، به ناحق تلخ کردن و بذر یأس و بدبینی نسبت به انتخابات و مسؤولان را در دل آنها پاشیدن نیز حتی اگر در این دنیا بی‌پاسخ بماند، در محضر خدا که ناظر بر اعمال ما بوده و هست و خواهد بود، بی‌جواب نخواهد ماند.

• فکر می‌کنید در دفاع از سلامت انتخابات مجلس ششم موفق شدید؟

○ تصور می‌کنم تا حدود زیادی موفق شدم. هرچند نتوانستم از حداقل حقوق قانونی یک متهم، آن هم نه برای اثبات بی‌گناهی خویش، بلکه به منظور پاسداری از رأی مردم و دفاع از سلامت انتخابات ۲۹ بهمن استفاده کنم. با این همه خدا را شکر می‌کنم که تا حد زیادی آن هدف برآورده شد.

• درباره شرایطی که انتخابات مجلس ششم را در آن برگزار کردید، بگویید. راستش شرایط آن روزها، کار قضاوت را آسان‌تر می‌کند.

○ آن انتخابات در فاصله ۷ ماه از فاجعه کوی دانشگاه برگزار می‌شد که بسیاری از ناظران جهانی احتمال وقوع نابسامانیهای زیادی در آن می‌دادند. با این حال انتخابات با بهترین شرایط، یعنی آزاد، قانونی و امن برگزار شد. ۲۷ میلیون شهروند ایران اسلامی در آن شرکت جستند که خود گویای رقابت گسترده همه جناحها و گروههای سیاسی و مشارکت همه مردم در آن بود. ۵۰۰ هزار تن از همین مردم شریف، عموماً از قشر فرهنگیان و اهالی محترم مساجد امر برگزاری انتخابات را در سراسر کشور بر عهده داشتند. شرایط امنیتی در بهترین حد و استاندارد رعایت شد، آن‌طور که بیش از ۴۰۰ خبرنگار خارجی، اخبار انتخابات را پوشش می‌دادند. منافقین و گروههای برانداز که از طریق رادیو، تلویزیون، نشریات و حتی اینترنت به تبلیغ علیه مردم ما مشغولند، بر حجم هتاکی علیه کشورمان افزودند و از ابتدا تلاش کردند مطابق معمول، این انتخابات را نیز به شکلی زیر سؤال ببرند.

• چرا دادگاه نسبت به تقاضای شما در دعوت از شهودی که خواسته بودید

تمکین نکرد؟

○ علتش را از دادگاه باید پرسید. من چند بار این انتقاد را در نامه‌هایم به رئیس قوه قضائیه اعلام کردم. حضور شهود از جمله حقوقی است که می‌توانست سستی ادعای دشمن‌پسند مخدوش بودن انتخابات را در محضر دادگاه و افکار عمومی روشن کند. بدیهی است فصل الخطاب داوری در باب هر اتهامی به لحاظ عملی، قوه محترم قضائیه است و اجرای هر حکم قضایی نشانگر قدرت هر حکومتی است، اما رأی هر دادگاهی به لحاظ مشروعیت مردمی، نیاز به اقناع شهروندان دارد و حمایت افکار عمومی از احکام، نشانه اقتدار حقیقی نهاد قضایی است. بنابراین مرجع قضایی باید به گونه‌ای عمل کند که احکام آن، به ویژه در مورد پرونده‌های ملی، در چارچوب موازین قانونی و ضمن رعایت عدالت، با نظر مردم که صاحبان اصلی کشورند، در تعارض نباشد، در آن صورت توسعه قضایی به معنای واقعی کلمه محقق می‌شود.

● برگردیم به بحث اولیه‌مان درباره «رأی مردم». در این باره بیشتر بگویید. بیشتر گفتن شما، این حسن را دارد که باور شما را در این باره، بیشتر توضیح می‌دهد.

○ افتخار بزرگ کشور، ملت و نظام ما امروز آن است که خواست مردم از طریق «رأی» و در چارچوب قانون اساسی کشور محقق می‌شود. مردم پای صندوقهای رأی حرف می‌زنند و این اعتماد را هم دارند که رأی آنان مبنای تثبیت نظام، سربلندی کشور و اصلاح امور است. این فرصتی تاریخی برای کشور ماست. شاید هم از فرصتهای معدود تاریخی باشد که اعتماد مردم ایران به خود، اعتماد به نظام سیاسی و اعتماد به یک نگرش و برنامه فصل مشترک‌هایی یافته است. این اعتماد مایه عزت و ثبات نظام و به همان نسبت اسباب نگرانی و خشم معاندان و دشمنان انقلاب اسلامی است. این که منافقان از حماسه سی میلیونی دوم خرداد به عنوان «فتنه خاتمی» یاد می‌کنند، نشانه همین واقعیت است.

● بعد از همان انتخابات دوم خرداد هم، مقام رهبری از آن به عنوان لطف الهی یاد کردند. همان‌طور که انتخابات مجلس ششم و حضور مردم را آیات نصرت الهی نامیدند. شاید این سپاسهای ایشان، پیامی برای دیگران است، که گاهی درک نشده است.

○ بله. پاسداشت این نعمت، درک صحیح آن و فراهم کردن زمینه‌های تحقق این اصلاحات در همه زمینه‌ها و بانگ‌رَش و عزمی اسلامی و ملی است. اصلاحات بعد از رأی مردم، برنامه و مسؤولیت همه قوا و نهادهای کشور است، باید دست به دست هم دهیم و آن‌را پیش ببریم، نه با سوء ظن و اعمال نسنجیده، این فرصت بزرگ را از دست دهیم.

● اصلاً ماجرای «فتنه خاتمی» که پس از حضور ۳۰ میلیونی مردم در انتخابات دوم خرداد از طرف منافقین ساز شد، زیر سؤال بردن همین حضور و اعتماد مردم بود. تحلیل آنها از «فتنه خاتمی» چه بود؟

○ آنها می‌گفتند آمدن خاتمی به صحنه، یک فتنه دیگر نظام جمهوری اسلامی است تا به واسطه او، بار دیگر تجدید اعتبار کند و از این حرف‌ها. سپاسگزاری مقام رهبری را هم نشانه پیروزی نظام در این فتنه معرفی می‌کردند.

در انتخابات مجلس ششم هم تلاش بسیاری کردند اصل انتخابات مردمی را زیر سؤال ببرند. انواع اتهامات را سرازیر کردند، که کمترین آنها اتهام همیشگی «تقلب انتخاباتی» بود.

● چند نمونه در این مورد دیده‌ام. روی اینترنت و توی روزنامه‌ها. اما جالب است که در این فرصت شما نمونه‌هایی را که سراغ دارید بیان کنید:

○ ببینید! مواضع منافقین و مواضع سایر گروه‌های برانداز نظام در قبال انتخابات مجلس ششم در حجم انبوهی قابل دسترسی است. در همین اینترنت که گفتید و امثالهم می‌توان یافت. اما من هرگز در دادگاه از آنها استفاده نکردم چون مهم تلقی می‌شدند. گرچه بعضی حرف‌ها، بسیار معنادار بودند.

● حالا که دادگاه تمام شده، گفتن مواضع منافقین به روشن شدن اذهان کمک می‌کند.

○ از مواضع منافقین شروع می‌کنم که پس از انتخابات ۲۹ بهمن شروع به هجوم تبلیغاتی گسترده‌ای علیه نظام کردند. سلسله اطلاعیه‌هایی صادر کردند. اول گفتند «رأی‌سازی نجومی و تقلبات بی سابقه که باعث جدال... شده» و براساس «مشاهدات عینی» گفتند فقط ۱۷ درصد واجدین شرایط رأی داده‌اند. (۱۳۷۸/۱۲/۳)

نشریه مجاهد (شماره ۴۸۲) نوشت: «بعد از چند روز، تب تند انتخابات خوابید و آن "حماسه بزرگ" تبدیل به "رسوایی بزرگ" شد، این تقلبات مخصوص یک باند نبود و همه هر کاری که می‌خواستند کردند...» (۱۳۷۸/۱۲/۷)

اطلاعیه دیگر فرقه رجوی این نیش تند را دارد: «اعترافات شورای نگهبان، طرفداران استحاله و حفظ این نظام... را بار دیگر به طور اساسی بور می‌کند». و روز ۱۳۷۹/۱/۲۳ در اطلاعیه دیگری گفتند: «شورای نگهبان با صدور اطلاعیه‌ای تهدید کرد قصد ابطال نتایج انتخابات در حوزه‌های بیشتری را دارد... در چنین اوضاعی، اطلاعیه شورای نگهبان بیش از پیش سرنوشت انتخابات مجلس... را در ابهام فرومی‌برد».

در مطلب بعدی، منافقین با اشاره به اظهارات شورای نگهبان که اختلافات فاحش آرا در بازشماری، در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته، گفته‌اند: «چه کسی است که اندک آشنایی با واقعیات سیاسی ایران تحت حاکمیت... داشته باشد و نداند که همه این موارد و بسی فراتر و بیشتر از آن، روال معمول تمام نمایشهای انتخاباتی رژیم بوده است». و اضافه کرده‌اند: «آنچه مقامهای رژیم از آن به عنوان "افتضاح بزرگ سیاسی" یاد می‌کنند، همان است که در بدو امر "حماسه بزرگ بهمن" خوانده می‌شد». (چشم‌انداز، شماره ۲۳، ۱۳۷۹/۲/۱۹). باز هم بخوانم یا کافی است؟

• این بخش آخری، اشاره به سرمقاله‌ای دارد که آقای لاریجانی در رسالت نوشت؟ و انتخابات را یک افتضاح بزرگ سیاسی لقب داد؟

○ بله. به همان اشاره دارد و می‌بینید که چه اشاره گزنده‌ای هم دارد. من در تمام مدت، هرگز زیر بار این نرفتم که رأی مردم خدشه‌ای پذیرفته است. زیرا دشمنان ما، هیچ‌کدام به کمترین قواعد بازی وفادار نیستند. معتقدم که انتخابات با خطای اجتناب‌ناپذیری کمتر از ۲ درصد آن هم در تعداد بسیار کمی از صندوقها برگزار شد. این خطای ناچیز، با آن همه رخدادها که در آستانه انتخابات روی داد، قابل پذیرش و به قول قاضی دادگاه هم «معفو» است.

اما خدشه‌دار بودن انتخابات تهران و تقلب انتخاباتی در آن، هرگز پذیرفتنی نیست زیرا جفا به همه مردم است. در این باره آمارهای گویایی در خلال جلسات

دادگاه و دفاعیاتم ارائه کرده‌ام که چون از تکرار آنها حذر دارم، شما را به آنها ارجاع می‌دهم. همه گویای این ادعا است که انتخابات تهران سالم‌ترین انتخابات ۲۱ دوره پیش بوده است.

• از شما در روزنامه ایران خبری منتشر شد مبنی بر این که «اگر عقل جمعی بپذیرد، تقاضای تجدید نظر خواهم داد». بعضیها گفتند این یعنی تغییر موضع تاج‌زاده. نظر خودتان چیست؟

○ من از همان وقتی که دیدم حکم دادگاه با آن عجله و سرعت مثال‌زدنی و کم‌سابقه صادر شده و بنابر محکومیت من قرار گرفته است، و نیز بنابر تشکیل دادگاه آیت‌الله جنتی نیست، تصمیم گرفتم که از دادن تقاضای تجدید نظر خودداری کنم. به هر حال ظواهر امر حکایت از عدم توجه به حقوق اینجانب به عنوان یک شهروند داشت، چه رسد به تلاش برای تبرئه وی. اما به احترام «خرد جمعی» و «خواست» وزیر محترم کشور، تقاضای تجدید نظر کردم.

• خوب با این تحلیل شما، ظاهراً در هدف اصلی‌تان یعنی اثبات سلامت انتخابات موفق شده‌اید. این بایستی خوشحال‌کننده باشد.

○ تحلیل من این بود که چون دادگاه نمی‌خواهد بپذیرد که آقای جنتی و دوستانشان حدود ۷۰۰ هزار رأی از آرای شهروندان تهرانی را به صورت غیرقانونی باطل کردند و به این وسیله موجب تغییر در فهرست منتخبین مردم شدند، لاجرم مرا محکوم خواهند کرد. چرا که به نظر آنان، برائت من به معنای اذعان به غیرقانونی بودن اقدام آیت‌الله جنتی و دوستانشان بود. همچنین برائت من ادعای ایشان بر مخدوش بودن انتخابات تهران و توجه تفصیر انتخابات به ستاد انتخابات کشور را ناموجه می‌کرد، لذا آقایان ظاهراً چاره‌ای ندارند جز آن‌که در اثبات نظر آقای جنتی، قائل به مخدوش بودن انتخابات شوند و مرا نیز مجرم بخوانند. وقتی قاضی به سختی و پس از اصرار من اجازه می‌داد که در خصوص اقدامات غیرقانونی آقای جنتی صحبت کنم، طبیعی بود به دلایل و مستنداتم در اثبات صحت انتخابات پرشکوه مردم تهران که کاشف از اقدامات خلاف قانون ایشان است، توجه ننماید.

• آقای تاج‌زاده! راستش فکر می‌کنم اگر شما به زندان بروید باید حسابی از دست رئیس‌جمهور دلخور شد. ایشان به جز سخنرانی دوشنبه ۲۴ بهمن که

به طور عمومی از مسؤولان وزارت کشور — و شما — قدردانی کردند، دیگر اقدام واضحی انجام ندادند. آن طور که حداقل مردم خیالشان راحت شود که مملکت ما، صرفاً مملکت تنبیه نیست. بلکه مدیران موفق تشویق هم می شوند. یا شاید کاری کرده اند و ما خبر نداریم.

○ چرا اینها را از من می پرسی؟ خودت می دانی که آقای خاتمی هر چه از دستش برمی آمد انجام داد. علاوه بر این اگر من چیزی هم از نگرانیها و دغدغه های آقای خاتمی بدانم، آن را برای خودم خرج نمی کنم.

● من اصرار دارم که این مرتبه خرج کنید. گرچه معتقدم که گفتن این مسأله، مطلقاً خرج کردن از کیسه رئیس جمهور نیست.

○ اجمالاً می گویم که ایشان یک نامه مستقل و دو پی نوشت در مورد اینجانب و نحوه دادرسی برای رئیس محترم قوه قضائیه و وزیر محترم کشور ارسال کرد.

● درباره جایگاه قانونی ستاد انتخابات کشور بگویید. این که رئیس آن — که شما باشید — چه مسؤولیتهایی دارد؟ و دامنه کاری آن تا کجاست؟ و اساساً آیا یک رئیس ستاد انتخابات، می تواند مرتکب تقلب و تخلف در انتخابات شود؟ چون در آن صورت باید به خیلی از انتخابات گذشته تردید کرد.

○ به بررسی اهم وظایف ستاد انتخابات کشور به نحو مختصر می پردازم تا معلوم شود که ستاد مذکور از لحاظ اجرایی اصولاً در امر انتخابات دخالت ندارد تا بتواند مرتکب تخلف یا جرم گردد. ستاد انتخابات کشور که با دستور وزیر کشور آغاز به کار می کند، نهادی است فاقد شخصیت حقوقی مستقل و تنها به طور موردی به عنوان یک ستاد به منظور هماهنگی، و پشتیبانی ستادهای انتخابات استانها و مراکز حوزه های انتخابیه فعالیت می کند و، به هیچ ترتیبی واجد مسؤولیت اجرایی یا نظارتی نیست. آیین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس وظایف متعددی برای ستاد انتخابات کشور بر شمرده است که اولاً کلیه این وظایف برای ایجاد هماهنگی، پشتیبانی و ارائه خدمات مربوط به انتخابات می باشد و ثانیاً عدم انجام هر کدام از تکالیف مقرر به هیچ وجه در قانون انتخابات مجلس یا قوانین عادی دیگر جرم تلقی نمی گردد.

• پس با این تفصیل، ستاد انتخابات حقیقتاً کار ستادی — و نه صف و اجرایی — می‌کند؟

○ دقیقاً! وظایف ستاد انتخابات کشور حاکی از آن است که از طرف ستاد به طور کلی هیچ امکانی برای ارتکاب جرائم انتخاباتی وجود ندارد. حقیقت آن است که ستاد انتخابات کشور متشکل از کارشناسان ادارات کل انتخابات، حقوقی، سیاسی، تقسیمات کشوری، امنیتی و... است که در کنار یکدیگر برای مدتی مشخص اقدام به ارائه خدمات و پشتیبانی مراکز حوزه‌های انتخابی سراسر کشور می‌نمایند. در شکایت آیت‌الله جنتی از ستاد انتخابات، به صورت روشن معلوم نشده است که کدام یک از دوایر و افراد مشغول به کار در ستاد انتخابات کشور مقصر در انتخابات تهران می‌باشند؟ دقت در برخی مواد قانون و آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس در خصوص وظایف ستاد انتخابات کشور می‌تواند ثابت کند اتهام انجام عمده تخلفات به وسیله ستاد مذکور و پس از آن درخواست از قوه قضائیه به این که «تا آثار و ادله و قرائن و شواهد جرم محو نشده سریعاً به تخلفات رسیدگی کند» تا چه حد بی‌پایه است.

• اگر ممکن است به اختصار — نه آن‌طور که شماره مواد قانونی را خواندید — شرح وظایف ستاد انتخابات کشور را بیان کنید.

○ حتماً! اهم وظایف ستاد را مسلسل وار می‌گویم. که رعایت اختصار هم شده باشد.

۱. برنامه‌ریزی، هماهنگی و پشتیبانی ستادهای انتخابات استان و ۲۰۷ مرکز حوزه انتخابیه سراسر کشور.

۲. حصول اطمینان از وصول دستور شروع انتخابات از سوی ستادهای انتخابات و مراکز حوزه‌های انتخابیه سراسر کشور.

۳. حصول اطمینان از تشکیل هیأت‌های اجرایی مراکز اصلی و فرعی حوزه‌های انتخابیه کشور و ثبت نام داوطلبان.

۴. جمع‌آوری اسامی داوطلبان ثبت نام کرده در مهلت مقرر در مراکز ثبت نام و ارسال مشخصات دقیق آنها به مراجع چهارگانه (نیروی انتظامی، قوه قضائیه، ثبت احوال و وزارت اطلاعات).

۵. اخذ نتایج نهایی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان از شورای نگهبان و اعلام به هیأت‌های اجرایی.

۶. اخذ نتایج انتخابات از حوزه‌های سراسر کشور و اعلام آن از طریق رسانه‌های گروهی.

۷. صدور دستورالعملها، بخشنامه‌های لازم پیرامون اجرای صحیح قانون و آیین‌نامه اجرایی آن به مراکز حوزه‌های انتخابیه.

۸. پاسخگویی به سؤالات و ابهامات مسؤولان اجرایی انتخابات در چارچوب قانون و آیین‌نامه اجرایی آن.

۹. تهیه و تأمین فرمها و وسایل و لوازم اداری مورد نیاز شعب اخذ رأی سراسر کشور به صورت متحدالشکل.

• خب با این‌که دیگر اظهر من الشمس است که یک رئیس ستاد با این شرح وظایف، تا چه اندازه امکان تقلب و دست بردن در آرای مردم را خواهد داشت یا نه؟ از این موضوع می‌گذریم و احاله می‌کنیم داوری درباره آنرا، به خوانندگان این گفت‌وگو. حالا سؤال دیگر این است که وقتی شورای نگهبان پی به خدشه در برخی صندوقها برد، چرا انگشت اتهام را متوجه درون ستاد انتخابات کشور و بخصوص شما به عنوان رئیس ستاد کرد؟

○ این سؤال، سؤال ما هم بود. قاعدتاً نهاد مجری انتخابات، وزارت کشور است. یعنی رأس هرم نهاد اجرایی، وزیر کشور است. اعضای صندوقها هم که مشخص است کف این هرم قرار گرفته‌اند. این وسط جایگاه معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور کجاست؟ در میان این دو. این طور نیست؟

سؤال ما این بود که چرا یا از بالا یا کف هرم شروع به تحقیق و محاکمه نکردید؟ گرچه وزیر کشور که با کمترین اختیارات اجرایی نسبت به صندوقهای رأی، در رأس هرم قرار دارند و کمترین گناه را در اشتباه و خطای مجریان صندوقهای رأی دارند. نمی‌خواهم از زیر بار مسؤولیت شانه خالی کنم. اما چنان‌که گفتم کارهای محوله و شرح وظایف ما آن قدر مشخص و کلی و ستادی است که انصاف نیست اشتباهات تعداد اندکی صندوق به حساب ما گذاشته شود.

هرچند من با علم به این‌که در انتخابات مجلس ششم، همان اشتباهات در صندوقها هم به حداقل ممکن رسیده و کمتر از ۲ درصد بود، مسئولیت کلیه امور ستاد انتخابات کشور را بر عهده گرفته و از صحت انتخابات دفاع کرده‌ام. دفاع من از صحت انتخابات، نه امری مبتنی بر احساسات، بلکه کاملاً مستند به اطلاعات و مدارک است و برای پاسداری از رأی مردم صورت می‌گیرد.

من به سلامت انتخابات تهران باور دارم و حتی در حکم دادگاه نیز از بابت دست بردن در رأی مردم، محکوم نشده‌ام.

در واقع دادگاه می‌بایست اعلام می‌کرد که کدام یک از وظایف رئیس ستاد انتخابات کشور توسط اینجانب مورد غفلت قرار گرفته و انجام نشده است و ادله آن چیست؟

• بحث دیگری که لازم است درباره آن روشن‌تر شویم مسأله مباشرین و معاونین جرم است. شما را به اتهام معاونت در مخدوش کردن آرای مردم محاکمه کردند. مباشرین کدامند؟

○ در مورد اتهام معاونت در مخدوش کردن آرا، صرف نظر از این‌که اکثر قریب به اتفاق صندوقها غیرقانونی باطل شده‌اند، دادگاه باید مشخص می‌کرد که مباشر این جرم چه شخصی یا اشخاصی هستند و دلایل توجه اتهام به آنان چیست؟ علاوه بر آن مطابق تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی برای تحقق جرم معاونت و حدت قصد بین مباشر و معاون و تقدم یا اقتران زمانی بین عمل آنها ضروری است. به عبارت روشن‌تر برای این‌که معاونت در جرم در مورد کسی مصداق پیدا کند تحقق دو شرط لازم است: اول این‌که مباشر و معاون در ارتکاب جرم با یکدیگر تبانی نموده و دارای قصد واحدی باشند. و دوم این‌که بین عمل آنان تقدم و یا اقتران زمانی وجود داشته باشد.

مباشر یا مباشرین این جرم به فرض وقوع چه کسانی هستند؟ آیا اینجانب آنان را می‌شناسم؟ آیا دلیلی بر وجود وحدت قصد در مخدوش کردن آرای مردم بین من و آنها وجود دارد؟ آیا در تحقیقات و تفهیم اتهامی که از مسئولین شعبه‌های مختلف اخذ رأی در حوزه انتخابیه تهران به عمل آمده است، کمترین مطلبی که دلالت بر

وحدت قصد و تبانی بین آنان و اینجانب داشته باشد وجود دارد؟ آیا هیچ یک از آنان اظهار آشنایی با من کرده است؟ و بالاخره آیا در بین تمام افرادی که از آنها به عنوان متهم یا مطلع تحقیق شده، حداقل نامی از اینجانب برده‌اند؟ این چگونه معاونتی است که بین مباشر و معاون هیچ‌گونه تبانی، مراوده و حتی آشنایی وجود ندارد؟ اصولاً معاونت یک عنوان عاریتی است. تحقق بزه از جانب معاون فرع بر ثبوت آن از طرف مباشر است. هرچند ممکن است مباشر بنا به جهات و دلایلی مسئولیت کیفری نداشته باشد. علاوه بر آن مطابق ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری، شرکا و معاونین جرم باید در همان دادگاهی محاکمه شوند که مجرم اصلی در آن محاکمه می‌شود. آیا هیچ دلیل یا توجیه قانونی برای تفکیک کردن پرونده در مورد مباشر و معاون از طرف دادگاه وجود دارد؟ چرا مباشرین را در هیچ یک از جلسات دادرسی احضار نکردند؟ و چرا دادگاه به هیچ‌وجه مواجهه مباشرین احتمالی جرم و معاون آنها را ضروری نمی‌داند؟

● به «عجله دادگاه» اشاره کردید. این عجله آنقدر مشهود بود که حتی نماینده مدعی‌العموم ناچار شد همان روز صدور حکم، در مصاحبه با واحد مرکزی خبر درباره دلایل آن توضیح دهد. راستی علت این سرعت رسیدگی را در چیزی تحلیل می‌کنید؟

○ ظاهراً قاضی دلیل این عجله را استناد به ماده ۱۷ قانون انتخابات مجلس مستند کرد که می‌گوید رسیدگی به تخلفات انتخاباتی، به صورت فوق‌العاده صورت بگیرد. یعنی برای آن‌که هنگام برگزاری انتخابات اگر تخلفی صورت گرفت، باید خارج از نوبت و بلافاصله در وقت فوق‌العاده توسط دادگاه به جرائم انتخاباتی رسیدگی شود.

در صورتی که این ماده قانونی بابت این تمهید شده که وقفه‌ای در امر انتخابات و اعلام نتایج آن پیش نیاید. نه این‌که بعد از گذشت یک سال از انتخابات، و در حالی که نتایج اعلام شده و مجلس تشکیل شده، به همان ماده قانونی استناد و عمل شود و جلسات دادگاه را در اوقات فوق‌العاده صبح و عصر و گاهی به فاصله یک روز از هم برگزار کنند. طوری که به سختی اسناد و مدارک لازم و دفاعیات را بتوان تهیه و ارائه کرد.

این یک برداشت از قانون انتخابات بود. مثل سوء برداشتهای دیگری که در جریان همین محاکمه از مواد دیگر قانون شد.

● در نقد شما، می‌گویند چون عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت هستید، نمی‌توانید در امر برگزاری انتخابات بی‌طرف و امانتدار باشید. راست است؟

○ اولاً صرف عضویت در تشکلهای سیاسی نه تنها قابل نکوهش نیست، بلکه اصولاً در فرآیند توسعه سیاسی گریزناپذیر است. بارها گفته‌ام آنچه مهم است، عملکرد قانونی و ملی و بی‌طرفانه مدیران است. آقایانی که مرا به ترجیح منافع حزبی و جناحی بر وظایف قانونی متهم می‌کنند، آیا می‌توانند حتی یک نمونه ارائه کنند که اینجانب از حقوق شهروندی، از آن جهت که واجد گرایش یا وابستگی به جناح خاصی است، حمایت نکرده باشم؟ یا حق یکی از منتقدان خود را ضایع کرده باشم؟ ثانیاً منتقدین محترمی که بحث گرایش سیاسی مرا مطرح می‌کنند، خوب است توضیح دهند که از منظر آنها آیا هر کس که وابستگی حزبی و گرایش سیاسی دارد، نباید مسئولیت در انتخابات داشته باشد؟ یا این که فقط شخص من برای ریاست ستاد انتخابات صالح نیستم؟ تاکنون هر کس در مقام معاون سیاسی وزارت کشور، مسئولیت ستاد انتخابات کشور را عهده‌دار شده، دارای گرایش سیاسی بوده است.

ثالثاً گرچه در بسیاری از کشورها مدیران سیاسی که مسئولیت برگزاری انتخابات را بر عهده دارند، واجد تعلقات حزبی‌اند و در مقابل، ناظران انتخابات ضرورتاً بی‌طرف هستند، اما اگر این ادعا درست باشد که مسئولین برگزاری انتخابات نباید واجد گرایش حزبی و جناحی باشند، این حکم به طریق اولی در خصوص مراجع نظارتی نیز صادق است. هم‌اکنون اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری و همین‌طور اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی در شورای نگهبان انتخاب و معرفی شده‌اند. تحقیق کنید و ببینید از مجموع اعضای هیأت‌های مذکور چند یک نفر فاقد گرایش سیاسی و جناحی می‌باشند. در میان آنها چند نفر حامی دولت محسوب می‌شوند؟ آقایانی که این قدر دغدغه بی‌طرفی مسئولین انتخابات را دارند

و نسبت به کاهش مشارکت مردم بی‌مناکند، چرا کمترین انتقاد را نسبت به منصوب شدن اعضای هیأت‌های نظارت منحصرأ از گرایش خاصی به عمل نمی‌آورند و این امر را باعث کاهش مشارکت مردم در انتخابات اعلام نمی‌کنند؟

● منتقدان شما ضمناً می‌گویند ریاست شما بر ستاد انتخابات کشور به کاهش مشارکت مردم آسیب رسانده است. و برای مثال به همین انتخابات ششمین دوره مجلس اشاره می‌کنند.

○ ببینید! آمار و ارقام چیز دیگری می‌گوید. من از وقتی به وزارت کشور آمده‌ام، تا به حال سه انتخابات سراسری برگزار کرده‌ام. سومین دوره مجلس خبرگان که ۱۸ میلیون نفر در آن شرکت کردند و از قضا مورد تشویق بسیاری از همین آقایان منتقد قرار گرفتم. بعد، اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا بود، که با توجه به گستردگی نامزدها در حد عالی برگزار شد و ۲۴ میلیون نفر در آن شرکت کردند. نکته جالب این‌که شمارش آرای مردم تهران توسط رایانه صورت گرفت که هیچ خطا و اختلافی را به دنبال نداشت.

و بعد ششمین دوره مجلس که ۲۷ میلیون نفر در آن شرکت کردند و در حد دوم خرداد که ۲۹ میلیون نفر از شهروندان در آن شرکت کردند، یک حماسه بزرگ محسوب می‌شود.

کجای این آمارها نشان می‌دهد که به علت ریاست من بر ستاد انتخابات کشور، مشارکت مردم کاهش یافته است؟ مشارکت مردم وقتی کاهش می‌یابد که برخی نهادها به قانون و حقوق مردم تمکین نکنند. مشکل جای دیگری است.

● بعضیها هم می‌گویند وزیر کشور باید یکی دیگر از معاونان خود — غیر از معاون سیاسی اش — را رئیس ستاد کند. آیا این امر سابقه هم داشته است؟

○ طبق قانون از جمله وظایف معاونت سیاسی وزارت کشور، برگزاری انتخابات و همه‌پرسی عمومی است. اگر غیر از این باشد محل سؤال و تعجب خواهد بود و غیرقانونی است.

در طول ۲۰ سال گذشته، وزارت کشور معاونان سیاسی مختلفی به خود دیده که همگی دارای گرایشهای سیاسی بوده‌اند. تأکید قانون این است که مجریان و ناظران

انتخابات، مطلقاً در برگزاری انتخابات بی‌طرف باشند، نه آن‌که گرایش سیاسی نداشته باشند. اصل بر حفظ و امانتداری رأی مردم است.

• جای سؤال که باقی می‌ماند که، محاکمه شما چه ارتباطی با انتصاب مجددتان به ریاست ستاد انتخابات کشور برای انتخابات خرداد ۱۳۸۰ داشت؟

○ این که من ۳ روز بعد از انتصاب به ریاست ستاد انتخابات کشور به دادگاهی در خرم‌آباد احضار شدم، سؤال برانگیز نیست؟ مضافاً که حملات شدیدی علیه آن انتصاب شروع شده بود و همسویی خاصی بین آن حملات و احضارهای بعدی به دادگاه احساس می‌شد.

بعد از آن و با مذاکرات مقامات قضایی، قرار شد پرونده — نه در خرم‌آباد — که در تهران پیگیری شود. کمی بعد به دادگاه ۱۴۰۳ برای رسیدگی به اتهامات درباره تخلفات انتخاباتی احضار شدم و ۴۸ ساعت بعد زمان ارائه آخرین دفاعیاتم تعیین گردید. آن هم بعد از ۲ سؤال و جواب کوتاهی که به صورت مکتوب صورت گرفت.

• در همان جلسه سوم بهمن؟

○ بله و در کمال تعجب، قاضی همان روز گفتند اگر آخرین دفاعی دارید بیان کنید. همان‌جا دریافتیم که این جلسه، محاکمه بوده و با همان دو سؤال کوتاه و جواب من، محاکمه از نظر قاضی تمام شده است. قاضی اصرار داشت ظرف ۱۰ روز لایحه مکتوب دفاعیه را به دادگاه تقدیم کنیم اما ما اصرار داشتیم به دلیل فرصت کم و پاسخ دادن به همه ابهامات، شفاهی دفاع کنیم. در حقیقت از جلسه دوم، منشی هم وارد دادگاه شد.

• یعنی قاضی با همان دو سؤال اولیه به حجیت لازم برای قضاوت رسیده بود؟

○ ظاهراً بله. آن هم در پرونده‌ای که بر اساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور شکل گرفته بود. گزارشی که در ۵ ماه و توسط ۵ قاضی بازرس آن سازمان تهیه شده بود. با همان دو سؤال و جواب، قاضی کفایت رسیدگی را اعلام کرد که مورد اعتراض ما قرار گرفت.

• جلسه دوم و سوم محاکمه، همه به محاکمه فرماندار تهران گذشت.

○ بله و در حقیقت از جلسه چهارم، محاکمه من شروع شد. هرچند در آن

جلسه، به دلیل اعتراض به نبودن خبرنگاران مطبوعات دادگاه را ترک کردم. می‌شود گفت که از جلسه پنجم (دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۷۹) جلسه علنی محاکمه من شروع شد که هم خبرنگاران در آن حضور داشتند و هم نماینده مدعی العموم.

• در جلسه چهارم، چه نشانه‌هایی دیدید که دادگاه غیرعلنی است و ظاهری علنی دارد؟

○ آن روز خبرنگاران را حتی از طبقه همکف مجتمع به بالا راه نداده بودند. داخل دادگاه هم صندلیها کم و همان تعداد هم توسط افرادی از پیش اشغال شده بود. دادگاه علنی یعنی این که کسی نباید مانعی برای حضور افراد و خبرنگاران ایجاد کند که متأسفانه شده بود.

• ظاهراً آن روز برخوردی هم بین شما و قاضی به وجود آمد.

○ درست است. برخورد ما به این خاطر بود که ایشان وکالتنامه وکیل فرماندار و استانداری را تحویل نگرفت. آن روز در مجموع «زندگی شیرین نبود» و چند برخورد لفظی دیگر به وجود آمد.

• شما آقای شریفی نماینده مدعی العموم را قبلاً یعنی تا قبل از جلسه پنجم دادگاه، از نزدیک دیده بودید یا نه؟

○ نه. ایشان را اولین بار همان جلسه چهارم دیدم. قبل از حضور در دادگاه، ایشان را در دفتر اجرای احکام دیدم که ملاقات کوتاهی با آقای علیزاده رئیس کل دادگستری تهران در آن برای من ترتیب داده بودند. آنجا به آقای علیزاده گفتم حداقل به من به اندازه ضاربای آقای حجاریان زمان بدهند و این قدر با جلسات سریع و پشت سر هم فرصت دفاع را از ما نگیرند. در همان جلسه آقای شریفی خواستار این بود که «نه! جلسات باید پشت سر هم تشکیل شود». من به آقای علیزاده گفتم ظاهراً این آقا از حالا موضع دارد و آن طور که شما تذکر دادید، قرار نیست بی طرفانه نسبت به دستور قاضی عمل کنند و ظاهراً دخالت در کار قاضی از حالا توسط ایشان شروع شده است. همان جا فهمیدم وی موضع منفی نسبت به من دارد.

• آقای علیزاده چه موضعی گرفت؟

○ در این مورد خاص برخورد مناسبی داشت و حق را به من داد. نشانه‌اش هم

این‌که فاصله جلسه بعدی دادگاه کمی با طمانینه تعیین شد. بالاخره آقای شریفی نماینده مدعی‌العموم، معاون آقای علیزاده برد.

• بعد از آن چه؟ آیا رئیس کل دادگستری نقشی در ادامه محاکمه ایفا کرد؟
 ○ یک‌بار دیگر ایشان تذکری که من به روند محاکمه و بخصوص به اظهارات نماینده مدعی‌العموم داشتم را قابل توجه دانست و نامه را به آقای دقیقی رئیس دادگاه ارجاع کرد.

نکته این بود که نماینده مدعی‌العموم در جلسه ششم، عملاً از موضع مدعی شورای نگهبان، شکایت خود را به طرفیت آن شورا تنظیم کرد و قرائت نمود. من نامه‌ای به آقای علیزاده نوشتم که ایشان اگر نماینده مدعی‌العموم است که نباید شکایت شورای نگهبان را مطرح کند. در ثانی شورای نگهبان مصوبه‌ای درباره شکایت از بنده نداشته و از تصویب نگذرانده است. اگر آقای جنتی هم شکایتی کرده، که باید خود ایشان یا وکیل‌شان بیایند و شکایت کنند. سؤال بعدی این بود که در مقام مدعی‌العموم، ایشان چرا به شکایت وزارت کشور از آقای جنتی رسیدگی نمی‌کنند؟

• این را در قالب نامه‌ای به آقای علیزاده نوشتید؟ مسئولان کشور آن‌طور که ما و نمایندگان مطبوعات در دادگاه حضور می‌یافتند، امکان تعقیب ماجرای محاکمه شما را نداشتند. فکری هم برای در جریان گذاشتن آنها کرده بودید؟

○ من بعد از هر جلسه دادگاه، نامه‌هایی برای رئیس قوه قضائیه می‌نوشتم و رونوشت آنها را برای رئیس‌جمهور می‌فرستادم. همین‌طور برای سایر مسئولان نظام. و در آنها به ایرادات فاحش دادگاه و همین‌طور روند محاکمه خود اشاره می‌کردم.

• آیا آیت‌الله شاهرودی پاسخی به نامه‌های شما دادند؟ بخصوص آن نامه سرگشاده که اوایل اسفندماه خطاب به ایشان نوشتید و در مطبوعات درج شد؟
 ○ تنها یک نامه را آیت‌الله شاهرودی خطاب به حجت‌الاسلام علیزاده فرستاد. آن هم نامه‌ای که در آن اعلام شده بود مطلعین مورد نظر اینجانب را به دادگاه دعوت کنند تا بیایند توضیح دهند.

• قاضی دادگاه در خصوص این نامه‌ها چه کرد؟

○ هیچ به آنها توجهی نکرد. ایشان تصمیم گرفته بود که چون شورای نگهبان ۳

نفر اعضای هیأت بازشماری آرا (آقایان غفوری، مصطفوی و شیخ عطار) را به دادگاه معرفی کرده، همین مطلعین کافی هستند و به حضور مطلعین مورد نظر من که از اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان بودند و ۶ بار انتخابات تهران را تأیید کرده بودند، نیاز نیست. ایشان ظاهراً شورای نگهبان را با ارتش اشتباه گرفته بود، چون اعتقاد داشتند به لحاظ حفظ رابطه سلسله مراتبی، حضور این سه نفر کافی است. حتی اگر مسببین ابطال، خود آنها بوده باشند. «مصدق این ضرب‌المثل که چون که صد آید، نود هم پیش ماست». چون شیخ غفوری در دادگاه حضور دارد، کس دیگری لازم نیست بیاید.

• یعنی تقاضای شما که حضور اعضای از خود شورای نگهبان را برای اطلاع و شهادت می‌خواستید، توسط قاضی دادگاه اجابت نشد؟

○ نه او علتش هم روشن بود. چون آنها قبلاً ۶ بار انتخابات را تأیید کرده بودند. یا باید می‌گفتند ما ۶ بار اشتباه کردیم و عملکرد هیأت ۳ نفره جدیدی که انتخابات را ابطال کردند، صحیح است. یا آن‌که باید بر نظری که در صورت جلسات امضا کرده بودند، می‌ماندند و صحت انتخابات تهران را گواهی می‌کردند.

ضمن آن‌که قوی‌ترین تأییدیه شورای نگهبان، تأیید انتخابات تهران توسط هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بود که روز ۱۸ اسفند ۱۳۷۸ توسط آقایان رضوانی و جنتی صورت گرفت. آمدند و نتایج بازشماری آرا را دیدند و گفتند می‌خواهیم نتایج انتخابات را تأیید کنیم. طبعاً اگر می‌آمدند دادگاه باید جواب می‌دادند که چرا آن روز انتخابات را تأیید کردند.

• پس آمدن یا نیامدن آنها در هر صورت، به یک تناقض جدی منتهی می‌شد.

○ علاوه بر این بسیاری از اعضای هیأت نظارت شورای نگهبان که تازه از منتقدان من و دولت هم هستند، بر صحت انتخابات تهران گواهی می‌دادند و تا آخر — حتی همین لحظه بر اساس نامه‌هایی که داده‌اند — بر آن نظر خود پای‌بند هستند.

• پس چه کسانی خط ابطال انتخابات تهران را دنبال می‌کردند؟

○ همین سه نفری که به عنوان مطلع در دادگاه حضور داشتند و سخنگویشان شیخ منصور غفوری بود.

• اصلاً مطلعین محکمه می‌توانند سخنگو داشته باشند؟

○ این هم از موارد خوشمزه این دادگاه بود. این ۳ نفر، یعنی آقایان علیرضا شیخ‌عطار (همکار مجمع تشخیص مصلحت نظام)، مهدی مصطفوی (معاون دکتر ولایتی) و منصور غفوری (ظاهراً همکار دادگاه ویژه روحانیت) که دو نفر آخر کمترین تجربه انتخاباتی را داشتند، آن تعداد رأی را باطل کرده بودند و حالا به عنوان مطلع در دادگاه حاضر شده و سخنگو هم تعیین کرده بودند.

• راستی مناظره‌تان با آقای غفوری چه سرانجامی پیدا کرد؟

○ ایشان دو مطلب جالب گفت. اول گفت نمایشگاهی از تخلفات ستاد انتخابات کشور برگزار می‌کنم و دوم وعده داد که در مناظره‌ای، دست مرا و همکارانم را رو کند! من به شورای نگهبان نوشتم که بیاید مشترکاً این نمایشگاه را برگزار کنیم. اما همان‌طور که می‌دانید نه آن مناظره برگزار شد و نه آن نمایشگاه. رفته‌اند که خبر بدهند.

• خب اینها که می‌گفتند نمایشگاهی از تخلفات ستاد انتخابات کشور برگزار

می‌کنند، کجا وارد پروسه انتخابات شدند؟

○ ۷۰ روز بعد از برگزاری انتخابات. بالاخره اعضای هیأت‌های نظارت استان و مرکزی شورای نگهبان، که ۶ بار انتخابات تهران را تأیید کرده بودند، حداقل از ۴ ماه قبل در جریان انتخابات بوده‌اند. آن هم به صورت دقیق و ریز و می‌دانستند چه اتفاقاتی افتاده. هیچ‌کدام از این سه نفر در جریان انتخابات نبودند و تقوا حکم می‌کرد که به جای آنها، کسانی برای بازشماری بعدی انتخاب می‌شدند که حداقلی از آگاهی در مورد انتخابات تهران داشته باشند.

نتایجی که در بازشماری و ابطال صندوقها به دست آمد، این بود که همه کارها توسط همین ۳ نفر انجام شد. البته باید جایزه‌ای هم به شیخ غفوری داد. ایشان قبلاً در اراک، فقط ۲۵ صندوق را بررسی کرد و در عوض، ۳۱ صندوق را ابطال کرد! در تهران هم ۳۵۰ صندوق شمرد و ۵۳۴ صندوق را باطل نمود. حالا اگر ۵۳۰ صندوق را باطل کرده بود، می‌گفتم اشتباه تاییی بوده که ۳۵۰ صندوق را بررسی و ۵۳۰ صندوق را باطل کرده است!

• آقای تاج‌زاده! یعنی باید پذیرفت که همه این ابطال‌ها برای درست کردن سرنوشت افراد انتهای لیست ۳۰ نفره نمایندگان تهران صورت گرفت؟ یا آن‌که اساساً مقدماتی بود تا قضا یا به سمت ابطال انتخابات (کل) تهران پیش برود؟

○ پیش از آن، حتی در نامه‌ای که شورای نگهبان به مقام رهبری نوشت، ابطال انتخابات تهران را به صراحت مطرح نکرده بودند. تنها نوشتند که «نمی‌توانیم با این همه تخلف، انتخابات را تأیید کنیم». اما در نامه‌ای که آقای جنتی روز ۹ اسفند ۱۳۷۹ در پاسخ به سخنرانی وزیر کشور در مجلس نوشت، برای اولین بار از نیت پیشین خود، مبنی بر «ابطال کل انتخابات تهران» سخن گفت.

• چرا آیت‌الله جنتی؟ شما می‌گویید در نامه شورای نگهبان به مجلس این حرف زده شده؟

○ نامه شورای نگهبان، فردای روزی که وزیر کشور در مجلس سخنرانی کرد صادر و قرائت شد. آن روز شورای نگهبان جلسه‌ای نداشت که بیانیۀ مذکور را تصویب کنند. در بعضی مطبوعات مثل روزنامه کیهان هم، گفته شد نامه آقای جنتی به مجلس. پس طبیعی است که محتوای آن نامه را به ایشان نسبت دهیم، چون شورای نگهبان جلسه و مصوبه‌ای درباره آن نامه نداشت.

• آیا می‌توانید در این زمینه توضیحات بیشتری ارائه کنید؟

○ بله.

بحث ابطال کل انتخابات، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ شکل گرفت. یعنی ۳ ماه بعد از برگزاری انتخابات. متهمی وقتی با مقاومت مردم و ممانعت رهبری مواجه شدند دیدند چاره‌ای جز تأیید صحت انتخابات ندارند. حساب کردند اگر بیایند انتخابات را تأیید کنند، مواجه با این سؤال جدی خواهند شد که چرا ۳ ماه انتخابات را معطل کردند و نتایج آنرا اعلام نکردند؟ باید می‌گفتند تخلفات خیلی زیاد بود و نمی‌توانستیم انتخابات را تأیید کنیم، اما به دستور و رهنمود مقام رهبری ناچار تن به تأیید انتخابات می‌دهیم. بنابراین حدود ۵۰۰ صندوق را باطل کردند، تا گفته شود خیلی تخلف بوده که ۱/۴ آرای تهران ابطال شده و مردم با این میزان رأی ابطالی، حق را به آنها بدهند. در هر حال هدف اصلی ابطال کل انتخابات تهران بود. نتیجه‌اش هم

این بود که با ابطال انتخابات تهران، عملاً مجلس ششم شکل نمی‌گرفت. باید حوادث اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ را در نظر بگیریم تا معنای این اتفاق را بهتر دریابیم.

• یکی از آن اتفاقات، مطلب آقای محمدجواد لاریجانی در روزنامه رسالت بود که انتخابات را «افتضاح بزرگ سیاسی» و «لکه ننگ» نامید که جز با ابطال آن پاک نمی‌شود. نظر شما هم اشاره به چنین مواردی بود که گفتید اردیبهشت‌ماه را با دقت مرور کنیم؟

○ بله، یکی از آنها همین است. سرمقاله آقای لاریجانی، درست فردای روزی چاپ شد که هیأت ۳ نفره کارش را برای بازشماری آرا شروع کرده بود. یعنی روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹.

• یعنی ۷۴ روز بعد از ۲۹ بهمن، روز برگزاری انتخابات تهران.

○ من در نامه آخرم به آیت‌الله جنتی درباره آن سرمقاله به تفصیل سخن گفته‌ام. چون یک سند تاریخی است. در همه این ۷۴ روز، همه‌چیز باید روشن شده باشد. در آن سرمقاله آقای لاریجانی عملاً جهت کار هیأت جدید را که ابطال انتخابات بود، نشان داده بود. این که صندوقهای بدون لفاف، بدون مهر، و غیره ابطال شوند که بعداً شد «ایرادات شکلی».

• در آن مقاله، ایشان به ناظران شورای نگهبان هم انتقاد نمی‌کردند.

○ تنها نقطه مثبت آن مقاله همین بود. چون این سؤال مقدّر ناخودآگاه پیش می‌آمد که اگر انتخابات آن‌طور که آقای لاریجانی گفته‌اند این قدر پرمسأله و افتضاح بوده، پس ناظران شورای نگهبان هنگام برگزاری انتخابات چه می‌کردند؟ آقای لاریجانی در آن سرمقاله به هر دو نهاد شورای نگهبان و وزارت کشور انتقاد کرد و در این مورد حداقل انصافش از دیگران کمی بیشتر بود. اما درباره ایشان یک خاطره جالب هم دارم که بد نیست بدانید.

روز دوشنبه یا سه‌شنبه بعد از انتخابات، آقای لاریجانی به من تلفن کرد...

• یعنی ۲ یا سوم اسفند ۱۳۷۸؟

○ بله. می‌خواست نتیجه شمارش آرا را بداند و این که چقدر رأی آورده. ایشان در همان مکالمه، تحلیل کرد که ما در این دوره رأی نخواهیم آورد. یعنی گفت رأی

نیاورده‌ایم. گفتم چرا؟ خاطره‌ای از روز برگزاری انتخابات (۲۹ بهمن) تعریف کرد که جالب است.

آقای لاریجانی گفت: «رفتم به حوزه‌ای رأی بدهم، در شمال شهر. آقای به نظر تحصیل کرده و خوش پوشی آمد و گفت: "شما آقای دکتر محمدجواد لاریجانی هستید؟" گفتم "بله". گفت: "من همیشه به شما رأی می‌دادم اما می‌خواهم بگویم در این دوره به شما رأی نداده‌ام". گفتم "چرا؟" گفت: "چون دوره پنجم به شما رأی دادم و شما و جناح‌تان برای مردم کاری نکردید. این دوره به جناح مقابل رأی داده‌ام، بلکه آنها کاری بکنند". بعد هم خدا حافظی کرد و رفت». آقای لاریجانی گفت من همان‌جا فهمیدم که ما در این دوره شکست خورده‌ایم.

در هر حال تأکید می‌کنم تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ بحثی از ابطال انتخابات تهران نبود و یکباره آن سرمقاله چاپ شد و حرف از ابطال به میان آمد. ضمن آن‌که همان روزها، مطبوعات زیادی پشت سر هم توقیف می‌شدند که پیش از افتتاح مجلس ششم، نشانه بدی بود.

• **خب پس چطور قبلاً استاندار تهران و آقای طاهری به دیدار مقام رهبری و رئیس‌جمهوری رفتند و از صحت انتخابات گزارش داده بودند. مگر آقای طاهری عضو هیأت نظارت نیستند؟**

○ در همین مقطع اردیبهشت‌ماه، هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران کشیدند کنار و آقای طاهری استاندار اسبق تهران که عضو هیأت نظارت استان تهران بود و تجربه بسیار طولانی در برگزاری انتخابات داشت (چه در شورای نگهبان و چه در وزارت کشور) به همراه آقای آیت‌اللهی استاندار تهران به ملاقات مقام رهبری و رئیس‌جمهوری رفتند و درباره صحت انتخابات تهران گزارش دادند.

آقای طاهری بعداً در نامه‌ای به من نوشت، که به نظر ما کلاً ۶۰ صندوق می‌بایست بررسی می‌شد.

من در دادگاه هم گفتم نتیجه انتخابات تهران را با انتخابات اصفهان و تبریز و مشهد و دیگر شهرها مقایسه کنید، جهت گیری مردم مشخص است. اگر ۱۰ بار دیگر هم آرا را بازشماری می‌کردیم، نتیجه همین بود.

• در متن تفهیم اتهام و بعد در اظهارات نماینده مدعی‌العموم، به صحبت‌های آقای آزرمی اشاره می‌شد که به بازرسان سازمان بازرسی گفته‌اند یک‌سوم آرا را می‌پذیرم که ایراد دارد... چنین اعتراضی وجود دارد؟

○ به این موضوع چند بار استناد شد. حال آن‌که خود آقای آزرمی بارها گفته‌اند من هرگز چنین چیزی نگفته‌ام و معلوم نیست سند آنها برای این ادعا چیست؟ آقای آزرمی چند بار آن ادعا را تکذیب کرد، اما باز هم به آن استناد می‌شد.

• خب دیگر اتفاقات مقطع اردیبهشت‌ماه را مرور کنیم. از اسفندماه که ترور حجابیان صورت گرفت تا فروردین که بحث کنفرانس برلین و بعد توقیف مطبوعات رخ داد. این فضا آیا طوری بود که بتواند بهانه لازم جهت معطل کردن اعلام نتیجه انتخابات را به دست دهد؟

○ مهمترین اتفاق پس از پخش فیلم مربوط به کنفرانس برلین، توقیف مطبوعات حامی اصلاحات بود که به قول مهندس موسوی به صورت فله‌ای صورت گرفت. عده‌ای می‌خواستند فضا تند شود. حتی برای اولین بار در تاریخ انتخابات، برای برگزاری انتخابات مرحله دوم، ما چند بار به شورای نگهبان نامه نوشتیم تا بالاخره با ۱۶ اردیبهشت موافقت کردند. در حالی که خیلی دیر بود و تکلیف ۵۳ حوزه کشور روشن نبود و مجلس هم باید هفتم خرداد تشکیل می‌شد.

به نظرم عده‌ای محاسبه کرده بودند چون در مرحله دوم هم، نامزدهای باقیمانده عموماً از طرفداران طیف خاصی هستند و در هر صورت دیدند دوستان خودشان امیدی به موفقیت ندارند، طمع کردند که با پیش کشیدن بحث تخلفات وسیع و گسترده، اصل ماجرا را عقب بیندازند.

• اتهام دیگری که به شما وارد شد، یعنی «دخالته غیرقانونی در امر انتخابات»، به نظر یک پارادکس خیلی اساسی داشت. این‌که از یک طرف شما را بابت تخلفات رخ داده در جزئی‌ترین بخش، یعنی صندوقها مؤاخذه و محاکمه کردند و از طرف دیگر شما را بابت «دخالته» آن هم «غیرقانونی» در امر انتخابات که رئیس ستاد آن و براساس اتهامات قبلی، مسؤول همه چیزش بودید، محاکمه نمودند. بابت این اتهام، بالاخره چه حکمی گرفتید؟

○ یک سال زندان. جالب است به این نکته‌ها که گفتید این را اضافه کنم که دادگاه تلاش زیادی کرد اثبات کند که مسؤول همهٔ امور انتخابات من هستم. اما از طرف دیگر بابت لغو قرارداد فرمانداری تهران شرکتی به نام «مدبر سامانه»، که تازه معلوم بود که به دستور من لغو نشده است، مرا به یک سال زندان محکوم کرد تحت عنوان «دخالت غیرقانونی در انتخابات!»

● یعنی زندان شما بر اساس اظهارات همان دو نفر مسؤول شرکت «مدبر سامانه» است، که شما هرگز هم آنها را ندیده‌اید؟

○ بله. دو نفر به نامهای آقایان حمیدرضا اردشیری و محمود احمدنژاد از کارمندان شرکت مذکور ادعا کرده بودند که فرماندار تهران و معاون ایشان گفته‌اند من دستور داده‌ام قرارداد خدمات رایانه‌ای شرکت «مدبر سامانه» با فرمانداری تهران لغو شود.

باز جالب است که بدانید فرماندار تهران و معاون وی ادعای آن دو نفر را تکذیب کردند، اما وقتی من از قاضی دادگاه خواستم آن دو را برای مواجههٔ حضوری و اثبات ادعای خود به محکمه فراخواند، از این کار استنکاف کرد.

دقت فرمایند دو نفر ۸ ماه قبل ادعایی کرده بودند اما دادگاه حاضر نشد آنها را احضار کند تا صحت حرفشان را احراز کند. با این روند طبیعی است که سؤالات زیادی در خصوص میزان بی‌طرفی قاضی مطرح شود.

● حالا شما اصلاً چنان دستوری برای لغو آن قرارداد داده‌اید یا نه؟

○ معلوم است که نداده‌ام. نه کتباً نه شفاهاً. منتهی فرض کنیم دستور داده‌ام. آیا این دخالت در امر انتخابات و بر عهده گرفتن وظایف فرمانداری و بنابراین جرم است؟ حتی تلاش شد رنگ و بوی مالی و سوء استفاده هم به این ماجرا زده شود. روزنامه‌ای (کیهان) نوشت «یک قرارداد مشکوک در پروندهٔ تاج‌زاده» که البته آن را به دلایلی ادامه ندادند. فرض کنیم من دستور لغو آن را داده باشم — که نداده‌ام — کجای این اقدام جرم است؟ و تازه آیا این، در تناقض با آن حرفها نیست که همهٔ مسؤولیتهای برگزاری انتخابات را با رئیس ستاد انتخابات کشور می‌داند. بالاخره کجای این دو ادعا صادقانه است؟ و باید کدام حرف را باور کرد؟

حالا باید بابت ادعای دونفری که هرگز آنان را ندیده‌ام و نمی‌شناسم و توانسته‌اند ادعای خود را اثبات کنند، یک سال زندان برای من ببرند؟ این هم از بدعت‌های استثنایی این دادگاه بود.

● قضیه شرکت «پتسا» چه بود؟ می‌گفتند ۴۹ درصد سهام آن مربوط به خارجی‌هاست.

○ این ماجرا هم از دیگر نکات جالب دادگاه بود. شرکت «پتسا» که سعی شد با قضیه سهام خارجی‌اش، باز هم یک سمت و سوی مشکوک به رابطه من با آن بدهند، قرار بود کار شمارش رایانه‌ای آرا را انجام دهد که ۳ روز قبل از انتخابات با تصمیم ناگهانی شورای نگهبان، عملاً بحث رایانه‌ای شدن شمارش آرا ملغی شد و قرار شد شمارش آرا به صورت دستی انجام شود. طبعاً کار این شرکت هم عملاً منتفی شد.

در سرمقاله روزنامه قدس آمده بود به فرض که همه امور انتخابات درست باشد، باید بررسی کنند که ماجرای این شرکت چه بوده؟ چون می‌گویند ۴۹ درصد سهام آن مربوط به خارجی‌هاست!! یک جای دیگر هم گفتند «پتسا» مرتبط با صهیونیست‌هاست. و با این کار می‌خواستند لابد من را به صهیونیست‌ها هم وصل کنند. جالب است بدانید که همین شرکت پتسا، انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری را در سال ۷۲ به صورت سراسری در کشور شمارش کرد و آن موقع هیچ از این خبرها نبود که مثلاً سهامش متعلق به خارجی‌ها و یا وابسته به صهیونیست‌هاست.

● بابت این شرکت که دیگر به زندان محکوم نشدید؟

○ نه. هرچند در حکم آمده مسأله شرکت پتسا که ۴۹ درصد سهام آن متعلق به اتباع خارجی است، «قابل بررسی» است. معلوم نیست وقتی دادگاه حکمی صادر می‌کند، دیگر این عبارت «۴۹ درصد سهام آن متعلق به خارجی است» و «قابل بررسی» است یعنی چه؟ اگر جرمی محرز شده، چرا حکمی ندارد و اگر نه، پس استفاده از چنین عبارتهای سیاسی و غیرحقوقی آن هم در رأی نهایی چه معنای می‌دهد؟

● پس باید متن حکم، خیلی خواندنی باشد.

○ اگر کسی رأی دادگاه را بخواند، متوجه این نکته تأسفبار می‌شود که متن چقدر آشفته است. ۴۰-۵۰ صفحه مقدمه که پر از مطالب گزینشی از حرفهای این و

آن است که بعدها بسیاری از آن افراد به تکذیب مطالبی که از آنها نقل شده پرداختند. باید حکم را بخوانید تا متوجه این همه اشکالات فاحش و تأسف بار در آن بشوید. من نقدی بر حکم دادگاه نوشته‌ام و به بعضی از آن مسائل اشاره کرده‌ام. اما هنوز هم از نکات قابل توجه، سرشار است.

• می‌گویند شما قبل از دادگاه، جوسازی می‌کردید تا بر روی دادگاه تأثیر بگذارید.

○ راستش ما نمی‌دانیم چه وقت باید برخی رفتارها در قوه قضائیه را نقد کنیم. اگر قبل از دادگاه، حرفی بزنیم می‌گویند با این حرفها، استقلال قاضی را تهدید می‌کنید یا جوسازی می‌نمایید. اگر هم حکم صادره را نقد کنیم می‌گویند حکم قاضی فصل الخطاب است و حرف خدا و دیگر نباید راجع به آن حرفی زد.

در صورتی که در جریان همین محاکمه، دیدید که طرحی پیش از آن که در صحن مجلس بررسی شود، توسط یک روزنامه به نقد کشیده شد و به صدا و سیما هم رفت و میزگردی تشکیل شد و بعد از آن عملاً آن طرح کناری نهاده شد.

در هر حال اگر بناست درباره قوه مقننه چنین آزادانه نقد صورت بگیرد، بگویند چه وقتی مناسب است که به نقد روند دادرسی و احکام دستگاه قضایی پردازیم؟

• خب! بعد از دخالت مقام رهبری، چرا شما منفعل برخورد کردید؟ یعنی به نظر می‌آید که نشستید تا شورای نگهبان آن طور که می‌گوید انگشت اتهام را به سود شما نشانه برود. یا آن که کاری هم کردید؟

○ کاری که ما کردیم، شکایت از آیت الله جنتی بود فردای روزی که آنها خواستار پیگرد و محاکمه ستاد انتخابات کشور شدند. البته مطابق معمول صدا و سیما خبر شکایت آیت الله جنتی از ما را به طور کامل و مکرر خواند اما فقط در یکی دو بخش به صورت کوتاه از شکایت وزارت کشور از آیت الله جنتی خبر داد.

• دیگر چه کردید؟

○ بعد در جلسه مشترک قوه مجریه با قضائیه پیشنهاد کردیم سازمان بازرسی کل کشور به صندوقهای ابطال شده رسیدگی کند و مطمئن بودیم که چون کارمان را درست و بی اشتباه انجام داده‌ایم، خلاقی اثبات نخواهد شد. آن سازمان هم ظرف ۵

ماه کار مداوم ۵ قاضی-بازرس، به این نتیجه رسید که جمعاً در ۵۳ صندوق احتمال وقوع جرم وجود داشته است. یعنی کمتر از ۲ درصد. چون ۳۰۷۷ صندوق در تهران بود که ۲ درصدش می‌شود حدود ۶۲ صندوق، که این مقدار بر فرض بروز تخلف هم، قابل پذیرش و اغماض است.

• چرا با اعلام این مطالب که بعداً در محاکمه و حالا می‌گویید، همان موقع (اوایل سال ۷۹) نخواستید ذهن مردم و مسئولان نظام را دربارهٔ انتخابات کاملاً روشن کنید؟ اقدام جدی در این باره از شما سراغ ندارم.

○ ما نمی‌خواستیم بیشتر از آن قضایای انتخابات را دستمالی کنیم. چون همان ۳ ماه التهاب به حد کافی کام مردم را تلخ کرده بود. تجربهٔ انتخابات امریکا را ببینید. صحیح نیست که مرتب قضایای انتخابات یک کشور دستمالی شود. اما دادگاه که تشکیل شد، تصمیم گرفتیم برخی حرفهایمان را بزنیم.

• یکی از شبهات که هنگام علنی شدن بحثها در جامعه طرح شد این است که به فرض بروز تخلف در همان ۵۳ صندوق (۲ درصد کل صندوقها) به علت ایراد ماهوی، آیا شورای نگهبان مجاز به ابطال ۵۳۴ صندوق و آرای مردم بود؟ به عبارت دیگر آیا بازشماری با هدف این صورت نمی‌گیرد که عدد صحیح کشف و به جای اعداد مخدوش منظور شود؟

○ اصلاً قضیه همین است. رأی مردم که گناهی نکرده است. اگر در شمارش آرا اشتباه شده، خب با بازشماری آنرا اصلاح و عدد صحیح را منظور کنید. می‌گویید تخلف و تقلب شده، بسیار خوب راهش این است که قوهٔ قضائیه، سراغ متقلب و متخلف برود و او را در قبال صندوق مخدوش تحت پیگرد قرار دهد.

قانون انتخابات دقیقاً مشخص کرده که چه باید کرد. مثلاً در یک صندوق برای نامزد «الف» ۱۰۰ رأی نوشته‌اند، اما پس از بازشماری معلوم شد ۷۰ رأی داشته یا مثلاً ۱۵۰ رأی. و اشتباهاً یا عمداً برای او ۱۰۰ رأی منظور کرده‌اند. قانون می‌گوید بسیار خوب بازشماری شود و بالاخره آرای صحیح آقای «الف» چه ۷۰ و چه ۱۵۰ رأی منظور شود. بالاخره مردم به آقای الف رأی داده‌اند. ضمن آن‌که مردم در همان صندوق به ۱۰۰ نفر دیگر هم رأی داده‌اند. نامزدها چه گناهی کرده‌اند که باید بابت

اشتباه یا تقلب اعضای صندوق، رأی آنها هم باطل شود. بعد از بازشماری، عدد صحیح باید درج شود و اعلام گردد و آدم متخلف هم تحت پیگرد قرار بگیرد. این حق شهروندان و نامزدهاست که نباید با ابطال غیرقانونی یک صندوق، رأی نامزدها کم و زیاد شود مثل اتفاقی که در همین ابطالها افتاد و پس از ابطال، یک نامزد با ۷۷۰ هزار رأی حذف شد و دیگری با ۶۶۰ هزار رأی وارد مجلس شد.

• قاضی دادگاه به ۵۰ درصد اختلاف در بعضی صندوقها اشاره داشت. آیا

چنین چیزی صحت دارد؟

○ این قضیه، توضیح خیلی ساده‌ای دارد که می‌گویم. ببینید: در هر صندوق در تهران حدود ۱۰۰۰ برگ رأی وجود دارد. یعنی آمار می‌گوید حدود ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار رأی در حوزه تهران بزرگ اخذ شده که اگر این را، بر ۳۰۷۷ صندوق اخذ رأی تقسیم کنیم، می‌شود حدود ۱۰۰۰ رأی در هر صندوق. مردم به طور متوسط در هر برگ رأی، حدود ۲۰ اسم نوشته بودند که می‌شود هر صندوق، ۲۰ هزار نام.

قانوناً به صندوقی می‌گوییم ۵۰ درصد اختلاف دارد که از این ۲۰ هزار نامی که در آن هست، ۱۰ هزار اسم، عقب و جلو و دستکاری شده باشد. در این حالت، دیگر نمی‌شود گفت اعضای آن صندوق، به سهو دچار اشتباه شده‌اند. بلکه آن صندوق به طور جدی باید بررسی شود و متخلفان تحت پیگرد قرار گیرند.

اما در صندوقهای مورد بحث دادگاه و حتی آن ۱۵ صندوقی که اعضای آن محکوم شدند، حتی یک صندوق هم این طور نیست. بلکه ۵۰ درصد اختلاف آرا، متعلق به آرای یک نامزد در یک صندوق است. در این باره هم توضیح می‌دهم.

در تهران ۸۵۰ کاندیدا داشتیم. در این ۱۵ صندوق، فقط رأی یک نامزد اختلاف ۵۰ درصدی داشته، یعنی اگر ۱۰۰ رأی داشته، شده ۲۰۰ یا ۵۰ رأی. که تازه این اختلاف شمارش، مربوط است به نامزدهایی که رأی آورده‌اند و بعد در بازشماری آراء، رأی آنها بیشتر هم شده است. پس می‌بینید که ۵۰ درصد اختلاف، در واقع چه بوده است.

• خب! سؤال دیگری که بین مردم مطرح بود این‌که، یک‌بار دیگر هم

پرسیدم به فرض وقوع تخلف انتخاباتی در یک یا چند صندوق اخذ رأی، آیا

می‌توان مسئول ستاد انتخابات کشور را که عمدتاً کار ستادی می‌کند و شاید در طول برگزاری رأی‌گیری، حتی دستش به یک صندوق نرسیده باشد، تحت پیگرد و محاکمه قرار داد؟

○ این از بدعت‌های همین محاکمه و این دوره انتخابات است. و الا آیا شما به خاطر دارید که قبلاً نیز با ابطال یک حوزه رأی، چنان اتفاقی افتاده باشد؟ چرا راه دور برویم؟ ۱۰ حوزه دیگر در انتخابات مجلس ششم در سراسر کشور ابطال شد. آیا بابت آنها مرا محاکمه یا بازخواست کردند؟

کار دادگاه مثل این است که بگویند قاضی دقیقی حکم اشتباهی داده و باید رئیس قوه قضائیه را بابت آن مواخذه کند. این استدلال متأسفانه از نقاط بارز ضعف این محاکمه بود.

● به هر حال اتفاقی که در خلال محاکمه شما و رأی صادره افتاد، این بود که برای اولین بار در کشور، رئیس ستادی دستگاه انتخابات، بابت تخلفاتی که محرز نشد وی مستقیماً دستوری در جهت اجرای آن داده باشد، محاکمه شد.

○ باید اضافه کنم که واقعاً جای شگفتی است که در کشوری که مشارکت همه مردم و حضور مؤثر آنان در صحنه همواره مورد تشویق و ترغیب و استقبال مسئولان عالیرتبه نظام بوده است. چگونه بی‌محابا در دادگاه بیاناتی از سوی نماینده مدعی‌العموم و از طرف فردی که به عنوان مطلع در دادگاه حاضر شده بود ابراز شد که بیشتر برای مخدوش نشان دادن نتیجه انتخابات بود تا تلاش برای کشف حقیقت. به نظر من ناخشنودان عرصه انتخابات برای جبران مافات شایسته است راهی دیگر برگزینند که با اراده ملت همساز و با عدالت و قانون سازگار باشد. با شلاق زدن به دریا از سر خشم مشکل کسانی که با عدم اقبال عمومی مواجه شده‌اند، حل نمی‌شود.

● عجیب است که تا به حال در طول این بیست و دو سال بعد از انقلاب، هیچ وقت تشکیکی این چنین نسبت به مسأله انتخابات نشده بود. چون این عرصه، عرصه خطرناکی است. در هر کشوری که روی دهد. نظر شما چیست؟

○ ببینید! پذیرش اصلاحات، پاسداری از آرمانهای انقلاب اسلامی و اندیشه

رهایی بخش امام خمینی (ره) است. امام راحل «رأی مردم» را میزان اعلام کردند و امروز هم مسؤولان نظام بر مردم سالاری دینی تأکید دارند. به باور همه دلسوزان ایران اسلامی، حماسه شورانگیز مشارکت مردم در انتخابات مختلف، حافظ امنیت ملی، تأمین کننده منافع ملت ما و موجب بسط و تقویت شعارها و تحقق آرمانهای شهیدان والامقام ماست. ما نسلی هستیم که سرمایه زندگی ما جز همین آرمانها نیست. اسلام اصیل و انقلاب و این نظام را به سادگی به دست نیاورده ایم که به آسانی تضعیف آن را تحمل کنیم. ملت ما نیز میان آن صحنه هایی که در برابر رژیم استبدادی و ضد مردمی شاه می ایستاد، یا در برابر دشمن متجاوز می جنگید یا برای کارآمدی، توانمندی و شکوفایی نظام جمهوری اسلامی، روز و شب نمی شناخت و امروز که تجربه مردم سالاری دینی را به سوی نهادهای جدید به پیش می برد، پیوندی جدایی ناپذیر قائل است. خط اصلی این پیوند حضور مردم، نظر مردم و رأی مردم است. ما پاسدار آن بوده و خواهیم بود. البته سختیها و بی مهریهای فراوان دیده ایم و از این پس و به ویژه در ماههای آتی به احتمال زیاد بیشتر هم خواهیم دید، ولی به یاری حق از عهدی که با خدا و مردم بسته ایم، باز نخواهیم گشت.

● شفاف تر بگویید. عهد شما به عنوان رئیس ستاد انتخابات کشور با مردم چه بوده است؟

○ من در این موقعیت، عهد بسته ام هرگز نگذارم یک رأی مردم جابجا شود و از هیچ ابزار و امکان و اختیاری، برای تغییر در نظری که مردم ابراز می کنند، استفاده شود. طبیعی است که آن قدر شفاف درباره رأی مردم سخن گفته و عمل کرده ام که امکان قضاوت نسبت به صحت حرفها و عملکردم برای همه فراهم است. اما با آن که می دانند آمار و ارقام و مدارک، صحت انتخابات مجلس ششم را داد می زنند، باز متأسفانه به آنها توجه نمی کنند. این کارها، فقط به اعتماد مردمی ضربه می زند که تازه در دوران پس از انقلاب، تجربه های محدودشان را برای اعمال حاکمیت خود آغاز کرده اند. و البته ضربه بزرگی بر حیثیت اصل نظام است که ان شاء الله موفق نخواهند شد.

● در جریان دفاعیات تان، به نامه ای از امام خمینی (س) اشاره کردید که ظاهراً خطاب به شورای محترم نگهبان نگاشته بودند. آیا استناد به نامه ای متعلق به دوره سوم، می تواند رئیس ستاد انتخابات در دوره ششم مجلس را تبرئه کند؟

○ قصد من صرفاً تبرئه خودم نبوده و نیست. نکند شما هم باور کرده‌اید که من قصد دارم خودم را از اتهامات تبرئه کنم؟

● اگر هم قبلاً چنان باوری داشتم، در جریان محاکمه‌تان آن قدرها فرصت کافی برای حضور در دادگاه پیدا کردم که باورم عوض شود. بی‌تعارف، مطمئن شده‌ام که شما به طرز خستگی‌ناپذیری دارید از سلامت و درستی چرخه برگزاری انتخابات حمایت و دفاع می‌کنید. اما به من حق بدهید که در مقام یک مصاحبه‌کننده و گزارشگر، بی‌طرفانه سؤال کنم و از مقام یک ذهن پرسشگر، بنا را نه بر داشته‌های ذهنی خودم، بلکه بر آنچه شما می‌گویید بگذارم. درست مثل کاری که یک قاضی دادگاه باید انجام دهد.

○ از تلاشی که برای بی‌طرف بودن می‌کنید، شخصاً سپاسگزارم. بی‌طرفی یک گزارشگر، مانند بی‌طرفی یک قاضی، موهبتی است که نصیب هرکس نمی‌شود. وقتی شما بی‌طرف باشید، حرفهای طرفین دعوا را می‌شنوید و بعد براساس آنچه شنیده‌اید و مدارک و مستنداتی که دیده‌اید، تصمیم می‌گیرید. طبعاً آن تصمیم، حتی اگر درست نباشد، لااقل مغرضانه نیست.

● آقای تاج‌زاده! با این همه، حقیقتاً بی‌طرف بودن سخت اما لذت‌بخش است. خبرنگاران و گزارشگرانی که در دادگاه شما حضور می‌یافتند، یا علیه شما بودند یا له شما. بعضی هم —معدود— سعی داشتند بی‌طرفانه دادگاه را ببینند. با چشمان خود می‌دیدم که همان تعداد کم، به خاطر نگاه بدون پیشداوری‌شان، هم بهتر حرفهای طرفین دعوا را می‌شنیدند. و هم از دریچه تازه‌ای که مقابل دیدگان آنها گشوده می‌شد، لذت می‌بردند.

○ قاضی هم همین وضع را دارد. درست همان‌طور که بیان کردید، اگر بی‌طرف باشد، بهتر می‌تواند حرفهای طرفین را بفهمد و صحیح‌تر تصمیم بگیرد.

● آیا قاضی پرونده شما، بی‌طرف و بدون پیشداوری بود؟

○ نه آن‌طور که شایسته و لازم بود. من از ایشان انتظار بسیار بیشتری داشتم. شأن قضا بالاتر از آن است که یک قاضی (حتی به سهو)، طوری عمل کند و سخن بگوید که دیگران احساس کنند او از پیش نسبت به یکی از طرفین دعوا موضع دارد.

بی طرفی قاضی در لحن او نیز هویدا است. در نوع سخن گفتن او. در تعیین عادلانه فرصتی که به متهم و شاکی و مطلع می دهد. حتی در نگاه قاضی، باید احساس اطمینان و امنیت کرد. در سال امام علی (ع)، که مظهر عدالت و قضاوت عادلانه است، برخوردهای قاضی این پرونده، سؤال برانگیز بود.

● جالب است که من یک جا در پایان دادگاه شنیدم که از قاضی خواستید اخمهایش را باز کند و بخندد! آن ماجرا چه بود؟

○ در پایان جلسه ششم دادگاه، به قاضی محترم گفتم: «چشم! پیش از رفتن، صورت جلسه را هم امضا می کنم. فقط شما کمی بخندید». گفتم بعدها خنده مرا خواهی دید. گفتم: «فکر می کنم حتی اگر مرا محکوم کنید، احتمالاً آن روز باز من بخندم و شما همچنان اخم کرده باشید».

البته آن یک شوخی و مطایبه بود. هرچند همین اتفاق هم افتاد. یعنی روزی که حکم محکومیت مرا ابلاغ کردند، باز این من بودم که خندیدم و به قاضی آن نکته را یادآوری کردم. فکر می کنم باز هم نخندید!

● آقای تاج زاده! یک بحثی که در روزهای محاکمه شما مطرح شد این بود که در انتخابات مجلس ششم، دو نهاد برگزارکننده (وزارت کشور) و نظارت کننده (شورای نگهبان) از دو گرایش سیاسی مختلف بوده اند. و از قضا انتخابات مجلس ششم از منظر مردم، به خاطر آن که دو نهاد مجری و ناظر، چهارچشمی مراقب همدیگر بودند و یکدیگر را می پاییدند که مبادا تخطی کنند، از باقی انتخابات که غالباً دو نهاد از یک گرایش فکری بودند، بیشتر مورد وثوق همه مردم قرار داشت. من اینها را از خلال حرفهای مردم کوچه و بازاری می گویم که معتقد بودند با چنین وضعیتی، تاج زاده — حتی اگر می خواست — نمی توانست تخلف کند. نظر شما در این باره چیست؟

○ اشکال این بود که وقتی به انتخابات مجلس ششم که چنان فضایی داشت که به قول شما دو طرف ناظران و مجریان، چهارچشمی همدیگر را می پاییدند، می گویند در چنین انتخاباتی تقلب شده، راه را برای این فکر باز می گذارند که عده ای هم بگویند پس بین قبلاً چه ها بوده است؟ و گذشته را زیر سؤال ببرند که در آن،

تقریباً دو نهاد مجری و ناظر انتخابات به یک گرایش سیاسی تعلق خاطر داشتند، یا با همدیگر همسو بودند. یا این ماجرا که می‌گفتند اگر تاج‌زاده رئیس ستاد انتخابات باشد، نتیجه انتخابات معلوم است و او تعیین می‌کند که چه کسی نماینده مجلس یا رئیس جمهور شود.

این حرفها، بدعت است. کی سابقه داشته از زبان کسانی از دوستداران انقلاب، چنین اتهاماتی به نظام زده شود؟ اگر این طور باشد که هر کسی رئیس ستاد انتخابات کشور شد، بتواند تا این اندازه اعمال نظر کند، به راحتی می‌شود نتیجه گرفت که پس در دوره‌های گذشته چه شده و چه‌ها روی داده است؟ بوی بدعت از این حرفها می‌آید. و به نظرم کسانی که این حرفها را می‌زنند، تاریخ این انقلاب یادشان رفته و فراموش کرده‌اند که این حرفها نباید از زبان ما گفته شود.

خوشبختانه چون مردم و حتی کسانی که رأی هم نداده‌اند، در جریان این محاکمه نهایتاً به همدلی با ما پرداختند و در بسیاری موارد، حتی از سلامت انتخابات دفاع کردند، این حرفها در جامعه ما باز نکرد و مردم با بزرگواری و اغماض از کنار آنها رد شدند. یکی از مسائلی که من باز نکردم این واقعیت تلخ بود که انتخابات امریکا، درست بین مجرای انتخابات مجلس و محاکمه من شکل گرفت. انتخابات امریکا در این دوره به خاطر نزدیک بودن آرای دو نامزد اصلی، دچار مشکلاتی شد و بسیاری به آنها خندیدند. این همه در کشور تبلیغات شد که در مهد دموکراسی جهان چه شده است؟ اما درست بعد از آن که آنها ظرف یک ماه ماجرا را جمع کردند، تازه در کشور ما رئیس ستاد انتخابات را محاکمه کردند و به او اتهاماتی زدند، که موجب آبروریزی بود.

فکر می‌کنم این پوست خربزه‌ای بود که عده‌ای زیر پای دادگستری تهران انداختند و عده‌ای از آن غفلت کردند. چرا که حتی اگر بنا بر حذف من بود، نیاز نبود پرونده انتخابات را باز کنند. هر پرونده دیگری مرا به دست قاضی دقیقی می‌دادند، او با دو سؤال کوتاه از من می‌خواست آخرین دفاع را بکنم و حکم لازم را صادر می‌کرد.

● به تحلیل شما، ته این قصه قرار بود چه شود؟

○ به نظرم ابتدا صرفاً حذف من مد نظر بود اما در خلال محاکمات تغییراتی

احساس کردم که عده‌ای می‌خواهند از زبان من بیان کنند که انتخابات تهران مخدوش بوده است.

آن وقت لابد می‌گفتند انتخاباتی که رئیس ستاد آن می‌گوید مخدوش است، پس تکلیف نمایندگان و مجلس و بعد هم مصوباتش معلوم است و فتنه بزرگی شکل می‌گرفت که معلوم نبود چه خسارتی به کشور می‌زد. همه تلاش من مانند همان وقتی که جلوی ابطال انتخابات گرفته شد، این بود که این بار نیز فتنه دیگری رخ ندهد. به همین دلیل، هر قدر اصرار بر مخدوش بودن انتخابات کردند، من بر صحت آن بیشتر پای فشردم. و آلا انتخابات را ۵۰۰ هزار نفر از همین مردم برگزار می‌کنند. یعنی ۱ درصد مردم کشور کار انتخابات را انجام می‌دهند. این که دیگر جای حرف ندارد.

• در این کار توفیق هم یافتید؟

۵ خدا را شکر، بر اساس نظرخواهیهای این روزها بله. واقعاً مردم باور کرده‌اند که از ۱۳۶۸ صندوق بررسی شده زیر ۲ درصد اختلاف در شمارش آرا بوده است. و این توفیق من نیست. پیروزی نظامی است که مادرانش، داغ فرزندان دیدند تا روی پای خودش بایستد و هرگز مرعوب و زیر سلطه جهانیان نباشد.

بخصوص که ذهنیت مردم قبلاً نسبت به انتخابات منفی و فرمایشی بود. اما در این سالها، از کارهای بزرگ انقلاب این بود که ذهن مردم روشن و مثبت شد و دیگر باور کرده‌اند که در هر صورت رأیی که می‌دهند، از صندوق بیرون می‌آید. مردم که تصمیم بگیرند، نظرشان را می‌دهند. کشور را می‌ندارد جز تمکین به رأی مردم و اگر کسی رأی نمی‌آورد، اگر به خودسازی نپردازد و به جای درون‌کاوی و اصلاح خود، به فرافکنی پردازد که مثلاً در «دوم خرداد، مردم گول تبلیغات را خوردند» مجبور به تحمل شکست دائمی است. آخر مگر تبلیغات بیشتر از یک ماه و دو ماه دوام می‌آورد. اکنون انتخابات دیگری در پیش است. ببینید مردم چه نظری می‌دهند.

از سوی دیگر باید توجه کرد که دنیا خالی از متفکرانی مثل آقای خاتمی نیست که حرفهای نو و روشنگرانه می‌زنند. اما یکی از اصلی‌ترین دلایل اقبال جهان نسبت به ایشان، همان رأی ۲۰ میلیونی دوم خرداد است. و آلا ایشان با همه فضایل، اگر اقبال مردم را نداشت، امکان چنین خدماتی را به کشور و جهان نمی‌یافت. نیروی

سیاسی باید با امکانی که مردم در قالب رأی به او می‌دهند، خود و افکارش را عرضه کند. راه دیگری وجود ندارد.

● آیا شما که این قدر به شفافیت در امور سیاسی معتقدید، هنوز هم نمی‌خواهید بگویید رئیس‌جمهور دربارهٔ ماجرای محاکمهٔ رئیس ستاد انتخابات کشور که یک ماجرای ملی است، چه عکس‌العملی نشان داده‌اند؟

○ شفافیت عملی آقای خاتمی این بود که در مورد این ماجرا، در سه مورد به طور صریح، نظر خود را دربارهٔ محاکمه ابراز کرد. البته از موضع دخالت در قوه قضائیه و کار دادگاه نبود.

به نظر می‌رسد مسألهٔ محاکمهٔ من برای ایشان از سه جهت مهم بود. اول این که انتخابات یک مسألهٔ ملی است و هر چیزی دربارهٔ آن، جزو اموری است که رئیس‌جمهور باید از آن مطلع باشد. طبعاً من بعد از هر جلسهٔ دادگاه، رونوشت نامه‌هایم به رئیس قوهٔ قضائیه را برای رئیس‌جمهور هم می‌فرستادم تا از نزدیک در جریان مواقع باشند. حساسیت دوم این بود که مجموعهٔ دولت ایشان این انتخابات را برگزار کرده بود و سوم هم به دلیل لطفی که به من دارند، بعد از ۱۸ سال همکاری، لازم دیدند کارهایی بکنند.

البته ایشان معتقد به توصیه‌های غیرقانونی نیست و روش ایشان، بده‌بستانهای «پشت پرده» نیست. بلکه اعتقادشان این است که باید مسائل روال منطقی خود را پیدا کنند تا نیاز به آن کارها نباشد. من در جریان بعضی کارهای ایشان مثل پی‌نوشتی که بر گزارش وزیر کشور نوشتند و نیز نامهٔ ایشان خطاب به آیت‌الله شاهرودی، هستم.

● در آن پی‌نوشت چه موضعی گرفتند؟

○ چون در یکی از این سه نوشته هیچ دفاعی از شخص من احساس نمی‌شود و از طرفی برای فهم دیدگاه و روش آقای خاتمی قابل توجه است، اصلش را می‌خوانم... ایشان نوشته‌اند:

«این که معاون وزارت کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور محاکمه می‌شود، اگر از روند و روال قانونی برخوردار باشد، حتی می‌تواند افتخارآمیز هم باشد. اما آیا

عدالت ایجاب نمی‌کند که مسؤولی در این سطح، در حد یک شهروند عادی، حق و حقوقی داشته باشد (تساوی همه در برابر قانون)؟ چرا مطلعان مورد نظر را در دادگاه حاضر نمی‌کنند؟ اگر حق و عدل چنین ایجاب کند و جنابعالی هم تصدیق می‌کنید، اشکالی ندارد. تقاضا داریم ترتیبی داده شود که تبعیض در رسیدگی و احقاق حق نباشد. کسی خواستار امتیاز ویژه نیست. والسلام».

• این مربوط به چه تاریخی است؟

۵ ۴ اسفند ۱۳۷۹. یعنی وقتی که برخی جلسات دادگاه برگزار شده بود و دادگاه، به تقاضای قانونی من برای احضار مطلعین وقعی ننهاده بود.

• در جریان دادگاه، گاهی حرفهای شما و قاضی یا وکیل مدافع و مدعی‌العموم بدجوری به همدیگر گره می‌خورد و درگیری لفظی بالا می‌گرفت. مایلیم از دیدگاه شما به ماجراهای دادگاه نگاه کنیم؟

۵ اول از وکیل فرماندار تهران بگویم که در جلسات دادگاه من هم حاضر می‌شدند. آقای حامد توسلی که از وکلای باسابقه و مرد جافتاده و محترمی هستند. ایشان در دوسه جلسه، ایرادهایی به کار قاضی و نحوه دادرسی داشت که نهایتاً کار بالا می‌گرفت و به نزاع لفظی می‌انجامید. دو نکته درباره این درگیریها هست که قابل توجهند.

اول این که آقای توسلی می‌گفت من ۲۴ سال است که حتی در منزل هم داد نکشیده‌ام. اما در این دادگاه فریاد مرا درآوردند. دوم این که وی روزی که حکم دادگاه قرائت شد، به من گفت: «آیا می‌دانستید که من پیش از این دادگاه، گرایش اصطلاحاً "راست" داشتم و در طول این دادگاه، به دلیل... از گرایش خود صرف نظر کردم و به دوم خردادیها پیوستم؟»

در خلال این محاکمه، کاملاً احساس می‌کردم که اراده‌ای در جهت حذف من وجود دارد و من تا حد زیادی موفق شدم آن اراده را به جامعه بشناسانم. بخصوص اگر اجزای این محاکمه را پیش هم بچینیم، پازل آن کامل می‌شود. یک بخش این جریان به آقای محسنی اژه‌ای برمی‌گردد که هم دادستان ویژه روحانیت است و هم رئیس مجتمع قضایی که من در آن محاکمه شدم. سؤالی که پیش می‌آید این که

چطور ایشان یک دادگاه (مربوط به آیت‌الله جنتی) را تشکیل نمی‌دهد و در عوض به سرعت دادگاه دیگر را تشکیل و حکم آن صادر می‌شود.

بخش دیگر به آقای رئیسی برمی‌گردد که رئیس سازمان بازرسی کل کشور است، که با آقای محسنی اژه‌ای از شاگردان آیت‌الله جنتی دوست است. و ایشان با آن‌که به برخی تناقضات جدی در گزارش بازرسان سازمان تحت مدیریت خود معترف بود، اما هرگز حاضر نشد این موارد را به دادگاه اعلام نماید تا آن‌را به تصمیم‌گیری صحیحی هدایت کند.

● آخر حذف شما و چند نفر دیگر، مگر واقعاً می‌تواند به حذف اصلاحات و خواسته مردم بینجامد؟

○ نکته همین است. من به نیروهای مخالف اصلاحات عرض می‌کنم که یک‌بار در این کشور، منافقین به این جمع‌بندی رسیدند که با عده‌ای، اصل انقلاب به بن‌بست می‌رسد. اما دیدیم که با ترور شخصیتها، نه تنها نظام به بن‌بست نرسید، بلکه نهادینه شد و نزد مردم پایگاه محکم‌تری یافت. (نمونه‌اش انتخابات قبل و بعد از آن ترورها و افزایش حضور مردم است)

حالا هم این تحلیل نزد عده‌ای هست که با حذف چند چهره از بین اصلاح‌طلبان (حالا می‌گویند قرار است ۶۰ نفر را بازداشت کنند یا حداکثر ۲۰۰ نفر را)، اصلاحات به خط آخر می‌رسد. در صورتی که وقتی مردم را نادیده بگیرند، بن تحلیل آنها، با تحلیل آن سالهای منافقین همسویی می‌یابد. نقش اصلی با مردم است که خواستار تحولات ساختاری و همه‌جانبه هستند. دیر یا زود هم این خواسته‌ها محقق می‌شود. افراد می‌توانند این حرکت را احتمالاً کمی تند یا کند کنند. اما اصل تحول، بالاخره اتفاق می‌افتد.

● آقای تاج‌زاده! روزنامه قدس خبر داد که مقداری از شخصیت‌های سیاسی نامه‌ای به وزیر کشور نوشته و درخواست کرده‌اند شما را عزل کند. گرچه نام آنها را افشا نکرد. شما آن نامه را دیده‌اید؟

○ هنوز چنان نامه‌ای به وزارت کشور نرسیده است. حتی نوشته بودند که چند نفر از اصلاح‌طلبان نیز آن‌را امضا کرده‌اند. که نه تنها چنان چیزی صحت نداشت،

بلکه در طول جلسات دادگاه و پس از آن، تعدادی از شخصیت‌های جناح متقد دولت نیز محکومیت مرا صحیح نمی‌دانستند و برخی از آن اظهار نظر‌ها در مطبوعات درج شد.

یکی از نمونه‌ها، اظهار نظر حجت‌الاسلام موحد نماینده گچساران است که در نشست چهارساعته غیرعلنی مجلس در ۱۲ بهمن ماه، گفت: «من جزو کسانی هستم که نامه‌ای در جهت تقویت قوه قضائیه امضا کردیم. گرایش سیاسی‌ام معلوم است و سابقه کار قضایی هم دارم. اما محاکمه آقای تاج‌زاده در این شرایط قابل دفاع نیست و مردم حق دارند اگر آن را سیاسی تلقی می‌کنند. زیرا اگر این محاکمه، سیاسی نیست چرا آن را به بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ موکول نمی‌کنید؟»

● منظور آقای موحد از نامه‌ای که امضا کرده، کدام نامه بود؟

○ نامه‌ای که ۷۰ نفر از نمایندگان جناح اقلیت مجلس به منظور حمایت از قوه قضائیه امضاء و صادر کردند.

● راستی برخورد مردم با شما چگونه بود؟ در طول محاکمات و بعد از آن را می‌گوییم.

○ برخورد مردم که حقیقتاً موجب شرمندگی من است. آن قدر محبت و لطف کردند، تلفنهای فراوان و ابراز لطفهای گوناگون که شرمنده شده‌ام. همین جا از همگی تشکر می‌کنم. امیدوارم این لطف را بتوانم با خدماتم به مردم پاسخ دهم و الا این تشکرها که کافی نیست.

● یک نمونه‌اش شاید بیانیه‌ای باشد که ایثارگران وزارت کشور در حمایت از شما منتشر کردند.

○ بله و من شرمنده شدم. حتی برخی عناصر دادگاه هم با من همدلی داشتند. واقعاً برخوردهای آنها، برخورد با یک متهم نبود. یکی از پرسنل دادگاه حتی مرا برای ایام عید دعوت کرد تا به شهر و خانه وی بروم.

همین برخوردهای مردم باعث شده تا خانواده من تنها از بابت جنبه عاطفی زندان رفتن، نگران باشند. و الا هرگز فضایی برای آنها درست نشده که احساس شرمندگی کنند. این همه معلول لطف و محبت مردم بوده است. این باران لطف مردم،

آن‌قدر پرارزش است که هر وقت مسؤولی زیر آن باران بایستد، هرگز لذت آن‌را فراموش نخواهد کرد و به ادامه خدمتگزاری صادقانه ترغیب می‌شود. از سوی دیگر برخورد مردم نشان می‌دهد که متأسفانه فاصله بسیار زیادی بین احکام قضایی ما با حکمی که افکار عمومی صادر می‌کند، وجود دارد و این موجب شده که اعتبار دستگاه قضایی کشور در معرض تهدید جدی قرار گیرد.

پرونده‌های عمومی نظیر این پرونده، وقتی مختومه می‌شود که احکام قضایی و حکم مردم در یک راستا باشند. و الا پرونده در دستگاه قضایی بسته می‌شود، اما در افکار عمومی هرگز مختومه نخواهد شد.

• مردم در صحبت با شما آیا از این‌که ناگفته‌ها را بالاخره نگفتید، شما را متهم به عدم صداقت نکردند؟

○ نه. مردم می‌دانند که «سیاستمدار صادق» آن شخصی نیست که همه‌چیز را به مردم می‌گوید. بلکه به مردم دروغ نمی‌گوید. مردم بیش از آن‌که به افشاگری ما نیاز داشته باشند، نگاهشان به آینده است و این‌که امور به درستی پیش برود.

عمده امتیاز اصلاحات این مردم این است که آینده‌نگر است و خیلی در بند گذشته نیست. و اگر به گذشته هم نگاه می‌کنند، بابت این است که از آن، برای ساختن بهتر آینده استفاده کنند.

• این احساس عدم شکست که در شما هست، پایگاه نظری دیگری هم دارد. آن‌را تبیین کنید.

○ تفاوت نیرویی که به آینده نگاه می‌کند با کسی که به گذشته می‌نگرد، این است که حتی از شکست خود برای بالندگی در آینده‌اش بهره بگیرد. «شکست»، باید تبدیل به عاملی برای «پیش رفتن» باشد. من امیدوارم با این دادگاه دیگر بعضی برخوردهای غلط انتخاباتی دیگر تکرار نشود. همین یعنی بهره‌ای که از این دادگاه تلخ به دست می‌آید و انشاءالله در کام مردم شیرین خواهد بود و در آینده شیرین‌تر. اگرچه حکم دادگاه ظاهری تلخ دارد، اما حتی من هم (که علی‌الظاهر بابت آن به زندان محکوم شده‌ام) از آن احساس شکست نمی‌کنم. چون آینده را روشن می‌بینم.

• فکر می‌کنید دلیل علاقه مردم به شما چیست؟

○ اول ثابت کنید چنین علاقه‌ای وجود دارد. به نظر خودم شاید مهمترین دلیل لطف مردم، حمله منتقدان غیر منصف به من، بخصوص در این سالها و ماههای اخیر باشد. به هر حال مردم، حتی اگر اهل روزنامه خواندن هم نباشند، از طریق حملاتی که به شخصی می‌شود، میزان حق بودن آن حملات را می‌توانند تشخیص دهند. مثلاً همین چند وقت پیش یک آقای به من رسید و گفت «من سوابق شما را نمی‌دانم اما همین که اینها به شما گیر داده‌اند به نظرم شما باید آدم خوبی باشید». علاوه بر این شاید در بعضی اتفاقات مثل کوی دانشگاه بود، مردم و بخصوص دانشجویان احساس کردند آنها را تنها نگذاشتیم و در کنار آنها بودیم.

• اما به نظر من، از افراد مختلفی هم شنیده‌ام که شما را بابت خلق و خوی اجتماعی و خاکی‌تان دوست دارند. شاید در مورد شما این بعد شخصی، نقش بیشتری داشته باشد.

○ فکر نمی‌کنم این موارد تأثیر زیادی داشته باشد. هرچند اجمالاً باید بگویم با واژه قهر و کینه آشنا نیستم و بزرگترین لطفی که خدا به من کرده، این است که هر جا بوده‌ام سعی کرده‌ام رفتارم طوری نباشد که کسی به خاطر آن، از جریانی که به آن اعتقاد دارم زده شود.

• حرف آخری هم هست که بگویید؟

○ یقین دارم مردم ما در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ برای تحقق خواسته‌های خود، دوباره در معرض یک گزینش و انتخاب دیگر قرار خواهند گرفت و انتخاب خود را خواهند کرد. در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، شکوفه‌ای بر درخت کهنسال ایران ما جوانه زد که بعد از پیروزی بر موانع داخلی و خارجی، در دوم خرداد ۱۳۷۶ گل کرد. از این گل، ملت ایران خندید. «گل خند» دوم خرداد، تکرار خواهد شد، چون باید لبخند و شادی و معنویت پیروز شود و ان شاء الله چنان خواهد شد.

عضوی از آن «ایران کوچک»

سید مصطفی تاج‌زاده در میان خانواده‌ای بزرگ شده که «مثل یک ایران کوچک است و همه تپی در آن زندگی می‌کنند».

تاج‌زاده در عین حال، مغایرت سیاسی و گرایشهایش با بعضی اعضای خانواده را در روابطی که با آنها دارد دخالت نداده و در این باره می‌گوید: «معتقدم هر نیروی اصلاح‌طلبی باید اول از خود و اطرافش شروع کند و ببیند آیا می‌تواند شعائر اصلاح‌طلبی را در مورد خودش پیاده کند یا نه؟ مثلاً این که می‌گوییم "تبدیل معاند به مخالف و مخالف به موافق" آیا عملی هست و ما می‌توانیم آن‌قدر انعطاف‌پذیر باشیم که در اطراف خودمان چنین کنیم یا نه؟»

• متولد چه سالی هستید، آقای تاج‌زاده؟

○ سال ۱۳۳۵، طبق شناسنامه‌ام ظاهراً اول آذرماه ۱۳۳۵ متولد شده‌ام.



تاج‌زاده در دهه اول انقلاب معاون وزیر ارشاد (آقای خاتمی) بوده و چند سمت دیگر داشته است. با این حال یکی از مواهب الهی را، دوران «برکناری از مسئولیت» می‌داند که در آغاز دهه دوم انقلاب برای او و دوستانش رقم زده شد.

می‌گوید: «برای هر مسئولی لازم است مدتی برکنار باشد تا جامعه را از دریچه پایون ببیند. این باعث شده که در دوره جدید که مسئولیت پذیرفتیم، باور داشته باشیم که بالاخره باز هم یک روز این پست را باید ترک کنیم. پس باید فکر چگونگی رفتن باشیم و این که آن‌طور عمل کنیم که وقتی به هر دلیل مسئولیتی نداریم، بتوانیم بدون شرمندگی و احساس ناخوشایند در میان مردم آمد و رفت کنیم و احساس غبن و سرافکندگی هم نداشته باشیم. دوران برکناری از این جهت، یک دوران لازم برای هر مسئولی است تا باور کند روزی باید برود».

او بیشتر از آن‌که خود را وزارت کشوری بداند، وزارت ارشادی می‌داند. چون سالهای زیادی در ارشاد بوده است.

• اما شما که همه‌اش ۷-۸ سال معاون وزیر ارشاد و مدیر کل مطبوعات

بیشتر نبودید؟

○ این مال وقتی است که آقای خاتمی وزیر بودند و من در آن سمت‌ها بودم. اما چند سال هم بعد از ایشان در ارشاد ماندم.

• در چه سمتی؟

○ در سمت کمک کتابدار!

• یعنی خودتان خواستید این سمت را داشته باشید؟

○ در واقع دوستان من به همراه آقای خاتمی یا رفتند یا آن‌که در دوران وزیران بعدی، در پستهای خود باقی ماندند. فقط من ماندم با پست کمک کتابداری، اما شرمسار نبودم. هرچند که بعد از دوسه سال همین را هم تحمل نکردند و عذر من خواستند. اما همین حضور باعث شد دوستان من در ارشاد بیشتر شوند. آن‌طور که الان سالهاست «پارتی» من در تالار وحدت، یک تلفنچی نابینا اما مهربان و باوفا است و بسیار محترم. هم او به من تلفن می‌کند و می‌گوید فلان نمایش روی صحنه است و توصیه می‌کند آن‌را ببینم. جا دارد همین‌جا از ایشان (آقای صابری) تشکر کنم. با داشتن چنین دوستانی، دیگر خیلی برای فرد مهم نیست رئیس تالار وحدت یا وزیر ارشاد چه کسی است؟

در وزارت کشور هم نگاه و باورم این بوده که زمانی که از وزارت کشور رفتم، طوری باشد که هر وقت دوباره گذرم به آنجا افتاد از همان دم در، احساس کنم به میان دوستانم برگشته‌ام.



سیدمصطفی تاج‌زاده، «فقر» و «صداقت» را بزرگترین موهبت‌ها و سرمایه زندگی‌اش می‌داند و وضع مالی خود را بسیار روشن توصیف می‌کند: «همین وضع روشن هم باعث شده که هیچ وصله‌ای در این زمینه (مالی) به من نچسبد». از دیگر خصوصیات مهم اخلاقی او، سختگیری‌اش در استفاده از بیت‌المال است. هنوز با پیکان تردد می‌کند و مطمئن است که از این بابت ضرر نکرده است. تاج‌زاده متولد تهران و از پدر و مادری اهل هرند اصفهان زاده شده است. سال ۱۳۵۴ بعد از اخذ دیپلم متوسطه به کالیفرنیا، آمریکا رفت و به ادامه تحصیل پرداخت و فعالیت سیاسی‌اش را در انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا ادامه داد. ۸ مهر ۱۳۵۷ وارد ایران شد و به انقلاب پیوست. پایگاههای فکری او در نوجوانی و جوانی عبارت بودند از اندیشه‌های امام خمینی (س) که خود و خانواده‌اش مقلدین امام بودند. از طرف دیگر با عقاید و آرای دکتر علی شریعتی آشنا شد و با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به فعالیتهای سیاسی خود ادامه داد. امروزه علاوه بر آن

عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت نیز هست. از اردیبهشت ۱۳۶۱ که به عنوان مدیرکل مطبوعات و نشریات با حکم وزیر وقت (حجت‌الاسلام معادینخواه) به وزارت ارشاد رفت، دیگر «ارشادی» شد:

«بعد آقای خاتمی آمد و پس از مدتی مدیرکل نمایندگی فرهنگی در خارج کشور شدم و آقای آرمن به جای من مدیرکل مطبوعات شد. از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ معاون بین‌المللی وزارت ارشاد در زمان آقای خاتمی بودم. بعد از استعفای من در سال ۱۳۶۷ خواستم تحصیل خود را تمام وقت ادامه دهم که نشد و نیمه وقت به عنوان مشاور وزیر ارشاد باقی ماندم».

تاج‌زاده جزو اولین کسانی است که وارد دانشکده علوم و حقوق سیاسی شد و بعد از او، دوستان دیگرش مثل سعید حجاریان، خسرو تهرانی، محسن امین‌زاده، حسین نصیری و دیگران وارد آن دانشکده شدند: «طوری که بعضیها فکر می‌کردند آنجا خبرهایی هست و پاتوق شده!»

لیسانس و فوق‌لیسانس خود را گرفت و اکنون برای نوشتن تز دکترایش، منتظر فرصتی است که «شاید در همین زندان دست دهد، که بالاخره آنرا بنویسم و دکترایم را بگیرم».

از سال ۱۳۷۵ در ستاد انتخابات آقای خاتمی فعالیت کرد و همزمان عضو تحریریه عصر مابود. بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ معاون سیاسی وزارت کشور در زمان آقای عبدالله نوری شد و بعد از او نیز سرپرستی وزارت کشور را تا انتصاب وزیر جدید (موسوی لاری) پذیرفت.

تاج‌زاده در آخر می‌گوید: «این تا اینجا. سال ۱۳۸۰ را هم، نمی‌دانم کجا خواهم بود». هیچ چیز پشت پرده‌ای وجود ندارد که او بداند و نگوید. واقعاً نمی‌داند که آیا همچنان معاون وزیر کشور خواهد بود یا یک زندانی در اوین، که رساله دکترایش را می‌نویسد.

اما یک چیز قطعی است. او حتی اگر در اوین هم باشد، همان سیدمصطفی تاج‌زاده‌ای خواهد بود که به آسانسورچی و نگهبان و کارمند و منشی سلام می‌کند و با گرمی می‌گوید: «مخلصیم». سالهاست که چنین می‌گوید.

فصل سوم

ضمائم و پیوستها

روزشمار «وقایع یک محاکمه»

پیرامون انتخابات مجلس ششم و احضار و

محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور

با نگاهی به عناوین مطبوعات و نشریات^۱

سال ۱۳۷۸

۲۹ بهمن: بالغ بر ۲۷ میلیون نفر در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت کردند.

۱ اسفند: مقام رهبری، حضور ملت در پای صندوقها را، آیات نصرت الهی و عنایت ویژه بقیة الله (عج) نامیدند.

۳ اسفند: تاجزاده: «سعی مسئولان انتخابات، آن است که دقت را فدای سرعت نکنند. به مردم اطمینان می‌دهم حتی یک رأی جابجا نخواهد شد».

۷ اسفند: ستاد انتخابات کشور علت تأخیر در اعلام نتایج انتخابات تهران را، بازشماری یک هزار صندوق برای حصول اطمینان بیشتر ذکر کرد.

۱۱ اسفند: رئیس هیأت نظارت شهرستان تهران: «احتمال شمارش مجدد آرای تهران متفی است».

۱۲ اسفند: رهبر انقلاب، انتخابات ۲۹ بهمن را «بیعت بزرگ مردمی با نظام اسلامی» خواندند.

۱. چون مطالب این روزشمار، عیناً از تیر مطبوعات و روزنامه‌ها استخراج شده، طبیعتاً با فاصله یک‌روزه نسبت به تاریخ واقعی رخدادها تنظیم شده است. در حقیقت، تاریخ واقعی رخدادها، یک روز قبل از تاریخ درج در مطبوعات و این روزشمار است. /ن.

اطلاعیه ششم شورای نگهبان: «برای رفع ابهامات، یک هزار صندوق را بازشماری می‌کنیم».

۱۶ اسفند: تاج‌زاده: «از بازشماری آرا، نگرانی نداریم».

۱۹ اسفند: اطلاعیه هفتم شورای نگهبان: «بازشماری، آرا را تغییری داده، اما در نتیجه انتخابات تأثیری نداشته است».

سال ۱۳۷۹

۲۰ فروردین: شورای نگهبان، نتایج انتخابات چند حوزه را باطل کرد. شمار دیگری از اصلاح‌طلبان از ورود به مجلس بازماندند.

۲۱ فروردین: تاج‌زاده: «وزارت کشور، ابطال بدون دلیل انتخابات را نمی‌پذیرد».

۲۳ فروردین: یک مقام مسؤول: «شورای نگهبان، هفت روز دیگر درباره انتخابات تهران تصمیم می‌گیرد».

مدیر کل انتخابات وزارت کشور: «شورای نگهبان درباره انتخابات تهران، تعلل می‌کند».

۲۴ فروردین: حجت‌الاسلام مجید انصاری: «اطلاعیه‌های شورای نگهبان، مخدوش‌کننده آرای مردم و اهانت به آنهاست».

وزیر کشور: «مقابله با رأی مردم را باید در قیامت جوابگو باشند».

۲۹ فروردین: اطلاعیه شورای نگهبان: «از دیروز، اقدام به بازشماری بخشی از آرای مردم تهران کرده‌ایم».

تاج‌زاده: «شورای نگهبان از تأیید تاریخ برگزاری مرحله دوم انتخابات مجلس، خودداری می‌کند».

۳۰ فروردین: دور تازه ابطال نتایج حوزه‌های انتخاباتی توسط شورای نگهبان.

آیت‌الله جنتی: «شورای نگهبان موظف نیست دلایل حوزه‌ها را اعلام کند».

۷ اردیبهشت: جنتی، تشکیل مجلس ششم را قطعی دانست: «بحث ابطال انتخابات تهران مطرح نبوده و نیست».

۱۳ اردیبهشت: محمدجواد لاریجانی، انتخابات تهران را یک «افتضاح بزرگ سیاسی» خواند که «لکه ننگ» آن، جز با «ابطال انتخابات تهران» پاک نمی‌شود.

حسین انواری: «سومین گروه منتخب شورای نگهبان (غفوی، شیخ عطار، مصطفوی) مأمور بازشماری مجدد آرا شدند. بحث ابطال انتخابات تهران مطرح نیست».

۱۷ اردیبهشت: آیت‌الله یزدی: «تکلیف انتخابات تهران تا روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت مشخص می‌شود».

۲۲ اردیبهشت: تأکید جنتی بر ادامه بازشماری آرای تهران: «وقتی اختلاف آراء به ۵۰ درصد رسید، نمی‌توان حمل بر اشتباه کرد».

۲۹ اردیبهشت: پایان ۹۰ روز انتظار برای تعیین سرنوشت ۳ میلیون رأی مردم تهران.

۳۱ اردیبهشت: شورای نگهبان در نامه‌ای به مقام رهبری، پیرامون انتخابات تهران کسب تکلیف کرد: «شورای نگهبان نمی‌تواند صحت انتخابات تهران را تأیید نماید».

مقام رهبری: «نتایج انتخابات تهران به جز صندوقهای مخدوش اعلام شود».

۲ خرداد: دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه، خواهان پیگرد قانونی ستاد انتخابات کشور شد.

زواره‌ای: «این‌که انتخابات مجلس ششم در تهران، سالمترین انتخابات بوده صحت ندارد».

۵ خرداد: هاشمی رفسنجانی از نمایندگی مجلس انصراف داد.

۷ خرداد: مجلس ششم رسماً تشکیل شد.

۱۱ خرداد: کروبی رئیس مجلس ششم شد.



۲۸ آبان: از سوی وزیر کشور، سیدمصطفی تاج‌زاده، مجدداً «رئیس ستاد انتخابات کشور» شد. «بدین ترتیب سرنوشت انتخابات سال ۸۰ مشخص شد». [رسالت] واکنش باهنر به انتصاب تاج‌زاده.

۳۰ آبان: دفاع مهاجرانی از انتصاب تاج‌زاده: «او مدیری صاحب‌نظر است که در برابر افزون‌طلبیهای برخی جناحها خواهد ایستاد».

۳ آذر: (نشریه شما): انتصاب مجدد تاجزاده، غیرمدبرانه و تحریک‌آمیز است.

۵ آذر: جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، خواستار تعویض تاجزاده شد.



۳ بهمن: احضار به دادگاه حوادث خرم‌آباد. تاجزاده: «به برخورد یک‌سویه قاضی اعتراض دارم».

(همبستگی) «نوبت به تاجزاده رسید».

۴ بهمن: پرونده‌ای جدید برای رئیس ستاد انتخابات ۸۰، احضار تاجزاده به دادگاه رسیدگی به تخلفات انتخاباتی.

تاجزاده: «گزارش سازمان بازرسی را منتشر کنید».

۵ بهمن: حجت‌الاسلام موسوی لاری: «سنگ و کلوخهای دعوای احزاب، بر سر ما (وزارت کشورها) می‌خورد».

تاجزاده: «بازجویی مرا، به محاکمه تبدیل کردند».

۸ بهمن: حمیدرضا ترقی: «تغییر تاجزاده از سمت رئیس ستاد انتخابات کشور، بسیار مهم است».

براساس نامه ۱۵۰ نماینده، مجلس نحوه برخورد با تاجزاده و پرونده انتخابات تهران را بررسی می‌کند.

۹ بهمن: شایعه احتمال محکومیت تاجزاده: «انفصال از خدمات دولتی بین ۵ تا ۸ سال».

۱۰ بهمن: شکایت تاجزاده به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس از سازمان بازرسی کل کشور و صدا و سیما.

حجت‌الاسلام طه هاشمی: آقای تاجزاده در هر حوزه‌ای، موفق کار کرده است.

۱۱ بهمن: عسکراولادی: «تاجزاده نمی‌تواند امین مردم و حماسه‌ساز انتخابات باشد».

۱۳ بهمن: بعد از نشست ۴ ساعته مجلس: «نمایندگان: تاجزاده تخلف نکرده است».

۱۵ بهمن: میردامادی: «تاجزاده، چوب لیاقتش را می‌خورد. اراده‌ای خارج از قوه قضائیه، بنای برخورد با او را دارد».

- ۱۶ بهمن: برگزاری دومین جلسه محاکمه تاجزاده و آزرمی.
شکوری راد: «می خواهند تاجزاده، مسئولیت ستاد انتخابات کشور را واگذار کند». درخواست ایثارگران وزارت کشور از رئیس قوه قضائیه، برای برانت بی قید و شرط تاجزاده.
- عضو انصار حزب الله: «با انتصاب تاجزاده، نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۸۰ مشخص است».
- ۱۷ بهمن: شکایت تاجزاده از جنتی به دادگاه ویژه روحانیت رفت. دیدار تاجزاده و علیزاده رئیس کل دادگستری تهران پشت درهای بسته.
- ۱۹ بهمن: علی تاجرنیا (نماینده مشهد): «محافظه کاران با محاکمه تاجزاده، جامعه را تست می زنند».
- علی ظفرزاده (نماینده مشهد): «محاکمه تاجزاده، تحت فشار منتقدان دولت صورت می گیرد».
- خباز: «محاکمه تاجزاده، کاملاً سیاسی است».
- وزیر کشور: «حرفهای زیادی درباره انتخابات دارم».
- ۲۰ بهمن: چهارمین جلسه محاکمه. تاجزاده در اعتراض به ممانعت از ورود خبرنگاران، دادگاه را ترک کرد.
- ۲۳ بهمن: آیت الله جنتی در خطبه های نماز جمعه تهران: «از دستگاه قضایی خودمان تقدیر می کنم. آفرین بر شما. شما دارید جایگاه رفیع دستگاه قضایی را حفظ می کنید. خواهش می کنم این موضع خود را حفظ کنید».
- وزیر کشور: «ابطال ۷۲۰ هزار رأی مردم جرم است یا تصرف یک صندوق؟»
- ۲۴ بهمن: نامه تاجزاده به قاضی دقیقی: «انتظار دارم تلاش دادگاه، اثبات تصمیم اکثریت شورای نگهبان نباشد».
- پنجمین جلسه دادگاه برگزار شد. سه اتهام جدید به تاجزاده تفهیم شد. انتقاد شدید خاتمی از «مصونیت های آهنین».
- ۲۵ بهمن: تاجزاده خواستار حضور آیت الله جنتی در دادگاه و پخش تلویزیونی جلسه محاکمه شد.

(رسالت): با شکایت سردار نظری، تاج‌زاده به دادگاه می‌رود.

۲۶ بهمن: ششمین جلسه محاکمه. «دفاعیات تاج‌زاده امروز ادامه می‌یابد».

جبهه مشارکت خواستار رسیدگی به شکایت وزات کشور از آیت‌الله جنتی شد.

۲۷ بهمن: تاج‌زاده در دادگاه ششم: «فقدان حتی یک مورد تقلب در انتخابات، باید

باعث غرور هر ایرانی و سه قوه باشد. آیت‌الله جنتی سبب ابطال ۷۲۰ هزار رأی

مردم است».

۳۰ بهمن: برگزاری هفتمین جلسه دادگاه.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: «برخورد با تاج‌زاده، گامی دیگر در هجوم علیه

دولت است».

محمدرضا خاتمی: «قضایای محاکمه تاج‌زاده را با دقت پیگیری می‌کنیم».

۱ اسفند: در هفتمین جلسه محاکمه تاج‌زاده، «اتهامات، متوجه دبیر شورای نگهبان

است».

۳ اسفند: در نامه‌ای سرگشاده به هاشمی شاهرودی، تاج‌زاده: «تن به سکوت

می‌دهم، اما خدشه در انتخابات را نمی‌پذیرم».

وزیر کشور: «نمی‌دانم چه نگرانی دارند که شهود را به دادگاه دعوت نمی‌کنند؟»

۴ اسفند: محسن آرمین: «محاکمه تاج‌زاده، به لحاظ قضایی، پدیده غریبی است».

۶ اسفند: هشتمین جلسه محاکمه تاج‌زاده، امروز با بیان آخرین دفاعیه وی برگزار

می‌شود.

واکنش دفتر تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی به محاکمه تاج‌زاده.

۷ اسفند: «من متهمی سربلند هستم».

۱۰ اسفند: در پاسخ به درخواست نمایندگان، وزیر کشور گزارش کاملی از برگزاری

انتخابات تهران به مجلس ارائه کرد.

تاج‌زاده: «من تبرئه می‌شوم».

۱۴ اسفند: تاج‌زاده مجدداً به دادگاه احضار شده.

واکنش شورای نگهبان به سخنان وزیر کشور در مجلس.

۱۵ اسفند: یک سال زندان و ۳۹ ماه انفصال برای رئیس ستاد انتخابات ۸۰

پرونده موسوی لاری به دادگاه ویژه روحانیت رفت.

تاج‌زاده: «در دادگاه ملت تبرئه شدم».

حجت‌الاسلام موسی قربانی باز هم بر ضرورت تبرئه تاج‌زاده تأکید کرد.

محسن یحوی: «منتقدان دولت، چشم‌انتظار جانشین تاج‌زاده هستند».

۱۷ اسفند: واکنش حزب مشارکت و حزب اسلامی کار به حکم تاج‌زاده.

شخصیتهای سیاسی، به تضعیف وزارت کشور، واکنش نشان دادند.

۱۸ اسفند: پیشنهاد وزیر کشور برای بررسی پرونده انتخابات، در جلسه سران سه قوه.

۲۰ اسفند: محتشمی: «به عنوان یک کارشناس ایمان دارم، تاج‌زاده هیچ نقشی در صحت و سقم انتخابات نداشته است».

بادامچیان: «تاج‌زاده، تقصیر خودش بود!»

۲۱ اسفند: تاج‌زاده: «اگر عقل جمعی بپذیرد، تقاضای تجدید نظر خواهم کرد».

سال ۱۳۸۰

۵ فروردین: ارسال نامه اعتراض‌آمیز تاج‌زاده به رئیس قوه قضائیه؛ تقاضای تجدید نظر.

۸ اردیبهشت: تاج‌زاده در حالی که مجدداً برای رسیدگی به پرونده حوادث خرم‌آباد به دادگاه احضار شده، هنوز با اعتماد به نفس و اطمینان، معاون سیاسی وزیر و رئیس ستاد انتخابات کشور است.

۱۲ اردیبهشت: بالاخره دادگاه تجدید نظر استان تهران، رأی نهایی خود را صادر کرد. این دادگاه با برائت ۴۲ نفر اعضای صندوقها، و الغای حکم زندان، بیشترین محکومیت را به سیدمصطفی تاج‌زاده داد و او را به ۳۰ ماه انفصال از خدمات دولتی محکوم کرد. همچنین آزر می فرماندار تهران نیز به ۲۴ ماه انفصال محکوم شد.^۱

۱. رجوع شود به پی‌گفتار انتهای کتاب

بخشی از گزارش سازمان بازرسی کل کشور استنتاجات و پیشنهادها

به دلیل اهمیت گزارش سازمان بازرسی در ماجرایی محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور، فصل نهایی آن گزارش که استنتاجات و پیشنهادهای بازرسان را شامل می‌شود، در زیر می‌خوانید:

□

[استنتاجات هیأت بازرسی، که حاصل جمع‌آوری اطلاعات و بررسیهای معموله می‌باشد، به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱. راجع به صندوقهای دارای ایراد شکلی

اولاً: با توجه به این که کلیه صندوقهای مورد بحث، فاقد ته چک بوده، تحقیقات انجام شده، حاکی است که قرار ندادن ته چک در داخل صندوق، پس از پایان شمارش آرا غالباً ناشی از غفلت اعضای صندوق، عدم آموزش، توجیه نبودن نسبت به مقررات مربوط و خستگی ناشی از طولانی شدن زمان برگزاری انتخابات و شمارش آرا می‌باشد و تعمّدی در کار نبوده است، لذا هیأت بازرسی وقوع بزه‌ای را احراز ننمود.

ثانیاً: در مورد پارگی لفاف و یا باز بودن آن و فقدان مهر نظارت در قسمت دریچه اخذ رأی و قسمت فوقانی صندوق، نظر به این که در این دوره از انتخابات، قانون و آیین‌نامه مربوط مقرر داشته که صندوقها به لاک و مهر نظارت، ممهور گردند و در این خصوص، اعضای برخی صندوقها اعم از معتمدین، ناظران، نمایندگان

فرماندار و بازرسان وزارت کشور، آموزش لازم ندیده و نسبت به نحوه لاک و مهر صندوق و دریچه، توجیه نشده‌اند. همچنین نگهداری غیراصولی صندوق آرا در سایتها و مخزن نگهداری آنها، خشک و غیرقابل انعطاف بودن لاکهای مصرف شده در صندوقها، جابجاییهای مکرر صندوقها و عدم حمل و نقل صحیح آنها، کیفیت نامرغوب صندوقها و نخ دوخت لفاف، حجم آرای ریخته شده در صندوق، برش عرضی وسیع در پهلوی صندوقها برای ریختن آرا و در نتیجه کاهش استحکام آنها، می‌تواند از موجبات شکستگی لاک و مهر و پارگی و باز شدن لفاف باشد و چون تحقیقات معموله، دلالت ندارد که به منظور دسترسی به محتویات صندوقهای آرا و یا ابطال صندوقهای مذکور، تعمداً لاک و مهر شکسته و یا لفاف صندوقها باز شده باشد، نتیجتاً هیأت بازرسی دلایل کافی بر وقوع جرم تحصیل ننمود، لیکن مواردی برحسب مورد، به عنوان سوء جریان احراز گردیده است.

۲. در خصوص صندوقهای دارای ایراد ماهوی

اولاً: اختلاف آرا، بین شمارشهای اولیه و بعدی وجود دارد.

ثانیاً: بررسیهای هیأت، حاکی است که این اختلاف آرا در برخی از صندوقهای مورد بحث، می‌تواند ناشی از طولانی شدن مدت زمان برگزاری انتخابات و شمارش آرا و خستگی اعضای صندوقها (با توجه به استمرار بی‌وقفه کار شمارش)، عدم وجود محل مناسب برای شمارش آرا، کثرت تعداد کاندیداها، بی‌تجربگی و کم‌سوادی اعضای صندوقها، عدم دقت در علامت زدن و جمع‌بندی شمارش آرا برای هر فرد، استفاده از افراد متفرقه در شمارش آرا و عدم احساس مسئولیت آنان در شمارش آرا، عدم اعمال هدایت و کنترل صحیح در نحوه شمارش و جمع‌بندی آرا باشد که در این موارد، تحقیقات معموله، حکایت از وجود سوء جریان در شمارش و مسائل مرتبط با آن دارد.

ثالثاً: در صندوقهایی که اختلاف شمارش آرا چشمگیر بوده با توجه به تحقیقات انجام شده^۱ و قرائن موجود که دلالت بر سوء عملکرد اعضای این صندوقها اعم از

۱. در تعدادی از صندوقهای مزبور برخلاف مفاد تبصره ماده ۵۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، افرادی غیر از اعضای صندوق در شعب اخذ رأی حضور پیدا کرده و در کار شمارش آرا دخالت نموده‌اند.

رئیس شعبه، نایب رئیس شعبه، منشیها، نماینده فرماندار، بازرس یا بازرسان وزارت کشور و نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت دارد، نمی‌توان این اختلاف را ناشی از عوامل مذکور در بند فوق دانست و موضوع، قابل طرح در مرجع قضایی می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود نسخه‌ای از گزارش، به انضمام سوابق و پرونده‌های مربوط، به دادگستری استان تهران ارسال گردد.

۳. سوء جریانات و نارساییها

الف. عدم آموزش کافی اعضای برخی از صندوقها در زمینه: شمارش آرا، تنظیم فرمهای ۴۹، قرار دادن ته‌چکها در داخل صندوق، لاک و مهر صندوق و همچنین استفاده از افرادی غیر از اعضای صندوقها برای شمارش آرا و عدم دقت در ثبت اسامی رأی‌دهندگان در تعرفه‌ها و قید سن آنان.

ب. تعیین برخی از مجریان و بازرسان، بدون توجه به میزان تحصیلات، شرایط سنی، توانایی و تجربه آنان.

ج. استفاده از ابزار و وسایل نامناسب، از جمله به کارگیری کارتن فاقد استحکام (مقوایی) برای تهیه صندوقهای اخذ رأی و نیز عدم رعایت اصول متعارف و فنی در نگهداری و نقل و انتقال صندوقها.

د. عدم اطلاع کافی بازرسان ذیربط به وظایف و تکالیف قانونی خود و حساسیت برخی از آنها نسبت به عده‌ای از کاندیداها، که علاوه بر عدم انجام وظایف محوله به نحو مطلوب، دخالت‌های غیرقانونی آنان در اخذ رأی و شمارش آرا را به همراه داشته است.

۴. ستاد انتخابات کشور در جریان برگزاری انتخابات حوزه انتخابیه تهران، دخالت مستقیم داشته است. از آن جمله می‌توان به هدایت فرماندار و معاون سیاسی-انتظامی فرمانداری تهران توسط مسؤول (رئیس) ستاد انتخابات، در طول فعالیت هیأت بازرسی اشاره کرد که به عنوان نمونه موارد ذیل قابل ذکر است:

— تأکید بر امضاء فهرست ۵۳۴ صندوق قبل از تحویل آنها به هیأت بازرسی و تعیین پیش شرط‌های غیرقانونی و منوط نمودن ارائه صندوقها، به اعلام دلایل ابطال هر صندوق.

— عدم تحویل صندوقها در تاریخ ۷۹/۳/۱۰ توسط فرماندار تهران به استناد دستور رئیس ستاد انتخابات کشور (به این بهانه که هیأت بازرسی باید ابتدائاً لیست صندوقهای باطل شده را در اختیار وزارت کشور قرار دهد) همچنین توقف بازرسی در تاریخهای ۷۹/۳/۲۲ لغایت ۷۹/۳/۲۴ به جهت عدم همکاری فرمانداری تهران و ستاد انتخابات کشور، به جهت اصرار به ارائه فهرست شماره کلیه صندوقهای دارای ایراد ماهوی و بیان علت ابطال هر صندوق.

— عدم تحویل ۳۲ صندوق مورد درخواست، جهت بررسی شکلی، در تاریخ ۷۹/۴/۱ که رئیس ستاد انتخابات کشور طی نامه شماره ۱۵۲۰/۴/۴۴ مورخ ۷۹/۴/۱ بررسی شکلی صندوق مازاد بر ۲۱۶ صندوق را بی معنا خوانده است. به علاوه وزیر محترم کشور در نامه شماره ۱۵۵۹/۱/۴/۴۴ مورخ ۷۹/۴/۱۳ صراحتاً اعلام نموده فرمانداری تهران به دستور اینجانب، بعد از این، صندوقهای درخواستی آن سازمان را پس از اعلام دلایل ابطال هر صندوق، برای بررسی در اختیار هیأت اعزامی قرار خواهد داد.

— عدم تحویل تعدادی از صندوقها (خارج از ۵۳۴ صندوق ابطال شده)، به این توضیح که هیأت بازرسی برای احراز واقعیت و چگونگی وضعیت سایر صندوقها از فرماندار تهران خواست، با قید قرعه، تعدادی از صندوقهای ابطال نشده را انتخاب و با حضور نمایندگان وزارت کشور و شورای نگهبان مورد بررسی قرار دهد، تا حقیقت امر راجع به صندوقهای مخدوش بهتر مشخص شود که مورد مخالفت وزارت کشور قرار گرفت.

هرچند برخی از اقدامات فوق از مصادیق اعمال تبصره ماده ۸ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور بوده و هیأت بازرسی، می توانست از اختیارات مقرر در تبصره مذکور استفاده نماید و مراتب را از طریق مراجع قضایی تحت پیگرد قرار دهد، لیکن به منظور پیشگیری از هرگونه تنش، با حسن تدبیر، امکان ادامه کار هیأت بازرسی فراهم گردید. مع الوصف سوء جریان مربوط به تحویل صندوقها، می باید مورد توجه مسئولان ذیربط قرار گیرد.

۵. با عنایت به ماده ۲۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور،

مأمور اجرای انتخابات و مسؤول حسن جریان آن می باشد و تفویض اختیارات قانونی به ستاد انتخابات کشور، ضمن ایجاد تکلیف برای این ستاد از مسؤولیتهای قانونی وزارت کشور نمی کاهد. از طرف دیگر تعیین وظایف قانونی برای فرمانداران نیز موجب رفع مسؤولیت از وزارت کشور نیست. بنابراین وزارت کشور، ستاد انتخابات کشور و فرماندار حوزه انتخابیه، حسب مورد، همگی در مقابل نارساییها و سوء جریانات راجع به برگزاری انتخابات مسؤول بوده و می باید پاسخگو باشند و توجیه رئیس ستاد انتخابات کشور، مبنی بر این که در دوره های گذشته نیز چنین مواردی وجود داشته (بر فرض صحت این ادعا) مسموع نمی باشد. پیشنهاد می شود نسخه ای از گزارش به محضر ریاست محترم جمهوری (با توجه به مسؤولیت مندرج در اصل ۱۳۴ قانون اساسی) و دیگر مراجع ذیصلاح، جهت استحضار و صدور دستور شایسته و اقدام قانونی ارسال گردد.

۶. در بخش نظارتی شورای نگهبان نیز، نارساییها و ایراداتی از قبیل عدم سازماندهی مناسب، تعیین برخی از ناظران بدون توجه به شرایط لازم، عدم آموزش و توجیه برخی بازرسان و ناظران نسبت به وظایف و تکالیف قانونی خود مشاهده شد که ضرورت بازنگری در روش جاری نظارت بر انتخابات و تشکیل سازمان نظارتی در این خصوص از سوی شورای نگهبان را اجتناب ناپذیر می سازد. لذا پیشنهاد می شود نسخه ای از گزارش به شورای محترم نگهبان ارسال تا اقدامات شایسته معمول گردد].

نامه منتشر نشده به آیت الله جنتی

بعد از صدور حکم محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور، آقای سیدمصطفی تاجزاده در نامه‌ای خطاب به آیت الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان، تمامی ابعاد انتخابات مجلس ششم در تهران را به روشنی شرح داد و با استناد به شواهد و مدارک رسمی، جغرافیای واضحی از صحنه منازعات بر ابطال ۷۲۶ هزار رأی مردم تهران را به دست داد.

آقای تاجزاده در متن این نامه، سهم نهادهای اجرایی و نظارتی دست‌اندرکار امر انتخابات را در ابطال ۵۳۴ صندوق اخذ رأی به تفکیک برشمرد و در مجمل‌ترین بیانی که ممکن بود، توانست قضایای پرونده قطور انتخابات تهران را به ایجاز و البته با استناد به مدارک متقن بیان نماید.

در این بخش، متن این نامه (که هنوز منتشر نشده) از نظر خوانندگان می‌گذرد. در پایان این نامه، آقای تاجزاده دلیل عدم انتشار آن را چنین برشمرده است: «ضمناً این نامه را تا اطلاع ثانوی در اختیار رسانه‌های گروهی قرار نخواهم داد. اما جنابعالی می‌توانید از این فرصت استفاده کرده، پاسخ لازم را تهیه فرمایید تا بلافاصله پس از انتشار نامه، پاسخ جنابعالی نیز ارائه شود».

□

[حضور آیت الله جنتی، دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

همان‌گونه که مستحضرید، دادگاه رسیدگی به تخلفات انتخاباتی حوزه انتخابیه تهران

در مجلس ششم، بدون این که دفاعیه اینجانب به صورت کامل ارائه شود و بدون آن که با یکی از مباشران احتمالی جرم مواجه شوم و نیز بدون این که یکی از مطلعانی که حضورشان را در دادگاه، برای کشف حقیقت و دفاع از صحت انتخابات سالم، پرشکوه و افتخارآفرین مجلس ششم لازم می دانستم و اکثر قریب به اتفاق آنان، از منصوبین شورای محترم نگهبان بودند، دعوت شود تا اطلاعات خود را در اختیار قاضی محترم قرار دهند و همچنین بدون تهیه و قرائت اسناد درخواستی اینجانب در دادگاه محترم و سرانجام بدون دریافت مدارکی که، روز آخر قصد تحویل آنها را به قاضی محترم داشتم - و با اشکالات شکلی و ماهوی فراوان - خاتمه یافت. این دادگاه، علی القاعده می بایست بر اساس دستور مقام رهبری و به استناد گزارش سازمان بازرسی، تشکیل می شد و به شناسایی و تعقیب قانونی عاملان احتمالی تخلف در صندوقهای مخدوش که طبق تحقیقات سازمان بازرسی ۵۳ عدد بود، می پرداخت، اما تنها موضوعی که در جلسات علنی دادگاه محترم مطرح نشد، همین مسأله بود. در هر حال در حین دادرسی معلوم شد که از جمله دلایل تشکیل دادگاه، رسیدگی به شکایت جنابعالی علیه ستاد انتخابات کشور است و به همین دلیل نماینده محترم مدعی العموم بخشی از نامه شما را در دادگاه محترم قرائت کرد. از آنجا که تاکنون به شکایت وزارت کشور از جنابعالی رسیدگی نشده است، به منظور تنویر افکار عمومی، نکاتی را در خصوص عملکرد شما به عنوان دبیر شورای نگهبان و عضو اصلی هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به استحضار می رساند که صحت انتخابات سالم و پرشکوه تهران را بیان، و غیرقانونی بودن ابطال بیش از ۵۰۰ صندوق اخذ رأی را توسط جنابعالی اثبات می کند:

۱. جنابعالی هنگام بازدید از ستاد انتخابات کشور در ساعت پایانی روز اخذ رأی (ساعت ۹ شب جمعه ۲۹ بهمن ماه ۷۸)، در گفت و گو با خبرنگاران اعلام نمودید که «تاکنون گزارش نامطلوبی از سطح کشور در مورد انتخابات دریافت نشده است»^۱. آیت الله رضوانی عضو محترم شورای نگهبان و رئیس هیأت مرکزی نظارت نیز در همان روز به «تفاهم نسبتاً خوب دستگاههای اجرایی و نظارتی و نبود مشکل

۱. روزنامه رسالت، ۱۳۷۸/۱۱/۳۰.

خاصی در برگزاری انتخابات» اشاره کرد.^۱ همچنین آیت الله طاهری خرم آبادی عضو محترم شورای نگهبان نیز، در همان روز در گفت و گو با خبرنگاران، همکاری بین وزارت کشور و شورای نگهبان را «خوب و توأم با صمیمیت و صفا» توصیف کرد و گفت: «خوشبختانه تاکنون در ارتباط خوبی با هم بوده ایم و مسائل را معمولاً با همفکری حل کرده ایم»^۲، اما با اعلام نتایج انتخابات تهران بزرگ و در شرایطی که صحت قرائت و شمارش آرا در ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ، به تأیید و امضای کلیه ناظران محترم (بین ۲ تا ۷ نفر) رسیده، و هنوز رسیدگی به شکایات در هیأت های اجرایی و نظارت آغاز نشده بود و در حالی که هیأت های اجرایی و نظارت تهران ضمن تأیید صحت انتخابات، و با تفاهم کامل، طبق خواست هیأت مرکزی نظارت، آماده بازشماری^۳ صندوقها گردیده بودند، بدون مشورت با مسؤولان اجرایی و حتی بدون کسب نظر اعضای دو هیأت نظارت شهرستان و استان تهران، یک روز بعد از نامه هیأت مرکزی نظارت، طی اطلاعیه شماره ۶ خود با اشاره به «وصول شکایات زیاد، وجود تخلفات و عدم سلامت انتخابات در بعضی حوزه ها و به دست آمدن شواهدی بر وقوع اشتباه و تخلف و برای نمونه در صندوقی که خود داوطلب و بستگانش رأی داده اند، رأی آنها صفر خوانده شده است و پس از بازشماری معلوم شد تعدادی رأی داشته است»، برای اولین بار نسبت به سلامت انتخابات تهران بزرگ ایجاد شبهه نمودید و اعلام کردید که «به منظور رفع ابهامات و رسیدگی به شکایات دستور داده شد حداقل یک سوم صندوقها (حداقل هزار صندوق) از مناطق مختلف بازشماری شود».

از آنجا که قرائن نشان می داد داوطلب مورد اشاره در اطلاعیه شورای نگهبان آقای دکتر حداد عادل و شعبه مورد نظر نیز، مسجد هدایت است، بررسی لازم صورت پذیرفت و مشخص شد ادعای مذکور کذب و آرای ایشان در صورت جلسه فرم ۴۹ درج شده است. علاوه بر این تا زمان صدور اطلاعیه فوق صندوقهای مذکور بازشماری نشده بود. با وجود این، نسبت به اصلاح اطلاعیه خود اقدام نکردید و از آن جهت که با استناد به گزارشی خلاف واقع موجب تشویش اذهان عمومی شده

۱. رسالت، ۱۳۷۸/۱۱/۳۰.

۲. مشارکت، ۱۳۷۸/۱۱/۳۰.

بودید، از مردم عذرخواهی ننمودید. ضمناً با صدور اطلاعیه فوق اجازه ندادید هیأت‌های اجرایی و نظارت، ظرف مهلت قانونی، به شکایات نامزدها و مردم رسیدگی کنند.

۲. با آغاز بازشماری آرای صندوقها، رئیس محترم هیأت نظارت شهرستان تهران در اقدامی بی‌سابقه و غیرقانونی طی نامه‌ای^۱ اعلام کرد: «آرای که صرفاً به نام «رجایی» قید گردیده است برای آقای «سعید رجایی خراسانی» منظور گردد»، که با اعتراض قاطعانه مجریان، نامه مذکور کان لم یکن تلقی شد. آیا می‌توانید توضیح دهید که به چه دلیل می‌بایست آرای آقای (علیرضا) رجایی به نام سعید رجایی خراسانی منظور می‌شد و آیا بخشنامه مذکور با حذف نهایی نامزد فوق از فهرست منتخبین مردم ارتباط نداشت؟ بخصوص که در رأی نهایی قاضی محترم به نقل از یکی از منصوبین جنابعالی اعلام کرد، وی (رجایی) منتسب به گروه سیاسی فاقد مجوزی است.

۳. در روز ۱۳۷۸/۱۲/۱۷ پس از بازدید از چند سایت که در آنها ناظران شورای نگهبان مشغول قرائت و بازشماری آرا بودند، و نمایندگان فرمانداری بر کار آنان نظارت می‌کردند و پس از کسب اطلاع از نتایج بازشماریها، تلفنی با وزیر محترم کشور مذاکره و اعلام کردید که مایلید به بازشماری صندوقها خاتمه داده و صحت انتخابات تهران را تأیید کنید. بدیهی است چون بازشماری^۲ صندوقها (۱۰۰۰ صندوق) به خواست شما آغاز شده بود، با پاسخ مثبت ایشان [وزیر کشور] مواجه شدید.

۴. پس از بازشماری آرای ۵۲۷ صندوق، هیأت مرکزی نظارت در تاریخ ۷۸/۱۲/۱۸ با اعلام رسمی این موضوع که: «نظر به این که بازشماری تعداد اعلامی صندوقها در روند انتخابات و جابه‌جایی کاندیداها تأثیری نداشته و اطمینان لازم بر صحت انتخابات با همین تعداد بازشماری حاصل شده است و لذا به نظر هیأت مرکزی نظارت، نیازی به ادامه بازشماری نیست»، دستور توقف بازشماری آرا را صادر و صحت انتخابات تهران را تأیید کرد. آیا جنابعالی که عضو اصلی این هیأت بودید،

می توانید پاسخ دهید که چرا ۷۰ روز بعد در نامه به مقام معظم رهبری اعلام کردید نمی توانید صحت انتخابات تهران را تأیید کنید؟ اگر انتخابات تهران این قدر مشکل داشت، چرا اجازه ندادید بازشماری ۱۰۰۰ صندوق در اسفندماه ۱۳۷۸ ادامه یابد و نتیجه نهایی قبل از پایان سال اعلان شود؟

۵. با بازشماری ۱/۵ صندوقها و اثبات صحت شمارش اولیه آرا، معلوم شد «تخلفات عدیده»، «عدم سلامت انتخابات در بعضی حوزه‌ها» و «به دست آمدن شواهدی بر وقوع اشتباه و تخلف» مصرحه در اطلاعیه‌های روابط عمومی شورای نگهبان در مورد انتخابات تهران حقیقت ندارد و به همین دلیل صحت انتخابات تهران به تأیید هیأت اجرایی و هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران و نیز هیأت مرکزی نظارت رسید. توجه جنابعالی را به آرای ۶ نامزد ردیف ۲۸ تا ۳۳ فهرست حائزین اکثریت آرا در شمارش اولیه و بازشماری آرا در ۵۲۷ صندوق جلب می‌کنم. (جدول ۱)

۶. با وجود این که وزارت کشور قبل از تعطیلات نوروزی آمادگی خود را برای رسیدگی به شکایات مربوط به سه نامزد ردیف ۲۹، ۳۰ و ۳۱ که در بازشماری ۵۲۷ صندوق فاصله بین آرای نامزدهای ردیف ۳۰ و ۳۱ از حدود ۱۲ هزار به ۳ هزار رأی کاهش یافته بود، اعلام کرد، اما تشرف جنابعالی به حج عملاً موضوع انتخابات تهران را مسکوت گذاشت. پس از گذشت ۲ ماه از برگزاری انتخابات، و نیز بعد از حدود ۴۰ روز از صدور دستور توقف بازشماری آرا توسط هیأت مرکزی نظارت، بار دیگر به مسئله انتخابات تهران پرداختید و اعلام کردید که برای «رسیدگی به شکایات وارده» و «رفع هرگونه شبهه و ابهام» تصمیم به بازشماری صندوقهای مورد شکایت گرفته‌اید. معلوم نیست در این فاصله چه اتفاقی رخ داده بود که به رغم تأیید قاطع صحت انتخابات در ۱۸ اسفندماه ۷۸، مجدداً وجود «شبهات و ابهامات» را در فروردین ۷۹، در انتخابات تهران مطرح و خواستار بازشماری تعداد دیگری از صندوقها، برای «حصول اطمینان نسبت به صحت انتخابات» شدید. در هر حال آنچه انکار ناپذیر است، این که بدون توجه به مصالح ملی و حیثیت جمهوری اسلامی، سه ماه کشور را در التهاب نگه داشتید و متأسفانه بهانه به دست بدخواهان جمهوری اسلامی ایران دادید.

اختلاف رأی در هر صندوق به طور متوسط	درصد تغییر نسبت به کل آرا	اختلاف	شمارش بازشماری	شمارش اولیه	نام کاندیدا
۱۶ رأی	۲ درصد	+۸۷۱۴	۹۶۰۴۶	۸۷۳۳۲	علیرضا رجایی
۱۰ رأی	۱/۳ درصد	+۵۲۸۴	۹۹۸۶۴	۹۴۵۸۰	الیاس حضرتی
۰/۶ رأی	۵/۰۷ درصد	-۳۰۵	۱۱۲۷۷۶	۱۱۳۰۸۱	اکبر هاشمی رفسنجانی
۱۶ رأی	۲ درصد	+۸۶۱۲	۹۹۳۶۴	۹۰۷۵۲	علی اکبر رحمانی
۸ رأی	۱/۱ درصد	+۴۴۴۴	۹۶۱۰۵	۹۱۶۶۱	علی اکبر محشینی پور
۴ رأی	۰/۵ درصد	+۲۱۵۱	۹۹۹۷۹	۹۷۸۲۸	غلامعلی حداد عادل

درصد	۱۷/۱	نسبت ۵۲۷ صندوق به ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ
رأی	۴۱۷۲۰۲	تعداد کل آرا در ۵۲۷ صندوق (در سایت هیأت اجرایی)
اسم	۸۳۴۴۰۴۰	تعداد اسامی نامزدها در مجموع در ۵۲۷ صندوق
رأی	۲۹۵۱۰	اختلاف آرای ۶ نامزد در مجموع در ۵۲۷ صندوق
رأی	۷۹۲	تعداد آرای هر صندوق به طور متوسط
اسم	۱۵۸۴۰	تعداد اسامی نامزدها در هر صندوق به طور متوسط
رأی	۴۹۱۸	اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در ۵۲۷ صندوق
رأی	۹	تعداد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق
درصد	۱/۱۷	درصد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط نسبت به کل آرا

۷. در پی تصمیم فوق، سخنگوی محترم شورای نگهبان به طور بی سابقه‌ای خواستار تحویل صندوقهای رأی به نمایندگان آن شورا و انجام بازشماری آرا بدون حضور نمایندگان فرمانداری در هر صندوق شد و بر این امر اصرار ورزید. اما پس از امتناع وزارت کشور، پذیرفتید و اعلام کردید که «حضور نمایندگان وزارت کشور، صرفاً جهت اطلاع از جریان امور، بلامانع است». آیا اکنون می‌توانید بیان فرمایید که دلیل اصرار شما بر بازشماری آرای صندوقها، بدون حضور نمایندگان مجریان انتخابات چه بود؟

۸. پس از صدور اطلاعیه شماره ۱۰ شورای نگهبان که منجر به بروز شایعاتی درباره ابطال انتخابات تهران شد، در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کردید: «ما تاکنون درباره ابطال بحثی نکرده‌ایم و اصلاً چنین بحثی مطرح نبوده است»^۱، و با وجود آن‌که بازشماری آرای ۶ نامزد در ۴۹۶ صندوق در مرحله جدید نیز همچون بازشماری آرای ۵۲۷ صندوق در مرحله اول، صحت شمارش اولیه آرا را تأیید کرد، اما با صدور اطلاعیه شماره ۱۱ با تأکید بر «پیچیدگی و مشکلات گوناگون و بی سابقه» انتخابات تهران، موارد خلاف واقعی را چون «اختلاف فاحش آرای اعلام شده با نتایج بازشماری که در هیچ دوره سابقه نداشت و کل آرا را مخدوش می‌کند، دست‌خوردگی بعضی از صندوقها که شبهه باز شدن آنها را تقویت و موجب فقد اعتبار آنها می‌شود. فقدان لاک و مهر و لفاف در تعدادی از صندوقها و تفاوت قابل توجه نتایج بازشماری صندوقهای مورد شکایت که از قبل مشخص بود، با نتایج صندوقهایی که به طور اتفاقی انتخاب می‌شد و موارد دیگر» متذکر شدید و بار دیگر موجب تشویش اذهان عمومی گردیدید. این در حالی بود که مرتب اعلام می‌کردید قصد تشویش اذهان مردم را ندارید. متشکر خواهم شد بفرمایید چگونه می‌توان چنان قصدی را با صدور چنین اطلاعیه‌هایی توجیه کرد.

۹. اطلاعیه مذکور در حالی صادر شد که نمایندگان منتخب شورای محترم نگهبان با ارائه گزارش شفاهی و مکتوب به شورای محترم نگهبان براساس روند و نتایج بازشماری آرا در ۴۹۶ صندوق، صحت انتخابات را تأیید کردند و به همین

دلیل مأموریت خود را پایان یافته تلقی نمودند. بر این اساس آقای مهندس طاهری عضو باسابقه هیأت نظارت همراه آقای مهندس آیت‌اللهی استاندار تهران، حضور مقام معظم رهبری و نیز رئیس جمهور محترم رسیدند و با ارائه گزارش چگونگی بازشماری آرا و نتایج آن و نیز بیان مشکلات ناشی از شمارش دستی آرا به صحت انتخابات در تهران، شهادت دادند.

۱۰. بلافاصله پس از صدور اطلاعیه شماره ۱۱ شورای نگهبان که موجب پخش وسیع شایعه ابطال انتخابات تهران در بین مردم شد، اعلام کردید: «بحث ابطال انتخابات تهران، مطرح نبوده و نیست»^۱، به عبارت دیگر تا ۶۸ روز پس از برگزاری انتخابات و بعد از بازشماری بیش از ۱۰۰۰۰ صندوق رأی، به مردم می‌گفتید که بحث ابطال انتخابات تهران مطرح نیست. آیا اکنون می‌توانید بگویید چرا چند روز بعد معتقد به ابطال انتخابات تهران شدید؟

۱۱. با آن‌که صحت انتخابات توسط نمایندگان منتخب شورای نگهبان در مرحله دوم بازشماری آرا نیز تأیید شد، شما با تأکید بر ادامه بازشماری، نمایندگان جدید، بی‌تجربه و بعضاً معتقد به ابطال انتخابات تهران را منصوب و طی اطلاعیه شماره ۱۲ اعلام کردید که «در بازشماری تعدادی از صندوقهای فوق که با حضور نمایندگان فرماندار انجام شده اشکالاتی در تغییر آرا افراد و سایر موارد ملاحظه شده است که شورای نگهبان تصمیم گرفت روند بازشماری و بررسی انتخابات حوزه تهران را گسترش دهد». از جمله اعضای هیأت منتخب جدید فردی بود که با دلایل موهوم، موجب ابطال حوزه انتخابیه دماوند و فیروزکوه شده بود. از آنجا که شنیده شده بود که وی، پیشاپیش نظر خود را نسبت به عدم صحت انتخابات تهران، در جلسات خصوصی ابراز داشته است، وزیر محترم کشور موضوع مذکور را طی نامه^۲ مورخ ۷۹/۲/۱۲ رسماً به اطلاعاتان رساند، اما برای جایگزینی وی با ناظر بی‌طرف و باتجربه‌ای اقدام نفرمودید. ضمناً این فرد، همان کسی است که در مرحله دوم انتخابات در اراک ۲۵ صندوق را بررسی کرد و ۳۱ صندوق را باطل نمود و به این ترتیب منتخب مردم، که قبل از ابطال صندوقها، با نفر دوم، بیش از ۹ هزار رأی

اختلاف داشت، با کمتر از ۲۰۰ رأی اختلاف حذف شد. جالب آن‌که همین فرد به توصیه‌ی جنابعالی به عنوان سخنگوی هیأت منتخب شورای نگهبان در جلسات دادگاه اینجانب شرکت کرد.

۱۲. هیأت جدید عملاً کار خود را از ۱۲ اردیبهشت‌ماه و تقریباً هم‌زمان با سرمقاله‌ی آقای محمدجواد لاریجانی در روزنامه‌ی رسالت آغاز نمود. براهین آقای لاریجانی در مورد ضرورت ابطال انتخابات تهران که دو ماه و نیم بعد از آن اعلام شد، تاریخی است. ملاحظه فرمایید:

[اولاً، دقیقاً در تمام طول اخذ رأی، افرادی می‌آمدند و مجموعه‌ی وسیعی از نامه‌های نمایندگان حزب حاکم را که بدون هیچ آرمی روی رشته‌ای باریک از کاغذ چاپ شده بود بین مردم و در داخل محل رأی‌گیری و بیرون آن آزادانه پخش می‌کردند!

ثانیاً، محله‌های اخذ رأی همواره دارای ازدحام بود. ابتدا فکر کردم که تعداد شرکت‌کنندگان چندبرابر گذشته شده و این شلوغی از آن جهت است، اما وقتی تعداد شرکت‌کنندگان اعلام شد، روشن گشت که این شلوغی و ازدحام طبیعی نبود! و ضمناً در این شرایط شلوغی، آشکارا و بی‌محابا افراد مربوط به جناح حاکم تبلیغ می‌کردند و به دیگران می‌گفتند مبادا به فلانی رأی بدهی! فقط به لیست!

ثالثاً، نیروهای ناظر خود حاضر بودند، اما ظاهراً در حالتی «نعاس» آلود فقط نگاه می‌کردند و نیروهای انتظامی هم مانع کسی نمی‌شدند!

رابعاً، برگه‌های رأی را مردم از محل بیرون برده و داخل ماشین و مغازه‌های اطراف پر کرده و به صندوقها برمی‌گرداندند]. وی سپس نتیجه گرفت که: [انتخابات تهران یک اف‌ضاح بزرگ سیاسی برای وزارت کشور و تا حدی شورای نگهبان که مسؤول نظارت بود، می‌باشد. این انتخابات با بازشماری همه‌ی صندوقها و همه‌ی رأیها هم درست نمی‌شود. فقط ابطال انتخابات است که می‌تواند لکه‌ی ننگ را از دامان مسؤولان انتخابات پاک کند^۱].

جنابعالی نه به منظور حمایت از سلامت انتخابات، بلکه حتی برای دفاع از شورای نگهبان نیز استدلالهای سست و ادعاهای خلاف واقع فوق را تکذیب نکردید و با سکوت خویش عملاً آنها را تأیید فرمودید.

۱۳. در حالی که طبق روند جدید روابط عمومی شورای نگهبان با صدور اطلاعیه‌های شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴ بر مبنای اطلاعات و آمار ارزیابی نشده، و بعضاً کذب به بزرگنمایی اختلاف آرای شمارش اولیه با بازشماری صندوقها و نیز القای تخلفات گسترده در انتخابات تهران می‌پرداخت، و صدا و سیما نیز در هماهنگی کامل با روند مذکور اطلاعیه‌های شبهه‌آفرین مذکور را به صورت گسترده‌ای منعکس می‌کرد، تأکیدات مکرر جنابعالی در مورد منتفی بودن امکان ابطال انتخابات تهران^۱ ظرف دو هفته به «احتمال ابطال، قابل نفی نیست»^۲ و هفته بعد (۱۳۷۹/۲/۲۹) به ابطال انتخابات تغییر کرد. جالب آن‌که آیت‌الله یزدی عضو فقهای شورای نگهبان در خطبه‌های نماز جمعه تهران (۱۳۷۹/۲/۱۶) با اعلام این نکته که «امیدواریم تکلیف انتخابات تهران تا چهارشنبه هفته جاری (۱۳۷۹/۲/۲۱) مشخص شود»، گفت: «نظر آقایانی که مسؤول رسیدگی به شکایات بودند این بود که حداکثر اختلاف نیم تا دو درصد است در صورتی که ما با شمارش صندوقها به این نتیجه رسیدیم که اختلاف شمارش بالای ۱۰ درصد بوده است»^۳. آیت‌الله رضوانی نیز اعلام کرد: «با توجه به نتایج بازشماری صورت گرفته تاکنون، بعید می‌دانم که انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران ابطال شود»^۴ همچنین آقای زواره‌ای عضو حقوقدان شورای نگهبان نیز در گفت‌وگو با ایرنا در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۵ اعلام کرد: «احتمال ابطال انتخابات تهران بسیار ضعیف است». با توجه به مراتب فوق، آیا تغییر موضع جنابعالی پس از سه ماه از برگزاری انتخابات طبیعی بود؟ آیا این موضع مورد تأیید اعضای هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران بود؟

۱۴. توجه جنابعالی را به مواردی از اطلاعات خلاف واقع اطلاعیه‌های روابط عمومی شورای محترم نگهبان در اردیبهشت‌ماه، جلب می‌کنم:

* در اطلاعیه شماره ۱۰ اعلام شد که «ادامه کار بازشماری به علت منقضی شدن اوقات مقرر قانونی رسیدگی به شکایات از ناحیه هیأت‌های اجرایی و نظارت متوقف گردید»، در حالی که پس از بازشماری آرای ۵۲۷ صندوق، هیأت مرکزی نظارت که

۱. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۷.

۲. کیهان، ۱۳۷۹/۲/۲۱ و رسالت، ۱۳۷۹/۲/۲۲.

۳. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۷.

۴. کار و کاری، ۱۳۷۹/۲/۲۰.

جابعالی عضو اصلی آن بودید، با اعلام این که «نظر به این که بازشماری تعداد اعلامی صندوقها در روند انتخابات و جابه جایی کاندیداها تأثیری نداشته و اطمینان لازم بر صحت انتخابات با همین تعداد بازشماری حاصل شده است و لذا به نظر هیأت مرکزی نظارت نیازی به ادامه بازشماری نیست»، و یک روز قبل از پایان یافتن مهلت رسیدگی به شکایات، دستور توقف بازشماری آرا را صادر و صحت انتخابات تهران را تأیید کرد. به راستی چه کسانی چنین مطالب کذبی را به نام شورای نگهبان اعلان می کردند؟

* در اطلاعیه شماره ۱۴ مدعی شدید: «۸۸ درصد صندوقها اختلاف ۱۰ درصد به بالا داشته است» و با اشاره به «درج ۱۰۲۲ رأی اضافی برای یک نفر در شمارش اولیه»، در تشریح اختلاف آرای شمارش اولیه و بازشماری متذکر «۱۳۲۲ برگ کاهش (در صندوق ۱۶۷) تا ۸۷۷ برگ افزایش در (صندوق ۲۶۸۶)» شدید. این در حالی بود که نتایج بازشماری آرای ۶۰ نفر حائزین اکثریت آرا در ۵۲۷ صندوق و نیز نتایج بازشماری آرای نفرات ۲۸ تا ۳۳ فهرست حائزین اکثریت آرا در بیش از ۸۰۰ صندوق در مجموع در نتیجه انتخابات تأثیر نداشت. بر این اساس معلوم نشد که چرا ادعای خلاف واقع «حدود ۸۸ درصد صندوقها اختلاف ۱۰ درصد به بالا داشته است»، در اطلاعیه رسمی آن شورا مطرح شد؟ ضمناً «موضوع درج ۱۰۲۲ رأی اضافی برای یک نامزد» در شمارش اولیه نیز صحت نداشت، چرا که شعبه مورد اشاره شعبه شماره ۳۲ دبستان جلالی پور و داوطلب مورد نظر نیز آقای الیاس حضرتی بود. در صندوق مذکور ۱۰۰۷ رأی برای آقای حضرتی وجود داشت و در صورت جلسه صندوق درج شده بود، اما در رایانه شورای نگهبان برای وی عدد صفر منظور گردیده بود، اما اطلاعیه آن شورا به گونه ای تنظیم شده بود که گویی اشتباه مذکور را مجریان انتخابات مرتکب شده بودند.

موضوع «۱۳۲۲ برگ کاهش (در صندوق ۱۶۷)» نیز خلاف واقع بود. صندوق مذکور مربوط به مسجد جامع قلعهک بود که به موجب صورت جلسه مورد تأیید و امضای مجریان و ناظران در شمارش اولیه، تعداد آرای آن ۲۴۷۰ رأی شامل ۲۴۲۵ رأی صحیح و ۴۵ رأی باطله بود. در بازشماری آرا علاوه بر ۴۵ رأی باطله قبلی،

تعداد ۱۳۲۲ رأی دیگر با توافق مجریان و ناظران به دلیل فقدان مهر باطل شد، نه این که ۱۳۲۲ برگ از ابتدا در صندوق وجود نداشت و در بازشماری کاهش یافته باشد.

ادعای «افزایش ۸۷۷ برگ رأی در صندوق ۲۶۸۶» نیز درست نبود. این صندوق در مسجد جامع دولت آباد در شهرستان ری مستقر و تعداد آرای مأخوذه آن ۱۲۰۸ رأی (شامل ۱۱۳۶ رأی صحیح و ۶۷ رأی باطله) بود و بازشماری صندوق مذکور نیز نه در تعداد کل آرا و نه در میزان آرای صحیح و باطله تغییری نداد. موارد فوق همان زمان به اطلاع شما رسید.

۱۵. جنابعالی مستحضرید که در سه مرحله بازشماری آرا، ۵۲۷ صندوق در مرحله اول، ۴۹۶ صندوق در مرحله دوم و ۳۵۰ صندوق در مرحله سوم توسط نمایندگان شورای محترم نگهبان بازشماری شدند. در دو مرحله اول و دوم، نمایندگان شورای نگهبان با توجه به روند و نتایج بازشماری آرا صحت انتخابات را تأیید کردند. هیأت منتخب جدید در مرحله سوم تلاش زیادی برای ابطال انتخابات نمود و نه فقط ۲۷۴ صندوق را از ۳۵۰ صندوقی که توسط خود آنان بازشماری شده بود، باطل کرد (حدود ۷۵ درصد صندوقهای بازشماری شده و بیش از نیمی از ۵۳۴ صندوق ابطالی به طور کلی) در عین حال ۲۶۰ صندوق از صندوقهای بازشماری شده در مرحله اول (۳۱ صندوق) و مرحله دوم (۲۲۹ صندوق) را باطل نمود. اکنون آیا می‌توانید به این سؤال پاسخ دهید که چنانچه ۲۶۰ صندوق مذکور باید باطل می‌شد، چرا هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران که مسئولیت بازشماری آنها را عهده‌دار بودند، نه تنها متعرض ایرادات مذکور نشدند، بلکه صحت انتخابات را تأیید کردند؟

ذیلاً توجه جنابعالی را به نتایج شمارش اولیه و بازشماری آرا در ۱۳۶۸ صندوق که در سه مرحله بازشماری شد، جلب می‌کنم. (جدول ۲)

آیا جدول فوق به تنهایی برای اثبات خلاف واقع بودن اطلاعیه‌هایی که به نام شورای نگهبان در اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ منتشر می‌شد، کفایت نمی‌کند؟

۱۶. آیا از ۵۳۴ صندوق ابطال ۲۷۴ صندوق یعنی ۷۵ درصد صندوقهای

نام کاندیدا	شمارش اولیه	شمارش بازشماری	اختلاف	درصد تغییر نسبت به کل آرا	اختلاف رأی در هر صندوق به طور متوسط
علیرضا رجایی	۴۵۶۶۱۵	۴۶۸۱۳۱	+۱۳۵۱۶	۰/۹۵ درصد	۹ رأی
الیاس حضرتی	۴۱۸۲۴۸	۴۲۰۱۳۹	+۱۸۹۱	۰/۱۳۹ درصد	۱ رأی
اکبر هاشمی رفسنجانی	۲۹۱۲۴۸	۲۸۴۳۸۹	-۶۸۵۹	۰/۵۰۴ درصد	۵- رأی
علی اکبر رحمانی	۳۹۵۶۹۳	۴۰۹۳۲۰	+۱۳۶۲۷	۱ درصد	۹ رأی
علی اکبر محنتی پور	۳۶۴۹۰۴	۳۵۸۵۹۵	-۶۳۰۹	۰/۴۶۴ درصد	۴- رأی
غلامعلی حداد عادل	۲۷۱۴۷۴	۲۶۹۰۴۱	-۲۴۳۳	۰/۱۷۹ درصد	۱- رأی

نسبت ۱۳۶۸ صندوق به ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ	۴۴/۵	درصد
تعداد کل آرا در ۱۳۶۸ صندوق (در سایت هیأت اجرایی)	۱۳۵۸۲۶۵	رأی
تعداد اسامی نامزدها در مجموع در ۱۳۶۸ صندوق	۲۷۱۶۵۳۰۰	اسم
اختلاف آرای ۶ نامزد در مجموع در ۱۳۶۸ صندوق	۴۴۶۳۵	رأی
تعداد آرای هر صندوق به طور متوسط	۹۹۳	رأی
تعداد اسامی نامزدها در هر صندوق به طور متوسط	۱۹۸۶۰	اسم
اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در ۱۳۶۸ صندوق	۷۴۳۹	رأی
تعداد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق	۵	رأی
درصد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط نسبت به کل آرا	۰/۵۴	درصد (حدود نیم درصد)

بازشماری شده در مرحله سوم قابل توجیه است؟ جالب آن که ۴۹۳ صندوق یعنی بیش از ۸۰ درصد ۵۳۴ صندوق ابطالی متعلق به مناطق ۱ تا ۸ تهران و عمدتاً شامل صندوقهایی بود که یکی از نامزدها در آنها بیشترین آرای خود را در بین ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ کسب کرده بود و در نهایت از فهرست منتخبین مردم حذف شد.

۱۷. از ۵۳۴ صندوق ابطالی ۳۱۸ صندوق به دلیل ایرادات ماهوی باطل شد، حال آن که قانون انتخابات مواردی را که آرا باید باطل شود، دقیقاً احصاء کرده و به هیچ وجه متعرض ابطال آرا به علت «ایرادات ماهوی» نگردیده و اساساً چنین واژه‌ای در قانون انتخابات به کار نرفته است. آیا پس از نظارت بر ۲۰ انتخابات سراسری واقعاً نمی‌دانید که طبق قانون، اختلاف آرای شمارش اولیه و بازشماری موجب ابطال صندوق نمی‌شود، بلکه باید نتایج بازشماری آرای هر صندوق همچون ۲۰ انتخابات گذشته ملاک عمل قرار گیرد و اگر احیاناً در شمارش آرا تخلف صورت گرفته باشد، متخلفان تحت پیگرد قضایی قرار گیرند، اما آرای مردم باطل نشود؟ همچنان که در اطلاعیه شماره ۱۳ خود تصریح کردید «تعدادی از صندوق که در آنها آرای آقایان محتشمی، کروی، حداد عادل، رحمانی و هاشمی عدد صفر منظور شده بود و مورد شکایت قرار داشت بررسی شده و عدد واقعی... منظور شده است»^۱. بنابراین تا چند روز پیش از تأیید نهایی انتخابات، بنابر اصلاح آرای نامزدها در بازشماری آرا بود. علاوه بر این اگر واقعاً تعدادی صندوق باید به دلیل اختلاف آرای بعضی نامزدها باطل می‌گردید، چرا این امر برای همه به یکسان رعایت نشد؟ و صندوقهای ابطالی به دلیل ایراد ماهوی به ضرر نامزدهای خاص و به نفع نامزدهای ویژه دیگر بود؟ بنابراین تصمیم شما دست کم در مورد ابطال ۳۱۸ صندوق مذکور فاقد وجاهت قانونی است.

توجه جنابعالی را به نتایج شمارش اولیه و بازشماری آرا در ۳۱۸ صندوقی که به دلیل اختلاف فاحش آرا باطل شد، جلب می‌کنم، تا معلوم شود به چه بهانه‌هایی چند صد هزار رأی شهروندان تهران باطل شد. (جدول ۳)

نام کاندیدا	شمارش اولیه	شمارش بازشماری	اختلاف	درصد تغییر نسبت به کل آرا	اختلاف رأی در هر صندوق به طور متوسط
علیرضا رجایی	۱۸۸۲۲۷	۱۸۹۹۳۹	+۱۷۰۲	۰/۳۹ درصد	۵ رأی
الیاس حضرتی	۱۶۱۹۵۴	۱۶۴۱۱۱	+۲۱۵۷	۰/۴۹۴ درصد	۷ رأی
اکبر هاشمی رفسنجانی	۷۳۵۷۰	۷۰۱۵۴	-۳۴۱۶	۰/۷۸۳ درصد	۱۰- رأی
علی اکبر رحمانی	۱۵۱۴۷۷	۱۵۳۴۹۲	+۲۰۱۵	۰/۴۶۱ درصد	۶ رأی
علی اکبر محتشمی پور	۱۳۲۸۲۱	۱۲۶۷۰۷	-۶۱۱۴	۱/۴ درصد	۱۹- رأی
غلامعلی حداد عادل	۷۲۲۵۸	۶۹۴۵۱	-۲۸۰۷	۰/۶۳۴ درصد	۹- رأی

نسبت ۳۲۰ صندوق به ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ	۱۰/۴ درصد
تعداد کل آرا در ۱۳۲۰ صندوق	۴۳۶۱۸۴ رأی
تعداد اسمای نامزدها در مجموع در ۳۲۰ صندوق	۸۷۲۳۶۸۰ اسم
اختلاف آرای ۶ نامزد در مجموع در ۳۲۰ صندوق	۱۸۲۱۱ رأی
تعداد آرای هر صندوق به طور متوسط	۱۳۶۳ رأی
تعداد اسمای نامزدها در هر صندوق به طور متوسط	۲۷۲۶۰ اسم
اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در ۳۲۰ صندوق	۳۰۳۵ رأی
تعداد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق	۹ رأی
درصد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط نسبت به کل آرا	۰/۷ درصد (کمتر از یک درصد)

توضیح آن‌که سازمان بازرسی کل کشور شماره ۲ صندوق را هم در ایرادات شکلی اعلام کرد و هم در ایرادات ماهوی، بنابراین مبنای محاسبه ۳۲۰ صندوق قرار گرفت.

در مورد ۲۱۶ صندوق ابطالی به دلیل اشکالات شکلی نیز بارها اعلام کرده‌ایم که اکثر قریب به اتفاق آنها هنگام تحویل دادن به نمایندگان شورای نگهبان برای بازشماری «سالم» بودند و صورت جلسات آن به امضای نمایندگان محترم شورای نگهبان و هیأت نظارت شهرستان تهران رسید. بنابراین ابطال حدود ۱۹۰ صندوق از ۲۱۶ صندوق که به دلیل ایرادات شکلی باطل شد نیز مبنای قانونی ندارد. آیا می‌توانید در مورد ابطال غیرقانونی بیش از ۵۰۰ صندوق و حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی توضیح قانع‌کننده‌ای ارائه فرمایید؟ و آیا عدالت و تقوا که مردم را در نمازهای جمعه به آن فرامی‌خوانید، حکم می‌کند ۴۲ نفر از خدمتگزاران شریف مردم در مساجد و مدارس تهران که در انتخابات گوناگون در خدمت نظام جمهوری اسلامی بودند، به دلیل اختلاف رأی ۱/۶۳ درصد نامزدها در ۱۵ صندوق محکوم شوند، اما جنابعالی و هیأت سه نفره منتخبان که به شورای نگهبان گزارشهای خلاف واقع دادند، و باعث ابطال غیرقانونی بیش از ۵۰۰ صندوق شدند، محاکمه نشوند؟

ذیلاً توجه جنابعالی را به نتایج شمارش اولیه و بازشماری آرا در ۵۳۴ صندوق ابطالی به استحضار می‌رساند. (جدول ۴)

۱۸. پس از سه ماه از برگزاری انتخابات و در آستانه آغاز به کار مجلس ششم، در نامه‌ای به مقام معظم رهبری اعلام نمودید که «با توجه به نتایج کنونی، شورای نگهبان نمی‌تواند صحت انتخابات را تأیید کند» و در پی رهنمود ایشان مبنی بر ابطال صندوقهای مخدوش، با ابطال غیرقابل توجیه خود بیش از $\frac{1}{6}$ صندوقهای اخذ رأی (۵۳۴ صندوق) و نیز حدود $\frac{1}{4}$ آرای شهروندان تهرانی (۷۲۶۲۶۶ رأی) را باطل و صحت انتخابات تهران را تأیید کردید. به این ترتیب معلوم شد که اطلاعیه‌های اردیبهشت‌ماه روابط عمومی شورای نگهبان، همچنان‌که عموم مردم چنین برداشتی داشتند، مقدمه ابطال انتخابات تهران محسوب می‌شد، هرچند تا ۲۰ اردیبهشت‌ماه اعضای محترم شورای نگهبان پس از صدور هر اطلاعیه، اعلام می‌کردند احتمال ابطال انتخابات تهران منتفی است.

نام کاندیدا	شمارش اولیه	شمارش بازشماري	اختلاف	درصد تغيير نسبت به کل آرا	اختلاف رأی در هر صندوق به طور متوسط
علیرضا رجایی	۲۲۵۴۸۳	۲۲۵۰۶۲	-۴۲۱	۰/۰۵۷ درصد	۰/۷- رأی
الباس حضرتی	۲۷۷۱۵۴	۲۷۹۵۳۵	+۲۳۸۱	۰/۳۲۶ درصد	۴ رأی
اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۲۲۱۰۴	۱۱۷۷۹۰	-۴۳۱۴	۰/۵۹۰ درصد	۸- رأی
علی اکبر رحمانی	۲۶۱۶۴۶	۲۶۲۲۷۷	+۶۳۱	۰/۰۸۶ درصد	۱ رأی
علی اکبر محشمی پور	۲۲۵۶۴۳	۲۱۵۹۲۲	-۹۷۲۱	۱/۳۳ درصد	۱۸- رأی
غلامعلی حداد عادل	۱۱۹۸۱۰	۱۱۶۳۸۹	-۳۴۲۱	۰/۴۶۸ درصد	۶- رأی

نسبت ۵۳۴ صندوق به ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ	۱۷/۴ درصد	
تعداد کل آرا در ۵۳۴ صندوق (در سایت هیأت اجرایی)	۷۳۰۲۶۴ رأی	
تعداد اسامی نامزدها در مجموع در ۵۳۴ صندوق	۱۴۶۰۵۲۸۰ اسم	
اختلاف آرای ۶ نامزد در مجموع در ۵۳۴ صندوق	۲۰۸۸۹ رأی	
تعداد آرای هر صندوق به طور متوسط	۱۳۶۸ رأی	
تعداد اسامی نامزدها در هر صندوق به طور متوسط	۲۷۳۶۰ اسم	
اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در ۵۳۴ صندوق	۳۴۸۱ رأی	
تعداد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق	۶ رأی	
درصد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط نسبت به کل آرا	۰/۴۷ درصد	

۱۹. با کمال تأسف به جنابعالی یادآوری می‌کنم که نحوه مواجهه شورای محترم نگهبان با انتخابات ششم مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه تهران مسبوق به سابقه است. آنچه آن شورای محترم در این دوره انجام داد، قبلاً و در زمان حیات امام راحل در انتخابات دوره سوم مجلس نیز انجام داده بود. یعنی در هر دو دوره پس از برگزاری انتخابات و در مرحله اعلام نظر آن شورا در خصوص صحت انتخابات تهران، موضوع مخدوش بودن آرا را پیش کشیدید. در هر دو دوره پس از بازشماری آرای تعدادی از صندوقها، افراد گوناگون به حضور حضرت امام (در مجلس سوم) و مقام رهبری (در مجلس ششم) رسیدند و صحت انتخابات را تأیید کردند و در هر دو دوره نهایتاً با دستور رهبری نظام تن به تأیید صحت انتخابات تهران دادید. با ذکر توصیه امام راحل در جریان برگزاری انتخابات سوم خطاب به شورای محترم نگهبان مبنی بر این که «کسانی که احتیاط و وسوسه در امر انتخابات می‌کنند، بهتر است کمال احتیاط را برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام نمایند»، می‌پرسم آیا عملکرد خود را درباره انتخابات تهران در این دوره متناسب با تذکر خیرخواهانه امام راحل می‌دانید؟ آیا اتخاذ این روشها موجب افزایش اعتبار شورای محترم نگهبان می‌شود؟ آیا آنچه در این یک سال انجام دادید، باعث عزت اسلام، ایران، مردم، نظام و ارکان آن گردید؟

۲۰. همچنان که مستحضرید عملکرد آن شورای محترم درباره انتخابات مجلس ششم در تهران دو تفاوت اساسی با رفتار آن شورای محترم درباره انتخابات همین حوزه در مجلس سوم دارد. اول آن که در این دوره حدود ۵۰۰ صندوق و ۷۰۰ هزار رأی شهروندان را به صورت غیرقانونی باطل و سپس صحت انتخابات را تأیید کردید. ثانیاً رئیس ستاد انتخابات کشور را به دلیل عدم تأیید اقدامات و تصمیمهای غیرقانونی، متخلف خواندید و تحت تعقیب قرار دادید.

برای این که از نتایج عملکرد خود بهتر مطلع شوید، توجه جنابعالی را به مطالب آقای اسدالله بادامچیان جلب می‌کنم که اعلام کرد: «به نظر من حکم آقای تاج‌زاده کم بود، چون ایشان در آرای مردم دست برده است. قبلاً در زمان امام (ره) آقای محتشمی در مجلس سوم این کار را کرده بود، اما چون زمان موشک‌باران بود، امام مصلحت دید

این مسأله آشکار نشود، وگرنه او هم باید به زندان می‌رفت.^۱ وی همچنین گفت: «جرم تقلب در انتخابات تنها به دو شخص تاج‌زاده و آزرمی محدود نیست. آنها خود به تنهایی جرأت چنین اقدامی را ندارند. حمایت وزیر کشور و... از او نیز پیامهای خاص خود را دارند. طبق قانون مسؤول اصلی انتخابات در اجرا نیز وزیر کشور است و اوست که آقای تاج‌زاده را منصوب کرده و خود نیز مسؤولیت صحت انتخابات را پذیرفته است و بر کار آنها ناظر بوده است. افکار عمومی اکنون می‌پرسد آیا آمران، مباشران و مسؤول اصلی آقایان تاج‌زاده و فرماندار تهران نیز مورد رسیدگی قضایی قرار می‌گیرند؟»^۲

۲۱. یک روز پس از تأیید انتخابات، طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه، با اعلام این که «انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران دارای اشکالات و تخلفات کلان بی‌سابقه‌ای در تاریخ انتخابات بود» ضمن صدور حکم در مورد صندوقهای بازشماری نشده مبنی بر این که «قطعاً تخلفات در آنها هم تفاوت چندانی با این تعداد (بازشماری شده‌ها) نداشته»، و این که «شورای نگهبان عمده تقصیر را متوجه ستاد انتخابات کشور می‌داند»، از ایشان خواستید «قا آثار و ادله و قرائین و شواهد محو نشده سریعاً به تخلفات رسیدگی کند» و به این ترتیب:

اولاً: نامه مقام معظم رهبری را تحریف کردید، چرا که طبق دستور ایشان، دستگاه قضایی و بازرسی موظف شده بودند «عاملان تخلف در صندوقهای مخدوش را شناسایی و تحت تعقیب قانونی» قرار دهند، نه «ستاد انتخابات کشور» یا رئیس آن‌را.

ثانیاً: تا آنجا که من اطلاع دارم، شورای نگهبان چنین مصوبه‌ای نگذرانده است و اساساً نمی‌تواند چنین موضوعی را به تصویب برساند، چرا که آن شورای محترم در مقامی نیست که اعلام نماید متخلف کیست و نمی‌تواند استقلال قوه قضائیه را نقض کند و متأسفانه پس از گذشت یک سال هنوز هیچ پاسخی در مورد دو سؤال فوق نه به اینجانب و نه به مردم نداده‌اید.

ثالثاً: حکم قطعی به مخدوش بودن بسیاری از صندوقهای بازشماری نشده دادید

که برخلاف اصالة الصحه و نامه مقام رهبری در پاسخ به شورای نگهبان بود. جالب آن که از آن زمان تا امروز شماره صندوقهای باطل شده را به مسؤولان اجرایی اعلام نکرده‌اید تا بررسی لازم در مورد آنها صورت گیرد، به گونه‌ای که اینجانب نمی‌دانستم در دادگاه برای دفاع از صحت انتخابات و مخدوش نکردن آرای مردم در ۵۳۴ صندوق باید دقیقاً از صحت کدام صندوقها دفاع کنم! به ناچار به شماره‌هایی که سازمان بازرسی اعلام کرده بود، استناد کردم.

۲۲. نکته غیر قابل توجیه این که رئیس محترم قوه قضائیه در دیدار با وزیر محترم کشور (حدود یک ماه پیش، بهمن ۱۳۷۹) اعلام کرد که رئیس محترم سازمان بازرسی کل کشور در حضور اینجانب به آیت الله جنتی گفت ما در تحقیقات و بررسیهای خود به هیچ جرمی که متوجه آقای تاج‌زاده باشد، نرسیدیم. با وجود این در بیانیه اخیرتان باز هم ادعا کرده‌اید که تحقیقات سازمان بازرسی نظریات آن شورای محترم را در زمینه انتخابات تهران تأیید نموده است و بنابراین به طور ضمنی و مجدداً خواهان تداوم محاکمه رئیس ستاد انتخابات کشور شدید و به اقدام وزیر محترم کشور در زمینه دفاع از صحت انتخابات تهران و مسؤولان اجرایی، از جمله رئیس ستاد انتخابات کشور انتقاد کردید! از جنابعالی می‌پرسم آیا واقعاً نمی‌دانید که گزارش سازمان بازرسی پس از ۵ ماه تحقیق همه‌جانبه هیچ اتهامی را در زمینه برگزاری انتخابات تهران متوجه ستاد انتخابات کشور نکرد؟ آیا رئیس محترم سازمان بازرسی در ملاقات با جنابعالی هیچ جرمی را در زمینه برگزاری انتخابات متوجه اینجانب دانست؟ آیا چنین رفتاری به اعتماد مردم به مسؤولان که بزرگترین سرمایه نظام جمهوری اسلامی است، ضربه نمی‌زند؟

۲۳. در آخرین اقدام موضوع مسأله‌دار بودن انتخابات را در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۱۳۷۹/۳/۶ مطرح نمودید و روز قبل از افتتاح ششمین دوره مجلس، به روال اطلاعیه‌های اردیبهشت‌ماه خود، با کلی‌گویی و براساس گزارشهای خلاف واقع، ناقص و ارزیابی نشده و بدون ارائه مصادیق مشخص، کام مردمی را که مشتاقانه در انتظار به ثمر نشستن حضور حماسی خود در انتخابات حماسی ۲۹ بهمن و آغاز به کار مجلس ششم بودند، تا حدودی تلخ کردید.

۲۴. جنابعالی انتخاباتی را «پرمسأله ترین» و «بدترین انتخابات در طول بیست سال گذشته» خواندید که علاوه بر آن که ملت خود شاهد برگزاری آرام، سالم و شکوهمند آن بود و اساساً با مشارکت کم نظیر خود آن را خلق کرد و باعث عزت و سربلندی ایران اسلامی شد، و مقام رهبری آن را تجلی «آیات نصرت الهی»، «از عنایات ویژه حضرت بقیة الله ارواحنا فدا»، «حماسه ملی»، «یوم الله» و «پروزی ملت» نام نهاد، خود در پایان روز اخذ رأی و مهم تر از آن، پس از بازدید از چند سایت بازشماری آرا، با صدور اطلاعیه ای رسماً صحت آن را تأیید کردید (۱۳۷۹/۱۲/۱۸) و اساساً به همین دلیل دستور توقف بازشماری صندوقها را صادر نمودید.

شما انتخاباتی را «پرمسأله ترین» و «بدترین» خواندید که با استفاده از اختیارات نامحدودی که مجلس پنجم برای شورای نگهبان در نظر گرفت و با توجه به نظارت استصوابی بر تمام مراحل و کلیه امور انتخابات نظارت کامل داشتید و به صورت نامحدود ناظرانی برای هر صندوق در نظر گرفتید که البته همگی صحت قرائت و شمارش آرا در صندوقها را تأیید و صورت جلسات مربوطه را امضا کردند.

آیا قابل انکار است که شورای محترم نگهبان در این دوره به مدد اصلاحیه های مکرر قانون انتخابات، دامنه نظارتش وسیع و از قدرت بی سابقه ای برخوردار شد؟ با وجود این چگونه این انتخابات را «پرمسأله ترین» و «بدترین انتخابات در طول بیست سال گذشته» معرفی کردید؟ به راستی اگر این انتخابات «بدترین» بود، نقش شورای نگهبان، هیأت های نظارت و ناظران در سراسر کشور چه بود؟ و چه کسی پاسخگوی پرداخت میلیاردها ریال هزینه هیأت های نظارت می باشد؟

در کدام کشور مرجع نظارت بر انتخابات چنین اختیارات وسیعی دارد و در عین حال در مقابل مردم و هیچ نهادی پاسخگو نیست؟ چه اختیاری می خواستید که نداشتید؟ آیا قدرتی بیشتر از این می خواستید که بر اساس گزارش بازشماری ۳۵۰ صندوق، ۵۳۴ صندوق را باطل کردید و تاکنون حتی از اعلام شماره صندوقهای ابطالی به مجریان خودداری نموده اید و در عین حال نه تنها پاسخگوی اقدام غیرقانونی خود در ابطال بیش از ۵۰۰ صندوق اخذ رأی نیستید، بلکه مجریان انتخابات را به اتهام تخلف در انتخابات تحت تعقیب قرار داده اید و در عین حال حاضر نیستید در دادگاه رسیدگی به شکایت علیه خود شرکت کنید؟

آیا توجه دارید که وقتی انتخابات مجلس ششم را «بدترین انتخابات در طول بیست سال گذشته» می‌خوانید، در واقع شورای نگهبان، هیأت مرکزی نظارت و هیأت‌های نظارت استانها و شهرستانها را به اهمال، قصور یا تقصیر از انجام وظایف قانونی متهم می‌کنید؟ مگر شورای محترم نگهبان و هیأت مرکزی نظارت بر «تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات» و «همه مراحل و جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور در امر انتخابات» نظارت نداشتند؟ هیأت‌های نظارت کدام تخلف یا سوء جریان را به مسؤولان اجرایی انتخابات اعلام کردند که نسبت به رفع آنها اقدام نشد؟ چرا هیأت‌های نظارت متعرض سوء جریان یا تخلفاتی که به زعم جنابعالی موجب رخ دادن «بدترین انتخابات» گردید، نشدند؟ نزدیک به هفت هزار ناظر شورای نگهبان در شعب اخذ رأی و اعضای هیأت‌های نظارت آیا در اقدامی مغایر قانون و با چشم‌پوشی از سوء جریان‌ها یا تخلفات، صحت انتخابات تهران را تأیید و همه صورت جلسات را امضا کردند؟ آیا به هیأت‌های نظارت منصوب خود اعتماد ندارید؟ با توجه به مراتب فوق امروز چه کسی باید محاکمه شود، جنابعالی یا اینجانب؟

همچنین آیا «پرمسأله‌ترین» و «بدترین انتخابات در طول بیست سال گذشته» خواندن انتخابات مجلس ششم، تأیید تبلیغات سوء منافقین و سایر بدخواهان نظام اسلامی دربارهٔ مخدوش بودن انتخابات در جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود؟ اساساً فرض کنیم چنین فاجعه‌ای رخ داده است. آیا چنین رویداد تلخی در درجهٔ اول اثبات‌کنندهٔ بی‌تدبیری و ضعف عملکرد مرجع نظارتی و در رأس آن سوء مدیریت جنابعالی نیست که با داشتن تجربهٔ ۲۰ سالهٔ نظارت بر انتخابات و به رغم بهره‌مندی از اختیارات فوق‌العاده نتوانستید از وقوع تخلفات گستردهٔ ادعایی جلوگیری کنید؟

علاوه بر این تاکنون تبیین نفرموده‌اید که چرا انتخابات این دوره را «پرمسأله‌ترین» و «بدترین» خواندید. آیا انتخابات بیست دورهٔ گذشته همگی «مسأله‌دار» و «بد» برگزار شده بود که اکنون شاهد برگزاری «بدترین» و «مسأله‌دارترین» انتخابات بودیم؟! ضمناً بفرمایید که مسؤولیت نظارت بر ۲۰

انتخابات گذشته بر عهده چه کسی بود؟ این شعار را با تأکیدی که وزارت کشور بر «سالم ترین» انتخابات نظام داشت، مقایسه کنید. به نظر مسؤولان وزارت کشور، که در برگزاری اکثر انتخابات بیست سال گذشته مسؤولیت نداشتند، همه آنها «سالم» برگزار شدند و این انتخابات به دلیل حضور و رقابت فعال همه جناحها و احزاب و نیز با لحاظ گرایشهای گوناگون مجریان و ناظران و بالاخره با توجه به حساسیت ملت و نهادهای مدنی، سالم ترین انتخابات بود.

۲۵. با انتشار گزارش هیأت سه نفره منتخب شورای نگهبان در مرحله سوم بازشماری آرا که معلوم نیست چگونه روزنامه قدس به آن دسترسی پیدا و آنرا منتشر کرد (۳۰ بهمن ۱۳۷۹) و بر مبنای تصریح قاضی محترم، اثبات شد که متأسفانه بر اساس گزارش این هیأت تصمیم به ابطال ۵۳۴ صندوق اخذ رأی گرفته شد؛ هیأتی که پس از گذشت ۷۳ روز از برگزاری انتخابات و در حالی که آرای بیش از ۱۰۰۰ صندوق در دو مرحله بازشماری شده بود، مسؤولیت پذیرفت و در حالی که به اعتراف خودشان تنها ۳۵۰ صندوق را بازشماری نمودند، عملاً موجبات ابطال ۵۳۴ صندوق را فراهم کردند.

۲۶. گزارش هیأت سه نفره نمایندگان منتخب جنابعالی در مرحله سوم بازشماری آرا بیانگر دیدگاه آنان درباره انتخابات تهران است؛ زیرا:

اولاً: هیأت منتخب جدید در گزارش خود متعرض «سوء جریانات» مربوط به «مرحله قبل از انتخابات»، «مرحله اخذ رأی»، «مرحله شمارش آرا»، «مرحله ثبت نتایج قرائت و شمارش آرا در فرمهای ۴۹» و «مرحله نگهداری صندوقهای اخذ رأی در مخزن فرمانداری تهران» شد. هیأت مزبور که مأموریتش بازشماری صندوقهای مورد شکایت بود، چگونه ۷۰ روز پس از برگزاری انتخابات، متوجه وجود سوء جریان انتخابات، حتی قبل از برگزاری آن شد، در حالی که هیأتهای نظارت شهرستان و استان تهران و هیأت مرکزی نظارت که از ۴ ماه قبل در جریان ریز مسائل انتخابات قرار داشتند، در این زمینه ادعایی مطرح نکردند؟

ثانیاً: هیأت مذکور تنها ۳۵۰ صندوق را بازشماری کرد و خود نیز در گزارش ارسالی به شورای نگهبان به این موضوع اذعان نمود، اما در مقام اعلام نتایج، متذکر

ایرادات و مشکلات همه ۱۳۶۸ صندوق بازشماری شده در سه مرحله گردید و اعلام کرد: «مناسفانه در دوره اول بازشماری (اسفندماه ۱۳۷۸) و نیمه اول دور دوم (اوایل اردیبهشت ۱۳۷۹) اشکالات شکلی صندوقها مورد توجه واقع نشده است».

ثالثاً: گزارش مذکور نمایانگر جهت گیری هیأت سه نفره جدید علیه مجریان انتخابات است. این سوگیری در قالب گزاره های زیر نمایان است: ۱. «منشأ مشکلات مذکور سوء جریان مدیریت انتخابات بوده»، ۲. «مغایرت محتوای فرم ۴۹ داخل صندوق که نشانه سوء (عملکرد) جریان است»، ۳. «رفت و آمد و دسترسی افراد غیرمسئول به صندوقها»، ۴. «عدم ارائه اطلاعات آماری فرمانداری و وزارت کشور از انتخابات تهران»، ۵. «حساسیت فرمانداری نسبت به تحویل صندوقهای درخواستی از مناطق ۱ تا ۸»، ۶. «مجریان انتخابات رأیی را که اصولاً وجود خارجی نداشته یا آرای را که از نظر قانونی فاقد اعتبار بوده شمارش و برای نامزدها منظور نموده اند که کثرت این آرا اثر تعیین کننده در ترتیب افراد دارد»، ۷. «یک برداشت از اختلاف این است که پس از شمارش تعرفه و در زمان شمارش آرای افراد و برگه های جدیدی به مجموعه اضافه شده است»، ۸. «این نیز خود می تواند ناشی از سوء جریان در ایام شمارش یا نگهداری به علت تأثیر خواسته های دست اندرکاران انتخابات باشد» و... هویدا است.^۱

با توجه به مراتب فوق، آیا تردید دارید که هیأت مذکور از ابتدا با نظر منفی نسبت به مجریان و حتی نسبت به عملکرد هیأت های نظارت شهرستان و استان تهران مأموریت خود را آغاز نمود؟ گرچه بررسی های سازمان بازرسی خلاف واقع بودن اکثر موارد فوق را به اثبات رسانده، اما نکته مهم این است که جنابعالی بدون توجه به گزارش های اعضای هیأت های نظارت در مراحل اول و دوم بازشماری آرا که بر صحت انتخابات تهران دلالت می کرد، بر اساس گزارش هیأت سه نفره که ۳۵۰ صندوق را در مرحله سوم بازشماری کرده بود، اقدام به ابطال ۵۳۴ صندوق کردید.

۲۷. جنابعالی بر «پیچیدگی و مشکلات بی سابقه» انتخابات تهران و «اختلاف فاحش آرای اعلام شده با نتایج بازشماری که در هیچ دوره سابقه نداشت و کل آرا را

۱. به نقل از گزارش هیأت سه نفره، روزنامه قدس، ۱۳۷۹/۱۱/۳۰.

مخدوش می‌کنند»، تأکید کردید. آیا به همین دلیل کسانی را که کمترین تجربه را در امر برگزاری انتخابات داشتند، به جای نمایندگان با سابقه خود که بعضاً تجربه برگزاری یا نظارت بر حدود ۲۰ انتخابات را در طول دو دهه گذشته بر عهده داشتند، منصوب کردید؟

۲۸. آیا به اطلاعاتان رسانده‌اند که هیأت اعزامی سازمان بازرسی کل کشور پس از بررسی ۵۳۴ صندوق ابطالی اعلام کرد که تنها در ۵۳ صندوق (یعنی کمتر از ۲ درصد ۳۰۷۷ صندوق اخذ رأی در تهران بزرگ) به دلیل اختلاف آرای فاحش با سوء عملکرد مجریان و ناظران برخورد کرد که باید در دادگاه پیگیری شود. بنابراین اطلاعاتیه‌هایی که بعضاً ۸۸ درصد صندوقها را (یعنی حدود ۲۷۰۰ صندوق) را دارای اختلاف فاحش آرا اعلام می‌کرد، بر چه مبنا و به چه منظور صادر می‌شد؟

۲۹. نتایج بازشماری آرای ۵۳ صندوق که در گزارش سازمان بازرسی به عنوان صندوقهای دارای اختلاف آرای بیش از ۵۰ درصد اعلام شد، نیز مؤید صحت انتخابات تهران است. چرا که متوسط درصد اختلاف آرای هر نامزد در ۵۳ صندوق مذکور نسبت به کل آرا، حدود ۱/۵ درصد است. ضمناً بیشترین افزایش آرا به ترتیب مربوط به آقایان علیرضا رجایی و علی اکبر رحمانی و الیاس حضرتی است. (مشابه نتایج بازشماری آرای ۵۲۷ صندوق در مرحله اول) به عبارت دیگر اگر در شمارش اولیه آرا تخلف صورت گرفته باشد، کم‌شماری آرای نامزدهای مذکور بوده است. در حقیقت پس از تحقیقات یکساله جمعاً ۵۳ صندوق دارای اختلاف آرای چشمگیر (بالای ۵۰ درصد) اعلام شد که خود کمتر از ۲ درصد کل صندوقهای تهران می‌باشد. در عین حال در همین ۲ درصد نیز اختلاف رأی هر نامزد حدود ۱/۵ درصد است، نه بیش از ۵۰ درصد. آیا اکنون می‌توانید اعلام فرمایید علت صدور اطلاعاتیه‌های شبهه‌آفرین و دلسردکننده شورای نگهبان چه بود و آیا امروز نباید از مردم شریف تهران برای صدور آن اطلاعاتیه‌ها پوزش بطلبید؟ ضمناً چرا مجدداً در بیانیه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۹ خود آمار خلاف واقع را تکرار کردید؟

ذیلاً توجه جنابعالی را به اختلاف آرای نامزدها در ۵۳ صندوقی که پس از ۸ ماه تلاش و تحقیقات همه‌جانبه اعلام شد بیش از ۵۰ درصد اختلاف رأی داشته است و احتمال وقوع جرم در آنها می‌رود، جلب می‌کنم. (جدول ۵)

نام کاندیدا	شمارش اولیه	شمارش بازشماری	اختلاف	درصد تغییر نسبت به کل آرا	اختلاف رأی در هر صندوق به طور متوسط
علیرضا رجایی	۲۳۲۰۲	۲۵۶۴۹	+۲۴۴۷	۳/۵ درصد	۴۶ رأی
الیاس حضرتی	۲۰۷۰۰	۲۲۳۸۴	+۱۵۸۴	۲ درصد	۲۹ رأی
اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۱۹۸۱	۱۱۷۹۴	-۱۸۷	۰/۲۵ درصد	۳- رأی
علی اکبر رحمانی	۱۹۸۸۰	۲۱۹۱۴	+۲۰۳۴	۳ درصد	۳۸ رأی
علی اکبر محشمی پور	۱۸۴۸۷	۱۹۰۷۵	+۵۸۸	۰/۸۵ درصد	۱۱ رأی
غلامعلی حداد عادل	۱۰۸۵۴	۱۱۰۲۹	+۱۷۵	۰/۲۵ درصد	۳ رأی

نسبت ۵۳ صندوق به ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ	۱/۷	درصد
تعداد کل آرا در ۵۳ صندوق (در سایت هیأت اجرایی)	۷۰۲۱۲	رأی
تعداد اسامی نامزدها در مجموع در ۵۳ صندوق	۱۴۰۴۲۴۰	اسم
اختلاف آرای ۶ نامزد در مجموع در ۵۳ صندوق	۷۰۱۵	رأی
تعداد آرای هر صندوق به طور متوسط	۱۳۲۴	رأی
تعداد اسامی نامزدها در هر صندوق به طور متوسط	۲۶۴۸۰	اسم
اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در ۵۳ صندوق	۱۱۵۹	رأی
تعداد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق	۲۱	رأی
درصد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط نسبت به کل آرا	۱/۵	درصد

۳۰. آیا اختلاف آرا در حد فوق در روش شمارش دستی آرا طبیعی و اجتناب ناپذیر نیست؟ در عین حال آیا اگر در این زمینه مسئولیت متوجه کسی باشد، آن شخص جنابعالی نیستید که به رغم توافقه‌ها و تمهیدات انجام گرفته به منظور شمارش ماشینی آرا، سه روز مانده به برگزاری انتخابات اعلام کردید که شمارش آرا باید به روش دستی صورت پذیرد؟ این در حالی بود که هیأت‌های اجرایی و نظارت شهرستان و استان تهران با این تصمیم مخالف بودند چرا که اعضای صندوقها آمادگی کافی برای شمارش دستی آرا نداشتند. ضمن آن که طبق بند ۱ ماده ۶۶ آیین نامه قانون انتخابات، قرائت و شمارش آرا با دستگاههای شمارشگر رایانه‌ای با توافق وزارت کشور و هیأت مرکزی نظارت انجام می شود. بنابراین وظیفه دبیر شورای نگهبان نبود و نیست که در این زمینه اطلاعیه صادر کند. در هر حال اگر اجازه داده بودید همچون انتخابات شورای اسلامی شهر تهران، شمارش آرا با استفاده از دستگاه شمارشگر صورت می گرفت، حتی همین ۱/۵ درصد اختلاف نیز پیش نمی آمد، هرچند اختلاف مذکور در تغییر روند و فهرست منتخبین تغییر ایجاد نکرد.

همچنین می دانید که قاضی محترم در نهایت ۴۲ نفر از اعضای ۱۵ صندوق را به مجازاتهای گوناگون محکوم کرد. توجه به نتایج شمارش اولیه و بازشماری آرا در ۱۵ صندوق مذکور اینجانب را از ارائه هرگونه توضیح اضافی بی نیاز می کند. دقت فرمایید. (جدول ۶)

۳۱. در جلسات دادگاه، نمایندگان منتخب جنابعالی در مرحله سوم بازشماری آرا به عنوان مطلع حضور یافتند و در اثبات مخدوش بودن انتخابات بسیار کوشیدند. متأسفم از این که کسانی به نام شورای نگهبان روانه دادگاه شدند که خود متهمان اصلی ابطال غیرقانونی حدود ۷۰۰ هزار رأی هستند و باید محاکمه شوند. در هر حال از جنابعالی می پرسم چرا اعضای هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران و نیز اعضای هیأت مرکزی نظارت را که از چند ماه قبل از برگزاری انتخابات در جریان ریز مسائل بودند و نیز به صورت مکرر صحت انتخابات تهران را تأیید کردند، به نمایندگی خود و برای ادای توضیحات به دادگاه معرفی نکردید؟

نام کاندیدا	شمارش اولیه	شمارش بازشماری	اختلاف	درصد تغییر نسبت به کل آرا	اختلاف رأی در هر صندوق به طور متوسط
علیرضا رجایی	۸۴۷۷	۹۵۳۷	+۱۰۶۰	۴/۴ درصد	۷۱+ رأی
الیاس حضرتی	۸۰۱۴	۷۹۴۳	-۷۱	۰/۳ درصد	۵- رأی
اکبر هاشمی رفسنجانی	۳۷۲۴	۳۸۷۸	+۱۵۴	۰/۶ درصد	۱۰+ رأی
علی اکبر رحمانی	۷۲۲۶	۷۸۱۲	+۵۸۶	۲ درصد	۳۹+ رأی
علی اکبر محسنی پور	۷۱۵۴	۶۸۱۹	-۳۲۵	۱/۴ درصد	۲۲- رأی
غلامعلی حداد عادل	۳۶۷۲	۳۸۹۴	-۱۲۲	۰/۵ درصد	۸+ رأی

نسبت ۱۵ صندوق به ۳۰۷۷ صندوق تهران بزرگ	۰/۴۹	درصد (کمتر از نیم درصد)
تعداد کل آرا در ۱۵ صندوق (در سایت هیأت اجرایی)	۲۳۷۷۸	رأی
تعداد اسامی نامزدها در مجموع در ۱۵ صندوق	۴۷۵۵۶۰	اسم
اختلاف آرای ۶ نامزد در مجموع در ۱۵ صندوق	۲۳۲۸	رأی
تعداد آرای هر صندوق به طور متوسط	۱۵۸۵	رأی
تعداد اسامی نامزدها در هر صندوق به طور متوسط	۳۱۷۰۴	اسم
اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در ۱۵ صندوق	۳۸۸	رأی
تعداد اختلاف آرای هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق	۲۶	رأی
درصد اختلاف آرای هر نامزد به طور میانگین در ۱۵ صندوق نسبت به کل آرا	۱/۶۳	درصد

۳۲. هرچند دادگاه محترم در سال امام علی (ع) تقاضای منطقی و قانونی اینجانب را برای احضار مطلعین مذکور و استماع اظهارات آنان برآورده نساخت و از این عمل استنکاف ورزید که به نظر من تصمیم فوق با بی طرفی کامل قاضی محترم در کشف حقیقت و اثبات سلامت انتخابات سازگار نبود، اما سؤال این است که چرا شما خود رأساً نمایندگان محترم هیأت نظارت را به شرکت در دادگاه تشویق نکردید؟ آیا از نظر جنابعالی کتمان حقیقت، حرام نیست؟

۳۳. چرا گزارش هیأت سه نفره منتخب جنابعالی در مرحله سوم بازشماری در روزنامه‌ها چاپ می‌شود، اما نسخه‌ای از نتایج بازشماری مرحله اول و دوم و نیز گزارشهای اعضای محترم هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران درباره صحت انتخابات در اختیار دادگاه قرار نگرفت؟ آیا به سود نظام و ارکان آن می‌دانید که اثبات شود انتخابات در جمهوری اسلامی ایران مخدوش است؟ آیا اصرار بر مخدوش بودن انتخابات، موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام و گسترش مشارکت مردم در عرصه تعیین سرنوشت می‌شود؟

۳۴. جنابعالی مستحضرید که آقای محسنی اژه‌ای همزمان بر مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت و نیز بر دادگاه ویژه روحانیت ریاست دارد. اصرار قاضی محترم در خصوص تشکیل دادگاه و برگزاری جلسات فشرده صبح و عصر و نیز تعجیل در ختم دادرسی و صدور حکم اینجانب از یک سو و تعلل دادگاه ویژه روحانیت نسبت به تشکیل دادگاه جنابعالی و رسیدگی به شکایت ستاد انتخابات کشور علیه شما، آیا قابل توجیه و با عدل علی (ع) سازگار است و جلوه‌ای از تساوی عموم در مقابل قانون در نظام اسلامی محسوب می‌شود که شما پاسدار قانون اساسی آن هستید؟ با توجه به دوستی با وی، چرا از ایشان نمی‌خواهید که برای پرهیز از ایجاد هرگونه شائبه سوء، دادگاه جنابعالی را هرچه سریع‌تر و به صورت علنی تشکیل دهد؟ آیا قضاوت مردم که صاحبان اصلی کشور هستند مهم نیست، که چرا آقای محسنی اژه‌ای به یکی از دو شکایت که به فاصله ۲۴ ساعت از یکدیگر تسلیم مراجع قضایی شده است، رسیدگی و دادرسی را پایان داده، اما متهم شکایت دوم تاکنون حتی یک‌بار احضار نشده است؟

۳۵. اینجانب در دفاع از صحت انتخابات سالم تهران ۳۹ دلیل تقدیم دادگاه کردم. با استفاده از فرصت چهلمین دلیل را به اطلاع جنابعالی می‌رسانم. انتخابات میاندوره‌ای مجلس ششم در پیش است. در هنگام رسیدگی به صلاحیت داوطلبان معلوم خواهد شد که آیا واقعاً انتخابات حوزه‌های انتخابیه‌ای که انتخابات آنها باطل شد، واجد مشکل بودند یا این‌که جنابعالی منتخبین مردم را در این حوزه‌ها نمی‌پسندیدید؟

۳۶. حدود یک سال است که از انجام «تخلفات کلان و بی‌سابقه‌ای» در انتخابات تهران سخن می‌گویید که به زعم شما «عمدتاً توسط ستاد انتخابات کشور» صورت گرفته است. منظور جنابعالی علی‌القاعده باید این باشد که ستاد انتخابات کشور به نفع نامزدهایی خاص تخلفهای کلان صورت داده است، چرا که در غیر این صورت دلایل عقلانی دیگری نمی‌توان اقامه کرد که فرد یا تشکیلاتی تخلفات بی‌سابقه در انتخابات صورت دهد، بدون آن‌که هدف اصلی‌اش افزایش آرای داوطلبانی ویژه یا کاهش آرای نامزدهایی خاص باشد. از جنابعالی می‌پرسم آیا انکار می‌کنید که در هر سه مرحله بازشماری، آرای منتخبین مردم اندکی نسبت به سایر نامزدهای محترم افزایش یافت، بنابراین اگر تخلف هم صورت گرفته باشد، به ضرر آنان بوده است، پس احتمال تبانی و تقلب مسؤولان ستاد انتخابات کشور و فرمانداری تهران به نفع آنان منتفی است. به رغم نکته فوق، آیا واقعاً فکر می‌کنید شهروندان تهرانی به نامزدهای دیگری رأی دادند، اما نام داوطلبانی غیر از آنان به عنوان منتخبین مردم اعلان شد؟ آیا اندک توجه به آرای مردم تهران در دو انتخابات ریاست جمهوری هفتم که در دولت قبل برگزار شد و نیز شورای اسلامی شهر تهران که یک سال پیش از مجلس ششم برگزار شد، نشان نمی‌دهد که هیچ تفاوت معناداری بین رأی شهروندان تهرانی در هر سه انتخابات دیده نمی‌شود؟ علاوه بر این آیا آرای مردم شهرهای بزرگ کشور نظیر تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان، ارومیه، کرمان، زاهدان، اردبیل، گرگان، بوشهر، یزد و... در انتخابات مجلس ششم که صحت همه آنها به تأیید شورای نگهبان رسید، با رأی شهروندان تهرانی متفاوت است؟ به نظر جنابعالی اگر همین امروز انتخابات تهران تجدید شود،

آیا حقیقتاً فکر می‌کنید مردم نامزدهای دیگری برمی‌گزینند؟ آیا انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ ملاک خوبی در این زمینه نیست؟

۳۷. اجازه دهید مسأله را از زاویه دیگری بررسی کنیم. جنابعالی و دوستانتان پس از سه ماه تأخیر (از ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ تا ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۹) که در تاریخ انتخابات کشور از صدر مشروطیت تاکنون بی سابقه بود، ^۱ آرای شهروندان تهرانی را باطل و سپس صحت انتخابات این حوزه را تأیید کردید. در اردیبهشت ماه نیز با صدور اطلاعیه‌های التهاب‌آفرین، فضای سنگین و مبهمی را در جامعه ایجاد و نهایتاً تصمیم به ابطال انتخابات گرفتید، اما با مخالفت به حق مقام رهبری در این زمینه مواجه شدید، چرا که ابطال انتخابات سالم تهران دارای عواقب سوء گسترده و پیش‌بینی‌ناپذیر برای کشور بود. در این صورت دو راه در مقابل شما قرار داشت. نخستین راه اقدامی همچون تصمیم شورای نگهبان درباره انتخابات مجلس سوم در تهران بود، یعنی تأیید صحت انتخابات و بستن پرونده انتخابات قبل از تشکیل مجلس. راه دیگر ایجاد شبهه نسبت به انتخابات و تلخ کردن کام مردم بود که دو پیامد داشت، اول توجیه تعلل و تأخیر غیرمنطقی و غیرمعمول شورای محترم نگهبان در اعلام نتیجه صحت انتخابات و فرار از پاسخگویی به این سؤال که چرا تصمیم مذکور این قدر دیر اتخاذ شد. به سخن دیگر تلاش زیادی شد تا تخلفات انتخابات تهران که خود جنابعالی ۱۹ روز بعد از انتخابات اعلام کردید «اطمینان لازم بر صحت انتخابات با همین تعداد بازشماری حاصل شده است»، آنچنان کلان و بی سابقه ترسیم شود که چاره‌ای جز سه ماه بررسی وجود نداشت. دوم علیه مسئولان اجرایی انتخابات پرونده‌ای تشکیل شود تا به عنوان متهم تحت تعقیب قرار گیرند و در واقع داستان «گناه بلخ و محاکمه در شوشتر» محقق شود. اجازه دهید صریح‌تر بگویم که با ابطال بیش از ۷۲۰ هزار رأی شهروندان تهرانی، تنها تفاوتی که در نتایج انتخابات تهران در مجموع حاصل شد، آقایان منتجب‌نیا و رجایی جای خود را به آقایان حداد عادل و محتشمی دادند. با توجه به گرایش سیاسی نامزدهای مذکور، در حقیقت تنها اتفاقی که با ابطال یک‌چهارم آرای مردم تهران رخ داد، جایگزینی آقای حداد عادل به جای آقای علیرضا رجایی بود که در مورد اول جنابعالی حساسیت مثبت فراوانی نشان دادید و نشانه آن اطلاعیه شماره ۶ شورای نگهبان در مورد صفر بودن آرای

ایشان بود (۱۳۷۹/۱۲/۱۳) و در مورد نامزد دوم، دیدگاه مرجع نظارت منفی و نشانه آن نامه رئیس محترم هیأت نظارت شهرستان تهران در مورد خواندن آرای آقای رجایی به نام سعید رجایی خراسانی بود. آیا بهتر نبود به جای ابطال رأی مردم که نتیجه‌اش صرفاً جایگزینی یک نامزد به جای دیگری بود، با عذرخواهی از شهروندان تهرانی، انتخاباتی را که ملت بر صحت آن شهادت داد و هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران و هیأت مرکزی نظارت در مجموع شش بار صحت آن را تأیید کرده بودند و رهبری نظام تعابیر منحصر به فردی را درباره آن به کار برده بود و دارای اشکالات بسیار جزئی، ناشی از شمارش دستی آرا همچون گذشته بود، شورای محترم نگهبان نیز صحت آن را تأیید می‌کرد و باعث دلگرمی و اعتماد بیشتر مردم به نظام می‌شد؟ و امروز به جای پرهیز از پاسخگویی به این سؤال که طبق کدام قانون یا حتی عرف انتخابات ۲۱ سال گذشته، ۳۱۸ صندوق را به دلیل «ایرادات ماهوی» باطل کردید، یا چرا حدود ۱۹۰ صندوقی را که صحیح و سالم به نمایندگان محترم شورای نگهبان تحویل شد، باطل نمودید، سربلند از تصمیم مهم خویش در زمینه تأیید صحت انتخابات در مقابل ملت و رهبری، روح امام و شهدا را شاد می‌کردید؟ صد افسوس که نه توصیه امام راحل را سرلوحه تصمیمات خود در انتخابات قرار دادید و نه از تجربه گذشته پند گرفتید و کار را به جایی رسانده‌اید که بعضی ناظران و نمایندگان شورای نگهبان اکنون حاضر به ادامه همکاری با آن شورای محترم نیستند. آیا تاریخ هیچ‌گاه از قیصر به دلیل به آتش کشیدن قیصریه به خاطر یک دستمال به نیکی یاد کرده است؟ آیا بشریت از سرزنش کسانی که بر سر شاخ نشستند و بن بردند، دریغ کرده است؟

آخرین جدول را که ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید، مربوط است به آمار ۶ نامزد ردیف ۲۸ تا ۳۳ قبل و بعد از ابطال ۵۳۴ صندوق در شورای نگهبان. ملاحظه فرمایید: (جدول ۷)

۳۸. جنابعالی اخیراً از مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در زمینه ضرورت رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی طبق قانون و اعلام ادله و مدارک رد صلاحیت هر داوطلب به خود وی و نیز از عدم ارائه گزارش کامل سوابق داوطلبان از وزارت اطلاعات گله فرمودید. من نمی‌دانم در زمان وزارت آقای فلاحیان، چه

ردیف	نام منتخب	آرای نامزد در شمارش اولیه	درصد به کل آرا	آرای باطله در ۵۳۴ صندوق			آرای نامزد پس از ابطال ۵۳۴ صندوق	درصد به کل آرای ابطال شده
				آرای باطله هر نامزد	درصد نسبت به کل آرای باطله	متوسط آرای باطله هر نامزد در هر صندوق		
۱	علیرضا رجایی	۷۷۱۶۷۷	٪۲۶/۳۲	۳۲۱۷۶۶	٪۴۴/۳۰	۶۰۲	۴۴۹۹۱۱	٪۲۰/۴۱
۲	الیاس حفرتی	۷۵۶۲۶۶	٪۲۵/۸۰	۲۷۳۸۰۰	٪۳۷/۷۰	۵۱۳	۴۸۲۴۶۶	٪۲۱/۸۸
۳	اکبر هاشمی رفسنجانی	۷۴۹۸۸۴	٪۲۵/۵۸	۱۱۹۲۹۴	٪۱۶/۴۳	۲۲۳	۶۳۰۵۹۰	٪۲۸/۶۰
۴	علی اکبر رحمانی	۷۳۷۹۷۶	٪۲۵/۱۸	۲۵۷۶۹۴	٪۳۵/۴۸	۴۸۳	۴۸۰۲۸۲	٪۲۱/۸۸
۵	علی اکبر محتشمی پور	۷۱۷۰۷۶	٪۲۴/۴۶	۲۲۱۹۴۷	٪۳۰/۵۶	۴۱۶	۴۹۵۱۲۹	٪۲۲/۴۶
۶	غلامعلی حداد عادل	۶۶۹۵۲۷	٪۲۲/۸۴	۱۱۳۴۷۳	٪۱۵/۶۲	۲۱۲	۵۵۶۰۵۴	٪۲۵/۳۲

کل آرای شهروندان تهرانی قبل از ابطال ۵۳۴ صندوق	۲/۹۳۱/۱۱۳	رای
کل آرا پس از ابطال ۵۳۴ صندوق	۲/۲۰۴/۸۴۷	رای
آرای باطله مانده	۷۲۶/۲۶۶	رای
کل صندوقهای باطل شده	۵۳۴	عدد
متوسط آرای باطله در هر صندوق	۱۳۶۰	رای

اطلاعاتی درباره داوطلبان نمایندگی مجلس در اختیار جنابعالی قرار می‌گرفت که در این دوره قرار نگرفت، اما می‌دانم که چند سال است که آقای فلاحیان وزیر اطلاعات نیست و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز عملکرد وزارت اطلاعات در انتخابات مجلس ششم به گونه‌ای بود که تا حدود زیادی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان را قانونمند نمود. علاوه بر این حدود یک ماه قبل از ثبت نام داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی (انتخابات میاندوره‌ای)، این انتقاد را به چه منظور طرح فرمودید؟ امیدوارم کسانی به فکر تجدید تصمیماتی از نوع آنچه در انتخابات مجلس چهارم اتخاذ شد، نیفتاده باشند.

۳۹. جنابعالی مستحضرید که انتشار مکاتبات رسمی و غیرمحرمانه ستاد انتخابات کشور و شورای نگهبان در جریان برگزاری انتخابات مجلس ششم در دستور کار اینجانب قرار داشت، چرا که عملکرد مجریان و ناظرین را در معرض قضاوت مردم قرار می‌دهد و بخش دیگری از حقایق مربوط به انتخابات مذکور را آشکار می‌کند. خوشبختانه سخنگوی محترم شورای نگهبان نیز تصمیم آن شورای محترم را به انتشار این مکاتبات در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۶ در مصاحبه با صدا و سیما اعلام کرد و وزارت کشور نیز از این امر استقبال کرد، اما پس از گذشت ۶ ماه، جنابعالی بدون توجه به اظهارات آیت‌الله استادی، با انتشار این مکاتبات به شدت مخالفت نمودید. هرچند علت نگرانی شدید خود را بیان نکردید. در هر حال اگر به گفته خود ایمان دارید که عمده تخلفات را ستاد انتخابات کشور صورت داد، پیشنهاد می‌کنم مشترکاً نسبت به انتشار نامه‌ها اقدام کنیم.

در خاتمه نسخه‌ای از گزارش عملکرد شورای محترم نگهبان را در انتخابات مجلس ششم شامل اطلاعات خلاف واقع و نیز برخی تصمیمات غیرقانونی آن را برای استحضار تقدیم می‌دارد. ضمناً این نامه را تا اطلاع ثانوی در اختیار رسانه‌های گروهی قرار نخواهم داد، اما جنابعالی می‌توانید از این فرصت استفاده کرده، پاسخ لازم را تهیه فرمایید که بلافاصله پس از انتشار نامه، پاسخ آن نیز ارائه شود.

سربلندی ایران اسلامی و بهروزی مردم شریف آن را از درگاه ایزد منان خواستار است.

۱۳۷۹/۱۲/۲۸

سیدمصطفی تاج‌زاده

معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات کشور

متن لایحه تجدید نظرخواهی

متعاقب محکومیت سیدمصطفی تاجزاده، و در مهلت قانونی ۲۰ روزه برای تجدید نظرخواهی در حکم صادره، متن زیر از سوی دکتر امیر حسین آبادی وکیل مدافع رئیس ستاد انتخابات کشور خطاب به دادگاه تجدید نظر استان تهران ارسال گردید. ثبت این اعتراض نامه، علاوه بر آن که حاوی نکات تازه‌ای در خصوص پرونده است، همچنین فرصتی برای نقد حکم قاضی دقیقی رئیس شعبه ۱۴۰۳ را فراهم می‌کند. ضمن آن که قطعاً برای مطالعه و تحقیق علاقه‌مندان مباحث حقوقی و آحاد مردم بیش از یک تقاضای تجدید نظرخواهی صرف، واجد ارزشهای فراوانی است.

□

[ریاست محترم دادگاه تجدید نظر مرکز استان تهران]

احتراماً، دادنامه‌هایی که به شماره ۳۸۲ و ۳۸۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۳ در پرونده کلاسه ۱۹۹/۷۹ از شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران به محکومیت آقای سیدمصطفی تاجزاده به یک سال حبس و ۳۹ ماه انفصال از خدمات دولتی صادر شده دارای اشکالات عدیده است که به شرح ذیل به نقد و بررسی آن پرداخته و ایرادات و اشکالات آن را یادآوری می‌نماید. ضمناً توجه دادگاه محترم تجدید نظر را به مفاد لایحه تقدیمی در مرحله رسیدگی بدوی جلب می‌نماید که به نظر می‌رسد به هیچ وجه مورد توجه محکمه بدوی قرار نگرفته است.

مقدمه

دادنامه که در ۶۳ صفحه تنظیم شده متشکل از سه قسمت می‌باشد، از صفحه ۱ تا ۶

به معرفی شاکی و متهمین و نوع اتهامات آنان پرداخته و از صفحه ۶ تا ۱۱ گردشکار را تشکیل می‌دهد و بالاخره از صفحه ۱۱ تا ۶۳ اختصاص به متن رأی دارد. متن رأی که فاقد هرگونه استدلال حقوقی است، در عوض حاوی مطالبی است که جایگاه آن مقدمه و گردشکار است نه متن رأی و برخی دیگر از مطالب که اظهارات متهمین یا وکلای آنان است و در متن رأی آمده و قسمت عمده دادنامه ۶۳ صفحه‌ای را تشکیل می‌دهد، نیازی به بیان عین آنها نبوده، ریاست محترم دادگاه می‌توانست با ذکر مفاد این اظهارات به صفحه یا صفحات لوایح تقدیمی یا اوراق پرونده ارجاع دهد. این نوع تنظیم دادنامه و گردشکار حکایت از بی‌اطلاعی و کم‌تجربگی قاضی صادرکننده رأی دارد، لابد تصور ایشان این بوده که هر چه رأی حجیم‌تر و اوراق آن بیشتر باشد استدلال آن هم قوی‌تر می‌گردد.

به هر حال آنچه از مطالب پراکنده دادنامه به ویژه دو صفحه آخر آن (صفحات ۶۲ و ۶۳) استنباط می‌گردد این است که، دادگاه سه اتهام متوجه آقای تاج‌زاده موکل اینجانب نموده و بر مبنای آنها مبادرت به صدور حکم محکومیت نموده است. ابتدا ایرادات شکلی وارده بر دادنامه را بیان نموده و سپس به بررسی اشکالات ماهوی آن می‌پردازم.

الف. ایرادات شکلی

از بدو تشکیل پرونده در شعبه ۱۴۰۳ و شروع به تعقیب و تحقیق و محاکمه و... پاره‌ای قوانین و مقررات آمره مصرح در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری از سوی دادگاه محترم رعایت نشده است که اهم آنها به قرار ذیل است:

۱. عدم بی‌طرفی قاضی:

به موجب ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری «ادارسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی‌طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند». با این حال در مراحل مختلف تحقیقات و نیز در جلسات محاکمه، دادگاه بدون

عنایت به تکلیف قانونی مصرح در ماده مذکور به ترتیبی اقدام نموده است که حاکی از عدم بی طرفی بوده و صرفاً در پی کشف اوضاع و احوالی است که به ضرر متهم باشند و نه تنها برای کشف اوضاع و احوالی که به نفع متهم می توانسته باشند، تلاش به عمل نیاورده و حتی از ملاحظه و تدقیق در بخشی از مدارک مضبوط در پرونده که آشکارا به نفع متهم است خودداری ورزیده است، بلکه در برابر کلیه درخواستهای متهم در خصوص توجه به شواهدی که در طرح دفاع متهم مؤثر و مفید بوده اند استنکاف ورزیده است.

در گزارش سازمان بازرسی کل کشور موارد متعددی وجود دارد که به خوبی حاکی از درستی عملکرد متهم در جریان انتخابات و حسن جریان امور بوده است. از جمله در فصل دوم (در بررسی صندوقهای مخدوش از حیث ماهوی) تعدادی از کسانی که از سوی بازرسان مورد تحقیق و مصاحبه قرار گرفته اند اظهاراتی را بیان داشته اند که در جهت تأیید عملکرد مسؤولان انتخابات بوده است، با این حال دادگاه محترم کمترین توجهی به این شواهد نداشته است.

۲. بر اساس ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری قانونگذار شرط تعیین وقت محاکمه را، تکمیل تحقیقات عنوان و تصریح نموده است در حالی که با استناد به دلایل مضبوط در پرونده از جمله اوراق بازجویی مأخوذه از اعضای معدودی از صندوقهای اخذ رأی، محکمه بدوی بدون تعیین و تسجیل بزه های انتسابی به موکل و برخلاف عرف قضایی مبادرت به انعقاد جلسات طولانی و متوالی نموده است و بی توجه به تقاضای اینجانب و موکل مبنی بر احضار شهود در راستای ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری از استماع شهادت افراد تعرفه شده برخلاف وظایف قانونی استنکاف نمود، و با وجود این که بزه معاونت در مخدوش نمودن آرا به موکل تفهیم گردیده بود از انجام بدیهی ترین اصول متعارف دادرسی از جمله احضار مباشرین بزه انتسابی و ایجاد مواجهه حضوری و حتی احضار آنها در جلسات دادرسی استنکاف نمود که چنین روش دادرسی و بالمآل خروج ریاست محترم دادگاه بدوی را از چارچوب اصول قانونی شرع انور و عدالت و نصفت اسلامی اثبات می نماید. مضافاً این که اینجانب و موکل موکداً و کراراً مستند به بند ۲۳ ماده

۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری احضار و استماع اظهارات اعضای محترم هیأت اجرایی و اعضای محترم هیأت نظارت انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی را مصرانه خواستار گردیده‌ایم اما با وجود این که بخشی از اظهارات گزینش شده بعضی افراد مذکور به عنوان مستند مورد اصدار حکم معترض عنه گردیده است فارغ از صحت یا سقم اظهارات انعکاسی در گزارش بازرسی که مبنای صدور دادنامه غیر عادلانه معترض عنه بوده، دادگاه بدوی بدون مستند مدرکیه صرفاً با اتخاذ یک تصمیم اداری از احضار افراد تعرفه شده استنکاف نموده است. که بالمآل برای روشن شدن واقعیات موجود، طرح خواسته مذکور از هیأت محترم دادرسان مرجع تجدید نظر نیز مورد تقاضا است.

۳. با استناد به اوراق بازجویی مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۴ منتسب به موکل بدو موکل اینجانب با قید «برای ادای پاره‌ای توضیحات» به محکمه احضار و براساس اوراق بازجویی مذکور از وی در خصوص نحوه برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی استماع اظهارات گردیده و در همان جلسه به وی دو اتهام ذیل الف. معاونت در مخدوش کردن آرای مردم ب. ممانعت از انجام وظایف بازرسان سازمان بازرسی کل کشور [تفهیم و به موکل ده روز برای تهیه لایحه آخرین دفاعیه مهلت اعطا و ذیل صورت جلسه به امضای متهمین و وکلای انتخابی آنان رسید. لکن برخلاف تصمیم متخذ مبادرت به تعیین وقت دادرسی برای روز ۱۳۷۹/۱۱/۱۶ گردید. در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۹ برخلاف اصول متعارف دادرسی و فقدان هرگونه مستندی و علی‌رغم این که هیچ‌گونه استنادی از ناحیه متهمین پرونده نسبت به پرونده‌های دیگری مطرح نگردیده پرونده کلاسه ۲۵۵/۱۶/۷۹ مطروح در شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران که به عنوان دادگاه ویژه انتخابات به مسائل انتخاباتی رسیدگی نموده است بدون مقدمه و اصل و علی‌رغم این که پرونده قبلی (پرونده کلاسه ۱۹۹/۱۴۰۳/۷۹) مطروحه در شعبه ۱۴۰۳ معد رسیدگی بوده پرونده قبلی واصله از شعبه ۱۶ به آن لف شده و بدون انجام تحقیقات مطمع نظر قاضی اولیه (قاضی محترم شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران) متأسفانه محکمه محترم برخلاف نص ماده ۱۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری در همان جلسه اصرار به تفهیم اتهامات جدید نمود.

اقدام مذکور برخلاف اصول متعارف دادرسی بوده و مع الوصف در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲ اتهامات جدیدی به موکل تفهیم گردید که مجموعه اقدامات محکمه از مصادیق بارز تخدیش رسیدگی بوده و مؤید تعجیل محکمه محترم در اتخاذ تصمیم شتابزده می باشد.

علاوه بر این که محکمه با وجود اتهامات واحد و دلایل و مستندات یکسان پرونده متهمین یعنی آقایان تاج زاده و آزر می و سایرین را از جهت انعقاد جلسات دادرسی با انفکاک عملی و با تعیین وقت دادرسی مجزا، عملاً مبادرت به انتزاع پرونده نمود که تفکیک معموله نیز برخلاف نص ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری بود و از مصادیق بارز تخدیش در رسیدگی و عدالت گریزی می باشد. مضافاً این که در جلسه دادرسی مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۹ افراد جدیدی به عنوان مطلع و بدون وجود هر گونه سابقه ای در مرحله تحقیق در جلسات دادرسی منعقد حضور یافته و از آنان استماع شهادت گردید. در حالی که چنین اقدامی برخلاف نص ماده ۱۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری بدون اتیان سوگند بوده و در یک جلسه و با حضور کلیه مطلعین در صحنه دادگاه انجام گردید. بنابر دلایل معنونه اطلاعات مأخوده از افراد مذکور به علت عدم رعایت تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری قابل استماع نبوده و فاقد اعتبار قانونی است و با مذاقه در اظهارات افراد مذکور مشخص می گردد که در حقیقت افراد مذکور به عنوان شاکی یا نماینده مدعی العموم به بیان اظهارات پرداخته و خود در صدد هدایت دادگاه بوده اند.

۴. محکمه در تعیین اوقات متوالی رسیدگی (روزانه دو جلسه) و علی رغم نقص تحقیقات در پرونده مورد رسیدگی، اصرار بر انعقاد جلسات خارج از نوبت و به صورت فوق العاده داشته است. دادگاه بدوی بدون توجه به ایرادات مطروحه مبنی بر فقدان مستند قانونی برای تشکیل جلسات فوق العاده صرفاً به ماده ۱۷ قانون انتخابات استناد نموده است. در حالی که فلسفه انشای ماده ۱۷ صرفاً اعمال ماده مذکور در حین برگزاری انتخابات می باشد. متأسفانه دادگاه با استنتاج به رأی خود از ماده ۱۷ قانون انتخابات بعد از مضي مدتی قریب به یک سال از تاریخ انتخابات به علتی که هنوز در پرده ابهام باقی مانده است، صرفاً پس از صدور حکم رئیس ستاد

انتخابات کشور برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ شتابزده به برگزاری جلسات فشرده و متراکم اقدام نموده‌اند. نکته قابل توجه برای کشف دلیل خروج ریاست محترم دادگاه از عدالت و نصفت اسلامی و پیشداوری نسبت به بزه‌های انتسابی به موکل و متهم دیگر پرونده موصوف یعنی فرماندار محترم تهران، همانا مفاد لایحه آخرین دفاعیه فرماندار محترم تهران است که به شماره ۲۷۰۸ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۱ و در ساعت ۱۲/۱۵ توسط وکیل ایشان و در حضور نمایندگان رسانه‌های گروهی به دادگاه محترم تقدیم گردید و حداکثر ظرف دو ساعت اختطاریه مبنی بر حضور آقای آزرمی و تاج‌زاده در دادگاه که در حقیقت به منظور قرائت مفاد دادنامه معترض‌عنه و ابلاغ به موکل و سایر متهمین بوده است اصدار یافته است. فقدان عدالت و انصاف را در نحوه تصمیم‌گیری و شتابزدگی و تعجیل دادگاه محترم در رسیدگی و اصدار و ابلاغ رأی اثبات می‌نماید چه آن‌که با ملاحظه صورت جلسه ابلاغ رأی احراز می‌گردد که دادگاه محترم از دعوت مباشرین اصلی برای استماع رأی دادگاه به علت ضیق وقت خودداری نموده است که البته به مصداق این‌که (آنچه البته به جایی نرسد فریاد است) موارد ایراد مذکور اظهر من الشمس است. البته امید رسیدگی دقیق و سعه صدر و استماع توضیحات متهمین و مطلعین و افراد تعرفه‌شده به دادگاه محترم تجدید نظر موجب تقدیم لایحه تجدید نظرخواهی گردیده است.

در همین زمینه نکته دیگری که لازم به ذکر می‌باشد که حین برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی به روال گذشته از سوی دادگستری محترم کل استان تهران شعبه ۵ و ۱۲ و ۱۶ و ۲۰ مجتمع قضایی مرکز به منظور رسیدگی به امر تخلفات انتخاباتی تشکیل و شعب یادشده به پرونده مربوط بعضاً رسیدگی نموده و مبادرت به صدور رأی کرده‌اند، یا این‌که به علت ادامه تحقیقات پرونده مطرح رسیدگی بوده است که مع‌الأسف پرونده کلاسه ۲۵۵/۱۶/۷۹ مطروحه در شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران (ویژه انتخابات) مدت قریب یک سال مطرح رسیدگی بوده و استعلامات دادگاه از مراجع و از اشخاص مضبوط در پرونده مؤید تداوم رسیدگی و صلاحیت محکمه مذکور بوده است. نحوه رسیدگی شعبه ویژه انتخابات که قائل و

مشرف به قانون انتخابات بوده دقیقاً اثبات می نمایند که محکمه مذکور بعد از اعلام رسمی نتایج قائل به رسیدگی فوق نبوده و به طریق عادی به تحقیقات خود ادامه داده بود. لکن استدلال دادگاه مبنی بر این که دو نفر از متهمین از کارمندان دولت بوده اند به این ترفند دلیل رسیدگی از شعبه ۱۶ دادگاه عمومی سلب شده است در حقیقت مبین این واقعیت است که محکمه مذکور معتقد به رسیدگی به پرونده موصوف به عنوان یک پرونده عادی بوده است. بر همین اساس استناد محکمه به ماده ۱۷ قانون انتخابات و رسیدگی فوق العاده و جاهت قانونی ندارد.

۵. مندرجات صفحه ۶۲ دادنامه معترض عنه مؤید این امر است که دادگاه محترم تنها مستند خود گزارش سازمان بازرسی کل کشور با دو استنباط مختلف بدوآ مبادرت به صدور حکم برائت هیأت نظارت شورای نگهبان و به تبع آن نمایندگان و بازرسان اعزامی هیأت نظارت مستقر در صندوقهای اخذ رأی نموده است و تنها استدلال محکمه محترم در رد اعلام تخلف هیأت بازرسی نسبت به عملکرد هیأت نظارت این امر بوده که افراد مذکور حق ابطال یا متوقف ساختن انتخابات را نداشتند و مراتب را به صورت گزارش از سلسله مراتب اداری به مقامات مسؤول خود متذکر گردیده اند. جالب توجه است که چگونه محکمه محترم از ملاحظه و مذاقه صورت جلسات توافقی هیأت های اجرایی و نظارت چشم پوشیده است.

آیا بر اساس اصول متعارف حقوقی امضای نمایندگان هیأت نظارت ذیل صورت جلسات به منزله توافق بر صحت عملکرد و تصمیمات متخذة هیأت های اجرایی و نظارت نبوده است و اصولاً یک برگ گزارش عادی که در جای دیگری انعکاس ندارد چگونه می تواند مستند برائت تخلفاتی شود که هیأت بازرسی سازمان بازرسی کل کشور رسیدگی به آن را خواستار گردیده و استنباط دوم محکمه صدور رأی معترض عنه با استناد به همین گزارش به محکومیت موکل و سایر متهمین پرونده است. آیا مصداق یک بام و دو هوا را نمی توان استنباط نمود که این امر نیز از مصادیق بارز خروج محکمه محترم از عدالت و نصفت اسلامی است.

۶. شروع به تعقیب بدون شکایت شاکی: در خصوص اتهام ممانعت از اقدامات سازمان بازرسی کل کشور، این ایراد وارد است که دادگاه پیش از دریافت و ثبت شکایت مبادرت به شروع به تعقیب و رسیدگی نموده است، زیرا:

اولاً، به موجب تبصره ۱ ماده ۸ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور «تخلف از تکلیف مندرج در این ماده موجب حبس جنحه‌ای از سه تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمت دولت تا یک سال خواهد بود». اصولاً چنین حکمی (و امثال آن) از سوی مقنن به منظور تسهیل عملیات کارکنان سازمان در مقام بازرسی وضع شده و فلسفه آن رفع موانع کاری بازرسان است. بدیهی است بهترین و مناسبترین مرجع تشخیص آن رفع موانع کاری بازرسان است. بدیهی است بهترین و مناسبترین مرجع تشخیص برای استفاده یا عدم استفاده از حکم این تبصره، جز سازمان بازرسی کل کشور نمی‌تواند باشد. به این ترتیب که اگر اعمال حکم تبصره ماده ۸ را برای انجام مأموریت‌های خود از طریق مراجع قضایی، ضروری تشخیص دهد اقدام به شکایت خواهد نمود و در غیر این صورت موضوع را متقی تلقی می‌کند.

عبارت مندرج در صفحه ۲۲ گزارش هیأت بازرسی نیز حاکی از آن است که از نظر همین هیأت هم پیگیری این جرم موکول به تصمیم (و تبعاً) شکایت هیأت بازرسی است. در این بخش آمده است «... هیأت بازرسی می‌توانست از اختیارات مقرر در تبصره مذکور استفاده نماید و مراتب را از طریق مراجع قضایی تحت پیگرد قرار دهد...». این عبارت به خوبی حاکی از آن است که از نظر هیأت بازرسی نیز اعمال تبصره ۱ ماده ۸ از اختیارات هیأت بوده و در صورت عدم تشخیص آن، قابل تعقیب نیست.

ثانیاً در تأیید تحلیل تبصره ۱ ماده ۸ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و لزوم شکایت شاکی برای شروع به تعقیب این جرم و رابطه این ضمانت اجرایی با فلسفه کارکرد بهینه سازمان، توجه آن مقام محترم قضایی را به قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی جلب می‌نماید که به موجب ماده ۴ آن تعقیب جرایم موضوع این قانون موکول به شکایت سازمانی است که اسناد آن افشا شده است. چه، از نظر قانونگذار سازمان ذینفع مرجعی صلاحیتداری است که قابلیت تشخیص مصالح کاری خود را بیش از دیگران داشته و می‌تواند تعیین کند که آیا تعقیب کیفری موضوع برای فعالیتهای کاری آن مناسبتر است یا صرف نظر کردن از تعقیب. لذا با توجه به وحدت ملاک جرم موضوع تبصره ۱ ماده ۸ قانون تشکیل

سازمان بازرسی کل کشور و جرایم موضوع قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه دولتی، لازم است در مورد تبصره ماده ۸ نیز حکم به لزوم شکایت شاکی برای شروع به تعقیب نماییم.

ثالثاً، در همان بخش از گزارش هیأت بازرسی (ص ۲۲) عدم لزوم تعقیب قضایی و در نتیجه مبادرت نکردن به طرح شکایت را مورد اشاره قرار داده است. در این بخش آمده است: «هرچند برخی از اقدامات فوق از مصادیق اعمال تبصره ماده ۸ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور بوده و هیأت بازرسی می‌توانست از اختیارات مقرر در تبصره مذکور استفاده نماید و مراتب را از طریق مراجع قضایی تحت پیگرد قرار دهد، لیکن به منظور پیشگیری از هرگونه تنش، با حسن تدبیر، امکان ادامه کار هیأت بازرسی فراهم گردید».

همان‌گونه که از این عبارت فهمیده می‌شود، از نظر هیأت بازرسی اولاً تعقیب قضایی، مستلزم طرح شکایت از سوی هیأت است و ثانیاً به رفع موانع، نیازی به پیگرد از طریق مراجع قضایی نیست.

با این اوصاف دادگاه محترم، با تفسیر همه موارد به زیان متهم (که این نیز علاوه بر مغایرت با اصول بنیادین حقوق جزا، نقض تکلیف موضوع ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی است)، بدون ثبت شکایت شاکی، اقدام به تعقیب و ایراد اتهام نموده است. در همین خصوص یادآوری می‌نماید که وصول نامه‌ای از سازمان بازرسی کل کشور در حین محاکمه مبنی بر درخواست رسیدگی به این موضوع، رافع ایراد موصوف مبنی بر شروع به تعقیب بدون شکایت شاکی که (نقض ماده ۴ قانون آیین دادرسی بندهای ۲ و ۳) نیست و به موجب بند الف ماده ۶۵ همان قانون جهت قانونی برای اقدامات قاضی در این بخش وجود نداشته است.

۷. عدم اخذ سوگند از اشخاصی که مورد تحقیق قرار گرفته‌اند:

به موجب ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری «شهود تحقیق و مطلعین قبل از اظهار اطلاعات خود باید به شرح زیر سوگند یاد نمایند...». با این حال دادگاه محترم توضیحات آقای غفوری - نماینده شورای نگهبان در امر بازشماری آراء - را بدون اخذ سوگند استماع کرده است. در دادنامه

صادره در پاسخ به این ایراد آمده است «اخذ توضیح دادگاه از مشارالیه‌ها به عنوان گواه و شاهد نبوده است... و مآلاً چون نقش و حضور آنان در دادگاه به عنوان مطلع یا گواه موضوع ماده ۱۵۳ نبوده است... ضرورت قانونی برای اتیان سوگند وجود نداشته است» در این صورت لازم است ماده ۱۶۷ قانون آیین دادرسی را مورد عنایت قرار دهیم که مطابق آن در مورد اشخاصی که تحقیقات از ایشان به عمل می‌آید رعایت مقررات ماده ۱۵۳ این قانون لازم است. به عبارت دیگر، چون در جریان تحقیقات و محاکمه ممکن است افرادی مورد تحقیق مقام قضایی قرار گیرند که عنوان شاهد یا مطلع نداشته باشند، اما دادگاه به جهاتی اخذ توضیحات آنان را ضروری تشخیص می‌دهد، رعایت حکم ماده ۱۶۷، ناظر به ماده ۱۵۳ الزامی است. بنابراین، قطع نظر از این که این افراد به عنوان شاهد یا مطلع اظهار نظر کرده‌اند یا تحت عناوین دیگر، این نکته مسلم است که دادگاه به هر حال از آنان تحقیق به عمل آورده و لذا مکلف بوده است به حکم صریح ماده ۱۶۷، با رعایت ماده ۱۵۳، از آنان سوگند بگیرد.

در همین زمینه و به منظور رفع شبهه اشعار می‌دارد حکم ماده ۱۵۶ صرفاً ناظر به ماده ۱۵۵ بوده و مربوط به مواردی که شاهد یا مطلع در خصوص جرم واقعه، دارای اطلاعاتی است که می‌تواند برای دادگاه دلیلیت شرعی داشته باشد برخوردار است، ولی فاقد شرایط شخصی مندرج در ماده ۱۵۵ بوده و اظهارات وی نمی‌تواند به عنوان «دلیل» مورد استناد دادگاه قرار گیرد. در مانحن فیه نیز دادگاه، صراحتاً بیان داشته است که اصولاً فرد مذکور را به عنوان شاهد و مطلع احضار ننموده و بیاناتشان نیز اصولاً به عنوان دلیل شرعی محسوب نشده است. لذا مواد ۱۵۶ و ۱۵۵ کلاً منصرف از موضوع بوده و برای توجیه عدم اخذ سوگند از آنان قابل استناد نیست.

ب. ایرادات ماهوی

اکنون با عنایت به مقدمات رأی صادره و احکام آن می‌توان با دقت و صراحت به نقد آن پرداخت تا معلوم شود که دفاعیاتی که آقای تاجزاده در دادگاه جهت اثبات بی‌گناهی خود نموده تا چه حد است و میزان استناد دادگاه به مبانی قانونی تا چه حد دارای ارزش و اعتبار می‌باشد.

با عنایت به مقدمه رأی صادره پنج اتهام خطاب به آقای تاج‌زاده نسبت داده شده است که ذیلاً به نقد هر کدام از آنها و آرای صادره در خصوص هر مورد خواهیم پرداخت.

۱. اتهام اول آقای تاج‌زاده مداخله غیرقانونی در انتخابات حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر است. بدیهی است شناخت و تفهیم چنین اتهامی بدان معناست که متهم فاقد اختیارات یا وظایف لازم جهت دخالت در اموری بوده است که در آن مداخله کرده است. مبنای ایراد چنین اتهامی ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد:

«هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت».

بدین ترتیب بدیهی است که قاضی محترم با استناد به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، حدود و قلمرو خاصی برای مداخله رئیس ستاد انتخابات قایل بوده‌اند که عدول از آن محدوده را مداخله غیرقانونی تلقی نموده و حسب رأی صادره آقای تاج‌زاده را به یک سال حبس و شش ماه محرومیت از عضویت در هیاتهای اجرایی و نظارت و شعب اخذ رأی محکوم نموده‌اند. بر این اساس شایسته است با عنایت به مفاد و محتوای رأی صادره دریابیم که حدود اختیارات و مسؤولیتهای رئیس ستاد انتخابات کشور از دیدگاه قاضی محترم صادرکننده رأی چه بوده است؟

مطابق قسمتی از رأی دادگاه محترم مذکور در صفحه ۳۱ «ستاد انتخابات کشور موظف است در اجرای قانون انتخابات کار رأی‌گیری تا خاتمه آنرا به نحو صحیح برگزار نماید. لذا تهیه مقدمات، هماهنگی و درخواست نیرو همچنانکه بر عهده فرمانداری است به طریق اولی این وظیفه بر عهده ستاد انتخابات کشور نیز می‌باشد» در صفحه ۳۵ رأی صادره نیز آمده است: «آقای تاج‌زاده برای رفع مسؤولیت از خود

فیمابین اختیارات وزیر کشور و ستاد انتخابات کشور قابل به تفکیک می‌باشد، در حالی که وزیر کشور کلیه اختیارات خود را به رئیس ستاد انتخابات غیر از مواردی قلیل که قانون فقط وزیر کشور را نام برده تفویض کرده است... لذا با تحلیل مواد فوق مشخص می‌گردد و ستاد انتخابات کشور به جای وزارت کشور به کار رفته است و منظور از وزارت کشور، ستاد انتخابات کشور است، الا موارد شاذ و نادر که وظیفه اجرای قانون انتخابات شخصاً به وزیر کشور محول شده که مواد ۹۰، ۹۱، ۹۲ قانون انتخابات اشعار بر این معنی دارد، لذا استنباط آقای تاج‌زاده صحیح نمی‌باشد. و همین‌طور می‌باشد تهمیدات لازم را برای برگزاری هر چه بهتر انتخابات مطابق موارد ۱۱ و ۲۵ قانون و سایر مواردی که به آنها اشاره شد فراهم کند لکن ایشان در انجام وظیفه قانونی عدول نموده و حسب اظهارات آقای آزرمی انگیزه‌های لازم از اعضای شعب اخذ رأی سلب شده است» همچنین در صفحه ۵۶ رأی صادره آمده است: «قرائن و شمارش و اخذ نتایج از صورت جلسات صندوقها، تطبیق آرای هیأت اجرایی با هیأت نظارت شورای نگهبان جزء امور اجزایی و از وظایف وزارت کشور و به تبع آن رئیس ستاد انتخابات است». بر این اساس، با توجه به آن قسمت از رأی دادگاه که فوقاً ذکر شد، ریاست محترم دادگاه اعتقاد دارند که کلیه امور اجرایی انتخابات من البدو الی الختم بر عهده ستاد انتخابات کشور بوده و ستاد انتخابات کشور در مقابل همه آن مراحل مسؤول می‌باشد. بدیهی است همان‌گونه که اقتضای مسؤولیت اختیار است، قاضی محترم دادگاه چنین اختیاری را نیز برای رئیس ستاد انتخابات کشور به رسمیت می‌شناسند. حال با توجه به اختیاراتی که ایشان برای رئیس ستاد انتخابات کشور شناخته‌اند می‌توان معلوم نمود که از منظر ایشان کدام اقدام آقای تاج‌زاده، خارج از حدود اختیارات ایشان و در نتیجه مداخله غیرقانونی در حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر بوده است. آنچه مبنای تفهیم اتهام مداخله غیرقانونی در امر انتخابات نسبت به آقای تاج‌زاده قرار گرفته است در صفحات ۱۶ و بعد پرونده مندرج است. به عنوان مثال، اعطای اختیار مذاکره با شورای نگهبان از طرف هیأت اجرایی به آقای تاج‌زاده (ص ۱۶ رأی)، مشورت آقای آزرمی با آقای تاج‌زاده جهت امضای صورت جلسات هیأت نظارت

(ص ۱۹)، لغو قرارداد با شرکت مدیر سامانه از طرف فرمانداری (ص ۱۹)، اظهارات آقای مصطفوی بازرس ویژه شورای نگهبان و عضو هیأت بازشماری منتخب آن شورا (ص ۱۹، رأی) و صحبت تلفنی آقای تاجزاده با ایشان و ادعای ایشان مبنی بر این که آقای تاجزاده تمام کسانی را که در سایت رایانه‌ای برای جمع زدن صورت جلسات صندوقها مستقر شده بودند را مرخص کرده است... را مبنای دخالت آقای تاجزاده دانسته است. به فرض که چنین ادعایی صحیح باشد با توجه به آنچه از مفاد رأی دادگاه و حدود وظایف و مسؤولیتهای رئیس ستاد انتخابات کشور نقل شده است، معلوم می شود که کلیه اقدامات مذکور، در خصوص اجرای انتخابات بوده است و قاضی محترم دادگاه آنرا صراحتاً از وظایف ستاد انتخابات کشور و به طریقی رئیس ستاد انتخابات می داند.

در صفحه ۱۵ رأی دادگاه بدوی با استناد به نظر آقای موسوی عضو هیأت اجرایی که در پاسخ به یک سؤال از پیش طراحی شده (که در آن نیز به جای هیأت اجرایی، هیأت نظارت نوشته شده است) خواهان پاسخ راجع به نقش آقای تاجزاده در هیأت اجرایی شده است، و با توجه به جمله «آقای تاجزاده خیلی مؤثر بود...» نتیجه گیری می کند که این اظهارات آقای موسوی حکایت از دخالت آقای تاجزاده در انتخابات تهران می نماید. و یا در صفحه ۲۰ رأی به نقل از آقای حسین انواری عضو هیأت منتخب بازشماری آمده است که:

«... ارزیابی خودم در نگرش به این پرونده این است که یک نقش وزارت کشور داشت با رهبری مشخص آقای تاجزاده و قسمتی که تجهیز کرده بودند در بازرسی (هم در روز اخذ رأی انتخابات و هم بازشماری)... از وسط کار خود آقای تاجزاده در هیأت اجرایی آمد و این اواخر توسط ایشان اداره می شود (از اواخر شمارش)» و مجدداً دادگاه اظهارات آقای انواری را در این قسمت مؤید دخالت غیرقانونی آقای تاجزاده در امر انتخابات و دلیل آنرا عدم امکان قانونی برای تصمیم گیری و اداره جلسات هیأت اجرایی توسط ایشان اعلام نموده است. همچنین در صفحات ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۴۲ با توسل به اظهارات دو نفر از اعضای شرکت مدیر سامانه، نامه فرماندار تهران، اظهارات معاون سیاسی فرمانداری تهران نتیجه گیری شده است که آقای

تاج‌زاده تکلیف مقرر در ماده ۲۴ قانون انتخابات را انجام داده است و در نتیجه، مداخله غیرقانونی فرض شده است. در اینجا صرف نظر از این که آیا از جملات «خیلی مؤثر بود» و یا حضور در جلسات هیأت اجرایی می‌توان اساساً دخالت در امور هیأت اجرایی را فرض نمود به این نکته اشاره می‌شود که چگونه است از یک طرف ستاد انتخابات کشور و بالطبع رئیس این ستاد، دارای نقش گسترده در انتخابات فرض می‌شود و به تعبیر جملاتی که عیناً از متن رأی نقل شد و به استناد و استنباط غلط از قانون، این ستاد در امور انتخابات فعال مایشاء فرض می‌شود که چنین است که تمامی امور انتخابات زیر نظر ستاد انتخابات و رئیس آن اداره می‌گردد و تا او اراده نکند هیچ اقدامی در زمینه انتخابات صورت نمی‌گیرد، اما از طرف دیگر شرکت رئیس ستاد انتخابات در جلسه هیأت اجرایی، دخالت غیرقانونی تلقی می‌گردد.

تصمیم دادگاه بدوی دایر بر این که از یک طرف رئیس ستاد انتخابات کشور را به دلیل حضور در جلسات هیأت اجرایی، متهم به دخالت غیرقانونی نموده و از طرف دیگر این رئیس را دارای تمامی اختیارات قانونی فرمانداران دانسته و با عبارت (صفحه ۳۱ رأی) به طریق اولی رئیس ستاد انتخابات کشور را واجد تمامی اختیارات آنان می‌داند، از عجایب رسیدگی و دادرسی بوده است. به هر صورت یا رئیس ستاد انتخابات کشور دارای تمامی اختیارات فرمانداران و بخشداران است که در آن صورت اقدامات ایشان قانونی بوده و جرم دخالت غیرقانونی به ایشان قابل اسناد نمی‌باشد و یا این که اختیارات ایشان همان اختیارات مصرح در قانون است که در این صورت، اتهام سوم دادگاه دایر بر جلوگیری از اجرای قانون و معاونت در مخدوش کردن آرای عمومی، قابل انتساب به ایشان نمی‌باشد.

علاوه بر مراتب فوق فرض جرمی به نام دخالت غیرقانونی حکایت از این مسأله دارد که برای هیأت اجرایی و فرمانداران، اختیاراتی جدا از ستاد انتخابات کشور قابل بوده که در این صورت ورود رئیس این ستاد به هیأت اجرایی و دستور فسخ «به زعم دادگاه» قرارداد رایانه‌ای به فرماندار دخالت غیرقانونی فرض شده است.

علاوه بر این تحقیق این جرم به معنی این است که اختیارات هیأت اجرایی و

فرماندار از اختیارات غیر قابل تفویض و غیر قابل واگذاری به دیگری بوده تا مداخله دیگری در آن، مداخله غیر قانونی تلقی شود.

چنانچه تفوق رئیس ستاد انتخابات کشور را بر فرماندار بپذیریم، آیا سایر اعضای هیأت اجرایی نیز دارای چنین حالتی هستند؟ آیا آنها هم وظایفشان را به آقای تاجزاده واگذار کرده‌اند؟ دادگاه که به چنین فرضی قایل بوده است، چرا یکایک اعضای هیأت اجرایی را (غیر از فرماندار) به سبب ترک وظیفه قانونی مورد تعقیب قرار نداده است؟

اعضای هیأت اجرایی، قایل به چنین تفویض اختیاری نبوده و با نگارش نامه پیوست، کلیه مسئولیتهای قانونی را قبول داشته و حاضر به پاسخگویی در برابر مراجع ذیصلاح شده‌اند. علاوه بر این که یکی دیگر از اعضای هیأت اجرایی در پاسخ به پرسشی در مورد نقش آقای تاجزاده در انتخابات تهران در صفحه ۱۶ رأی می‌گوید: «... بیشتر کار را فرمانداری انجام می‌داد... در خصوص حضور آقای تاجزاده با حضور آقای بهزادیان با حضور ناظران و اجرایی بعد از ابطال صندوقها در جلسات (هیأت اجرایی) شرکت داشتند... یکبار هیأت اجرایی اختیار به آقای تاجزاده دادند با شورای نگهبان موضوع را حل کند».

اظهارات این عضو دلالت بر این دارد که بیشتر امور توسط فرمانداری صورت می‌گرفته و نه آقای تاجزاده. علاوه بر آن این اظهارات عضو هیأت نظارت در صفحه ۲۱ رأی، زمان حضور آقای تاجزاده در جلسات هیأت اجرایی را مشخص می‌نماید و دلالت بر این دارد که ایشان بعد از اتمام انتخابات و زمان بازشماری در جلسات هیأت اجرایی شرکت داشته‌اند. دلیل آن نیز ایجاد مشکل در امر انتخابات تهران بود و همان‌طور که عضو هیأت اجرایی اظهار داشته آقای تاجزاده از طرف هیأت اجرایی مأموریت حل موضوع را با شورای نگهبان پیدا می‌کنند. این اظهارات مؤید آن است که تصمیم با هیأت اجرایی بوده و بالطبع این تصمیم بایستی از طرف وزارت کشور (ستاد انتخابات کشور) با شورای نگهبان در میان گذاشته می‌شد. ثانیاً زمان تصمیم به بعد از بازشماری اولیه باز می‌گردد.

همچنین قابل ذکر است که دادگاه بدوی، یکی از مبانی محکم ایراد اتهام مداخله

غیرقانونی را لغو قرارداد منعقد فیما بین شرکت مدبر سامانه و فرمانداری تهران اعلام نموده و بر این اساس چنین استنتاج کرده است که با توجه به تطبیق آرا در جای دیگر وزارت کشور و به تبع آن ستاد انتخابات و ریاست آن ستاد، به نحو غیرقانونی در امر انتخابات دخالت نموده است.

مستندات دادگاه در این خصوص اشاره به مکتوب شماره ۶۳۴/م/۶۱۱ مورخ ۱۳۷۹/۳/۹ فرماندار محترم تهران می باشد که در بند آخر (بند ۲) جمله (قرارداد اخیرالذکر به علت بر عهده گرفتن این امر به وسیله وزارت کشور) مورد استناد دادگاه محترم قرار گرفته و آن را دلیل مداخله غیرقانونی در امر انتخابات تلقی نموده اند. در حالی که توضیح دقیق در محکمه مطرح گردید که فرمانداری با شرکت مدبر سامانه مبادرت به انعقاد دو فقره قرارداد نموده است. قرارداد شماره ۲۸۶/ش/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ که موضوع آن راه اندازی سایت کامپیوتری جهت ثبت نام کاندیداهای ششمین دوره مجلس شورای اسلامی بوده و متمم الحاقی به قرارداد مذکور به شماره ۶۰۲۰/۴۲۵۹ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۳ منعقد گردیده است. توضیحاً در بند ۳ متمم الحاقی قید تکلیف حضور طرف قرارداد تا دو روز بعد از انتخابات تسریع شده است که دادگاه محترم عمداً قرارداد مذکور را با قرارداد دیگری به شماره ۴۱۹۲/ش/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ اختلاط داده و بر اساس این اختلاط با وجود وجه تمایز موضوع دو قرارداد، استنتاج به رأی نموده که اظهارات شفاهی افرادی که رابطه آنان با شرکت مدبر سامانه برای موکل روشن نیست، کاملاً صحیح بوده و این افراد برای موضوع قرارداد شماره ۴۱۹۲/ش/۶۰۲۰ تا دو روز پس از برگزاری انتخابات نیز حضور داشتند، لکن فرمانداری عمداً از ارائه صورت جلسات فرم ۴۹ استنکاف نموده و اجرای موضوع قرارداد را به وزارت کشور محول و بر همین استنتاج به وظیفه قانونی خود که در ماده ۲۴ قانون انتخابات به آن تصریح گردیده، عمل ننموده است. قیاس موضوع ماده ۱ قرارداد شماره ۲۸۶/ش/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ (موضوع راه اندازی سایت کامپیوتری جهت ثبت نام کاندیداهای) با ماده یک قرارداد شماره ۹۲۴۱/ش/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ (که موضوع آن راه اندازی سایت رایانه ای جهت شمارش صورت جلسات صندوقهای رأی گیری بوده است)

دقیقاً نشان می‌دهند که محکمه محترم به دنبال مصادره به مطلوب بوده است. در حالی که اصولاً قرارداد به شماره ۴۱۹۲/ش/م/۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ براساس صورت جلسه تسویه حساب ۱۳۷۸/۱۱/۲۳ به عبارتی ۳ روز پس از انعقاد (همزمان با توافقات مندرج در صورت جلسات توافقی و اشتراکی هیأت‌های نظارت و اجرایی در خصوص اتخاذ شمارش رایانه‌ای) فسخ گردیده است و در زمینه فسخ، هر دو طرف قرارداد با یکدیگر به توافق رسیده‌اند. بنابراین قرارداد به هیچ نحو به حیطة اجرایی کامل درنیامده است. لکن محکمه محترم برای حصول مطامع خاص یکبار با استناد به ماده ۱۱ قانون انتخابات، موکل را به واسطه عدم استفاده از امکانات و نیروهای کلیه وزارتخانه‌ها مورد بازخواست قرار می‌دهد و از طرف دیگر با استناد به ماده ۲۴ استفاده از سایت کامپیوتری مرتبط با وزارت کشور را که مدیریت آن به عهده فرمانداری بوده، مداخله قلمداد می‌نماید. با این استنتاج اصولاً می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه محترم، وزارت کشور را از جمله وزارتخانه‌های قانونی مصرحه در ماده ۱۱ قانون انتخابات نمی‌داند. در حالی که نص ماده ۱۱ صراحتاً حاکی از اعطای اذن به فرمانداری جهت استفاده از کلیه وزارتخانه و به طریق اولی وزارت کشور بوده است که در این خصوص استنتاج دادگاه خلاف بین مقررات استنادی است و مبین خروج محکمه از عدالت و نصفت اسلامی است که در این ارتباط، تقاضای بررسی از دادگاه محترم تجدید نظر را دارم و حضور افراد متسبب به شرکت مدبرسامانه حتی پس از برگزاری انتخابات برخلاف استنتاج محکمه محترم، مربوط به قرارداد شماره ۲۸۶/ش/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ بوده که به امر شمارش رایانه‌ای موضوع قرارداد ۴۱۹۲/ش/۶۰۲۰ ارتباطی نداشته است.

ثانیاً مفاد ماده ۲۴ قانون انتخابات دقیقاً وظیفه فرماندار را تطبیق نتایج حاصله از شمارش آرا با نتایج مأخوذه توسط هیأت نظارت دانسته است و قانونگذار نصاً وظیفه‌ای فراتر از قید یادشده برای فرماندار تعیین ننموده است. بنابراین با تنظیم صورت مجلس حاکی از تطبیق نتایج شماره آرای حاصله فیما بین هیأت‌های نظارت و هیأت اجرایی و ارسال صورت جلسه به وزارت کشور و شورای نگهبان، وظیفه فرماندار مصرحه در ماده ۲۴ خاتمه یافته است. چگونه دادگاه با وجود چنین

صورت جلسه‌ای مدعی عدم ایفای وظیفه قانونی مصرحه در ماده ۲۴ از طرف فرماندار و انجام آن توسط آقای تاج‌زاده گردیده است؟ تصویر صورت جلسه مذکور به پیوست تقدیم می‌گردد.

بنابراین استدلال معنونه برخلاف استتاج دادگاه محترم، فرماندار به وظایف قانونی خویش در راستای ماده ۲۴ قانون انتخابات به صورت اکمل و تام عمل نموده و استتاج دادگاه، فاقد وجاهت قانونی است.

در نتیجه معلوم نیست از نظر قاضی محترم دادگاه آقای تاج‌زاده در امور مربوط به انتخابات دارای اختیارات گسترده بوده و به لحاظ عدم استفاده از این اختیارات که منجر به عدم اجرای قانون انتخابات شده باید به سی ماه انفصال محکوم گردد، یا این که بدون داشتن سمت و هیچ‌گونه اختیار و اذن از طرف دولت در انتخابات مداخله کرده است و مستحق یک سال حبس می‌باشد. این تناقض در صدر و ذیل یک رأی، چگونه از نظر حقوقی قابل توجیه است!

۲. اتهام دوم آقای تاج‌زاده سوء استفاده از موقعیت شغلی و ممانعت از اجرای قانون انتخابات است. مهمترین دلایل چنین اتهامی مطابق رأی صادره، عدم پیش‌بینی تهمیدات لازم برای شمارش آرا، ضیق وقت و از دست رفتن فرصت لازم جهت برنامه‌ریزی، عدم توجیه و آموزش عواملی اجرایی شعب اخذ رأی، مشابه سازی انتخابات ششمین دوره انتخابات مجلس با پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، قرار گرفتن شعب اخذ رأی در مدارس و مساجد، استفاده از پرسنل آموزش و پرورش که در صفحه ۳۰ رأی صادره آمده است. دادگاه با استناد به چنین مقدماتی چنین نتیجه می‌گیرد که «لذا عدم اجرای قانون انتخابات توسط ستاد انتخابات کشور و فرماندار در حوزه انتخابیه تهران موجب عدم هماهنگی و برنامه‌ریزی شده» (ص ۳۱) و بنابراین «آقای تاج‌زاده از اجرای قانون انتخابات که از جمله قوانین مملکتی موضوع ماده ۵۷۶ قانون تعزیرات است در حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر با توجه به توضیحاتی که به طور مشروح داده شد خودداری و سبب ابطال تعداد کثیری از صندوقهای اخذ رأی شده است و عمل واحد ایشان مشمول دو عنوان مجرمانه، معاونت و مخدوش نمودن آرا و جلوگیری از اجرای

قانون انتخابات است». البته با عنایت به قسمت اخیر جمله فوق‌الذکر «جلوگیری از اجرای قانون» و عنوان دقیق اتهام مندرج در رأی «ممانعت از اجرای قانون انتخابات» می‌توان به تناقض آشکاری که قاضی بدوی دچار آن شده اشاره نمود. طبق ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات صادر شده باشد جلوگیری نمایند به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». دقت در مفاد ماده مذکور، حکایت از آن دارد که آنچه در ماده مذکور جرم شناخته شده است؛ جلوگیری از اجرای اوامر کتبی دولتی یا قوانین مملکتی و... است. به عبارت دیگر، رکن مادی جرم، همانا جلوگیری از اجرای قانون انتخابات است که متضمن ارتکاب عملی است که به قصد جلوگیری از اجرای قانون انجام می‌گیرد. دقت در آنچه مبنای استناد دادگاه برای ایراد اتهام جلوگیری از اجرای قانون توسط آقای تاج‌زاده گردیده است، نشان می‌دهد که با فرض قبول ادعای دادگاه، نامبرده صرفاً در برخی موارد، قانون انتخابات را به نحو کامل اجرا ننموده و به عنوان مثال اعضای صندوقهای اخذ رأی را به اندازه کافی آموزش نداده، یا از کارکنان دیگری غیر از کارکنان آموزش و پرورش استفاده ننموده و یا...

هیچ‌کدام از عناوین فوق، جلوگیری از اجرای قانون، که فعل مثبت مادی است نبوده، بلکه به فرض قبول، ترک فعلی است که نمی‌تواند مشمول ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی گردد.

در همین راستا اتهام دیگری به عنوان اتهام شماره ۴ آقای تاج‌زاده در رأی دادگاه آمده که عبارت است از: «معاونت در مخدوش نمودن آرا در صندوقهای دارای ایراد شکلی و ماهوی». که نهایتاً دادگاه نسبت به معاونت در مخدوش نمودن آرا در صندوقهای دارای ایراد شکلی، حکم به برائت داده و در خصوص معاونت در مخدوش نمودن آرا در صندوقهای دارای ایراد ماهوی، آنرا با سوء استفاده از موقعیت شغلی و ممانعت از اجرای قانون انتخابات، تحت عنوان (فعل واحد دارای

عناوین متعدد) محسوب نموده و حکم به ۳۰ ماه انفصال از خدمات دولتی صادر نموده و چنین توضیح داده است که «از حیث اتهام معاونت در مخدوش نمودن آراء، عملیات مادی این اتهام سوء استفاده از موقعیت شغلی و ممانعت از اجرای قانون انتخابات مشترک است و لذا به استناد ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، اقتضای تعیین مجازات واحد را دارد و در نتیجه کیفر تعیین شده را ملحوظ نظر قرار داده و به اعتبار معاونت، مجازات جداگانه‌ای نمی‌داند». با مذاقه در استدلال دادگاه محترم چنین به نظر می‌رسد که این فراز از رأی صادره عجیب‌ترین استدلال را دارا می‌باشد. زیرا از یک طرف دادگاه با استناد به برخی قضایا، جرم ممانعت از اجرای قانون را احراز نموده و اقدام به صدور حکم می‌نماید و از طرف دیگر با استناد به همان مقدمات، معتقد است که آقای تاجزاده، از این طریق معاونت در مخدوش نمودن آرای شهروندان تهرانی نموده است. حال با نظری و تدقیقی در قانون انتخابات و قانون مجازات اسلامی می‌توان به نادرستی چنین استدلال و استنباطی پی برد.

چنان‌که پیش از این بیان گردید جلوگیری از اجرای قانون که مستحق انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال است، جرم خاصی است که رکن مادی آن، ارتکاب فعل مادی مثبت برای جلوگیری از اجرای قانون یا اوامر کتبی دولتی و... است و بدیهی است که چنین جرمی ممکن است بالمباشره یا از طریق معاونت انجام گیرد. لیکن آنچه که در بند ۱۸ ماده ۶۶ قانون انتخابات آمده است «همانا انجام یا عدم انجام هرگونه عملی است که باعث مخدوش شدن رأی مردم از ناحیه شعبه اخذ رأی باشد». بنابراین برخلاف استنباط قاضی، جرم ارتكابی در این خصوص نه مخدوش نمودن آرا بلکه مخدوش شدن آراست. تفاوت در این است که ارتكاب رکن مادی عمل در قالب «مخدوش نمودن» آرا، پیش از آن‌که یک جرم انتخاباتی و مشمول بند ۱۸ ماده ۶۶ قانون انتخابات باشد، «جعل» محسوب و مشمول مجازاتهایی است که برای این جرم مقرر گردیده است. آنچه که در بند ۱۸ ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد حکم است همانا مخدوش شدن آراست نه مخدوش نمودن آرا. به عبارت دیگر، مخدوش نمودن آرا منوط به ارتكاب برخی افعال مادی مثبت جهت تخدیش آرا و به قصد آن می‌باشد. در حالی که ممکن است در مخدوش شدن

آرا چنین قصد و انگیزه‌ای وجود نداشته باشد و صرفاً به دلیل اقداماتی که صورت گرفته است، مخدوش شوند. بر این اساس است که قانونگذار ارتکاب این جرم را صرفاً از ناحیه اعضای شعب اخذ رأی قابل ارتکاب دانسته و برخی موارد موجب مخدوش شدن رانیز که تنها از طریق اعضای شعب اخذ رأی قابل ارتکاب می‌باشند برشمرده است. خودداری کردن از مه‌ور نمودن برگ تعرفه یا شناسنامه یا انتقال صندوق اخذ رأی به غیر از محل آن از جمله مواردی هستند که رکن مادی جرم «مخدوش شدن آرا» را تشکیل می‌دهند. ماهیت چنین افعالی که منجر به تحقق جرم مخدوش شدن می‌گردد با ماهیت جرم جلوگیری از اجرای قانون متفاوت است و بنابراین معلوم نیست که قاضی محترم چگونه قایل به این نکته شده‌اند که آقای تاج‌زاده از طریق جلوگیری از اجرای قانون، مرتکب معاونت در مخدوش نمودن (شدن) آرای مردم گردیده است.

از طرف دیگر ذکر این نکته ضروری است که تحقق معاونت، منوط به تحقق و احراز شرایطی است که معلوم نیست قاضی بدوی چگونه به آن پی برده است؟ این نکته خصوصاً از آن جهت اهمیت می‌یابد که هیچ‌کدام از کسانی که به اتهام مباشرت، در مخدوش نمودن آرای مردم محکوم شده‌اند، هرگز اعتراف یا اقراری دایر بر ارتکاب عامدانه عمل یا اعمالی که منجر به تخدیش رأی مردم گردد نداشته‌اند و بنابراین بعید به نظر می‌رسد که قاضی محترم، علم و عمد آنها را برای ارتکاب چنین جرمی احراز نموده باشد.

درست به همین دلیل است که معلوم نیست دادگاه محترم چگونه توانسته است شرط مذکور در تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است» را احراز نماید.

از طرف دیگر توجه به آن دسته از اعمالی که ارتکاب آنها از طرف اعضای شعب اخذ رأی موجب مخدوش شدن آرای مردم می‌گردد، خصوصاً با توجه به تصریح بند ۱۸ ماده ۶۶ قانون انتخابات که مقرر می‌دارد «از ناحیه اعضای شعبه اخذ رأی» مورد ارتکاب قرار می‌گیرند، حکایت از آن دارد که اولاً امکان ارتکاب این دسته از اعمال،

جز توسط اعضای شعب اخذ رأی امکان پذیر نبوده و ثانیاً در صورت پذیرش فرض امکان معاونت در این جرم، اعمال و افعال معاون نیز باید در قالب یکی از عناوین احصاشده در بندهای ۱، ۲، ۳ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی و از جمله موارد تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع به ارتکاب جرم، یا استفاده از دسیسه و فریب و نیرنگ یا تهیه وسایل ارتکاب جرم یا ارائه دادن طرق ارتکاب آن و یا تسهیل وقوع جرم، آن هم به نحو عالمی و عامداً باشد. موارد مذکور در قانون مجازات اسلامی احصا شده و قاضی محترم باید با توجه به سیاق دادگاهها و رویه قضایی، معلوم نماید که آقای تاجزاده با ارتکاب کدام یک از عناوین فوق الذکر در ارتکاب جرم مخدوش شدن آرا معاونت نموده است.

بنابر مراتب فوق و با توجه به محکومیت ۴۲ نفر از اعضای صندوقها که علی القاعده بایستی مباشرین جرم مذکور باشند، دادگاه مجدداً از عبارت مخدوش نمودن استفاده کرده است که چنین عنوانی وجود مستقل ندارد، یعنی اساساً قانون، عمل مستقیمی را نشناخته است که از آن به عنوان مخدوش نمودن یاد کرده باشد. بلکه همان گونه که در بند ۱۸ ذکر شده است، اعضای صندوق بایستی اقداماتی را انجام دهند «انتقال صندوق به غیر از محل آگهی شده» و یا از انجام اقداماتی خودداری کنند «مخدوش نمودن برگه تعرفه یا شناسنامه رأی دهنده» که فعل یا ترک فعل آنها مخدوش شدن رأی را نتیجه دهد. متأسفانه دادگاه به این مفهوم بدیهی توجه ننموده و مستقیماً اتهام مخدوش نمودن را به مباشرین احتمالی جرم نسبت داده است. یا شاید علت آن عدم اطلاع دادگاه از اعمال مباشرین بوده که آنان چه اقداماتی انجام داده اند که آن اقدامات باعث تخدیش آرا شده است. واقعیت این است که موضوع اخیر صحیح بوده و دادگاه، تحقیقات مناسبی انجام نداده تا اقدامات یا خودداری از اقدامات مباشرین که باعث خدشه در آرا شده است را کشف کند و سپس اقدام به تفهیم اتهام «مخدوش شدن» نماید، به همین دلیل نیز مستقیماً اتهام «مخدوش نمودن» به آنها تفهیم شده است که یک اتهام جعلی است و فاقد عنصر قانونی جرم است. تحقیقات دادگاه از مباشرین، آنچنان شتابزده و غیر اصولی صورت گرفته که به نظر می رسد تنها برای بیان این که جرم معاونت، مباشرینی نیز داشته اقدام به تفهیم اتهام به ۴۲ نفر از اعضای صندوقها نموده اند.

نکته دیگری که جالب توجه است این که تنها ۴۲ نفر از اعضای صندوقها احضار شده‌اند، در این رابطه سؤالهای زیر مطرح است که:

۱. تعداد صندوقهایی که به زعم دادگاه مخدوش و ابطال شده‌اند چه تعداد است؟

۲. این افراد بر چه اساس و مبنایی انتخاب شده‌اند؟

۳. چه اعمالی انجام داده‌اند که باعث مخدوش شدن آرا گردیده است؟

اگر تعداد صندوقهای باطل شده به دلایل ماهوی مطابق آنچه در صفحه ۲۷ رأی دادگاه آمده و مستند آن نیز گزارش سازمان بازرسی است ۵۳ صندوق می‌باشد. چرا بعضی اعضای صندوقها احضار شده و برخی دیگر احضار نشده‌اند؟ مگر برخی از صندوقها مخدوش و برخی مخدوش تر بوده‌اند؟ مبنای این تبعیض و بی‌عدالتی چیست؟ چرا ناظر این صندوقها احضار نشده‌اند؟

۳. اتهام دیگر آقای تاج‌زاده ممانعت از اقدامات سازمان بازرسی کل کشور در رسیدگی و شناسایی عاملین جرم در صندوقهای مخدوش است که حسب رأی صادره به نه ماه انفصال از خدمت در این خصوص محکوم گردیده‌اند. آنچه که موجب ایراد چنین اتهامی شده حسب رأی صادره (ص ۳۶) عبارت است از:

[۱. فرماندار تهران در تحویل ده صندوق اخذ رأی به هیأت بازرسی حسب دستور آقای تاج‌زاده امتناع می‌کند.

۲. توقف بازرسی هیأت سازمان به جهت عدم همکاری فرماندار تهران و ستاد انتخابات کشور.

۳. عدم تحویل ۳۲ صندوق مورد درخواست که رئیس ستاد انتخابات بررسی شکلی صندوق مازاد بر ۲۱۶ صندوق را بی‌معنا خوانده است.

۴. عدم تحویل تعدادی از صندوقهای خارج از ۵۳۴ صندوق به لحاظ این که هیأت بازرسی قصد داشت برای احراز واقعیت با حضور نمایندگان وزارت کشور و شورای نگهبان چگونگی وضعیت سایر صندوقها را مورد بررسی قرار دهد تا حقیقت امر راجع به صندوقهای مخدوش بهتر مشخص شود].

حقیقت آن است که برخلاف تأکید دادگاه محترم و شورای نگهبان، در هیچ

کجای قانون انتخابات سخن از صندوقهای مخدوش نرفته است. آنچه که ممکن است مخدوش شود، آرای صندوق است که تکلیف آنرا مواد ۱۸ و ۱۹ قانون انتخابات روشن نموده است. در خصوص مجموع مواردی که به عنوان ممانعت از اقدامات هیأت بازرسی ذکر گردیده است، تصریح به این نکته ضروری است همانگونه که در عنوان اتهام آمده است همه موارد مذکور موجب تشکیل یک اتهام شده و بیش از یک مجازات را نیز نمیتواند در پی داشته باشند. لذا به فرض صحت موارد چهارگانه‌ای که به عنوان مبانی ایراد و احراز چنان اتهامی ذکر گردیده‌اند تنها می‌توان همان مجازات مقرر در تبصره ۱ ماده ۸ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور را اعمال نمود. گوا این که چنین به نظر می‌رسد که با توجه به اخیرالتصویب بودن قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و حتی قبل از آن قانون تعزیرات ۱۳۶۲ نسبت به قانون مذکور که مصوب ۱۳۶۰ می‌باشد، در صورت تحقق چنین جرمی، همان جرم جلوگیری از اجرای قانون مذکور در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی محقق شده و امکان استناد به قانون خاص تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با تشکیک مواجه است. با این وجود حسب دلیل اول مذکور در رأی، آقای تاجزاده به فرماندار تهران دستور عدم تحویل ده صندوق را داده و نامبرده از تحویل آنها خودداری کرده است. بنابراین رکن مادی جرم عدم تحویل به موقع صندوقهای اخذ رأی به هیأت بازرسی سازمان بازرسی کل کشور توسط فرماندار تهران محقق شده است. بدیهی است در همین مورد خاص، قاضی دادگاه صراحتاً پذیرفته‌اند که تحویل صندوقها از آن جهت که صندوقهای اخذ رأی در فرمانداری نگهداری می‌شوند، می‌بایست توسط فرماندار یا سایر کارکنان موظف فرمانداری تهران انجام پذیرد. و در بند «ب» نیز قاضی محترم دادگاه توقف بازرسی در تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۲ لغایت ۱۳۷۹/۳/۲۴ را در نتیجه عدم همکاری فرماندار و ستاد انتخابات کشور می‌داند و بدیهی است که به فرض صحت در چنین موردی نیز، نقش آقای تاجزاده بیش از نقش معاون جرم نمی‌تواند باشد.

گوا این که تحقق معاونت نیازمند شرایطی است که هیچ‌کدام از آنها در این خصوص وجود ندارد. مبنای دلیل سوم برای تشکیل اتهام ممانعت از اقدامات

سازمان بازرسی نامه شماره ۱۵۲۰/۴/۴۴ آقای تاجزاده خطاب به فرماندار تهران است که بررسی شکلی صندوق مزاد بر ۲۱۶ صندوق را بی معنا خوانده است. در این خصوص نیز لازم به ذکر است که اولاً بیان «بی معنا بودن بررسی شکلی صندوقهای مذکور» افاده هیچگونه امر یا نهی از طرف آقای تاجزاده خطاب به آقای فرماندار ننموده و از طرف دیگر فرماندار نیز از مفاد آن تبعیت ننموده و خطاب به آقای تاجزاده طی نامه دیگری نوشته است که در این خصوص وزیر محترم کشور باید دستور بدهند. بنابراین در این خصوص عملاً جرمی اتفاق نیفتاده است تا در پی کشف مباشرت یا معاونت آقای تاجزاده باشیم. دلیل چهارم تشکیل اتهام فوق الذکر، عدم تحویل تعدادی از صندوقها خارج از ۵۳۴ صندوق به هیأت بازرسی است که در این خصوص نیز تأکید می‌گردد که اصولاً آقای تاجزاده هیچ نقشی در تحویل یا عدم تحویل صندوقها نداشته است.

ضمناً ضمائم نه گانه به پیوست تقدیم می‌گردد].

نامه دیگر به آیت الله شاهرودی

روز پانزدهم فروردین ۱۳۸۰، سید مصطفی تاجزاده در نامه‌ای دیگر به رئیس قوه قضائیه، موارد دیگری را برشمرد که از اهمیت خاصی برخوردارند. متن نامه دوم تاجزاده به شرح زیر است:

به استحضار می‌رساند:

الف. بعضی مسؤولان محترم در توجیه تصمیم قاضی دقیقی در استنکاف از فراخواندن مطلعین مورد درخواست اینجانب به دادگاه و استماع اظهارات آنان، به نقل از جنابعالی اعلام کرده‌اند که «قاضی محترم به آقای تاجزاده گفته بود که وی می‌تواند شهود خود را به دادگاه بیاورد، اما خود احضار آنان را ضروری نمی‌دانست». در این خصوص صرف نظر از این که در جریان دادرسی هیچ‌گاه قاضی محترم اعلام نکرد که اینجانب می‌توانم شهود و مطلعین مورد نظر خود را به دادگاه بیاورم تا در زمینه سلامت انتخابات اطلاعات خود را در اختیار وی قرار دهند، توجه جنابعالی را به نکات ذیل جلب می‌کنم:

۱. مطلعین مورد درخواست اینجانب عمده‌تاً اعضای هیأت‌های نظارت بر انتخابات و منصوب شورای محترم نگهبان بودند و مایل نبودند که حسب درخواست رئیس ستاد انتخابات کشور در دادگاه شرکت کنند. حضور آنان در دادگاه، منوط به خواست دبیر محترم شورای نگهبان یا دعوت قاضی محترم بود و دلیل اصرار اینجانب نیز در این زمینه، آن بود که اظهارات آنان نقش تعیین‌کننده در رأی نهایی دادگاه داشت، به ویژه آن که در خاتمه دادرسی معلوم شد بخش اعظم

حکم صادره را نقل قول افراد گوناگون در محکومیت اینجانب و فرماندار محترم تهران تشکیل می‌دهد. در هر حال نیاز به توضیح ندارد که اینجانب رأساً نمی‌توانستم آنان را به عنوان مطلع یا شاهد در دادگاه حاضر کنم! بخصوص که قاضی دقیقی در «رد تقاضای حضور اعضای هیأت‌های نظارت» به صورت مکتوب اعلام کرد: «به دلیل رابطه سلسله‌مراتبی و مسؤولیت تام و تمام شورای نگهبان، نهایتاً این شورا مسؤول بوده و حضور سایرین وجهی ندارد».

۲. هیأت‌های محترم نظارت شهرستان و استان تهران و نیز هیأت مرکزی نظارت شش بار در مقاطع مختلف (۱۳۷۸/۱۲/۶، ۱۳۷۸/۱۲/۱۹، ۱۳۷۹/۲/۹) صحت انتخابات تهران را تأیید کردند. مسأله مورد تأکید من این بود که چگونه ممکن است انتخاباتی به ادعای دبیر محترم شورای نگهبان دارای «تخلفات کلان بی‌سابقه‌ای در تاریخ انتخابات» باشد، اما هیأت‌های نظارت منصوب شورای نگهبان شش بار صحت آن را تأیید کرده باشند؟ آیا کشف حقیقت اقتضا نمی‌کرد قاضی محترم با احضار اعضای هیأت‌های نظارت دلیل شش بار تأیید صحت انتخابات را از آنان جویا می‌شد؟ همچنین آیا قاضی دقیقی نمی‌بایست از اعضای هیأت اجرایی شهرستان تهران می‌پرسید که دلیل تأیید صحت انتخابات تهران در دو مقطع (۱۳۷۸/۱۲/۶ و ۱۳۷۸/۱۲/۱۹) چه بود؟ بدیهی است اگر برای قاضی محترم صحت انتخابات تهران محرز می‌شد، اتهام «مخدوش نمودن آرای مردم» خود به خود منتفی می‌گردید.

یکبار دیگر به استدلال حقوقی و دقیق قاضی دقیقی در زمینه رد تقاضای حضور اعضای هیأت نظارت در دادگاه توجه فرمایید: «به دلیل رابطه سلسله‌مراتبی و مسؤولیت تام و تمام شورای نگهبان، نهایتاً این شورا مسؤول بوده و حضور سایرین وجهی ندارد. علاوه بر آن گزارشی که شورای نگهبان بر اساس آن تصمیم گرفته است، گزارش هیأت سه‌نفره است که در دادگاه حضور دارند». صرف نظر از ضعف استدلال ارائه‌شده، حتی اگر من می‌توانستم بعضی اعضای محترم هیأت‌های نظارت را در دادگاه حاضر کنم، آیا اجازه‌ی ادای توضیحات به وی داده می‌شد؟ برای این که با فضای دادگاه بهتر آشنا شوید، پیشنهاد می‌کند از جناب آقای محمدکاظم موسوی بجنوردی از اعضای محترم هیأت اجرایی شهرستان تهران که در یکی از جلسات دادرسی شرکت کرد، توضیحات لازم را اخذ فرمایید.

۳. برخی مدارک مؤید صحت انتخابات تهران، صرفاً در اختیار شورای محترم نگهبان بود و اینجانب به آنها دسترسی نداشتم، بنابراین قادر به ارائه آنها به دادگاه نبودم. از جمله مهمترین این اسناد گزارشهای هیأت‌های منتخب شورای محترم نگهبان در دو مرحله بازشماری آرای ۵۲۷ صندوق در اسفند ۱۳۷۸ و ۴۹۶ صندوق در دهه اول اردیبهشت ۱۳۷۹ بود. جالب توجه آن‌که حتی مسؤولان محترم سازمان بازرسی هم نتوانستند نسخه‌ای از این گزارشها را از آیت‌الله جنتی تحویل بگیرند. در هر حال آیا وظیفه قاضی محترم نبود که اسناد مذکور را تهیه و بررسی و سپس حکم صادر کند؟

۴. قاضی دقیقی با استناد به اظهارات کذب دو نفر که ادعا کرده بودند خدمات رایانه‌ای فرمانداری تهران با شرکت مدبر سامانه به دستور اینجانب لغو شد، رئیس ستاد انتخابات کشور را به «دخاله غیرقانونی در انتخابات» متهم و سپس به یک سال زندان محکوم کرد. صرف نظر از این‌که اگر چنین دستوری هم صادر شده باشد، جرمی صورت نپذیرفته است، از قاضی محترم خواستم دو نفر مذکور را به دادگاه احضار، تا با مواجهه حضوری معلوم شود که اینجانب چه زمان و چگونه دستور لغو قرارداد مذکور را صادر کرده‌ام، به ویژه آن‌که هر دو اظهار کرده بودند این موضوع را فرماندار محترم تهران و معاون وی به آنان اعلام نموده‌اند، اما هر دو مسؤول اخیرالذکر، ادعای مزبور را تکذیب کرده‌اند. آیا برای روشن شدن صدق یا کذب اظهارات آن دو و مشخص شدن زمان و چگونگی دستور اینجانب لازم نبود قاضی محترم دو نفر مذکور را به دادگاه احضار کند؟ من چگونه می‌توانستم آنان را به عنوان شاهد یا مطلع به دادگاه بیاورم، تا ثابت کنم دروغ می‌گویند؟! به همین دلیل تنها چاره را تقدیم شکایت علیه آن دو به دادگستری محترم تهران دیدم که البته به پیگرد کیفری آن، مانند سایر شکایاتی که در دو سال گذشته به دادگستری محترم تهران ارائه کرده‌ام، متأسفانه امیدوار نیستم.

علاوه بر این، از قاضی محترم خواستم آقای مهندس بنی‌هاشمی مسؤول سایت رایانه‌ای شورای نگهبان را که دقیقاً در جریان شماری آرا بود و همکاری صمیمانه‌ای با سایت رایانه‌ای جمع‌بندی آرای صندوقهای اخذ رأی هیأت اجرایی

داشت، برای ادای توضیحات به دادگاه دعوت کند که وی از این امر استنکاف ورزید. ضمناً به استحضار می‌رساند آقای بنی‌هاشمی معتقد است که در انتخابات مجلس ششم در تهران کمترین اختلاف بین سایتهای کامپیوتری هیأت اجرایی و شورای نگهبان به نسبت چند انتخابات گذشته وجود داشته است.

۵. قاضی دقیقی در اولین جلسه اتهام اینجانب را با عبارت «اعلام جرم سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر قرائت و تفهیم گردید»، آغاز کرد و متن هردو اتهام عیناً عبارات گزارش سازمان بازرسی بود. بنابراین اینجانب به اظهارات رئیس محترم آن سازمان نزد اشخاص مختلف، از جمله نزد جنابعالی و وزرای محترم اطلاعات و بازرگانی بر عدم توجه اتهام به خود در گزارش سازمان بازرسی استناد و آنرا مکتوب کردم. همچنین به سخنان معاونین محترم آن سازمان در جلسه غیرعلنی غیررسمی مورخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی استناد کردم که صریحاً اعلام کردند در گزارش سازمان بازرسی هیچ جرم یا اتهامی متوجه اینجانب نیست و از قاضی محترم خواستم که اظهارات آنان را از مجلس شورای اسلامی دریافت کند. وی از این اقدام خودداری و اعلام کرد: «چون جزو مستندات متهم است، خود او وظیفه در تهیه آن دارد». به عبارت دیگر ایشان هیچ‌گونه تلاشی به عمل نیاورد تا دقیقاً از دیدگاه مسؤولان محترم سازمان بازرسی درباره نقش اینجانب در انتخابات تهران مطلع شود، حال آن‌که رأی محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور را صرفاً بر اساس گزارش، مدارک و تحقیقات آن سازمان صادر کرد!

۶. قاضی دقیقی اولین و مهم‌ترین اتهام اینجانب را به شرح ذیل به من تفهیم کرد: «فرمانداری تهران و ستاد انتخابات کشور در خصوص سوء جریانات و نارساییهای راجع به برگزاری انتخابات مسؤول می‌باشند و به لحاظ عدم آموزش کافی اعضای برخی صندوقها، تعیین برخی مجریان و بازرسان بدون توجه به میزان تحصیلات و استفاده از ابزار و وسایل نامناسب، از به کارگیری کارتن فاقد استحکام (مقوایی) برای صندوقهای اخذ رأی و نیز عدم رعایت اصول متعارف و فنی در نگهداری و نقل و انتقال (صندوقها) که موجب واقع شدن جرائم فوق شده است، مستند به اقدامات وزارت کشور به ستاد انتخابات کشور و فرمانداری تهران می‌باشد و

سبب ابطال صندوقهای اخذ رأی شده است... لذا متهم هستید به معاونت در مخدوش نمودن رأی مردم در ۵۳۴ صندوق اخذ رأی حوزه انتخاباتی تهران». اتهام فوق براساس «سوء جریانات و نارساییهای» مورد ادعای سازمان بازرسی به اینجانب تفهیم شد و همچنانکه قبلاً توضیح داده‌ام، «سوء جریانات» به اعتراف صریح و مکتوب رئیس محترم سازمان بازرسی در نامه به معاون محترم حقوقی رئیس‌جمهور، قابل پیگرد کیفری نیستند. بنابراین از قاضی محترم درخواست کردم که موضوع را از رئیس محترم آن سازمان استعلام نماید، یا با دعوت از ایشان، یا با فراخواندن هریک از مسؤولان محترم سازمان بازرسی نظر صریح آنان را در خصوص پرسشهای اینجانب اخذ کند.

قاضی محترم از توجه به درخواست اینجانب خودداری کرد و نه تنها جواب به سؤالات مذکور را از مسؤولان محترم سازمان بازرسی تقاضا نکرد، بلکه به این دلیل که «با توجه به این که ایشان (آقای رئیسی) در مقام انجام وظیفه اقدام به تهیه گزارش نموده است و گزارش به صورت مکتوب به مقامات مسؤول ارائه گردیده، حضور ایشان وجهی ندارد» از دعوت ایشان به دادگاه و استماع اظهاراتشان استنکاف ورزید. اینجانب نیز بناچار از رئیس محترم سازمان بازرسی سؤالاتی پرسیدم که متأسفانه جواب نداد. با توجه به مراتب فوق آیا من می‌توانستم آنان را مجبور به ارائه پاسخ به پرسشهای خود کنم یا آنان را در دادگاه حاضر نمایم؟!

۷. در مورد استعلام از جنابعالی و وزیر محترم کشور، بازرگانی و اطلاعات در زمینه اعتراف رئیس محترم سازمان بازرسی به این که بر مبنای گزارش آن سازمان هیچ اتهامی متوجه اینجانب نیست، قاضی دقیقی با این استدلال که: «از آنجا که گزارش سازمان بازرسی کل کشور و اظهارات مسؤولین آن به صورت مکتوب ارائه شده است، اظهار نظر شفاهی افراد دیگر، هرچند در تعارض با آنها باشد، مؤثر در مقام نیست»، از سؤال از این عزیزان خودداری کرد و پیشاپیش حکم خود را صادر کرد که عدم توجه جرم به اینجانب، در تعارض با گزارش سازمان بازرسی است. حال آن که موضوع دقیقاً برعکس است و به همین دلیل قاضی دقیقی در نهایت مجبور شد برای محکومیت اینجانب اعلام کند بر مبنای ادله و مدارک دیگری، رئیس ستاد انتخابات

کشور مرتکب جرائمی شده است. با توجه به مراتب فوق، آیا حضور بعضی وزرا در دادگاه و ادای شهادت در این زمینه ممکن یا مفید بود؟ جالب است بدانید که قاضی محترم در این زمینه تصمیم خود را تغییر داد و نظر صریح رئیس محترم سازمان بازرسی را درباره نامه تقدیمی اینجانب جویا شد، بدون آنکه از وزرا موضوع را استعلام کند.

۸. دادگاه محترم ۴۲ نفر از اعضای محترم ۱۵ شعبه اخذ رأی را به عنوان مباشرین جرم رئیس ستاد انتخابات کشور محکوم نمود. اینجانب پس از تفهیم اتهام «معاونت در مخدوش نمودن آرا» بارها از قاضی محترم درخواست کردم مباشرین احتمالی جرم را به دادگاه احضار کند تا حداقل بدانم معاونت جرائم چه کسانی را عهده‌دار بوده‌ام و چه ارتباطی بین اینجانب و آنان وجود داشته است. با وجود این تاکنون هیچ‌یک از مباشرین جرم خود را ندیده‌ام و طبیعی است که آنان نیز خود مایل به شرکت در دادگاه نبوده باشند.

برای این که موضوع روشن‌تر شود به استحضار می‌رسانم که تعدادی از محکومان مزبور، درخواست تجدید نظر درباره حکم خود نکردند. چرا که نه کارمند دولت هستند که از محکومیت انفصال یک‌ماهه از خدمات دولتی نگران شوند و نه مشتاق عضویت در شعبه اخذ رأی می‌باشند که به ویژه در انتخابات مجلس ششم، جز دردسر ارمغانی برای آنان به همراه نداشت. با توجه به مراتب فوق، آیا من می‌توانستم آنان را به دادگاه بیاورم؟! همچنین مستحضرید که طبق قانون مباشران جرم باید به همراه معاونین آنان در یک دادگاه محاکمه شوند، که این مهم را نیز قاضی دقیقی نادیده انگاشت.

۹. قاضی محترم برای اثبات اتهامات ادعایی به اظهارات افرادی استناد و بر آن مبنا اینجانب و فرماندار محترم تهران را محکوم کرد. جدای از آن که بعضی افراد مذکور با ارسال نامه اظهارات منتسب به خود را کذب خوانده‌اند و نیز صرف نظر از برخی مطالب خلاف واقع آقایان شیخ عطار و مصطفوی که اینجانب در صدد اقامه شکایت علیه آنان هستم، اما نکته بسیار مهم این که قاضی محترم در جلسات دادرسی متذکر اظهارات مذکور نشد، تا اینجانب فرصت پیدا نمایم با دعوت آن افراد

به دادگاه، یا به صورت مکتوب، صحت یا سقم مطالب منسوب به آنها را در حین دادرسی روشن کنم. با وجود عدم استناد قاضی محترم یا حتی نماینده محترم مدعی العموم به اظهارات افراد مذکور در جلسات دادرسی، اینجانب چگونه می توانستم بدانم که چه نقل قولهایی از چه کسانی در رأی نهایی مورد استناد قرار خواهد گرفت تا من پیش از صدور حکم، آن افراد را به همراه خود در دادگاه حاضر کنم تا اظهارات واقعی بعضی آنان به سمع قاضی محترم برسد و ادعاهای کذب بعضی دیگر را در طول دادرسی افشا کنم؟!

رئیس محترم قوه قضائیه!

استنکاف قاضی محترم از دعوت مطلعین مورد درخواست اینجانب به دادگاه یک وجه مسأله است، همان گونه که قبلاً به استحضار رساندم، نکته تعجب برانگیز آنجاست که قاضی محترم کسانی را به عنوان مطلع به دادگاه دعوت کرد که: اولاً: در جریان انتخابات قرار نداشتند.

ثانیاً: خود از مسببان و متهمان اصلی ابطال غیرقانونی حدود ۵۰۰ صندوق رأی به شمار می روند و در حالی که تنها ۳۵۰ صندوق را بازشماری کردند، موجبات ابطال ۵۳۴ صندوق را فراهم ساختند.

ثالثاً: موضع منفی خود را در خصوص انتخابات و بخصوص علیه رئیس ستاد انتخابات کشور پیشاپیش اعلام کرده بودند و حتی هم زمان با تشکیل دادگاه در مصاحبه با مطبوعات دیدگاههای منفی خود را علیه اینجانب اعلام نمودند و اساساً یک طرف اختلاف محسوب می شدند.

آیا عدم دعوت از مطلعان مورد نظر اینجانب که عمده تاً برای اثبات صحت انتخابات تهران معرفی شده بودند و در عوض دعوت از کسانی که رسالتی جز مخدوش نمودن و مخدوش خواندن آرای مردم تهران نداشته اند، نشان نمی دهد که قاضی محترم نه تنها بی طرفی، بلکه ضوابط دادرسی را نیز رعایت نکرده است؟ آن هم با این استدلال که چون شورای نگهبان براساس گزارش این سه نفر، ۵۳۴ صندوق را باطل اعلام کرد و «به دلیل رابطه سلسله مراتبی و مسؤولیت تام و تمام

شورای نگهبان... حضور سایرین وجهی ندارد»، بنابراین هیچ یک از اعضای هیأت‌های نظارت را که دقیقاً در جریان برگزاری انتخابات تهران بودند، به دادگاه احضار نکرد! ب. همچنین به استحضار می‌رساند قاضی محترم بارها اعلام کرده‌اند که «رسیدگی به اتهامات و محکومیت رئیس ستاد انتخابات کشور و فرماندار تهران تنها بر مبنای گزارش سازمان بازرسی کل کشور صورت نگرفته است». دربارهٔ خلاف واقع بودن ادعای فوق و دلیل طرح آن، توجه جنابعالی را به نکات ذیل جلب می‌کنم:

۱. رئیس محترم شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران، ابتدا اینجانب را با عنوان «پیرامون اعلام جرم سازمان بازرسی کل کشور» و «برای ادای توضیحات» به دادگاه احضار کرد و سپس به صورت کاملاً غیرمترقبه دو اتهام «معاونت در مخدوش نمودن آرای مردم» و «ممانعت از انجام وظیفه سازمان بازرسی کل کشور» را به صورت مکتوب که جملات آن عیناً از گزارش سازمان بازرسی رونویسی شده بود، به اینجانب تفهیم نمود و پس از پاسخ کوتاهی که به هر دو دادم، خواستار ارائه آخرین دفاعیه اینجانب برای صدور حکم شد. با موافقت دادگاه با درخواست استمهال، ارائه آخرین دفاعیه به جلسه بعد موکول گردید. بنابراین احضار اینجانب و تفهیم دو اتهام و دادن فرصت به من برای ارائه آخرین دفاعیه، صرفاً بر اساس گزارش سازمان بازرسی صورت پذیرفت.

۲. قاضی محترم در رأی صادره اعلام کرد که «حسب اسناد و مدارک موجود در پرونده ارسالی از شعبه ۱۶ دادگاه عمومی آقایان تاج‌زاده و آزر می در مظان اتهام دیگری بودند» و ظاهراً بر همین مبنا در جلسه پنجم دادگاه اتهام «دخاله غیرقانونی در امر انتخابات» و «به عهده گرفتن وظایف فرمانداری تهران» و... به من تفهیم شد. حال آن‌که پرونده مطروحه در شعبه ۱۶ در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۱، حدود ۹ ماه قبل از برگزاری دادگاه اینجانب، تشکیل و به دلایلی که حتماً برای جنابعالی روشن است، چند ماه مسکوت ماند. تا این‌که یک ماه و نیم قبل از احضار اینجانب، در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۹ به شعبه ۱۴۰۳ ارجاع شد، ضمن آن‌که حاوی نکته جدیدی نبود که در تحقیقات همه‌جانبه و ۵ ماهه ۵ بازررس قضایی سازمان بازرسی مورد غفلت قرار گرفته باشد. علاوه بر این، قاضی دقیقی با وجود دسترسی به پرونده مذکور و لابد

پس از مطالعه آن، اینجانب را پیرامون «اعلام جرم سازمان بازرسی» احضار کرد و تفهیم دو اتهام را با این جمله آغاز نمود: «اعلام جرم سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر قرائت و تفهیم گردید». ضمن آن که اتهام دیگری را به من تفهیم نکرد. اکنون می‌پرسم اگر من در همان جلسه اول بر مبنای خواست قاضی محترم دفاعیه آخر را درباره اعلام جرم سازمان بازرسی ارائه کرده بودم، آیا قرار بود قاضی دقیقی دادگاه دیگری برای رسیدگی به سایر اتهامات من در انتخابات مجلس ششم در تهران تشکیل دهد؟!

۳. دلیل انتساب اتهام «دخاله غیرقانونی در امر انتخابات» به اینجانب در جلسه چهارم، اظهارات دو نفر از مدیران شرکت مدبر سامانه بود که موضوع فوق را چند ماه قبل از تشکیل دادگاه با بازرسان قضایی سازمان بازرسی در میان گذاشته بودند، اما آنان ادعای مذکور را جدی تلقی نکردند و به همین دلیل در گزارش سازمان بازرسی نکته‌ای را در این زمینه مطرح ننمودند. در حقیقت با وجود این که بازرسان قضایی چنان در مسائل انتخابات ریز شدند که حتی به بحث درباره جنس کارتهای اخذ رأی و نخ به کاررفته در آنها نیز پرداختند، اما نه تنها به استناد گفته‌های آن دو، اتهامی متوجه من نکردند، بلکه حتی در متن گزارش متذکر ادعای آن دو نفر نشدند. اینک قاضی محترم با استناد به اظهارات مذکور و بدون احضار آن دو نفر به دادگاه برای روشن شدن موضوع، اینجانب را به اتهام «دخاله غیرقانونی در امر انتخابات و به عهده گرفتن وظایف فرمانداری تهران» به یک سال زندان محکوم کرد؟!

۴. آقای علیرضا شیخ عطار که با حکم آیت‌الله جنتی ۷۰ روز پس از انتخابات مسئولیت هیأت سه نفره بازشماری آرا را در مرحله سوم به عهده گرفت، دست کم شش ماه پیش از تشکیل دادگاه به بازرسان قضایی سازمان بازرسی اعلام کرد: «شما به دنبال این قضیه بروید که چگونه است (که) یک سایت کامپیوتری که قرار بوده توسط مدبر سامانه اجرا شود و هم نرم افزار را نوشته بود، صبح شنبه (۱۳۷۸/۱۱/۲۰) آقای تاج زاده می‌آید فرمانداری و می‌گوید ما نمی‌خواهیم کامپیوتری باشد. قرارداد هم نوشته بودند... و تمام صندوقها و فرمها را می‌برند منطقه ۴». همچنین آقای مهدی مصطفوی که وی نیز مانند آقای شیخ عطار ۷۰ روز پس از انتخابات عضو هیأت

بازشماری آرا شد و به هیچ وجه در جریان مسائل انتخابات تهران نبود، به بازرسان قضایی مذکور سازمان بازرسی گفت: «یک موردی به ذهنم رسید. درست بعد از پایان انتخابات در تهران، تعدادی از صندوقها به سایتی می‌روند که کامپیوتر آنجا مستقر بوده و قرار بوده کامپیوتری شمارش شود (یعنی صورت جلسه صندوقها). عده‌ای اپراتور هم جمع کرده بودند برای ورود اطلاعات، آقای تاج‌زاده می‌آید تمام کسانی که در سایت بوده‌اند را مرخص می‌کند و همه را رد می‌کند». بنابر اظهارات خلاف واقع مذکور، بازرسان قضایی سازمان بازرسی به موضوع فوق از جمله لغو قرارداد فرمانداری تهران با شرکت مدبر سامانه به دستور اینجانب پرداختند و تحقیقات لازم را به عمل آوردند و از جمله با دعوت دو نفر از مسؤولان شرکت مدبر سامانه، چند و چون اظهارات آنان را جویا شدند. با وجود این اتهام یا جرمی را متوجه اینجانب نکردند. دلیل آن را می‌توانید از مسؤولان محترم سازمان بازرسی جویا شوید. برای مزید استحضار اعلام می‌کند که دلیل خلاف واقع بودن موضوع این است که هیأت‌های نظارت شهرستان و استان تهران که کاملاً در جریان مسائل انتخابات قرار داشتند و در فرمانداری تهران مستقر بودند، هیچ تذکری در این مورد به هیأت اجرایی تهران ندادند، اما قاضی دقیقی صرفاً با استناد به ادعاهای کذب آقایان شیخ عطار و مصطفوی که علاوه بر آن که مسبب ابطال غیرقانونی حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی بودند، اساساً در جریان انتخابات تهران قرار نداشتند و نیز با استناد به اظهارات دو مدیر شرکت مدبر سامانه، که به نقل از فرماندار محترم تهران و معاون وی ادعای مذکور را طرح کرده بودند و هر دو مسؤول اخیرالذکر این ادعا را کذب می‌خوانند، و بدون احضار آنان، اینجانب را به یک سال زندان محکوم کرد؟! نکته جالب آن که موارد فوق هم در گزارش سازمان بازرسی و ضمائم آن موجود است و هم کپی قرارداد فرمانداری تهران با شرکت مذکور در پرونده ارجاعی به شعبه ۱۴۰۳ وجود دارد. به رغم نکات فوق، قاضی دقیقی در جلسه اول اتهامی را در این زمینه متوجه اینجانب نکرد. چرا؟!!

۵. اگر قاضی محترم بر این باور است که مبنای تشکیل پرونده و محکومیت اینجانب صرفاً گزارش سازمان بازرسی و ضمائم آن نبوده، خواهشمند است دستور

فرمایید قاضی دقیقی نسخه‌ای از مدارک، مستندات و تحقیقات مستقل انجام گرفته در این زمینه را به جنابعالی ارائه کند. موجب تشکر خواهد بود قاضی دقیقی اعلام کند که جدا از گزارش سازمان بازرسی و ضمانم آن، دادگاه محترم چه کسانی را احضار و چه مدارکی را چگونه و از کجا تهیه و براساس آن حکم صادر کرده است؟ در غیر این صورت اعلام نماید دلیل اصرار ایشان مبنی بر این که اتهامات و محکومیت اینجانب صرفاً براساس گزارش سازمان بازرسی صورت نگرفته است، چیست؟ و چرا استنادات و بررسیهای مورد ادعا را در رأی نهایی اعلام و مشخص نکرده است؟ آیا حداقل حقوق شهروندی اینجانب ایجاب نمی‌کند از دلایل و مستندات محکومیت خویش دقیقاً مطلع شوم؟

۶. اجازه دهید سؤالی را که برای بسیاری از شهروندان و مدیران کشور مطرح است، بیان کنم: افکار عمومی در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که پس از تفهیم دو اتهام در جلسه اول و تقاضای ارائه آخرین دفاعیه، چه اتفاقی افتاد که در جلسه چهارم، نماینده محترم مدعی العموم در دادگاه حاضر شد و سه اتهام تازه را مطرح کرد؟ در حالی که گزارش سازمان بازرسی و ضمانم آن و حتی پرونده ارجاعی قاضی علیپوریان به شعبه ۱۴۰۳ از مدتها قبل در اختیار اداره کنندگان دادگاه بود؟ به عبارت دیگر چرا پس از علنی شدن اعتراف رئیس و سایر مسؤولان محترم سازمان بازرسی به عدم انتساب هیچ جرمی به رئیس ستاد انتخابات کشور، اتهامات تازه‌ای به اینجانب تفهیم شد؟

استنباط عمومی این است که قاضی دقیقی به دلایل ذیل نمی‌توانست طبق گزارش سازمان بازرسی جرمی را برای اینجانب اثبات کند. بنابراین اتهامات جدیدی را به بهانه ادله و مدارک دیگر به اینجانب تفهیم کرد تا به حکم مورد نظر دست یابد.

I. اینجانب پس از تفهیم اتهام «معاونت در مخدوش نمودن آرای مردم» خواستار معرفی و حضور مباشرین احتمالی جرم در دادگاه شدم، در حالی که قاضی دقیقی به دلایل واضح نمی‌خواست هیچ‌یک از آنان را به دادگاه احضار کند. بخصوص که ایشان حتی در یک مورد نتوانسته بود کمترین ارتباط را میان اینجانب و آنان اثبات

کند. در نتیجه محکومیت اینجانب به جرم معاونت در مخدوش نمودن رأی مردم غیرقابل توجیه بود. در خاتمه دادرسی نیز معلوم شد که طبق حکم دادگاه بدوی، حداکثر ۱۵ صندوق از ۳۰۷۷ صندوق اخذ رأی در تهران بزرگ، حدود ۱/۵ درصد اختلاف رأی به طور متوسط برای هر نامزد وجود دارد که:

اولاً: میزان اختلاف فوق در قرائت و شمارش دستی بیست هزار نام برای ۸۵۰ نامزد در هر صندوق طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است.

ثانیاً: آیت‌الله جنتی اجازه نداد شمارش آرا با استفاده از ماشین صورت پذیرد. بنابراین مسئولیت هرگونه خطای شمارش دستی آرا با ایشان است.

ثالثاً: در هر سه مرحله بازشماری، آرای منتخبین مردم نسبت به شمارش اولیه افزایش یافت. بنابراین فرض هرگونه تبانی ستاد انتخابات کشور با اعضای صندوقها به نفع نمایندگان فعلی مجلس منتفی است.

رابعاً: از بین منتخبین مردم، پس از بازشماری ۱۳۶۸ صندوق، آرای نامزد ردیف ۳۰ کاهش یافت. به عبارت دیگر آرای وی در هنگام شمارش آرا توسط مجریان انتخابات بیشتر از آرای او در زمان بازشماری آرا توسط ناظران شورای محترم نگهبان اعلام شد. بنابراین بعید است که منظور از تخلف بی‌سابقه و کلان در انتخابات تهران، تبانی ستاد انتخابات کشور با اعضای صندوقها در زمینه افزایش آرای ایشان بوده باشد.

II. اینجانب در دادگاه اثبات کردم که اساساً ابطال بیش از ۵۰۰ صندوق اخذ رأی غیرقانونی بوده است و متهمان اصلی را نیز به مردم معرفی کردم. بنابراین محکومیت اینجانب براساس اتهام فوق، بدون تشکیل دادگاه آیت‌الله جنتی، فاقد معنا بود.

III. چه در گزارش سازمان بازرسی، و چه در اعترافات مسؤولان محترم آن سازمان، هیچ جرم یا تقلبی به اینجانب نسبت داده نشده بود. با علنی شدن موضوع توسط اینجانب، خود به خود اتهام اول (معاونت در مخدوش نمودن رأی مردم) منتفی گردید. اتهام دوم (ممانعت از وظایف سازمان بازرسی) نیز مربوط به چند ماه پس از برگزاری انتخابات بود. بنابراین حتی اگر قاضی دقیقی جرم اینجانب را در مورد اتهام دوم احراز می‌کرد، باز هم حکم برائت رئیس ستاد انتخابات کشور را در

جریان برگزاری انتخابات تهران در مجلس ششم صادر کرده بود و در این صورت بطلان ادعای آیت الله جنتی در زمینه ارتکاب عمده تخلفات کلان و بی سابقه در انتخابات تهران توسط ستاد انتخابات کشور ثابت می گردید.

۱۷. شش بار تأیید مکتوب صحت انتخابات توسط هیأت های نظارت شهرستان تهران (۶ و ۱۳۷۸/۱۲/۱۹)، استان تهران (۶ و ۱۳۷۸/۱۲/۱۹ و ۱۳۷۹/۲/۱۰) و هیأت مرکزی نظارت (۱۳۷۸/۱۲/۱۸) و نیز دو بار تأیید مکتوب صحت انتخابات توسط هیأت های اجرایی شهرستان تهران (۶ و ۱۳۷۸/۱۲/۱۹) و پذیرش مسئولیت امر به وسیله آن عزیزان، که طی مکتوب ماه گذشته آن عزیزان به جناب عالی اعلام شد، جایی برای اتهام اینجانب در زمینه معاونت در مخدوش نمودن آرای مردم باقی نمی گذاشت.

۷. با توجه به مراتب فوق، روشن می شود که رأی قاضی دقیقی صرفاً بر اساس گزارش سازمان بازرسی و ضmann آن صادر شده است، اما ایشان برای پرهیز از پاسخگویی به این سؤال مقدر که چگونه ۵ بازرس قضایی با وجود تحقیقات و بررسی های همه جانبه و جامع خود در مدت ۵ ماه و با «محوریت کشف وقوع جرم و شناسایی و معرفی متهمان» و «از جمله تحقیق از ۲۸۰ نفر از مسؤولان برگزارکننده انتخابات، ناظران و بازرسان وزارت کشور و شورای نگهبان، اعضای صندوقها و مطلعین و با ملاحظه اسناد و مدارک و کسب نظر کارشناسان ذیربط و بررسی صندوق های مورد بحث و آمار و اطلاعات شورای نگهبان و وزارت کشور» وقوع هیچ تقلب یا جرمی را توسط اینجانب احراز ننمودند، اما قاضی محترم بر مبنای همان گزارش و ضmann آن و با این که وی هیچ گونه آشنایی با امر انتخابات و نحوه برگزاری آن نداشته است، اینجانب را محکوم کرد، بناچار محکومیت مزبور را ناشی از اسناد و ادله و تحقیقات دیگری می خواند.

۸. جناب عالی با مقایسه گزارش سازمان بازرسی و ضmann آن و رأی دادگاه، تصدیق خواهید فرمود که حکم قاضی دقیقی در زمینه جرائم متعدد اینجانب ناشی از فزونی تحقیقات، برتری قوه استدلال یا استناد دقیق تر ایشان به مواد قانونی نسبت به ۵ بازرس قضایی سازمان بازرسی کل کشور نیست. به ویژه آن که رفتار قاضی محترم در جلسه اول دادگاه که بلافاصله پس از تفهیم دو اتهام، خواهان بیان یا ارائه

آخرین دفاعیه برای صدور حکم شد، میزان دقت، بی طرفی، همه جانبه نگری و درایت وی را در رسیدگی به پرونده‌ای ملی و پیچیده اثبات می‌کند. ضمناً استناد قاضی دقیقی به ماده ۱۷ قانون انتخابات مجلس برای توجیه شتاب خود در ختم دادرسی و صدور رأی، که مربوط به رسیدگی خارج از نوبت دادگاه به تخلفات انتخاباتی در حین برگزاری انتخابات است، نه مربوط به انتخابات گذشته، میزان احاطه وی را به قانون نشان می‌دهد. اکنون جای طرح این پرسش است که واقعاً چرا برای رسیدگی به چنین پرونده مهم، پیچیده و چندجانبه‌ای، قاضی دقیقی انتخاب شد؟ و چرا پرونده شعبه ۱۶ بدون تشریفات قانونی، به شعبه ۱۴۰۳ مجتمع کارکنان دولت ارجاع شد؟

۹. موجب تشکر است دستور فرمایید بررسی نمایند که آیا اینجانب در مورد انتخابات مجلس ششم در تهران شاکی خصوصی داشته‌ام؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا قاضی محترم هیچ اشاره‌ای به شکایات آنان نکرد و اگر پاسخ منفی است، مدعی‌العموم به چه اسناد و مدارکی دست یافته است که از دید بازرسان قضایی سازمان بازرسی در ۸ ماه گذشته پنهان مانده و لازم بود وی آنها را رأساً در دادگاه مطرح کند؟ آیا مسؤولان محترم سازمان بازرسی در کار خود اهمال کرده بودند یا جدیداً مدارکی کشف شده بود؟ در این صورت چرا قاضی دقیقی رأی نهایی را به این اسناد مستند نکرد؟

علاوه بر این، خواهشمند است دستور فرمایید مشخص شود چه کسی مدعی‌العموم را موظف کرد فراتر از دستور مقام معظم رهبری در زمینه شناسایی و تحت تعقیب قرار دادن عاملین تخلف در ۵۳۴ صندوق ابطالی، به دنبال اسناد و مدارکی اضافه بر آنچه ۵ بازرس قضایی در طول ۵ ماه جمع کرده بودند، برود؟ به فرض صحت ادعای قاضی محترم، آیا تاکنون در ۲۱ انتخابات گذشته سابقه داشته است مدعی‌العموم در نبود شاکی خصوصی، رأساً در پی گرد آوردن اسنادی باشد که به دلیل وجود تخلف احتمالی در یک حوزه انتخابیه، رئیس ستاد انتخابات کشور را محاکمه کند؟ فرض کنیم دادگستری محترم تهران مصمم است رأساً به تخلفات انتخاباتی رسیدگی کند، در آن صورت چرا ابطال‌کنندگان غیرقانونی بیش از ۵۰۰ صندوق و حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهران را محاکمه نمی‌کند؟

ج. همچنین به استحضار می‌رساند، بعضی مسؤولان محترم به نقل از جنابعالی اعلام کرده‌اند: «علت به جریان نیفتادن شکایت وزارت کشور از آیت‌الله جنتی و عدم تشکیل دادگاه ایشان، محکوم شدن آقای تاج‌زاده است». امیدوارم محکومیت اینجانب توسط قاضی محترم رسیدگی‌کننده به تخلفات انتخابات تهران با هدف عدم برگزاری دادگاه آیت‌الله جنتی و تبرئه ایشان صورت نگرفته باشد. در هر حال در خصوص موضوع فوق، توجه جنابعالی را به نکات ذیل جلب می‌کند:

۱. آیت‌الله جنتی در نامه مورخ ۱۳۷۹/۲/۳۱ به جنابعالی با اعلام این که «انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران دارای اشکالات و تخلفات کلان بی‌سابقه‌ای در تاریخ انتخابات بود» در مورد صندوقهای بازشماری نشده حکم کردند که «قطعاً تخلفات در آنها (صندوقهای بازشماری نشده) هم تفاوت چندانی با این تعداد (صندوقهای بازشماری شده) نداشته» و تصریح نمودند که «عمده تقصیر را متوجه ستاد انتخابات کشور می‌دانند» و سپس از جنابعالی خواستار تسریع در رسیدگی به تخلفات شدند. به این ترتیب ایشان باید:

اولاً: اثبات کند که «انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران دارای اشکالات و تخلفات کلان بی‌سابقه‌ای در تاریخ انتخابات بود».

ثانیاً: توضیح دهد که چرا دستور مقام معظم رهبری را مبنی بر این که «دستگاه قضایی و بازرسی موظفند عاملان تخلف در صندوقهای مخدوش را شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار دهند»، تحریف کردند و «عمده تقصیر را متوجه ستاد انتخابات کشور» خواندند.

ثالثاً: چرا نامه خود را «مصوبه شورای نگهبان» نامیدند، در حالی که اطلاعات ما نشان می‌دهد آن شورای محترم چنین مصوبه‌ای نگذرانده بود و اساساً در شرح وظایف آن نهاد ممتاز نیست که متخلفان احتمالی را در انتخابات شناسایی و معرفی کند. ضمن آن که آیت‌الله جنتی تاکنون نسخه‌ای از مصوبه ادعایی را نه برای وزارت کشور و نه برای دادگستری تهران ارسال نکرده‌اند.

رابعاً: چرا در نامه خود برخلاف اصل فقهی و عقلی اصالة الصحه و نیز صراحت پاسخ مقام رهبری به ایشان که در خصوص صندوقهای بازشماری نشده فرمودند: «وجود تخلف در آنها محرز نیست»، مخدوش بودن صندوقهای بازشماری نشده را

قطعی خواندند و اعلام کردند: «قطعاً تخلفات در آنها هم تفاوت چندانی با این تعداد نداشته است». ایشان باید این ادعای گزاف را ثابت کند.

خامساً: چرا متن شکایت خود را برای پخش در اختیار صدا و سیما قرار دادند؟

آیا رسیدگی به موارد فوق، با محکومیت یا تبرئه اینجانب ارتباط دارد؟

۲. آیت الله جنتی خود دستور بازشماری حداقل یک سوم صندوقها را صادر و پس از بازدید از چند سایت بازشماری آرا در تماس تلفنی با وزیر محترم کشور تمایل خویش را به خاتمه بازشماری آرا اعلام کردند. سپس در حالی که تنها ۵۲۷ صندوق از ۱۰۰۰ صندوق مقرر بازشماری شده بود، دستور توقف بازشماری آرا را به صورت مکتوب در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۸ صادر و به عنوان عضو مؤثر هیأت مرکزی نظارت، صحت انتخابات تهران را تأیید نمودند. بنابراین ایشان باید توضیح دهند که چرا با توقف بازشماری آرا اجازه ندادند ۱۰۰۰ صندوق درخواستی به طور کامل در اسفندماه ۱۳۷۸ بازشماری و معلوم شود که انتخابات تهران سالم بوده است یا خیر. در هر حال ایشان باید توضیح دهند که چرا با اعلام حصول «اطمینان لازم بر صحت انتخابات»، پس از بازشماری آرای ۵۲۷ صندوق، انتخابات تهران را تأیید کردند اما پس از ۷۰ روز اعلام نمودند که انتخابات تهران باید ابطال شود؟...

۵. آیت الله جنتی باید توضیح دهند که چرا بیش از ۵۰۰ صندوق و قریب ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی را به صورت غیرقانونی باطل اعلام کردند؟ ایشان باید در دادگاه جواب دهند که طبق کدام مواد قانونی ۳۱۸ صندوق را به علت «ایرادات ماهوی» یعنی اختلاف شمارش آرا باطل اعلام کردند؟ شورای نگهبان طبق ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس، حتی در صورت صحت ادعای ایشان و وجود اختلاف آرا در ۳۱۸ صندوق مذکور، می بایست نتایج بازشماری صندوقها را ملاک قرار می داد و متخلفان احتمالی، مورد پیگرد دستگاه قضایی قرار می گرفتند، نه این که برخلاف قانون آرای مردم را باطل اعلام کنند. همچنین قریب ۱۹۰ صندوق به علت «ایرادات شکلی»، حسب صورت جلسات موجود که به تأیید و امضای نمایندگان شورای نگهبان و هیأت های نظارت رسیده است، هنگام بازشماری به صورت «سالم» تحویل نمایندگان شورای نگهبان شدند، بنابراین ابطال آنها نیز به علت ایرادات

شکلی، فاقد وجاهت قانونی است و ایشان در این زمینه نیز باید در دادگاه پاسخگو باشند. آیا رسیدگی به این اتهام به محکومیت یا تبرئه اینجانب وابسته است؟...



۸. با بررسیهای جامع ۵ بازرس قضایی سازمان بازرسی در طول ۵ ماه، و نیز بر مبنای تحقیقات دادگاه محترم معلوم شد که حداکثر در ۱۵ صندوق از ۳۰۷۷ صندوق اخذ رأی در تهران بزرگ، اختلاف رأی هر نامزد به طور متوسط در هر صندوق، یک و نیم درصد بوده است. بنابراین ادعاهایی از قبیل «تخلفات کلان و بی سابقه» و «اختلاف فاحش آرای اعلام شده با نتایج بازشماری که در هیچ دوره سابقه نداشت و کل آرا را مخدوش می‌کند و...» صحت ندارد. آیا آیت‌الله جنتی نباید در دادگاه توضیح دهند که چرا اطلاعیه‌های حاوی مطالب و آمار کذب منتشر کردند؟

۹. قاضی محترم در توجیه تصمیم خود در زمینه برائت ناظران محترم شورای نگهبان در ۱۵ صندوق مذکور اعلام کرد که «گزارشهای متعدد ناظرین به هیأت نظارت ارائه رونوشت آنها در دو زونکن به دادگاه ارائه شده و نشان‌دهنده آن است که ناظرین به مسئولیت قانونی خود عمل نموده‌اند». اگر ادعای قاضی دقیقی صحیح باشد و ناظران، گزارش مربوط به سوء عملکرد اعضای ۱۵ صندوق مزبور را به هیأت‌های نظارت ارائه کرده‌اند، در آن صورت آیت‌الله جنتی به عنوان دبیر شورای نگهبان و عضو فعال هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات باید توضیح دهند که چرا ناظران محترم را توجیه نکردند که آنان موظفند در اجرای ماده ۸ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، سوء جریانات یا تخلفات مربوط به ۱۵ صندوق مذکور را در زمان مقرر به مسؤولان اجرایی تذکر دهند؟ مهمتر آن که چرا به رغم سوء جریانات یا تخلفات ادعایی در ۱۵ صندوق مذکور، ناظران شورای نگهبان با امضای صورت‌جلسات قرائت و شمارش آرا، صحت انتخابات را در صندوقهای مذکور تأیید کردند؟!...



۱۱. عدم برگزاری دادگاه آیت‌الله جنتی، این تصور را در اذهان متبادر می‌سازد که ایشان از مصونیت آئین برخوردارند. نکته آن که آیت‌الله جنتی که نظارت استصوابی و همه‌جانبه‌ای را برای خود در انتخابات قائل هستند، آیا حاضر نیستند داوری

دستگاه قضایی را بر خود بپذیرند؟ آیا قوه محترم قضائیه در شرایطی که این همه بر اقتدار و استقلال دستگاه قضایی و قضات محترم تأکید می شود نباید به گونه ای عمل کنند که شائبه برخورد های جناحی و سیاسی مسؤولان محترم آن پیش نیاید و زحمات و خدمات اکثر قضات خدوم و صادق کشور زیر سؤال نرود؟

با توجه به مراتب فوق ملاحظه می فرمایید که رسیدگی به شکایت وزارت کشور علیه آیت الله جنتی ضرورت تام دارد، و محکومیت یا برائت اینجانب به هیچ وجه نباید مانع تشکیل دادگاه ایشان شود. امید است قوه محترم قضائیه برای اثبات «تساوی عموم در مقابل قانون» به این شکایت رسیدگی و حکم عادلانه را در مورد ایشان صادر نماید. بخصوص که آیت الله جنتی همواره بر ضرورت برخورد قاطع دستگاه قضایی کشور با «متخلفان دانه درشت» تأکید داشته اند و چنین اقدامی را موجب اصلاح امور کشور خوانده اند. وقتی دادگاه محترم بعضی اعضای اجرایی ۱۵ صندوق (کمتر از نیم درصد ۳۰۷۷ صندوق اخذ رأی در تهران بزرگ) را با اختلاف آرای حدود ۱/۵ درصد به طور متوسط برای هر نامزد محکوم می کند، آیا قابل توجه است که عاملین و مسببین ابطال غیرقانونی حدود ۵۰۰ صندوق و قریب ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی تحت پیگرد قضایی قرار نگیرند؟

حضرت آیت الله شاهرودی!

جنابعالی در ملاقات های گوناگون به فیلم جلسات دادگاه اشاره و مخاطبین خود را ابتدا به دیدن آنها و سپس داوری در خصوص عملکرد قاضی محترم و رأی نهایی ایشان فراخوانده اید. اینجانب ضمن تشکر از توجه جنابعالی به پرونده خود، پیشنهاد می کنم به منظور اثبات رفتار قانونی و بی طرفانه قاضی محترم و نیز توجه روند دادرسی و رأی صادره دستور فرمایید فیلم دادگاه برای پخش در اختیار شبکه ۵ (شبکه تهران) سیمای جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد تا دست کم شهروندان تهرانی از جریان دادرسی به طور کامل مطلع شوند.

قبلاً از دستور مساعد جنابعالی در رسیدگی به موارد فوق کمال تشکر را دارد.

سید مصطفی تاج زاده

معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات کشور

۱۳۸۰/۱/۱۵

پاسخ آیت‌الله شاهرودی

دقیقاً یک ماه بعد از ارسال نامه بالا به رئیس قوه قضائیه و در حالی که سه روز از تنفیذ حکم انفصال از خدمات دولتی سیدمصطفی تاج‌زاده می‌گذشت، یعنی روز پانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰، پاسخی از سوی آیت‌الله شاهرودی خطاب به معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات ارسال گردید. متن نامه آیت‌الله شاهرودی چنین است:

جناب آقای سیدمصطفی تاج‌زاده

معاون محترم سیاسی و رئیس ستاد انتخابات کشور

بازگشت به شماره ۴/۲۶۳۰-۸۰۱/۲۰ در مورد اعتراض به عدم فراخوانی مطلعین مورد درخواست جنابعالی، در جریان دادگاه و مطالب چرایی و استفهامی مطرح در نامه ارسالی، همان‌طور که اطلاع دارید، تشخیص کفایت تحقیقات و اقدامات و رسیدگیها، با «قاضی» است.

احضار فردی به علت خاص، مانع از اعلام سایر اتهامات مضمون، یا مطرح شده در پرونده‌هایی که در جریان دادرسی ضمیمه و توأم رسیدگی می‌گردد، نخواهد بود و لازم هم نیست که موارد اتهامی، یکجا، در احضاریه، ذکر شود. همچنان‌که انعکاس مطالبی که به نظر متهم یا وکیل او، برای کشف واقع و احراز حقیقت و دفاع، مفید بوده است، به معنی الزام دادرس به پذیرش آنها نخواهد بود. چنان‌که مواد ۱۴۸ و ۱۷۱ آیین دادرسی دادگاهها در امور کیفری، تشخیص احضار اشخاص مورد تقاضای متهم برای روشن شدن اتهام و احراز شرایط و تأثیر درجه ارزش شهادت را به نظر «قاضی» نهاده‌اند.

عدم تعرفه یا محاکمه نشدن مباشر یا تبرئه او نیز، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت. پس از صدور رأی و فراغ دادرس، به جای طرح پرسشها و پرداختن به مقاصد بلا تأثیر، با استفاده از فرجه قانونی می‌توان اعتراض حقوقی بر حکم را در مرحله تجدید نظر، تعقیب و موجبات برائت یا تخفیف کیفر را تدارک دید.

پخش فیلم، قبل از قطعی شدن حکم مجاز نخواهد بود.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

۱۳۸۰/۱۲/۱۵

نامه به رئیس سازمان بازرسی کل کشور

نامه زیر روز پانزدهم فروردین ۱۳۸۰ از سوی سیدمصطفی تاجزاده خطاب به حجت‌الاسلام رئیسی رئیس سازمان بازرسی کل کشور ارسال شد. بخشهایی از این نامه به شرح زیر است:

[... گزارش بازرسان، هم‌زمان با رسیدگی به اعتبارنامه آقای حداد عادل در مجلس شورای اسلامی برای مسؤلان ارسال شد. ضمن آن‌که در اقدامی مغایر قانون، خلاصه گزارش مذکور، همچون گزارش آن سازمان در خصوص حوادث خرم‌آباد، از صدا و سیما پخش شد. فعلاً به این مسأله نمی‌پردازم که چرا از میان هزاران گزارش سازمان بازرسی، تنها دو گزارش که علیه اینجانب بود، می‌بایست برای اطلاع عموم منتشر شود و در صدا و سیما با آب و تاب فراوان منعکس گردد؛ که البته در این خصوص شکایتی تسلیم دادگستری استان تهران کرده‌ام، هرچند از نتیجه رسیدگی احتمالی به آن بی‌اطلاع هستم. همچنین اکنون قصد نقد دو گزارش مذکور و اثبات یک‌سویه و غیرحقوقی بودن آنها را ندارم که این کار را قبلاً انجام داده‌ام...

۱...۱

۲. جنابعالی و معاون محترم سیاسی سازمان بازرسی در جلسات بررسی گزارش مذکور در دفتر معاون محترم حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، همچنین معاونین محترم شما در جلسه غیررسمی غیرعلنی مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی چند بار تصریح کردند منظور از ذکر مواردی به عنوان «سوء

جریان» در گزارشهای آن سازمان به هیچ وجه تعقیب کیفری آنها نیست، بلکه آن موارد برای اصلاح و رفع نارساییها به بالاترین مقام مسؤول هر دستگاه گزارش می شود. علاوه بر این معاونین محترم شما در مجلس اعلام کردند اگر دادگاه رسیدگی کننده به تخلفات انتخاباتی تهران در این زمینه (تعقیب کیفری سوء جریانات) اشتباه کند، به سازمان بازرسی کل کشور ارتباط ندارد. آنان همچنین در مقام پاسخگویی به اعتراض اینجانب که چرا سازمان بازرسی در خصوص کاستیهای مشابه از تعبیر متفاوت استفاده کرده است، به این معنا که نواقصی را که متوجه مجریان انتخابات کرده، «نارساییها و سوء جریانات» خوانده است، اما همین کاستیها را آنگاه که متوجه هیأت های نظارت و شورای نگهبان نموده، «نارساییها و ایرادات» نامیده است، اعلام کردند که از نظر آنها این مفاهیم و تعبیر با هم تفاوت ندارند، و تصریح کردند که در بیش از ۱۰۰۰ گزارشی که تاکنون توسط سازمان بازرسی کل کشور تهیه گردیده، به همین روال عمل شده است و حتی یک مورد هم وجود ندارد که دستگاه قضایی «سوء جریانات» مندرج در گزارشهای سازمان بازرسی را مورد تعقیب قضایی قرار داده باشد.

۳. جناب عالی پس از درخواست هیأت سه نفره منتخب رئیس جمهور محترم برای بررسی گزارش سازمان بازرسی درباره رفع ابهام از بخشهایی از گزارش مذکور، در نامه شماره ۵۰۴۴/۲۷۹/د مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ به معاون محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور تصریح کردید که: «استنتاجات و پیشنهادهای هیأت بازرسی را می توان به دو بخش عمده تقسیم نمود.

اول. مواردی به عنوان سوء جریان، نارسایی و ایرادات که رفع آنها و انجام اقدامات مقتضی چه در بخش اجرا و چه در بخش نظارت مورد پیشنهاد بوده است.

دوم. راجع به جرائم و تخلفات در مواردی که دلیل کافی بر وقوع جرم وجود نداشته، در گزارش، به نحو صریح اظهار نظر شده و راجع به صندوقهای دارای اشکال ماهوی که اختلاف آرا به صورت فاحش بیش از ۵۰ درصد می باشد (۵۳ صندوق) هیأت، موضوع را قابل طرح در مراجع قضایی دانسته تا مرجع قضایی بعد از تحقیقات و بررسی لازم تصمیمات مقتضی اتخاذ نماید». بنابراین تنها موردی را که قابل طرح

در مراجع قضایی دانستید، سوء عملکرد اعضای ۵۳ صندوق اعم از عوامل اجرایی و ناظرین شورای نگهبان بود.

با وجود این، قاضی دقیقی اولین و مهم‌ترین اتهام اینجانب را... بر پایه «سوء جریانات و نارساییهای» مورد نظر سازمان بازرسی به اینجانب تفهیم کرد و همچنان‌که توضیح دادم، «سوء جریانات» به اعتراف صریح و مکتوب جنابعالی در نامه سابق‌الذکر، قابل پیگرد کیفری نیستند. با وجود این، هیچ‌گاه حاضر نشدید این موضوع را رسماً به دادگاه محترم منعکس فرمایید. عجیب آن‌که قاضی دقیقی طی نامه شماره ۱۹۹/۱۴۰۳/۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۷ در زمینه انتساب جرم به اینجانب طبق گزارش سازمان بازرسی، از «ریاست محترم سازمان بازرسی کل کشور» خواست که «نظر صریح اعلام فرمایند». روابط عمومی سازمان بازرسی با ارسال نامه‌ای مبهم و حتی شبهه‌آفرین، دادگاه را به مسیر دیگری رهنمون ساخت.

۴. با ارجاع گزارش سازمان بازرسی به شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران، قاضی دقیقی، قابلیت تعقیب کیفری سوء جریان مربوط به تحویل صندوقها را محل تردید و ابهام دانست. به همین دلیل موضوع را پیش از تشکیل دادگاه، از سازمان بازرسی استعلام کرد. جنابعالی با وجود صراحت گزارش و برخلاف آنچه بعداً در نامه خود اعلام کردید و حتی برخلاف عرف سازمان بازرسی، با ارسال نامه‌ای «محرمانه؟»، پیگرد قضایی وزیر محترم کشور، اینجانب و فرماندار محترم تهران را به همان دلیل، یعنی «سوء جریان مربوط به تحویل صندوقها» تقاضا کردید و آن را «تخلفات اعلام شده» خواندید. قاضی محترم نیز بر اساس نامه جنابعالی اینجانب را متهم و سپس محکوم کرد. آیا به یاد دارید که معاون محترم سیاسی سازمان بازرسی در حضور هیأت سه نفره رئیس جمهور محترم گفت: «هرکسی با الفبای علم حقوق آشنا باشد، می‌داند که سوء جریان قابلیت پیگرد قضایی ندارد؟» جنابعالی یقیناً با الفبای علم حقوق آشناید، اما چرا از بیان حقایق پرهیز کردید؟

۵. اینجانب با ارسال نامه به قاضی دقیقی، چند پرسش را درباره گزارش سازمان بازرسی مطرح کردم و از وی خواستم سؤالات مذکور را که می‌توانست رافع ابهامات قاضی محترم نیز باشد، از شما استعلام نماید. بعد از استنکاف وی، با ارسال

نامه‌ای به جنابعالی اعلام کردم که یکی از اتهامات اصلی من ممانعت از انجام وظیفه سازمان بازرسی در جریان رسیدگی به صندوقهای ابطالی است، که در گزارش آن سازمان به عنوان «سوء جریان مربوط به تحویل صندوقها» ذکر شده است. بنابراین از جنابعالی سؤال کردم که چرا متعاقب استعلام قاضی محترم در این زمینه، رسماً پیگیری قضایی این مسأله را تقاضا کردید؟ متأسفانه تا امروز به سؤالات من پاسخ نداده‌اید، حال آن‌که جواب شما در رأی دادگاه بدوی مؤثر بود. اکنون با ابراز تأسف مجدداً از عملکرد غیرمسئولانه شما و قاضی محترم، از آنجا که پاسخ صریح جنابعالی در رأی دادگاه تجدید نظر مؤثر است، بنابراین موظفید هر چه سریعتر جواب روشن سازمان بازرسی را به سؤالات مذکور به دادگاه تجدید نظر اعلام کنید، در غیر این صورت مجبور هستم بار دیگر علیه شما در دادگستری تهران و نیز کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی طرح شکایت کنم. بدیهی است تسلیم شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به آن دلیل است که، مانند سایر موارد، به رسیدگی به شکایت خود در دادگستری محترم تهران امیدوار نیستم.

۶. پرسش اصلی این بود که اگر سوء جریانات قابل پیگرد قضایی نمی‌باشند، توضیح دهید که چرا با ارسال نامه‌ای محرمانه، از قاضی محترم خواستار پیگرد کیفری موضوع شدید؟ و اگر موارد مذکور قابل تعقیب قانونی بوده‌اند، چرا هم در جلسه غیرعلنی و غیررسمی مجلس و هم در دفتر معاون حقوقی رئیس جمهور به طور شفاهی و هم به صورت مکتوب مراتب عدم قابلیت پیگرد کیفری «سوء جریانات، نارساییها و ایرادات» مذکور را در گزارشهای سازمان بازرسی اعلام کردید؟

آیا در پنج ماه گذشته عرف سازمان بازرسی تغییر کرده است که علاوه بر انتشار علنی گزارشهای آن سازمان علیه اینجانب، «سوء جریان» نیز جرم تلقی شده و قابلیت تعقیب قضایی پیدا کرده است؟ ضمناً چرا رونوشت نامه محرمانه خود را در زمینه تعقیب کیفری وزیر محترم کشور، اینجانب و فرماندار محترم تهران برای استحضار رئیس جمهور محترم ارسال نکردید؟ آیا می‌توانید توضیح دهید که چرا با این‌که اصل گزارش سازمان بازرسی غیرمحرمانه است، نامه خود را محرمانه ارسال

کرده‌اید؟ ضمناً چرا وزارت کشور را در جریان تقاضای خود از قاضی محترم قرار ندادید؟ آیا شکایت‌نامه‌ای محرمانه سراغ دارید؟ ضمناً به یاد جنابعالی می‌آورم که هیأت سه نفره رئیس جمهور محترم بنا به مراتب فوق، نامه محرمانه جنابعالی و نیز درخواستان را برای پیگرد کیفری مسئولان وزارت کشور براساس گزارش سازمان بازرسی «غیرمنطقی» خواند و آن را رسماً به رئیس جمهور محترم اعلام کرد.

۷. جنابعالی چند بار اعلام کرده‌اید که در هر مرجعی پاسخگوی گزارش خود هستید. اکنون بفرمایید که چرا به نامه اینجانب پاسخ نمی‌دهید؟ آیا استنکاف جنابعالی از دادن جواب، همچون عدم حضور در کمیسیون تحقیق مجلس برای رسیدگی به اعتبارنامه آقای دکتر حداد عادل، و نیز عدم شرکت در جلسه غیررسمی غیرعلنی ۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۹ مجلس و نیز عدم حضور در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس برای رسیدگی به شکایت وزارت کشور علیه شما، و نیز عدم حضور در دادگاه بدوی به آن دلیل نبود که می‌دانستید در مواجهه با اینجانب تناقض‌گویی‌هایتان آشکار خواهد شد؟ در غیر این صورت بفرمایید در کدام مرجع حاضرید استدلال‌های اینجانب را بشنوید و به آن پاسخ دهید؟ جواب به همین نامه، میزان بی‌طرفی، قوت براهین و همکاری جنابعالی را با وزارت کشور مشخص خواهد کرد.

۸. پس از استناد اینجانب به اظهارات جنابعالی نزد رئیس محترم قوه قضائیه و نیز در گفت‌وگو با وزیرای محترم اطلاعات و بازرگانی، مبنی بر عدم توجه هیچ جرم یا اتهامی به اینجانب بر مبنای بررسی‌های پنج‌ماهه ۵ بازرس قضایی، قاضی محترم نظر صریح شما را در این زمینه جویا شد. روابط عمومی محترم آن سازمان با ارسال نامه‌ای اعلام کرد: «در حین انجام بازرسی توسط بازرسان محترم این سازمان برخی از مدیران محترم با طرح سؤالاتی در مورد نتایج بازرسی و انتساب جرم به آقای تاج‌زاده در انتخابات به هنگام مواجه شدن با مسئولین سازمان بازرسی جویای کم و کیف موضوع بودند که ریاست محترم سازمان در مواردی اعلام داشته‌اند تاکنون مدرکی حاکی از انتساب تقلب و جرم به آقای تاج‌زاده توسط بازرسان ارائه نگردید. با توجه به این که مطلب مورد استناد ایشان مربوط به حین انجام بازرسی می‌باشد، لذا استفاده

از مضمون این مطلب در زمانی که کار بازرسی به اتمام رسیده و گزارش مکتوب و رسمی و قابل استناد سازمان در اختیار رؤسای محترم قوای سه گانه و وزارت محترم کشور و کلیه دست‌اندرکاران از جمله جناب آقای تاج‌زاده قرار دارد، چه مطلبی را اثبات می‌نماید؟»

پاسخ مذکور خوشبختانه اثبات می‌کند که جنابعالی چنین مطلبی را نزد مسؤولان مذکور اعتراف کرده‌اید، اما نامه به گونه‌ای تهیه شده است که گویا هرچند پنج بازرسی قضایی در حین بازرسی «مدرکی حاکی از انتساب ثقلب جرم به اینجانب» پیدا نکرده بودند، اما لزوماً با اتمام بازرسی وضع چنین نبوده و حتی غیرمستقیم القا شده است که «گزارش مکتوب و رسمی و قابل استناد سازمان» احتمالاً واجد انتساب جرایمی به اینجانب می‌باشد. پس لابد اعتراف جنابعالی بر اساس گزارش نهایی سازمان بازرسی نبوده است و بنابراین برائت اینجانب را ثابت نمی‌کند. حال آن‌که گزارش نهایی آن سازمان بدون توجه هیچ جرم به اینجانب، تنها موضوع قابل طرح را در دادگستری محترم تهران، رسیدگی به سوء عملکرد اعضای ۵۳ صندوق اعم از عوامل اجرایی و ناظران شورای نگهبان اعلام کرده بود. برای روشن تر شدن موضوع سؤال می‌کنم اگر اعتراف جنابعالی درباره برائت اینجانب مربوط به «حین انجام بازرسی» بود، آیا پس از خاتمه بررسیها و تحقیقات پنج ماهه بازرسان قضایی، آنان «مدرکی حاکی از انتساب ثقلب و جرم» به اینجانب، به جنابعالی ارائه کردند؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا این اسناد در گزارش آنان منعکس نشده است و چرا مسؤولان محترم سازمان بازرسی ۴ ماه پس از انتشار گزارش مذکور در جلسه غیرعلنی غیررسمی مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۲ تصریح کردند که در گزارش سازمان بازرسی هیچ جرم یا اتهامی متوجه رئیس ستاد انتخابات کشور نیست؟ آیا اعتراف مذکور نیز حین انجام بازرسی صورت گرفت؟ چرا جنابعالی و معاون محترم سیاسی سازمان در جلسات بررسی گزارش مذکور در دفتر معاون محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، ۵ ماه پس از تهیه گزارش، بر عدم توجه هیچ جرمی به اینجانب در جریان برگزاری انتخابات تهران تأکید کردید؟ از همه مهمتر آن‌که چرا در نامه خود به معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور متعرض توجه جرم یا

اتهام به اینجانب در گزارش سازمان بازرسی نشدید و صرفاً موضوع سوء عملکرد ۵۳ صندوق را قابل طرح در مراجع قضایی خواندید؟ با توجه به مراتب فوق، آیا می‌توانید توضیح دهید که ارسال دو نامه به قاضی محترم که یکی محرمانه و از دید دولت پنهان بود و دومی شبهه‌آفرین که به صورت غیرمستقیم ادعای اینجانب را مبنی بر عدم توجه هیچ جرمی یا اتهامی در گزارش سازمان بازرسی به رئیس ستاد انتخابات کشور زیر سؤال می‌برد، به چه معناست؟ آیا صدور چنین نامه‌هایی نشانه بی‌طرفی جنابعالی و همکاری شما با قوه مجریه است؟!

۹. اجازه دهید موضوع را از زاویه دیگری بررسی کنم. روابط عمومی سازمان بازرسی به نقل از جنابعالی اعلام کرده است که مطلب مورد استناد اینجانب مربوط به «حین انجام بازرسی می‌باشد. لذا استفاده از مضمون این مطلب در زمانی که کار بازرسی به اتمام رسیده و گزارش مکتوب و رسمی و قابل استناد سازمان در اختیار... قرار دارد چه مطلبی را اثبات می‌کند؟» آیا جنابعالی واقعاً نمی‌دانید که نتایج تحقیقات «جامع» و «همه‌جانبه» ۵ بازرس قضایی آن سازمان در مدت ۵ ماه، هیچ تقلب یا جرمی را به اینجانب منتسب نکرد؟ در غیر این صورت آیا می‌توانید مشخص فرمایید طبق گزارش سازمان بازرسی اینجانب مرتکب چه جرم یا تخلفی در جریان برگزاری انتخابات شده‌ام که قابل طرح در مراجع قضایی و تعقیب کیفری باشد؟

عجیب‌تر آن‌که با این عبارت که «استفاده از مضمون این مطلب در زمانی که کار بازرسی به اتمام رسیده و... چه مطلبی را اثبات می‌نماید؟» به اقدام اینجانب در استناد به اعتراف جنابعالی خرده گرفته‌اید. آیا به نظر شما اینجانب نمی‌بایست در ردّ دو اتهام اولیه خویش که به عنوان «اعلام جرم سازمان بازرسی» صورت گرفت، به اعترافات شفاهی و مکتوب جنابعالی و سایر مسؤولان محترم سازمان بازرسی استناد می‌کردم؟ آن‌هم در دادگاهی که از حداقل حقوق یک متهم برخوردار نبودم و نماینده محترم مدعی‌العموم اثبات «مخدوش بودن انتخابات تهران» را هدف قرار داده بود؟

۱۰. در نامه مذکور اعلام کرده‌اید «به فرض اعلام عدم مجرمیت از سوی سازمان بازرسی یا مسؤولین آن، آنچه در این مرحله تعیین‌کننده می‌باشد، نظر قاضی دادگاه است که بر اساس ادله اعلام رأی می‌نماید».

اولاً: اگر فرض «اعلام عدم مجرمیت از سوی سازمان بازرسی» صحیح باشد، که هست، در آن صورت اقدام قاضی دقیقی در زمینه احضار و تفهیم دو اتهام به ویژه اتهام «معاونت در مخدوش نمودن آرای مردم» به اینجانب براساس «اعلام جرم سازمان بازرسی» نه تنها فاقد توجیه است، بلکه قابل بررسی و پیگیری است.

ثانیاً: علت این که دادگاه رسیدگی به تخلفات احتمالی در انتخابات تهران ۸ ماه پس از تأیید انتخابات تهران برگزار شد، این بود که همگان منتظر بودند بررسیها و تحقیقات ۵ بازرس قضایی به انجام برسد و گزارش سازمان بازرسی ارائه شود، تا براساس آن دادگستری محترم تهران اقدام کند. اکنون شما به جای دفاع از گزارش سازمان تابع خود اعلام می کنید آنچه تعیین کننده می باشد، نظر قاضی محترم است؟! آیا واقعاً نمی دانید که قاضی محترم اسناد و ادله ای جز آنچه ۵ بازرس قضایی سازمان بازرسی جمع آوری کرده اند، در اختیار ندارد؟

ثالثاً: آیا از جنابعالی سؤال شده بود که چه چیز در این مرحله تعیین کننده است، گزارش سازمان بازرسی یا رای قاضی محترم؟ آیا بهتر نبود که شما به پرسشهای مربوط به گزارش سازمان بازرسی پاسخ می گفتید و اجازه می دادید قاضی محترم رای خود را بر مبنای اطلاعات کامل و روشن صادر کند، نه این که با سکوت یا جوابهای دوپهل و مبهم، وی را به خطا بیندازید؟

رابعاً: با توجه به مراتب فوق، آیا سؤالهای من تعجب آور است یا جوابهای شما؟ به راستی پاسخهای متناقض یا تردیدافکن برای پرهیز از بیان حقیقت چه مطلبی را ثابت می کند؟ آیا نباید جنابعالی به دلیل کتمان حقیقت و تناقض گویی مورد بازخواست قرار گیرید؟

جناب آقای رئیسی!

از دیدگاه منفی جنابعالی و دوستانان در مورد خود آگاهم. شما دست کم دوبار به من گفته اید که اینجانب نباید معاون سیاسی وزارت کشور باشم. اینجانب متقابلاً به شما اعلام کرده ام که از نظر من نیز جنابعالی نباید رئیس سازمان مهم بازرسی کل کشور باشید. در عین حال هر اقدامی باید از مجاری قانونی خویش صورت پذیرد و

من با نظر شما عهده‌دار مسؤولیت مذکور نشده‌ام که طبق آن کنار روم. علاوه بر آن یکی دو بار توجه شما را به این نکته جلب کرده‌ام که جنابعالی به عنوان رئیس سازمان بازرسی کل کشور، واجد شأن قضایی هستید و باید متصف به صفاتی چون «عادل بودن»، «حفظ بی طرفی»، «الزام کامل به قانون و قواعد حقوقی» و «عدم داوری بر مبنای عقاید و نظرات شخصی یا ملاحظات سیاسی و جناحی و بانندی» باشید. بنابراین نباید نظریه شخصی جنابعالی در مورد ضرورت کناره‌گیری یا عزل اینجانب از معاونت سیاسی وزارت کشور، در تهیه گزارشها و اعلام نظریه‌های حقوقی سازمان بازرسی تأثیرگذار باشد، چه رسد به آن‌که به جای دفاع از حقیقت و رفع ابهام از گزارشهای سازمان بازرسی به کتمان حقیقت و حتی تناقض‌گویی پردازید. طبق عقل و عرف و قانون، هیچ‌کس حق ندارد دستگاه قضایی کشور را به منظور حذف رقیب سیاسی خویش مورد بهره‌برداری قرار دهد. به عکس قوه قضائیه و نهادهای تابعه آن به تصریح قانون اساسی باید مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی شهروندان، حتی در زمان رسیدگی به اتهامات آنان باشند. متأسفم که رئیس محترم سازمان بازرسی دست کم در دو مورد از این هدف دور شده است.

۱۱. در گزارش سازمان بازرسی اعلام شده که «ستاد انتخابات کشور در جریان برگزاری انتخابات حوزه انتخابیه تهران دخالت مستقیم داشته است»، و در مقام اثبات این حکم متذکر مواردی شده است که به «جریان برگزاری انتخابات» به هیچ وجه ارتباط نداشت، بلکه مربوط به مرحله بررسی صندوقهای ابطالی توسط هیأت اعزامی سازمان بازرسی چند ماه پس از برگزاری انتخابات بود. هرچند صدور چنین حکمی برای ۵ بازرس قضایی تأسفانگیز است و تاکنون هم تبیین نکرده‌اند که چگونه از مواردی که به اعتراف گزارش مربوط به «طول فعالیت هیأت بازرسی» بود، حکم «دخالت مستقیم ستاد انتخابات کشور در جریان برگزاری انتخابات» را استنتاج نموده‌اند، اما همین موضوع، اثبات‌کننده غیرحقوقی بودن بخشهایی از گزارش مذکور و سوگیری خاص آن علیه اینجانب است. علاوه بر این جنابعالی در جلسه بررسی گزارش در دفتر معاون محترم حقوقی و امور مجلس رئیس‌جمهور اعلام کردید که منظورتان از عبارت «دخالت مستقیم ستاد انتخابات کشور در جریان

برگزاری انتخابات» انتساب جرم به اینجانب نبوده است. از آنجا که قاضی محترم در تفهیم یکی دیگر از اتهامات من و احراز جرم مزبور، مشخصاً به این عبارت استناد کرده است، چرا این موضوع را که «منظور از عبارت مذکور ارتکاب جرم توسط اینجانب نیست»، به صورت رسمی به دادگاه اعلام نمی‌کنید؟ آیا نگران تبرئه اینجانب می‌باشید؟

۱۲. تنها موضوع قابل طرح در مراجع قضایی، طبق «تحقیقات انجام شده» به شرح ذیل است که «قرائن موجود دلالت بر سوء عملکرد اعضای این صندوقها اعم از رئیس شعبه، منشیها، نماینده فرماندار، بازرس یا بازرسان وزارت کشور و نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت دارد». با وجود این قاضی محترم نه تنها همه اعضای ۵۳ صندوق مذکور و از جمله ناظران این صندوقها را احضار نکرد، بلکه صرفاً ۴۲ نفر از اعضای اجرایی ۱۵ صندوق را احضار و سپس بدون هرگونه تحقیق جانبی، همه آنان را محکوم کرد. علاوه بر این با نادرست قلمداد کردن گزارش سازمان بازرسی در خصوص «سوء عملکرد نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت» در صندوقهای مذکور و با این استدلال که «اولاً، ناظرین حق ابطال یا متوقف ساختن انتخابات را ندارند و فقط چنانچه تخلفاتی را مشاهده نمایند، می‌بایست تذکر داده و از طریق سلسله مراتب اداری گزارش خود را تهیه و ارسال نمایند. ثانیاً، مسئولیت اجرایی قانون انتخابات و حسن جریان آن و صحت انتخابات مطابق مواد ۲۵ و ۴۲ قانون انتخابات با وزارت کشور و هیأت اجرایی که در رأس آن فرماندار است. ثالثاً، گزارشات متعدد ناظرین به هیأت نظارت ارائه و رونوشت آنها در دو زونکن به دادگاه ارائه شده و نشان‌دهنده آن است که ناظرین به مسئولیت قانونی خود عمل نموده‌اند»، حکم به برائت ناظران شورای نگهبان در صندوقهای مذکور داد.

روشن است که استدلال قاضی محترم مغایر ماده ۸ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس است، که صراحت دارد: «در تمام مدتی که انتخابات برگزار می‌شود، هیأت مرکزی نظارت در تمام کشور و هیأت پنج نفره استانها و هیأت‌های سه نفره حوزه‌های انتخابیه بر کیفیت انتخابات نظارت کامل دارند و در هر مورد که سوء جریان یا تخلف مشاهده کنند، به فرمانداران و بخشداران اعلام و آنان موظفند بنا

به نظر هیأت‌های مذکور طبق قانون انتخابات در رفع نواقص اقدام کنند.

هیأت‌های مرکزی در صورتی که مقامات وزارت کشور نظرات آنان را ملحوظ ندارند، مراتب را به شورای نگهبان گزارش خواهند کرد. علاوه بر این ایشان به این نکته توجه نکرد که ۵ بازرس قضایی با علم به قانون انتخابات و قانون نظارت شورای نگهبان و پس از تحقیقات همه‌جانبه و از جمله ملاحظه گزارشهای ناظران، خواهان پیگیری قضایی «سوء عملکرد نمایندگان هیأت نظارت» ۵۳ صندوق شدند. جنابعالی که اعلام کرده‌اید: «سازمان آماده است در هر مرجعی از گزارش خود دفاع کند»، آیا حاضرید در این خصوص اظهار نظر نمایید؟ اگر استدلال قاضی محترم در برائت همه ناظران، بدون احضار هیچ‌یک از آنان صحیح است، پس چگونه ۵ بازرس محترم قضایی با انجام تحقیقات «جامع» و «همه‌جانبه» و «با محوریت کشف وقوع جرم و شناسایی و معرفی متهمان» و با ملاحظه گزارشهای ناظران که به زعم قاضی محترم «در دو زونکن به دادگاه ارائه شده است»، سوء عملکرد آنان را احراز و خواستار تعقیب قضایی ناظران شورای نگهبان شدند؟

۱۳. تذکر این نکته ضروری است که قاضی محترم با آن‌که در گزارش سازمان بازرسی هیچ جرم یا تقلب به اینجانب متوجه نشده بود، رئیس ستاد انتخابات کشور را «پیرامون اعلام جرم سازمان بازرسی» احضار کرد و سپس متن اتهامات را به صورت مکتوب با عنوان «اعلام جرم سازمان بازرسی کل کشور به شرح زیر قرائت و تفهیم گردید»، برای پاسخگویی در اختیار اینجانب قرار داد و اعلام کرد: «فرمانداری تهران و ستاد انتخابات کشور در خصوص سوء جریان‌ات و نارساییهای راجع به برگزاری انتخابات مسؤول می‌باشند... لذا متهم هستید به معاونت در مخدوش نمودن رأی مردم در ۵۳۴ صندوق اخذ رأی حوزه انتخاباتی تهران» و نهایتاً نیز به استناد گزارش مذکور و ضmann آن، اینجانب را به تحمل زندان، انفصال از خدمات دولتی و... محکوم کرد! اما شما حاضر نشدید به دادگاه اعلام کنید که سوء جریان از نظر سازمان بازرسی قابل تعقیب کیفری نیست. در عین حال قاضی محترم با وجود تصریح گزارش سازمان بازرسی بر سوء عملکرد ناظران ۵۳ صندوق و درخواست تعقیب کیفری آنان، بدون هرگونه تحقیق یا حتی بدون احضار یک ناظر، حکم

برائت همه آنان را صادر کرد؟ آیا این همه دقت و بی طرفی و عدالت طلبی، هر انسان منصفی را متعجب نمی سازد؟!

۱۴. قاضی محترم به بهانه مواردی که در گزارش به عنوان «سوء جریانات و نارساییها و نواقص و ایرادات» به هر دو مرجع اجرایی و نظارتی منتسب شده بود و طبق نظر مسئولان محترم سازمان بازرسی قابل تعقیب کیفری نبودند، اینجانب را محکوم کرد. آیا حاضرید رسماً به دادگستری محترم تهران اعلام کنید که یا «سوء جریانات» را برای هیچ یک از دو مرجع اجرایی و نظارتی جرم محسوب نکند، یا مجریان و ناظران را توأمان تحت تعقیب قرار دهد؟

سیدمصطفی تاجزاده

معاون سیاسی و رئیس ستاد انتخابات کشور

۱۳۸۰/۱/۱۵

پی‌گفتار

۱

روز سوم اسفندماه ۷۹ معاونان سیاسی، امنیتی استانداریهای سراسر کشور، نامه‌ای در حمایت از سیدمصطفی تاج‌زاده خطاب به رئیس‌جمهوری نگاشته و ارسال کردند. اولین بخش این پی‌گفتار را با ذکر پی‌نوشت رئیس‌جمهور سیدمحمد خاتمی آغاز می‌کنیم:

«به نام خدا

جناب آقای موسوی لاری

جناب آقای تاج‌زاده از جمله عزیزانی است که با درایت و آگاهی و تلاش و فداکاری، همواره در خدمت انقلاب، اسلام و مردم بزرگوار ایران بوده است و خواهد بود و خود من نیز ایشان را در فراز و نشیبهای فراوان آزموده‌ام و امیدوارم نسبت به آنچه پیش آمده است، رفع سوء تفاهم شود. و همیشه و همه‌جا شاهد مراعات عدل و انصاف و حق و قانون باشیم».

سیدمحمد خاتمی

۲

پرونده‌های سیاسی، خاصه اگر «جاری» باشند، هرگز نمی‌توانند به طور کامل، در قالب یک کتاب، جمع‌آوری شوند. زیرا همین‌طور که کتاب، نوشته می‌شود، به مرور مصاحبه‌ها هم صورت می‌گیرد و به حجم آن افزوده می‌گردد. در حین حروفچینی

کتاب، دو نامه رسمی دیگر صادر می‌شود و ناگزیر به متن کتاب اضافه می‌شود. به هنگام نمونه‌خوانی و ویرایش، چند اظهار نظر جدید روی می‌دهد و... با این وصف، نگارش یک رویداد سیاسی می‌تواند تا هنگام واپسین رخدادها، به عقب افتد و هرگز تمام نشود. ابتدا در این کتاب تلاش شد تا صدور حکم دادگاه، پرونده بسته شود و کتاب در معرض خوانندگان قرار گیرد. اما بروز رخدادهای دیگر و فرارسیدن تعطیلات سال نو، این امکان ممتاز را به نویسنده داد تا از آخرین فرصت‌های ممکن بهره جوید و هر چه می‌تواند آن را بهنگام کند. از این رو در فصل ضmann، متن نامه‌هایی را می‌خوانید که غالباً هنوز در مطبوعات و رسانه‌های جمعی منتشر نشده‌اند.

۳

روز چهاردهم فروردین ۸۵، نماینده مدعی العموم در پرونده اتهامی سیدمصطفی تاج‌زاده، آقای عبدالله شریفی به هنگام بازگشت از سفر نوروزی‌اش به مشهد، در یک سانحه رانندگی درگذشت.

شریفی که به همراه همسر و سه فرزندش، سوار بر خودروی پژو‌اش به حوالی گنبد رسیده بود، در اثر سانحه‌ای به همراه همسر و دختر ۱۵ ساله‌اش به دیار باقی شتافت. او که معاون دادگستری تهران بود، در پرونده رئیس ستاد انتخابات کشور، به عنوان نماینده مدعی العموم حضور داشت و سخنانش، بخصوص در ششمین جلسه دادگاه، موجب مناقشاتی گردید.

شریفی همچنین قبلاً در محاکمه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین به شهرت رسیده بود.



— وقتی یک شاعر در می‌گذرد و می‌میرد، تصور می‌کنیم او اینک با کلمات و اشعاری که سروده، میهمان آسمانهاست.

— وقتی یک سینماگر می‌میرد، می‌اندیشیم که در تصویری رؤیایی به آسمان می‌رود.

— وقتی یک پزشک می‌میرد، خیال می‌کنیم که پس از سالها شفای بیماران، خود شفانیافته از معرکه‌ای، اینک مهمان مقبره‌ای است.

— وقتی یک قاضی می‌میرد اما، تصورمان گنگ و مبهم است. او اینک در آستانه محکمه‌ای است که هر انسانی در قیامت خواهد دید. می‌اندیشم یک قاضی که سالها درباره سائرین به قضاوت نشسته، چگونه ایستادنی در محکمه الهی خواهد داشت؟ این را هرگز نمی‌دانیم....



برای غفران الهی همه درگذشتگان و اینجا، بخشایش مرحوم عبدالله شریفی صمیمانه از درگاه خداوند بزرگ آرزوی مغفرت داریم.

۴

در دهه اول اردیبهشت ۸۰، در حالی که هنوز معلوم نیست فرجام پرونده سیدمصطفی تاج‌زاده به کجا می‌کشد؟ او هنوز در طبقه هفدهم وزارت کشور با پشتکاری مثال‌زدنی به کار مشغول است. با این حال بیانیه‌های دانشجویان، اقبال مردمی و نامه‌های اشخاص مختلف روزانه به دفتر او سرازیر می‌شود. از جمله آنها، بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان علوم پزشکی گناباد است که با آیات ۷۲ و ۷۳ سوره طه آغاز می‌شود: «به هر چه می‌خواهی حکم کن! که تو فقط در زندگی دنیا حکم توانی کرد. ما به پروردگار خویش ایمان آورده‌ایم...»

روز ۲۱ اسفندماه نامه کوتاهی از یک شهروند تهرانی به سیدمصطفی تاج‌زاده رسید. کتابی نیز به پیوست فرستاده بود و جمله‌ای از متن آن را در پایان نامه خود آورده بود.^۱ گرچه بسیار تلخ است، اما به هر حال نظر یک شهروند تهرانی درباره محاکمه‌ای است که موضوع آن «رأی مردم» بوده و او شاید به عنوان صاحب یکی از آن آرای که باطل شدند، خود را مجاز به چنین اظهار نظری دانسته باشد.

«... چنان حیرانم که چرا معدود ایرانیان صادق، خودکشی نمی‌کنند. یک تباری

۱. از کتاب خاطرات سرید ویلیام بولارد، سفیر کبیر انگلستان در ایران. ترجمه غلامحسین میرزاصالح. انتشارات طرح نو.

زیر جلی علیه هر مقامی که بخواهد صادق باشد وجود دارد و چون چنین شخصیتی، دیگران را رسوا می‌کند، در چنین مواردی سلاح رایج، یک اتهام دروغین است، که هر چه کثیف‌تر باشد، کارسازتر است. در نتیجه، فرد صادق، یا مثل دیگران فاسد می‌شود یا از خدمت دولت کناره‌گیری می‌کند.^۱...

۵

نیز، بیانیه مجمع دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه گیلان، با جمله‌ای از دکتر شریعتی آغاز شده بود: «اگر شمع آجینم کنند، حسرت یک آخ را بر دل آنها خواهم گذاشت».

یک شهروند تهرانی، خطاب به تاج‌زاده نوشته: «آفرین بر غیرت و شرف و مردانگی‌ات! ای سرباز پاک وطن... خداوند و ملت با تو اند! آسوده باش که حق پیروز است».

۶

و دیگر،... پایان

تاج‌زاده به قانون تمکین کرد... و رفت

در آخرین برگ ماجرای محاکمه سیدمصطفی تاج‌زاده، او در یک مصاحبه کوتاه اعلام کرد از تاریخ هجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰ به رأی دادگاه تجدید نظر تمکین نموده و با آنکه آن‌را عادلانه نمی‌داند، با احترام به قانون از سمتهای دولتی خود، یعنی ریاست ستاد انتخابات و معاونت سیاسی وزارت کشور کناره‌گیری خواهد کرد.

بدین ترتیب با کناره‌گیری سیدمصطفی تاج‌زاده از خدمات دولتی و تمکین محکومیت انفصال ۳۰ ماهه‌اش، روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۸۰ عملاً پرونده محاکمه جنجالی او بسته شد.

متن سخنان کوتاه تاج‌زاده که در شامگاه هجدهم اردیبهشت‌ماه ۸۰ بر روی تلکس خبری کشور قرار گرفت به شرح زیر است:

«رای دادگاه تجدید نظر، ابلاغ و آن را مطالعه کردم. نکته مثبت آن، اعلام برائت اعضای ۱۵ صندوقی بود که به دلیل اختلاف آرا در دادگاه بدوی محکوم شده بودند. دادگاه تجدید نظر بارد اتهامات اعضای این صندوقها و اعلام عدم احراز وقوع تقلب و تخدیش آرا در هیچ یک از صندوقهای رأی، عملاً صحت انتخابات تهران را تأیید و بر امانتداری مجریان و سلامت انتخابات صحه گذارد. از این منظر دادگاه تجدید نظر را باید سند افتخار مجریان انتخابات تلقی کرد.

اما نکته منفی رأی دادگاه تجدید نظر، فرارفتن از چارچوب دستور مقام رهبری و محکومیت بی دلیل اینجانب و فرماندار محترم تهران است. حسب دستور ایشان، می‌بایست عوامل تخلف در صندوقهای مخدوش شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار می‌گرفتند. بر این اساس وقتی دادگاه تجدید نظر هیچ تقلبی را در صندوقهای رأی احراز نکرد و رأی به برائت همه اعضای صندوقهای مذکور از اتهامات انتسابی داد، شایسته بود که دادگستری محترم تهران با اعلام مختومه شدن پرونده، همچنان که اینجانب به دادگاه بدوی پیشنهاد کرده بودم، به منظور شیرین ساختن کام مردم و رفع شبهاتی که طی یک سال گذشته مطرح شد و کام مردم را تلخ کرد، مراتب صحت انتخابات و عدم وقوع تقلب و به عبارت روشن، بی‌اساس بودن ادعای مخدوش بودن انتخابات تهران را اعلام می‌کرد و کذب ادعاهایی همچون "وجود تخلفات کلان و بی‌سابقه" در آن را به اطلاع عموم می‌رساند و به این وسیله با جلب اعتماد شهروندان، آنان را به مشارکت هر چه بیشتر در انتخابات آینده تشویق می‌کرد. اما متأسفانه دادگاه تجدید نظر به اعلام عدم احراز وقوع تقلب در انتخابات تهران اکتفا نکرد و به استناد لغو قرارداد فرمانداری تهران و شرکت مدبر سامانه که نه خلاف قانون بود و نه اصولاً به دستور اینجانب صورت گرفته بود و همین‌طور به بهانه عدم همکاری لازم با هیأت سازمان بازرسی کل کشور در بررسی صندوقهای ابطالی، پنج ماه پس از برگزاری انتخابات، اینجانب را به ۳۰ ماه انفصال از خدمات دولتی محکوم کرد. خوشبختانه هر دو جرم انتسابی به اینجانب، هیچ ارتباطی با برگزاری سالم انتخابات تهران ندارد.

با رأی دادگاه تجدید نظر، صدق ادعای اینجانب مبنی بر صحت انتخابات و بی‌اساس بودن دایعه مخدوش بودن انتخابات تهران به اثبات رسید، ضمن آنکه من

اقدامی جز دفاع از رأی ملت و حقوق قانونی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان انجام نداده بودم. اکنون هم گرچه محکومیت خویش را غیر منطقی و غیر عادلانه می دانم، اما به احترام قانون و در اثبات پایبندی خویش به قانونمداری، حکم دادگاه تجدید نظر را می پذیرم و انفصال خویش را از تاریخ ۸۰/۲/۱۶ از معاونت سیاسی و ریاست ستاد انتخابات کشور اعلام می دارم. چرا که بر این باورم که همچنان که آزادی به معنای آزادی مخالف است، قانونمداری هم در پذیرش قانونی که نمی پسندیم و حتی آن را غیر عادلانه می دانیم، معنا می یابد.

از فرصت استفاده کرده، از مردم شریف و آگاه به آن دلیل که بیش از این نتوانستم حافظ آرا و مدافع حقوقشان باشم، پوزش می طلبم و با سپاس از همه همکارانم در وزارت کشور، استانداریها، فرمانداریها و بخشداریهای سراسر کشور و با تقدیر از حمایتهای گسترده و همه جانبه وزیر محترم کشور، همه همکارانم را به التزام به قانون، رعایت بی طرفی در انتخابات و پایبندی به عهد خویش با ملت و دفاع از حقوق قانونی همه شهروندان توصیه می کنم و مطمئن هستم ملت شریف با حضور گسترده خود در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری، حماسه دیگری خلق خواهد کرد و بدخواهان کشور و نظام را مأیوس و اراده خویش را در تحقق راهی که برگزیده است و اعتلای ایران اسلامی به منصف ظهور خواهد رساند.

... آخرین برگ پرونده تکمیل شد

روز ۱۲ اردیبهشت ماه ۸۰، در حالی که در اولین روز ثبت نام از نامزدهای هشتمین دوره ریاست جمهوری، حدود ۶۷ نامزد به ستاد انتخابات کشور آمده و نام نویسی کرده بودند، حکم دادگاه تجدید نظر استان تهران درباره سید مصطفی تاجزاده صادر و او به ۳۰ ماه انفصال از خدمات دولتی محکوم شد.

همزمانی این اعلام انفصال در اولین روز نام نویسی از نامزدهای ریاست جمهوری، حاوی پیامی معنادار بود که از نگاه شخص تاجزاده نیز مکتوم و پنهان نماند.

شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران در رأی خود، از زندان، محرومیت و انفصال، سید مصطفی تاجزاده را به ۳۰ ماه انفصال از خدمات دولتی محکوم نمود و ۲۴ ماه انفصال نیز برای آیت الله آزر می فرماندار تهران در نظر گرفت. ضمن آن که

تمام اعضای صندوقهای رأی را که پیشتر غالباً به یک ماه انفصال و جرایم نقدی محکوم شده بودند، در دادگاه تجدید نظر استان تبرئه شدند.

ساعتی بعد، سیدمصطفی تاجزاده در واکنش به حکم دادگاه تجدید نظر استان تهران گفت: «من هنوز متن رأی دادگاه تجدید نظر را ندیده‌ام، چون یک ساعت پیش تحویل وکیل اینجانب شده است، اما از طریق تلکس خبری از محکومیت خود مطلع شدم. اولاً: از این که اعضای صندوقهای اخذ رأی حتی ظاهراً کسانی که تقاضای تجدید نظر نکرده بودند، تبرئه شدند خوشحالم. به ویژه آن که معلوم شد که هیچ تقلبی در انتخابات تهران صورت نگرفته است و این همان موضوعی بود که من بارها در دادگاه بدوی بر آن پافشاری کرده بودم. قابل توجه اینکه بسیاری از اعضای این صندوقها مشاغل دولتی نداشته‌اند و غالباً به یک ماه «انفصال از خدمات دولتی» محکوم شده بودند که همگی تبرئه شدند. در میان آنها یک مرد میوه‌فروش ۴۶ ساله نیز به چشم می‌خورد که به یک ماه انفصال محکوم شده بود!

ثانیاً: این که در روز اول ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری و یک ماه قبل از برگزاری انتخابات، حکم انفصال رئیس ستاد انتخابات کشور صادر می‌شود، نشان می‌دهد که ظاهراً تعجیل زیادی در صدور حکم وجود داشته است، به ویژه آن که شنیده‌ام که یکی از قضات محترم حاضر به امضای رأی نشده است.^۱

ثالثاً: بی‌صبرانه منتظر تشکیل دادگاه آقای جنتی هستم تا معلوم شود چه کسانی و به چه دلایلی به صورت غیرقانونی حدود ۷۰۰ هزار رأی شهروندان تهرانی را باطل کردند و چرا دادگاه بدوی اصرار بر مخدوش خواندن انتخابات مجلس ششم داشت. ضمناً به استحضار مردم شریف می‌رسانم که صلاحیت کلیه متخین مردم در ۱۰ حوزه‌ای که انتخابات آن در دوره ششم مجلس در سال گذشته ابطال شد، رد گردید. بنابراین ثابت شد که انتخابات آن حوزه‌ها هیچ اشکالی نداشته است، بلکه عده‌ای با گزینش مردم در شهرستانهای مذکور موافق نبوده‌اند. ای کاش برای نمونه یک نفر از این عزیزان را تأیید می‌کردند تا چنین آشکار با انتخاب مردم مخالفت نشده باشد.

رابعاً: من تأکید می‌کنم مهمترین مسأله کنونی کشور انتخابات هشتمین دوره

۱. تاجزاده توضیح داد: «از سه مستشار، آقایان سیدحسین بهرامی و اصغر احدی موحد حکم محکومیت تاجزاده را صادر کردند اما موسوی آهی از امضای حکم خودداری نمود».

ریاست جمهوری است. انتخابات زبان گویای ملت ماست و مردم در پای صندوقهای رأی حرف خود را با صراحت خواهند زد. من یقین دارم مردم ما در ۱۸ خردادماه امسال جهت و خواسته‌های خود را مجدداً نشان خواهند داد و هیچ موضوعی نباید و نمی‌تواند بر عزم ملت ایران تأثیر منفی بگذارد. مشارکت حماسی شهروندان در این روز بهترین پاسخ به هرگونه کژی و بی‌عدالتی است».

۷

و بالاخره در خاتمه این کتاب، که به یکی از مهمترین رویدادهای سالهای اخیر پرداخته است، نکته زیر را می‌افزایم:

محاكمة سیدمصطفی تاج‌زاده، یکی از سریعترین محاکمات سالهای اخیر به شمار می‌رود که به رغم بزرگی اتهامات و حجم سنگین پرونده او، در کوتاهترین زمان ممکن مورد رسیدگی قرار گرفت و از این منظر، انصافاً یک رکورد منحصر به فرد از خود به جای گذاشت.

رسیدگی به این پرونده، آنچنان سریع و با رعایت زمانبندی بی‌نظیری صورت گرفت، که نمونه چنین سرعتی را در کمتر پرونده دیگری می‌توان از دستگاه قضایی کشورمان به یاد آورد. زمانبندی کار، آنچنان بود که گویی حتی روی دقایق نیز حساب شده بود. آن‌گونه که محاکمه، صدور حکم اولیه و حتی کار تجدید نظر، آن‌طور صورت پذیرفت که درست در اولین روز ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری ۸۰، حکم انفصال سیدمصطفی تاج‌زاده از خدمات دولتی به دست او رسید، تا بی‌هیچ فوت وقتی او از گردونه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری به کناری رانده شود.

راستی که نشانه‌گیری از این بهتر نمی‌شد!...

و دیگر... پایان.

بابک داد

۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۰

نمایه

آبادان ۲۸۲	اخوان، بهمن ۱۱۳
آرمین، محسن ۳۰، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۶۱، ۲۳۵	اراک ۸۳، ۹۹، ۲۱۱
آزادی ۱۹۱	اردبیل ۴۲، ۲۸۲
آزرمی ۱۳۲	اردشیری، حمیدرضا ۶۹، ۲۱۶
آشتیان ۱۱۳، ۱۱۴	ارسطو ۱۴
آیت‌الله:	ارومیه ۲۸۲
~ آزرمی ۳۴، ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۶۸، ۶۹، ۷۷، ۷۸، ۹۴، ۱۱۵، ۱۴۴	استان فارس ۲۰، ۱۲۵
۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۲۷۱، ۲۹۱	اسلام ۱۶۹
۲۹۲، ۲۹۸، ۳۵۰؛ ~ استادی ۲۸۶؛ ~	اسلامشهر ۳۸، ۱۰۸، ۱۴۸، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۴
بهشتی ۱۷۲؛ ~ جنتی ۲۸، ۲۹، ۴۹، ۵۲	اسماعیلی، حسن ۱۱۳
۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۸، ۸۳، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۶	اصفهان ۲۱۴، ۲۳۴، ۲۸۲
۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹	اعلمی، اکبر ۳۳
۱۴۰، ۱۸۰، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۲	افخمی، بهروز ۴۲
۲۱۳، ۲۱۸، ۲۲۹، ۲۵۳، ۲۷۲، ۳۱۵	الحیات (روزنامه) ۲۲
۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰	الشتر ۲۴
۳۵۱؛ ~ خامنه‌ای ۲۷، ۲۹؛ ~ رضوانی	الله‌کرم، حسین ۴۴
۲۵۴، ۲۶۲؛ ~ طاهری خرم‌آبادی ۲۵۵؛	امامی‌راد، علی ۱۳۷
~ هاشمی شاهرودی ۲۹، ۴۰، ۴۸، ۱۰۷	امانی، محمدعلی ۱۳۷
۱۲۶، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۰۹	امیرکبیر ۱۳
۲۲۷؛ ~ هاشمی شاهرودی ۱۵۶؛ ~ یزدی	امین‌زاده، محسن ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۳۵
۲۶۲	امینی، سیدابراهیم ۱۶۷
آیت‌اللهی ۷۹، ۲۶۰	انتخاب (روزنامه) ۱۵۲
احمدنژاد، محمود ۶۹، ۲۱۶	انجمن اسلامی دانشجویان علوم پزشکی ۳۴۷
	انقلاب اسلامی ۱۹

انگلستان ۳۴۷
 انواری، حسین ۲۹۹
 اوین ۲۳۵
 اهواز ۲۸۲، ۱۳۷
 ایران ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۴۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۸۲، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۳۴، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۶، ۳۴۷
 ایران (روزنامه) ۱۹۹
 ایرنا ۳۸، ۴۶، ۵۲، ۵۴، ۶۰، ۹۱، ۱۱۴، ۱۳۵، ۲۵۹، ۲۶۲
 ایسنا ۳۱، ۶۰، ۶۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۷
 ایلام ۴۱
 بادامچیان، اسدالله ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۷۰
 بازارگان، مهدی ۱۷۱
 باهنر، محمدجواد ۱۷۱
 باهنر، محمدرضا ۲۲
 بروجرد ۲۴
 بندرعباس ۴۳، ۴۴
 بنی صدر، ابوالحسن ۱۷۱
 بوشهر ۲۸۲
 بهروزی، مریم ۱۳۷

تهرانی، خسرو ۲۳۵

جاسبی، عبدالله ۲۲
 جام جم (روزنامه) ۱۵۱
 جامعه مدنی ۴۶
 جام (نشریه) ۴۳
 جبهه دوم خرداد ۲۲، ۴۰، ۴۵، ۱۲۵، ۱۳۷
 جبهه مشارکت ایران اسلامی ۱۵۶، ۱۶۶، ۲۰۵
 جمعیت مؤتلفه اسلامی ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۴۷، ۱۳۷، ۱۷۰

پرورش، علی اکبر ۶۵، ۶۶
 تالار وحدت ۲۳۴
 تبریز ۲۳، ۲۱۴، ۲۸۲
 تفرش ۱۱۳، ۱۱۴
 توسلی، حامد ۵۲، ۵۳، ۲۲۸
 تهران ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴

- جمهوری اسلامی (روزنامه) ۶۷، ۲۲
جنتی، مهدی ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵
جواهری پور، نصرت‌الله ۱۴۴
جهرمی، افتخار ۱۴۴
- چشم‌انداز ۱۹۸
- حافظ ۱۹۰
حجاریان، سعید ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۳۵
حجت‌الاسلام:
- رئیسی ۳۹؛ - معادیخواه ۲۳۵؛ - موسوی
لاری ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۱،
۶۴، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۹،
۱۵۶، ۱۶۷، ۲۳۵، ۳۴۵؛ - میردامادی
۱۹۰
حداد عادل، غلامعلی ۸۷، ۱۰۱، ۱۲۹،
۱۶۵، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۸۳، ۳۳۳، ۳۳۷
حزب:
- اسلامی کار ۱۶۵؛ - جمهوری اسلامی
۱۷۱؛ - کارگر ۱۵۶
حسین‌آبادی، امیر ۵۳، ۷۷، ۸۵، ۸۹، ۹۰،
۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶،
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،
۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۸۷
حضرت علی(ع) ۲۸۱
حضرتی، الیاس ۳۱، ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۴۳،
۲۶۳، ۲۷۷
- خاتمی، سیدمحمد ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۵۹، ۶۲،
۶۴، ۶۵، ۶۶، ۹۲، ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۴۶،
۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۲۶،
۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۳۴۵
خاتمی، محمدرضا ۶۳، ۱۵۶، ۱۵۷
خاطرات سررید ویلیام بولارد ۳۴۷
خرم‌آباد ۲۳، ۲۴، ۳۹، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵،
۱۷۲، ۲۰۷، ۳۳۳
- خسروی، رحمت‌الله ۱۴۵
خلخال ۱۷۲
خیابانی، موسی ۱۷۱
- دادسرای ویژه روحانیت ۱۳۸
دادفر، محمد ۱۵۴
دادگاه:
- انقلاب اسلامی ۱۴۳؛ - حادثه خرم‌آباد
۲۱؛ - عمومی تهران ۵۲، ۶۸، ۱۷۵، ۲۸۷،
۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۰، ۳۳۵؛ - کنفرانس برلین
۲۰، ۶۷؛ - ویژه روحانیت ۵۲، ۱۴۹،
۲۸۱
دادگستری تهران ۳۸، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۲،
۶۷، ۶۹، ۷۲، ۱۴۱، ۲۰۸، ۲۹۲
دانشجویان حزب‌الله (نشریه) ۴۴
دانشگاه آزاد اسلامی ۲۲
دری نجف‌آبادی، قربانعلی ۷۹
دقیقی، محمدرضا (قاضی) ۳۳، ۴۸، ۵۲،
۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۴،
۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶،
۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۸، ۱۰۲،
۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳،
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸،
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۷،
۱۴۹، ۱۷۸، ۲۲۱، ۲۲۵، ۳۱۳، ۳۱۴،
۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۱،
۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹،
۳۳۵، ۳۴۰
- دکتر مصطفوی ۵۵
دماوند ۸۴، ۲۶۰
دموکراسی ۱۲۶
دوران امروز ۲۵، ۴۳، ۴۴، ۱۵۲، ۱۵۸
دولت‌آباد ۲۶۴
- راستگوی ملات‌آبادی، قنبر ۵۰
رجایی خراسانی، سعید ۸۱، ۲۵۶، ۲۸۴

- رجایی، علیرضا ۸۱، ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۶۵، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۸۴
- رحمانی، علی اکبر ۱۰۱، ۱۲۸، ۲۷۷
- رحمانی، علیرضا ۲۶۶
- رسالت (روزنامه) ۲۵، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۶۵، ۶۶، ۷۹، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۶
- رشیدیان، محمد ۱۵۷
- رضایی بابادی، ابراهیم ۹۰
- رضایی، محسن ۲۲
- رمضان زاده، عبدالله ۲۳
- زاهدان ۲۸۲
- زمستان اصلاحات ۱۹، ۲۰
- زندادان اوین ۱۷۱
- سازگارنژاد، جلیل ۴۰، ۴۱
- سازمان:
- ~ بازرسی کل کشور ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۸، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۸۱، ۲۰۷، ۲۲۹، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴؛ ~ مجاهدین انقلاب اسلامی ۲۱، ۳۰، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۵۲، ۲۰۵، ۲۳۴؛ ~ مجاهدین خلق ۱۷۱
- ستاد انتخابات کشور ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۵۱، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۹۲، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۹، ۳۱۰
- سرحدی زاده، ابوالقاسم ۱۵۶
- سعدی ۱۹۰
- سعیدی، میثم ۱۶۷
- سلیمانی، بهیار ۳۱
- سلیمانی، داود ۳۱
- شجاعی، زهرا ۱۴۴
- شرکت:
- ~ پتسا ۱۳۲؛ ~ کامپیوتری مدیر سامانه ۸۷، ۸۸، ۹۱، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۲، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۲
- شریعتمداری (وزیر بازرگانی) ۱۰۷
- شریعتی، علی ۲۳۴، ۲۴۸
- شریفی، عبدالله ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۸۵، ۸۷، ۹۲، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۲۰۸، ۳۴۶، ۳۴۷
- شما (نشریه) ۱۷۰، ۱۷۱
- شمیرانات ۳۸، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۴
- شورا:
- ~ ی امنیت کشور ۲۴؛ ~ ی تأمین استانها ۶۴، ۶۵؛ ~ ی عالی امنیت ملی ۶۵، ۱۰۷؛ ~ ی مرکزی مجمع نیروهای خط امام ۱۵۷؛ ~ ی نگهبان ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶

- ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۳
- شوستر ۲۸۳
شهری ۱۰۸، ۱۴۸، ۲۶۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۴
شیخ عطار، علیرضا ۲۶، ۳۲۱، ۳۱۸، ۳۲۲
شیراز ۲۱، ۲۱۰، ۳۲، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۸۲
صدای عدالت (نشریه) ۱۷۰
طاهری ۷۹، ۱۰۹، ۲۶۰
ظفرزاده، علی ۳۲
عبایی خراسانی، محمد ۱۶۷
عسکراولادی، حبیب‌الله ۲۲، ۴۷
عصر ما (هفته‌نامه) ۳۰، ۱۵۶، ۱۶۲، ۲۳۵
علی حسینی، محمدرضا ۳۳، ۴۰
علیزاده، عباسعلی ۵۱
عیسایی، شمس‌الدین ۵۱
غفوری، منصور ۲۶، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۱، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۹۵
فراکسیون ائتلاف خط امام ۴۰
فرمانداری تهران ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۶۸، ۶۹
- ۷۷، ۹۲، ۱۱۱، ۲۱۶، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۴۳
فسا ۳۱
فلاحیان ۲۲، ۲۸۴، ۲۸۶
فیروزکوه ۸۴، ۲۶۰
فیگارو (مجله) ۲۰
قائنات ۴۲
قانونگرایی ۱۷۰
قتلهای زنجیره‌ای ۲۲، ۶۷
قدس (روزنامه) ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۶۳، ۲۱۷، ۲۲۹، ۲۷۵، ۲۷۶
قربانی، موسی ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۱۵۷
قزوین ۴۲، ۱۲۵
قم ۱۲۵، ۱۵۲
قوامی، سیدناصر ۱۲۵، ۱۳۶
قوچان ۳۰
قوه:
- قضائیه ۲۰، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۱۳، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۴۱؛ - مجریه ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۱۸؛ - مقننه ۱۲۵
کار و کارگر (روزنامه) ۲۶۲
کالیفرنیا ۲۳۴
کتابخانه ملی ایران ۱۶۰
کدیور، جمیل ۳۲
کردان ۱۵۴، ۱۵۵
کرمان ۶۴، ۲۸۲
کروبی، مهدی ۳۱، ۳۳، ۷۶، ۱۴۲، ۱۴۳، ۲۶۶
کنفرانس برلین ۲۱۵

- کیانوش راد، محمد ۱۳۷
 کیهان (روزنامه) ۴۳، ۴۴، ۶۳، ۷۸، ۱۵۹، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۶۲
 گچساران ۲۳۰
 گرگان ۲۸۲
 گل آقا (نشریه) ۴۹
 گناباد ۳۴۷
 گنبد ۳۴۶
 گنجی، اکبر ۶۷
 گیلان ۳۴۸
 لاریجانی، محمدجواد ۲۵، ۲۶، ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۶۱
 لرستان ۲۴
 لطفی، مرتضی ۱۴۵
 مجاهد (نشریه) ۱۹۸
 مجلس:
 - ایثارگران ۱۲۷؛ - خبرگان ۱۸۳؛ - شورای اسلامی ۲۰، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۳۹، ۶۸، ۶۹، ۷۶، ۹۰، ۹۸، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۸۳، ۲۰۵، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۳۸
 مجمع:
 - تشخیص مصلحت نظام ۲۲، ۱۴۱، ۲۸۴، ۲۸۶؛ - دانشجویان پیرو خط امام ۳۴۸
 محافظه کاران ۲۰
 محبیان، امیر ۴۶، ۱۳۸
 محتشمی پور، علی اکبر ۱۰۱، ۱۲۹، ۲۷۰
 محسنی اژه‌ای ۲۸۱
 مدبر سامانه (شرکت) ۶۹
 مروی، هادی ۳۹، ۴۲
 مسجد جامع ۲۶۴
 مشارکت (روزنامه) ۲۵۵
 مشهد ۳۲، ۱۶۷، ۲۱۴، ۲۸۲، ۳۴۶
 مصطفوی، مهدی ۸۹، ۱۰۹، ۳۲۱، ۳۲۲
 منتجب‌نیا، رسول ۱۴۳، ۲۸۳
 موسوی بجنوردی، کاظم ۱۴۴
 موسوی، میرحسین ۲۱۵
 میرزا صالح، غلامحسین ۳۴۷
 میر محمدی، سید محمد ۱۵۲
 نبوی، بهزاد ۴۱، ۱۴۳
 نصیری، حسین ۲۳۵
 نظری، فرهاد ۵۴، ۶۳
 نوری، عبدالله ۲۳۵
 نهاوند ۳۳، ۴۰
 واحد مرکزی خبر ۱۴۲، ۲۰۴
 وزارت:
 - فرهنگ و ارشاد اسلامی ۸۸؛ - کشور ۱۷۹، ۲۲۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۳۱۶، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳
 وکیلی، سعید ۱۰۸
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر ۲۲، ۱۰۰، ۱۲۸
 هاشمی، سید طه ۱۵۲
 هاشمی، مهدی ۱۷۲
 همبستگی (روزنامه) ۴۷، ۱۵۷
 همدان ۲۰، ۳۲، ۱۲۵
 همشهری (روزنامه) ۱۵۷، ۱۶۰
 هیأت:
 - بازشماری ۵۶، ۷۹، ۸۳، ۸۶، ۸۹، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۴۹؛ - تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی ۲۴
 یاری، علی ۴۱
 یالثارات (نشریه) ۴۸
 یحیوی، سید محسن ۲۰
 یزد ۲۸۲

People's Vote

**The Trial and Defence of
Sayed Mostafa Taj-zadeh**

**as Related by
Bâbak Dâd**



**Tarh-e Nô
Tehran 2001**



محاكمه سيدمصطفی تاج زاده، یکی از سریعترین محاکمات سالهای اخیر به شمار می رود که به رغم بزرگی اتهامات و حجم سنگین پرونده او، در کوتاهترین زمان ممکن مورد رسیدگی قرار گرفت و از این منظر، انصافاً یک رکورد منحصر به فرد از خود به جای گذاشت.

رسیدگی به این پرونده، آنچنان سریع و با رعایت زمانبندی بی نظیری صورت گرفت، که نمونه چنین سرعتی را در کمتر پرونده دیگری می توان از دستگاه قضایی کشورمان به یاد آورد. زمانبندی کار، آنچنان بود که گویی حتی روی دقایق نیز حساب شده بود. آنگونه که محاکمه، صدور حکم اولیه و حتی کار تجدید نظر، آن طور صورت پذیرفت که درست در اولین روز ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری ۸۰، حکم انفصال سيدمصطفی تاج زاده از خدمات دولتی به دست او رسید، تا بی هیچ فوت وقتی او از گردونه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری به کناری رانده شود. راستی که نشانه گیری از این بهتر نمی شد!...

